

هزار و یک چرا



شامل:
نامگذاری ها
دینی
عمومی

علی سالک



خزار و یک چرا

با اصلاحات و اضافات و ویراستاری جدید

علی سالک

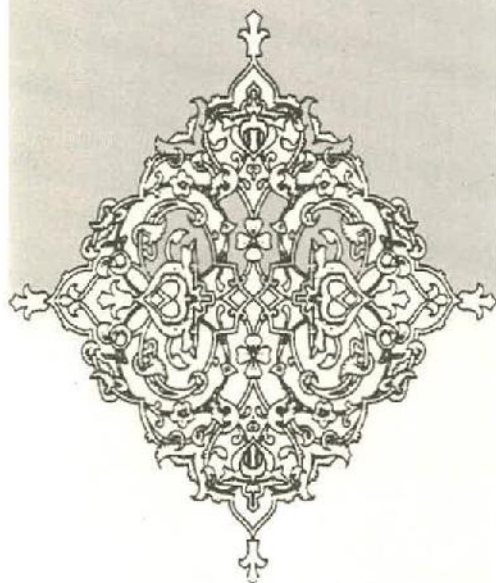
تقدیم به:

کوشش قرآن، صدیقه کبری، اہم ایہا، فاطمہ زہرا علیہا السلام و کریمہ

اہل بیت حضرت فاطمہ معصومہ علیہا السلام و بہ جمیع شہدا (خصوصاً شہدای استان یزد بوثرہ

شہدای شهرستان مہریز) و بہ پدر مرحوم و مادر مہربانم کہ در راہ تربیت و تحصیل اینجانب

بسی زحمہا را متحمل گشتند.



فهرست مطالب

مقدمه	۹
انواع فلسفه احکام	۹
۱. فلسفه‌های روشن و آشکار	۹
۲. فلسفه‌های علمی	۱۰
۳. فلسفه‌های دینی	۱۰
فصل اول: علل نامگذاری ها	۱۳
فصل دوم: دینی	۱۱۵
توحید	۱۱۷
قرآن	۲۰۳
نبوت	۲۳۳
امامت	۲۶۹
بزرگان دین	۳۱۵

۸..... هزار و یک چرا؟

معاد..... ۳۲۹

واجبات..... ۳۴۳

محرمات..... ۴۰۷

مکروهات..... ۴۳۱

اخلاقی..... ۴۴۹

زنان..... ۴۸۳

فصل سوّم: عمومي..... ۵۰۷

مقدمه

نسل امروز، از یک سو، با پیشرفت دانش، رشد اندیشه و نوآوری و نوخواهی رو به روست و از سوی دیگر، اهل کاوش و تحقیق، پرسش و پاسخ و منطق و استدلال است و می‌خواهد مکتبی انتخاب کند که نیازهای مادی و معنوی‌اش را برآورده سازد و به پرسش‌های دینی و علمی و فکری‌اش پاسخ گوید.

در این بین «مذهب به عنوان یک «راه» و «تکیه‌گاه» فکری و عملی، مورد توجه او بوده است. انسان، در توجه به دین، گاه با پرسش‌هایی در مورد برخی از احکام و مقررات رو به رو می‌شود، از قبیل این که، چرا باید نماز خواند، روزه گرفت و خمس داد؟ چرا خوردن مشروبات الکلی و گوشت خوک حرام است؟ چرا نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت و نماز ظهر و عصر و عشا چهار رکعت است؟ و چرا...؟ این پرسش‌ها، پرسش از «فلسفه احکام» است که امیدواریم به خواست خداوند به بیان انواع آن، تشنگان حقیقت سیراب گردند، و پیوندگان طریق انصاف، و صداقت به سرسبز مل مقصود رهنمون شوند.

انواع فلسفه احکام

۱. فلسفه‌های روشن و آشکار

حکمت بعضی از احکام از همان آغاز ظهور اسلام برای همه مردم روشن و آشکار بود. ولی شارع مقدس اسلام، برای این که همه مردم را به رعایت این احکام موظف کند، به آن‌ها شکل قانونی و شرعی بخشید، مانند وجوب رد امانت و حرمت دروغ و...

۲. فلسفه‌های علمی

احکام و مسائلی وجود دارد که بشر به سبب پیشرفت‌های علمی به برخی از فلسفه‌ها و حکمت‌های، هر چند «احتمالی» آن‌ها پی برده است. مانند اثرات زیان بار جسمی و روحی مشروبات الکلی که «برخی» از حکمت‌های حرمت آن را می‌توانیم از این اثرات دریابیم. یا از نظر علم امروز ثابت شده است که گوشت خوک از نظر طبعی و بهداشتی دارای میکروب «برتولیسیم» است و در بدن ایجاد مسمومیت می‌کند. این گوشت هم چنین تولید کننده کرم «تریشین» است که زاد و ولد بسیار دارد، گلبول‌های سرخ را از بین می‌برد، انسان را دچار کم‌خونی و التهابات عضلانی می‌کند و به سوی مرگ می‌کشاند. از سوی دیگر، این گوشت کرم «تنیاسلیوم» تولید می‌کند که در معده از «کیست» بیرون می‌آید و بیماری به وجود می‌آورد.

۳. فلسفه‌های دینی

الف) دسته‌ای از احکام وجود دارد که در منابع دینی به برخی از اسرار و حکمت‌های آن اشاره شده است. اما برای تمام مردم آشکار نبوده است.

ب) حکمت بسیاری از احکام و قوانین شرعی در زمان بعثت روشن نبود و در آیات و روایات بدان اشاره نشده است و دانش بشری نیز تاکنون بدان پی نبرده است مانند این که چرا در وضو باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست. پاسخ این پرسش‌ها آشکار نیست. ولی روشن است که احکام و قوانین الهی دستورهایی است که پیامبران و پیشوایان دین از طرف خداوند متعال برای سعادت و خوشبختی بشر به ارمغان آورده‌اند.

آنان که خداوند را «علیم» و «حکیم» می‌دانند و اعتقاد دارند که اوامر خدا به خاطر مصلحت و نفع بندگان و نواهی او برای پیش‌گیری از مفسده و زیان آنان است، احکام و قوانین الهی را از روی «تعبد» می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند، اگر چه حکمت و فلسفه آن را هم ندانند پس «تعبد» به این معنی نیست که قوانین و مقررات الهی خالی از هرگونه مصلحت و حکمت، بوده است و تنها دستور اختراعی محض است، بلکه تعبد یعنی هر حکم و قانونی که ثابت گردد از ناحیه دین و شارع مقدس اسلام صادر شده است باید به آن عمل شود، اگر چه حکمت و مصلحت آن برای انسان روشن و آشکار نباشد. بنابراین، از نظر مکتب اسلام، تعبد محض به این معنا که احکام و مقررات الهی خالی از هرگونه حکمت و مصلحت باشد وجود ندارد. پس تعبد بدین معناست که قوانین و احکام الهی از علم بی‌پایان خداوند متعال سرچشمه گرفته است و شخص متعبد به وجود حکمت و مصلحت در احکام و لطف و مهربانی خدای بزرگ ایمان و اعتقاد دارد.

البته عمل از روی تعبد بدین معنا نیست که نباید در فلسفه احکام به تحقیق پرداخت، زیرا بدون شک هر فردی از این حق برخوردار است که با تمام وسائل ممکن برای آگاهی از اسرار و فلسفه احکام و قوانین الهی کوشش کند همان گونه که در برخی از آیات و روایات به پاره‌ای از فلسفه احکام از قبیل نماز و زکات اشاره شده است. مانند «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» نماز را به پای دار، زیرا نماز بازدارنده «انسان» از بدی‌ها و زشتی‌هاست. امام رضا (ع) در فلسفه وجوب زکات می‌فرماید: «إِنَّ عَلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قِيَمَةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ الْأَغْنِيَاءِ» علت زکات برطرف شدن نیازمندی‌های تهیدستان و محفوظ ماندن اموال توانگران است. ولی هرگز نباید انتظار داشت که با معلومات محدود و ناقص بشری به تمام جزئیات اسرار و فلسفه احکام دست یافت، زیرا چنین انتظاری انسان را در اشتباهی بزرگ می‌افکند و موجب می‌شود هر کس با دست نیافتن به فلسفه احکام، حکمت و مصلحت آن‌ها را نفی کند و از عمل به آن سرباز زند، در حالی که «نیافتن دلیل بر نبودن نیست». با توجه به آنچه گفته شد لازم است نکاتی تذکر داده شود:

۱. علت‌هایی که در برخی از آیات و روایات وارد شده، بیش‌تر «یکی» از فلسفه‌ها و فوائد و حکمت‌های حکم مذکور است نه همه آنها.

۲. احکام را باید برای «عبودیت» و «خشنودی» پروردگار و «تسلیم» امر خدا بودن انجام داد نه بخاطر «فلسفه» آن‌ها. شاید یکی از عللی که پیشوایان دین در فلسفه احکام و جزئیات آن کم‌تر وارد شده‌اند، بدین جهت بوده است که احکام و مقررات اسلامی حالت تعبد و تقدس داشته باشد و به عنوان قوانین «الهی» و «مقدس» پیروی شوند و روح عبودیت و ایمان و اطاعت در انسان و جوامع انسانی رشد یابد.

۳. در فلسفه احکام باید کاملاً از فلسفه بافی‌های «ذوقی» و «نظریات شخصی» خودداری کرده، مثلاً اذان را وسیله‌ای برای تقویت تارهای صوتی و روزه را رژیمی برای لاغر شدن و رکوع و سجود را دستوری برای بهداشت ستون فقرات و پیش‌گیری از بیماری سیاتیک ندانیم.

۴. به سبب محدودیت دانش بشری، در هر عصری می‌توان تنها «برخی» از حکمت‌ها و اسرار الهی را دانست نه «تمامی» آن‌ها را. پس نباید اطاعت از قوانین دینی و احکام الهی را به درک فهم فلسفه آن‌ها مشروط کنیم، زیرا بحث و گفت و گو از حکمت احکام و تحقیق در باره آن‌ها برای آشنائی بیش‌تر با ارزش و اهمیت و آثار و فوائد آن‌هاست، نه برای این که دریابیم آیا باید به احکام عمل کنیم یا خیر؟

۵. در بیان فلسفه احکام فقط به دو اصل می‌توان تکیه کرد (الف) به علت‌ها و حکمت‌هایی که از طریق «آیات» و «روایات» به ما رسیده است (ب) به فلسفه‌هایی که از نظر علم و خرد به


طور «قطع» و «یقین» ثابت شده است، ولی نه به عنوان فلسفه منحصر و تام و نهائی.

بنابر این به علت‌هایی که در حد احتمال یا گمان است نمی‌توان تکیه کرد.

اینجانب سعی و تلاش کرده تا حد الامکان دلیل قانع کننده‌ای برای پرسش‌ها بیاورم و اعتقاد دارم که جواب‌های دیگری هم احتمالاً است خصوصاً در بخش احکام و مسائل دینی، چون دین مربوط خدای لایتناهی است و خیلی از علت‌هایی که برای احکام و دستورات دین ذکر کرده‌اند در حد حکمت نه «علت تامه» می‌باشد لذا خواننده محترم نباید تصور کند که احکام دین فقط و فقط برای همین علت و حکمت، واجب یا مستحب شده است بلکه احتمال ادله دیگری هم برای آن حکم وجود دارد که فعلاً بشر دسترسی به آن پیدا نکرده و یا اینکه از دسترسی به آن عاجز و ناتوان است.

از آنجائی که «كُلَّمَا أَلِفَ أَوْ صُنِفَ قَدْ اسْتَهْدَفَ» می‌دانم که این کتاب نیز هدف اعتراضات و اشکالات قرار می‌گیرد چه آنکه جز کلام الله مجید و خطبات و ادعیه بعضی از پیشوایان عالیقدر اسلام و اخبار ائمه علیهم‌السلام، هر کتابی قابل اعتراض و اشکالات است، ولی اشکالات را باید از راهش حل نمود. راهش این است که بطور مستقیم، شفاهاً یا کتباً با مصنف یا مؤلف تماس گرفت و او را به اشتباهاتش مطلع ساخت تا اگر اشکالاتش مورد قبول واقع شد در چاپ‌های بعدی حک و اصلاح گردد نه آنکه در هر مجلس و محفلی طبل اعتراضات خویش را نسبت به کتاب مؤلف و یا مصنفی، کوفته و ناقوس اشکالاتش را بنوازد. و اینجانب از ارشادات و انتقادات سازنده شما خوانندگان عزیز استقبال می‌نمایم.

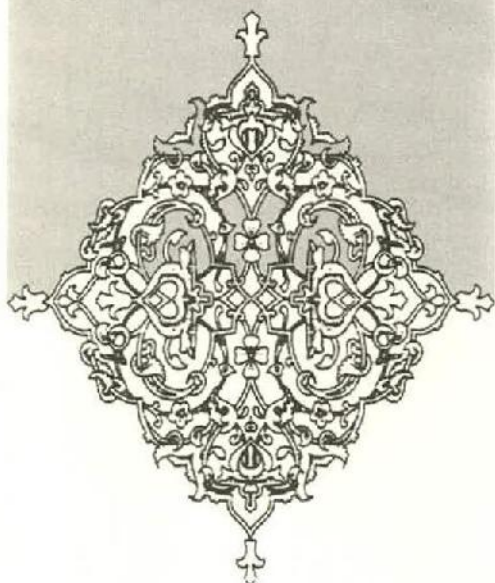
امیدوارم این بضاعت مزجات مورد قبول درگاه الهی واقع گردد و ثوابش ذخیره‌ای برای عالم عقابیم گردد.



فصل اول

علل ناکنداری ها





چرا به خدا، خدا می‌گویند؟

اصل واژه «خدا»، «خود آمده» یا «خود آغاز کننده» است سپس مخفف گردیده و خدا شده است، (به این معنی که پدیده‌ای نیست تا پدید آورنده خواسته باشد بلکه ذاتش چنین است که از ازل بوده است برخلاف مخلوقات عالم که از اول نبوده‌اند و خدا آنها را پدید آورده است) در پهلوی خدا به معنی «خواتای» شاه (و آفریدگار جهان) است. بعضی نیز این کلمه را از اوستایی (xvadhaya hudyaya) مشتق دانسته‌اند.

و بعضی در وجه اشتقاق خدا گویند:

در پهلوی متأخر **xvatay**

و در پهلوی اشکانی **xvatadh**

و در پازند **xvadai** می‌باشد.^۱

چرا به خدا، الله می‌گویند؟

لفظ «الله» مشتق از «اله» است مثل فیال - مصدر به معنی مفعول و به معنی معبود می‌باشد. بعضی گفته‌اند، از «وله» یا «اله» مشتق است به معنی تحیر. خدا را از آن جهت «اله» گویند، که عقول از درک ذات او متحیر است.^۲

چرا به خدا، صمد می‌گویند؟

کلمه «صمد» به معنی قصد کردن و یا قصد کردن با اعتماد است و چون در آیه قرآن مطلق آمده است به معنی «سید و بزرگی که از هر سو به جانبش قصد می‌کنند تا حوائجشان را بر آورد، است و چون خدای تعالی سید و بزرگی است که تمامی موجودات عالم در تمامی حوائجشان او را قصد می‌کنند به او صمد می‌گویند.

بعضی از مفسران گفته‌اند: کلمه «صمد» به معنی چیز تو پری است که جوفش خالی نباشد و در نتیجه نه بخورد و نه بنوشد و نه بخوابد و نه بچه بیاورد و نه از کسی متولد شود. بنابراین تفسیر، جمله «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» تفسیر کلمه «صمد» خواهد بود.^۳

چرا به خدا، ربّ العرش می‌گویند با اینکه او ربّ همه چیز است؟

چون شأن و منزلت عرش، عظیم است و زمانی که خداوند، ربّ عرش با آن عظمت باشد پس ربّ پایین تر از آن هم می‌باشد.^۴

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۲۰، ص ۳۰۲.

۲. ستاد تفسیر قرآن، ص ۶۷؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۹۱.

۳. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۷۲-۶۷۱.

۴. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۱۳۰.

❖ چرا به پیامبران اولوالعزم، اولوالعزم می‌گویند؟

«اولوا» به معنی صاحبان و «عزم» هم به معنی عزیمت و اراده محکم است و چون این پیامبران اراده کردند تا شریعت و کتاب پیامبر قبل از خود را ترک کرده و خود شریعت و کتاب جدیدی بیاورند به آنها اولوالعزم می‌گویند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زمانی که خداوند بر محمد و اوصیای او عهد و پیمان گرفت این‌ها عزم خود را جزم کردند و اقرار بر این مطلب نمودند.

و امام رضا علیه السلام می‌فرماید: چون این پیامبران صاحب عزائم و شرایع بودند.^۱

عزم به معنی اراده محکم و استوار است و چون این پیامبران صاحب شریعت جدید و آئین تازه با مشکلات و گرفتاریهای بیشتری روبرو بودند و برای مقابله با آن، عزم و اراده محکم‌تری لازم داشتند به آنها اولوالعزم می‌گویند.^۲

استاد مصباح یزدی گویند: علت آنکه بعضی از پیامبران، اولوالعزم شدند بجهت دو ویژگی است ۱- صبر و استقامت ۲- کتاب و شریعت مستقل.

و پیامبران معاصر یا متاخر، از شریعت آنان تبعیت می‌کرده‌اند.^۳

❖ چرا به پیامبر، نبی می‌گویند؟

چون نبی از «نبوه = شیء مرتفع» است و در اینجا به معنی انسان بلند مرتبه می‌باشد و یا از نبأ به معنی خبر است و در اینجا به معنی کسی است که از جانب خدا خبر می‌دهد و یا نبی به معنی راه روشن است به این معنی که پیامبر راه روشنی به سوی خدا می‌باشد.^۴

❖ چرا به آدم ابوالبشر، آدم می‌گویند؟

زیرا جسدش از ادیم زمین است یا بخاطر اینکه در رنگش سمره ای بوده است یا چون از عناصر مختلفه و قوای متفرقه خلق شده است. و یا از اِدام (خورشت) است و اِدام به چیزی گفته می‌شود که غذا با آن رنگ و بو می‌گیرد و از این جهت به آدم، آدم می‌گویند که خلقتش رنگ و بو گرفته از روحی که خداوند در او دمیده است.^۵

چون از ادیم الارض (یعنی ما یَظْهَرُ مِنَ الْأَرْضِ = خاک) خلق شده است.^۶

۱. علل الشرایع، ص ۱۲۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۷۸.

۳. آموزش عقاید، استاد محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۰۸.

۴. اینصاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۱.

۵. مفردات راغب، ص ۷۰.

۶. علل الشرایع، ص ۱۴.

❁ چرا به یکی از پسران حضرت آدم(ع)، هبة الله می گویند؟

زیرا خداوند به حضرت آدم(ع) وحی کرد که من پسری به تو می دهم تا جای هابیل را بگیرد، چیزی نگذشت که حوا پسری پاک و پر برکت بزاد، روز هفتم میلاد آن پسر، خدای تعالی به آدم وحی کرد که ای آدم این پسر هبه و بخششی است از من به تو، بنابر این او را هبة الله نام بگذار و آدم (ع) چنین کرد.^۱

❁ چرا به حضرت ابراهیم، ابراهیم می گویند؟

اصل ابراهیم «هَمَّ فَبَرَّ» است یعنی همت گماشت پس نیکی کرد یا اصل آن «هَمَّ بِالْآخِرَةِ وَ بَرَّ مِنَ الدُّنْيَا» است یعنی به آخرت همت گماشت و از دنیا بریء شد بعد تخفیف داده شد و به صورت ابراهیم در آمد.^۲

بنابر قولی اصل ابراهیم «اَبْرَام» بوده «اب» به معنی پدر و «رام» به معنی بلند مرتبه و خداوند در سن ۹۹ سالگی نام او را به ابراهیم (پدر اقوام) تبدیل کرد.^۳

❁ چرا به حضرت ابراهیم، خلیل الله گویند؟

حضرت ابراهیم علیه السلام می فرمایند: به سه علت من خلیل الله شدم:

اول: فرمان خدا را به دستور دیگران ترجیح دادم.

دوم: بر چیزی که خدا کفایت کرده بود (مانند روزی) همت نگماشتم.

سوم: هرگز بدون مهمان غذا نخوردم.^۴

امام صادق می فرمایند: «لَكثَرَةُ سُجُودِهِ عَلَى الْأَرْضِ».^۵

یعنی حضرت ابراهیم به آیین جهت خلیل الله شد چون زیاد بر زمین سجده می کرد.

امام هادی علیه السلام می فرمایند: خدای تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید، چون او بر محمد و

آل محمد زیاد صلوات می فرستاد.^۶

امام رضا علیه السلام می فرمایند: چون احدی را رد نکرد و از غیر خدا درخواست ننمود.^۷

❁ چرا به حضرت ابراهیم علیه السلام، ابوالضیفان می گویند؟

۱. المیزان، ج ۵، ص ۵۲۲؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. علل الشرایع، ص ۳۴.

۳. ادیان بزرگ، ص ۷۳، حسین توفیقی.

۴. کشکول محمد منتظری، ج ۲، ص ۴۳۶.

۵. علل الشرایع، ص ۳۴.

۶. نسخه شفا، ص ۱۸۲، ولی فاطمی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۳.

۷. اخلاق انبیا از آدم تا خاتم، ص ۱۱۷.

ابوالضیفان یعنی پدر میهمان‌ها و چون حضرت ابراهیم علیه السلام (علاقه زیادی به میهمان داشت) هرگاه می‌خواست چیزی بخورد بقدر یک میل یا دو میل راه بیرون می‌رفت تا کسی را بیابد و با او غذا بخورد از این جهت او را ابوالضیفان نامیدند.^۱

✽ چرا به حضرت اسماعیل علیه السلام صادق الوعد می‌گویند؟

شهید دستغیب رحمه الله گویند: این پیامبر به کسی وعده داد که من در این مکانم تا تو بیایی سه شبانه روز و بقول اکثر و اشهر یک سال در آنجا ماند تا او آمد لذا خداوند در قرآن او را به صدق وعده می‌ستاید.^۲

قرآن می‌فرماید:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا».^۳

بیشتر مفسرین گفته‌اند که او فرزند ابراهیم خلیل الرحمان است.^۴

✽ چرا به حضرت یونس، ذوالنون می‌گویند؟

نون به معنای ماهی است و چون ماهی او را بلعید به او ذالنون (صاحب نون) گویند.^۵ ذو به معنی صاحب و نون به معنی ماهی است و این لقب به خاطر آن است که سرگذشت او با داستان ماهی گره خورده شده است.^۶

✽ چرا به حضرت یعقوب، یعقوب گویند؟

یعقوب از عقب است و چون حضرت یعقوب در عقب برادرش «عیص» به دنیا آمد به او یعقوب می‌گویند.^۷

✽ چرا به حضرت یعقوب، اسرائیل می‌گویند؟

اسرا به معنی عبد = بنده و ئیل به معنی الله = خدا است بنا براین، اسرائیل به معنی بنده خدا می‌باشد.^۸

✽ چرا به بنی اسرائیل، بنی اسرائیل می‌گویند؟

۱. معراج السعاده، ۳۳۱.

۲. گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. مریم، آیه ۵۴.

۴. العیزان، ج ۱۴، ص ۸۴.

۵. مفردات راغب، ص ۸۳۰.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۶۲.

۷. علل الشرائع، ص ۴۳.

۸. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۶.

اسرا به معنی «عبد» و «ثیل» به بمعنای خدا است و این لقب حضرت یعقوب می‌باشد و چون بنی اسرائیل از نسل حضرت یعقوب هستند به آنها بنی اسرائیل یعنی فرزندان عبد خدا (یعقوب) گویند.

✽ چرا به یهود، یهود می‌گویند؟

در وجه نامگذاری آن چند قول وجود دارد. ۱. از هود به معنی توبه است چون آنان از پرستش گوساله باز گشتند و توبه کردند. ۲. از یهوذا که نام بزرگترین فرزند یعقوب است گرفته شده که بعد از تعریب، ذال به دال تبدیل شده است. ۳. یهود اسم جمع است که مفردش یهودی است.^۱

یهود مشتق از هدایت می‌باشد همانطور که قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ هَادُوا».^۲

✽ چرا به حضرت موسی (ع)، موسی می‌گویند؟

مو در لغت، به معنی «آب» و «سی» به معنی درخت است و چون فرعون موسی را در حالی که در جعبه‌ای میان آب و درخت بود، گرفت به او موسی می‌گویند.^۳ موسی به معنی بیرون کشیده یا گرفته شده است و چون او را از آب بیرون کشیدند، موسی نام نهادند.^۴

✽ چرا به حضرت موسی (ع)، کلیم الله گویند؟

کلیم یعنی هم سخن و چون حضرت موسی (ع) در کوه طور با خدا هم سخن شد و خداوند با او تکلم کرد به او کلیم الله گویند. (كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا).

✽ چرا به کلیمی‌ها (طرفداران حضرت موسی (ع))، کلیمی می‌گویند؟

کلیمی یعنی کسی که منسوب به حضرت موسای کلیم است و موسی را کلیم الله گویند چون خداوند با او سخن گفت.

✽ چرا به حضرت عیسی (ع)، مسیح می‌گویند؟

چند قول است:

۱. لِسِيَاخْتِهِ فِي الْأَرْضِ (چون برای ارشاد و هدایت مردم در زمین، سیاحت می‌کرد).

۱. تبیان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. علم و دین، ص ۱۲، استاد شیخ علی ربانی (حفظه الله).

۳. علل الشرایع، ص ۵۶.

۴. تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، ص ۴۹۶، حسین عماد زاده.

۲. چون هر صاحب مرض را که مسح می کرد شفا می یافت.^۱
در لغت مسیح به معنای مسح کننده، مسح شده، کسی که پلیدی های روحی و جسمی او با مسح الهی از میان رفته است، می باشد.^۲
راغب در مفردات و ابن منظور در لسان العرب گویند: از این جهت که سیر و سیاحت در زمین داشته، یا بخاطر اینکه بیماران را با دست خود «مسح» می کرد، و آنها را به فرمان خدا شفا می داد.^۳

✽ چرا به حضرت عیسی علیه السلام روح الله گویند؟

زیرا خداوند به واسطه جبرئیل روح خود را در آستین حضرت مریم دمید و حضرت مریم به عیسی حامله شد از این جهت به او «روح الله» گویند.

✽ چرا به حضرت عیسی علیه السلام کلمه الله می گویند؟

زیرا خدا او را با فرمان (کلمه) «کن = باش» آفرید.^۴

✽ چرا به اصحاب حضرت عیسی علیه السلام حواریون می گویند؟

حواریون جمع حواری به معنی یار مخلص و کسی که پیغمبر را یاری می کند، است و چون اصحاب و یاران حضرت عیسی که ۱۲ نفر بودند با خلوص نیت او را یاری می کردند و در واقع رسولانی بودند که دستورهای حضرت عیسی علیه السلام را منتشر می کردند به آنها حواریون می گویند.^۵
حواری از حَوَر به معنای شستن، سفید کردن و هر چیز سفید است.

در نامگذاری شاگردان عیسی علیه السلام به این نام احتمالاتی داده اند ولی آنچه از احادیث به دست می آید این است که حواری بودن آنها، یعنی این که آنها علاوه بر پاکی قلب و روح، در شست و شوی عقاید مردم از خرافات و تطهیر آنان از آلودگی های گناه سعی فراوان داشتند از این رو به این اسم نامیده شدند.
امام رضا علیه السلام می فرمایند: به این دلیل به شاگردان عیسی، حواریون می گویند که آنها، هم خود را از آلودگی به گناه پاک کرده بودند و هم برای پاک کردن دیگران کوشش می کردند.^۶

✽ چرا به ترسایان، نصرانی گویند؟

در دو فرسخی بیت المقدس دهی است که آنرا ناصرة الخلیل می نامند و چون ولادت حضرت

۱. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۱۳.
۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴۲.
۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۴۳.
۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳۸.
۵. فرهنگ عمید، ص ۹۶۲.
۶. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹.

عیسی علیه السلام در آنجا بوده از این جهت به ترسایان (طرفداران حضرت عیسی) نصرانی می‌گویند.^۱

❁ چرا به نصاری، نصاری می‌گویند؟

در آن چند قول است:

۱. منسوب به قریه و ده ناصره که عیسی علیه السلام در آنجا می‌زیسته است.
۲. بدین سبب که آنان با هم کمک و همکاری داشتند.
۳. چون آنها در جواب حضرت مسیح علیه السلام که پرسید «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» گفتند «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» لذا به این اسم نامیده شدند.^۲

❁ چرا به سپاهیان مسیحی، صلیبیون می‌گویند؟

زیرا این سپاه، صلیب (آلتی که بر آن دار می‌زنند) را بر روی سینه‌هایشان نقش می‌کردند.^۳

❁ چرا به حضرت خضر علیه السلام، خضر می‌گویند؟

خضر به معنی سبز و سبزه زار است، نام اصلی او «تالیا» یا «یلایوهن» بوده است و چون همواره بر سبزه زاری می‌نشست و یا آنکه هرگاه بر درختی خشک یا زمینی بایر توقف میکرد آن درخت یا زمین سبز و خرم می‌شد به او خضر می‌گویند.
گویند وی آب حیات خورده و عمر جاودان پیدا کرده است و گاهی گمگشتگان را یاری و راهنمایی می‌کند.^۴ چون حضرت خضر در هر کجا می‌نشست سبز و خرم می‌شد به او خضر می‌گویند.^۵

❁ چرا به حضرت نوح علیه السلام، نوح می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اسم او «عبد الغفار» و «عبد الملک» و «عبد الاعلی» می‌باشد و چون حدود ۵۰۰ سال نوحه و گریه کرد به او نوح می‌گویند: (علت گریه او بخاطر این بود که بر قوم خود نفرین کرد و همه هلاک شدند).^۶

❁ چرا به حضرت نوح، پدر دوم انسان گفته‌اند؟

۱. کشکول محمد منتظری، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳. تاریخ سال دوم راهنمایی ۱۳۸۱.

۴. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۰۲۶.

۵. علل الشرایع، ص ۶۰.

۶. علل الشرایع، ص ۲۸.

چون در طوفان نوح، همه مردم غرق شدند، جز آنان که در کشتی همراه نوح بودند.^۱ لذا نسل بشر بواسطه او زیاد گشت.

✽ چرا به حضرت نوح علیه السلام، شیخ الانبیا گویند؟

یکی از معانی شیخ «کثیر السن» است و چون حضرت نوح سنش از همه انبیای الهی بیشتر بوده است به ایشان شیخ الانبیا گویند.

✽ چرا به حضرت شعیب، خطیب الانبیا می گویند؟

«لفصاحته و علو عبارته و بلاغته فی دعاية قومه الی الایمان برسالته». یعنی: برای فصاحتش و بلندی عبارتهایش و همچنین رسا سخن گفتن در دعوت مردم به ایمان بوسیله رسالت و مأموریتی که داشت.^۲

✽ چرا به ادریس علیه السلام، ادریس می گویند؟

ادریس از درس است و چون حضرت ادریس زیاد درس احکام و مسائل دینی می داد به او ادریس می گویند.^۳

✽ چرا به حضرت ادریس، مثلث النعمة می گویند؟

بدینجهت که او دارای سه منصب بود، سلطنت، حکمت و نبوت.^۴

✽ چرا به هاشم، هاشم می گویند؟

هاشم به معنی شکننده و خرد کننده است و این لقب عمروالعلی پسر عبد مناف و جد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می باشد و چون وی در سال قحطی در مکه شتران خود را می کشت (و برای درست کردن غذا استخوانهای آنها را می شکست) و ترید آبگوشت به مردم می داد ملقب به هاشم گردید. باید دانست بنی هاشم از نسل همین شخص می باشند.^۵

✽ چرا به سید (کسلی که به هاشم جد دوم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منتسب هستند)،

سید می گویند؟

زیرا اینگونه افراد هم از نظر لغت عرب و هم از نظر اصطلاح دارای مقام سیادت می باشند،

۱. تفسیر سوره اسراء، ص ۱۷، قرائتی.

۲. اخلاق انبیا از آدم تا خاتم، ص ۱۹۷.

۳. علل الشرايع، ص ۲۷.

۴. اخلاق انبیا از آدم تا خاتم، ص ۷۲.

۵. فرهنگ عمید، ص ۲۴۷۶.

در لغت سید به کسی که مهتر و دارای صفات نیکویی باشد و در اصطلاح به کسی که از طرف پدری به حضرت هاشم منتهی می‌گردد، گفته می‌شود.^۱

❖ چرا به بعضی از سادات، «طباطبایی» می‌گویند؟

لقب حسن مثنی «طباطبا» می‌باشد. (وی جدّ سادات طباطبایی است) به این جهت ساداتی که منسوب به ایشان هستند، طباطبایی نامیده شدند.^۲

❖ چرا به میرزا، میرزا می‌گویند؟

میرزا مخفف امیرزاده است و این عنوانی است که سابقاً مختص شاهزادگان بوده و در آخر اسم آنها می‌آمده است مثل محمد میرزا. برخی از مردان هم این کلمه را به اول اسم خود اضافه می‌کردند. میرزا به معنی منشی نیز گفته شده است.^۳
در بعضی از مناطق به افرادی که از طرف مادری سید هستند، میرزا می‌گویند.

❖ چرا به حضرت محمد ﷺ، محمد می‌گویند؟

خود ایشان می‌فرمایند: از این رو مرا «محمد» نامیدند که در سراسر زمین ستوده هستم.^۴

❖ چرا به حضرت محمد ﷺ، احمد می‌گویند؟

خود ایشان می‌فرمایند: از این رو «احمد» نامیده شدم که در سراسر آسمان ستوده‌تر از زمین هستم.^۵

❖ چرا به حضرت محمد ﷺ، امین می‌گویند؟

چون مردم عربستان (از دوست و دشمن) از بیم چپاول و غارت و دزدی، اموال خود را نزد او به امانت می‌گذاشتند و او آن اموال را به درستی حفظ می‌کرد از این جهت به امین شهرت یافت.^۶

❖ چرا به حضرت محمد ﷺ، ابن الذبیحین (پسر دو قربانی) می‌گویند؟

چون یک دفعه بنا بود پدرشان «عبدالله» ذبح شود که حضرت عبدالمطلب صد شتر را فدای او قرار داد و دفعه دیگر بنا بود حضرت اسماعیل (از اجداد حضرت محمد) ذبح شود که

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۸.

۲. سوگنامه آل محمد، ص ۲۸۸.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، ص ۲۳۵۱.

۴. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۹.

۵. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۹.

۶. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۷۴.

فدایی از بهشت برای او آمد.^۱

❁ چرا به پیامبر اسلام ﷺ یتیم می‌گویند (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى)؟

یتیم به دو معنی می‌آید: ۱. کودکی که پدر ندارد ۲. کسی که بی نظیر است. چون پیامبر اسلام ﷺ بر روی زمین نظیر و مانندی نداشت به او یتیم می‌گویند.^۲

❁ چرا به پیامبر اسلام ﷺ اُمّی می‌گویند؟

امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: چون پیامبر اسلام ﷺ از اهل مکه بودند و مکه از امتهات القرى (یعنی مادر شهرها) می‌باشد لذا به ایشان امّی یعنی کسی که اهل ام القرى است، می‌گویند. امّی به این معنی نیست که پیامبر نمی‌توانستند بنویسند زیرا پیامبر طبق آیه قرآن (يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) تعلیم می‌دادند و بخدا قسم پیامبر هم می‌خواندند و هم می‌نوشتند.^۳ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خدا لعنت کند آنهایی را که فکر می‌کنند پیغمبر اکرم ﷺ سواد نداشته است، پیغمبر اکرم ﷺ با هفتاد زبان می‌گفت و می‌نوشت چطور ممکن است کسی سواد نداشته باشد و به مردم تعلیم بدهد آیه قرآن گوید: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» یعنی پیغمبر ﷺ به مردم نوشتن و خواندن، تعلیم می‌داد.^۴

در امّی بودن حضرت سه قول است: ۱. امّی منسوب به امّ به معنی مادر است یعنی کسی که از نظر خواندن و نوشتن به همان حالت مادر زادی باقی مانده است ۲. امّی منسوب به اُمّت است یعنی کسی که به روش اکثریت مردم عادت دارد زیرا اکثریت مردم خواندن و نوشتن را نمی‌دانستند ۳. امّی منسوب به اُمّ القرى یعنی مکه است زیرا قرآن مکه را امّ القرى نامیده است.^۵

❁ چرا به اُمّت پیامبر اسلام ﷺ، اُمّت وسط می‌گویند؟

وسط یعنی چیزی که میانه دو طرف قرار گرفته باشد نه جزو آن طرف باشد و نه جزو این طرف و چون اُمّت اسلام نسبت به مردم یعنی اهل کتاب و مشرکین همین وضع را دارد به آنها اُمّت وسط می‌گویند زیرا اهل کتاب مانند نصاری، تنها جانب روح را تقویت نموده جز به ترک دنیا و رهبانیت دعوت نمی‌کنند و مشرکین هم تنها و تنها جانب مادیت را گرفته، جز زندگی دنیا و استکمال جنبه مادیت خود و به کمال رساندن لذتها و زخارف و زینت دنیا چیز دیگری نمی‌خواهند.^۶

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۹.

۲. علل الشرایع، ص ۱۳۰.

۳. علل الشرایع، ص ۱۲۵.

۴. خورشید مکه، ص ۴.

۵. ره توشه، ص ۱۵۲، سال ۱۳۷۴.

۶. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۸۱.

❁ چرا به اُمت پیغمبر آخر الزمان، اُمت مرحومه می‌گویند؟

یکی از وجوهی که برای آن گفته شده است این است که این امت، رحمت شده‌اند چون از حیث زمان در آخر هستند و از آنچه بر پیشینیان آمده است با خبر می‌شوند و مواظبت می‌کنند که اینها چنین نشوند.^۱

❁ چرا به حضرت علی علیه السلام، علی می‌گویند؟

فاطمه بنت اسد مادر گرامی حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: وقتی خواستم از خانه کعبه خارج شوم، هاتفی ندا داد: ای فاطمه نام این طفل را علی بگذار که خداوند علی اعلا می‌فرماید: من نام او را از نام خود گرفتم و به ادب خود تأدیبش کردم و او را به پیچیده‌ترین دانش خود آگاه گردانیدم... خوشا بحال کسی که او را دوست دارد و وای بر کسی که او را دشمن دارد.^۲

❁ چرا به حضرت علی علیه السلام، امیرالمؤمنین می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَهْ يَمِيرُهُمُ الْعِلْمُ أَمَا سَمِعْتَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا».^۳ یعنی چون حضرت علی (ع) علم را به آنها (مؤمنان) عطا می‌نماید. آیا نشنیدای کلام خدا را که می‌فرماید: و ما به اهلما طعام عطا می‌کنیم.

❁ چرا به حضرت علی علیه السلام، ابو تراب می‌گویند؟

این لقبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان داده‌اند. روایت است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله «قَامَ بِوَجْهِ كَتِيبٍ حَتَّى صَارَ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَأَبْصَرَ عَلَيْهَا نَائِمًا بَيْنَ يَدَيِ الْبَابِ عَلَى الدَّقْعَاءِ فَجَلَسَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَجَعَلَ يَمْسَحُ التُّرَابَ عَنْ ظَهْرِهِ وَ يَقُولُ قُمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا أَبَا تُرَابٍ».^۴ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی با حال گرفته به منزل حضرت فاطمه علیها السلام رفتند در حالی که حضرت علی علیه السلام مقابل درب بر روی زمین خوابیده بودند او را بیدار نمودند و گرد و خاک از پشت علی علیه السلام پاک کردند و فرمودند برخیز، پدر و مادرم فدایت ای ابا تراب (ای کسی که خاک نشین هستی). گفته شده: چون حضرت علی علیه السلام اغلب روی خاک می‌نشست به او ابوتراب (خاک نشین) معروف گردید.

خلق الله آدمًا من تراب فهو ابن له و انت ابوه

۱. حقایق از قرآن، ص ۱۱۴.

۲. علی کیست؟ ص ۶، فضل الله کمپانی.

۳. علل الشرایع، ص ۱۶۱.

۴. علل الشرایع، ص ۱۵۵.

خدا همه را از خاک آفرید است و همه را فرزند علی قرار داده و علی را پدر آنها چنانچه در حدیث نبوی هم تصریح شده «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّة»^۱.
در حدیثی پیغمبر ﷺ به علی علیه السلام فرمودند تو شایسته کنیه ابو تراب هستی زیرا تو متواضع، خاشع و خاک نشین هستی.^۲

❁ چرا به حضرت علی علیه السلام حیدر کرار می گویند؟

حیدر به معنی شیر بیشه و کرار به معنی روکننده است و چون حضرت علی علیه السلام مانند شیر بیشه به سوی دشمن رو می آورد، به او حیدر کرار می گویند.

❁ چرا به حضرت علی علیه السلام ظهیر می گویند؟

ظهیر به معنی قوی پشت است.^۳ و چون حضرت علی علیه السلام در موقع کشتی گرفتن با هر کسی که روبرو می شد با یک چرخش سریع پشت او را به خاک می مالید، به او ظهیر می گویند.^۴

❁ چرا به شمشیر حضرت علی علیه السلام ذوالفقار می گویند؟

«لَا تَهْ مَا ضَرَبَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا أَفْقَرَهُ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ وَ أَفْقَرَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْجَنَّةِ» یعنی آن شمشیر ذوالفقار به هر کسی می خورد در دنیا او را از اهل و عیال دور می کرد و در آخرت هم او را از بهشت رفتن دور می نمود.^۵

امام صادق علیه السلام می فرمایند: به خاطر اینکه در وسط آن شمشیر خطی در طولش بوده است از مهرهای مخصوص شبیه مهرهای ستون فقرات انسان و این شمشیری بوده که جبرئیل آنرا از آسمان فرود آورده است و زمانی که آورد فرمود: «لَا سِيفَ إِلَّا ذَوَالْفَقَارِ، وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ».^۶

❁ چرا به خطبه ششقیه حضرت علی علیه السلام ششقیه می گویند؟

ششقیه از ششقه در لغت مانند شش گوسفند است شتر در وقت هیجان و نفس زدن آنرا از دهان بیرون می آورد و در زیر گلو صدا می کند و در اولین مرتبه بیننده آنرا با زبان اشتباه می گیرد. حضرت علی علیه السلام در جواب ابن عباس فرمود شکایت کردن از خلفا در اینجا که از روی ظلم و ستم

۱. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۳۶۸.

۲. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۳۶۸.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۶۸۸.

۴. ره توشه راهیان نور (نوجوانان)، سال ۱۳۸۰.

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۳۰.

۶. علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۳۱.

بر من تقدّم جستند از جهت هیجان و شوق هدایت خلق بود که گفته شد، گویا ششقه شتر صدا کرد و در جای خود باز ایستاد یعنی هر وقت و همیشه از این قبیل سخنان گفته نمی‌شود.^۱

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، فاطمه می‌گویند؟

«لَا تَنْهَا فَطُمْتُ هِيَ وَ شَيْعَتُهَا مِنَ النَّارِ».

یعنی فاطمه به معنی بریدن و جدا کردن است و چون خداوند حضرت فاطمه و دوستان او را از آتش جهنم بریده است، به ایشان فاطمه می‌گویند.

قول دیگر گوید: چون خدا او را با علم از شیر و خون حیض در عالم میثاق باز گرفت.

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَنْهَا فَطُمْتُ مِنَ الشَّرِّ» یعنی چون از شرّ جدا شده بود.^۲

قولی دیگر گوید: (به فاطمه، فاطمه می‌گویند) چون از دیگران جدا است (یعنی بی نظیر است).^۳

قول دیگر گوید: چون خداوند وضع هر چیزی را قبل از اینکه به وجود آید می‌داند و می‌دانش که پیامبر اسلام با قبایلی ازدواج می‌کند که آنان به امر خلافت طمع خواهند کرد از این جهت موقعی که فاطمه متولد شد خدای سبحان او را فاطمه نامید و امر خلافت و امامت را برای فرزندان وی قرار داد و بدینوسیله دست آن افرادی را که خواهان امر خلافت بودند، قطع کرد.^۴ فاطمه را از این جهت فاطمه نامیدند، زیرا خداوند از علم خود آن قدر به او نوشانی که از هر استادی بی نیاز شد.^۵

قول دیگر آنکه چون حضرت فاطمه علیها السلام لیلۃ القدری است که خلق از معرفت و شناخت و درک آن بریده و دور نگه داشته شده‌اند.

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، زهرا می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون خدای عزوجل او را از نور عظمت خودش آفرید.^۶

قولی دیگر گوید: چون خدا خواست فرشتگان را بیاماید برایشان ابری از ظلمت فرستاد که اول و آخرش را نمی‌دیدند عرض کردند خدایا از وقتی که ما را آفریدی مانند آنچه در آنیم ندیدیم تو را به حق این انوار از ما تاریکی را بردار خدای عزوجل فرمود: به عزت و جلالم چنان کنم پس نور زهرا را آن روز آفرید مانند قندیل و در زیر عرش آویخت آسمانها هفتگانه و زمین

۱. نهج البلاغه، ص ۴۷-۴۶، فیض الاسلام.

۲. فضائل الزهراء، ص ۱۶.

۳. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۲۱، شیخ عباس قمی.

۴. فضائل الزهراء، ص ۱۷.

۵. بحار، ج ۴۳، ص ۱۳.

۶. فضائل الزهراء، ص ۵، سید محمد تقی مقدم.

هفتگانه روشن گردید از این جهت فاطمه، زهرا نامیده شد.
 قول دیگر گوید: برای اینکه روی مبارکش برای امیرالمؤمنین علیه السلام در اول روز مثل خورشید و هنگام زوال مثل ماه درخشنده و هنگام غروب مثل کوكب درّی نور می داد.^۱
 امام صادق علیه السلام می فرماید: «لأنّها كانت اذا قامت في محرابها زهر نورها لأهل السماء كما يذهب نور الكواكب لأهل الأرض».
 یعنی به این علت به حضرت فاطمه، زهرا گویند چون وقتی به محراب برای عبادت می ایستاد برای اهل آسمان نور افشانی می کرد چنانچه ستارگان برای اهل زمین نور افشانی می کنند.^۲
 بدان جهت او را زهرا لقب دادند که او گل محمد صلی الله علیه و آله بشمار می آمد، و برخی گفته اند: بخاطر روشنی و سپیدی چهره اش او را زهرا لقب داده اند.^۳

❁ چرا به حضرت فاطمه علیه السلام بتول می گویند؟

بتول به زنی گفته می شود که عادت ماهانه ندارد و چون حضرت زهرا هرگز عادت ماهانه نداشتند و خدا ایشان را از این خون، پاک نگه داشته بود به همین جهت به ایشان بتول می گویند.^۴
 بتول یعنی جدا شده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: چون هرگز قرمزی ندیده و حیض نشده است «البتول التي لم تر حمرة قط أي لم تحض فإن الحيض مكروه في بنات الانبياء».^۵ زیرا حیض در دختران انبیا زشت است.

زهرا را بتول می نامیدند بخاطر ویژگی اش بر سایر زنان در زیبایی، بزرگواری و عزت نفس، یا بخاطر قطع تعلّقش از مردم بسوی الله عزوجل و علامه مرتضی زبیدی می گوید: فاطمه را بخاطر آنکه مقام و منزلتش نزد خداوند همانند مریم بود، بتول نامیدند.^۶
 در روایت آمده: «و سَمِيَتْ فَاطِمَةُ بَتُولاً لَأَنَّهَا بَلَّتْ عَنِ النَّظِيرِ» یعنی فاطمه را بتول نامیدند چرا که او هیچ نظیری نداشت.^۷

فاطمه را بدان سبب بتول نامیدند که از حیث فضل و دین و حسب، سرآمد تمامی زنان بود.^۸

۱. فضائل الزهراء، ص ۷.

۲. علل الشرایع، ص ۱۸۱.

۳. حضرت فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت، عبد العزیز نعمانی.

۴. علل الشرایع، ص ۱۸۱.

۵. علل الشرایع، ص ۱۸۱.

۶. حضرت فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت.

۷. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵، مجمع البحرین، ماده بتل.

۸. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵.

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، کوثر می‌گویند؟

حضرت فاطمه علیها السلام مصداق بارز کوثر در آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» می‌باشند. کوثر یک معنی جامع و وسیعی دارد و آن خیر کثیر و فراوان می‌باشد و چون از نسل حضرت زهرا علیها السلام نه تنها امامان معصوم بلکه هزاران هزار علمای بزرگ، نویسندگان، فقیهان، محدثان، مفسران و الامقام و فرماندهان عظیم بوجود آمدند به ایشان کوثر می‌گویند.^۱

کوثر مرکز کثیرها است و فاطمه (س) مرکز این کثیرها است چه از جهت فرزندان چه از جهت عبادت خدا و چه از جهت علوم.^۲

عاص بن وائل از روی تمسخر به رسول خدا (ص) ابتر (کسی که فرزند ندارد و نسلش قطع می‌شود) می‌گفت خدا فرمود قاتل این سخن ابتر است و گفته اند که عاص بن وائل نوزده پسر داشت همگی مُردند و نسلش قطع شد ولی نسل رسول خدا (ص) به وسیله فاطمه زهرا (س) دنیا را پر کرده است.^۳

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، طاهره می‌گویند؟

طاهره از طهر آمده یعنی پاک شده از همه چیز و آن بانو چون از هر ناپاکی پاک بودند به ایشان طاهره گویند و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند زنان را بر علی علیه السلام حرام نمود تا زمانی که حضرت فاطمه زنده بود زیرا آن بانو همیشه پاک بود و به خون بر نمی‌خورد.^۴

❁ چرا به حضرت فاطمه، راضیه (خشنود شونده) می‌گویند؟

چون به قضا و قدر و بلاها راضی بود با اینکه هیچ آفریده‌ای به قدر آن بانو مصائب ندید و هیچ خاندانی مثل نسل حضرت زهرا علیها السلام به بلا گرفتار نشد در عین حال در بلاها راضی بودند.^۵

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، مرضیه (خشنود شده) می‌گویند؟

چون در روز رستخیز آنقدر شفاعت می‌کند که خشنود می‌گردد با آن همه صدمه که در دنیا از مردم دیده است.^۶

❁ چرا به حضرت زهرا، حوراء انسیه می‌گویند؟

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶.

۲. تفسیر اعراب، ص ۲۴.

۳. تفسیر اعراب، ص ۲۴.

۴. فضائل الزهراء، ص ۱۸.

۵. فضائل الزهراء، ص ۱۹-۱۸.

۶. فضائل الزهراء، ص ۱۹.

وقتی پیامبر خدا ﷺ در یکی از معراج‌هایشان به آسمان عروج نمودند، از میوه‌ها و از خرمای تازه و سیب بهشتی تناول نمودند بعد خداوند آن غذاهای بهشتی را در صلب پیامبر ﷺ به آبی مبدل کرد و هنگامی که آن حضرت از معراج بازگشت نمود با خدیجه همبستر شد و نور حضرت فاطمه علیها السلام در رحم خدیجه قرار گرفت بدین جهت به حضرت حوراء انسیه می‌گویند.^۱ حوراء انسیه یعنی زنی که در عین اینکه انسان زمینی است، از حوریان بهشتی نیز می‌باشد. حوراء یعنی زنی که زیبا چشم است و چون ایشان همچون فرشتگان (زنان بهشتی) دارای چشمانی زیبا بود به ایشان حوراء می‌گویند.^۲ چون ایشان همه ویژگی‌های انسانی را در خویش بارور کرده بود از این رو، لقب انسیه به ایشان دادند.^۳

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، حوریه گویند؟

چون آفرینش حضرت فاطمه با میوه‌های بهشتی پیوند خورده است از این رو، ویژگی فرشتگان بهشت (زنان بهشتی) در وی پدید آمده، بدین جهت او را حوریه گویند.^۴

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، زکیه می‌گویند؟

زکیه یعنی پاک شده از صفات رذیله و اخلاق کریهه و به معنی بسیار زکات دهنده نیز می‌آید و چون حضرت فاطمه (از صفات رذیله پاک و) هر چه داشت در راه خدا انفاق می‌کرد به او زکیه می‌گویند.^۵

زکیه در لغت به معنای پاکیزه بودن از هر گونه رجس، گناه، یا صفت رذیله است و نیز به معنای رشد و نمو هم آمده است. و چون حضرت فاطمه همچنانکه از هر گونه آلودگی باطنی و ظاهری پاک بود، همچنین نسلش رشد و نمو فراوان داشت به او زکیه گویند.^۶

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، زهره می‌گویند؟

زهره به سیاره ای می‌گویند که درخشندگی شدیدی دارد و چون حضرت فاطمه در میان اهل بیت درخشش زیادی دارد به زهره خاندان پیامبر مشهور است.^۷

۱. معماهای زندگانی چهارده معصوم، ص ۶۸.

۲. جرعه ای از کوثر، ص ۱۳۴.

۳. جرعه ای از کوثر، ص ۱۲۷.

۴. جرعه ای از کوثر، ص ۱۳۵.

۵. فضائل الزهراء، ص ۱۸.

۶. جرعه ای از کوثر، ص ۱۱۰، علی رضا سبحانی نسب.

۷. جرعه ای از کوثر، ص ۱۴۰.

✽ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام طَیِّبه می‌گویند؟

زن پاک و دور از پلیدی را طَیِّبه گویند. و چون حضرت فاطمه هم دارای پاکیزگی ظاهری (یعنی ایشان هیچ گاه خون حیض و نفاس نمی‌دید) و هم پاکیزگی باطنی (به هیچ گناه آلوده نشد و هیچ گاه فکر معصیت نیز نکرد) بود، به او طَیِّبه می‌گویند.^۱

✽ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام عذرا می‌گویند؟

در روایات، فاطمه «حوریه انسیه» شناخته شده و حور العین به بیان قرآن پیوسته باکره است و چون ایشان همیشه باکره بود او را عذرا می‌نامند.^۲

✽ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام فریده می‌گویند؟

هر چیز که مانند درّ و گوهر، نایاب و نفیس باشد، فرید و فریده گویند. و فاطمه زهرا علیها السلام چون در میان تمام زنان جهان گوهری بی‌مانند بوده و خواهد بود، به ایشان فریده گویند و همچنین به زنی که تنها و بی‌یاور بماند و مانند گوهری دور از دست دیگران باشد فریده گویند.^۳ که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اینچنین بود.

✽ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام مُحَدَّثَه می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و او را ندا می‌کردند چنان که مریم دختر عمران را ندا می‌کردند پس می‌گفتند: ای فاطمه همانا خدا تو را برگزید و پاک نمود و تو را بر زنان جهان برگزید «قَتُولُ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَكَ وَطَهَّرَكَ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».^۴ مُحَدَّث و مُحَدَّثَه به زن و مردی گفته می‌شود که ملائکه با او گفتگو می‌کنند. از این جهت به حضرت فاطمه علیها السلام مُحَدَّثَه گفتند که در تنهایی با اولاد خود در جنین قبل از ولادت حدیث می‌کرد و یا اینکه احادیثی از پدرش نقل کرده که بسیار مورد اهمیت است.^۵

مُحَدَّثَه دارای دو تلفظ است مُحَدَّثَه و مُحَدَّثَه. مُحَدَّثَه به فتح دال یعنی زنی که فرشتگان با او سخن گویند. بعد از رحلت پیامبر جبرئیل بر فاطمه نازل می‌شد و برای آن حضرت از رویدادهای آینده سخن می‌گفت. صحیفه فاطمیه، نتیجه فرود آمدن جبرئیل و سخن گفتن با فاطمه زهرا علیها السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید «أَنَا سُمِّيتُ فَاطِمَةَ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَهْبِطُ

۱. جرعه ای از کوثر، ص ۱۵۲.

۲. جرعه ای از کوثر، ص ۱۵۶.

۳. جرعه ای از کوثر، ص ۱۵۹.

۴. فضائل الزهراء، ص ۱۹.

۵. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۲۹.

من السماء فتتاديهما كما تتادی مريم بنت عمران».^۱
و مُحَدَّثَه به کسر دال یعنی زنی که حدیث بازگو می‌کند و چون فاطمه زهرا علیها السلام روایات بسیاری از پدرش برای زن‌های مدینه بازگو می‌کرد به او مُحَدَّثَه می‌گویند.^۲

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، مبارکه می‌گویند؟

مبارکه چهار معنی دارد زمان با برکت، مکان با برکت، و برکت داشتن و برکت داده شده و این چهار معنی در حضرت زهرا علیها السلام موجود بود. زیرا در هر زمان و در هر مکانی که نام آن بانو یا پدر یا شوهر یا فرزندان برده شود برکت به هم می‌رسد و در هر جایی که از آن بانو فرزندی دفن شود محل بابرکتی می‌گردد.^۳

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، حجة الله (حجت خدا) می‌گویند؟

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:
«نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ جَدَّتُنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا». یعنی: ما حجت‌های خدا هستیم بر آفریده‌های او و جدّه ما فاطمه، حجت خدا بر ما می‌باشد.^۴

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، خيرة الله می‌گویند؟

خيرة الله یعنی برگزیده شده از طرف خداوند.
در حدیث آمده که پیغمبر صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین فرمود: همانا خدای عزوجل بر دنیا مُشْرِف شد پس مرا از آن بر رجال (مردان) جهانیان برگزید بار دوم مطلع شد پس تو را از اوصیا برگزید و بار سوم مطلع شد پس امامان را از فرزندان تو بر رجال جهانیان برگزید پس بار چهارم مطلع شد پس فاطمه را بر زنان جهانیان برگزید.^۵

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، أم ابیها (مادر پدرش) می‌گویند؟

عرفا گویند: منظور از أم ابیها وحدت روحی است که بین این پدر و دختر و داماد (علی علیه السلام) بوده است چنانچه حدیث نبوی شاهد این گفتار است که می‌فرماید: «أنا و علی و فاطمة من نور واحد» «فاطمة بضعة منی» یعنی فاطمه پاره تن من است.^۶

۱. جرعه ای از کوثر، ص ۱۱۵.

۲. جرعه ای از کوثر، ص ۱۱۸.

۳. فضائل الزهراء، ص ۱۸.

۴. فضائل الزهراء، ص ۲۲.

۵. فضائل الزهراء، ص ۲۰.

۶. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۳۳.

چون حرمت مادر را هر کسی بیشتر نگه می‌دارد و گاهی هم پدر به فرزند خود (از روی محبت زیاد) می‌گوید پدر جان از این جهت رسول خدا ﷺ فاطمه را به این کنیه مکنی نمودند. قولی گوید: چون یکی از معانی امّ، مقصد است و حضرت فاطمه ﷺ مقصد پدر بودند لذا به ایشان امّ ابیها (مقصد پدرش) می‌گویند.

قول دیگر گوید: چون آیه «الْأَنْبِیُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»^۱ یعنی: پیغمبر نسبت به مؤمنین از خودشان سزاوارتر است و زنان او مادران مؤمنین هستند، نازل شد و زنان پیغمبر هر یک به کنیه امّ المؤمنین مفتخر شدند، خاطر فاطمه ﷺ آزرده شد پیغمبر اکرم ﷺ آن بانو را در بر گرفت و بوسید و بوئید و ایشان را به کنیه امّ ابیها (مادر پدرش) نامید.^۲ باید توجه داشت اگر زنان پیامبر خدا مفتخر به امّ المؤمنین شدند ولی حضرت زهرا ﷺ مفتخر به امّ ابیها شد و این فضیلت حضرت زهرا را بر زنان پیامبر ﷺ می‌رساند چون زنان پیامبر ﷺ به منزله مادران مؤمنان ولی حضرت زهرا به منزله مادر پیامبر خدا ﷺ می‌باشد. همچنین قولی گوید: چون مادر، اصل وجود انسان است و در حدیث لولاک آمده «یا أَحْمَدُ لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتَ الْأَفَلَکَ وَلَوْلَا عَلِیٌّ لَمَّا خَلَقْتَکَ وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَّا خَلَقْتُکُمَا» بنابر این پیامبر خدا ﷺ در شأن فاطمه ﷺ چنین فرمودند.

قول دیگر گوید: چون بازگشت میوه امامت به اصل شجره نبوت به وسیله مهد عصمت و عفت (حضرت فاطمه ﷺ) می‌باشد لذا رسول خدا ﷺ او را خطاب به ام ابیها کرد: «ای مادر پدرش ای منشأ وجود ولایت و امامت امت». و باز قول دیگری است و آن این که ام ابیها برای آن است که نسل پیغمبر ﷺ از این دختر بوده و او یگانه دختری بود که پس از شش اولاد باقی مانده و نسل نبوت و مادر ولایت در او قرار گرفت. قول دیگر گوید: این که پیامبر فرمود: فاطمه پاره تن من و امّ ابیهاست برای آن است که مراتب ظهور نبوت در علم و دانش او هویداست زیرا او بحر مستدیر محیط است که اول و آخر و ابتدا و انتها ندارد. قولی گوید: امّ ابیها از این لحاظ گفته شده چون بین حضرت فاطمه ﷺ و حضرت رسول ﷺ علاقه‌ای مانند علاقه مادر و فرزند بوده نه علاقه پدر و دختر که طول نزولی دارد یعنی زهرا بیش از هر کس محبوب پیغمبر بوده و رسول اکرم ﷺ هم بیش از هر کس فاطمه را دوست می‌داشت و به همین منظور آغاز و انجام هر سفر را به ملاقات فاطمه ﷺ می‌پرداخت.^۳

۱. احزاب، آیه ۶.

۲. فضائل الزهراء، ص ۱۵-۱۴.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۳۵-۲۳۴.

❁ چرا به حضرت فاطمه علیها السلام، أم‌الهنّا (مادر گوارا بودن) گویند؟

زیرا با محبت او عبادت گوارا است.

قولی گوید: چون حضرت علی علیه السلام فرمود در این مدت که حضرت زهرا علیها السلام در خانه من بود از او هیچ ناگواری ندیدم و هرگز مرا به خشم نیاورد.^۱

❁ چرا به حضرت زهرا علیها السلام، حانیه می‌گویند؟

حانیه به زن بسیار مهربان می‌گویند و چون حضرت زهرا بسیار نسبت به شوهر و فرزندان (و حتی مردم) مهربان و دلسوز بود به ایشان حانیه می‌گویند.

❁ چرا به امام حسن علیه السلام، حسن می‌گویند؟

حسن به معنی نیکو و زیبارو است و چون امام حسن مجتبی علیه السلام دارای صورتی نیکو و زیبا بودند به ایشان حسن علیه السلام می‌گویند.

روایت شده که امام حسن علیه السلام آنقدر زیبا بودند که بسیاری از دختران آرزوی همسری با حضرت را داشتند و حتی پدران و مادران صاحب دختر از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام تقاضا می‌کردند که اگر برای یک شب هم شده است دخترشان را به عقد خود در آورد تا به شرف همسری با ایشان نایل آیند.

چون امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید و آن حضرت را مبارک باد گفت و افزود که حق تعالی فرموده است که این مولود را به اسم پسر هارون نام کن حضرت فرمود: که اسم او چه بوده جبرئیل گفت: شبّر آن حضرت فرمود: که زبان من عربی است. جبرئیل گفت: او را حسن نام کن پس او را «حسن» نام نهاد.^۲

❁ چرا به امام حسن مجتبی علیه السلام، یوسف آل محمد می‌گویند؟

چون ایشان در بین ائمه علیهم السلام از تمام آنها خوش صورت‌تر بودند.

ساداتی که منسوب به امام حسن علیه السلام هستند از جمال دیگری بر خوردار می‌باشند.^۳

❁ چرا به امام حسین علیه السلام، حسین می‌گویند؟

چون امام حسین علیه السلام متولد شد حق تعالی به جبرئیل وحی کرد که پسری از برای محمد صلی الله علیه و آله متولد شده است برو و او را تهنیت و مبارک باد بگو و بگو که علی نسبت به تو به

۱. فضائل الزهراء، ص ۱۵.

۲. منتهی الآمال، ص ۱۶۰.

۳. منهاج السرور، ص ۱۵۲.

منزله هارون است نسبت به موسی پس او را به اسم پسر دیگر هارون نام کن چون جبرئیل نازل شد، بعد از تهنیت، پیغام ملک علّام را به حضرت خیر الانام (رسول خدا) رسانید حضرت فرمود: که نام آن پسر چه بود جبرئیل گفت شبیر حضرت فرمود: زبان من عربی است جبرئیل گفت او را حسین نام کن که به معنی شبیر است. پس او را حسین نام کرد.^۱
بعد از آن که به دستور جبرئیل که از طرف خدا آمده بود نام حضرت را «حسین» گذاشتند رسول خدا ﷺ او را بوسید و گریست و فرمود که ترا مصیبتی عظیمی در پیش است. خداوند!! لعنت کن کشنده او را پس فرمود: که ای اسماء این خبر را به فاطمه مگو.^۲

❁ چرا به امام حسین علیه السلام، قتل العبره می‌گویند؟

دو دلیل ذکر کرده‌اند:

۱. به جهت اینکه گویند: در مصیبت امام حسین اشکها جاری می‌شود. (اگر عبره را به معنی اشک بگیریم).
۲. و یا به جهت اینکه امام حسین کشته‌کینه‌های دشمن شدند. (اگر عبره را از عبر به معنی بغض و کینه بگیریم).

❁ چرا به امام حسین علیه السلام، ابوالشهداء می‌گویند؟

از آنجا که امام حسین (ع) الهام بخش شهیدان راه حق بود و کربلایش دانشگاه شهادت محسوب می‌شده و می‌شود، لذا به آن حضرت این عنوان را داده‌اند.^۳

❁ چرا به امام چهارم، ابْنُ الْخَيْرَتَيْنِ می‌گویند؟

ابن الخیرتین یعنی پسر بهترین دو برگزیده و چون بنابر روایتی خداوند از عرب، قریش (هاشم) را و از عجم، فارس را برگزید و امام چهارم علیه السلام پدرشان از قریش و مادرشان از فارس (ایران) است به ایشان، ابن الخیرتین می‌گویند.

❁ چرا به امام چهارم، زین العابدین می‌گویند؟

در مناقب می‌نویسد: شبی امام چهارم در محراب عبادت به تهجد مشغول بود شیطان در لباس ازدهایی مهیب مقابل او آمد تا او را به خود مشغول کند و از خدا منحرف نماید و انگشت پای آنحضرت را بگرفت و فشار داد امام زین العابدین مانند جدش امیرالمومنین علیه السلام هیچ توجهی

۱. منتهی الآمال، ص ۱۶۰.

۲. منتهی الآمال، ص ۲۰۵.

۳. فرهنگ عاشورا، ص ۳۹، جواد محدثی.

نداشت و محو قرب پروردگار خویش بود به همین جهت منصب «انت زین العابدین» به او ارزانی گردید.^۱

امام باقر(ع) می فرمایند: پدرم امام سجاده(ع) در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز می گذارد چنانکه امیرالمؤمنین نیز چنین بود.^۲

❁ چرا به امام چهارم، سجاده علیه السلام گویند؟

سجاده صیغه مبالغه از «سَجَدَ يَسْجُدُ» به معنی کسی که بسیار سجده می کند، است. و چون حضرت سجاده های طولانی داشتند به حدی که سالی چند مرتبه پینه های محل سجده حضرت را می چیدند به ایشان سجاده گویند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: پدرم هر وقت، نعمتی از نعمت های الهی را یادآور می شدند، سجده می کردند. هر وقت آیه ای که در آن سجده بود، می خواندند، سجده می کردند و هر وقت از نماز فارغ می شدند، سجده می کردند و هر وقت موفق می شدند که بین دو نفر اصلاح کنند، سجده می کردند، لذا اثر سجود در تمام پیشانی اش مشخص بود و به همین دلیل به او سجاده می گویند.^۳

❁ چرا به امام زین العابدین علیه السلام، ذوالثففات می گویند؟

ثفنه به معنی پینه است و چون مواضع سجود حضرت بر اثر کثرت سجود پینه می بست تا جایی که سالی دو مرتبه آن پینه ها را می چیدند به ایشان ذوالثففات یعنی صاحب پینه ها می گویند.^۴

❁ چرا به امام باقر(ع) ابن الخیرتین^۵ می گویند؟

زیرا والده ایشان فاطمه دختر امام حسن مجتبی(ع) و پدرشان امام سجاده(ع) بود لذا از طرف پدری و مادری از بهترین ها بودند.

❁ چرا به امام باقر(ع)، علوی بین علویین^۶ می گویند؟

زیرا خود ایشان علوی و از اولاد علی(ع) بودند و از پدر(امام سجاده(ع) و مادر(دختر امام حسن مجتبی(ع) علوی متولد شده بودند.

❁ چرا به امام باقر علیه السلام، باقر گویند؟

۱. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۶۷۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵.

۳. ستارگان درخشان، ج ۶، ص ۱۰-۱۱.

۴. علل الشرائع، ص ۲۳۳؛ اعلام الهدایه، ج ۶، ص ۴۶؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳.

۵. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۸.

۶. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۸.

باقر از بقر به معنی شکافتن است و چون حضرت امام محمد باقر علیه السلام علوم را به طور دقیق می‌شکافتند و مسائل مشکل را حل می‌نمودند به ایشان باقر العلوم می‌گویند.

❁ چرا به امام صادق علیه السلام، صادق گویند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزندم جعفر را جعفر صادق نام گذارید چون بناست از نسل او فرزندی بوجود آید که به او جعفر کذاب می‌گویند.^۱
«سُمِيَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام صَادِقًا لِأَنَّهُ كَانَ لَا يَقُولُ إِلَّا صِدْقًا». یعنی از این جهت امام صادق علیه السلام صادق نامیده شد که سخن نمی‌گفت، مگر سخن راست.

❁ چرا به امام صادق علیه السلام، شیخ الاثمه گویند؟

یکی از معانی شیخ «کثیر السن» است و چون امام صادق علیه السلام از همه ائمه سن بیشتری داشتند به ایشان شیخ الاثمه گویند.

یکی دیگر از معانی شیخ، کثیر العلم است و از این جهت که امام صادق علیه السلام در زمان حیات خود توانستند علوم بیشتری را نسبت به دیگر ائمه علیهم السلام ارائه بدهند و شاگردان زیادی را تربیت و تعلیم نمایند، به ایشان شیخ الاثمه می‌گویند.

❁ چرا به امام موسی بن جعفر علیه السلام، کاظم می‌گویند؟

کاظم از «کَظَم» بمعنی فرو برنده خشم است و چون ایشان در مقابل دشمنان خصوصاً کسانی (واقفیه) که می‌خواستند در آینده امامت او را انکار کنند کظم غیظ می‌نمود به او کاظم می‌گویند.^۲

❁ چرا به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، باب الحوائج می‌گویند؟

چون ایشان در زندگی بیشتر مواجه با سختی، زجر، تبعید، حبس، ناملایمات روزگار و شکنجه دشمن در سیاه چال زندان بودند بنابر این اجابت دعای ایشان در پیشگاه حضرت باری جل و علا در باره دوستانش سریعتر است.^۳

❁ چرا به امام هشتم، رضا می‌گویند؟

چون خدا در آسمانها و پیغمبرش در زمین از او راضی بودند و برخی می‌نویسند: چون مأمون از ولایتعهدی او راضی بود.^۴

۱. علل الشرایع، ص ۲۳۴.

۲. علل الشرایع، ص ۲۳۵.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۹۷۰.

۴. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۰۶۲.

❁ چرا به امام رضا علیه السلام، عالم آل محمد گویند؟

چون در میان خلفاء، مأمون عباسی از همه عالم‌تر بود و امام رضا علیه السلام هم در آن زمان می‌زیستند. بنابراین در مقابل عالم عباسی (مأمون) به امام رضا علیه السلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله می‌گویند. قولی گوید: چون در زمان امام رضا علیه السلام به واسطه مناظرات حضرت با علمای مذاهب، علم و دانش آل محمد بر همگان روشن گردید به این جهت ایشان را عالم آل محمد نامیدند.

❁ چرا به امام رضا علیه السلام غریب الغربا می‌گویند؟

چون از میان ائمه علیهم السلام تنها امامی که هم در غربت و هم دور از اهل و عیال از دار دنیا رفت ایشان می‌باشند.

❁ چرا به امام رضا علیه السلام قبله هفتم می‌گویند؟

در کتاب جنات الخلود آمده از این جهت که مردم در روی زمین به هفت موضع توجه دارند، یا بفرمایید: هفت موضع از زمین قبله گاه (مورد توجه) مسلمین است: ۱- مکه معظمه ۲- مدینه طیبه ۳- نجف اشرف ۴- کربلای معلّا ۵- مقابر قریش (قبر امام کاظم و امام جواد) ۶- سامراء ۷- مشهد مقدّس حضرت رضا علیه السلام. بدین جهت به آن بزرگوار قبله هفتم می‌گویند.^۱

❁ چرا به امام یازدهم، عسکری می‌گویند؟

قاضی زنگنه زوزی می‌نویسد: از این جهت به ایشان عسکری گویند که از فشار ظلم و جور بنی عباس ایشان را در میان عسکر (لشکر) جا دادند. در کتب اخبار می‌نویسند: چون حضرت، عسکر و قوای غیر مرئی آسمانی خود را که همیشه مراقب مأمور امر امام هستند به خلیفه نشان داد. قول دیگر گوید: چون امام عسکری علیه السلام ۱۷ هزار نفر مسلمان ملازم او بودند و خود لشکری داشته است.^۲

❁ چرا به امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، عسکرین می‌گویند؟

شاید از این جهت باشد که آرامگاه این دو امام عزیز در محله عسکریه واقع شده است. و یا به جهت اینکه زندگی آن دو امام در میان عسکر (لشکر) بوده است و یا از این جهت که دو عسکر را به هم نشان دادند.^۳

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۰.

۲. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۲۲۲.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۲۲۲.

و یا چون محلی را که این دو امام در سامرا زندگی می‌کردند عسکر نام داشت.^۱

❁ چرا به امام زمان، مهدی می‌گویند؟

در ارشاد مفید از امام صادق (ع) روایت کرده است که حضرت فرمودند: چون آن حضرت از جانب خداوند متعال، به هر امر مبهم و پوشیده‌ای راهنمایی می‌شود، او را «مهدی» می‌گویند.

❁ چرا به حضرت مهدی (ع) قائم می‌گویند؟

امام باقر (ع) می‌فرماید: زمانی که امام حسین (ع) کشته شد ملائکه عرض کردند خدایا آیا غافل می‌مانی از کسانی که حسین (ع) را کشتند خدا به آنها وحی کرد دل خوش دارید به عزت و جلالم سوگند که از آنها انتقام می‌گیرم و لو بعد از زمانی. پس خداوند، امامان از نسل حسین (ع) را به ملائکه نشان داد و همه شاد گشتند بنابر این چون یکی از امامان، قائم (ایستاده) در حال نماز بود که خداوند به او فرمود: «اتقم منهم»، قائم نامیده شد.^۲

امام جواد (ع) می‌فرماید: به قائم، قائم می‌گویند: «لأنه یقوم بعد موت ذکرة و ارتداد اکثر القائلین بامامته». یعنی: به حضرت مهدی، قائم می‌گویند چون بعد از آنکه یادش از میان مردم رفت و اکثر قائلین به امامت وی مرتد شدند، قیام می‌کند.^۳

زیرا قائم به معنای بر پا شده در فرمان حق تعالی چه آنحضرت پیوسته در شب و روز مهیای فرمان الهی است که به محض اشاره، ظهور فرماید، و روایت شده که آنحضرت را قائم نامیدند برای آنکه قیام بحق خواهد نمود. امام محمد تقی (ع) می‌فرماید: برای آنکه به امامت، اقامت خواهد نمود بعد از خاموش شدن ذکر او و مرتد شدن اکثر آنها که قائل به امامت آنحضرت بودند. و امام باقر (ع) می‌فرماید: بعد از شهادت امام حسین (ع) ملائکه مشاهده نمودند که حضرت مهدی در میان نور امامان از فرزندان حسین (ع) ایستاده (قائم) و مشغول نماز بود حق تعالی فرمود: که به واسطه این ایستاده (قائم) از ایشان (قاتلان حسین (ع)) انتقام خواهم کشید.^۴

❁ چرا به حضرت مهدی (ع) بقیه الله می‌گویند؟

چون دنیا از برکت وجود او باقیمانده است.^۵
چون تنها حجتی که از خدا باقی مانده است ایشان می‌باشند.

۱. علل الشرایع، ص ۲۴۱.

۲. علل الشرایع، ص ۱۶۰.

۳. بحار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۴. منتهی الآمال، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۵.

✽ چرا به امام زمان، امام عصر گویند؟

از این جهت که ایشان، امام این عصر و زمان می‌باشند و یا این که عصر به معنی عصاره می‌باشد و چون ایشان عصاره‌ای از پیامبران الهی و ائمه اطهار می‌باشند، به ایشان امام عصر می‌گویند.

✽ چرا به حضرت مهدی (عج)، مُنْتَظَر می‌گویند؟

منتظر اسم مفعول است یعنی کسی که همه خلایق منتظرِ مقدمِ مبارکِ ویند.^۱

✽ چرا به امام زمان، ماءِ مَعین می‌گویند؟

باید گفت قرآن امام زمان (عج) را به ماءِ معین (آب ظاهر جاری بر روی زمین) تشبیه کرده است و جهتش این است که: ۱. همانطور که حیات هر موجود زنده به آب است «و من الماء کل شیء حی» همانطور وجود مبارک حضرت سبب حیات هر جن و انسی است بلکه به قول شیخ عباس قمی صاحب منتهی الآمال حیات خودِ آب نیز از آنجناب است. ۲. چون در ایام ظهور حضرت، مردم از این سرچشمه فیض ربانی به سهل و آسانی استفاضه کنند و بهره برند مانند تشنه‌ای که در کنار نهر جاری و گوارائی باشد که جز اغتراف حالت منتظره نداشته باشد.^۲

✽ چرا به امام زمان، بئرِ معطله می‌گویند؟

قرآن امام زمان را به بئرِ معطله (چاهی که با زحمت می‌شود از آب آن استفاده کرد) تشبیه نموده است و به این جهت است که چون در زمان غیبت لطف خاص حق از خلق برداشته شده به جهت سوء کردارشان لذا خلق باید با رنج و تعب و عجز و لابه و تضرع و انابه از آنجناب فیض بدست آورند و چیزی بگیرند و علمی بیاموزند مانند تشنه‌ای که بخواهد از چاه عمیق تنها با آلات و اسبابی که باید به زحمت بدست آورد آبی بکشد و آتشی را فرو نشاند.^۳

✽ چرا به امام زمان، حق می‌گویند؟

در نجم الثاقب آمده است که یکی از نام‌های حضرت، حق است و او بر همه پادشاهان غلبه خواهد کرد و حق است که باید پادشاهیش برقرار باشد یعنی کسی نمی‌تواند او را از پادشاهی عزل کند یا بر وی غلبه کند^۴ و در آیه شریفه آمده «قل جاء الحق و زهق الباطل» چون قائم آل محمد (ص) خروج کند دولت باطل برود و در زیارت آن جناب است «السلام علی الحق الجدید».^۵

۱. منتهی الآمال، ص ۲۸۸.

۲. منتهی الآمال، ص ۲۸۸.

۳. منتهی الآمال، ص ۲۸۸.

۴. تفسیر اعراب، ص ۵۰.

۵. تفسیر اعراب، ص ۱۵۰.

❁ چرا به حضرت ابوالفضل (ع)، ابوالفضل می‌گویند؟

چون ایشان پدر فضایل بودند و یا اینکه چون پسری به نام فضل داشتند.^۱

❁ چرا به حضرت ابوالفضل (ع)، عباس می‌گویند؟

عباس یعنی عبوس کننده و چون حضرت ابوالفضل در مقابل دشمن عبوس می‌کردند، به ایشان عباس می‌گویند.

❁ چرا به حضرت ابوالفضل (ع)، سقا می‌گویند؟

چون در کربلا خصوصاً روز عاشورا سقایی طفلان تشنه امام حسین (ع) را به عهده گرفت و در این راه به فیض شهادت نایل آمد نه اینکه حضرت شغل سقایی داشته‌اند.

❁ چرا به حضرت ابوالفضل (ع)، ابوالقربه می‌گویند؟

آب به معنی پدر (و در اینجا به معنی صاحب) و قربه به معنی مشک است و چون ایشان سقا و آبرسان برای لب تشنگان بود به این لقب معروف شدند.^۲

❁ چرا به حضرت ابوالفضل (ع)، قمر بنی‌هاشم می‌گویند؟

چون ایشان در میان بنی‌هاشم مانند ماه می‌درخشید و چهره‌ای زیبا و چشمگیر داشت.^۳

❁ چرا به حضرت ابوالفضل (ع)، طیار می‌گویند؟

از این جهت که مانند جعفر طیار، خداوند (عوض آن دو دستی را که در کربلا فدای اسلام کرد) دو بال به او عطا فرمود تا با ملائکه پرواز کند و به هر جای بهشت که بخواهد، پرواز نماید.^۴ حضرت ابوالفضل سه لقب داشتند: قمر بنی‌هاشم، سقا و طیار.

❁ چرا به حضرت زینب، زینب می‌گویند؟

در زبان عربی زین به معنای زینت و آب به معنای پدر است لذا چون حضرت زینب در واقع زینت پدر (حضرت علی (ع)) بودند به ایشان زینب می‌گفتند.

❁ چرا به حضرت رقیه (دختر سه ساله امام حسین (ع))، رقیه می‌گویند؟

کلمه «رقیه» در ادبیات عرب، اسم مصغر است. ریشه اصلی آن «رقی» به معنای بالا رفتن و صعود، و کلمه «رقیه» به معنای دعا و تعویذ و آنچه برای حصول امری یا حفظ و نگهداری به کار

۱. سوگنامه آل محمد، ص ۲۹۶.

۲. سوگنامه آل محمد، ص ۲۹۶.

۳. سوگنامه آل محمد، ص ۲۹۶.

۴. مجالس المواقف، ص ۱۱۸.

برند، است. گویا عرب نام «رُقَیَّه» را بر دختران خود می‌گذاشته‌اند تا آن را به فال نیک گیرند و دختر، با سلامت و به دور از آفات و چشم زخم و سرشد کند و بزرگ شود.^۱

❁ چرا به اسکندر، ذوالقرنین می‌گویند؟

در آن چند قول است ۱. زیرا او به شرق و غرب عالم رسید و عرب از آن تعبیر به قرنی الشمس (دو شاخ آفتاب) می‌کند ۲. چون او دو قرن زندگی یا حکومت کرد ۳. به این جهت که در دو طرف سر او برآمدگی مخصوصی بود ۴. چون تاج مخصوص او دارای دو شاخک بود.^۲

❁ چرا به مالک اشتر، اشتر می‌گویند؟

اشتر به کسی گفته می‌شود که پلک چشم او در اثر زخم و جراحت دریده یا برگشته باشد.^۳ و چون وی در جنگ یرموک و فتح دمشق تیری بر گوشه چشمش آمد و به آن آسیب رساند به او مالک اشتر می‌گویند.^۴

❁ چرا به مُسْلِم بن عقیل، مُسْلِم می‌گویند؟

زیرا سالی که عقیل (پدر مسلم) مسلمان شد، خداوند این پسر را به او عطا نمود به این علت نامش را مسلم گذاشتند.^۵

❁ چرا به حسن مثنی، حسن مثنی می‌گویند؟

ایشان فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشند و چون نام خودش و پدرش حسن است و در نام بردن او دو بار حسن گفته می‌شود (حسن بن حسن) به ایشان حسن مثنی می‌گویند.

❁ چرا به حسن مثلث، حسن مثلث می‌گویند؟

ایشان نوه امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد و چون نام خودش و پدرش و پدر پدرش حسن است (حسن بن حسن بن حسن) و سه مرتبه حسن گفته می‌شود به وی حسن مثلث می‌گویند.

❁ چرا به عُمَر (یکی از فرزندان حضرت علی علیه السلام) عُمَر اطرف می‌گویند؟

چون شرافتش از یکطرف می‌باشد^۶ (فقط از طرف پدر).

۱. ریحانه کربلا، ص ۳۵، عبدالحسین نیشابوری.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۴.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۰۲.

۴. ره توشه، ص ۱۳۰، سال ۱۳۸۰.

۵. چهل ستاره از آسمان کربلا، ص ۳، سید جواد بهشتی.

۶. منتهی الآمال، ص ۱۳۹.

❁ چرا به عُمَر (پسر علی بن الحسین علیه السلام) عُمَر اشرف می‌گویند؟

چون شرافتش از دو طرف است.^۱

❁ چرا به زید (پسر حضرت موسی بن جعفر)، زید النار (زید آتش) می‌گویند؟

علت اینکه او را زید النار می‌گویند این است که در ایام ابوالسرایا که طالبین خروج کردند زید به بصره رفت و خانه‌های بنی عباس را در بصره سوزانید. در کتاب «عمدة الطالب» می‌نگارد: زید النار خانه‌های اهل بصره و نخلستان‌هایشان را آتش زد.^۲ باید گفت که امام رضا علیه السلام عمل او را تقبیح نمودند.

❁ چرا به آخوند، آخوند می‌گویند؟

شاید آخوند مخفف از «آغا» و «خوندگار» به معنی «خداوندگار» باشد آخوند نیز به معنی ملّا و عالم و طالب علوم دینی و مکتب دار کودکان و معلّم کتاب می‌آید.^۳

❁ چرا به روحانی، شیخ گویند؟

شیخ به چند معنی مانند کثیر المال، کثیر السنّ و کثیر العلم می‌آید و اینجا مقصود شخص کثیر العلم است.

❁ چرا به عالم ربّانی، ربّانی می‌گویند؟

ربّانی از ربّ در اصل به معنای قیام به امر است و چون عالم، به امر امت قیام می‌کند به او عالم ربّانی می‌گویند.^۴

❁ چرا به فقیه، مجتهد می‌گویند؟

مجتهد از اجتهاد و اجتهاد از ماده «جَهْد» است که به معنی منتهای کوشش می‌باشد. و از آن جهت به فقیه، مجتهد گفته می‌شود که باید منتهای کوشش و جهد خود را در استخراج و استنباط احکام به کار ببرد.

❁ چرا به تقلید، تقلید می‌گویند؟

(تقلید از قلّاده به معنی گردن‌بند است) و چون مقلّد هر چه را به آن عمل می‌کند و یا اعتقاد دارد مانند گردن‌بندی به گردن مقلّد (مرجع تقلید) خود می‌اندازد به آن تقلید می‌گویند.^۵ و یا چون مقلّد، قلّاده پیروی و اطاعت از مرجع تقلید را بر گردن خود می‌اندازد، به آن

۱. منتهی الآمال، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۲. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۹۱-۹۲.

۳. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول بیت ۸-۲۱۱۸.

۴. مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۱۷۴.

۵. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۲۲.

عملش تقلید می‌گویند.

❁ چرا به مُکَلَّف، مُکَلَّف می‌گویند؟

مُکَلَّف از کُلفت و مشقّت است و چون شخص مُکَلَّف بواسطه انجام واجبات و ترک محرمات احساس کلفت و مشقّت می‌کند، به او «مُکَلَّف» می‌گویند.
تکلیف در لغت به معنای واگذار کردن کاری دشوار به دیگری است و در اصطلاح به معنی رسیدن پسر و دختر به سنّ بلوغ و رشد است و چون در این سنّ کار دشوار فعل واجبات و ترک محرمات به انسان واگذار می‌شود به آن، سنّ تکلیف می‌گویند.

❁ چرا به عامی، عامی می‌گویند؟

این کلمه منسوب به عامه و به معنی کسی است که به روش و عادت عامه مردم عمل می‌کند.^۱

❁ چرا به قوم، قوم می‌گویند؟

(قوم از قیام است) چون قوم به امور مهمّ قیام می‌کنند.^۲

❁ چرا به مشرکان، اُمّی می‌گویند؟

اُمّی در اینجا به معنی بی سواد است و چون مشرکان، کتاب آسمانی نداشتند تا به فراگیری خواندن و نوشتن وادار شوند، به آنها اُمّی می‌گویند.^۳

❁ چرا به طایفه، عشیره می‌گویند؟

عشیره از معاشرت است و چون طایفه اکثراً با هم معاشرت دارند به آن، عشیره می‌گویند.

❁ چرا به نیکوکاران، ابرار می‌گویند؟

ابرار جمع «برّ» (بر وزن رَبّ) در اصل به معنی وسعت و گستردگی است و از آنجا که افراد نیکوکار اعمالشان نتایج گسترده‌ای در سطح جامعه دارد، این واژه بر آنها اطلاق می‌شود.^۴

❁ چرا به مسلمان، مسلمان می‌گویند؟

مسلمان از مسلم به معنی تسلیم شده در مقابل خدا است و چون شخص مسلمان تسلیم خدا و اوامر و نواهی اوست، به او مسلمان می‌گویند.

۱. ره توشه، ص ۱۵۲، سال ۱۳۷۴.

۲. المیزان، ج ۱۸، ص ۳۲۱.

۳. المیزان، ج ۳، ص ۱۲۹.

۴. ره توشه، ویژه ماه رمضان سال ۱۳۸۱، ص ۲۰۶.

❁ چرا به کافر، کافر گویند؟

کافر از کفر به معنی پوشاندن است و چون شخص کافر وجود خدا و حق را می‌پوشاند و منکر خدا می‌شود، به او کافر می‌گویند.

❁ چرا به شرک و کفر، الحاد می‌گویند؟

الحاد در اصل از «لحد» گرفته شده، و به معنی حفره ای است که در یک طرف قرار گیرد، و به همین جهت به حفره ای که در یک جانب قبر قرار گرفته «لحد» گفته می‌شود، سپس به هر کاری که از حد وسط به سوی افراط و تفریط متمایل شود، «الحاد» گفته‌اند، اطلاق این کلمه بر «شرک و بت پرستی و کفر و بی دینی» نیز به همین مناسبت است.^۱

❁ چرا به کشاورز، کافر می‌گویند؟

کافر از کُفر به معنای پوشاندن است و چون کشاورز، دانه و هسته را در زیر خاک می‌پوشاند، به او کافر می‌گویند.^۲

❁ چرا به کشاورز، فلاح می‌گویند؟

فلاح از فلاح به معنای رستن است، شاید از این جهت به کشاورز، فلاح می‌گویند که وسیله رستن دانه را فراهم می‌کند.^۳

❁ چرا به شب، کافر می‌گویند؟

کافر از کُفر به معنای پوشاندن است و چون شب، فضا را در بر می‌گیرد و می‌پوشاند، به آن کافر می‌گویند.^۴

❁ چرا به منافق، منافق می‌گویند؟

منافق از نفق بر وزن (فَرَس) به معنی سوراخی است که در زیر زمین درب دیگری برای خروج دارد و چون شخص منافق کسی است که به سوی مؤمن، با ایمان و به سوی کافر، با کفر خارج می‌شود، به او منافق می‌گویند. وجه دیگری را برای نامگذاری منافق، ذکر می‌کنند و آن اینکه چون منافق از ایمان به کفر خارج می‌شود.^۵

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۹۵.

۲. تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۸.

۳. تفسیر نور، ج ۸، ص ۸۱.

۴. تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۸.

۵. ستاد تفسیر قرآن کریم، ص ۶۸-۶۷.

❁ چرا به مُخَلَّل، مُخَلَّل می‌گویند؟

مُخَلَّل یعنی حلال کننده و چون این شخص باعث این می‌شود که با ازدواج کردن با زنی که شوهرش او را سه طلاقه نموده است بعد از آنکه او را طلاق داد شوهر قبلی‌اش بتواند بعد از تمام شدن عدهٔ وی، با او ازدواج نماید لذا به او مُخَلَّل می‌گویند.

❁ چرا به ملائکه، ملائکه می‌گویند؟

ملائکه از مَلَك می‌باشد و اکثر علما معتقدند که از «الوک» مشتق است و الوک به معنی رسالت است.^۱ و چون هر کدام از ملائکه یک رسالتی دارند به آنها ملائکه می‌گویند.

❁ چرا به زنان بهشتی، حوریه می‌گویند؟

بعضی گفته‌اند: حوریه از «حور» از ماده «حیرت» گرفته شده، و چون زنان بهشتی به قدری زیبا هستند که چشمها از دیدن آنها حیران می‌شود، به آنها حوریه می‌گویند.
قول دیگر آن است که «حور» جمع «حورا» و «احور» به معنی آنکه سیاهی چشمش کاملاً مشکی و سفیدیش کاملاً شفاف است، می‌باشد و «عین» جمع «عیناء» و «اعین» به معنی درشت چشم است.^۲ و چون زنان بهشتی چنین اوصافی دارند به آنها «حورالعین» می‌گویند.
حوریه به معنی زن زیبای سیاه چشم می‌باشد و چون تمام زنان بهشتی دارای چنین صفتی هستند به آنها حوریه می‌گویند. و اینکه خداوند در قرآن از بین اوصاف زنان بهشتی فقط به صفت سیاه چشمی آنان اشاره کرده است چون زیبایی زنان غالباً در چشم آنها می‌باشد و هیچکدام از اعضای زنان به اندازه چشم در قشنگی و زیبایی آنان دخالت ندارد.
به حوریان بهشتی از این جهت حور گویند که حوریه از «حور» گرفته شده که به معنای سفید پوست می‌باشد.^۳

❁ چرا به حیوان، حیوان می‌گویند؟

حیوان از حی به معنی زنده است و چون تمام حیوانات دارای حیات و زندگی می‌باشند، به آنها حیوان می‌گویند.

❁ چرا به حیوان، بهیمه می‌گویند؟

بهیمه از ابهام است و به چیزی گفته می‌شود که نطق و سخنی ندارد و چون در صوت

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۵.

۳. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹.

حیوان ابهام است، به آن بهیمه می‌گویند.^۱

❖ چرا به بعوضه (پشه ریز)، بعوضه می‌گویند؟

بعوضه از بعض گرفته شده است و چون جثه این حشره کوچک است به آن بعوضه می‌گویند.^۲

❖ چرا به نمل (مورچه)، نمل می‌گویند؟

«لَتَمْلُهَا وَ هُوَ كَثْرَةُ حَرَكَتِهَا»^۳ یعنی: چون مورچه زیاد تحرک دارد.

❖ چرا به گاو ماده، بقره می‌گویند؟

اصل کلمه بقره از «بقر» بمعنی شکافتن است و گاو را از این جهت بقره نامیده‌اند که زمین را برای کشاورزی می‌شکافد.^۴

❖ چرا به حیوانات کوچک مانند گوسفند، فرش می‌گویند؟

نکته اش این است که اینگونه حیوانات بسیار به زمین نزدیک هستند و در برابر حیوانات بزرگ برابر همانند فرشی محسوب می‌شوند، هر گاه به بیابانی که گوسفندانی در آن مشغول چرا هستند از دور بنگریم درست به فرشی می‌مانند که روی زمین گسترده شده است. بعضی مفسران احتمال داده‌اند که منظور از این کلمه، فرشهایی است که مردم از حیوانات درست می‌کنند.^۵

❖ چرا به نبات مفترس (گیاه شکارچی)، نبات مفترس می‌گویند؟

زیرا خداوند به این گیاه چنان شعوری عطا نموده است که وقتی پرنده یا حشره ای بر روی برگ پهن او می‌نشیند فوراً بالا و پایین برگ خود را جمع می‌کند، و آن پرنده و حشره را زود پنهانش می‌کند و مواد صمغی هم دارد آنوقت برگ درخت هم آنرا می‌مکد آنقدر پرنده و حشره را می‌مکد تا خلاص شود.^۶

عجیب اینکه همه حیوانات درخت می‌خورند اما این درخت، حیوان می‌خورد.

۱. مفردات راغب، ص ۱۴۹.

۲. مفردات راغب، ص ۵۲.

۳. سقیته البحار، ج ۲، ص ۶۱۱.

۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۶۷.

۵. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۸.

۶. معارفی از قرآن. تفسیر سوره حدید، ۲۹۳، شهید دستغیب.

❁ چرا به شتر، جَمَل می‌گویند؟

جَمَل از جمال و زیبایی است و چون عرب‌ها شتر را جمال و زیبایی برای خود به شمار می‌آوردند، به آن جَمَل می‌گویند. قرآن گوید: «و لکم فیها جمال». یعنی و برای شما در شترها جمال و زیبایی است.

❁ چرا به حیوان درنده، سَبُع می‌گویند؟

سَبُع از ماده سَبَع (هفت) می‌باشد و چون قدرت این حیوانات درنده گوئی هفت برابر قدرت حیوانات دیگر است به آنها سبع می‌گویند.^۱

❁ چرا به شیطان، شیطان می‌گویند؟

شیطان از «شطن» به معنی دور شدن است.^۲ و چون شیطان از رحمت الهی دور گردید، به او شیطان می‌گویند.

و یا شیطان از «شاط شیطان» می‌باشد که به معنی هلاک شدن است.^۳ و چون شیطان بواسطه تکبر و نافرمانی خداوند هلاک شد، به او شیطان می‌گویند.

❁ چرا به شیطان، ابلیس می‌گویند؟

ابلیس مشتق از ابلاس است و به معنای حزنی است که از شدت سختی عارض می‌شود و ابلیس نیز به کسی گفته می‌شود که از شدت سختی و ناراحتی محزون می‌شود و آنچه را که قصد کرده فراموش می‌کند و حجتش قطع می‌گردد.^۴

بعضی گفته‌اند: ابلیس عربی و مشتق از «ابلاس» می‌باشد و ابلاس هم به معنی مأیوس است و چون شیطان از رحمت الهی مأیوس گشته است، به او ابلیس می‌گویند. امام رضا (ع) می‌فرماید: «نام او حارث بوده و به خاطر اینکه از رحمت الهی مأیوس گردید ابلیس نامیده شد».

و بعضی گفته‌اند: ابلیس اسم عجمی به معنی شیطان است.^۵

❁ چرا به شیطان، رجیم می‌گویند؟

رجیم به معنای سنگسار شده است و از این جهت که خداوند شیطان را با شُهب (سنگ‌های

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. مفردات راغب، ص ۲۶۱.

۳. جن و شیطان، ص ۲۹.

۴. مفردات راغب، ص ۱۴۳.

۵. قاموس، ج ۱، ص ۲۶۶.

آسمانی) سنگسار می کند و او را می راند به او رجیم می گویند.^۱
 رجیم به معنای رانده شده است؛ شیطان ۴ بار رانده شده: ۱. هنگامی که آدم را سجده نکرد
 از بهشت و رحمت خدا رانده شد. ۲. در زمان حضرت ابراهیم سه بار به وسیله رمی جمرات رانده
 شد. ۳. در زمان تولی حضرت عیسی از عبور به چندین آسمان رانده و ممنوع شد. ۴. در زمان
 پیامبر اکرم (ص) از عبور به همه آسمانها ممنوع شد و با شهاب ثاقب رانده شد. و به طور کلی
 شیطان برای همیشه از درگاه خدا رانده شده است.^۲

✽ چرا به شیطان، خناس می گویند؟

خناس به معنای پنهان و ناپیدا است و از این جهت به او خناس می گویند که در سینه ها
 کمین می کند و مرتب وسوسه می کند.^۳

✽ چرا به شیطان، عزازیل می گویند؟

عزازیل از ماده عزیز و به معنای عزیز شده است؛ چون شیطان در بهشت، در میان ملائکه
 خیلی محترم و عزیز بود.^۴

✽ چرا به شیطان، مذموم می گویند؟

مذموم به معنای سرزنش شده است؛ و چون خداوند بعد از آن که شیطان سجده نکرد او را
 سرزنش کرده و خطاب نمود: چرا سجده نکردی؟^۵

✽ چرا به شیطان، غاوی می گویند؟

غاوی یعنی آنکه راه هلاکت را در پیش گرفته و چون شیطان در آغاز، خودش گمراه شد و
 بعداً حضرت آدم و اولاد او را گمراه نمود و می نماید به او غاوی می گویند.^۶

✽ چرا به خناس، خناس می گویند؟

خناس صیغه مبالغه از ماده خنوس به معنی جمع شدن و عقب رفتن است و چون شیطان
 هنگامی که نام خدا برده می شود، دست و پای خود را جمع می کند و عقب نشینی می کند، به او
 خناس گفته می شود.^۷

۱. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۵۰۹.

۲. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۳۲، حیدر قنبری.

۳. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۶۴، حیدر قنبری.

۴. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۶۵، حیدر قنبری.

۵. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۶۵، حیدر قنبری.

۶. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۶۵، حیدر قنبری.

۷. تفسیر نمونه.

❁ چرا به جنّ، جنّ می‌گویند؟

جنّ به معنی موجود پوشیده و مخفی است و چون جنّ از دیده‌ها مخفی است، به او جنّ گویند.

❁ چرا به دیوانه، مجنون می‌گویند؟

مجنون از جنّ به معنی پوشیده شده است و چون دیوانه عقلش پوشیده، مخفی و غایب گشته است به او مجنون می‌گویند

❁ چرا به دیوانه، دیوانه می‌گویند؟

دیوانه به معنای دیورده است یعنی جنّ زده همانطور که عربی آن مجنون است و مجنون به معنای جنّ زده می‌باشد.^۱

❁ چرا به دجال، مسیح می‌گویند؟

زیرا یکی از چشمان او مسح شده است.^۲
راغب در مفردات و ابن منظور در لسان العرب گویند: از این جهت که یک چشم بیشتر ندارد، و جای چشم دیگرش «ممسوح» و صاف است.^۳
دجال کسی است که قبل از ظهور حضرت حجت (عج) خروج می‌کند.

❁ چرا به انسان، انسان می‌گویند؟

زیرا انسان، محل نسیان و فراموشی است.^۴
و قولی گویند: اصل انسان از انس است و چون انسان زودی انس می‌گیرد، به او انسان می‌گویند.

❁ چرا به انسان، بشر می‌گویند؟

«بشر» به ظاهر پوست گفته می‌شود. و چون در میان جانداران تنها انسان است که پوست او ظاهر و پیدا است، به او بشر می‌گویند بخلاف باقی حیوانات که پوست آنها با پشم و مو و کرک و پر و پولک پوشیده شده است.^۵

❁ چرا به آدم، آدم می‌گویند؟

گویند: هر کدام از حروفش اشاره به یک معنایی دارد. (آ) علامت آفت و (د) علامت دم و

۱. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۱۵.

۲. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۱۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۴۳.

۴. علل الشرایع، ص ۱۵.

۵. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۲۹.

(م) علامت مرگ است و چون وجود آدم از این گونه چیزها خالی نیست به او آدم می‌گویند.^۱
 قولی گوید: چون انسان در اول خلقت از «ادیم الارض = خاک» خلق شده به او آدم می‌گویند.

✽ چرا به انسان فضول، فضول می‌گویند؟

فضول از فضل به معنی زیادی است و چون انسان فضول زیاده‌تر از حق خود سخن می‌گوید و یا کاری را که مربوط به او نیست، انجام می‌دهد، به او فضول می‌گویند.

✽ چرا به انسان بخیل، مقتر می‌گویند؟

مقتر از قُتار و قُتَر به معنای دودی است که از غذایی بلند می‌شود و چون شخص بخیل از غذا فقط دودش را تناول می‌کند به او مقتر می‌گویند.^۲

✽ چرا به زناکار، بغی می‌گویند؟

بغی از بغی به معنای طلب و اراده و عدول از حق است.^۳ و از این جهت که زناکار اراده و طلب زنا کرده و از حق عدول می‌نماید و مرتکب خلاف حق می‌شود به او بغی می‌گویند.^۴

✽ چرا به پدر بزرگ، جدّ می‌گویند؟

«جدّ» در لغت، معانی زیادی دارد از جمله: عظمت، شدت، جدّیت، بهره و نصیب، نوشیدن و مانند آن می‌باشد ولی ریشه اصلی آن، به طوری که راغب در مفردات می‌گوید، به معنی «قطع» است، و از آنجا که هر وجود با عظمتی از موجودات دیگر جدا می‌شود، به آن جدّ می‌گویند. و اگر به پدر بزرگ جدّ گفته می‌شود آنهم به واسطه بزرگی مقام یا سنّ او است.^۵

✽ چرا به خویشاوندان نسبی، رَحِم می‌گویند؟

چون از رحم واحدی خارج شده‌اند.^۶

رحم همان عضوی از زنان است که نطفه شوهر را در خود جای می‌دهد تا به صورت جنین در آمده، و سپس متولد شود و چون قرابت‌های نسبی بالاخره منتهی به یک رحم می‌شوند، بدین

۱. حاشیه جامع المقدمات، ص ۱۷۰.

۲. مفردات راغب، ص ۶۵۵.

۳. المنجد، ص ۲۰۶.

۴. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۷۸۴.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۰۴.

۶. مفردات راغب، ص ۳۴۷.

مناسبت به آنها رحم گفته می‌شود.

❁ چرا به فرزندان انسان، نسل گفته می‌شود؟

همانطور که راغب در مفردات گوید؛ این کلمه در اصل به معنی جدا شدن از چیزی است، و اینکه به فرزندان انسان «نسل» گفته می‌شود به خاطر آنست که از پدر و مادر جدا شده‌اند.^۱

❁ چرا به مرد، صلب می‌گویند؟

صلب یعنی استخوانهای محکم و چون مرد مظهر سختی و صلابت است، به او صلب می‌گویند.^۲

❁ چرا به زن، ترائب می‌گویند؟

ترائب یعنی استخوانهای نرم روی سینه و چون زن مظهر نرمی و لطافت است، به او ترائب می‌گویند.^۳

❁ چرا به مادر، آم می‌گویند؟

آم به معنای هدف و مقصود است و چون مادر هدف و مقصود بچه است و برای کودک همه چیز، مادر او است، به او آم (مادر) می‌گویند. از طرفی آم به معنای اصل و ریشه است و چون مادر، اصل و ریشه فرزند است، به او آم می‌گویند.

❁ چرا به دولت سربداران، سربداران می‌گویند؟

چون زمانی که سربازان مغول برای غارت و خوشگذرانی به روستای باشتین در نزدیکی سبزوار رفته بودند مردم قیام نموده و آنان را به قتل رساندند و اعلام کردند «سربه دار می‌دهیم و تن به ذلت نمی‌دهیم» به همین جهت، قیام آنان و دولتی که تأسیس کردند به سربداران معروف شد.

❁ چرا به ستون پنجم دشمن، ستون پنجم می‌گویند؟

ستون پنجم به دشمن مخفی و پنهانی گفته می‌شود که در نیروی خصم نفوذ کرده باشد. طبق بعضی نوشته‌ها این اصطلاح از فرانسه گرفته شده که سابقاً لشکری از فرانسه می‌خواستند وارد شهری شوند و به چهار قسمت و ستون شدند و از هر چهار طرف می‌خواستند شهر را تسخیر نمایند ولی نتوانستند سرانجام گفتند ما در داخل آن شهر نیروهای مخفی داریم از طریق آنها وارد

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۱۰ به نقل از مفردات راغب.

۲. تفسیر قرآن، سوره طارق، ص ۲۰۱، شهید مطهری.

۳. تفسیر قرآن، سوره طارق، ص ۲۰۱، شهید مطهری.

می‌شویم و به کمک آنها شهر را ساقط می‌کنیم از همین راه وارد شده و پیروز شدند.^۱
 قولی گوید: چون ارتش چهار ستون دارد «مقدمة الجیش»، «یمین»، «یسار» و «فرماندهی»
 لذا آن دسته‌ای که جزو هیچکدام نیست و در واقع قسم پنجمی است، به آن ستون پنجم
 می‌گویند.

✽ چرا به عرب، عرب می‌گویند؟

عرب به کسانی گفته می‌شود که فصاحت در کلام دارند و چون عربها نسبت به عجمها
 دارای فصاحت در کلام و صراحت لهجه می‌باشند و لکنتی در زبان ندارند به آنها عرب می‌گویند.

✽ چرا به عجم، عجم می‌گویند؟

عجم به معنی گنگ و کسی که لکنت زبان دارد، است.^۲
 و چون غیر عرب (عجم) نسبت به عرب که دارای فصاحت در کلام است به منزله گنگ
 محسوب می‌شود، به او عجم می‌گویند.

✽ چرا به قریش، قریش می‌گویند؟

واژه «قریش» به طوری که بسیاری از مفسران و ارباب لغت گفته‌اند در اصل به معنی نوعی
 از حیوانات بزرگ دریایی است که هر حیوانی را به آسانی می‌خورد.
 از ابن عباس سؤال کردند چرا به قریش، قریش می‌گویند؟ گفت: به خاطر آن است که در
 اصل نام حیوانی از بزرگترین حیوانات دریا است که به هیچ حیوان لاغر و چاقی نمی‌گذرد مگر
 اینکه آن را می‌بلعد بنابر این انتخاب این نام برای قبیله فوق به خاطر قدرت و قوت این قبیله، و
 سوء استفاده‌هایشان از این قدرت بوده است.
 ولی بعضی آن را از ماده «قَرَش» (بر وزن فرش) به معنی «اکتساب» دانسته‌اند چرا که این
 قبیله غالباً به تجارت و کسب مشغول بودند.
 بعضی نیز این ماده را به معنی «بازرسی و تفتیش» می‌دانند، و از آنجا که قریش از حال
 حجاج خبر می‌گرفتند، و گاه به کمک آنها می‌شتافتند، این واژه برای آنها انتخاب شده است.
 «قرش» در لغت به معنی اجتماع نیز آمده است، و چون این قبیله از اجتماع و انسجام
 خاصی برخوردار بودند، این نام برای آنها انتخاب شده است.^۳

۱. استاد آیت الله العظمی مکارم شیرازی «حفظه الله» از کتاب چرا؟.

۲. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۷۰۴.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۰.

❁ چرا به مهاجرین، مهاجرین می‌گویند؟

مهاجر به معنی هجرت کننده از وطن است و چون این گروه زودتر یا همراه رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه هجرت نمودند، به آنها مهاجرین می‌گویند.

❁ چرا به انصار، انصار می‌گویند؟

انصار به معنی یاری کنندگان می‌باشد و چون این افراد در مدینه رسول خدا ﷺ و اصحاب و یاران حضرت را که از مکه به آنجا هجرت کرده بودند یاری و مدد نمودند و به آنها خانه و کاشانه و آذوقه دادند به آنها انصار می‌گویند.

❁ چرا به بنی امیه، بنی امیه می‌گویند؟

چون این گروه از نسل امیه بن خلف می‌باشند.

❁ چرا به بنی عباس، بنی عباس می‌گویند؟

چون این گروه از نسل عباس بن عبد المطلب عموی پیامبر اسلام ﷺ می‌باشند.

❁ چرا به بنی عباس، بنی شیبان می‌گویند؟

مرحوم علامه مجلسی می‌گوید: یکی از نام‌های شیطان شیبان است. و به بنی عباس هم بنوشیبان می‌گویند؛ زیرا شیطان در نطفه بعضی از آن‌ها رسوخ کرده بود.^۱

❁ چرا به شیعه، شیعه می‌گویند؟

شیعه به معنی پیرو است و چون شیعیان پیرو حضرت علی ﷺ می‌باشند به آنها شیعه می‌گویند. و روایت است که پیامبر خدا ﷺ فرمودند «یا علی انت و شیعتک هم القائزون» یعنی ای علی! تو و شیعیان تو رستگارانید. بنابر این، لقب شیعه را پیامبر خدا ﷺ به پیروان حضرت علی ﷺ عطا نموده است.

❁ چرا به شیعه، شیعه جعفری می‌گویند؟

زیرا شیعه بیشتر احکام و مسائل مذهبی خود را از امام جعفر صادق ﷺ گرفته است بنا براین به آنها شیعه جعفری می‌گویند.

❁ چرا به شیعه، رافضی می‌گویند؟

رافضی از رفض به معنی ترک است و چون شیعیان خلافت شیخین (ابوبکر و عمر) را ترک

۱. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۶۶، حیدر قنبری.

کردند، به آنها رافضی می‌گویند.

❁ چرا به شیعه امامیه، فرقه اثنی عشریه می‌گویند؟

اثنی عشر به معنی دوازده است و چون امامیه و شیعیان اعتقاد به دوازده امام معصوم دارند به آنها اثنی عشریه می‌گویند.

❁ چرا به سنی، سنی گویند؟

سنی یعنی کسی که به سنت عمل می‌کند و چون اهل سنت به سنت پیامبر (قول و فعل و تقریر ایشان) عمل می‌کنند و کاری به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) ندارند به آنها سنی می‌گویند.

❁ چرا به خوارج، خوارج گویند؟

خوارج از خروج گرفته شده است و خوارج به فرقه‌ای گفته می‌شود که از طاعت حضرت علی (ع) خارج شدند و علیه حضرت خروج کردند.

❁ چرا به حروریه، حروریه می‌گویند؟

در کوفه دوازده هزار نفر از مردم لجوج و متعصب از مردم جدا شدند و به حروراء رفتند (در دو میلی کوفه) و به همین دلیل به این گروه از خوارج «حروریه» می‌گویند.^۱

❁ چرا به قاسطین، قاسطین گویند؟

قاسطین از قسط به معنی عدول کردن است و چون معاویه و اصحابش نسبت به قبول ولایت حضرت علی (ع) عدول کردند و سر باز زدند، به آنها قاسطین می‌گویند.

❁ چرا به ناکثین، ناکثین گویند؟

نکث به معنی «تقض عهد و پیمان» است و چون گروهی مانند طلحه و زبیر نسبت به علی (ع) پیمان شکنی کردند به آنها ناکثین (پیمان شکنان) می‌گویند.

❁ چرا به مارقین، مارقین گویند؟

مارقین از مرق به معنی خارج شدن از دین است و چون این گروه یعنی خوارج از دین حق خارج شدند و از اطاعت حضرت علی (ع) خارج گردیدند، به آنها مارقین می‌گویند.

❁ چرا به عدلیه (امامیه و معتزله)، عدلیه گویند؟

چون هر دو فرقه اعتقاد دارند که خدا عادل است به این معنی که از روی عدل و حکمت

۱. علی و فتنه ها، ص ۱۷۴.

کار خوب را انجام و کار بد را ترک می‌کند و قائل به حسن و قبح ذاتی افعال هستند. باید گفت همه مذاهب حتی اشاعره قبول دارند که عدل از صفات خداست، ولی چون اشاعره حسن و قبح ذاتی را قبول ندارند (اشاعره گویند: هر چه خدا واجب کند حسن و هر چه را که از آن نهی کند، قبیح است) و لازمه‌اش انکار عدل خدا است، به آنها عدلیه نمی‌گویند.

❁ چرا به فرقه معتزله، معتزله گویند؟

این طبقه در عصر امام صادق علیه السلام به وجود آمدند و چون عمرو بن عبید و واصل بن عطا در حوزه حسن بصری عزلت گرفتند، ملقب به معتزله شدند.^۱ شهید مطهری در وجه تسمیه آن، دو قول را ذکر می‌کند ۱. واصل بن عطا که رئیس معتزله است چون در یک جریان از حوزه درس حسن بصری جدا شد بدین مناسبت حسن گفت: «اعتزل عتاً» یعنی او از ما جدا شد. لذا پیروان او به این مناسبت معتزله نامیده شدند. ۲. چون در جریان جنگ جمل و صفین روش بی‌طرفی و کناره‌گیری را انتخاب کردند به آنها معتزله می‌گویند.^۲

❁ چرا به فرقه اشاعره، اشاعره گویند؟

چون این فرقه منسوب به حسن بن اشعری هستند به آنها اشعریه یا اشاعره گویند.

❁ چرا به فرقه مفوضه، مفوضه می‌گویند؟

مفوضه از تفویض به معنی وا گذاشتن است و چون این فرقه قائل به این هستند که خداوند امور را به بندگان وا گذاشته است و هیچ دخالتی در امور آنها ندارد، به آنها مفوضه می‌گویند.

❁ چرا به فرقه جبریه، جبریه گویند؟

چون این فرقه قائل به جبر در افعال هستند و گویند هر کاری که انسان انجام می‌دهد خواست خدا می‌باشد و بنده هیچ اختیاری از خود ندارد.

❁ چرا به فرقه شافعی، شافعی می‌گویند؟

چون این فرقه منسوب به محمد ادريس شافعی هستند.

❁ چرا به فرقه مالکی، مالکی گویند؟

چون این فرقه منسوب به مالک بن انس هستند.

۱. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۹۱۴.

۲. آشنایی با علوم اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۶.

❁ چرا به فرقه حنفیه، حنفیه گویند؟

چون این فرقه منسوب به ابوحنیفه می‌باشند.

❁ چرا به فرقه حنبلی، حنبلی می‌گویند؟

چون این فرقه منسوب به احمد بن محمد بن حنبل می‌باشند.

❁ چرا به فرقه زیدیه، زیدیه گویند؟

چون این فرقه منسوب به زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام هستند.

❁ چرا به فرقه کیسانیه، کیسانیه می‌گویند؟

کیسانیه به پیروان مختار می‌گویند و دلیل آن این است که از اصبع بن نباته نقل شده که می‌گوید: مختار را در ایام کودکی روی زانوی حضرت علی علیه السلام دیدم و آن حضرت بر سر او دست می‌کشید و می‌فرمود: «یا کَیس، یا کَیس» ای هوشمند ای زیرک لذا به همین مناسبت پیروان او را «کیسانیه» خواندند.^۱

❁ چرا به توابین، توابین می‌گویند؟

توابین یعنی توبه کنندگان و به گروهی از اهالی کوفه می‌گویند که خود را به سبب یاری نکردن امام حسین علیه السلام بسیار شماتت و سرزنش می‌کردند و معتقد بودند که برای آمرزش گناهان خود که به یاری امام حسین علیه السلام نرفتند باید قاتلان حضرت را به کیفر برسانند و یا خود در این راه کشته گردند.

❁ چرا به فرقه اسماعیلیه، اسماعیلیه می‌گویند؟

چون این فرقه منسوب به اسماعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام هستند.

❁ چرا به مذهب واقفیه، واقفیه گویند؟

چون هنگامی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از دنیا رفت نزد بعضی از بزرگان، مال زیادی داشت لذا منکر مرگ حضرت شدند و قائل به وقف گردیدند (تا آن اموال را از دست خود بیرون نکنند و تسلیم امام بعدی ننمایند).^۲

❁ چرا به فرقه ذهبیه، ذهبیه می‌گویند؟

(ذهبیه منسوب به زر (طلا) و یا از ذَهَب به معنی «رفت» است) گفته‌اند که وقتی میر عبدالله از خواجه اسحاق کناره گرفت خواجه گفت ذَهَبَ عبدالله، یعنی عبدالله از بیعت ما بیرون رفت، و به این جهت آن فرقه را ذهبیه گفتند.

۱. سوگنامه آل محمد، ص ۵۳۶.

۲. علل الشرائع، ص ۲۳۵.

بعضی دیگر گفته‌اند که آن فرقه همگی شیعه مخلص بودند و از این رو آنان را به زر خالص تشبیه کرده، ذهبیه خوانده‌اند.^۱

❁ چرا به فرقه مرجئه، مرجئه گویند؟

مرجئه از ارجاء به معنی تأخیر انداختن است و چون این فرقه می‌گویند: ما از حقیقت امر خبر نداریم که حق با چه کسی است لذا کار همه را به روز رستخیز تأخیر می‌اندازیم تا در آن زمان حق از باطل روشن گردد، به این جهت به آنها مرجئه گویند.

❁ چرا به فرقه وهابیه، وهابیه می‌گویند؟

چون این فرقه پیرو محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تمیمی نجدی هستند. نام این فرقه از نام پدر او عبد الوهاب گرفته شده و لقب وهابی را دشمنان این فرقه به آنان داده‌اند. باید گفت این فرقه عقائد جدیدی را در جزیره العرب دارند.^۲

❁ چرا به فرقه بابیه، بابیه گویند؟

چون این فرقه پیرو سید علی محمد شیرازی هستند که وی خود را باب می‌خواند (وی می‌گفت من باب امام زمان علیه السلام هستم هر کسی که می‌خواهد به امام زمان برسد از راه من باید به ایشان برسد).^۳

❁ چرا به فرقه شیخیه، شیخیه می‌گویند؟

زیرا رئیس این فرقه شیخ احمد احصایی است.

❁ چرا به فرقه صوفیه، صوفیه می‌گویند؟

در آن چند قول است:

۱. قولی گوید این فرقه، منسوب به آل صوفان یا صفوان که خادمین کعبه و راهنمایان حجاج در دوره جاهلیت بوده‌اند، می‌باشند و وجه نسبت را زهد و تعلیمات خاص آنها بیان کرده‌اند.

۲. قولی گوید این فرقه منسوب به صفه که (صَفَى) با تشدید «فا» و «یا» می‌شود، یاد نموده‌اند و گفته‌اند که برای تخفیف، یک «فا» قلب به (واو) گردیده است و صوفی شده است.

۳. قولی گوید این واژه منسوب به (صوف = پشم) که لباس اهل زهد و صلاح است، می‌باشد.

۱. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۱۹۶.

۲. فرهنگ فرق اسلامی از دکتر محمد جواد مشکور.

۳. فرهنگ فرق اسلامی از دکتر محمد جواد مشکور.

ابن خلدون گوید: صوفی مشتق از صوف است چون صوفیان اغلب به پوشیدن لباس‌های پشمینه اختصاص یافته‌اند و در پوشیدن لباسهای فاخر با مردم مخالفت داشته‌اند و به پشمینه پوشی می‌گرائیدند.

یافعی گوید صوفی‌ها لباس پشم می‌پوشند چون اقرب به تواضع و خشوع است لذا معتقدین صوفیه آن لباس را می‌پوشیدند و از طرفی پشم، لباس انبیا بوده است و حتی پیامبر خدا ﷺ هم لباس پشم می‌پوشیدند.

۴. قولی گوید: صوفی از صفو مشتق شده است و صفو به معنی برگزیده است و چون صوفیه برگزیدگان خلقند، به آنها صوفی گویند.

۵. گروهی گویند: صوفی منسوب به صفا است و چون صوفیه از نظر مراتب معنوی و تقرب به خدا در صف اول قرار دارند، به آنها صوفیه گویند.

۶. قولی گوید: صوفی منسوب به صفا است و صوفیه را به مناسبت صفای باطنی که دارند، به صفا نسبت داده‌اند.

۷. قولی گوید: صوفی مشتق از صوفه است و آن نام شخصی بود که در خانه خدا اشتغال به عبادات داشته و اسم غوث بن مد می‌باشد.^۱

❁ چرا به براهمه، براهمه می‌گویند؟

براهمه به کسانی می‌گویند که نبوت انبیا را منکرند. و علت آنکه به آنها براهمه می‌گویند آن است که چون منتسب به حضرت ابراهیم هستند و قول دیگر که صحیح است گوید چون منتسب به مردی به نام براهم هستند.^۲

❁ چرا به صابئین (ستاره پرستان)، صابئین می‌گویند؟

صابئین جمع صابی در لغت به معنی کسی است که دین اولش را ترک کرده و به آئین دیگر گرویده است و چون این افراد از عبادت خداوند سر باز زدند و به پرستش ستاره‌ها گرایش پیدا کردند، به آنها صابئین می‌گویند.^۳

❁ چرا به زرتشت، زرتشت می‌گویند؟

نام زرتشت در اوستا (زرتوشتتر) آمده که به معنی دارنده شتر زرد است. برای نام وی معنی

۱. برگرفته از عرفان و تصوف از داود الهامی.

۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۵.

۳. تبیان، ج ۱، ص ۲۸۲.

دیگری نیز ذکر کرده‌اند از جمله (راهنمای اعلا).^۱

❁ چرا به مجوس (زردشتی)، مجوس می‌گویند؟

واژه مجوس - طبق تحقیقات محققان - معرب مگوس است که کلمه‌ای آرامی و به معنی پیروان آیین زردشت است ریشه این لغت در اوستا آمده و ایرانی است.^۲

❁ چرا به عاقل، عاقل می‌گویند؟

عاقل از عقل و عقل از عقال (پابند شتر) گرفته شده است و چون شخص عاقل دارای عقل بوده است و آن عقل، او را از کارهای ناپسند و زشت مانع می‌شود، به او عاقل می‌گویند.

❁ چرا به مکلف، مکلف می‌گویند؟

مکلف از کُلفَت به معنی مشقت است و چون مکلف به واسطه عمل به دستورات دینی به کلفت و مشقت می‌افتد به او مکلف گویند.

❁ چرا به مقلد، مقلد می‌گویند؟

مقلد از قلاده به معنی گردن‌بند است و چون شخص مقلد قلاده تقلید را بر گردن خود می‌اندازد و از مرجع تقلید پیروی می‌کند به او مقلد می‌گویند.

❁ چرا به دختر، جاریه می‌گویند؟

جاریه از جری به معنی سیر سریع است و چون دختر نسبت به پسر، رطوبت مزاج بیشتری دارد در نتیجه رشد سریعتری دارد و زودتر هم به حد بلوغ می‌رسد بدین جهت به او جاریه می‌گویند.^۳

❁ چرا به محرم، محرم می‌گویند؟

محرم از حرام است یعنی کسی که ازدواج با او در اسلام حرام است . شهید ثانی در تعریف «محارم» می‌فرماید: «مَنْ يَحْرُمُ نِكَاحَهُنَّ مُؤَبَّدًا بِنَسَبٍ أَوْ رِضَاعٍ أَوْ مُصَاهَرَةٍ» یعنی: محارم کسانی هستند که ازدواج با آنها حرام است خواه به نسب، خواه به شیر دادن و خواه به ازدواج باشد.^۴ بنا بر این معنی، همسر انسان محرم او نمی‌باشد چون کسی نیست که ازدواج با او حرام باشد.

۱. تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. حسین کریمیان.

۲. آشنایی با ادیان جهان ص ۴۱، رشته تخصصی علم کلام.

۳. تازیانه سلوک آیت الله حسن زاده.

۴. شرح لمعه، ج ۲، ص ۵۴.

❁ چرا به زن شوهر دار، مُحْصِنَه و به مرد زن دار، مُحْصِن می‌گویند؟

محصن از احصان به معنی منع کردن است و چون زن شوهردار بواسطه داشتن شوهر مانع از بیگانگان و وسوسه شیطان می‌شود به او مُحْصِنَه گویند و چون مرد زن دار بواسطه داشتن زن مانع از گناه کردن خود و وسوسه شیطان می‌شود، به او محصن گویند.^۱

❁ چرا به زن، مرأه می‌گویند؟

چون از مرء = مرد (حضرت آدم) خلق شده است.^۲
قرآن گوید زن از جنس مرد خلق شده است «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا».

❁ چرا به زنان، نساء می‌گویند؟

(نساء از انس است) و چون حضرت آدم عليه السلام انیسی غیر از حوا نداشت لذا به حوا و دیگر زنان، نساء می‌گویند.^۳

❁ چرا به زنان، مُخَدَّرَات گویند؟

مخدَّرات از خدر به معنی چادر و پوشش است و چون زنان در مقابل نامحرمان دارای پوشش و حجاب هستند به آنها مخدَّرات می‌گویند.

❁ چرا به زن یائسه، یائسه می‌گویند؟

یائسه به معنی زن ناامید است و چون این زن در این سن و سال (زن عام پایان ۵۰ سالگی قمری و زن سیده در پایان ۶۰ سالگی قمری) از حیض شدن، آبستن شدن و بچه‌دار گشتن ناامید و مأیوس می‌شود به او یائسه گویند.

❁ چرا به دختری که ۹ سالش و پسری که ۱۵ سالش کامل شده است، بالغ می‌گویند؟

زیرا بلوغ به معنای رسیدن به امری است که برای شخص مقدر و معین شده است^۴ لذا چون دختر و پسر به این سن و سالی که برای انجام وظایف شرعی برایشان مقدر شده می‌رسند، به آنان بالغ می‌گویند.

❁ چرا به بهلول، گاهی عاقل و گاهی دیوانه می‌گویند؟

بهلول یکی از اصحاب امام کاظم عليه السلام است و شخصی عاقل و دانایی بوده است اما چون به امر

۱. المیزان، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲. علل الشرایع، ص ۱۷.

۳. علل الشرایع، ص ۱۷.

۴. مفردات راغب، ص ۱۴۴.

امام، تقیه کرد و خود را به دیوانگی زد تا جانش محفوظ بماند، به او بهلول دیوانه می‌گویند.

❁ چرا به زمخشری، جار الله می‌گویند؟

چون چند سال مجاور مسجد الحرام و ساکن مکه بود.^۱

❁ چرا به بشر حافی (پابره‌نه)، بشر حافی می‌گویند؟

بشر یکی از افراد خوشگذران و عیاش بود و چون با پای برهنه خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و توبه نمود و تا آخر عمر نیز کفش نپوشید به این جهت به بشر حافی معروف گردید. گویند: بعد از آن که بشر توبه کرد و با پای برهنه راه می‌رفت، حیوانات به احترام وی در مسیرش فضله نمی‌انداختند.

❁ چرا به حافظ (شاعر معروف شیرازی)، حافظ می‌گویند؟

نام وی شمس الدین محمد است. چون وی قرآن را از بر داشته و حافظ کل قرآن بوده است به حافظ معروف گردیده است.

❁ چرا به پاپ، پاپ می‌گویند؟

این لفظ در فارسی مأخوذ از «Lepope» فرانسوی است و پیداست که نخستین بار از راه آن زبان به فارسی و ایران راه یافته است و به معنی «بابا»ی فارسی است در قرن چهارم و پنجم مسیحی در مغرب زمین تمام کشیشان را چنین می‌خواندند.^۲

❁ چرا به فیلسوف، فیلسوف می‌گویند؟

این لغت ریشه یونانی دارد و مصدر جعلی عربی کلمه «فیلسوفیا» است کلمه فیلسوفیا مرکب است از دو کلمه «فیلو» و «سوفیا». کلمه «فیلو» به معنی دوستداری و کلمه «سوفیا» به معنی دانایی است پس کلمه «فیلسوفیا» به معنی دوستدار دانایی است.^۳

❁ چرا به دکتر، طبیب می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت موسی علیه السلام گفت: خدایا اگر درد و درمان همه از توست پس معالجه کننده (پزشک) چه می‌کند. خدا فرمود: «یطیب بذلک انفسهم» یعنی مردم بواسطه پزشک دل خوش می‌کنند از این

۱. روش تفسیر تشریحی، سوره انفال و توبه، ص ۱۶۰.

۲. دائرة المعارف، ص ۶۵۷، آذینفر.

۳. آشنایی با علوم اسلامی، ص ۱۴۷، استاد مطهری.

جهت به پزشک طبیب می‌گویند، به این معنی که دل مردم را خوش می‌کند.^۱

✽ چرا به خلبان، خلبان می‌گویند؟

«خله» به چیز نوک تیزی که بخلد و «بان» هم به راننده گفته می‌شود.^۲ و چون خلبان، راننده هواپیمایی است که دارای نوک تیز می‌باشد، به او خلبان می‌گویند.

✽ چرا به ناخدای کشتی، ناخدا می‌گویند.

ناخدا در اصل ناو خدا، به معنی صاحب کشتی و کشتیان می‌باشد.^۳

✽ چرا به سفیر، سفیر می‌گویند؟

سفیر صیغه مبالغه از سفر به معنای کسی که زیاد سفر می‌کند، است و چون بعضی از افراد میان دو کشوری که رابطه سیاسی دارند برای اغراضی، زیاد سفر می‌کنند به آنها سفیر می‌گویند.

✽ چرا به کتاب، کتاب می‌گویند؟

کتاب در اصل لغت به معنی گرد هم آوردن است و هر نوشته‌ای را از آن جهت کتاب می‌نامند، که حروف و کلمه در آن گرد هم آمده است.^۴

✽ چرا به زبور، زبور می‌گویند؟

از این جهت که فراوان در آن مواعظ و زواجر است.^۵

✽ چرا به انجیل، انجیل می‌گویند؟

انجیل به معنی بشارت است و چون در این کتاب آسمانی بشارت به آمدن رسول گرامی اسلام ﷺ داده شده است، به آن انجیل می‌گویند.

✽ چرا به قرآن، قرآن می‌گویند؟

برخی می‌گویند: این لفظ مشتق از «قرنت الشیء بالشیء» است و چون میان سوره و آیات و حروف قرآن مقارنه وجود دارد، به آن قرآن می‌گویند.

برخی گویند: قرآن اسم علم غیر مشتق است و مخصوص به کلام خدا می‌باشد.

فراء گوید: قرآن مشتق از قرائن است.

۱. علل الشرائع، ص ۵۲۵.

۲. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۰۳۶.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۱۴۷.

۴. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۵.

۵. مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۹۰۰.

از میان آن‌هایی که قرآن را مهموز دانند گروهی گویند: قرآن مصدر قرأت است (و در اینجا مصدر به معنی اسم مفعول است (خوانده شده).

و گروهی دیگر گویند: قرآن وصف است بر وزن «فعلان» از ماده «قرء» به معنی جمع است.^۱
زجاج گوید: قرآن مشتق از «قرء» بمعنی جمع و گرد آوری است و چون قرآن، جامع ثمرات کتب پیشین آسمانی است آنرا قرآن نامیده‌اند.^۲

❁ چرا به قرآن، نور گویند؟

چون آیات قرآن به منزله نوری است که انسانها می‌توانند در پرتوی آن به سعادت دنیا و آخرت نایل آیند.

❁ چرا به قرآن، فرقان می‌گویند؟

فرقان مصدر و به معنی جدایی و هر چه که دو چیز را از هم جدا کند، می‌باشد و چون قرآن فاصله بین حق و باطل است و آن دو را از هم جدا می‌کند، به آن فرقان گفته‌اند.^۳
علت دیگر اینکه: چون وسیله ای است که حق را از باطل مشخص می‌سازد.^۴

❁ چرا به قرآن، کتاب می‌گویند؟

کتاب به معنی گرد هم آوردن است و چون انواع آیات و قصص و احکام در قرآن گرد هم آمده است، به آن کتاب می‌گویند.^۵

❁ چرا به قرآن، ذکر می‌گویند؟

ذکر به معنای یادآوری و تذکر است و چون خداوند متعال با سخن خود (قرآن) بندگان خویش را به فرائض و احکام یادآوری می‌کند به آن ذکر می‌گویند.^۶
علت آنکه به قرآن ذکر گفته‌اند به خاطر این است که قبل از هر چیز انسان را متذکر و بیدار می‌سازد و حقایقی را که انسان اجمالاً با فطرت خدادادی دریافته با وضوح و تفصیل شرح می‌دهد.^۷
از آن جایی که «ذکر» به علم و معرفتی گفته می‌شود که در ذهن حاضر باشد و از آن غفلت نشود لذا به قرآن که معارف و احکام آن حقایقی است که باید آن را فرا گرفت و همواره به خاطر

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۳۷.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۴.

۳. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۷۰؛ المیزان، ج ۳، ص ۹.

۵. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۵.

۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۶.

۷. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۹۷.

داشت، ذکر می‌گویند.

❁ چرا به قرآن، تنزیل می‌گویند؟

چون آیات آن از طریق وحی به تدریج بر رسول خدا ﷺ نازل گردید. چون کلمه تنزیل غالباً از «نزول تدریجی» قرآن حکایت می‌کند، و کلمه انزال در اکثر موارد، نمایانگر نزول دفعی قرآن می‌باشد.^۱

❁ چرا به سوره، سوره می‌گویند؟

سوره از سور به چند معنی می‌آید ۱. به معنی حصار و دیوار شهر و چون سوره‌های قرآن، پیرامون آیاتی را احاطه کرده و آنها را گرد هم و بصورت واحدی در آورده است و نیز همچون باره (دیوار) شهر، بلند مرتبت و رفیع است، آن را سوره می‌نامند. ۲. برخی آنرا مخفف و تسهیل یافته «سُورَه» و مهموز می‌دانند که عبارت از نیم‌خورده و باقی مانده آشامیدنی در ظرف می‌باشد و چون سوره قرآن قطعه و قسمتی از آنست، بدین جهت سُورَه‌اش نامیدند و به منظور تسهیل در تلفظ، همزه آنرا حذف کردند، و به صورت سوره در آمد.

۳. سوره از سوار است که معرب «دستواره = دستبند» می‌باشد، و چون سوره قرآن مانند دستواره‌ای، آیاتی از قرآن را در بر گرفته است، سوره نامیده شد.

۴. به معنی مقام و منزلت رفیع، و چون کلام الهی حتی در حدّ یک سوره دارای مقام و منزلت رفیعی است آنرا سوره می‌نامند.

۵. سوره از «تسور = تصاعد و ترکیب» است و چون سوره‌های قرآن بر روی هم قرار گرفته‌اند به آنها سوره می‌گویند.^۲

❁ چرا به آیه، آیه می‌گویند؟

باید گفت آیه چند معنی دارد:

۱. علامت و نشانه ۲. جماعت ۳. امر عجیب و شگفت آور

آیه قرآن به تناسب هر یک از معانی فوق، آیه نامیده شده است از آن جهت که:

الف) هر آیه‌ای در قرآن، نشانه صدق و راستی آورنده آن و علامت عجز و ناتوانی مخالفان و حاکی از انقطاع و جدایی آن از ما قبل و ما بعد آن است.

ب) آیه از جماعتی حروف و کلمات و یا جمله‌ها تشکیل شده است.

ج) هر آیه در همان حد کوتاه و محدود خود، از نظر لفظ و مدلول در حد اعجاز قرار دارد و

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۶.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۸۳-۸۴.

عجیب و شگفت آور است.^۱

✽ چرا به حروف مقطعه قرآن، مقطعه گویند؟

چون این حروف را باید به صورت قطعه، قطعه و جدا جدا بخوانند.

✽ چرا به سوره حمد، حمد می گویند؟

چون این سوره در باره حمد و ستایش خداوند عالم سخن به میان آمده است.

✽ چرا به سوره حمد، فاتحه الکتاب می گویند؟

فاتحه به معنی گشاینده است و مراد از کتاب هم قرآن است و چون این سوره، اولین سوره قرآن است و با این سوره، قرآن گشوده می شود، به آن «فاتحه الکتاب» می گویند.

✽ چرا به سوره حمد، سورة الصلوة (سوره نماز) می گویند؟

در حدیث آمده است که «لَا صَلَوةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» یعنی نمازی نیست مگر آنکه در آن سوره فاتحه الکتاب (حمد) باشد.^۲

✽ چرا به سوره حمد، امّ القرآن یا امّ الکتاب گویند؟

چون آنچه در تمام قرآن از تحمید، تمجید، تهلیل، تکبیر، شکر، ثناء، تسبیح و تقدیس به تفصیل است در این سوره بطور اجمال آمده است و در ادبیات عرب رسم است که اجمال را قبل از تفصیل می آورند.^۳

امّ به معنی اصل و ریشه است و چون این سوره اصل و ریشه تمام قرآن است به آن امّ القرآن یا امّ الکتاب می گویند.

✽ چرا به سوره حمد، سبع مثانی گویند؟

سبع به معنی هفت و مثانی به معنی دوبار است و چون این سوره هفت آیه دارد و دوبار بر پیامبر خدا ﷺ نازل شده به آن سبع مثانی گویند.

قول دیگر گویند: از این جهت به سوره حمد سبع مثانی گویند چون این سوره هفت آیه دارد که در هر نماز دو مرتبه (در رکعت اول و دوم) خوانده می شود.

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۶۴-۶۳ دکتر سید محمد باقر حجتی.

۲. کشکول محمد منتظری، ج دوم، ص ۴۶۹.

۳. کشکول، ج دوم، ص ۴۶۹.

❁ چرا به سوره فلق و ناس، مَعَوَّذَتَین می‌گویند؟

معوذتین از «أَعُوذُ» گرفته شده است و چون این دو سوره با «قُلْ أَعُوذُ = بگو پناه می‌برم» شروع شده‌اند، به آنها «معوذتین» می‌گویند.

❁ چرا به سور مَسَبِّحات، مَسَبِّحات می‌گویند؟

چون این سوره‌ها با کلمه‌ای از ماده «سَبَّحَ» شروع می‌شود.^۱

❁ چرا به سوره‌هایی مانند اسرا و کهف و مریم و...، عتاق می‌گویند؟

یکی از معانی عتاق، کهنه و قدیم است و گویا از آن جهت که این سوره‌ها در آغاز امر، نزول یافته است، به «عتاق» موسوم گشت.^۲

❁ چرا به سور عزائم، عزائم می‌گویند؟

عزائم به معنی فرائض و واجبات است، و چون در این سوره‌ها سجده‌های فریضه و واجب آمده است به عزائم نامبرده شد.^۳

❁ چرا به سوره‌های بقره و آل عمران، زهراوان می‌گویند؟

زهرا به معنی درخشان است، و چون این دو سوره از لحاظ احتواء بر اسما و احکام الهی، درخشان است از این جهت به «زهراوان» نامبرده شدند.^۴

❁ چرا به سوره بقره، بقره می‌گویند؟

چون قصه «بقره = گاو بنی اسرائیل» و داستان جالب آن بیش از هر مسئله دیگری که در این سوره وجود دارد، توجه انسان را بر می‌انگیزد.^۵

❁ چرا به سوره نساء، نساء می‌گویند؟

چون در این سوره احکام مربوط به زنان، بگونه‌ای مفصل و چشمگیر می‌باشد.^۶

❁ چرا به سوره انعام، انعام می‌گویند؟

چون در این سوره، حالات مربوط به انعام (چهار پایان) با تفصیل بیشتری ذکر شده است.^۷

۱. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۰۵.

۲. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۰۵.

۳. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۰۵.

۴. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۰۵.

۵. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۹۵.

۶. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۹۶.

۷. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۹۶.

❁ چرا به سوره‌های انفال و براءت، قرینتین می‌گویند؟

گویند چون عثمان ایندو را نزدیک و کنار هم قرار داد، و علاوه بر این میان آن دو با «بسمله» فاصله ایجاد نشده است و محتوای آیات این دو سوره بهم نزدیک است، از آن جهت به «قرینتین» موسوم گردید.^۱

❁ چرا به سوره الرّحمان، عروس قرآن گویند؟

عروس به موجودات بسیار زیبا و گرامی اطلاق می‌شود و عروس گر چه در زبان فارسی به زن اطلاق می‌شود ولی در فرهنگ عرب به زن و مردی که هر دو در مراسم عروسی هستند اطلاق می‌شود از آنجا که مرد و زن در چنین مراسمی در بهترین و زیباترین حالات و کاملترین احترامات قرار دارند و علت انتخاب نام الرّحمان برای این سوره به خاطر محتوای زیبایش می‌باشد. قول دیگر اینکه چون این سوره در باره عروسی حضرت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام سخن به میان آورده است. «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»^۲ که بحرین اشاره به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و مراد از برزخ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

❁ چرا به تفسیر، تفسیر می‌گویند؟

تفسیر به معنی نقاب و پرده برداشتن از چهره است و چون در تفسیر، نقاب از چهره مطالب برداشته می‌شود، و حقایق قرآن آشکار می‌گردد، به آن تفسیر می‌گویند. تفسیر بنابر قولی از «فسر» و بنابر قول دیگر از «سفر» گرفته شده است. در صورت دوم قلب حاصل شده است.

❁ چرا به سوره نمل، نمل می‌گویند؟

نمل به معنی مورچه است و چون این سوره درباره مورچه‌ای که با حضرت سلیمان سخن گفت مطالبی را بیان نموده است به آن سوره نمل می‌گویند.

❁ چرا به سوره فیل، فیل می‌گویند؟

چون این سوره درباره فیل سوارانی که قصد خراب کردن خانه خدا را داشتند سخن می‌گوید به آن، سوره فیل می‌گویند.

❁ چرا به فتحه، فتحه می‌گویند؟

فتح به معنی گشودن و تائی در آن دلالت بر یک بار کند و چون در تلفظ حرفی که فتحه

۱. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۰۵.

۲. الرحمن، آیه ۱۹-۲۰.

دارد لبها یک بار گشوده می‌شود، به آن فتحه گویند.

✽ چرا به ضمه، ضمه گویند؟

ضم به معنی به هم پیوستن است و تایی در آن دلالت بر یک بار دارد و چون در تلفظ حرفی که ضمه دارد لبها یک بار به هم پیوسته و غنچه می‌شود، به آن ضمه گویند.

✽ چرا به کسره، کسره گویند؟

کسره به معنای شکستن است و تایی در آن دلالت بر یک بار می‌کند و چون در تلفظ حرفی که دارای کسره است لبها یک بار به طرف پایین شکسته می‌شود، به آن کسره گویند.

✽ چرا به همزه قطع، قطع می‌گویند؟

چون این همزه ما بعد خود را از ما قبل قطع می‌کند.^۱

✽ چرا به همزه وصل، وصل می‌گویند؟

چون این همزه ما بعد خود را به ما قبل وصل می‌کند و خود (در درج کلام) ساقط می‌گردد.

✽ چرا به شمس (خورشید)، مونث مجازی و به قمر (ماه)، مذکر مجازی می‌گویند؟

چون همانطور که مونث حقیقی (زن) مستور است قرص آفتاب هم در میان نور خیره کننده‌اش آنچنان پوشیده است که نگاه کردن به آن آسان نیست و همان طور که مذکر حقیقی (مرد) نمایان و آشکار هست قرص ماه هم کاملاً نمایان است.^۲

✽ چرا به علم صرف، صرف می‌گویند؟

صرف در لغت به معنی گرداندن و تغییر دادن است و چون در این علم، از چگونگی گرداندن و تغییر دادن یک کلمه به صیغه‌های مختلف بحث می‌شود به آن، علم صرف می‌گویند.

✽ چرا به علم نحو، نحو می‌گویند؟

نحو به شش معنی می‌آید: قصد، مثیل، جهت، نوع، مقدار و موضع^۳ و در اینجا به معنی موضع است و چون در این علم درباره موضع آخر کلمات از حیث بنا و اعراب و انصراف و غیره بحث می‌شود به آن، علم نحو می‌گویند.

✽ چرا به علم کلام، کلام می‌گویند؟

۱. صرف ساده، ص ۸۶، محمد رضا طباطبایی.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷۰.

۳. حاشیه جامع المقدمات.

در آن چند قول است:

۱. در آن علم پیرامون حدوث و قدم کلام الهی بحث می‌شود.
۲. برای مقابله با فلاسفه چنین اسمی را برای این علم قرار داده‌اند چون فلاسفه بحث‌های فلسفی خود را با مسائل منطقی آغاز می‌کنند و منطق هم مرادف کلام است بنابر این آنها بجای منطق نام بحث‌های خود را کلام گذاشته‌اند.
۳. عناوین مسائل متکلمین «الکلام فی کذا» است لذا اسم این علم را علم کلام گذاشته‌اند.
۴. به علت استحکام دلائل علم کلام، اسم این علم را علم کلام گذاشته‌اند. چون کلامی که دلائلش یقینی باشد، مستحق آن است که اسم کلام را بطور مطلق روی آن بگذارند.
۵. به خاطر قدرت بر تکلم در الهیات، اسم این علم را علم کلام گذاشته‌اند. چون این علم به انسان متکلم قدرت می‌دهد تا در علم الهیات تکلم نماید.^۱

❁ چرا به اسم، اسم گویند؟

چون اسم، اصلش یا از وسم به معنی علامت و نشانه است یعنی هر اسمی علامت و نشانه یک شخص یا یک چیز است و یا اسم، اصلش از سمو به معنی بلند مقام و بلند مرتبه است؛ چون اسم نسبت به فعل و حرف مقام و مرتبه اش بلندتر است زیرا اسم هم مبتدا واقع می‌شود و هم خبر بخلاف فعل که مبتدا واقع نمی‌شود و بخلاف حرف که نه مبتدا واقع می‌شود و نه خبر.^۲

❁ چرا به فلسفه، علم اعلی می‌گویند؟

به سه علت: ۱- چون از علوم دیگر برهانی تر و یقینی تر است (به عقیده قدما) ۲- بر همه علوم دیگر ریاست و حکومت دارد چون علوم دیگر به او نیاز کلی دارند ولی او نیاز کلی به آنها ندارد ۳- از همه علوم دیگر کلی تر و عام تر است.

❁ چرا به صحیفه سجّادیه، صحیفه سجّادیه می‌گویند؟

صحیفه به معنی کتاب است و چون این کتاب، کتاب دعایی است که منسوب به امام سجّاد علیه السلام است، به آن صحیفه سجّادیه می‌گویند.

❁ چرا به حدیث سلسله الذهب، سلسله الذهب می‌گویند؟

سلسله الذهب یعنی زنجیره زرین و چون حدیثی است که تمام سلسله سند آن (از امام رضا

۱. ما هو علم الکلام، ص ۲۰-۱۷، استاد علی ربانی گلیاگانی.

۲. حاشیه جامع المقدمات، ص ۲۸.

تا رسول خدا و از جبرئیل تا خدا) همه معصوم و به منزله ذهب (طلا) می‌باشند، به آن «سلسله الذهب» می‌گویند.

❁ چرا به دعای جوشن، دعای جوشن می‌گویند؟

چون روایت است که پیامبر خدا ﷺ در یکی از غزوات در حالی که بر تن شریفشان جوشن (لباس جنگی) سنگینی بود و به قدری سنگین بود که بدن مبارکشان را بدرد آورده بود پس جبرئیل نازل شد و فرمود این جوشن را بکن و بجای آن این دعا را بخوان که امان است هم برای تو و هم برای امت تو و چون این دعا عوض آن جوشن پیامبر آمده است به «دعای جوشن» معروف گردیده است.^۱

❁ چرا به دعای کمیل، کمیل گویند؟

چون حضرت علی ؑ این دعا را به جناب کمیل بن زیاد نخعی تعلیم دادند، به دعای کمیل معروف شده است.

❁ چرا به دعای ندبه، ندبه گویند؟

ندبه به معنی گریه و زاری است و چون در این دعا، ندبه و گریه و زاری در فراق حضرت مهدی ؑ است، به آن دعای ندبه گویند.

❁ چرا به زیارت جامعه، زیارت جامعه می‌گویند؟

زیرا این زیارت که از امام هادی ؑ رسیده است جامع زیارت جمیع ائمه ؑ می‌باشد.

❁ چرا به زیارت ناحیه، زیارت ناحیه می‌گویند؟

زیرا این زیارت از ناحیه مقدسه حضرت حجة ابن الحسن ؑ رسیده است.

❁ چرا به شش کتاب‌های حدیثی اهل سنت، صحاح سته می‌گویند؟

از این جهت که روایات آنها در مقایسه با سایر جوامع حدیثی از صحت، اعتبار و سندیت بیشتری برخوردارند.

❁ چرا به مکه، مکه می‌گویند؟

امام رضا ؑ می‌فرمایند:

«لأن الناس كانوا يمكون فيها» یعنی چون مردم در آن سوت می‌زدند و آیه قرآن گوید: «و ما كان صلاتهم عند البيت الا مكاء و تصدیه» و مکه به معنی مكاء یعنی تصفیر سوت

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۵۴.

زدن است.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَكَّةُ الْأَرْضِ مِنْ تَحْتِهَا أَى دَحَاهَا» یعنی به مکه، مکه می‌گویند، چون خداوند زمین را از زیر آن گستراند.^۲

❁ چرا به مکه، اُمُ الْقُرَى می‌گویند؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: چون زمین از زیر آن گسترده شد.^۳
در روایات آمده است که اولین نقطه ای که سر از آب بیرون آورد مکه بود، لذا آن را «مادر آبادی ها» خوانده اند.^۴

اُمُ به معنی اصل و ریشه و قری هم به معنی شهرها است و چون شهر مکه اصل و ریشه همه شهرها است به آن اُمُ الْقُرَى می‌گویند. (اول مکانی که خداوند خلق نمود مکه بود سپس در روز دَحْوُ الْأَرْضِ (۲۵ ذی القعدة) زمین از زیر آن گسترده شد و وسعت یافت و به صورت کنونی در آمد) و چون اسلام از مکه به تمام نقاط عالم رسیده است به آن اُمُ الْقُرَى عالم اسلام می‌گویند.

❁ چرا به مکه، بلدِ امین می‌گویند؟

چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریع شده، و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریع نشده است.^۵

❁ چرا به مکه، بَکَّة می‌گویند؟

بَکَّة در اصل از ماده «بَکَّ» (بر وزن فک) به معنی ازدحام و اجتماع است و این که به خانه کعبه یا زمینی که خانه کعبه در آن ساخته شده است، «بَکَّة» گفته‌اند، به خاطر ازدحام و اجتماع مردم در آنجا است.^۶

امام صادق می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِبَکَّةٍ بَعْضُهَا بِالْأَيْدِي»^۷ یعنی بعضی، بعضی دیگر را به خاطر ازدحام با دست، مزاحمت ایجاد می‌کنند.

۱. علل الشرایع، ص ۳۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸۵.

۳. علل الشرایع، ص ۵۹۳.

۴. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۷۵.

۵. المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۶. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۱.

۷. علل الشرایع، ص ۳۹۸.

امام صادق می‌فرمایند: به مکه، بکه می‌گویند: چون «لأن الناس يتباكون فيها» یعنی زیرا مردم در آنجا گریه می‌کنند.^۱

❁ چرا به خانه خدا، بیت الله الحرام یا بیت الله المحرم می‌گویند؟

چند قول است:

۱. برای رفتن به سوی آن احرام بستن واجب است.
۲. حرام است در آن چیزهایی که در غیر آن حلال است مانند جماع و صید.
۳. عظیم الحرمه است.^۲
۴. خانه‌ای است که داخل شدن مشرکان در آن حرام است.^۳

❁ چرا به کعبه، کعبه می‌گویند؟

زیرا به صورت مکتب است. و یا از این جهت که بلندتر و برتر از همه بناها می‌باشد، به آن ربه و کعبه گویند.^۴

❁ چرا به کعبه، بیت عتیق می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لأنه أُعْتِقَ مِنَ الْغَرَقِ»^۵ یعنی چون از غرق شدن (در طوفان نوح) آزاد گردید.

مضمون آیات و اخبار اهل بیت علیهم السلام آن است که تمام زمین را به جز خانه کعبه آب گرفت لذا کعبه را بیت عتیق (خانه کهنه) نامیدم. باید دانست که اساس آن بواسطه طوفان نیز از بین نرفت.^۶

❁ چرا به کعبه، بکه می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون مردم حول آن و در آن گریه می‌کنند.^۷

(به مکه هم به این جهت بکه می‌گویند)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «لأنها بكت عيون الجبارين و المذنبين». چون چشمان

۱. علل الشرائع، ص ۳۹۷.

۲. مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۹۰.

۳. علل الشرائع، ص ۳۹۸.

۴. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۸۸.

۵. علل الشرائع، ص ۳۹۹.

۶. حقایق از قرآن، ص ۹۹-۹۸.

۷. علل الشرائع، ص ۳۹۷.

گردنکشان و گنهکاران (در نزد آن) گریان می‌شود.^۱

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: مکه اکناف (اطراف) حرم و بگه جای بیت (کعبه) را می‌گویند.^۲

✽ چرا به کعبه، قبله می‌گویند؟

قبله یعنی چیزی که مقابل و پیش روی خود می‌گیرند.^۳ و چون مسلمانان کعبه را در حال نماز مقابل خود می‌گیرند، به آن قبله می‌گویند.

✽ چرا به حَرَم، حَرَم می‌گویند؟

حرم از حُرْمَت است و چون بعضی از مکانها دارای حرمت و احترام خاص بوده و بعضی از کارها در آنها حرام می‌باشد، به آنها حرم می‌گویند.

✽ چرا به روز هشتم ذی الحجه، روز ترویه می‌گویند؟

«أَمَّا سُمِّيَ يَوْمَ التَّروِيَةِ لَأنه لم يكن بعرفات ماء و كانوا يستقون من مكة من الماء لريهم و كان يقول بعضهم لبعض: تَرَوَيْتُمْ تَرَوَيْتُمْ، فُسُمِيَ يَوْمَ التَّروِيَةِ لذلك».^۴
یعنی ترویه از ریّ به معنی سیر آب کردن است و چون حجاج در روز هشتم ذی الحجه برای رفتن به عرفات که در زمان قدیم آب نداشت آب همراه خود برمی‌داشتند تا در آنجا موقع تشنه شدن خود را از آن آب سیر کنند به آن روز، روز ترویه می‌گویند.

✽ چرا به ایام تشریق، ایام تشریق می‌گویند؟

به روز ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه ایام التشریق می‌گویند و در نامیدن آن روزها به تشریق چند وجه گفته شده است:

۱- اینکه از - تشریق اللحم - گرفته شده بمعنی ریز ریز کردن گوشت و در آفتاب پهن کردن آن جهت خشک کردن، چون فقراء مکه در این روزها گوشتهای قربانی را خشک می‌کردند.

۲- از - شرفت الشمس - گرفته شده یعنی طلوع آفتاب چون گوسفندان در آن روزها قربانی نمی‌شوند مگر بعد از طلوع آفتاب.

۳- بعضی گفته‌اند - تشریق - اسم نماز عید است چون آنرا در وقت طلوع آفتاب بجا می‌آورند و آن سه روز بعد، به تبعیت روز عید، بنام تشریق نامیده شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸۵

۲. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸۵

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۸۷۶

۴. من لایحضر، ج ۲، ص ۱۹۶

۴- بعضی گفته‌اند تشریق بمعنی ایستادن در آفتاب است چون حاجیان بجهت اداء مناسک حج در آن ایام در آفتاب توقف می‌کنند.

۵- بعضی گفته‌اند تشریق بمعنی سوی مشرق رفتن است چون اکثر حجاج بعد از اداء مناسک حج (در ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ماه ذی الحجه) بجانب مشرق متوجه می‌شوند.^۱ تشریق یعنی خشکانیدن گوشت در آفتاب و ایام تشریق به سه روز بعد از عید قربان گفته می‌شود که در قدیم عرب‌ها گوشت‌های قربانی را خشک می‌کردند.^۲

✽ چرا به ایام البیض، ایام البیض می‌گویند؟

ایام البیض یعنی روزهای سفید. به روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری، ایام البیض می‌گویند.

علت نامگذاری این ایام، به ایام البیض: اما از نظر لغت جهتش این است که چون این روزها روزهایی هستند که شب‌های آنها ماهتابی و روشن است.^۳

زیرا در آن شبها ماه در اول شب طلوع می‌کند و تا طلوع فجر در آسمان باقی است. اما از نظر حدیث: روایت شده از رسول اکرم ﷺ که وقتی حضرت آدم مبتلا به آن خطیئه (خوردن از درخت گندم) شد، رنگش تیره گشت پس به وی الهام شد که آن سه روز را روزه بگیرد، هر روزی که روزه می‌گرفت یک سوم بدنش سفید می‌شد فلذا آن روزها را ایام البیض (روزهای سفید) نامیدند.^۴

✽ چرا به حج واجب، حَجَّةُ الاسلام می‌گویند؟

چون حجی است که اسلام بر آن بنا شده است^۵ در روایتی آمده است «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نَادَى بِالْوَلَايَةِ».

✽ چرا به حج، حج می‌گویند.

چون حج به معنی رستگاری است «حَجَّ فُلَانٌ أَيْ أَفْلَحَ». یعنی: فلانی رستگار شد. و چون انسان به واسطه عمل به این دستور اسلام رستگار می‌شود، به آن حج می‌گویند.

۱. النضید فی شرح روضة الشهید، ص ۲۵۳.

۲. فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۸۷.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۲۰.

۴. النضید، ج ۵، ص ۲۳۵.

۵. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۲۰.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۲.

✽ چرا به روز دهم ذی الحجه، روز حج اکبر می‌گویند؟

زیرا در آن سال همه گروهِ ها اعم از مسلمانان و بت پرستان (طبق سنتی که از قدیم داشتند) در مراسم حج شرکت کرده بودند، ولی این کار در سال‌های بعدی ممنوع شد. شاید سر توصیف به اکبر این باشد که مراسم حج در مقابل مراسم عمره است که «حج اصغر» نامیده می‌شود.^۱

به روز دهم ذی الحجه، عید قربان و یوم النحر نیز می‌گویند.

✽ چرا به عمره، عمره می‌گویند؟

عمره به معنی زیادت (توسعه و آبادانی) است و این که به این عمل در حج عمره گفته‌اند چون کسی که به زیارت خانه خدا می‌رود، سبب آباد شدن آنجا هم می‌شود قهراً توسعه، تعمیر، زیاد شدن شکوفایی و آبادی منطقه همه از آثار زیارت عاشقان آن خانه است.^۲

✽ چرا به حج اکبر، حج اکبر می‌گویند؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

چون در آن سال هم مسلمانان و هم مشرکان حج بجا آوردند ولی بعد از آن سال دیگر مشرکان حج بجا نیاوردند.^۳

✽ چرا به حج تمتع، تمتع می‌گویند؟

تمتع به معنای تلذذ است و چون میان عمره و حج آن تحلیلی حاصل می‌شود که موجب جواز انتفاع و تلذذ از آنچه که احرام آنرا حرام کرده است، می‌باشد.^۴

✽ چرا به حج افراد، افراد می‌گویند؟

زیرا در آن حاجی به طور مفرد و جدای از همراه داشتن قربانی فقط با تلبیه می‌تواند احرام ببندد.^۵

✽ چرا به حج قران، قران می‌گویند؟

در آن دو قول است ۱- چون حاجی مخیر است در موقع بستن احرام میان همراه داشتن قربانی و گفتن تلبیه و انجام دادن یکی از آندو ۲- چون حاجی حج و عمره را با یک نیت به هم

۱. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۹۸؛ نمونه، ج ۷، ص ۲۸۸.

۲. حج، محسن قرانی.

۳. علل الشرایع، ص ۴۴۲.

۴. شرح لمعه، کتاب حج.

۵. شرح لمعه، کتاب حج.

مقرون می‌سازد.^۱

❁ چرا به آب زمزم، زمزم می‌گویند؟

زمزم از نظر لغوی به معنی «بایست» است.

چون حضرت هاجر ترسید که آن آب، جاری و روان گردد و خاک اطراف آن می‌ریخت تا روان نگردد.^۲ چون حضرت هاجر تشنه شد بالای کوه صفا رفت سرابی در مروه دید، هروله‌کنان از فرط تشنگی بطرف مروه رفت سرابی در صفا دید به گمان آب، هفت مرتبه از صفا بمروه می‌دوید و بالاخره آب نبود چون بالین کودکش آمد دید از فرط تشنگی پاهایش را به زمین کوبیده و آب جاری شده در فوران است اسماعیل گفت زمزم یعنی بایست از این رو بچاه زمزم معروف شد.^۳ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَانَتْ أَشَدَّ مِنَ اللَّبْنِ وَأَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ، وَكَانَتْ سَائِحَةً فَبَغَتْ عَلَى الْمِيَاهِ فَأَغَارَهَا اللَّهُ وَاجْرَتْ عَلَيْهَا عَيْنًا مِنْ صَبْرٍ». یعنی قبلاً از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر ولی زمانی که بر آبها طغیان کرد خداوند چشمه‌ای از صبر (ماده‌ای تلخ) در آن جاری کرد.^۴

❁ چرا به حَجَّةُ الْوِدَاعِ، حَجَّةُ الْوِدَاعِ می‌گویند؟

حجّه به معنی حج و وداع هم به معنای خداحافظی است و چون این حج رسول خدا صلی الله علیه و آله آخرین حجّشان بود و بعد دار فانی را وداع گفتند به آن حَجَّةُ الْوِدَاعِ می‌گویند.

❁ چرا به مقام ابراهیم (سنگی در نزدیکی کعبه)، مقام ابراهیم می‌گویند؟

مقام اسم مکان از قیام و ایستادن است (جای ایستادن) و چون حضرت ابراهیم موقع ساختن کعبه و خانه خدا روی آن سنگ می‌ایستاد لذا به آن، مقام ابراهیم می‌گویند. قولی گوید از این جهت به آن، مقام ابراهیم می‌گویند که حضرت ابراهیم برای اعلام برائت از مشرکین بر روی آن می‌ایستاد.

❁ چرا به حجرالاسود، حجرالاسود می‌گویند؟

حجرالاسود سنگ سیاهی است که آنرا به دیوار کعبه نصب کرده‌اند و حاجیان هنگام طواف کعبه، آن را لمس می‌کنند، جنس آنرا بعضی گدازه آتشفشانی یا از سنگهای آسمانی که از ستاره‌های سقوط کرده و برخی دیگر «بازالت» دانسته‌اند. گویند: حضرت ابراهیم هنگام ساختن

۱. شرح لمعه، کتاب حج.

۲. علل الشرایع، ص ۴۳۲.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۹۲.

۴. من لایحضر، ج ۲، ص ۱۹۵.

دیوار کعبه آنرا زیر پای خود می گذاشته است.^۱

حجر الاسود دارای خصایصی است که به آتش، گرم نمی شود و در آب فرو نمی رود.^۲
 شیخ عباس قمی رحمته الله علیه می فرماید: حجر الاسود ملک عظیمی بوده است و نخستین کسی است که اقرار به ربوبیت خداوند و نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام نموده و بین ملائکه کسی به اندازه او محبت به محمد و آل محمد نداشت به این جهت خداوند او را اختیار کرد... و باز روایت دیگری نقل می کند که: ملک عظیمی بوده که خداوند میثاق بندگان را به او به ودیعه سپرد سپس او را به صورت ذره بیضاء (گوهر سفید) در آورد...^۳
 بنابر روایتی این سنگ (حجر الاسود) به منزله دست خدا بر روی زمین است و در آن مواثیق بندگان می باشد. گویند: در زمان سابق این سنگ، سفید و درخشان بوده است و بجهت تماس دست گنهکاران با آن تیره و تار شده است.

❁ چرا به مابین حجر الاسود و در خانه کعبه، حطیم می گویند؟

امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون مردم در آنجا «یحطم بعضهم بعضاً» یعنی بعضی، بعضی دیگر را (بخاطر ازدحام) پایمال می کنند.^۴ حطیم از حطم به معنی شکستن و در اینجا به معنی اظهار شکستگی است و به دیوار کعبه، یا آنچه مابین رکن و زمزم و مقام قرار دارد حطیم می گویند؛ چون که مردم در آنجا اظهار شکستگی و فروتنی می کنند و با خشوع و خضوع دست به دعا بر می دارند.^۵

❁ چرا به مروه، مروه می گویند؟

زیرا مرأة (حوا همسر حضرت آدم) بر آن هبوط کرد پس اسم آن کوه را از اسم آن مرأة (حوا) گرفتند.^۶

❁ چرا به صفا، صفا می گویند؟

زیرا حضرت مصطفی، آدم علیه السلام بر آن محل هبوط کرد پس اسم آن کوه را اسم آدم (مصطفی) گذاشتند به جهت قول خداوند که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا».^۷

۱. فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۹۲۹.

۲. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۹۳.

۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۴. علل الشرائع، ص ۴۰۰.

۵. فرهنگ فارسی عمید، ص ۹۴۸.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۶.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۶.

✽ چرا به عرفات، عرفات می‌گویند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

زیرا حضرت جبرئیل در روز عرفه به حضرت ابراهیم گفت: ای ابراهیم به گناهت اعتراف و به مناسک خود معرفت پیدا کن و چون حضرت جبرئیل فرمود: ای ابراهیم اعتراف بکن (و به مناسک معرفت پیدا کن) از این جهت به عرفات معروف گردید.^۱
چند علل برای آن ذکر نموده‌اند:

- ۱- حضرت ابراهیم علیه السلام در این روز، به آنچه قبلاً برای او توصیف شده بود، معرفت و شناخت پیدا کرد.
- ۲- حضرت آدم علیه السلام و حوّا در این مکان اجتماع پیدا کردند و یکدیگر را شناختند، پس از آن که از هم جدا بودند.
- ۳- به مناسبت رفعت و علو مکان، این محل بدین اسم نامیده شده است.
- ۴- آنجا جبرئیل مناسک حج را به ابراهیم تعلیم داد و ابراهیم علیه السلام به او گفت: «عَرَفْتُ عَرَفْتُ» شناختم، شناختم.
- ۵- عرفه، مشتق از اعتراف است. زیرا حجاج هنگام وقوف در آن به عظمت و جلال الهی، و به فقر و ذلت خود اقرار می‌کنند و گفته شده که آدم علیه السلام و حوّا در اینجا وقوف کردند و گفتند: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا».^۲

✽ چرا به مِنا، مِنا می‌گویند؟

علت اینکه زمین منی را منی می‌گویند این است که جبرئیل در آن زمین به حضرت ابراهیم گفت: هر چه از خدای خود می‌خواهی در اینجا تمنا کن در همین موقع بود که حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا خواست که قوچی برای آن حضرت بفرستد تا آنرا بجای فرزندش اسماعیل قربانی نماید خدای رؤوف خواسته او را عطا فرمود.^۳

شیخ صدوق می‌فرماید: در علت نامگذاری مِنا دو روایت است:

۱. چون جبرئیل خدمت حضرت ابراهیم علیه السلام رسید پس به او گفت: «تَمَنَّ يَا اِبْرَاهِيمَ» یعنی ای ابراهیم درخواست کن واصلش منی بوده و مردم آنرا مِنا نامیدند.
۲. چون حضرت ابراهیم علیه السلام در آنجا تمنا کرد که خداوند برای فرزندش اسماعیل کبشی (قوچ) را قرار دهد و مأمور به ذبح آن گردد.^۴

۱. علل الشرائع، ص ۴۳۶.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۵: تفسیر کبیر، ج ۵، ص ۱۹۰؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۳۰۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷، ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۸.

❁ چرا به مشعر، مزدلفه می‌گویند؟

چون حضرت جبرئیل در عرفات به ابراهیم علیه السلام گفت: «یا ابراهیم! از دلفِ اِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» یعنی ای ابراهیم به مشعر الحرام نزدیک شو! پس نام آن مزدلفه گذاشته شد.^۱

❁ چرا به شهر یثرب، مدینه می‌گویند؟

مکان ظهور دین را مدینه نیز می‌گویند. در صورت اشتقاق کلمه مدینه از «دین» علت تسمیه یثرب به مدینه این است که رسول الله صلی الله علیه و آله که دین مجسم و ممثل بود در آن شهر زندگی کرده و احکام اسلام را در آنجا پیاده می‌نمود و نیز بدان جهت است که اهل بیت عصمت و طهارت که عترت آن پیامبر بزرگوارند در آن شهر رشد کردند. و اگر اشتقاق کلمه مدینه از مدنیت و تمدن باشد باز مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جهت که مهد تمدن است، مدینه خواهد بود.^۲

❁ چرا به طور سینا، طور سینا می‌گویند؟

طور به معنی کوه و سینا و سینین به معنی جایی است که بر روی آن گیاه و درخت می‌روید و چون بر روی آن کوهی که حضرت موسی روی آن مناجات می‌کرد، درخت زیتون روئیده بود، به آن طور سینا یا سینین می‌گویند.^۳

❁ چرا به نجف، نجف می‌گویند؟

در زمان قدیم دریای عظیمی در آن سرزمین بود به نام «نی» و بعد از مدتی آن دریای نی خشک شد لذا مردم گفتند: «نی جف» یعنی آن دریای نی خشک شد سپس برای سهولت تلفظ به نجف معروف شد.^۴

❁ چرا به کربلا، کربلا می‌گویند؟

کربلا در اصل کرب و بلا بوده است، کرب به معنی اندوه و بلا به معنای مصیبت است و چون این سرزمین از اول سرزمین غم و اندوه و مصیبت بوده است به آن کرب و بلا گویند و سپس این کلمه، مخفف گردید و کربلا شد. امام حسین علیه السلام موقع ورود به این سرزمین چون نام کربلا را شنید فرمود: «اللهم انی اعوذ بک من الکرب و البلاء».

۱. من لایحضر، ج ۲، ص ۱۹۷، چهار جلدی.

۲. شریعت در آینه معرفت، ص ۱۲۶.

۳. علل الشرایع، ص ۶۸.

۴. علل الشرایع، شیخ صدوق، ص ۳۱.

قاضی نور الله تستری و بعضی از اعلام دیگر، کربلا را مشتق از کربله دانستند که سه معنی برایش ذکر کرده‌اند: ۱- به معنی سستی است، چون زمین کربلا سست بود ۲- به معنای جدا کردن گندم و حبوبات از سنگریزه و اضافات است و زمین کربلا خالی از سنگ و ریگ بود ۳- اسم علفی است که در سرزمین کربلا زیاد می‌روید.^۱

✽ چرا به کاظمین، کاظمین گویند؟

(کاظمین یعنی دو کاظم) چون دو امام معصوم یکی امام کاظم و دیگری امام جواد علیهما السلام در آنجا مدفون هستند. و چون خواستند تشیه ببندند اسم امام کاظم را بر اسم امام جواد غلبه دادند بنابر این کاظمین شد و علت اینکه کاظم را بر جواد غلبه دادند به این جهت است که ابتدا امام کاظم در آنجا مدفون بودند سپس امام جواد را در آنجا دفن کردند.

✽ چرا به سامرا، سامرا می‌گویند؟

بعضی گویند: اصل آن سَرَّ مَنْ رَأَى بوده چون از خوبی آب و هوا هر کس آنجا را می‌دیده مسرور می‌گشته است و بعضی دیگر گویند: اصل آن سَاءَ مَنْ رَأَى بوده برای آنکه بعد از انهدام هر کس آنجا را دیده، بدش آمده است در هر صورت در اثر کثرت استعمال سامرا شده است.^۲
الحمودی در معجم البلدان گوید: سام بن نوع رضی الله عنه که دارای جمال و زیبایی خاصی بود همین که حضرت نوع رضی الله عنه از کشتی پیاده شد آن محله را به نام فرزندش که سام نام داشت نامگذاری نمود که به سام راه یعنی طریق سام معروف شد. عده ای دیگر در وجه تسمیه آن گفته‌اند که در آنجا سامری یهودی، زیاد بودند و در آنجا ساکن بودند لذا سامرا نامیده شد.

✽ چرا به کوفه، کوفه می‌گویند؟

فرید وجدی می‌نویسد: کوفه از شهرهای مهم عراق است و چون شهری مستدیر (دایره مانند) بود به آن کوفه گفته‌اند. علت دیگر آنکه مردم در آنجا اجتماع می‌کرده‌اند. و یا از این جهت به آنجا کوفه گویند که رمل (ریگ) و سنگ ریزه‌های اطراف، در آنجا مخلوط می‌شد.^۳

✽ چرا به شهر مشهد، مشهد می‌گویند؟

مشهد اسم مکان از شهادت است و چون امام رضا علیه السلام در آن مکان به شهادت رسیدند به آن مکان و آن شهر مشهد می‌گویند.

قولی دیگر گوید: از این جهت که محل شهود ملائکه است، به آن مشهد گویند.

۱. راهنمای زائرین کربلا، مهدی احمدی، مجالس المؤمنین.

۲. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۳۲۹.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۵۱۰.

❁ چرا به شهر قم، قم می‌گویند؟

پیامبر ﷺ می‌فرماید: چون به معراج رفتم به بقعه‌ای نظر کردم که رنگش از زعفران نیکوتر و از مشک خوشبوتر بود. در آنجا شیخی (پیر مردی) نشسته بود که بر سرش بُرُس (کلاه) بود از جبرئیل سؤال کردم این جا کجاست؟ فرمود: بقعه شیعیان تو و شیعیان وصی تو گفتم این شیخ صاحب برنس کیست! فرمود: ابلیس. گفتم از آنان چه می‌خواهد؟ فرمود: می‌خواهد تا آنان را از ولایت امیرالمؤمنین ﷺ مانع شود و آنها را به فسق و فجور دعوت کند. لذا پیامبر ﷺ فرمود: «قُمْ يَا مَلْعُونُ» با دشمنان آنها در اموال و اولاد و زنانشان شریک باش پس به راستی برای تو بر شیعه من و شیعه علی، سلطانی (تسلطی) نیست لذا از این جهت آن بقعه «قم» نامیده شد.^۱

امام صادق ﷺ می‌فرماید: «أَنَا سُمِّيَ قُمْ لَأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ».^۲ یعنی: به این جهت شهر قم را قم نامیدند که اهل آن با قائم آل محمد اجتماع می‌کنند و با او قیام می‌نمایند و بر این امر استقامت می‌کنند و او را یاری می‌رسانند.

❁ چرا به قم، عَشّ آل محمد می‌گویند؟

اینکه به قم عَشّ (لانه) آل محمد گفته‌اند از این جهت است که همانطور که پرنده مدتی در لانه رشد و ترقی می‌کند و بعد از مدتی پرواز می‌کند در قم هم طلاب علوم آل محمد ﷺ بعد از فراگیری علوم آل محمد ﷺ به اقصی نقاط و شهرها و روستاها سفر نموده و طالبان هدایت را ارشاد و هدایت می‌نمایند.

دلیل دیگری ذکر کرده‌اند و آن اینکه چون قم در ادوار گوناگون تاریخی میزبان امامزادگان و سادات متعددی بوده و اکنون مقابر و مراقد آنها زیارتگاه مردم است به این عنوان شهرت یافته است.

❁ چرا به موضعی در شهر حلب، مشهد السقط می‌گویند؟

این مکان نام زیارتگاهی در شهر حلب است. نقل کرده‌اند که یکی از همسران امام حسین ﷺ در این موضع (راه کوفه و شام) فرزند خود را بر اثر شدت ناراحتی و سختی سفر، سقط نمود که نامش را محسن گذاشته بودند و در آنجا دفن کردند.^۳

۱. علل الشرایع، ص ۵۷۲.

۲. بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۳. نفس المهموم، ص ۲۳۹.

❁ چرا به شهر طائف، طائف می‌گویند؟

ابوالحسن (ع) (امام کاظم (ع)) می‌فرمایند:

چون حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواست که از هر میوه‌ای به اهلش روزی دهد قطعه‌ای از اردن جدا شد و آمد و هفت مرتبه به دور کعبه طواف کرد سپس خداوند آنرا در مکان خود قرار داد لذا چون این مکان به دور کعبه طواف کرده است، به آن طائف (طواف کننده) می‌گویند.^۱

❁ چرا به کشورهای حاشیه خلیج فارس، شیخ نشین گویند؟

یکی از معنای شیخ، کثیر القبيله است لذا چون در این کشورها اساس زندگی قبیله ای است و سران قبائل و بزرگ طوائف در مصدر امور سیاسی و کشورداری قرار دارند و معمولاً آنان از نظر سنی بر دیگران ارجح هستند و تجاری اندوخته در تدبیر امور دارند لذا به این مناطق شیخ نشین گویند یعنی سرزمین بزرگان قبائل.

از طرفی دیگر یکی دیگر از معانی شیخ، کثیر المال است لذا چون در این کشورها مردم خصوصاً سران آن اموال کثیری دارند به آن کشورها، شیخ نشین می‌گویند.

❁ چرا به قسمت شمال اروپا، اروپای پیر می‌گویند؟

چون این قسمت در یک دوره بسیار طولانی، فرسایش، بلندی‌های آن را صاف کرده است و ناهمواری‌های ملایم در آن به وجود آمده است.^۲

❁ چرا به قسمت جنوب اروپا، اروپای جوان می‌گویند؟

زیرا در آن چین خوردگی‌ها و رشته کوه‌های بلندی وجود دارد و در آنجا آتشفشان و زمین لرزه نیز اتفاق می‌افتد.^۳

❁ چرا به شهر پنجاب، پنجاب می‌گویند؟

در هندوستان شهرستانی است به نام پنجاب و نام آن ترکیبی است از پنج آب به معنی محلی که پنج رودخانه از آن می‌گذرد.

این پنج آب عبارتند از: جهلوم، چناب، راوی، تباس و سوتلج که همه به رود سند می‌ریزند.^۴

۱. علل الشرایع، ص ۴۴۲.

۲. آموزشی دروس سال دوم راهنمایی.

۳. آموزشی دروس سال دوم راهنمایی.

۴. دائرة المعارف، ص ۶۵۶ اذینفر.

❁ چرا به بندر عباس، بندر عباس می‌گویند؟

نام این بندر قبلاً گمبرون و تحت تصرف پرتغالی‌ها بوده است و چون سپاه شاه عباس آن را از تصرف پرتغالی‌ها درآوردند، نام وی را بر آن گذاشتند، و بندر عباس نامیده شد.^۱

❁ چرا به خانه، بیت می‌گویند؟

بخاطر اینکه در آن بیتوته و استراحت می‌کنند.

❁ چرا به منزل، منزل می‌گویند؟

منزل اسم مکان از نزول است و چون مکانی است که انسان برای استراحت در آن نزول می‌کند به آن منزل می‌گویند.

❁ چرا به توالی، مستراح می‌گویند؟

(مستراح اسم مکان از راحت است و چون وجود آدمی در آنجا از سنگینیهای نجاسات و کثافات زیان آور فارغ و راحت می‌شود، به آن مکان، مستراح می‌گویند.^۲

❁ چرا به شیر آب، شیر می‌گویند؟

وجه تسمیه آن ظاهراً به این مناسبت بوده است که در قدیم آن را به صورت سرِ شیر (حیوان معروف) می‌ساخته‌اند.^۳

❁ چرا به مسجد، مسجد می‌گویند؟

مسجد اسم مکان از «سَجَدَ يَسْجُدُ» است. علت اینکه از میان این همه اجزای نماز، اسم مکان نماز را از سجده گرفته‌اند چون سجده، محبوب‌ترین چیز و بهترین حالت بنده در نزد خداست و به این جهت که در هر رکعت از بین اجزای نماز، فقط سجده دو بار تکرار می‌شود.

❁ چرا به مسجد الحرام، مسجد الحرام می‌گویند؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: مسجد الحرام بخاطر کعبه حرمت داده شده و حرمت حرم به علت مسجد الحرام است و احرام به علت حرم واجب شد.^۴

❁ چرا به مسجد ذوقبلتین، مسجد ذوقبلتین می‌گویند؟

زیرا پیامبر اسلام ﷺ در این مسجد به دو قبله، ابتدا به طرف بیت المقدس سپس به طرف

۱. نشر آزمون، سال سوم راهنمایی، ص ۳۷۰، سال ۱۳۸۰.

۲. مضیاع الشریعه، ص ۲۶۹.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۵۹۲.

۴. در ستاره اسرار حج، ص ۱۱۴، محمد تقی فعالی.

کعبه نماز خواندند. ایشان به طرف بیت المقدس در حال نماز بودند که جبرئیل آمد و دستور داد که از این به بعد به طرف کعبه نماز بخوانند و آنرا قبله نماز خود قرار دهند.

❁ چرا به مسجدالاقصی، مسجدالاقصی می‌گویند؟

اقصی از ماده «قصو» و این ماده به معنای دوری است و بدین جهت این مسجد را مسجدالاقصی نامیده‌اند که این مسجد نسبت به محل زندگی رسول خدا ﷺ و مخاطبینی که با اویند از مسجدالحرام خیلی دور است؛ زیرا محل زندگی ایشان شهر مکه است که مسجدالحرام در همانجا است.^۱

❁ چرا به مسجد شجره، مسجد شجره گویند؟

مسجد شجره یعنی مسجد درخت. علت نامگذاری این مسجد به این نام، این است که روزی سران قریش پیش رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند اگر به این درخت فرمان دهی تا از جا کنده شود و پیش تو آید و شهادت به رسالت تو دهد، ما اسلام می‌آوریم در این هنگام حضرت به آن درخت امر نمودند تا پیش ایشان آید.

حضرت علی رضی الله عنه می‌فرمایند: آن درخت با ریشه‌هایش از زمین کنده شد، پیش آمد و بشدت صدا می‌کرد و همچون پرندگان به هنگامی که بال می‌زنند، از به هم خوردن شاخه‌هایش صدایی شنیده می‌شد! تا آنکه پیش آمد و در جلوی رسول خدا ﷺ ایستاد و شاخه‌هایش همچون بالهای پرندگان به هم خورد، دوباره سران قریش گفتند: فرمان بده تا نصفش جلوتر آید و نصف دیگرش در جای خود باقی بماند. دوباره سران قریش از روی تکبر و غرور گفتند: دستور بده که این نصف بازگردد و به نصف دیگر بپیوندد و به صورت اول درآید اما قریش گفتند: «محمد ساحر دروغگوست که سحری عجیب دارد و در سحر خود دارای مهارت عظیم است.»^۲ بدین مناسبت که معجزه پیامبر اسلام ﷺ در آن مکان بر روی درخت واقع شد، مسجدی ساختند و نامش را مسجد شجره گذاشتند.

❁ چرا به مسجد خیف، خیف می‌گویند؟

خیف به جایی گفته می‌شود که از وادی بلندتر باشد و چون منطقه خیف از وادی بلندتر است، به آن خیف می‌گویند.^۳

۱. المیزان، ج ۱۳، ص ۶.

۲. بخش آخر خطبه صعه نهج البلاغه.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۸.

✽ چرا به مسجد جمکران، مسجد جمکران گویند؟

جمکران نام روستایی در شهر مقدس قم است و به مسجدی که به امر امام زمان (عج) در آنجا بنا شده است مسجد جمکران می‌گویند.

در کتاب نجم الثاقب کیفیت بناء این مسجد به امر حضرت صاحب الزمان (عج) آمده است و حضرت به حسن مثله جمکرانی فرمود: مردم را بگو تا به این موضع رغبت کنند و آن را عزیز دارند و فرمودند: «فَمَنْ صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ» یعنی کسی که دو رکعت نماز این مسجد (با کیفیت مخصوص) را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز گزارده است.^۱

این مسجد مورد نظر خاص امام زمان می‌باشد و شیفتگان حضرت گاهی به فیض ملاقات با ایشان نایل می‌آیند و یکی از اصدقا چندین سال پیش حضرت را در همین مسجد مشاهده نموده بود.

شیخ صالح حسن مثله گوید: شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ قمری در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم که نصف شب درب خانه مرا کوبیدند از خواب بیدار شدم و رفتم دیدم چند نفر هستند. سلام کردم جواب دادند و گفتند: اجابت کن مولایت حضرت مهدی را که تو را می‌طلبند و همراه ایشان حرکت کردم تا بجایی رسیدیم که اکنون مسجد جمکران است مشاهده کردم تختی نهاده و فرش و بالشی نیکو بر آن است و جوانی تقریباً سی ساله که بعد معلوم شد امام زمان (عج) بودند بر آن تکیه کرده و مرد پیری در حضورش نشسته و کتابی می‌خواند و بیش از شصت مرد در اطراف تخت آن جوان نماز می‌خواندند. حضرت مهدی (عج) اسم مرا بردند و فرمودند: به سید ابوالحسن الرضا بگو در این زمین بنای مسجد نهاده و مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و اینجا را عزیز و گرامی دارند. زیرا این، زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین‌های دیگر برگزیده است بعد فرمودند: میان گله‌ای که جعفر کاشانی چوپان آن است بزی ابلق هست باید آن را خریداری کنی و در همین زمین ذبح نمایی و گوشتش را بر بیماران و هر کسی که علتی داشته باشد اتفاق کن حق تعالی همه را شفا مرحمت خواهد فرمود. حسن بن مثله گوید: مشاهده کردم که زنجیرها و میخها که حدود بنای مسجد را نشان می‌داد در زمین کوبیده شده بعد در قم به منزل سید ابوالحسن شتافتم خادمی را دیدم درب منزل در انتظار من است گفت از سحرگاه، سید ابوالحسن منتظر توست به درون خانه رفتم سید پرسید شما حسن مثله هستی گفتم آری فرمود: شب گذشته در خواب دیدم کسی به من گفت که حسن مثله جمکرانی پیش تو می‌آید آنچه بگوید قبول کن عمل نما حسن بن مثله گوید بعد از آنکه جریان را به سید

۱. حاشیه مفاتیح الجنان، ص ۴۰۳-۴۰۱.

گفتم رفتم تا آن بز ابلق را خریداری کنم چون به گله گوسفند جعفر کاشانی رسیدم آن بز پیش من آمد به نوعی که گویی سالها مرا می‌شناسد او را گرفتم و در کنار مسجد ذبح کردم و گوشتش را تقسیم نمودم به بیماران و صاحبان علّت و امراض گوناگون و همه آنها بحمدالله سالم شدند. بعد سید ابوالحسن زنجیر و میخها را به قم برد و در منزل خود نگهداری می‌کرد و بیماران می‌آمدند و خود را به آنها می‌مالیدند خدای تعالی شفای عاجل مرحمت می‌فرمود و پس از مدتی آن زنجیرها و میخها مفقود گردید و هر قدر جستجو نمودند نیافتند.^۱

❁ چرا به مسجد ضرار، مسجد ضرار می‌گویند؟

زیرا این مسجد توسط منافقان ساخته شده بود و آنها در آن مسجد علیه اسلام نقشه می‌کشیدند و توطئه می‌چیدند لذا پیامبر ﷺ فرمودند این مسجد، مسجد واقعی نیست بلکه مسجد ضرار است که در آن به اسلام ضرر می‌زنند و دستور دادند تا آن جا را خراب کنند قرآن در رابطه با مسجد ضرار گوید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ... لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا».^۲ «و کسانی {هستند} که مسجدی اختیار کردند که موجب ضربه زدن و کفر و تفرقه میان مومنان است، و نیز کمینگاهی است برای کسانی که با خدا و پیامبر او از پیش در جنگ بودند... هرگز در آن {مسجد} نایست!...». نتیجه آنکه گاهی مسجدی از مساجد بواسطه امام جماعت منحرف یا هیأت امناء گمراه و دست اندرکاران خائن، مصداق مسجد ضرار قرار می‌گیرد که وظیفه ما این است که با آن مسجد ارتباط نداشته و حتی در آن نماز نخوانیم چون خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «هرگز در چنین مسجدی نایست!» (و نماز نخوان).

❁ چرا به ستون حنّانه، ستون حنّانه می‌گویند؟

حنّانه به معنای آه کشنده و ناله کننده است. ستون حنّانه ستونی بود در مسجد مدینه که رسول خدا ﷺ هنگام موعظه به آن تکیه می‌کرد و چون در سال هشتم هجری برای آن حضرت منبر نهادند و رسول خدا ﷺ بر آن تکیه می‌کرد، و از ستون حنّانه استفاده نمی‌کرد، ستون فوق به دنبال فراق و دوری رسول خدا ﷺ ناله کرد که همه حاضران شنیدند.^۳ لذا به این جهت به ستون حنّانه معروف گشت.

۱. نجم الثاقب، ص ۲۱۲. جنه المأوی، ص ۲۳۰. الزام الناصب، ج ۲، ص ۵۸. حضرت بقیه الله، ص ۵۸-۵۶، حاج عباس راسخی نجفی.

۲. توبه، آیه ۱۰۷-۱۰۸.

۳. ره توشه راهیان نور، سال ۴۲۵ ق. ویژه محرم و صفر، ص ۱۳۳.

مولوی هم این قضیه را به صورت شعر درآورده و گوید:
 اُسْتَنْ حَنَانَه از هجر رسول ناله می‌زد همچو ارباب عقول
 گفت پیغمبر چه خواهی ای ستون گفت جانم از فراق گشت خون^۱

✽ چرا به محراب، محراب می‌گویند؟

محراب اسم مکان از حرب (جنگ) است. و چون این مکان محلّ حرب و جنگ با شیطان و دشمنان خدا می‌باشد، به آن محراب می‌گویند.
 چون کسی که در حال نماز به سوی آن می‌رود مانند مُحارب با شیطان است.^۲

✽ چرا به منبر، منبر گویند؟

صاحب «المنجد» گوید: منبر از نبر به معنای محلّ مرتفع که خطیب بر آن بالا می‌رود، گفته می‌شود.^۳

✽ چرا به روضه، روضه گویند؟

کلمه روضه به معنی مطالب و اشعاری که در سوگواری و عزاداری بالای منبر می‌خوانند مأخوذ از نام کتاب روضه الشهداء تألیف ملاحسین کاشفی است که آن را در سال ۹۰۸ هجری قمری در باره وقایع کربلا و شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) تمام کرده و آن کتاب را در مجالس سوگواری برای مردم می‌خوانده‌اند و خوانندگان آن را روضه الشهداء خوان می‌گفتند و به تدریج به آنان روضه خوان گفتند.^۴

شهید مطهری (ره) گویند: «روضه الشهداء» اولین کتابی است که در پانصد سال پیش در مرثیه به فارسی نوشته شده است لذا مرثیه خوانها که اغلب بی سواد بودند و به کتاب های عربی مراجعه نمی کردند همین کتاب را می گرفتند و در مجالس از رو می خواندند. اینستکه امروز مجالس عزاداری امام حسین را روضه خوانی می گوئیم.^۵

✽ چرا به سخنان معصومین (پیامبر و ائمه)، حدیث می‌گویند؟

حدیث به سخن جدید و تازه که از دیگران سابقه ندارد می‌گویند^۶ و چون کلام

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۸-۲۱۱۸.

۲. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۷۸۰.

۳. المنجد، ص ۱۰۱۰.

۴. لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۴۹.

۵. داستانهای استاد، ص ۱۱۶-۱۱۷، علیرضا مرتضوی کرونلی.

۶. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۳۵۵.

معصومین علیهم‌السلام جدید و تازه است که از دیگران سابقه ندارد به آن حدیث می‌گویند.

❁ چرا به عصر جاهلیت، عصر جاهلیت می‌گویند؟

چون عربها در آن عصر و زمان (بعد از حضرت عیسی علیه‌السلام و قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به شرک و بت پرستی و عقاید باطل و خرافی و نیز رفتارهای زشت و غیر انسانی روی آورده بودند.^۱

❁ چرا به قرون وسطی، قرون وسطی می‌گویند؟

قرون جمع قرن و وسطی به معنی وسط و میان دو چیز است و چون حدود ۱۰ قرن میان سقوط تمدن باستانی و ظهور نوزایی ایتالیایی فاصله شد، به آن قرون وسطی می‌گویند.^۲

❁ چرا به وحی، صدق می‌گویند؟

اشاره به این دارد که تنها سخنی که هیچگونه احتمال دروغ و خلاف در آن نیست سخنی است که از طریق وحی از ناحیه پروردگار نازل می‌گردد.^۳

❁ چرا به شبهه، شبهه می‌گویند؟

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «لَا تَهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ» یعنی: شبهه از این جهت شبهه نامیده شده که شبه و مانند حق است.^۴

❁ چرا به پاسخ، جواب می‌گویند؟

جواب از «جَوَبَه» به معنای قطع و بریدن هر قطعه زمین است و پاسخ کلام را از این رو «جواب» نامیده‌اند که گویی هوا را قطع می‌کند و از دهان گوینده به گوش می‌رسد. و یا به این جهت که سوال را قطع کرده و به آن پایان می‌دهد.^۵

❁ چرا به اول ظهر، زوال می‌گویند؟

زوال به معنی زایل شدن و از بین رفتن است و چون در این وقت سایه شاخص که برای تعیین وقت نماز ظهر گذاشته می‌شود، زایل می‌شود (و یا به حد اقل می‌رسد) به آن زمان، زوال گویند.

❁ چرا به ظهر، دلوک می‌گویند؟

دلوک از دلك به معنای مالیدن و فشار دادن است. و چون ناظر به خورشید در هنگام ظهر

۱. تاریخ دوم راهنمایی، ص ۲، سال ۸۰-۷۹.

۲. دروس علم و دین، ص ۱۳، مؤلف علی گلپایگانی.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۵۳.

۴. نهج البلاغه، ص ۱۲۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۵۳.

بخاطر شدت شعاع خورشید چشمهایش را می مالد و فشار می دهد به آن دلوک می گویند.^۱

❁ چرا به بعد از ظهر، عصر می گویند؟

عصر به معنی فشردن است و چون برنامه‌ها و کارهای روزانه در آن وقت فشرده و پیچیده می‌شود به آن عصر می‌گویند.^۲

❁ چرا به فجر، فجر می‌گویند؟

فجر به معنی شکافتن وسیع است و از آنجا که سپیده صبح، پرده شب را می‌شکافد، به آن «فجر» گفته شده است.^۳

❁ چرا به فجر کاذب، کاذب می‌گویند؟

چون آن فجر ثابت نیست و بعد از مدت کوتاهی از بین می‌رود.

❁ چرا به فجر صادق، صادق می‌گویند؟

چون آن فجر پابرجا می‌ماند و رفته رفته زیادتیر می‌شود بنابر این به آن، فجر صادق می‌گویند.

❁ چرا به روز جمعه، جمعه می‌گویند؟

چون خدای تعالی در یک همچون روزی از خلق همه‌اشیا فارغ گردید و همه مخلوقات در آن روز اجتماع کردند.

و بعضی گفته‌اند: به جهت اجتماع مردم برای نماز جمعه این روز جمعه نامیده شده است، پیش از اینکه جمعه، جمعه نامیده شود در عرب به نام «یوم العروبه» معروف بود.^۴

❁ چرا به روز شنبه (عرب‌ها)، سبت می‌گویند؟

سبت بر وزن وقت در اصل به معنی قطع نمودن، و سپس به معنی «تعطیل کار» به منظور استراحت آمده است، و اینکه «روز شنبه» در لغت عرب «یوم السبت» نامیده شده، به خاطر آن است که این نامگذاری متأثر از برنامه‌های یهود بوده که روز شنبه را روز تعطیلی می‌دانستند.^۵

۱. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۶۶۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۶.

۴. بازار دانش، ص ۴۸۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۹.

❁ چرا به دو یا سه شب آخر ماه، محاق می‌گویند؟

چون در این دو یا سه شب، ماه در خفا است و تحت الشعاء قرار می‌گیرد و دیده نمی‌شود. و حالت ماه را در دو یا سه شب آخر ماه، محاق یا تحت الشعاء می‌گویند.^۱

❁ چرا به تقویم جلالی، تقویم جلالی می‌گویند؟

چون در سال ۴۷۱ هجری قمری به فرمان و امر سلطان جلال الدین سلجوقی شخصی به نام خیتام نیشابوری تقویمی ترتیب داد و آن را تقویم جلالی نامید و در آن، سال را ۳۶۵ روز قرار داد و در هر سال یک روز کبیسه قرار داده است و تقویم کنونی نیز بر طبق همین تقویم ترتیب می‌شود.^۲

❁ چرا به تقویم سزاری، تقویم سزاری می‌گویند؟

چون در سال ۵۵ قبل از میلاد مسیح ژول سزار امپراطور روم به دستکاری شخصی به نام سویژن منجم و ستاره شناس اسکندریه تقویمی تشکیل داد این منجم شش ساعت بر سال افزود در این صورت هر چهار سال را یک دفعه کبیسه قرار داد از این جهت آن تقویم به تقویم سزاری نامیده شد.^۳

❁ چرا به سال کبیسه، کبیسه می‌گویند؟

ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» گفته که به لغت سریانی آن سال را - کبیستا- گویند و در عربی آنرا کبیسه گویند. یعنی انباشته، چون کسرهای زائد بر نصف روز - که ۴۴ دقیقه بود - روی هم رفته انباشته می‌شود و در هر سه سال تقریباً یکروز تمام می‌شود.^۴

❁ چرا به عید، عید می‌گویند؟

عید مشتق از عود است و «یای» آن منقلب از «واو» است و چون بخشش‌های خداوند در آن روز عید بر بندگان زیاد می‌شود و یا چون سرور و رحمت در آن روز عود می‌کند به آن، «روز عید» می‌گویند.^۵ عید در لغت از ماده عود به معنی بازگشت است و بنابر این به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی برطرف می‌شود و به پیروزی‌ها و راحتی‌های نخستین بازگشت می‌کند، عید می‌گویند و در اعیاد اسلامی به مناسبت اینکه در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان باز می‌گردد و

۱. النضید، ج ۵، ص ۱۵۲، شیخ حسن قارویی تبریزی.

۲. بازار دانش، ص ۴۸۶، سید محمد مهدی لنگرودی.

۳. بازار دانش، ص ۴۸۷.

۴. النضید، ج ۵، ص ۱۳۶.

۵. شرح لمعه، ج ۱، ص ۳۰۶.

آلودگی‌هایی که بر خلاف فطرت است، از میان می‌رود، به آن عید گفته شده است.^۱

❁ چرا به عید فطر، عید فطر گویند؟

فطر به معنی شکستن روزه و باز کردن آن است و چون مسلمانان در روز عید فطر دیگر روزه نمی‌گیرند و روزه خود را باز می‌کنند، به آن عید فطر می‌گویند.

❁ چرا به عید قربان، عید اضحی گویند؟

اضحی از ضحیه به معنی قربانی است و چون در روز دهم ذی‌الحجه حُجَّاج طبق سنت، قربانی می‌کنند، به آن عید اضحی (قربان) می‌گویند.

❁ چرا به عید غدیر، عید غدیر گویند؟

غدیر نام محلی است که پیامبر خدا ﷺ در آن محل حضرت علی (ع) را به فرمان خداوند به جانشینی خود انتخاب نمودند و لذا چون آن روز، روز مبارک و عیدی برای شیعیان است، به آن عید غدیر می‌گویند.

❁ چرا به روز ۲۵ ذی القعدة، روز دَحْوُ الْأَرْضِ می‌گویند؟

دَحْوُ بمعنی گستردن و ارض بمعنی زمین است و چون در این روز زمین از زیر کعبه گسترده شد و به صورت کنونی در آمد به آن، روز «دحو الارض» می‌گویند. دحو الارض یعنی پهن شدن زمین از زیر خانه کعبه بر روی آب.^۲

❁ چرا به عاشورا، عاشورا می‌گویند؟

عَلَتْ نامگذاری روز دهم محرم به عاشورا آنست که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز، مورد تکریم الهی قرار گرفته‌اند.^۳ عاشورا از مادهٔ عشر به معنای دهم است و بر اثر کثرت استعمال بر دهم ماه محرم (سالروز شهادت سیدالشهدا، امام حسین (ع)) اطلاق می‌شود.

❁ چرا به عام الفیل، عام الفیل می‌گویند؟

عام به معنی سال و فیل به معنی فیل، حیوان معروف است و چون در آن سال قضیه فیل سواران که قصد خراب کردن خانه خدا را داشتند و بعد پرندگان مأمور به هلاک کردن آنها شدند اتفاق افتاد به آن سال «عام الفیل» می‌گویند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۴۵۰.

۳. معمای کربلا، ص ۳۸، محمود جویباری.

✽ چرا به عام الحُزن، عام الحُزن می‌گویند؟

زیرا در سال دهم بعثت، حضرت ابوطالب وفات نمود و پیامبر خدا ﷺ در مصیبت او گریست و فرمود: «خدا تو را جزای خیر دهد»، بعد از سه یا سی و پنج روز در همان سال حضرت خدیجه وفات کرد لذا چون رسول خدا ﷺ بعد از وفات ابوطالب و خدیجه، چنان غمناک بود که از خانه، کمتر بیرون می‌آمد، از این رو، پیامبر اکرم ﷺ آن سال را عام‌الحزن (سال غم و اندوه) نام نهادند.^۱

✽ چرا به روز جنگ بدر، يوم الفرقان می‌گویند؟

قرآن روز جنگ بدر را يوم الفرقان گوید، زیرا در آن روز ارتش کوچکی که فاقد هرگونه ساز و برگ جنگی بود، سپاه نسبتاً بزرگ و نیرومندی را که از هر جهت برتری داشت، شکست داد.^۲

✽ چرا به جنگ جمل، جنگ جمل می‌گویند؟

جمل به معنای شتر است و چون عایشه در این جنگ بر شتری سوار بود و با طلحه و زبیر به جنگ با حضرت علی ﷺ آمده بود، به جنگ جمل معروف شد.

✽ چرا به جنگ صفین، جنگ صفین می‌گویند؟

چون سپاه حضرت علی ﷺ و معاویه در محلی بنام صفین به یکدیگر رسیدند، لذا به جنگ صفین معروف شد.

✽ چرا به دین، شریعت می‌گویند؟

شریعت در لغت به معنی مورد الشاربه (چشمه - محل ورود تشنگان) است و چون همه مردم در انتفاع از دین یکسان هستند، چنانکه در انتفاع از چشمه آب یکسانند، به آن شریعت می‌گویند.^۳ معنای لغوی شریعت، آن شیب ملایم است که گذار نامیده شده و تشنه کام را به آب می‌رساند و چون دین، راه مناسب برای رسیدن به آب حیات انسانی است، به آن شریعت می‌گویند.^۴

✽ چرا به دین توحید، دین قیّم می‌گویند؟

کلمه «قیّم» به معنای قائم به امری است که در قیام خود و تدبیر آن امر قوی باشد و یا به معنای کسی است که قائم به پای خود بوده دچار تزلزل و لغزش نگردد، بنابر این چون تنها، دین توحید است که قادر بر اداره جامعه و سوقش به سوی سر منزل سعادت است، و آن تنها دین

۱. معماهای زندگانی چهارده معصوم (ع)، معینان.

۲. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۷۰.

۳. شرح اشارات، ج ۳، ص ۳۷۲.

۴. شریعت در آینه معرفت، ص ۱۱۹.

محکمی است که دچار تزلزل نگشته تمامی معارفش حقیقت است و بطلان در آن راه ندارد، و همه اش رشد است و ضلالتی در آن یافت نمی شود، به آن دین قیّم می گویند.^۱

✽ چرا به مذهب، مذهب می گویند؟

مذهب به معنی رفتن و روش است و چون هر گروهی از دین داران یک روشی داشته و به طرف آن می روند، به اعتقادات آنها، مذهب می گویند.

✽ چرا به عقیده، عقیده می گویند؟

عقیده از عقده به معنی گره است و چون عقیده انسان به قلب و دل و جان انسان گره می خورد و به زودی از بین نمی رود، به آن عقیده می گویند.

✽ چرا به اذان، اذان می گویند؟

اذان یا از ماده اذّن و یا به معنی اعلام و اخبار است در صورت اول با گفتن اذان، اذن برای نماز داده می شود در حالی که قبل از آن نماز خواندن جایز و روا نبود و در صورت دوم با گفتن اذان، اعلام می شود که وقت نماز داخل شده است.

✽ چرا به وضو، وضو می گویند؟

وضو به معنی نظافت و نضارت از گناهان می باشد (نظافت در ظاهر و نورانیت در باطن) و چون شستن اعضای وضو با قصد قربت، سبب نظافت و نورانیت در باطن می شود، به آن وضو می گویند.^۲

✽ چرا به نماز ظهر، نماز وسطی می گویند؟

نماز ظهر نماز وسطی است به اعتبار آنکه در وسط نمازهای یومیه واقع است. و مشهور بین فقها، و اظهر آن است که صلاه وسطی همان صلاه ظهر است.^۳
در تفسیر نمونه آمده: گر چه در باره صلوٰه وسطی (نماز میانه) مفسران احتمالات مختلفی داده اند ولی قرائنی که در دست است ثابت می کند که منظور همان نماز ظهر است، زیرا علاوه بر اینکه نماز ظهر، در وسط و میان روز انجام می گردد شأن نزول آیه نیز گواهی می دهد که تأکید روی نماز ظهر، به خاطر کوتاهی کردن مردم در اثر گرمی هوا بوده است.^۴
در کتاب تفسیر نور آمده: در باره مراد از نماز وسطی، چند نظریه است، ولی با توجه به شأن

۱. المیزان، ج ۱۱ ص ۲۴۲.

۲. شرح لمعه (ده جلدی)، ج ۱، ص ۶۹.

۳. چهل حدیث، ص ۴۹۵، امام خمینی.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۴۷.

نزول آیه که گروهی بخاطر گرمی هوا در نماز ظهر شرکت نمی‌کردند و با توجه به روایات و تفاسیر، مراد همان نماز ظهر است.^۱

به احتمالی مقصود نماز مغرب است چون سه رکعت نماز مغرب وسط نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشا) و دو رکعتی (نماز صبح) واقع شده است. و یا چون نماز مغرب بین نماز ظهر (که اولین نمازی است که واجب گشته) و بین نماز صبح (که آخرین نمازی که واجب شده) واقع شده است.

✽ چرا به نماز صبح، نماز مشهود می‌گویند؟

چون در قرآن آمده: «ان قرآن الفجر كان مشهوداً» یعنی نماز صبح مورد مشاهده ملائکه روز و ملائکه شب واقع می‌شود و ثواب آن دو برابر است زیرا هم ملائکه روز و هم ملائکه شب ثواب آن را می‌نویسند.

✽ چرا به نماز نافله، نافله می‌گویند؟

نافله از نفل به معنی زیادی است و چون نماز مستحبی زیاده بر نماز واجب است و انسان از روی اختیار خود آن را انجام می‌دهد، به آن نافله می‌گویند.

✽ چرا به نماز غفيله، غفيله می‌گویند؟

غفيله از غفلت است و چون این نماز در ساعتی خوانده می‌شود که شیطان در حال غفلت است، به آن، نماز غفيله می‌گویند.

✽ چرا به نماز آیات، نماز آیات می‌گویند؟

آیات به معنی نشانه‌ها و علامت‌ها است و چون هر یک از این علامت‌ها مانند زلزله و خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی از علائم و نشانه‌های قیامت است به نمازی که به جهت این‌ها خوانده می‌شود، نماز آیات گویند.

چون این اتفاقات، از پدیده‌های عجیب و زیبایی است که تنها خداوند به ایجاد آن قادر است و از هیچ قدرت دیگری بر نمی‌آید. لذا این حوادث، آیات و نشانه‌هایی بر وجود خداوند می‌باشند.

✽ چرا به الله اکبر اول نماز، تکبيرة الاحرام می‌گویند؟

تکبیر یعنی یک بار الله اکبر گفتن و احرام یعنی کاری را بر خود حرام کردن و چون با این الله اکبر گفتن کارهایی را که مانند خوردن و آشامیدن و خوابیدن که قبل از بستن نماز برای ما

۱. تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۷۷، محسن قرائتی.

حلال بود بر خود حرام می‌کنیم به آن تکبیره الاحرام می‌گویند.
مقصود از «الله اکبر» یا «الله اکبر من ان یوصف» است یعنی خدا بالاتر از آن است که توصیف شود. و یا «الله اکبر من کل شیء» است یعنی خدا بالاتر از هر چیزی است. و یا «الله اکبر من ان یدرک من حواس» است یعنی خدا بالاتر از آن است که با حواس ظاهری درک شود. و یا «الله اکبر من ان یقاس بالناس» است یعنی خدا بالاتر از آن است که با مردم قیاس گردد.

✽ چرا به نماز تراویح، نماز تراویح می‌گویند؟

تراویح جمع ترویحه به معنای نشست مختصر پس از خواندن چهار رکعت نماز در شب ماه رمضان، و نیز چهار رکعت نماز شب، یا نمازهای دو رکعتی مستحب که در شبهای ماه رمضان پس از نماز عشاء می‌خوانند، می‌باشد و چون پس از هر چند رکعت نماز اندکی استراحت می‌کنند، به این اسم خوانده شده است.^۱

✽ چرا به ماه رمضان، رمضان گویند؟

«رمضان» از ماده «رَمَضَ» به معنای سوزاندن است. البته سوزاندنی که دود و خاکستر به همراه نداشته باشد. و وجه تسمیه ماه رمضان به رمضان از آن جهت است که در ماه رمضان، گناهان انسان سوزانده می‌شود.^۲
دو وجه برای رمضان ذکر می‌کنند:

۱. رمضان از «الرمضاء» به معنی بیابان گرم و سوزان است و چون در این ماه، مسلمانان به واسطه روزه گرفتن دلهایشان بر اثر تشنگی گرم و سوزان می‌شود، به آن ماه رمضان گویند.
۲. رمضان نامی از نامهای خداوند است و چون این ماه را خداوند به خود نسبت داده است، به آن ماه رمضان یعنی «ماه خدا» می‌گویند.

یکی از لغت‌شناسان می‌گوید: کلمه رمضان از مصدر «الرَّمَضَ» گرفته شده و به بارانی گفته می‌شود که در فصل پاییز، موسم بادهای پر غبار ببارد و چهره زمین را صفا بخشد. این ماه را به آن خاطر رمضان نامیده‌اند که وجود آدمی با روزه گرفتن در این ماه از پلیدیهای خطرناک مادی و گناهان پاک می‌گردد.

باید دانست که اشتقاق رمضان یا از «رمضاء» به معنای سنگ گرمی است که بر هر چه بنهند، بسوزد یا از «رمض» به معنای باران است که بر هر چه رسد، آن را بشوید. رسول خدا ﷺ

۱. فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۶۶۴.

۲. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۸۷.

درباره ماه رمضان می‌فرمایند: «أَرْمَضَ اللَّهُ فِيهِ ذُنُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَغَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ».^۱ یعنی: خداوند در ماه رمضان گناهان مومنان را می‌شوید و آنها را می‌آمرزد.

❁ چرا به ماه رمضان، ماه صبر می‌گویند؟

صبر به معنی خودداری از خواسته‌ها و خویشتن داری از هوسها است و چون در ماه رمضان روزه دار از خوردن و آشامیدن (و دیگر مفطرات) خودداری می‌کند به آن ماه، ماه صبر می‌گویند.^۲

❁ چرا به روزه، روزه می‌گویند؟

روزه از روز گرفته شده و چون این عبادت در روز انجام می‌گیرد به روزه معروف شده است.

❁ چرا به روزه وصال، روزه وصال می‌گویند؟

وصال از وصل است و در تفسیر روزه وصال دو تفسیر وجود دارد ۱- صَوْمَ يَوْمَيْنِ مُتَوَالَيْنِ یعنی دو روز متوالی را بدون افطار به هم وصل کردن ۲- نیت روزه را تا سحر ادامه دادن و در سحر افطار نمودن.^۳

❁ چرا به شب قدر، شب قدر می‌گویند؟

چند احتمال دارد:

۱. زیرا در آن شب جمیع مقدرات بندگان در تمام سال مقدر و اندازه‌گیری می‌شود.
۲. زیرا این شب دارای قدر و عظمت است.
۳. زیرا قرآن با آن قدر و منزلت بر رسول والا قدر به وسیله فرشته صاحب قدر نازل شد.
۴. زیرا شبی است که مقدر شده تا در آن قرآن نازل گردد.
۵. زیرا کسی که آن شب را احیاء بدارد صاحب قدر و منزلت می‌شود.
۶. یکی از معانی قدر تنگ شدن است و چون در آن شب آنقدر فرشتگان نازل می‌شوند که عرصه زمین بر آنها تنگ می‌شود، به آن شب قدر می‌گویند.^۴

❁ چرا به کفاره، کفاره می‌گویند؟

کفاره از «كَفَرَ يَكْفُرُ» به معنی بسیار پوشاننده است و چون کفاره باعث پوشاننده شدن گناهان و آمرزش آنها است، به آن، کفاره می‌گویند.

۱. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۸۹؛ کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۹۵.

۲. ستاد تفسیر قرآن، ص ۲۴۹.

۳. التذیید، ص ۲۶۷-۲۶۶.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۷۸-۱۷۷.

❁ چرا به فدیة، فدیة می گویند؟

فدیة از «فدا» در اصل به معنی قرار دادن چیزی به عنوان بلا گردان و دفع ضرر از شخص یا چیز دیگر است، لذا مالی را که برای آزاد کردن اسیر می دهند «فدیة» می گویند، و نیز كفارة ای را که بعضی از بیماران بجای روزه می دهند به این نام نامیده می شود.^۱

❁ چرا به قصاص، قصاص می گویند؟

کلمه (قصاص) مصدر از (قاصَّ یُقاصُّ) است و این کلمه از قص اثره، جا پای او را تعقیب کرد می باشد و چون جانی را در جنایتش تعقیب می کنند و عین آن جنایتی را که آن شخص انجام داده است، بر او وارد می آورند، به آن قصاص می گویند.^۲
قصاص از ریشه «قص» به معنای پیگیری است و چون در قصاص، پیگیری قتل تا مجازات قاتل ادامه دارد به آن قصاص می گویند.^۳

❁ چرا به حدّ (اعدام یا تازیانه)، حدّ می گویند؟

حدّ در لغت به معنای منع است و چون مجازات مجرم مانع از معصیت و جرم است و افراد بی تقوا از ترس واقع شدن در معرض مجازات و کیفر، غالباً از انجام معصیت و جرم احتراز می کنند، به آن حدّ گویند.^۴

❁ چرا به تعزیر، تعزیر می گویند؟

تعزیر در لغت به معنای نصرت و یاری است و چون کیفر مجرم سبب یاری جامعه از آلودگی به سیئات اخلاقی است، به آن تعزیر می گویند.^۵

❁ چرا به زکات، زکات می گویند؟

زکات به معنی رشد و نمو و طهارت است و چون دادن مقداری از مال به عنوان زکات، باعث رشد و نمو و طهارت و پاکیزگی مال می شود، به آن زکات می گویند.
زکات مال به در کن که فضله رز را چو باغبان به در کند بیشتر دهد انگور

❁ چرا به مال وقف، وقف می گویند؟

وقف به معنی متوقف شدن است و چون مال وقف از خرید و فروش و نقل و انتقال متوقف

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۶.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۵۶.

۳. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۴.

۴. النضید، ج ۵، ص ۷۰، حسن قارونی تبریزی.

۵. النضید، ج ۵، ص ۷۰، حسن قارونی تبریزی.

شده است و کسی نمی‌تواند آنرا خرید و فروش کند به آن، مال وقف گویند.

❁ چرا به جزیه، جزیه می‌گویند؟

قولی گوید: ریشه اصلی آن غیر عربی است و از «کزیت» کلمه فارسی باستان به معنی مالیاتی است که برای تقویت ارتش اخذ می‌شود، گرفته شده است ولی بسیاری معتقدند که این لغت یک لغت عربی خالص است و از ماده «جزاء» گرفته شده، به مناسبت اینکه مالیات مزبور جزای امنیتی است که حکومت اسلامی برای اقلیت‌های مذهبی فراهم می‌سازد.^۱

❁ چرا به منت، منت می‌گویند؟

منت در اصل از «من» به معنی سنگی است که با آن وزن می‌شود، سپس به نعمتهای بزرگ و سنگین اطلاق شده است که اگر جنبه عملی داشته زیبا و پسندیده است، و اگر با لفظ و سخن باشد زشت و بدنما است، گر چه منت در استعمالات روزمره بیشتر به معنی دوم گفته می‌شود.^۲

❁ چرا به قرض، قرض می‌گویند؟

قرض در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است.^۳ و چون انسان موقع قرض دادن مقداری از مال خود را از ثروت خویش قطع می‌کند به آن قرض می‌گویند.

❁ چرا به صدقه، صدقه می‌گویند؟

صدقه از صدق (راستی و راستگویی) است و چون این صدقه علامت راستگویی انسان مؤمن به خدا و قیامت است، به آن صدقه می‌گویند.

❁ چرا به تسبیح، تسبیح می‌گویند؟

تسبیح از «سباح» در اصل به معنای حرکت «سریع» در آب و هوا است.^۴ در تفسیر نمونه آمده اینکه ذکر خدا و عبادت او را «تسبیح» می‌گویند از این جهت است که آن هم یکنوع حرکت سریع در طریق اطاعت و عبادت پروردگار است.^۵

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۵۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۴.

۴. مفردات راغب، ماده سبج.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷.

❁ چرا به سلام، سلام می‌گویند؟

سلام از سلامتی و امن می‌آید و چون سلام کردن باعث رفع کدورت و کینه‌ها و در نتیجه سلامتی انسان می‌شود، به آن سلام می‌گویند.

❁ چرا به مصافحه (دست دادن)، مصافحه می‌گویند؟

مصافحه از صفح به معنی گذشت کردن و برداشتن کینه از سینه است و چون در مصافحه کردن و دست دادن به یکدیگر کینه‌ها از سینه‌ها بیرون می‌رود، به آن مصافحه می‌گویند. و حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

حتی با دشمن خود مصافحه کنید هر چند که او نخواهد زیرا خدا چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او می‌شود.^۱

❁ چرا به مُبارک، مبارک می‌گویند؟

مبارک از بُرک (به معنی سینه شتر) است و تدریجا این ماده در معنی ثبوت و دوام چیزی به کار رفته است و چون چیز مبارک خیر آن باقی و برقرار است، به آن مبارک می‌گویند.^۲

❁ چرا به داستان، قصّه می‌گویند؟

قصّه از قصّ به معنای پیگیری است و چون در داستان، مطالب، دنباله دار و پی در پی است، به آن قصّه می‌گویند.^۳

❁ چرا به بیعت، بیعت می‌گویند؟

بیعت از ریشه لغوی «بیع» به معنی فروختن گرفته شده است و معنایش آن است که شخص یا گروهی، جان و مالش را به مبدأ دینی بیع کند و بفروشد.^۴

❁ چرا به پیمان حلف الفضول، حلف الفضول می‌گویند؟

گویند در زمان جاهلیت سه نفر به نام‌های «فضیل بن حرث و فضیل بن وداعه و مفضل» با یکدیگر سوگند یاد کردند و پیمان بستند که ناظر مکه باشند و از ستم‌دیدگان حمایت نمایند و چون نام این سه نفر در ماده «فضل» مشترک بود، پیمان آنها به نام حلف الفضول معروف

۱. حلیه المتقین، ص ۲۴۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

۳. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۴.

۴. ولایت فقیه، ص ۴۰۶.

گردید.^۱

❁ چرا به گناه، فجور می‌گویند؟

فجور از فجر (شکافتن وسیع) است و از آنجا که ارتکاب گناهان، پرده دیانت را می‌شکافد بر آن «فجور» اطلاق شده است.^۲

❁ چرا به خرافه، خرافه می‌گویند؟

خرافه لفظی عربی است و در اصل به معنای «میوه چیده شده» می‌باشد. این واژه از نام مردی از قبیله غذره گرفته شده است که در تاریخ و روایات آمده است. طایفه اجنه، مردی به نام خرافه را که شخص صالحی بود اسیر کردند. وی، مدتی را در جمع آنان به سر برد؛ پس از آزادی هر چه دیده بود، بیان می‌کرد و از آن جا که سخنانش برای مردم غیر قابل باور بود، او را تکذیب می‌کردند و می‌گفتند: «این سخنان خرافه است» و در بی‌پایگی احادیث به او مثل زده می‌شد. به تدریج، هر سخن بی‌پایه و بی‌مبنایی را «خرافه» می‌گفتند.^۳

❁ چرا به توبه نصح، نصح گویند؟

نصح یا به معنی آن است که توبه، خالص باشد یا اینکه شخصی به نام نصح بوده که توبه واقعی کرده است. و مراد از توبه نصح در قرآن «توبه نصحاً» توبه خالص است چون نصح صفت از برای توبه است و اگر مراد توبه شخص نصح بود باید اضافه می‌شد و گفته می‌شد «توبه نصح».

❁ چرا به عقد، عقد گویند؟

عقد به معنی گره زدن است و چون در عقد ازدواج زندگی داماد و عروس به هم گره می‌خورد، به آن عقد می‌گویند.

❁ چرا به ازدواج، ازدواج گویند؟

ازدواج از زوج به معنی جفت است و چون در ازدواج عروس و داماد با هم جفت می‌گردند و یک زندگی مشترک را تشکیل می‌دهند به آن ازدواج گویند.

❁ چرا به زن و شوهر، همسر می‌گویند؟

زیرا زن و شوهر فکر و هدفشان در زندگی یکی است و در زندگی یک هدف مشترک دارند

۱. معنای زندگی چهارده معصوم، ص ۵۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۶.

۳. النهایه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۵؛ مجمع الزوائد، هیتمی، ج ۴، ص ۳۱۵؛ خرافه‌ها و واقعیت‌ها، ص ۱۴.

و یا چون در موقع خواب سرشان بر یک متکا قرار می‌گیرد به آنها همسر می‌گویند.

❁ چرا به عروس، عروس می‌گویند؟

عروس به موجودات بسیار زیبا و گرامی اطلاق می‌شود و عروس گر چه در زبان فارسی به زن اطلاق می‌شود ولی در فرهنگ عرب به زن و مردی که هر دو در مراسم عروسی هستند اطلاق می‌شود از آنجا که مرد و زن در چنین مراسمی در بهترین و زیباترین حالات و کاملترین احترامات قرار دارند.

❁ چرا به ماه غسل، ماه غسل می‌گویند؟

چند علت برای آن ذکر کرده‌اند: ۱. چون در این ماه عروس و داماد مانند غسل نسبت به یکدیگر هستند. ۲. چون لازم است برای تقویت خود غسل بخورند. ۳. ماه غسل است و نقطه آن بر اثر کثرت استعمال افتاده است.

❁ چرا به سفر، سفر می‌گویند؟

سفر به معنی از پوشش و استتار در آمدن است و تفسیر هم از همین ماده می‌باشد و چون انسان مسافر از خانه و کاشانه که یک نوع پوشش و استتاری برای او است، بیرون می‌آید و خود را آشکار می‌کند، می‌گویند او سفر کرده است، یعنی از پوشش خانه و کاشانه خود خارج شده است.^۱

❁ چرا به شب زفاف، زفاف می‌گویند؟

زفاف دو معنی دارد یکی به معنی عروس را به خانه شوهر فرستادن است و معنی دیگر همبستر کردن عروس و داماد است و هر دو معنی در شب زفاف تحقق می‌یابد. قولی گوید: زفاف از «زَفَّ يَزِفُ» به معنی سرعت گرفتن است و قرآن گوید: «و اقبل اليهم يَزْفُون» یعنی سرعت می‌گیرند و چون عروس و داماد در آن شب برای رفتن به حجله سرعت می‌گیرند، به آن شب، شب زفاف می‌گویند.^۲

❁ چرا به مهریه عروس، صداق می‌گویند؟

صداق از صدق است و این صداق علامت صادق و راستین بودن مرد است؛ در اقدامی که در صدد انجام آن می‌باشد، و این صداق نشانی از صدق اقدام و صدق خواستگاری و صدق در خواست تشکیل خانواده از طرف مرد است و باید صادقانه هم پرداخت گردد.^۳

۱. استاد آیت الله سیحانی.

۲. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲، ص ۷۳.

۳. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۱، ص ۱۹۵.

❖ چرا به مُتَعَه (صیغه)، مُتَعَه گویند؟

مُتَعَه به چیزی که به آن تمتع و بهره برده می‌شود، می‌گویند و چون انسان غالباً از زن صیغه‌ای بهره و تمتع جنسی می‌برد، به آن متعه می‌گویند.

❖ چرا به حیض، حیض می‌گویند؟

حیض در لغت به معنی سیل است و چون خون قاعدگی از رحم به خارج سَیْلان و جریان پیدا می‌کند به آن حیض می‌گویند.^۱

❖ چرا به مال، مال می‌گویند؟

«لَا النَّاسَ يَمِيلُ إِلَيْهِ» یعنی چون مردم به آن میل دارند.

❖ چرا به طلا، ذهب می‌گویند؟

«لَا النَّاسَ يَذْهَبُ إِلَيْهِ» یعنی چون مردم به طرف آن می‌روند.

❖ چرا به نقره، فضّه می‌گویند؟

«لَا النَّاسَ يَفْضُ إِلَيْهِ» یعنی چون مردم به سوی آن می‌روند.

❖ چرا به درهم، درهم می‌گویند؟

«لَاَنَّهُ دَارُ هَمٍّ مَنْ جَمَعَهُ وَلَمْ يُنْفِقْهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْرَثَهُ النَّارُ».^۲ یعنی درهم خانه هم و غم کسی است که آن را جمع می‌کند و در راه خدا خرج نمی‌کند لذا آتش جهنم او را در بر می‌گیرد.

❖ چرا به دینار، دینار می‌گویند؟

«لَاَنَّهُ دَارُ النَّارِ مَنْ جَمَعَهُ وَلَمْ يُنْفِقْهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَأَوْرَثَهُ النَّارُ».^۳ یعنی: چون دینار خانه آتش کسی است که آن را جمع می‌کند و در راه خدا انفاق نمی‌کند پس آتش جهنم او را در بر می‌گیرد.

❖ چرا به برنج، برنج می‌گویند؟

چنانکه در «کتاب گلزار نجفی» آمده:

اصل برنج «بی رنج» بوده سپس مخفف شده و به صورت برنج در آمده است.
از یکی از معصومین روایت است که: «كُلُّ مَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ فِيهِ دَاءٌ وَ شِفَاءٌ إِلَّا الْأُرْزَ فَإِنَّهُ فِيهِ شِفَاءٌ وَلَا دَاءَ فِيهِ». یعنی: هر چیزی که از زمین می‌روید پس در آن درد و دوا است مگر

۱. شرح لمعه (پاورقی)، ج ۱، ص ۹۸.

۲. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۳.

۳. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۳.

برنج که براستی در آن دوا بوده و هیچ دردی در آن نمی‌باشد.^۱

❁ چرا به انجیر، دوست فیلسوفان گویند؟

زیرا افلاطون (از فیلسوفان مشهور) به قدری میوه انجیر را دوست می‌داشت که بعضی از مردم آن زمان به انجیر، لقب دوست فیلسوفان را داده بودند. سقراط هم انجیر را دارای خواص فراوانی می‌دانست. جالینوس، طبیب معروف، رژیم غذایی مخصوصی از انجیر را برای پهلوانان تنظیم کرده بود و بین ورزشکاران روم و یونان قدیم این میوه به فراوانی مصرف می‌شد.^۲ انجیر دارای خواص غذایی و درمانی فراوانی است و برای هر سن و سالی به خاطر قندی که دارد مفید است. بر اساس برخی روایات، انجیر میوه بهشتی است و در طب قدیم، معجون انجیر و عسل برای زخم معده و انجیر خشک برای تقویت فکر سفارش شده است. امام رضا (ع) می‌فرمایند: انجیر بوی دهان را می‌برد، لثه‌ها و استخوان‌ها را محکم می‌کند، مو را می‌رویاند، درد را بر طرف می‌سازد و مثل دارو موثر است.^۳

❁ چرا به خمر، خمر گویند؟

خمر به معنای پوشاندن است و چون خمر (شراب) عقل انسان را می‌پوشاند به آن خمر می‌گویند.^۴

❁ چرا به دنیا، دنیا می‌گویند؟

دنیا افع‌ل تفضیل (از دنی) به معنی پست‌تر است و چون دنیا نسبت به عالم برزخ و عالم آخرت پست‌تر است، به آن دنیا می‌گویند؛ زیرا دنیا عالم ماده و آثار است و همه چیز آن در حال فنا می‌باشد به خلاف عالم برزخ و عالم آخرت که اینچنین نیستند. علامه طباطبایی در بدایه الحکمه می‌فرماید: عالم دنیا، همان عالم مشهود است که نازل‌ترین و پست‌ترین مراتب وجود می‌باشد.^۵ در روایت است که دنیا در نزد خداوند بسیار پست و ناچیز است که اگر این دنیا در نزد خدا ذره‌ای ارزش داشت حتی به مقدار بال مگسی هم آن را به کافر عطا نمی‌نمود. قولی گویند: دنیا افع‌ل تفضیل از دنو (نزدیک) به معنای نزدیک‌تر است و چون عالم دنیا نسبت به عالم برزخ و آخرت به ما نزدیک‌تر است، به آن دنیا می‌گویند.

۱. حجه الاسلام و المسلمین آقای سید صادق حسینی (زید غزه).

۲. میوه‌های قرآنی، ۲، انجیر، ص ۴، میترا قاسمی.

۳. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۸۳ به نقل از تفسیر نمونه؛ تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۵۲۹.

۴. مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۳۶۹.

۵. بدایه الحکمه، ص ۱۷۷.

❁ چرا به تعبیر خواب، تعبیر خواب می‌گویند؟

«تعبیر» و «عبرت» به معنی عبور است، عبور از صحنه ای به صحنه ای دیگر. و چون تعبیر خواب عبور از روعیا به واقعیات است به آن تعبیر خواب می‌گویند.^۱

❁ چرا به تعبیر خواب، تأویل خواب می‌گویند؟

تأویل از اول به معنای بازگشت است و چون امر انسان به آنچه در خواب دیده، بازگشت می‌کند به آن تأویل می‌گویند.^۲

❁ چرا به عبرت، عبرت می‌گویند؟

«عبرت» به معنی عبور است، عبور از صحنه ای به صحنه ای دیگر. و چون در عبرت از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها به نادیدنی‌ها و ناشنیدنی‌ها است، به آن عبرت می‌گویند.^۳

❁ چرا به بشارت، بشارت می‌گویند؟

بشارت از بشره (ظاهر پوست بدن) گرفته شده است و چون چهره و قیافه انسان با شنیدن خبر خوشحال کننده، باز و منبسط می‌گردد، به آن بشارت می‌گویند.^۴

❁ چرا به غم (اندوه)، غم می‌گویند؟

غم به معنی پوشیدن چیزی است و چون غم، قلب انسان را در پوشش قرار می‌دهد، به آن غم می‌گویند.^۵

❁ چرا به غم، بلا می‌گویند؟

بلا به معنای کهنه شدن است و چون غم و غصه، جسم انسان را کهنه می‌کند، به آن بلا می‌گویند.^۶

❁ چرا به انگشتان انسان، بنان می‌گویند؟

چون انسان بواسطه آنها احوال و امور خود را بنا می‌کند.^۷

❁ چرا به کار نیک، معروف می‌گویند؟

زیرا کاری است که بواسطه عقل و یا شرع حُسن آن شناخته می‌شود.^۸

۱. یوسف قرآن، ص ۱۸۶.

۲. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۳۲۰.

۳. یوسف قرآن، ص ۱۸۶.

۴. کشاف، ج ۱، ص ۱۰۴.

۵. مفردات راغب، ص ۳۶۵.

۶. مفردات راغب، ص ۱۴۵.

۷. مفردات راغب، ص ۱۴۷.

۸. مفردات راغب، ص ۵۶۱.

❖ چرا به کار زشت، منکر می گویند؟

زیرا کاری است که بواسطه عقل و یا شرع انکار می شود.^۱

❖ چرا به صورت انسان، وجه می گویند؟

وجه در لغت به چیزی گفته می شود که نخستین چیزی است که روبروی انسان قرار می گیرد و شریفترین چیزی است که در ظاهر بدن است لذا از این جهت به صورت، وجه گفته می شود.^۲

❖ چرا عرب ها به چهار ماه (رجب، ذی القعدة، ذی الحجه، محرم)، ماه حرام می گویند؟

بخاطر زیاد بودن منزلت این ماه ها و عظیم بودن هتک محارم در این چهار ماه نسبت به ماه های دیگر. گویند اگر شخصی در این ماه ها قاتل پدر خود را می دید کاری به او نداشت.^۳

❖ چرا به ماه مَحَرَّم، مَحَرَّم می گویند؟

این ماه را برای آن محرم گفته اند که عرب در این ماه جنگ کردن را حرام می دانست.^۴

❖ چرا به ماه صَفَر، صفر می گویند؟

صفر به دو معنا می آید خالی شدن و زرد شدن. و چون مکه در این ماه از مردم خالی می شد و قولی گوید چون مرض وبا در آن واقع می شد لذا صورت ها زرد می شد و قولی گوید چون ظرف ها از شیر خالی می شد.^۵ لذا به آن، ماه صفر می گفتند.

❖ چرا به ماه ربیع الاول، ربیع الاول می گویند؟

چون زمین گیاه و سبزه می داد و مردم چراهای خود را در آن واقع می کردند. قولی گوید چون مردم در این دو ماه (ربیع الاول و ربیع الثانی) اقامت می کردند.^۶

❖ چرا به ماه ربیع الثانی، ربیع الثانی می گویند؟

چون زمین گیاه و سبزه می داد و مردم چراهای خود را در آن واقع می کردند. قولی گوید چون انسان ها در این دو ماه (ربیع الاول و ربیع الثانی) اقامت می کردند.^۷

❖ چرا به ماه جمادی الاول، جمادی الاول می گویند؟

۱. مفردات راغب، ص ۵۶۱.

۲. مفردات راغب، ص ۸۵۵.

۳. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۲.

۴. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳؛ فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۱۹۱.

۵. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۶. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۷. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

چون آب در این دو ماه (جمادی الاول و الثاني) جمود داشت.^۱

❁ چرا به ماه جمادی الثاني، جمادی الثاني می گویند؟

چون آب در این دو ماه (جمادی الاول و الثاني) جمود داشت.^۲

❁ چرا به ماه رجب، رجب می گویند؟

چون رجب به معنای عظیم است و از این لحاظ که مردم آن را عظیم می پنداشتند، به آن رجب می گویند. قولی گوید چون رجب به معنای ترک و قطع است و از این لحاظ که مردم جنگ را در آن قطع و ترک می کردند به آن رجب می گویند.^۳

❁ چرا به ماه شعبان، شعبان می گویند؟

چون قبائل در آن متشعب (شعبه شعبه) می شدند. و رسول خدا (ص) می فرمایند از این جهت که خیر کثیر در این ماه برای رمضان شعبه می گیرد.^۴

❁ چرا به ماه رمضان، رمضان می گویند؟

«لأنه يرمض الذنوب» یعنی گناهان ریخته می شود. و قولی گوید برای شدت گرمای آن به آن رمضان می گویند. و قولی گوید رمضان از اسماء خداوند است.^۵

❁ چرا به ماه شوال، شوال می گویند؟

چون قبائل از مکانهای خود خارج می شدند و کوچ می کردند و قولی گوید چون شتران شیر خود را در آن خارج می نمودند.^۶

❁ چرا به ماه ذی القعدة، ذی القعدة می گویند؟

چون مردم از قتال در آن قعود (توقف) می نمودند.^۷

❁ چرا به ماه ذی الحجة، ذی الحجة می گویند؟

چون مردم حج را در آن انجام می دادند.^۸

❁ چرا به بعضی از ایام سال، «ایام الله» می گویند؟

علت آنکه بعضی از ایام را به خدا نسبت داده اند بخاطر شرافت امری است که خداوند در آن

۱. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۲. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۳. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۴. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۵. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۶. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۷. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

۸. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۴۳.

روزها نعمتی را به بندگانش ارزانی داده است.^۱

❁ چرا به روز جمعه آخر ماه رمضان، روز قدس می‌گویند؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی علیه السلام در اولین فرصت روزی را برای نجات قدس از جنگال صهیونیست‌ها، به عنوان روز قدس تعیین نمودند و پیامی را به همین مناسبت صادر نمودند، فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.

امام خمینی فرمودند: من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانم، روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است.^۲ از نظر امام خمینی روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله مسلمانان با ابرقدرت‌های دشمن اسلام است.

قدس، قبله نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان، سرزمین اصلی و وطن میلیون‌ها آواره مسلمان فلسطینی است که استکبار جهانی توسط صهیونیسم، از سال ۱۹۴۸ آن سرزمین را دست ساکنانش خارج ساخت و تحت سلطه نیروهای اشغالگر قدس قرار داد.

❁ چرا به عَلم (در مراسم عزاداری)، علم می‌گویند؟

عَلم در اصطلاح عزاداری حسینی نام عَلم و علامت خاصی است که هر هیئت و دسته ویژه خود دارد و بر سر آن، گاه شکل پنجه ای از فلز باشد، که نشان دهنده دست حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌باشد و گاه با پارچه ای سیاه بر آن بپوشانند. و در لغت به معنای پرچم و بیرق که نشان لشکر بوده و آن را به سر نیزه می‌بندند، می‌باشد.

۱. مفردات راغب، ص ۸۹۴.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۶-۲۷۹.

✽ چرا به نخل (وسیله بزرگ و اتاقکی تابوت مانند)، نخل می‌گویند؟

نخل، به معنای درخت خرماست. اما در اصطلاح مراسم سوگواری مُحَرَّم به وسیله بزرگ و اتاقکی تابوت مانند گفته می‌شود که با پوشش سیاه انواع شالهای رنگارنگ و آینه و غیره می‌آرایند و به عنوان سنبُل تابوت سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا در حسینیه‌ها و تکیه‌ها آن را بلند می‌کنند و به محل اجرای تعزیه می‌برند فلسفه آن چنین است که اگر چه در کربلا نبودیم و جسم پاره پاره شهدا بر زمین مانده، امروز سنبُل جنازه آن عزیزان را با تشریفات و آیین بندی تشییع می‌کنیم.

✽ چرا به سفره غذا، مائده می‌گویند؟

«مائده» در لغت هم به خوان و سفره و طَبَق گفته می‌شود و هم به غذایی که در آن قرار می‌دهند. و در اصل از ماده «مید» به معنی حرکت و تکان خوردن است.^۱ شاید اطلاق مائده بر سفره و غذا به خاطر نقل و انتقالی است، که در آن صورت می‌گیرد.^۲

✽ چرا به باغ، جَنَّة می‌گویند؟

جنت از ماده جن به معنای پوشیده شده و مخفی شده است و چون باغ بر اثر کثرت درختان، فضا پوشانده می‌شود و دیده نمی‌شود، به آن جَنَّت می‌گویند.

✽ چرا به سپر، جُنَّة می‌گویند؟

جَنه از ماده جن به معنای مخفی شده است و چون جنگجو خودش را وراء سپر مخفی می‌کند، به آن جَنه می‌گویند.

✽ چرا به معدن، معدن می‌گویند؟

معدن از عدن (بر وزن عدل) به معنی استقرار و ثبات است، و «معدن» را به این جهت معدن گفته اند که فلزات و مواد گرانبه‌ایم در آنجا مستقر است.^۳

✽ چرا به برکه، برکه می‌گویند؟

برکه از بَرک است که تدریجاً در معنی ثبوت و دوام چیزی به کار رفته است، و از این جهت به آن برکه گویند که آب در آن ثابت است.^۴

۱. المنجد، ص ۸۸۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۲۸.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۱۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

✽ چرا به دریا، نوافل می گویند؟

زیرا که نفلش و نوافلش بسیار است چنانکه محققان گفته اند باران که مایه حیات زمین و موجودات زنده در آن است همگی به سبب آب زنده اند و همه انسانها و جانداران دیگر و گیاهان به وسیله آن زنده اند و بوسیله آفتاب بخار می شود و بالا می رود تبدیل به باران می شود و دریا ماهی دارد که غذای انسانها و بسیاری از حیوانات از آنجا تأمین می گردد و موجش به هوا اکسیژن می دهد و کربن هوا را می گیرد. و بارهای سنگین را کشتی ها از طریق آن به نقاط دور دست می رسانند و کارهای بشر را آسان می سازد و جز اینها و همه این موارد از نوافل دریا است.^۱

✽ چرا به سرطان، سرطان می گویند؟

کلمه سرطان در لفظ عرب «یعنی خرچنگ» و این مرض چون ظاهرش شبیه خرچنگ است (و مانند خرچنگ دست و پا دارد) به آن سرطان می گویند. این مرض بصورت یک گلوله کوچک ابتدا بقدر بادام است بعد بزرگ می شود و در اطراف این مرض در بدن انسان رگهای سبز یا قرمز ضخیم شبیه دست و پای خرچنگ ظاهر می گردد.^۲

✽ چرا به سردرد میگرن، میگرن می گویند؟

نام میگرن از ریشه فرانسوی و یونانی و به مفهوم نیمه سر است و از این جهت به این بیماری میگرن می گویند چون این سردرد اغلب محدود به یک طرف سر می شود. طول مدت سر درد میگرن متفاوت است و گاهی بیش از ۱۸ سال طول می کشد.

✽ چرا به روده کوچک پیوسته به معده، اثناعشر می گویند؟

(اثناعشر یعنی دوازده) و چون طول آن روده به اندازه دوازده انگشت صاحب آن است به آن اثناعشر می گویند.^۳

✽ چرا به بیماری سآلک، بیماری سآلک می گویند؟

سآلک یعنی یک سالی و چون بنا به گفته اطبا این بیماری حدود یک سال طول می کشد به آن، بیماری سآلک می گویند.^۴

۱. تفسیر اعراب، ص ۲۳.

۲. طب کبیر، ص ۸۴.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۰۱.

۴. استاد، شیخ حسن ابوترابی یزید، نقل از دکتر نور یالا.

❁ چرا به تبخال، تبخال می‌گویند؟

چون این عارضه بعد از یک بیماری تب دار پدید می‌آید، به آن تب خال (تبخال) می‌گویند.^۱

❁ چرا به سکته، سکته می‌گویند؟

سکته (از سَکَت) به معنی توقف ناگهانی است و چون در این حالت، قلب یا مغز انسان ناگهان از فعالیت توقف می‌کند به آن سکته می‌گویند.^۲

❁ چرا به احتضار، احتضار می‌گویند؟

(احتضار از حضور است) قوی گوید: چون مرگ او حاضر شده است و قوی دیگر گوید: چون ملائکه موکله به شخص محتضر در نزد او حاضر می‌شوند. و قوی دیگر گوید: چون برادران و اهل او نزد وی حاضر می‌شوند.^۳

❁ چرا به تابوت، سریر می‌گویند؟

سریر به تختی گفته می‌شود که در مجلس سرور و انس بر آن قرار می‌گیرند و از این جهت به تابوت سریر می‌گویند که شاید به این امید که مرکب سروری برای او به سوی آمرزش الهی و بهشت جاودانش باشد.^۴

❁ چرا به نکیر و منکر، نکیر و منکر می‌گویند؟

این دو کلمه از «نکر» از ماده انکار است. چیزی را که انسان بی سابقه و زشت می‌داند و او را به فزع و ناراحتی می‌کشاند نکر گفته می‌شود و به همین مناسبت به دو ملکی که شب اول قبر می‌آیند نسبت به کفار، نکیر و منکر گفته می‌شود.^۵
اما آن دو ملکی که شب اول قبر نزد مؤمن حاضر می‌شوند بشیر و مبشر نام دارند؛ که او را بشارت به بهشت می‌دهند.

❁ چرا به عالم برزخ، برزخ می‌گویند؟

علامه طباطبائی^۶ در بدایه الحکمه می‌فرماید: چون عالم برزخ، میان عقل مجرد و جوهر مادی واقع شده است، به آن برزخ می‌گویند.^۶

۱. مشاور پزشکی خانواده، ص ۳۱۱، دکتر جان سی، هاربرت، ترجمه: دکتر اسماعیل عبدالرحیم.

۲. فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۴۴۴.

۳. شرح لمعه، ج ۱، ص ۱۱۸.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۳.

۵. حقایق از قرآن، ص ۵۸.

۶. بدایه الحکمه، ص ۱۷۷.

برزخ به معنی میان دو چیز است و چون این عالم، میان عالم دنیا و عالم آخرت است، به آن برزخ گویند.

✽ چرا به عالم آخرت، آخرت گویند؟

آخرت از آخر است. آخرین عوالم (دنیا، برزخ و آخرت)، عالم آخرت است و بعد از عالم آخرت عالم دیگری نیست از این جهت به آن، عالم آخرت می گویند.

✽ چرا به روز قیامت، قیامت می گویند؟

قیامت یعنی برپا خاستن و چون در آن روز مردم برای حساب از قبرها برپا خاسته قیام می کنند، به آن روز قیامت می گویند.

✽ چرا به عالم قیامت، روز قیامت می گویند؟

اگر گفته شود عالم قیامت روز و شبی که ندارد پس چرا تعبیر از قیامت به روز شده گوئیم چون روز عبارتست از قطعه ای از زمان که بوسیله آفتاب، عالم روشن شده بطوریکه چشم انسان هر چه را در شب نمیدید در کمال وضوح و ظهور می بیند همچنین در قیامت آنچه در دنیا پنهان بود از باطن اشخاص و درستی عقائد و خوبی و بدی اعمال و آثار آنها تماماً در قیامت آشکار می شود.^۱

قرآن نیز از قیامت تعبیر به روز قیامت نموده مانند: یوم تبلی السرائر، یوم التغابن، یوم یفر المرء من اخیه و...

✽ چرا به روز قیامت، روز فصل (جدایی) می گویند؟

زیرا نیکو کاران و بدکاران از هم جدا می شوند.

✽ چرا به روز قیامت، یوم الجمع می گویند؟

زیرا روزی است که همه مردم یک جا جمع می شوند، روزی که جسم با روح، عمل با انسان، ظالم با مظلوم و کیفر و پاداش با عامل آن جمع می شود.^۲

✽ چرا به روز قیامت، «یوم الدین» می گویند؟

دین در لغت به معانی مختلفی آمده است مانند جزا و مکافات، حساب و بررسی، اطاعت و

۱. معاد، ص ۱۷۲، سید عبدالحسین دستغیب.

۲. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۷۵.

انقیاد، طریقه و آیین که در اینجا به دو معنای نخست است.^۱
و چون در روز قیامت افراد به جزا و مکافات عمل خود بطور کامل می‌رسند به آن، روز دین
(روز جزا) گفته می‌شود.

✽ چرا به روز قیامت، یوم الحساب می‌گویند؟

زیرا در قیامت اعمال مردم به طور دقیق مورد محاسبه و رسیدگی قرار می‌گیرد و مقدار
ارزش و خوب و بد کارهای هر انسانی کاملاً تعیین می‌گردد.

✽ چرا به روز قیامت، ساعه می‌گویند؟

چند وجه دارد:

۱. ساعه به معنی یک جزء از اجزاء زمان است و چون قیامت در آخرین ساعتهای دنیا واقع
می‌شود ساعه نامیده شده است. ۲. قیامت را از این جهت ساعت می‌گویند که به سوی آن
سعی می‌شود یعنی همه بالفطره به سوی قیامت سعی کننده‌اند.^۲
راغب در مفردات گوید: از آنجا که وقوع قیامت و حساب انسانها در آن روز به سرعت انجام
می‌گیرد از آن تعبیر به «ساعه» شده است.^۳

✽ چرا به روز قیامت، معاد می‌گویند؟

معاد (اسم زمان از عود) به معنی روز بازگشتن است و چون در روز قیامت دوباره ارواح به
بدنها بازگشت می‌کنند و انسانها زنده می‌شوند، به آن معاد گویند.

✽ چرا به روز قیامت، «یوم التغابن» می‌گویند؟

یوم التغابن یعنی روزی که ضرر و غبن‌ها ظاهر می‌شود.

چون در روز قیامت افرادی می‌بینند که چه مقاماتی را در بهشت از دست داده‌اند و سرمایه
گرانیهای عمر خود را در دنیا از دست داده‌اند ولی در عوض چیزی به دست نیاورده‌اند لذا
احساس ضرر و زیان می‌کنند.

✽ چرا به روز قیامت، «یَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَبَنِيهِ» گویند؟

یعنی روزی که مرد از برادر و مادر و فرزندان خود فرار می‌کند.

چون در مقابل مسئولیتی که داشته کوتاهی کرده است و یا حقّی از آنها را ضایع نموده

۱. ره توشه راهیان نور ویژه دبیرستان (۵)، سال ۱۳۷۴.

۲. حقایق از قرآن، ص ۱۸-۱۷ شهید دستغیب.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۴۲.

است، لذا از ترس شکایت آنها در نزد پروردگار از آنها فرار می‌کند.

❁ چرا به روز قیامت، «یوم الحسرة» گویند؟

چون مردم در آن روز حسرت می‌خورند که چرا دیگران به آن مقامات عالی رسیده‌اند ولی آنها محروم مانده‌اند. راغب در مفردات می‌گوید: این کلمه از ماده «حسر» (بر وزن حبس) به معنی برهنه کردن و کنار زدن است، و از آنجا که در موارد ندامت و اندوه بر گذشته گویی پرده های جهل کنار رفته، این تعبیر به کار می‌رود.^۱

❁ چرا به روز قیامت، روز لقاء می‌گویند؟

چون در آن روز غفلت‌ها و جهل‌ها و موانع دیگر کنار می‌روند و همه مردم عظمت خدا را می‌بینند «وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِين».^۲

❁ چرا به اصحاب یمین، اصحاب یمین می‌گویند؟

اصحاب یمین یعنی اصحاب دست راست و چون در روز قیامت پرونده اعمال خوبان را به دست راست آنها می‌دهند، به آنها اصحاب یمین می‌گویند.

❁ چرا به سال در جهنم، خریف (پاییز) می‌گویند؟

چون در جهنم انسان همچون برگ در فصل پاییز ریخته شده و رنگها همه زرد می‌گردد. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ قَعْرَ جَهَنَّمَ سَبْعِينَ خَرِيفًا» یعنی: برای رسیدن به قعر جهنم هفتاد پاییز (سال) طول می‌کشد.^۳

❁ چرا به بهشت، دارالسلام گویند؟


چون اهل آن به یکدیگر سلام می‌کنند و ملائکه هم به آنان سلام می‌کنند و پروردگار هم به آنان سلام می‌دهد پس نمی‌شنوند مگر سلام و نمی‌بینند مگر سلام.^۴

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۱۰.

۲. تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۳۹.

۳. ترجمه و شرح مغنی اللیب، ج ۱، ص ۲۶۰، صفای بوشهری.

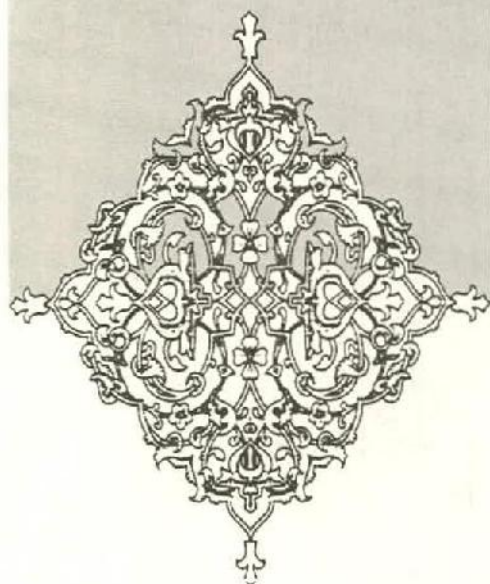
۴. مجمع البیان، ج ۵-۶، ص ۱۵۶.



فصل دوم

دینی





توحید

❁ چرا خدا وجود دارد؟

سُئِلَ عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع) «مَا الدَّلِيلُ عَلَى الْوَاحِد؟ قَالَ: مَا بِالْخَلْقِ مِنَ الْحَاجَةِ».^۱ یعنی: از امام صادق (ع) سؤال شد دلیل بر خدای یگانه چیست؟ حضرت فرمودند: احتیاج خلق. علاوه بر این که کتاب (قرآن) و سنت و عقل و اجماع بر این مطلب کاملاً دلالت دارند چند دلیل را ذکر می‌کنند که عبارت است از: ۱. برهان امکان و وجوب ۲. برهان حرکت ۳. برهان نظم ۴. راه فطرت (این یک امر وجدانی و نفسانی است و از استحکام ویژه‌ای برخوردار است که براهین عقلی فاقد آن‌اند. دلائل عقلی می‌توانند به نحوی مورد ایراد و تردید واقع شوند ولی امور وجدانی و درونی قابل انکار برای خود فرد نیستند).^۲

فلاسفه گویند: موجود یا واجب الوجود است یا نه در صورت اول مطلوب ما ثابت می‌شود و در صورت دوم آن غیر واجب الوجود، احتیاج به واجب الوجود دارد که اگر این را قبول نکنیم یا دور لازم می‌آید یا تسلسل و این در فلسفه صد در صد باطل می‌باشد. متکلمین گویند: عالم حادث است و هر حادثی احتیاج به مُحدث دارد پس اگر آن مُحدث، مُحدث باشد یا دور لازم می‌آید یا تسلسل و این باطل می‌باشد و اگر آن مُحدث، قدیم باشد مطلوب ما که واجب الوجود است ثابت می‌گردد.

علمای طبیعی گویند: حرکت در طبیعت بر وجود محرک که واجب الوجود باشد دلالت می‌کند.^۳ از راههایی می‌توان به وجود خدا پی برد: ۱. مطالعه در طبیعت و نظم موجود در آن به عنوان نشانه وجود خدا. ۲. راه دل یا راه فطرت. ۳. شناخت عقلی. ۴. راه وحی و اعجاز.

۱. تحف العقول، ص ۴۴۱.

۲. معارف اسلامی (۱)، ص ۸۳-۳۵، موسایی افضلی.

۳. کشف المراد، ص ۸-۹.

✽ چرا خدا یکی است؟

چون علاوه بر اینکه تمام انبیای الهی و ائمه معصومین و قرآن و دیگر کتب آسمانی، همه قائل به یکتایی خدا هستند ادله دیگری هم وجود دارد از جمله: اگر بیشتر از یک خدا وجود داشت خبری از او به ما می رسید و یا پیغمبری یا کتابی فرستاده بود. حضرت علی (ع) در این باره می فرمایند: «لو کان لربک شریک لاتتک رسله»^۱ و در فلسفه هم کاملاً یکتایی خدا به اثبات رسیده است به این عبارت که خدا واجب الوجود است و اگر غیر از این خدای واجب الوجود، واجب الوجود دیگری باشد یا با هم فرق می کنند یا اینکه فرق نمی کنند در صورت اول ترکیب لازم می آید و این باطل است چون ترکیبی در واجب الوجود راه ندارد (زیرا ترکیب مستلزم حاجت است) و در صورت دوم که با هم فرق نمی کنند و از هر جهت یک جور هستند دیگر دو تا نمی شوند بلکه یکی می شوند و آن هم خدای یکتا می باشد.^۲

✽ چرا خداوند ماهیت ندارد؟

علامه طباطبائی (ره) در نهایه الحکمه می فرماید: خداوند ماهیتی در پس وجود عینی خاص به خودش ندارد زیرا امکان، لازم ماهیت بوده و هرگز از آن جدا نمی شود، و در نتیجه هر ماهیتی ممکن است.^۳

چون ماهیت ملازم با محدودیت و امکان است و از این لحاظ که خداوند نامحدود و لایتناهی و واجب الوجود می باشد، ماهیتی برای او تصوّر نمی شود.

✽ چرا خدا به آفریننده نیاز ندارد؟

در فلسفه ثابت شده که چیزی به آفریننده نیاز دارد که ممکن الوجود باشد و چون خداوند واجب الوجود بالذات (یعنی وجودش از صمیم ذاتش، واجب است)، می باشد، از این جهت به آفریننده نیاز ندارد.

وجود، ذاتی خداوند می باشد لذا همانطور که تری را از آب نمی شود گرفت چون تری ذاتی آب است وجود را نیز نمی شود از خدا گرفت پس خداوند همیشه بوده و هست و خواهد بود.

✽ چرا خداوند علت ندارد؟

زیرا خداوند اگر علت داشته باشد این علت از دو حال خارج نیست یا همان ذات و ماهیت خداوند است و یا چیزی است که خارج از ذات و ماهیت او می باشد و هر دو فرض باطل است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. کشف المراد، ص ۳۵.

۳. نهایه الحکمه، ص ۵۱.

اما فرض اول باطل است زیرا که اگر علت وجود خداوند، ماهیت او باشد، آن ماهیت باید پیش از وجود خداوند موجود باشد، زیرا علت وجود، تقدم وجودی بر معلول دارد. و از طرفی موجود بدون ماهیت نیاز به وجودی دارد که عارض بر آن شود. و اگر بگوییم وجود دیگری عارض بر ماهیت شده و آن را موجود کرده است می‌گوییم آن وجود امری عرضی و محتاج به علت است و علتش هم طبق فرض، همان ماهیت خداوند است.

در نتیجه ماهیت خداوند بر این وجود دوم نیز تقدم دارد و باید پیش از آن، موجود به وجود سومی باشد و باز نقل کلام به آن وجود سومی می‌کنیم، و لاجرم تسلسل لازم می‌آید. و اما بطلان فرض دوم بخاطر آن است که با وجوب ذاتی خداوند منافات دارد، زیرا اگر علت وجود خداوند چیزی غیر از ذات و ماهیت او باشد، معنایش آن است که خداوند را چیز دیگری به وجود آورده باشد و او معلول غیر خودش باشد.^۱

❖ چرا شناخت و معرفت خداوند واجب و لازم است؟

زیرا قرآن و احادیث متعدده و عقل ما عبادت و پرستش و شکرگزاری از خداوند را واجب و لازم می‌دانند و این امور امکان ندارد مگر اینکه ما اول خدا را بشناسیم و به او معرفت پیدا نماییم. شناخت خداوند موجب می‌شود که انسان به دستورات او عمل نموده، گناه نکند. زیرا گناه، حرمت شکنی است و حرمت شکنی با مقام الهی همسویی ندارد و از طرفی دیگر اگر انسان بداند که خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است به رحمت و فضل او امیدوار بوده، گناه زدایی می‌کند. بنابراین وقتی بنده بداند که خداوند «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقْمَةِ»^۲ یعنی: رحیم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان در موقع بخشش و رحمت و شدیدترین عذاب‌کنندگان در موقع کیفر و انتقام است، نسبت به رحمت او بسیار امیدوار و نسبت به عذاب او بیمناک می‌گردد.

❖ چرا شناخت کنه ذات خداوند برای هیچ کس ممکن نیست؟

چون ذات او از هر نظر بی‌نهایت است و ما از هر نظر محدود و متناهی هستیم و به همین دلیل احاطه ما به ذات خداوند غیر ممکن می‌باشد.^۳ نکته اصلی در مسأله، نامحدود بودن ذات پاک خداوند و محدود بودن عقل و علم و دانش ماست. او وجودی است از هر نظر بی‌نهایت، و ما و تمام آنچه به ما مربوط است همه محدود است.^۴

۱. بداية الحکمة، ص ۴۶.

۲. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح، شیخ عباس قمی.

۳. اعتقاد ما، ص ۲۶.

۴. اسرار حسن عاقبت و سوء عاقبت، ج ۱، ص ۲۵، استاد گرامی آیت الله شیخ میرزا حسن ابوترابی.

✽ چرا با اینکه خداوند عادل است میان مخلوقات فرق گذاشته است و آنها را مختلف خلق نموده است و چرا آنها را یکسان خلق نکرده است؟

خدا می‌فرماید: تا هر کس را به قدر استعدادش تکلیف کنم و بقدر اطاعتش پاداش دهم و دسته ای مشاغل سخت و مشکل را عهده دار شوند و نوع انسان باقی ماند و تا سالم به ناتندرست بنگرد و مرا به سبب عافیتش شکر گزار و ناتندرست بسالم بنگرد و دعا کند و از من بخواهد تا او را عافیت بخشم و بر بلای من صبر کند تا از عطاء جزیل خود به او ثواب دهم و توانگر بفقر بنگرد و سپاس و شکر من بجا آورد و فقیر بتوانگر بنگرد و دعا کند و از من بخواهد، مومن بکافر بنگرد و برای آنکه هدایتش کرده ام سپاسگزاری من کند. از این جهت آنها را آفریدم تا در خوشی و عافیت و گرفتاری و عطا، آنها را آزمایش کنم.^۱

باید گفت این اختلافات و فروق، امری لازم برای این عالم است و این اختلافات تحت قوانین علیت و معلولیت که بر این نظام حاکم است، می‌باشد و فرض تساوی آنها مساوی با ترک خلق آنهاست چون اگر همه زن یا مرد باشند توالت و تناسل حاصل نمی‌شود و اگر همه موجودات و نباتات یک نوع بودند دیگر تنوعی در کار نبود و این فوائد فراوان و مناظر جالب وجود نداشت.^۲

امام باقر علیه السلام درباره علت اختلاف انسان ها (فقیر و غنی، زشت و زیبا، سالم و مریض و گرفتار و خوش) می‌فرمایند: خداوند می‌فرماید: من ایشان را اینگونه آفریدم تا در تمام حالات امتحانشان کنم.^۳

✽ چرا خداوند انسان را آفرید؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خدای توانا انسان را برای اظهار حکمت و انفاذ علم و امضای تدبیر خود آفرید.^۴

هدف پروردگار از خلقت آدمی آن است که به بندگان نفعی برساند و آنان را از چشمه احسان و جود خود ارزانی دهد و زمینه کمال و نیک بختی را برای ایشان فراهم سازد.

من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم

قرآن در پاسخ چنین سؤالی دو جواب دارد ۱. جانشینی خدا «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ» ۲. پرستش پروردگار «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون».

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵.

۲. القواد الکلامیه، ص ۱۸۸.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵-۱۴.

۴. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۱۳.

روایتی گوید: هدف از خلقت، شناخت و معرفت خداوند بوده است و «لیعبدون» در آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» را به معنی «لیعرفون» گرفته‌اند یعنی من جن و انس را خلق نمودم مگر آنکه مرا بشناسند.

و روایت قدسی نیز می‌فرماید: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ»^۱ یعنی گنجی پنهان بودم پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم.

❁ چرا خداوند برای زندگی انسان، مقررات وضع کرده است و بدین وسیله انسان را محدود نموده است؟

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «خداوند در فرشته، عقل را بدون شهوت قرار داد و در حیوانات، شهوت را بدون عقل نهاد و در انسان عقل و شهوت را ترکیب کرد. با این ترکیب، کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود، بهتر از فرشته است و کسی که شهوتش بر عقلش پیروز گردد از حیوانات بدتر است».

❁ چرا خداوند انسان را از لغزش و گناه معصوم نیافرید؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر چنین بود هیچ گاه در کارهای نیکویش مستحق پاداش و ثواب نبود. (زیرا کارهایش اختیاری نبوده است).^۲

❁ چرا خداوند کافر را آفریده است؟

علامه طباطبایی (ره) در المیزان می‌فرماید: خدا کافر نیافریده، او هر که را آفریده غرض اولی و ذاتیش این بوده که به سعادت انسانیت نائل آید، البته غرض و اراده ثانوی و عرضیش هم این است که در شرایط دیگری از آن سعادت محروم شود؛ حال اگر عده‌ای به اختیار خود، خود را در تحت آن شرایط قرار دادند و از سعادت محروم شدند آیا این محرومیت را باید به خدا نسبت داد؟^۳

❁ چرا خداوند کافر را خلق نموده و در آخرت او را عذاب می‌کند با اینکه می‌دانسته اگر او را خلق کند مستحق آتش جهنم می‌شود؟

هدف از خلقت انسان، آن بوده که از ماده ارضی خسیس، به جوهر علوی شریف کریم که با کمالش فوق هر موجودی غیر از خدا برسد و تقرب به خدا پیدا کند اما چون در این عالم اضدادی هم برای آن رسیدن وجود دارد بعضی را مانع می‌شود تا به آن هدف برسند و باید گفت

۱. بحار، ج ۸۴، ص ۱۹۸.

۲. توحید مفضل، ص ۱۵۴.

۳. المیزان، ج ۸، ص ۵۶.

که علم خدا علت تامة برای کفر کافر نمی‌باشد.^۱
 باید گفت که خدا نمی‌خواهد احدی به جهنم برود و کافر هم مجبور نیست که کافر باشد بلکه کافر از سوء اختیار خود کفر را برگزیده است و هدف از بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی آن است که کفار و مشرکین هدایت شوند و ایمان آورند و علم خدا به کافر شدن کفار علت کفر آنها نمی‌باشد بلکه سوء اختیار آنها سبب کفر و بد عاقبتی آنها می‌باشد.
 شیخ طوسی رحمته الله می‌گوید: علم، علت معلوم نیست بلکه تابع آنست. ۲ مثلاً علم ما به طلوع خورشید علت برای طلوع آن نیست.

❁ چرا خداوند با اینکه همه را خوب می‌شناسد ولی آنها را امتحان و آزمایش می‌کند؟

باید دانست که امتحان الهی برای کشف امری برای خداوند نیست، زیرا چیزی بر خداوند پوشیده نیست تا به واسطه امتحان کشف شود. پس حکمت امتحان دو چیز است:
 الف) بر شخص ممتحن معلوم می‌شود که حقیقتاً دارای چه صفاتی است و دعاوی او تا چه حد مقرون به حقیقت است.

ب) بر دیگران نیز موقعیت و مرتبه این شخص معلوم می‌گردد که اگر مورد عنایتی واقع شود یا معذب به عذابی گردد، بدانند که به جا و سزاوار آن بوده است.^۳

باید گفت آزمایش ما انسانها با آزمایش خداوند فرق می‌کند آزمایش ما برای شناخت بیشتر و رفع ابهام و جهل است ولی امتحان خداوند در واقع همان «پرورش و تربیت» است و خداوند برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته (و از قوه به فعل رساندن آنها) و در نتیجه پرورش دادن بندگان آنان را می‌آزماید.^۴

باید توجه داشت که امتحان الهی، انسان را به تکامل می‌رساند و اگر امتحان نبود مردم رغبت به ثواب و اجتناب از خلاف نمی‌کردند و از طرفی حجت را بر مردم تمام می‌کند و راه عذر را بر مردم می‌بندد و از طرفی چون خداوند می‌خواهد بهشت و جهنم بدهد بدون امتحان میسر نیست و اگر همه را به بهشت یا به جهنم ببرد با عدل خدا مناسبت ندارد چون خدای حکیم ثواب و عقاب دادنش از روی حساب و کتاب است.

۱. القواعد الکلامیه، ص ۱۹۸-۱۹۶.

۲. حقایق از قرآن، ص ۲۳۳.

۳. اطیب البیان، ج ۲، ص ۴۰۵؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۶۰۳.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۶.

❖ چرا مردم در ذات و صفات خداوند اختلاف نموده‌اند با اینکه ذات خدا از اعراف اشیا است؟

همانطور که امام صادق (ع) می‌فرمایند: علت اختلاف مردم برای آن است که اوهام و عقول از رسیدن به ساحت و جلالت و عظمت او قاصرند و آن هم به این جهت که از اندازه خود تجاوز کرده‌اند و طلب معرفت او نموده‌اند و می‌خواهند به کنه او احاطه پیدا بکنند با آنکه از ادراک امری چند که در خفا از او پست‌ترند عاجزند لذا حیران شده‌اند و هر یک به نادانی سخنی گفته‌اند.^۱

❖ چرا خداوند با عقل هم ادراک نمی‌شود و نمی‌توان بطور کامل او را توصیف نمود؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: چون خداوند از عقل و اندیشه برتر است.^۲
امام هادی (ع) می‌فرمایند: چگونه توان خدائی را وصف کرد در حالی که حواس از درکش عاجز است، و وهم از دریافتنش ناتوان، خاطرات قلبی نتواند محدودش کند و در دیدگان نگنجد، در عین نزدیکی دور است، و در عین دوری نزدیک، چگونگی‌ها را ساخته، و نتوان گفت او چگونه است، مکان را آفریده و نتوان گفت او کجاست.^۳

❖ چرا انسان مکلف است تا به خداوند معرفت و شناخت پیدا کند و حال اینکه عقل او از شناخت خداوند قاصر است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: بندگان تا حدّ توان و طاقت مکلفند، یعنی باید تا حدّی تلاش کنند که با او یقین پیدا کنند و امر و نهی او را بشنوند و فرمان ببرند. اینان مکلف به شناخت احاطه‌ای نیستند.^۴

در میان شناختها، انسان تنها می‌تواند بداند که او هست و وجود دارد.^۵

❖ چرا عقائد در باره خداوند ناهمگون است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: زیرا اوهام از درک مقدار عظمت و سترگی او عاجز است.^۶

❖ چرا با اینکه معرفت خدا فطری می‌باشد برای اثبات خداوند اقامه دلیل و برهان می‌شود؟

زیرا گاهی گرد و غبار غفلت و بی‌توجهی دل و اندیشه انسان را فرا می‌گیرد لذا برهان چنین گرد و غباری را از اندیشه و فطرت انسان پاک می‌کند و به او یاری می‌دهد تا با فطرت

۱. توحید مفضل، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۲. توحید مفضل، ص ۱۶۳.

۳. تحف العقول، ص ۵۷۱.

۴. توحید مفضل، ص ۱۶۴.

۵. توحید مفضل، ص ۱۶۷.

۶. توحید مفضل، ص ۱۶۴.

پاک و عقل بیدار خویش واقعیات را بنگرد و ایمان خود را به خدای قادر متعال تقویت و تحکیم نماید. بنابر این، گاهی اقامه دلیل و برهان شک را بر طرف و بر یقین و باور انسان می‌افزاید.

❁ چرا با اینکه خدا یکی بیشتر نیست ولی حدود هزار و یک اسم دارد؟

به جهت اینکه هر کدام از اسمای الهی یک صفتی از صفات خدا را معرفی می‌نماید و گویند: هر کدام از اسمای خداوند دارای تأثیر مخصوصی می‌باشد.

❁ چرا با اینکه همه ایتام و روزها متعلق به خداست ولی بعضی از روزها را خداوند اختصاص

به خود داده است و فرموده: «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ»؟

جواب اینکه درست است که همه روزها و ایتام تعلق به خدا دارد و همه موجودات از آن خداست ولی خداوند به خاطر حوادثی که در آن ایتام مخصوص بوجود آمده و امر او را ظاهر ساخته است آن ایتام را مخصوص خود گردانیده است.

مانند روز مرگی که در آن روز سلطنت آخرتی خدا هویدا گردیده و اسباب دنیوی از سببیت و تأثیر می‌افتند و مانند روز قیامت که تمام مالکیت‌ها از بین می‌رود و تنها خدا مالک می‌باشد.^۱

❁ چرا بهتر است گفته شود خدا عالم است نه اینکه خدا اعلم است؟

چون در صورت اول خدا را فقط عالم می‌دانیم و بس ولی در صورت دوم دیگران را هم عالم می‌دانیم ولی در مقام مقایسه خدا را عالم تر از دیگران می‌دانیم.

❁ چرا در ترجمه «الله اکبر» بهتر است گفته شود خدا بزرگ تر است از اینکه توصیف شود

نه اینکه خدا بزرگ تر از هر چیزی است؟

«الله اکبر» را دو جور معنا کرده‌اند: یکی آنکه: خدا بزرگ تر از هر چیزی است و دیگر اینکه: خدا بزرگ تر از آن است که توصیف شود و در وهم ما بگنجد. و معنای دومی بهتر است چون در صورت اول خدا با دیگر اشیاء مقایسه شود و گفته شود خدا بزرگتر از هر چیزی است ولی در صورت دوم گفته شود خدا آنقدر عظمت دارد که با زبان ما توصیف نشود و به وهم قاصر ما در نیاید.

❁ چرا تبعیض از خداوند قبیح است ولی تفاوت گذاشتن قبیح نیست؟

آیت الله مکارم (حفظه الله) می‌فرمایند: در عدالت هرگز مساوات شرط نیست، بلکه استحقاق و اولویت‌ها باید در نظر گرفته شود.^۲

۱. المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۲، ص ۲۳-۲۴.

۲. ۱۰ درس عدل الهی، ص ۹.

عدالت آنست که هر موجودی به میزان حق و استعداد و لیاقت خود سهمی دریافت دارد.^۱ به جهت اینکه تبعیض ترجیح بدون دلیل ولی تفاوت گذاشتن ترجیح با دلیل است و فرقی را که خداوند میان زن و مرد گذاشته است از راه تفاوت است نه تبعیض.

❖ چرا قَدَر الهی تغییر می‌کند ولی قضای الهی تغییر نمی‌کند؟

چون در مرحله قدر بدا هست و ممکن است خداوند از ایجاد آنچه که مورد علم و مشیت و اراده و تقدیر خداوند تعلق گرفته صرفنظر کند و آن را ایجاد ننماید، ولی اگر کاری با امضاء به مرحله قضاء رسید دیگر بدا (تغییر) در آن راه ندارد بنابراین چون قدر خدا، مقدرش را حتمی نکرده و امید آن هست که آنچه را تقدیر کرده واقع نشود اما قضای خدا، مقتضی خود را حتمی کرده است، دیگر گریزی از آن نیست.^۲

❖ چرا درست نیست که استدلال شود و گفته شود: خدا نور است به دلیل آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؟

چون اگر چنین بگوییم قائل به جسمانیت خدا می‌شویم و این صد در صد باطل است پس اینکه آیه گوید خدا نور آسمانها و زمین است معنی دیگری دارد و آن اینکه یا به معنی روشن کننده و یا زینت بخش و یا هدایت کننده است. خدا نور است یعنی خواص نور را دارد که «ظَاهِرُ لِنَفْسِهِ وَ مُظَهَّرٌ لِّغَيْرِهِ» است.^۳

❖ چرا خداوند شداید و بلاها را مخصوصاً بر خوبان و اولیای خود نازل می‌کند؟

زیرا بلا آنها را به درجات عالیه و تقرب به خدا می‌رساند زیرا وصول به حق رهن حصول قابلیت لازم است و این تحقق پیدا نمی‌کند مگر بواسطه کد و تعب (رنج و زحمت) «لیس للانسان الا ما سعی».^۴

بسیاری از کمالات جز در مواجهه با سختی‌ها و شداید، و میدان مبارزه و پنجه نرم کردن با حوادث و روبرو شدن با بلاها و مصائب حاصل نمی‌شود. اثر شداید و سختی‌ها تنها ظاهر شدن و نمایان شدن گوهر واقعی است. شداید و سختی‌ها و ابتلائات اثر تکمیل کردن و تبدیل کردن و عوض کردن دارد، کیمیاست، از موجودی موجود دیگر می‌سازد، از ضعیف قوی و از پست عالی و از خام پخته به وجود می‌آورد، خاصیت تصفیه و تخلیص دارد، کدورتها و زنگارها را می‌

۱. ۱۰ درس عدل الهی، ص ۱۰.

۲. المیزان، ج ۱۳، ص ۱۰۲.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۷۱.

۴. القواعد الکلامیه، ص ۱۹۲.

زداید، خاصیت تهییج و تحریک دارد، هوشیاری و حساسیت به وجود می آورد، ضعف و سستی را از بین می برد. پس این گونه امور را نباید قهر و خشم شمرد، لطف است در شکل قهر، خیر است در صورت شر، نعمت است در مظهر نعمت.^۱

قرآن می فرماید: «و نبلوكم بالشر و الخیر فتنه و الینا ترجعون».^۲

امام صادق(ع) می فرمایند: اگر مؤمن می دانست که چقدر خداوند در مصائب به او اجر می دهد آرزو می کرد که با قیچی ها او را قطعه قطعه کنند.^۳

❁ چرا خداوند به خاطر گناه دیگران بلا را بر همه نازل می کند؟

زیرا حیات انسان اجتماعی و محکوم به قانون علیت است پس تفاعل در آثار حیات و اعمال صادره از نوع انسانی حاصل می شود بنابراین همانطور که اعمال صالحه به نفع جامعه است اعمال خاطئه هم در حیات جامعه است و اگر این نباشد حیات اجتماعی تمام نمی شود و در این صورت خداوند به پاکان از روی عدل و رحمت واسعه خود عوض می دهد.^۴

در روایات آمده چون مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک می نمایند، بلا بر آنها نیز نازل می گردد. و یا چون آنها به آن عمل منکر که دیگران انجام می دادند راضی هستند، بلا بر آنها هم نازل می شود. و اینکه بعضی ها گویند چون بلا آمد تر و خشک با هم می سوزد منظور باید آن باشد که بواسطه مجاورت تر با خشک، تر نیز خشک می شود؛ آنگاه می سوزد.

باید گفت که خداوند سود هر دو گروه (خوب و بد) را در آن بلا نهاده است زیرا صالحان هنگامی که گرفتار می شوند به یاد نیکی ها و نعمت های گذشته خداوند و پروردگار خویش می افتند و پیشانی بر خاک می نهند و او را سپاس می گویند و شکیبایی پیشه خود می سازند. بدکاران نیز وقتی که گرفتار این بلاها می شوند قدری شکسته می شوند و از معصیت و فساد می پرهیزند.^۵

❁ چرا خداوند گاهی به افراد گناه کار نعمت عطا می کند؟

امام صادق(ع) می فرمایند: همانا خداوند هرگاه اراده شری به بنده ای نماید چون گناه کند پشت سر آن گناه نعمت پی در پی به او عطا می نماید تا استغفار را از یادش ببرد و قرآن به این مطلب اشاره

۱. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۰۲.

۲. انبیاء، آیه ۳۵.

۳. القوائد الکلامیه، ص ۱۹۳.

۴. القواعد الکلامیه، ص ۱۹۹.

۵. توحید مفضل، ص ۱۵۶.

دارد «سنستدرجهم من حیث لایعلمون»^۱

❁ چرا خداوند این عالم را طوری خلق نکرده که شری در آن نباشد؟

گوییم لازم آن، این است که شی، خودش نباشد چون عالم طبیعت، عالم ماده و استعداد و تفاعل اسباب و آثار است و لازم آن وجود تراحم و تضاد است که سر به سرور طبیعی و اخلاقی در می آورد.^۲

❁ چرا بعضی چیزها عقلاً بر خدا محال است مثل جمع نقیضین و حال اینکه خدا قادر بر همه چیز است آیا این قدرت مطلقه خدا را تحدید نمی کند؟

گوییم دست جعل و ایجاد فقط شامل ممکن بالذات می شود پس احکام عقلیه و قواعد منطقیه مجعول به طور مطلق نیست.^۳ به طور کلی قدرت خداوند بر چیزهای محال تعلق نمی گیرد و این اشکال در قابل (محال) است نه فاعل (خداوند).

❁ چرا ملائکه حضرت آدم را سجده کردند و حال اینکه سجده بر غیر خدا جایز نیست؟

امام رضا علیه السلام می فرمایند: «کان سجودهم لله تعالی عبودیه و لآدم اکراماً و طاعة لکوننا فی صلبه»^۴ پس بنا به فرمایش امام رضا علیه السلام سجده ملائکه بر آدم جنبه تعظیم و تکریم داشته است بخاطر اینکه خداوند در خلیفه خود متجلی شده است بنابراین کسی که خلیفه الهی را تکریم کند هر آینه خداوند را تکریم نموده است چنانکه بیعت با خلیفه خدا بیعت با خداست. سجده فرشتگان بر آدم، یک سجده تشریفاتی نبود، بلکه به معنای خضوع آنان در برابر آدم و نسل او بود. یعنی فرشتگان نیز در خدمت بشر و مسخر اویند.^۵

❁ چرا گویند که: انسان باید از خدا بترسد و حال این که خدا مهربان و رؤوف است و ترس داشتن از او معنی ندارد؟

مقصود آن نیست که خدا موجودی ترسناک است پس باید از او ترسید بلکه مقصود آن است که باید از مخالفت کردن با او و از عذاب و عقاب او ترسید و با او مخالفت نکرد. شهید مطهری (ره) گویند: مقصود آن است که از قانون عدل الهی باید ترسید.^۶

۱. القوائد الکلامیه، ص ۱۹۴.

۲. القواعد الکلامیه، ص ۲۰۲.

۳. القواعد الکلامیه، ص ۲۰۵.

۴. نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۸.

۵. تفسیر المیزان: تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۳۰.

۶. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۸۴.

❁ چرا خدا دیده نمی‌شود و حال اینکه هر چیزی که موجود باشد باید دیده شود؟

باید گفت که اینطور نیست که هر چه موجود است باید دیده شود چون در این عالم خیلی از چیزها وجود دارد که دیده نمی‌شود مانند عقل و نیروی برق و فرشته و جن و درد و هوایی که ما در هر لحظه آنرا تنفس می‌کنیم.

و علت اصلی اینکه خداوند دیده نمی‌شود به این جهت است که جسم نیست تنها اجسام قابل رؤیت می‌باشند. خدا با دیده دل دیده می‌شود نه با دیده سر.

❁ چرا در قرآن بیشتر اقامه دلیل بر وحدانیت و خالقیت خداوند شده ولی بر اصل وجود خداوند کمتر اقامه دلیل شده است؟

چند علت دارد:

۱. چون اصل وجود خداوند روشن و آشکار است. «وجوده اظهر من الشمس و ابین من الامس» و هر عاقلی می‌داند که خدائی در این عالم است و به قول مرحوم سبزواری «وجوده من اعراف الاشياء» یعنی وجود خدا از معروفترین چیزهاست. لذا برای چیز معروف و روشن دلیل نمی‌آورند.
۲. وجود خدا و خالق و پروردگار در این عالم مسلم است آنچه مورد اختلاف می‌باشد در صفات و اوصاف و چند تا بودن آن خداست.
۳. قرآن آنرا مفروغ عنه گرفته است و وقتی قرآن اقامه دلیل بر اوصاف و یگانگی خدا می‌کند وجود او خود بخود ثابت می‌گردد پس لزومی ندارد که جداگانه بر اصل وجود خدا دلیلی اقامه کند. (چون که صد آمد نود هم پیش ماست).

❁ چرا همه چیز را خدا آفریده است ولی خدا را کسی نیافریده است؟

زیرا همه موجودات غیر از خدا پدیده و معلول هستند و در فلسفه به اثبات رسیده است که هر پدیده و معلولی، پدید آورنده و علت می‌خواهد چون خدا پدیده و معلول نیست بلکه خود پدید آورنده و علت العلل است لذا علت و پدید آورنده لازم ندارد و اگر گفته شود خدا هم پدید آورنده و علت می‌خواهد، سر از دور و یا تسلسل در می‌آورد و این دو باطل است.

❁ چرا گوئیم خدا غنی و بی‌نیاز است؟

زیرا اگر خدا احتیاج به غیر داشته باشد از این جهت که غیر او، ممکن است و هر ممکنی هم احتیاج به او دارد (در این صورت خدا محتاج به خود می‌شود)، دور لازم می‌آید و دور هم صد در صد باطل می‌باشد.^۱

۱. کشف المراد، ص ۴۲.

✽ چرا خداوند قادر نیست دنیا را در یک تخم مرغ جای دهد؟

خداوند بر هر کاری قادر است، اما باید توجه داشت که مراد، کارهای ممکن است، نه محال؛ چرا که محال کاری است که هرگز انجام پذیر نیست. امام معصوم (ع) در پاسخ به این سؤال یک پاسخ اقماعی دادند که با یک عدسی چشم، آسمان بزرگ را می بینیم؛ سپس فرمودند: مورد سؤال شما امری محال است.^۱

✽ چرا با اینکه حکم خداوند یکی است ولی مراجع تقلید با هم اختلاف دارند؟

زیرا هر کدام از آنها از آیات و روایات به یک نحوی استنباط می کنند. گروهی، از بعضی اوامر شارع، وجوب و گروهی استحباب را و گروهی، از بعضی از نهی های شارع حرام و گروهی کراهت را استنباط می کنند. لذا اختلاف به وجود می آید. چنانکه اطباء در مداوای بیمار اختلاف نظر دارند، همین طور مراجع در استنباط احکام با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

✽ چرا ما خدا را عبادت و پرستش می کنیم مگر او احتیاج به عبادت ما دارد؟

اولاً: باید گفت: گر جمله کائنات کافر گردند بر دامن کبریا نشیند گرد ثانیاً: چون خداوند ما را خلق نموده و به ما نعمت عطا کرده است به این جهت عقلاً شکر نعمت واجب است.

ثالثاً: چون تنها خدا شایسته پرستش می باشد.

رابعاً: عبادت و پرستش برای رسیدن به تکامل و انسان واقعی شدن است.

خامساً: انجام عبادت برای ادای واجب است.

سادساً: برای یاد خدا می باشد.

سابعاً: عبادت، هدف از خلقت می باشد. قرآن گوید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون».

یکی از اسرار عبادت که در ادیان الهی به شکلهای گوناگون مقرر گشته است، تقویت و پرورش میل فطری خدا خواهی و در نتیجه شکوفاشدن استعدادهای ملکوتی انسان است تا آدمی تحت تأثیر احتیاجات جسمی و نیازهای مادی از تربیت جنبه الهی و ملکوتی خویش غافل نماند و بتواند در مسیر روحی و معنوی گام بردارد.

✽ چرا خدایی که می توانسته دنیا را در یک لحظه خلق کند و با گفتن «کُنْ فَيَكُونُ» در یک لحظه آن را ایجاد کند، آنرا در طول شش روز (سِتَّةَ أَيَّامٍ) خلق نموده است؟

۱ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۹، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی.

جواب اینکه اولاً: خداوند و پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام همیشه از روی معجزه و خارق عادت کار نمی‌کنند بلکه در موقع مصلحت معجزه می‌کنند. ثانیاً: روایت است که خداوند ابا دارد که کارها را بدون اسباب از روی معجزه انجام دهد و چون خداوند اراده کرده است تا مطابق نظام کارها را انجام دهد بنابراین با اینکه خداوند به تنهایی می‌تواند همه کارها را انجام دهد در عین حال عزرائیل را مأمور قبض ارواح و میکائیل را مأمور نوشتن اعمال بندگان و برآورده کردن حوائج عباد و جبرئیل را مأمور وحی و اسرافیل را مأمور در صور دمیدن قرار داده است.

❁ چرا خدایی که از همه چیز با خبر است ملائکه (کرام الکاتبین) را مأمور یاد داشت و ثبت اعمال بندگان قرار داده است؟

این شبهه را علامه مجلسی در «بحار الانوار ج ۳» از کتاب احتجاج نقل می‌کند که زندیقی از امام صادق علیه السلام چنین سؤالی را کرد که شما می‌گویید هر فردی دو ملک مأمور ثبت اعمال او هستند در حالیکه خدا بر همه چیز دانا است حضرت در جواب فرمودند ۱. خداوند برای هر گروه از ملائکه عبادتی قرار داده که رزق آنها می‌باشد و عبادت یک صنف از آنها که کرام الکاتبین هستند ثبت اعمال بندگان است ۲. خدای تعالی ملک را بر بندگان شاهد قرار داده است وقتی که بنده متوجه شد کسانی هستند که ناظر اعمال اویند مواظبت بیشتری می‌کند و در حضور ملک رعایت می‌نماید چون فردا قیامت اینها کارهایش را شهادت می‌دهند خجالت می‌کشد و گناه نمی‌کند.

و برای نشان دادن اهمیت آنست که دست بدست می‌گردانند آنرا ثبت می‌کنند به پیغمبر و امام و ملائکه نشان می‌دهند. «و قل اعملوا فسير الله عملکم و رسوله و المؤمنون»^۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند دو ملک را موکل بندگان خود نموده تا اینکه شیاطین و حیوانات سرکش زمین و آفت‌های زیادی را از آن طریقی که نمی‌بینند به اجازه خدا از ایشان دفع نمایند تا آن موقعی که امر پروردگار یعنی اجل انسان فرا رسد»^۲.

❁ چرا با اینکه خدا همه جا است قرآن می‌فرماید: «الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» یعنی خدا بر روی عرش استواء دارد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «معنای آیه این است که خدا بر همه چیز مسلط است چیزی به او نزدیکتر از چیز دیگر نیست و خدا نسبت به همه چیز برابر است» چون استوی به حرف

۱. حقایق از قرآن، ص ۲۴۵-۲۴۴.

۲. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۳۲.

«علی» متعدی شود، مانند این آیه شریفه، متضمن معنی غلبه و استیلا و تسلط می‌شود. توضیح: عرش در لغت به معنی سایبان و تخت است و در زبان اخبار گاهی به معنی فلک بزرگ محیط بر همه افلاک و گاهی به معنی آنچه غیر خداست و گاهی به معنی علم خدا به طور کلی یا علمی که به رسل و ائمه می‌دهد، به کار می‌رود.^۱

✽ چرا خلف وعده در حق خدا جایز نیست؟

چون وعده برای کار خیر است و اگر خداوند به چنین وعده اش وفا نکند دروغگو بشمار می‌آید و حق دیگری هم که به او وعده داده ضایع می‌شود. خداوند می‌فرماید: «ان الله لا یخلف المیعاد».

✽ چرا خلف وعید در حق خدا جایز است؟

وعید به معنای وعده در کیفر و عذاب و عقاب می‌باشد. و به چند دلیل در حق خدا خلف وعید جایز است:

۱. حق خدا است از این جهت خداوند می‌تواند عفو کند و آن حق خود را اسقاط کند.
۲. ضرری برای دیگری ندارد.
۳. یک نوع احسان می‌باشد.^۲

✽ چرا خداوند از میان حیوانات به زنبور عسل وحی نموده است؟

سرانتخاب زنبور عسل برای وحی عبارت است از: ۱- ویژگی مسکن. زنبور عسل برای ساختن لانه هیچ صدمه‌ای به طبیعت وارد نمی‌سازد، نه زمین را حفر می‌نماید و نه درختی را سوراخ و نه به شاخ و برگ درختان صدمه‌ای وارد می‌سازد. ۲- ویژگی تغذیه. غذای طبیعی این حشره شیره گلهاست. ۳- ویژگی محصول. غذای مازاد بر نیاز این حشره به صورت مایه‌ای شیرین، پر خاصیت و شفابخش از بدنش خارج می‌گردد و هیچ پرنده یا حیوان دیگری چنین ویژگی‌هایی ندارد.^۳

✽ چرا خداوند از میان پرندگان، کبوتران را در اطراف کعبه قرار داده است؟

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «در زمان قدیم مردی بود که خانه‌ای داشت و در میان آن خانه درخت نخلی بود و کبوتری در شکاف آن آشیانه کرده، پس هر وقت جوجه می‌گذارند آن مرد بالای نخل می‌رفت و جوجه‌های آن را می‌گرفت و می‌کشت.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۳.

۲. کشف المراد، ص ۲۷۷.

۳. فحل العسل فی القرآن و الطب، دکتر محمد علی بنین، ص ۶ و ۷.

مدتی بر این منوال گذشت، پس آن کبوتر از دست آن مرد به خدا شکایت کرد، به آن کبوتر گفته شد این مرتبه که می‌آید جوجه‌های تو را بردارد از درخت می‌افتد و می‌میرد. بار دیگر که کبوتر جوجه گذارده بود یک روز دید آن مرد بالای درخت رفت، کبوتر ایستاد ببیند چه می‌شود، وقتی آن مرد بالای درخت رفت صدای سائل و محتاجی از در خانه بلند شد پایین آمد و به او چیزی داد و برگشت بالای درخت و جوجه‌های کبوتر را برداشت و کشت و به او آسیبی نرسید. کبوتر به خدا نالید و گفت:

خدایا پس وعده ای که به من داده بودی چه شد؟ به او گفته شد که این مرد جان خود را بواسطه آن صدقه ای که داد، خرید و بلا از او دفع شد، اما ما به همین زودی نسل تو را زیاد می‌کنیم و جایی تو را مسکن می‌دهیم که هیچ کس نتواند به شما تا روز قیامت آزاری برساند. خداوند آنها را در خانه کعبه منزل داد و در امن و امان قرار داد و کسی نتوانست آنها را صید و شکار کند.^۱

❁ چرا خداوند می‌فرماید: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ» یعنی خداوند هر کاری بکند کسی حق سؤال و مؤاخذه از او را ندارد؟

زیرا از کسی سؤال و مؤاخذه می‌کنند که خلاف قانون عمل کند و حال اینکه خداوند فوق قانون و فوق نظام این عالم است. و دیگر اینکه از کسی سؤال و مؤاخذه می‌کنند که مالک آن کار نباشد و حال اینکه خداوند مالک جمیع اشیا و امور است بنا براین کسی حق سؤال و مؤاخذه از او را ندارد.^۲

❁ چرا خداوند می‌فرماید: مانند آل داود شکر مرا بجا آورید «اعملوا آل داوود شکراً»؟ زیرا حضرت داود علیه السلام ساعات شب و روز را بین فرزندان خود تقسیم بندی کرد پس ساعتی نبود مگر آنکه یکی از فرزندان در نماز بودند.^۳

❁ چرا خداوند می‌فرماید: انفاق کنید من عوض آن را می‌دهم ولی گاهی عوضش را نمی‌دهد؟ چون در انفاق ما اشکالی بوده است و آلا خداوند خلف وعده نمی‌کند «ان الله لا يخلف

۱. قصص الله، ج ۱، ص ۱۸-۱۷، شهید احمد و قاسم میر خلف زاده.

۲. المیزان.

۳. اخلاق انبیا از آدم تا خاتم، محمد مهدی تاج لنگرودی، ص ۲۷۶.

المیعاد».

❁ چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود و حال اینکه خداوند در قرآن فرموده: «ادعونی استجب لکم» یعنی مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را؟

از رسول خدا ﷺ سؤال شد «ما لنا ندعو الله فلا يستجيب دعائنا وقال الله: ادعونی استجب لکم قال ﷺ ان قلوبکم ماتت بعشرة أشياء: أولها: انکم عرفتُم الله فلم تؤدوا طاعته والثانية انکم قرأتُم القرآن فلم تعملوا به والثالثة: ادعیتُم محبة رسولہ ﷺ وانغضتُم اولاده والرابعة ادعیتُم عداوة الشیطان واقوه والخامسة ادعیتُم محبة الجنة فلم تعملوا لها والسادسة ادعیتُم مخافة النار ورمیتُم ایدانکم فيها والسابعة اشتغلتم بعیوب الناس عن عیوب أنفسکم والثامنة ادعیتُم بغض الدنیا وجمعتُموها والتاسعة اقررتم بالموت فلم تستعدوا له والعاشرة دفنتم موتاکم فلم تغتبروا بهم، فلماذا لا يستجاب دعائکم»^۱ یعنی از رسول خدا ﷺ سؤال کردند برای چیست که می‌خوانیم خدا را پس مستجاب نمی‌کند دعای ما را در حالی که فرموده است «ادعونی استجب لکم» یعنی بخوانید مرا تا مستجاب کنم دعای شما را، فرمود بدرستی که دل‌های شما مرده است بواسطه ده چیز:

اول: همانا شما می‌شناسید خدا را پس اداء نمی‌کنید طاعت او را دوم: شما قرآن را قرائت نمودید ولی به آن عمل نکردید سوم: محبت رسول خدا ﷺ را ادعا نمودید ولی با فرزندان دشمنی نمودید، چهارم: دشمنی شیطان را ادعا نمودید و حال آنکه با او موافقت نمودید، پنجم: محبت بهشت را ادعا نمودید ولی برای آن عمل نکردید، ششم: ترس از آتش را ادعا نمودید ولی بدن خود را در آن افکندید، هفتم: به عیوب مردم مشغول می‌شوید و حال آنکه از عیب‌های خود غافلید، هشتم: دشمنی با دنیا را ادعا می‌کنید و حال آنکه آن را جمع می‌نمایید، نهم: به مرگ اقرار می‌کنید ولی برای آن مهیا نمی‌شوید، دهم: مرده‌های خود را دفن می‌کنید ولی عبرت نمی‌گیرید.

باید دانست که هرگز خداوند خلف وعده نمی‌کند و خودش فرموده است: «ان الله لا یخلف المیعاد»^۲.

علت اینکه دعای ما مستجاب نمی‌شود عبارت است: ۱. وعده خدا مشروط به مشیت است یعنی اگر بخواهم اجابت می‌کنم و آیه‌ای در سوره انعام بر این مطلب دلالت دارد.

۱. اثنی عشریه، ص ۳۳۰ - سرمایه سخن، ص ۳۴-۳۳.

۲. رعد، آیه ۳۱.

۲. مقصود از اجابت که خداوند و حجج او فرموده اند لازمه اش آنست که توجه و استماع دعا است یعنی فوراً شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد. ۳. اجابت، مشروط به مصلحت و خیر بودن برای دعا کننده است زیرا خدای حکیم بدخواه بندگان از آنچه خیر و صلاح آنها است دست بر ندارد. ۴. لازم نیست اجابت دعا فوری باشد و ممکن است دعا مستجاب شده باشد ولی ظهور آثار آن روی پاره‌ای از مصالح به مدت زیادی تأخیر افتد. چنانچه موسی و هارون دعا کردند که پروردگارا اموال ایشان را تباه ساز... خدا خطاب فرمود: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا» یعنی همانا مستجاب شد دعای شما ولی حدیث گوید: میان این خطاب و میان غرق فرعون و نابودی او و پیروانش (که برای آن دعا کرده بودند) چهل سال طول کشید...^۱

گاه، مستجاب نشدن دعا و بر آورده نگردیدن آرزو، بزرگترین لطف و منت الهی بر انسان است. قرآن می‌فرماید: «تَمَنُّوا مَكَانَهُ... مِنْ اللَّهِ عَلَيْنَا» یعنی دعا کردند که مانند قارون ثروتمند گردند ... ولی خدا بر آنها منت گذاشت و دعایشان را مستجاب نکرد.

گاهی عوض دعایی که شده در آخرت داده می‌شود و گاهی هم همانطور که در روایات آمده بعضی از گناهان سبب عدم اجابت دعا می‌گردند. «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدعا».^۲

یعنی خدایا بیا مرز گناهی را که دعا را حبس می‌نماید.

❖ چرا ما از خدا درخواست حاجت می‌نماییم و دعا می‌کنیم در حالی که خداوند بر احوال ما آگاه است و هر چه خیر و صلاح ما در آن باشد انجام می‌دهد؟

اولاً خدا در قرآنش چنین دستوری داده است «ادعونی استجب لکم»، و «قل ما یعزبکم ابی لولا دعائکم» و ثانیاً خداوند دوست دارد که بندگان از او درخواست حاجت نمایند.

ثالثاً خداوند بعضی از چیزها را فقط از راه دعا و درخواست به ما عطا می‌نماید. دانشمند معروف آکویناس می‌گوید: ما دعا نمی‌کنیم تا اراده خداوند را تغییر دهیم بلکه می‌خواهیم به مدد دعای حاجت آنچه را خداوند آماده است از طریق دعا تحقق بخشد، تحصیل کنیم و دعای ما را به منزله وسیله‌ای برای تحقق پاره‌ای از غایات اختیار کرده است و دانشمند دیگر استامپ می‌گوید: خداوند دوست دارد که انسانها به درگاه وی دعا کنند و وی آن دعاها را اجابت نماید.^۳

❖ چرا هنگام دعا دست به سوی آسمان بر می‌داریم؟

زندیقی از امام صادق(ع) سؤال کرد چه فرق می‌کند موقع دعا دستها بالا باشد یا به طرف

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۸ (مترجم و شارح حاج سید هاشم رسولی).

۲. دعای کمیل.

۳. عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۸۳-۴۸۲.

زمین؟ حضرت در جواب فرمودند: این موضوع، در علم و احاطه و قدرت خدا یکسان است (و هیچ تفاوتی نمی‌کند) ولی خداوند متعال دوستان و بندگان را دستور داده که دستهای خود را به سوی آسمان، به طرف عرش بردارند، چرا که معدن رزق آنجا است.^۱

❁ چرا خداوند در قرآن ابولهب (عموی پیامبر) و همسرش را رسوا نمود با این که بنای او پرده‌پوشی است؟

در تفسیر «توین» چند وجه برای آن ذکر نموده است که عبارتند از:

۱. زیرا ابولهب و همسرش دشمن لجوج و معاند سرسخت پیامبر بودند.
۲. درسی آموزنده برای مسلمانان است که فقط به ایمان، تقوی و عمل صالح احترام بگذارند. و شخصیت ظاهری افراد را مهم نشمارند.
۳. روحیه مردم پست و بی شخصیت امثال ابولهب چنین است که هر قدر بیشتر نرمی و محبت ببینند مغرورتر و سرکش‌تر شده، بیشتر خشونت به خرج می‌دهند. بنابراین لازم بود خشونت و شدت عمل ببینند و سخن درشت بشنوند تا عقب نشینی کرده و دست و پایشان را جمع کنند.
۴. قرآن تکلیف همقطاران ابولهب را معلوم کرده است تا آنان به خیال ضعف اسلام و کمی عده مسلمانان و به اتکای حلم پیامبر و رعایت جنبه خویشاوندی آن حضرت هر غلطی خواستند نکنند و بدانند که خدای محمد، جبار منتقم است.^۲

❁ چرا خداوند انسان را بدون اینکه مکلف نماید، کامل نساخت و چرا او را از اول کامل نیافرید؟

این یک مغالطه است چون تکلیف در انسان واسطه میان نقص و کمال وجودی او است و راه طبیعی رسیدن به کمال تکلیف می‌باشد و علت اینکه خداوند از اول انسان را کامل نیافرید، آن است که لازمه این حرف بطلان حرکات وجودی و ماده و قوه و جمیع شؤون امکانی و مجرد بودن انسان مادی است و این خلف فرض است زیرا انسان مادی و مخلوق از زمین و مواد زمینی که در آغاز ناقص بوده است باید به تدریج دنبال کمالات برود.^۳

❁ چرا خداوند اعمال و اشیایی را حرام و اعمال و اشیایی را حلال گردانیده است؟

به جهت اینکه خداوند حکیم است و هر کاری را از روی حکمت انجام می‌دهد لذا هر چه را که مصلحت داشته حلال و واجب و یا مستحب و هر چه را مفسده داشته حرام و یا مکروه گردانیده است مانند تابلوهای راهنمایی و رانندگی که هر کدام به خاطر مصلحتی وضع شده است.

۱. بعار الانوار، ج ۳، ص ۳۳۰، توحید صدوق، ص ۲۴۸؛ یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، ص ۱۲۱، آیت الله مکارم.

۲. تفسیر توین، ص ۳۹۴ - ۳۹۳.

۳. المیزان، ج ۸، ص ۵۸.

❁ چرا در روایت آمده است که درباره خدا فکر نکنید ولی درباره خلق خدا فکر کنید؟

زیرا عقل انسان و بشر محدود و متناهی و وجود خداوند نامحدود و غیر متناهی است لذا عقل انسان درباره خدا راه به جایی نمی‌برد. بهترین راه شناخت خداوند برای اکثر مردم آن است که از راه آثار و خلق خدا پی به وجود خدا ببرند زیرا ما موجودی جسمانی هستیم و معرفت، از راه حواس پنجگانه و عقل، ما را به این نتیجه می‌رساند که برای این موجودات و مخلوقات، موجد و خالق می‌باشد و این آثار یک موثری به نام خدا دارند.

❁ چرا خداوند رحم و غضب دارد و حال اینکه حالاتی مانند رحم و عطوفت و خشم و غضب

در باره خدا معنی ندارد و خدا طوری نیست که حالی به حالی شود؟

باید گفت که رقت قلب و اشفاق و تأثر باطنی (و غضب) مستلزم ماده است پس معنی آن نسبت به خداوند عطیه و افاضه است بر آنچه که استعداد تام را برای قبول دارد.^۱ وقتی گفته می‌شود خدا رحم دارد یعنی آثار رحم داشتن را بار می‌کند و اینکه خشم و غضب دارد یعنی آثار خشم و غضب را بار می‌کند نه اینکه حالت رحم یا خشم و غضب در او حاصل شود.

❁ چرا خداوند شیطان را خلق کرده است؟

اولاً: خداوند شیطان را بر طینتی پاک خلق نموده است ولی بعداً انحراف و انحطاط و بدبختی و شیطنت با اراده خودش به سراغش آمد. ثانیاً: وجود این دشمن برای انسانها کمکی به پیشرفت و تکامل آنها می‌باشد و همیشه نیروهای مقاوم در برابر دشمنان سرسخت جان می‌گیرند و سیر تکاملی را می‌پیمایند و بندگان خدا با مبارزه پیگیر، در برابر شیطان قوی‌تر می‌شوند و قهرمانان بزرگ کشتی آنها می‌باشند که با حریف‌های پر قدرت زور آزمایی کرده‌اند.^۲

❁ چرا خداوند شیطان را در وسوسه کردن و فریب دادن آزاد گذاشته است؟

هدف از آزادی ابلیس (شیطان) در وسوسه‌هایش این است که مؤمنان، از افراد بی ایمان شناخته شوند.^۳

زیرا ۱. شیطان قرن‌ها (شش هزار سال) خداوند را عبادت کرد^۴ و با توجه به مشیت الهی که به عبادت کنندگان پاداش می‌دهد شیطان نیز استحقاق پاداش داشت و او به خاطر عداوت با

۱. القواعد الکلامیه، ص ۱۹۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۴۶-۳۴۵.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۷۴.

۴. روایت است که شیطان دو رکعت نماز خواند که ۶۰۰۰ سال طول کشید. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۱۹، حیدر قنبری.

انسان از یک سو و لجاجت و تکبر از سوی دیگر، اغوای انسانها را به عنوان پاداش خود تعیین کرد.

۲. نقش شیطان، در گمراه ساختن انسان، جز در حد تشویق به گناه و وسوسه‌هایی از این قبیل نیست و هرگز شیطان بر انسان تسلط جبری ندارد و قدرت فکر و تصمیم‌گیری را از او سلب نمی‌کند.

۳. انسان در برابر چنین دشمنی به عقل و ارشادهای پیامبران و امامان مجهز است.

۴. این رویارویی، میدان رقابت بزرگی را میان انسان و شیطان فراهم می‌سازد.

۵. چون آفرینش انسان نه مثل فرشتگان است و نه مثل حیوانات،^۱ بلکه برای امتحان، راه خیر و شر، مقابل او قرار داده شده است.

❁ چرا خداوند حیوانات لاشخور را خلق کرده است؟

چند نظر وجود دارد:

۱. مرحوم ملاصدرا می‌گوید: «خداوند حکیم خواسته هیچ چیز از آن چیزهایی را که خلق کرده است، بی نفع و فایده نباشد لذا از روی حکمت خود جثه حیوانات مرده را غذایی برای زنده ماندن حیوانات دیگر قرار داده است».

۲. حکمت دیگر اینکه حیوانات لاشخور حیوانات مرده را بخورند تا حیوانات مرده بر روی زمین جمع نشوند و هوا را آلوده نسازند. زیرا چنین مردارهایی سبب وبا و هلاکت زندگان می‌شود.

۳. این کار، نسبتی به خدا ندارد بلکه کار فاعل شریر (اهریمن) است.

۴. این کار منسوب به نجوم است.

۵. این کار عقوبتی برای آن حیوان ماکول است زیرا آن حیوان در زمان گذشته مرتکب گناه و معصیت شده است (قائل آن تناسخیه هستند).

۶. ما از آن سر در نمی‌آوریم و علتش را نمی‌دانیم.^۲

❁ چرا خداوند به خاطر یک گناه چند لحظه‌ای یا چند ساعته یا چند ساله عذاب دائمی را

برای بعضی از گناهان قرار داده است؟

اولاً: مراد از معادله بین جرم و عقوبت در جانب کمیت و از حیث زمان نیست بلکه در جانب کیفیت و از حیث بزرگ بودن جرم به لحاظ مفاسد فردی و نوعی است. مانند قتل که در یک لحظه واقع می‌شود ولی قاتل به حبس ابد و یا اعدام محکوم می‌گردد.

۱. ره توشه، ص ۹۴-۹۳، سال ۱۳۷۴.

۲. اسفار، ج ۷، ص ۹۸-۱۰۰.

ثانیاً: عذاب در حقیقت اثری برای صورت شقاوت است که بعد از تحقق علل معدّه حاصل می‌شود و آن مخالفت محدوده است و عذاب اثر علل محدوده (منقطعه) نمی‌باشد تا این که تأثیر متناهی در غیر متناهی لازم بیاید.^۱

ثالثاً: عذاب دائمی برای آن است که اگر کفار و مشرکین بیش از این هم در دنیا باقی می‌ماندند باز کارشان همین بود و نیت آنها چنین بوده است که کافر و مشرک باشند.^۲

❁ چرا خداوند چیزهای شری را مانند مار و عقرب خلق کرده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند چیزی را بدون علت خلق نمی‌کند زیرا خدای حکیم، عملی عبث را انجام نمی‌دهد». به عنوان مثال عقرب برای درد مثانه و بیضه و کسی که در رختخواب خود بول می‌کند نافع، است و از گوشت افعی بهترین تریاق (دواها) ساخته می‌شود و کرم قرمزی که در زیر زمین است، برای مرض آکله (خوره) مفید است.^۳

همین نیش و زهر یک وسیله مؤثر دفاعی برای این حیوانات است، و غافل از اینکه گاهی از همین زهرها داروهای حیات بخش می‌سازند که جان هزاران انسان را نجات می‌دهد.^۴ در فلسفه ثابت شده که اینها خیر کثیر و شرّ قلیل دارند (بالاصاله خیر و بالعرض شرّ دارند). و دیگر اینکه وجود اینها فوایدی دارد که ما به بسیاری از آنها آگاهی نداریم مثلاً از مار روغن می‌گیرند و داروهایی از مار و عقرب می‌سازند و از طرفی وجود مار و عقرب برای محیط زیست خیلی مفید است؛ زیرا سمّها و میکروبهای هوا را می‌گیرند و در بدن خود جای می‌دهند (مانند فیلتر).

❁ چرا امکان ندارد که خداوند مثل و مانند خودش را خلق کند؟

به جهت اینکه خدا واجب الوجود و علّه العلل و اول الاوائل می‌باشد لذا اگر مثل خود را خواسته باشد خلق کند آن مثل، مخلوق و معلول و حادث می‌شود و حال اینکه اگر خواسته باشد مثل خدا باشد باید خالق و علّت و محدّث باشد پس امکان ندارد که مثل و مانندی برای خدا باشد «لیس کمثله شی».

❁ چرا خداوند بلا و شرور و مصائب را نازل می‌کند؟

باید دانست که خدا حکیم و عادل است و هر کاری انجام می‌دهد از روی حکمت و عدالتش

۱. القواعد الکلامیه، ص ۲۰۶.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲۸.

۳. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۲۱.

۴. ۱۰ درس عدل الهی، ص ۲۴.

است. حالا اگر ما نتوانستیم درک کنیم بخاطر محدودیت آگاهی ماست. از طرفی خیلی از مصائب و بلاها عامل اصلیش خود انسان می باشد عامل بسیاری از ناکامیها، سستی و تنبلی و ترک تلاش و کوشش است. بسیاری از بیماری ها ناشی از شکم پرستی و هوای نفس است، بی نظمی ها همیشه عامل بدبختی بوده و اختلاف و پراکندگی همیشه مصیبت زا و بدبختی آفرین است. علاوه بر این ها بسیاری از نقصها و کمبودها، از قبیل ناقص الخلق بودن (کور، کر و لال، فلج شدن) بعضی از نوزادان در اثر سهل انگاری پدر و مادر و مراعات نکردن دستورات شرع و امور بهداشتی است، گرچه کودک بی تقصیر است ولی این اثر طبیعی ظلم و جهل پدر و مادر است نه خداوند. از طرفی دیگر بخش زیادی از مصائبی که دامنگیر انسانها می شود، جنبه مجازات و کیفر گناهان دارد. امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند: از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی به واسطه گناه است. حتی خراش بدن و زمین خوردن و مصیبت دیدن. خداوند عزوجل می فرماید: هر مصیبتی که به شما می رسد نتیجه اعمال خود شماست.^۱

به مسئله شرور چند جواب داده شده است که عبارتند از:

۱. امتحان الهی ۲. عاملی برای تنبّه و رفع غفلت ۳. افزایش درجات قرب و معرفت ۴. مجازات اعمال ۵. تطهیر ذنوب ۶. مصلحت مؤمن ۷. تقویت نفوس و اراده ها ۸. آیت مجازاتهای اخروی.^۲

در فلسفه اسلامی چندین جواب به این پرسش داده شده است ۱. بعضی گویند: خیر، امر وجودی و شرّ، امر عدمی است پس عدم چیزی نیست تا به خدا نسبت داده شود.

۲. ممکن است این شرور به نظر ما شرور باشند ولی در واقع در آنها خیری نهفته باشد.

۳. این شرور را ما به وجود آورده ایم نه خداوند. قرآن گوید: «بیدک الخیر» یعنی خیر از خدا صادر می شود نه شرّ.

در فلسفه اسلامی ثابت شده است که صدور شر از خدا محال است چون شر از کسی صادر می شود که یا جاهل باشد یا محتاج یا ضعیف و حال اینکه اینها در حق خدا محال و ممتنع می باشد.

۴. بر فرض اینکه شرّی از خدا صادر شود از روی امتحان بندگان و آزمایش آنهاست ولی بالاصاله مراد نمی باشد.

۵. بر فرض که شرور، امور وجودی باشند، نسبی می باشند یعنی در واقع آتش و سیل خیر

۱. نساء، آیه ۷۹، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۵۰.

۲. معارف اسلامی (۱)، ص ۱۵۰-۱۸۸.

است اگر چه نسبت به بعضی‌ها شرّ به حساب آید.
۶. خداوند ملزوم را خلق کرده است مثل آتش ولی لازم آن را که سوزندگی باشد خلق نکرده است اصولاً، لازم قابل جعل و خلق نمی‌باشد.

✽ چرا خداوند سختی‌ها و مشکلات گوناگونی را برای بشر بوجود می‌آورد؟

باید دانست که دنیا جای آزمایش و خودسازی و رسیدن به کمال است و این هدف جز با دست و پنجه نرم کردن با سختی‌ها و مصائب تأمین نمی‌گردد، سختی‌ها و مشکلات در زندگی شبیه ضربه‌هایی هستند که انسان را تحریک می‌کنند و او را نیرومند می‌سازند و شرط استفاده کردن از لذتها آشنا شدن با رنجهاست، سختی‌ها و شدائد علاوه بر اینکه سبب تقویت اراده و شکوفائی استعدادهای انسان می‌شوند در تزکیه روحی انسان نیز نقش مؤثری را بر عهده دارند.

✽ چرا با اینکه مکر و حيله و استهزا، قبیح است ولی قرآن آنها را به خدا نسبت داده است و گوید: خداوند بهترین مکر کنندگان است و منافقان را استهزا می‌کند مانند آیه «وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» و آیه، «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ»؟

باید گفت هر آنچه را که با دلیل عقلی و آیات محکمه قرآن مخالف باشد باید حمل بر معنایی شود که با نزاهت و قداست خداوند منافات نداشته باشد مانند یدالله (دست خدا) و بدا (ظهور امری برای خدا) و مکر و استهزا به این طریق که مقصود از یدالله قدرت خدا و مقصود از بدا، اظهار بعد از خفاء و مقصود از مکر خدا عقاب به نحوی که عقاب کننده شناخته نشود چنانکه صاحب «جوامع الجامع» گوید، و مجازات کردن آنها به واسطه مکرشان چنانکه صاحب «مجمع البیان» گوید، می‌باشد و مقصود از استهزا، فرو فرستان ذلت و خواری بر آنها است.

«مکر» در لغت عرب با آنچه در فارسی امروز از آن می‌فهمیم تفاوت بسیار دارد: در فارسی امروز «مکر» به نقشه‌های شیطانی و زیان بخش گفته می‌شود، در حالیکه در ریشه‌های لغت عرب «مکر» هر نوع چاره اندیشی را می‌گویند که گاهی خوب و گاهی زیان آور است.

در کتاب مقررات «راغب» می‌خوانیم: «المکر صرف الغیر عما یقصد»؛ مکر این است که کسی را از منظورش باز دارند (اعم از اینکه منظورش خوب باشد یا بد).^۱

باید گفت معنی مکر آن است که شخص را غافل گیر کنند و به او آسیبی برسانند و این مکر در حق خدا موقعی صحیح است که به عنوان مجازات و کیفر باشد یعنی شخص گناه کند و خداوند او را عذاب نماید به نحوی که گنهکار نفهمد ولی مکر ابتدایی و بدون اینکه از کسی

۱. یکصد و هشتاد و هشت و پاسخ، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۷۹.

گناهی سر زند، از خدا صادر نمی‌شود.^۱

✽ چرا یکی از صفات خداوند تکبر است و حال اینکه تکبر امری مذموم و قبیح می‌باشد؟
باید گفت درباره خدا تکبر اصطلاحی معنا ندارد بلکه تکبر در خدا به این معنی است که برای خداوند کبرiایی می‌باشد و خداوند سزاوار کبرiاء و عظمت است ولی این کبرiاء و تکبر در حق انسانی که سر تا پا عیب و نقص است، بی مورد می‌باشد.

✽ چرا در فلسفه اسلامی ثابت شده که این نظام آفرینش، نیکوترین نظامها می‌باشد؟
زیرا خدا هم قدرت مطلقه دارد و هم علم و هم جود و اگر بهتر از این عالم را می‌شد، خلق کند حتماً خلق می‌نمود بنابراین، ایجاد بهتر از این عالم امکان نداشته است.^۲

✽ چرا خدا نه در دنیا و نه در عالم آخرت دیده نمی‌شود و هیچ پیغمبر یا امامی خدا را ندیده است؟

چون رؤیت خداوند به طور کلی محال است و چیز محال برای احدی ممکن نیست.
اما ادله عقلی بر دیده نشدن خداوند به قرار زیر است:

۱. چون خدا واجب الوجود و بسیط است و هر چیز واجب الوجود و بسیط هرگز دیده نمی‌شود بلکه چیزی دیده می‌شود که جسم یا جسمانی باشد.
۲. در موقع دیدن، شیء باید مقابل ما باشد و در جهتی قرار بگیرد و حال اینکه خدا در جهت مخصوصی قرار ندارد.

۳. رؤیت، منطبع شدن صورت مرئی در حاسته است و این چیز نسبت به خدا محال است چون خدا صورتی ندارد تا در چیزی منطبع گردد.

۴. اگر دیدن خدا امکان داشته باشد یا همه‌اش باید دیده شود که در اینصورت لازم می‌آید که خدای نامحدود و غیر متناهی محدود و متناهی شود و اگر بعضی از آن دیده شود لازم می‌آید که خدا جزء و بعض داشته باشد و این هم محال است.

اما ادله نقلی بر دیده نشدن خدا ۱. «لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار».

۲. آیه «لَنْ تَرَانِي» که چون لن برای نفی ابد است می‌رساند که هرگز خدا دیده نمی‌شود.
و اگر قرآن گوید: اگر کوه مستقر شد مرا می‌بینی پس امکان دیده شدن خدا است. گوئیم قرآن دیده شدن را بر امر محال (مستقر شدن کوه در حال حرکت) معلق کرده پس چون محال هرگز واقع نمی‌شود آن امر معلق بر آن که دیدن خدا باشد هم هرگز واقع نمی‌شود.

۱. المیزان، ج ۸، ص ۲۵۵.

۲. اسفار، ج ۷.

❖ چرا گوییم هیچ چیزی و یا هیچ کسی با خدا اتحاد ندارد (چنانکه مسیحیان گویند)؟

زیرا وقتی ما واجب الوجود بودن خدا را ثابت کردیم خود بخود اتحاد باطل می‌شود چون وجوب وجود مستلزم وحدت است پس اگر خدا با غیر خود متحد شود چون غیر او ممکن است پس خدایی هم که با آن ممکن، متحد شده ممکن می‌شود و این باطل است چون آن واجب الوجود ممکن می‌شود. و دلیل دیگر بر نفی اتحاد اینکه اگر واجب الوجود با غیر خود متحد شود یا بعد از اتحاد هم دو تا هستند که در این صورت اتحادی وجود ندارد و یا بعد از اتحاد هر دو یا یکی از آن دو معدوم شده‌اند که در این صورت باز اتحادی نیست و در این صورت لازم می‌آید که واجب الوجود معدوم گردد و ممکن شود و این مطلب خلاف فرض می‌باشد؛ چون گفتیم که خدا واجب الوجود است.^۱

❖ چرا خداوند افرادی را ناقص الخلقه خلق نموده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «این برای تأدیب و موعظه است برای آن کسی که مبتلا می‌شود و غیر آن، و اگر اینهایی که مبتلا شده‌اند صبر کنند و بسوی خدا انابه نمایند بعد از مرگ آنقدر کرامت فرماید که این بلاها را در جنب آن ثوابها بسیار سهل و حقیر می‌شمارند. حتی اگر ایشان را بعد از مرگ مردّد گردانند میان آنکه به دنیا برگردند صحیح باشند یا مبتلا، هر آینه اختیار بلا را خواهند کرد برای آنکه مثوبات ایشان مضاعف گردد».^۲

از طرفی دیگر افراد ناقص الخلقه از مصادیق سهل انگاری‌های خود ما است، این والدین هستند که باید مراعات یک سری مسائل بهداشتی و روانی را بکنند اما سهل انگاری می‌کنند و نوزاد ناقص متولد می‌شود. (در روایات پیشوایان معصوم آمده است که آمیزش در حال مستی یا در حال حیض یا مسمومیت غذایی یا دلهره، آثار سوئی روی نوزاد می‌گذارد).^۳

باید گفت که خداوند انسان را بر احسن وجه خلق نموده است و این انسانها هستند که بر اثر سوء تغذیه یا رعایت نکردن بعضی از دستورات در حال آمیزش سبب معیوب و ناقص شدن فرزندان خود می‌شوند.

باید دانست که چون این افراد ناقص الخلقه تحمّل مشقّاتی در دنیا می‌کنند نزد خدا اجر و مزد دارند و کسانی که سبب مریضی و گرفتاری آنها شده‌اند، باید فردای قیامت جوابگو باشند.

۱. کشف المراد، علامه حلی، ص ۳۹.

۲. توحید مفضل، ص ۷۲.

۳. اصول عقاید، ص ۹۶، آقای محسن قرائتی.

ولی خالق (خداوند) چنین علمی نداشته باشد.

۳. کسی که بداند نسبت نفس به بدن مساوی است، می‌داند که نسبت تمام اشیا به قدرت و علم خداوند یکسان است.

۴. کسی که بداند نفس با حواس ظاهری قابل درک نیست، می‌داند که خداوند نیز این چنین است.

۵. کسی که خود را بشناسد که چقدر صفات نقص در او وجود دارد، پروردگار خود را به صفات کمال می‌شناسد.

۶. قولی گوید: این حدیث تعلیق بر چیز محال است (یعنی همان گونه که برای انسان امکان ندارد که حقیقت نفس را بشناسد، نمی‌تواند به حقیقت پروردگار خود معرفت پیدا نماید).^۱

بعضی گویند معنای روایت آن است که کسی که خود را شناخت خدا را می‌شناسد و علت این که بعضی‌ها خود را شناخته‌اند ولی خدا را نشناخته‌اند به این جهت است که مانعی در کار است و آن هوای نفس و وسوسه شیطان است و یا این که آنها از بُعد دیگر به انسان و اعضا و جوارح او نگاه می‌کنند و در صدد شناخت خالق آن اعضا و جوارح نیستند. و شاید مقصود از این روایت آن باشد که کسی که بداند از کجا آمده است و در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود، پروردگار خود را می‌شناسد.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَلِمَ مِنْ آيِنَ وَ فِي آيِنَ وَ إِلَى آيِنَ».^۲

❁ چرا با اینکه خدا می‌دانسته که مثل فرعون و یزید وقتی به دنیا بیایند چنین و چنان می‌کنند، آنها را خلق نموده است؟

اولاً: علم خدا علت برای بد شدن آنها نمی‌باشد ثانیاً: خداوند در وجود همه انسانها اختیار را قرار داده و هر انسانی می‌تواند به راه خوب یا بد برود و خداوند احدی را در کار خوب یا بد مجبور نمی‌کند. قرآن در این باره می‌فرماید: «أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ أَمَّا شَاكِرًا وَ أَمَّا كَفُورًا». یعنی ما انسان را هدایت نمودیم یا سپاسگزار است و یا کفران کننده نعمت.

❁ چرا خداوند خود را از خلق پنهان کرده است و کسی قادر نیست او را ببیند؟

مستتر و پنهان شدن ذات مقدس خدا نه به آن معنی است که با اراده، خود را مستور گردانیده است چنانچه پادشاه یا دیگران چنین کنند بلکه معنایش آن است که ذات مقدس او از آن لطیف تر و رفیع تر است که عقل بشر او را ادراک کند چنانچه نفس ناطقه که یکی از

۱. الالهيات في مدرسة اهل البيت (عليهم السلام)، ص ۳۶-۳۷.

۲. بحار الانوار، باب ۹۳؛ آداب الصلوة امام خمینی، ص ۹۳.

❁ چرا خداوند اطفال بی گناه را مبتلا به مرض و درد می کند؟

اولاً: مرض و درد حکمت‌هایی دارد و در واقع همین دردها و مرض‌ها جلوی خیلی از خطرهای و ضررها را می‌گیرد.

ثانیاً: مرض و بیماری کفاره گناهان پدر و مادر آنها می‌باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لِلَّهِ فِي السَّرَاءِ نِعْمَةٌ التَّفَضُّلُ وَ فِي الضَّرَاءِ نِعْمَةٌ التَّطَهُّرُ» یعنی خدای را در حال گشایش، نعمت احسان و تفضل، و در سختی، نعمت پاکی (از گناه) است.^۱

❁ چرا خداوند دانشمندان کافر را با آن خدمات اجتماعی به جهنم ولی مسلمان عامی را

به بهشت می‌برد؟

این پرسش چندین جواب دارد: ۱. منظور از ایجاد و خلقت این عالم فقط پرستش و عبادت خداوند است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» پس اگر انسانی در طریق اولیّه حق، قدم بر نداشت خداوند به او عنایتی نخواهد داشت.

۲. انسان برای هر کسی کار می‌کند باید از همان شخص هم مزدش را طلب کند و چون دانشمندان کافر برای شهرت و اجر دنیایی چنین اختراعاتی کرده‌اند در نزد خدا مزدی ندارند.

۳. زیرا خداوند بهشت را بر کافران حرام نموده چنانچه در دنیا کار خیری انجام دهند یا به خلق خدمتی کنند مزد آنها را در همین دنیا عطا می‌نماید.

۴. چنین نیست که اختراعات دانشمندان همه در راه خوب و صحیح مصرف گردد بلکه خیلی از اوقات این وسائل در راه ضرر به خلق و نابودی جامعه استعمال می‌شود.

❁ چرا روایت گوید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» و حال اینکه افرادی علم به اعضا و

جوارح انسان دارند ولی معرفت به خدا ندارند؟

در تفسیر آن وجوهی را ذکر کرده‌اند:

۱. کسی که بداند نفسش یکی است و اگر متعدّد بود امکان تعارض و فساد در بدن به وجود می‌آید، می‌شناسد که پروردگار او نیز اگر متعدّد بود این لوازم هم در او به وجود می‌آمد «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا».

۲. کسی که بداند بر نفس، احوال جسد مخفی نمی‌ماند، می‌داند که هیچ چیزی در آسمان و زمین از خدا مخفی نمی‌ماند چون محال است که مخلوق (انسان) چنین علمی داشته باشد

۱. تحف العقول، ص ۴۱۹.

مخلوقات او است ادراک آن به فکر و نظر میسر نیست.^۱

✽ چرا خداوند بعضی از انسانها را فقیر و محتاج کرده است آیا بهتر نبود که آنها را از دیگران بی نیاز نماید؟

جواب این که، این یک آزمون برای سرمایه دارهاست و گرنه برای خدا همه چیز ممکن است او می خواهد به این وسیله مردم را تربیت کند و روح سخاوت و فداکاری و از خودگذشتگی را در آنها تقویت و پرورش نماید به علاوه اگر بعضی از مردم کاملاً بی نیاز شوند راه طغیان و سرکشی پیش می گیرند و صلاح آنها این است که در حد معینی از روزی باشند.^۲
بعضی از انسان ها به گونه ای هستند که چون به مال و ثروت می رسند طغیان و سرکش می شوند. چنانکه قرآن می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ أَكْفَرُ»^۳ «انسان را به پروردگار خود فراموش تر است».

✽ چرا خداوند با اینکه می توانست جهان را در یک لحظه خلق کند ولی در شش روز آفرید «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»^۴؟

به علت اینکه اگر آفرینش در یک لحظه می بود کمتر می توانست از عظمت و قدرت و علم آفریدگار حکایت کند اما هنگامی که در مراحل مختلف و چهره های گوناگون، طبق برنامه های منظم و حساب شده انجام گیرد دلیل روشنتری برای شناسایی آفریدگار خواهد بود فی المثل اگر نطفه آدمی در یک لحظه تبدیل به نوزاد کامل می شد عظمت خدا روشن نمی شد اما هنگامی که در طی ۹ ماه هر روز در مرحله ای، و هر ماه به شکلی، ظهور و بروز کند می تواند به تعداد مراحل که پیموده است نشانه های تازه ای از عظمت آفریدگار را نشان دهد.^۵

✽ چرا حضرت موسی (ع) تقاضای رؤیت کرد و حال اینکه می دانست که خدا قابل رؤیت نیست؟

جواب اینکه حضرت موسی این تقاضا را از زبان قوم خود کرد زیرا جمعی از جاهلان بنی اسرائیل اصرار داشتند که باید خدا را ببینند تا ایمان آورند و او از طرف خدا مأموریت پیدا کرد که این تقاضا را مطرح کند تا همگان پاسخ کافی بشنوند بنابر این موسی و حتی هفتاد نفری که با او به میعادگاه رفته بودند چنین اعتقادی به رؤیت نداشتند چون آیه قرآن از زبان حضرت موسی (ع) گوید: «أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا»^۶ یعنی: آیا ما را بواسطه آنچه سفیهان از ما انجام

۱. توحید مفضل، ص ۲۴۹، ملا محمد باقر مجلسی.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۲.

۳. اعراف، آیه ۵۴؛ حدید، آیه ۴.

۴. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۰۳.

۵. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۵۶.

می‌دهند، هلاک می‌نمایی.

❁ چرا نباید از تشکیکات و ایجاد شبهه‌ها که در مسائل اسلامی می‌شود واهمه داشت؟

زیرا به قول شهید مطهری آئین مقدس آسمانی در هر جبهه از جبهه‌ها که بیشتر مورد حمله و تعرض واقع شده با نیرومندی و سرافرازی و جلوه و رونق بیشتری آشکار شده است و خاصیت حقیقت همین است که شک و تشکیک به روشن شدن آن کمک می‌کند و شک مقدمهٔ یقین است.^۱

مردی ناراحت پیش پیامبر(ص) آمد و گفت شیطان به من گفت(به دلم انداخت) ترا که آفریده؟ گفتم خدا. گفت خدا را که آفریده؟ لذا نتوانستم جواب بدهم. پیامبر فرمودند اینک ترسیدی این عین ایمان است. یعنی این شک تو یک شک مقدسی است. وقتی این وسوسه در دل تو ایجاد می‌شود و می‌خواهی از این شک فرار بکنی و به پناه یقین بروی، این عین ایمان است.^۲

۱. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۵۵.

۲. داستانهای استاد، ص ۱۰۵.

مذاهب

✽ چرا مذاهب گوناگون بوجود آمده‌اند؟

برای پیدایش فرق و مذاهب اسلامی - از حیث اصول و فروع - علل و اسباب و معدّات و ممهّداتی است که عبارتند از: ۱- خلأ حجیت و رهبر اعتقادی مورد قبول همهء مسلمین ۲- ضعف فکری و فرهنگی ۳- تعصبات قبیله ای ۴- منافع مادی و دنیوی ۵- زمینه های سیاسی ۶- گسترش حوزه جغرافیایی اسلام ۷- منع حدیث.

چندین علت را می‌توان برای پیدایش فرق و مذاهب بیان نمود:

۱. وجود موضوعات مختلف مورد ابتلای مردم جامعه در هر منطقه ۲. تفاوت زبان اقوام مختلف و گوناگونی آن و هوای محل زندگی آنان ۳. تفاوت نسلهای انسانی در مواجهه با یک شریعت و پذیرش آن ۴. تنوع برداشتها و تفسیرهای دانشمندان و محققان از بیانات دینی ۵. بدعتها، تحریفها و تأویلهایی که ریاست طلبان برای کسب قدرت، در دین پدید می‌آورند. اخوان الصفا، علل اصلی پیدایش فرق و مذاهب را دو قسم چهارم و پنجم می‌دانند.^۱
- وجود فرق و مذاهب یا بخاطر کج فهمی انسانها از آیات و روایات متشابه می‌باشد و یا به جهت اغراض دشمنان که خواسته‌اند با ایجاد فرق و تفرقه در بین آنها، بر آنها سیطره پیدا کنند.

۱. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۱۰۲.

❁ چرا شرک و بت پرستی بوجود آمد؟

«اخوان الصفا» منشأ شرک و بت پرستی را جهل امت‌ها می‌دانند و معتقدند که عدم آگاهی، آنها را به این مذاهب کشانده است.^۱

«بیرونی» اشتیاق عوام به محسوسات و گریزانی آن‌ها از امور معقول را سبب روی آوردی بسیاری از ملت‌ها همچون یهودیان، مسیحیان و بخصوص مانویان به تصویر سازی و مجسمه سازی در امور اعتقادی، دانسته است.

«بیرونی» در بیان منشأ بت پرستی می‌گوید: در ابتدا ساختن بت‌ها به انگیزه بزرگداشت و یاد آوردی شخصیت‌های بزرگ مانند پیامبران، دانشمندان و فرشتگان بوده است، تا در نبود آنان و پس از مرگ ایشان یاد آور آنها باشند، ولی پس از نسل‌ها، بر اثر گذشت زمان، انگیزه‌ها فراموش گشته و بت پرستی سنتی مرسوم و متداول شده است.^۲

❁ چرا افرادی به بت پرستی و پرستش اصنام روی آوردند؟

علت آن یکی از دو گزینه زیر بوده است:

۱. گزینه جلب منفعت (معتقد شده بودند که هر صنفی از حوائج بستگی به سببی دارد که آن سبب، آن حاجت را برای آنان فراهم می‌کند لذا در برابر سبب مربوط به آن حاجت، خضوع می‌نمودند و آن را پرستش می‌کردند).

۲. گزینه دفع ضرر (خیال می‌کردند که اسباب قاهره‌ای در کار است که گرفتاری‌های خرد کننده را برای انسان فراهم می‌کند از این جهت از ترس اینکه مبادا دچار خشم آنها شوند سر تسلیم در برابرشان فرود آورده و آنها را معبود خود دانستند. تا شاید بدین وسیله خشنودشان ساخته، از آزارشان ایمن گردند).^۳

❁ چرا مردم خرافه پرست می‌شوند؟

علل آن عبارت است از: الف) تقلید کور کورانه ب) حس حقیقت جوئی ج) خل مذهبی د) پاسخ به نیازهای بیولوژیک ه) جهل و نادانی و) اعمال سلیقه‌های گوناگون در مسائل دینی ز) احترام به سنت‌ها ح) همزمانی و تصادف دو پدیده ط) تلقین.^۴

علل دیگری برای آن ذکر کرده‌اند:

۱. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۱۰۳.

۲. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۱۳۴-۱۳۳.

۳. میزان، ج ۷، ص ۴۱.

۴. خرافه‌ها و واقعیت‌ها، ص ۱۵-۲۰.

۱. زیرا انسان هیچ گاه از تقلید در آرای نظری و حقائق اعتقادی خالی نیست.
۲. زیرا انسان هیچ گاه از احساسات و عواطف نفسانی هم خالی نیست.
۳. به این جهت که به قول خرافه پرستان متمدن دنیا و دانشمندان طبیعی، اساس علم امروز بر حس و تجربه است و غیر آن هر چه باشد، مردود می‌باشد.^۱

❁ چرا مشرکان عرب، فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند؟

چندین احتمال وجود دارد:

۱. ممکن است این پندار بقایای خرافاتی باشد که از اقوام گذشته به عرب جاهلی رسیده بود.
۲. به این خاطر که فرشتگان مانند دختران مستور و پوشیده هستند.
۳. چون فرشتگان مانند دختران دارای لطافت هستند.^۲

❁ چرا ملائکه با خلقت آدم مخالفت داشتند؟

چون ملائکه، سفاکی و گناه و عصیان و نافرمانی جنیان و نسناس را دیده بودند و لذا وقتی خداوند فرمود: می‌خواهم در روی زمین خلیفه‌ای خلق کنم، ملائکه به یاد موجودات قبلی و گناه و معصیت آنان افتادند و با این فرمایش خداوند مخالفت کرده و گفتند: «تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يَفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ».^۳

❁ چرا گروهی به نام مَجْسَمَه قائل به این هستند که خدا جسم بوده است و دارای دست و پا و چشم می‌باشد؟

زیرا نتوانسته‌اند خدا را خوب درک کنند به این جهت با اوهام و خیال خود برای خدا مانند انسان دست و پا و چشم قرار داده‌اند.

و یا به جهت آیات و اخباری است که این افراد را به اشتباه انداخته است مانند این آیات: «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» یعنی دست خدا بالای دست‌هاست و «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» یعنی آیا انسان نمی‌داند که قطعاً خدا می‌بیند؛ پس چشم دارد که می‌بیند و «جَاءَ رَبُّكَ» یعنی پروردگارت آمد؛ پس پا دارد که می‌تواند بیاید.

ولی ما در جواب گوییم هرگز خدا جسم نیست و آیات و روایاتی هم که در این زمینه است کاملاً قابل توجیه و جواب می‌باشد. به عنوان مثال یدالله فوق ایدیهم به معنای قدرت خداوند

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۳۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷۰.

۳. بقره، آیه ۳۰.

۴. داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۱۹-۲۰.

ما فوق قدرت ها است، می باشد.

❁ چرا هندوها گاو را پرستش می کنند؟

از این جهت است که رئیس آنها (بودا) در جایی که مشغول عبادت بود گاو ماده‌ای کنار او بود و از شیر آن گاو استفاده می کرد و به عبادت می پرداخت.
(باید دانست که هندوها فقط به گاو ماده احترام زیادی قائل هستند نه اینکه آن را بپرستند).

❁ چرا هندوها جنازه مرده را آتش می زنند؟

زیرا معتقدند که انسان گنهگار یک بار عذاب می کشد پس وقتی در دنیا به آتش سوخت دیگر در عالم آخرت سوزانده و عذاب نمی شود.

❁ چرا مجوسی ها غسل جنابت نمی کنند؟

سید مرتضی رازی در کتاب تبصرة العوام خود راجع به غسل نکردن مجوس می نگارد که:
آنها می گویند پس از جنب شدن غیر از آلات تناسلی را نباید شست، دلیل آنان این است که می گویند کسی که یک بار زردک (هویج) داشته باشد و یکی از آنها نجس شده باشد لزومی ندارد که همه آنها را بشوید، فقط باید همانکه نجس شده شسته شود.^۱

❁ چرا یهود نسخ در شریعت را جایز نمی داند؟

گویند: چون محال در حق خدا لازم می آید به این جهت که:
۱. عبث و سقه در حق خدا لازم می آید هنگامی که برای حکم منسوخ یا ناسخ مصلحتی نباشد.
۲. جهل در حق خدا لازم می آید زمانی که نداند مصلحت حکم منسوخ، محدود به زمان خاصی بوده است.
۳. حضرت موسی علیه السلام فرمود: «تَمَسَّكُوا بِالسَّبْتِ اَبَدًا» یعنی همیشه به روز شنبه تمسک جوئید و این تأبید، دوام شریعت موسی را اثبات و قول به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نفی می کند.^۲

❁ چرا فرقه براهمه بعثت انبیا را لازم نمی دانند؟

چون گویند: عقل انسان به تنهایی برای معرفت به تکالیف کافی است بنابر این در بعثت انبیا فائده‌ای نمی باشد.
چون انبیا آنچه را می آورند یا موافق عقل است که عقل هم همان را می گوید و یا مخالف

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۲.
۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۱۰۷-۱۱۳.

عقل است و آن مردود است.^۱ جواب اینکه عقل از درک بسیاری از چیزهایی که انبیای الهی می‌آورند عاجز و ناتوان است مانند کیفیت نماز خواندن و روزه گرفتن و...

✽ چرا بعضی از انسانها با اینکه می‌دانند سنگ و چوب کاری از دستشان ساخته نیست باز آنها را می‌پرستند؟

چون می‌گویند: این‌ها ما را به خدای اصلی نزدیکتر می‌کنند قرآن از زبان آنها گوید: «تَقَرَّبْنَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» و چون ما دسترسی به خدای حقیقی نداریم، بت را به جای آن پرستش می‌کنیم.

✽ چرا یهودیان با جبرئیل دشمن هستند؟
گویند: چون او برای ما محدودیتها و تکالیفی دشوار فرو آورده است.^۲

✽ چرا یهودیان به قرآن ایمان نیاوردند؟
زیرا گویند: جبرئیل برای ما محدودیتها و تکالیفی شاق و دشوار فرو آورد، از این رو با او دشمنی داریم و به کتابی که او آورده است، ایمان نمی‌آوریم.^۳

✽ چرا در آیین یهود تبلیغ یهودیت ممنوع است؟
باید گفت دین یهودیت یک دین بسته و نژادی است و آنها اعتقاد دارند که فقط یهودیان جنس برتر می‌باشند و دیگران در حکم بهائم نسبت به آنها هستند که هر طوری که یهودیان بخواهند می‌توانند با آنها رفتار نمایند و گویند جایز نیست که یک غیر یهودی قبول آئین یهودیت کند.^۴

✽ چرا قول به اینکه اسحاق، ذبیح الله است، احتمالا از مجعولات یهود می‌باشد؟
یهود چون از دودمان «اسحاق» بودند مایل بودند این افتخار را برای خود ثبت کنند و از مسلمانان که پیامبرشان زاده اسماعیل بود سلب کنند، هر چند از طریق انکار واقعیات باشد!^۵

✽ چرا نصارا که گویند: «المسیح ابن الله» یعنی عیسی علیه السلام پسر خداست، کلامی باطل است؟
قرآن قول کسانی را که عیسی را خدا می‌دانند و همچنین قول کسانی را که عیسی را پسر

۱. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۸-۶.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۳۳.

۳. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۳۳.

۴. شناخت ادیان، ص ۸، استاد عابدی.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۲۰.

خدا می‌دانند و قول کسانی را که قائل به سه خدا (اب و ابن و روح القدس) هستند، باطل می‌داند. قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِافْوَاهِهِمْ يُضَاهِيْنَ قَوْلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلِ قَاتِلِهِمُ اللّٰهُ اَتَىٰ يُوَفِّكُوْنَ»^۱.

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ بْنُ مَرْيَمَ»^۲.

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْا اِنَّ اللّٰهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ»^۳.

و دیگر آنکه چون خدا واجب الوجود است و واجب الوجود بسیط است و چیزی که بسیط از همه جهات باشد جزئی ندارد تا از او منفک شود و از طرفی آیه قرآن هم گوید: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» یعنی نه زاییده است و نه از کسی زاییده شده است.

❁ چرا داروین چنین نظریه داد که انسان اولیه میمون بوده است؟

نظریه او از ترکیب چندین مفهوم تشکیل شده است:

الف) تغییرات تصادفی (وی شواهد فراوانی بر وقوع و وراثت پذیری تغییرات کوچک و ظاهراً خود بخودی در میان افراد یک نوع بدست آورده بود).

ب) تنازع بقا (بطور کلی تعداد موجودات زنده از میزان آنهایی که می‌توانند به حد تولید، یعنی فرزند آوری برسند بیشتر است).

ج) بقای انساب (افرادی که از چنین امتیازی برخوردارند از حد میانگین، بیشتر عمر می‌کنند و تولید مثل بیشتری دارند و لذا سریعتر افزایش می‌یابند و در دراز مدت این سیر به انتخاب طبیعی این تغییرات می‌انجامد و به موازات آن، تغییرات نامطلوب‌تر کاهش می‌یابد و سرانجام از بین می‌روند تا آنجا که تبدیل تدریجی «نوع» رخ می‌دهد.^۴

❁ چرا نظریه داروین باطل است؟

چون این نظریه با روایت رایج برهان اتقان صنع و اشرفیت انسان و هنجارهای اخلاقی و با کتاب مقدس (بلکه با جمیع کتب آسمانی) معارض است چون آنها آفرینش انواع را به همین هیئت کنونی، که به صورت دفعی و جداگانه انجام گرفته، می‌دانند.^۵

۱. توبه، ۳۰.

۲. مائده، ۱۷.

۳. مائده، ۷۳.

۴. جزوه علم و دین، ص ۴۶-۴۵، استاد شیخ علی ربانی (حفظه الله).

۵. جزوه علم و دین، ص ۴۷-۴۶.

❁ چرا ایرانیان عید نوروز را جشن می‌گیرند؟

چندین علت دارد:

۱. در کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی رحمته الله آمده که امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس تعلیم فرمود که چون روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان و در آن روز روزه بدار.
۲. چهار رکعت نماز در روز نوروز از امام صادق علیه السلام رسیده و بعد از آن دعایی را ذکر فرمودند که در آن «بارک علیهم» یعنی: مبارک گردان بر آنها، و «بارک علی محمد و آل محمد» یعنی: مبارک گردان بر محمد و آل محمد، و «بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلتہ و کرمته و شرفته و عظمت خطره» یعنی: مبارک گردان برای ما در امروز روزی که آنرا فضیلت و کرامت و شرافت دادی و شأن آن را عظیم داشتی. و «بارک لی» یعنی: مبارک گردان برای من، آمده است.^۱
۳. معلی بن خنیس گوید: در روز نوروز بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. حضرت فرمود: «آیا این روز را می‌شناسی؟» گفتم: قربانت گردم! این روز را فارسیان گرامی می‌دارند و به یکدیگر هدیه می‌دهند. فرمود: سوگند به خانه کعبه که این، رمزی دیرینه دارد. ای معلی! روز نوروز، همان روز است که خداوند از بندگان پیمان گرفت او را بپرستند و به او شرک نوزند، به پیامبران و حجت‌هایش بگروند و به امامان ایمان آورند. این همان روز است که خورشید طلوع کرد، بادهای وزیدن گرفت و گل‌های زمین رویدند. این همان روزی است که کشتی نوح علیه السلام بر ساحل جودی آرامش یافت و این، روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را بر دوش گرفت تا بت‌های قریش را در مسجد الحرام شکست و در همین روز، ابراهیم، بت‌ها را شکست. در همین روز پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را برای بیعت گرفتن با جنیان فرستاد. در همین روز بر نهروانیان پیروز شد و ذوالثدیه را به قتل رساند. در این روز، قائم ما و صاحبان حکومت قیام کنند و در همین روز، قائم ما بر دجال پیروز گردد. در هر نوروزی، ما آرزوی فرج داریم؛ چرا که آن از روزهای ما و شیعیان ماست. فارسیان، آن را گرامی داشتند و شما آن را ضایع کردید.^۲
۴. مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: خداوند بر حزقیل، وحی فرستاد که: «این روز، روزی گرامی و بلند مرتبه نزد من است. با خود عهد کرده‌ام هر مومنی در این روز از من حاجتی بخواهد آن را بر آورده سازم و آن روز، نوروز است.»^۳

۱. مفاتیح الجنان، ص ۵۱۷-۵۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۹۱.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۷۱.

۵. زیرا روز با میمندی است و به همین جهت در لحظه سال تحویل دعای مخصوصی از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ»^۱

۶. چون طبیعت مانند درختان در فصل بهار که اولین روز آن عید نوروز است زنده و شکوفا می شود و به قول قرآن نشور (قیامت) هم این چنین است «كَذَلِكَ النُّشُورُ» که همانطور که درختان مدتی به خواب می روند سپس در فصل بهار زنده می شوند قضیه زنده شدن مردگان در روز رستاخیز هم چنین است از این جهت عید نوروز یاد خاطره قیامت است.

۷. از طرفی یک عید ملی است همانطور که هر ملتی برای خود یک عید ملی دارد نه اینکه بنابر قول افراد ناآگاه بدعت باشد.

این عید، یکی از اعیاد قدیمی در سنت ایران باستان به شمار می رود که تنها آیینی است که با آغاز بهار، هم آهنگ و همزمان بوده و با نو شدن سال، آغاز می شود؛ زیرا خورشید در نخستین روز بهار به نقطه اول حمل (یکی از برج های آسمانی) می رسد؛ در نتیجه، جشن نوروز، نمادی از سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستانی است که به رستاخیز و حیات، منتهی می شود.

❁ چرا گروهی آتش پرست شدند؟

بنابر فرمایش امام صادق علیه السلام آتش پرستی از زمان قابیل فرزند آدم شروع شد و از این قرار است که چون آتشی آمد و قربانی هابیل را به نشانی قبولی سوزاند ولی قربانی قابیل را نسوزاند. ابلیس پیش قابیل ظاهر شد و گفت چون هابیل آتش را می پرستد قربانی او قبول شد. قابیل در جواب گفت من آتشی که هابیل آنرا می پرستد نمی پرستم و لکن آتش دیگری را می پرستم و برای آن قربانی می کنم تا قربانی مرا قبول کند لذا بیت النار (خانه آتش) ساخت و برای آن قربانی کرد.^۲

❁ چرا گروهی شیطان پرست شدند؟

باید دانست که مبدأ شیطان پرستی قدیم، به قرون اولیه برمی گردد. انسان های اولیه برای این که در مقابل قدرتی بزرگ، سجده نمایند به ستایش موجودی فوق طبیعی که قدرت فوق العاده ای داشته می پرداختند که مبدأ شیطان پرستی قدیمی را به وجود آورد. آنها اعتقاد داشتند که شیطان وجود دارد و قدرت او عظیم ترین قدرت در جهان است. اصل شهوت رانی و ارضای جنسی، یکی از اصول مهم این آئین است. اما شیطان پرستی جدید، حدود قرن ۱۵ و ۱۶

۱. مفاتیح الجنان، (حاشیه)، ص ۵۴۳.

۲. علل الشرائع، ج ۱ و ۲، ص ۳.

میلادی در انگلستان به وجود آمد و آن ها اعتقادی به وجود خارجی شیطان ندارند و معتقدند که شیطان در طبیعت و در وجود انسان ها می باشد و این باطن هر انسانی است که شیطان در آن موجود می باشد.^۱

❁ چرا مجوسی ها (زردشتی ها) قائل به این شده اند که خیر از خداست (یزدان) و شر از شیطان (اهریمن) است (یعنی در واقع قائل به دو خالق شده اند)؟
 زیرا معتقدند: خدا خیر محض است و شری از او صادر نمی شود پس حالا که شر وجود دارد خالق آن غیر خدا است و آن شیطان می باشد.^۲
 مجوسی ها از این جهت که خواسته اند از شر شرور در این عالم خلاص شوند قائل به یزدان و اهریمن شده اند لذا به فساد دوخدائی گرفتار شده اند.

❁ چرا زردشتی ها به آتش احترام می گذارند؟
 به این جهت است که چون حضرت زردشت در منطقه سردسیری مشغول عبادت بود برای گرم شدن کنار خود همیشه آتش روشن می کرد لذا آن ها از این جهت به آتش احترام می گذارند.

❁ چرا بعضی ها منکر خدا می شوند؟
 قرآن مجید در آیات متعدد، منکرین خدا و آخرت را خطاب نموده و انحراف فکری و غفلت آنها را از حیات اخروی، ناشی از ظاهر بینی و توقف آنها در سطح ظاهری پدیده ها معرفی می نماید.

❁ چرا بعضی ها در عدالت خدا شک و تردید می کنند؟
 یکی از مهمترین علل آن وجود حوادث تلخ و آفات و سختی ها در زندگی انسانهاست. اصولاً این قبیل شبهات از آنجا ناشی می شوند که زندگی دنیوی را به تنهایی و بی آنکه حیات جاودانی او را در نظر آورند، مورد توجه قرار می دهند.
 خداوند در قرآن می فرماید: آنان تنها صورت ظاهر زندگی دنیا را می بینند و از آخرت در غفلتند.

❁ چرا فرقه مَجَسَّمه قائل به این هستند که خدا دیده می شود؟
 زیرا معتقدند که خدا جسم است و هر جسمی هم قابل دیدن است.^۳

❁ چرا در عرب جاهلیت زنده به گور کردن دختر رسم شد؟
 مورخان می گویند:

۱. شمیم معرفت، شماره ۲۴، ص ۱۱۶.

۲. کشف المراد، ص ۱۶.

۳. کشف المراد، ص ۴۶.

شروع این عمل زشت در جاهلیت از آنجا بود که جنگی میان دو گروه در آن زمان اتفاق افتاد، گروه فاتح، دختران و زنان گروه مغلوب را اسیر کردند، پس از مدتی صلح برقرار شد، خواستند اسیران جنگی قبیله را به قبیله خود بازگردانند ولی بعضی از آن دختران اسیر با مردانی از گروه غالب ازدواج کرده بودند، آنها ترجیح دادند که در میان دشمن بمانند و هرگز به قبیله خود باز نگردند این امر، بر پدران آن دخترها سخت گران آمد و مایه شماتت و سرزنش آنها گردید تا آنجا که بعضی سوگند یاد کردند که هرگاه در آینده دختری نصیبشان شود او را با دست خود نابود کنند تا بدست دشمن نیفتد.^۱

برای زنده بگور کردن دختران در زمان جاهلیت چند علت را ذکر کرده‌اند از جمله:

۱. عدم ارزش زن به عنوان یک انسان در جامعه جاهلی.
۲. مسأله فقر شدید که بر آن جامعه حاکم بوده مخصوصاً با توجه به اینکه دختران همانند پسران قادر بر تولید اقتصادی نبودند و در غارتگریها شرکت نداشتند.
۳. زیرا در جنگهای فراوان قبیله‌ای آن روز ممکن بود دختران به اسارت در آیند و به اصطلاح نوامیس آنها به دست بیگانگان بیفتد و از این راه لکه ننگی بر دامنشان بنشیند.^۲

❖ چرا متکلمین اسلامی بعضی از چیزها را بر خدا واجب می‌دانند و حال اینکه اینکار تکلیف مشخص کردن برای خدا می‌باشد و چنین اختیاری را ندارند؟

باید گفت که این وجوب به معنای حکم شرعی و تکلیف معین کردن نیست و چون خدا تام الاختیار است کسی نمی‌تواند برای او تکلیفی مشخص کند بلکه این وجوب به این معنی است که چون خداوند دارای صفات کمالیه و جلالیه می‌باشد چنین اقتضا می‌کند که فلان کار را انجام بدهد.

❖ چرا معتزله قائل به تفویض شده‌اند؟

عقیده این فرقه این است که خداوند تمام امور را به بندگان واگذار کرده است و خود هیچ دخالتی در آنها ندارد. آنها گویند: خداوند به ما نیروی اختیار داده است و هر کاری که ما از خوب و بد انجام می‌دهیم خود، فاعل بالاستقلال هستیم و خدا در آن دخالتی ندارد و این گروه هم دلائلی را از جمله قرآن می‌آورند که جملگی ناتمام است و بهترین دلیل قرآنی بر نفی تفویض آیه «ایاک نستعین» است که می‌رساند خداوند ما را در کارها یاری می‌دهد. از این جهت به این عقیده روی آورده‌اند که خواسته‌اند گریزگاهی درست کنند تا فحشا و

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۷۸.

منکرات را به خدا نسبت ندهند بنابر این تمام افعال خیر و شر را به انسان‌ها نسبت می‌دهند.

❁ چرا عقیده به جبر بوجود آمد؟

عللی دارد: ۱- عدم رشد عقلی کافی^۱ - ۲- عدم بهره‌وری از تعالیم پیشوایان معصوم و مفسرین حقیقی قرآن - ۳- مهمترین علت، اغراض سیاسی حکومت‌های ستمگر (زیرا، جبرگرایی مهمترین عامل تخدیر کننده ملت‌ها است که می‌تواند توجیه کننده رفتار ناشایست زمامداران شود).^۱ این فرقه جبریه برای اثبات مدعای خود دلائلی را از جمله قرآن می‌آورند که همگی ناتمام است و بهترین دلیل قرآنی بر نفی جبر آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّعِبُوا» است که می‌رساند عبادت فعل بشر می‌باشد نه فعل خداوند. انگیزه گرایش و عقیده این فرقه به جبر یا توجیه اعمال خلاف و یا حل نشدن شبهات در نزد آنها است.^۲

عوامل جنبی اعتقاد به جبر عبارت است از: عوامل سیاسی، عوامل روانی و عوامل اجتماعی.^۳

❁ چرا اشاعره عدل را قبول ندارند؟

باید گفت: عدلی را که یکی از صفات خدا است، همه حتی اشاعره قبول دارند و آنرا از صمیم دین می‌دانند ولی چون گویند حسن و قبح عقلی نداریم و امکان دارد که خداوند حتی فعل قبیح را انجام دهد و واجبی را ترک نماید و لازمه این، نفی عدل و حکمت می‌باشد در این صورت در واقع منکر عدل می‌باشند.

❁ چرا اشاعره تمام خیر و شرها را به خدا نسبت می‌دهند؟

زیرا به نظر خودشان خواسته‌اند به توحید افعالی صدمه نخورد بنابر این افعال خیر و شر را به خدا نسبت می‌دهند.

❁ چرا عدلیه (امامیه و معتزله) عدل را از اصول دین قرار داده‌اند؟

زیرا هر دو فرقه، قائل به حُسن و قُبْح عقلی هستند و گویند افعال خدا مطلقاً از قبح منزّه است و عدل و حکمت خدا چنین اقتضا می‌کند که فعل حَسَن را انجام و فعل قبیح را ترک نماید و برای اینکه فرقی میان آنها و اشاعره باشد که قائل به چنین چیزی نیستند، عدل را از اصول دین خود قرار داده‌اند.

۱. آموزش عقاید، استاد محمد تقی مصباح یزدی، ص ۶۴.

۲. معارف اسلامی (۱)، ص ۲۰۷-۲۰۶، موسایی افشلی.

۳. ۱۰ درس عدل الهی، ص ۵۲-۵۳.

❁ چرا دین اسلام حقانیت دارد؟

جامعیت قوانین اسلام دلیل بر حقانیت اسلام است. باید دانست که اسلام در تمام زمینه‌ها حکمی دارد و چیزی وجود ندارد مگر اینکه در اسلام حکم مشخصی دارد. دین اسلام در باره عبادات، معاملات، خوردن، آشامیدن، خوابیدن، پوشیدن، مسافرت، معاشرت و زناشویی و... دستورات بسیار فراوانی دارد که انسان را مات و مبهوت می‌سازد.

❁ چرا دین اسلام جامعیت دارد؟

چون قرآن در سوره شوری آیه ۱۳ راجع به دین اسلام «اوحینا الیک» گفته ولی در باره دیگر ادیان «وصی به» آورده و این از آن جهت است که وصیت در جایی به کار می‌رود که بخواهیم از بین چند چیز به آنچه که مورد اهمیت و اعتناء ماست سفارش کنیم، و این در باره شریعت نوح و ابراهیم که چند حکم بیشتر نبود صادق است، ولی در باره شریعت اسلام صادق نیست، چون این شریعت همه چیز را شامل است. هم مسائل مهم را متعرض است، و هم غیر آن را.^۱

به فرمایش صاحب تفسیر نور این آیه «ان ربک یعلم انک تقوم ادنی... ان الله غفور رحیم»^۲ جامعیت اسلام را از اشک شبانه تا جهاد روزانه، از رابطه با خدا تا کمک به فقرا، از تلاوت قرآن تا سفرهای تجاری و از انجام کارهای خیر همراه با استغفار نمایان می‌کند.^۳

❁ چرا از میان امت‌ها (یهودی و مسیحی و زردشتی) امت اسلام خیر امتها^۴ می‌باشد؟

چون دارای سه ویژگی هستند: الف) امر به معروف ب) نهی از منکر ج) ایمان به خدا. قرآن در این باره می‌فرماید: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله»^۵.

❁ چرا قرآن یکی از ویژگی‌های امت اسلام را نسبت به دیگر امت‌ها، ایمان به

خدا «تؤمنون بالله» ذکر کرده است؟

زیرا امت یهود قائل به «عزیر ابن الله»^۶ و امت مسیحی قائل به «المسیح ابن الله»^۷ و امت

۱. المیزان، ج ۱۸، ص ۳۷.

۲. مزمل، آیه ۲۰.

۳. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۲۷۵.

۴. «خیر امة»، آل عمران، آیه ۱۱۰.

۵. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۶. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۷. توبه، آیه ۳۰.

۸. توبه، آیه ۳۰.

مجوس قائل به وثنیه (دو خدایی) هستند و به یک نحوی ایمان آنها به خدا مشکل دارد اما امت اسلام گوید «قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد»^۱.

❁ چرا مسلمانان نسخ در شریعت را جایز می‌دانند؟

زیرا معتقدند که نسخ تابع مصالح است. و حدیثی را هم که یهودیان از موسی نقل می‌کنند که «تَمَسَّكُوا بِالسَّبْتِ أَبَدًا»، یعنی همیشه به روز شنبه تمسک جویند، قبول ندارند. زیرا ۱. ساختگی است ۲. تواتر یهود به نقل حدیث منقطع است ۳. لفظ تأبید (ابدأ) به طور قطع دلالت بر دوام ندارد.^۲

❁ چرا مذهب شیعه را قدیمی‌ترین و مقدّم بر همه مذاهب می‌دانیم؟

زیرا مبدأ پیدایش تشیع، عصر پیامبر و سخنان آن حضرت بوده است و اسناد روشنی برای این مطلب وجود دارد از جمله بسیاری از مفسران در تفسیر آیه شریفه «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة» یعنی: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند بهترین مخلوقات هستند. این حدیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که فرمود: منظور از این آیه، علی علیه السلام و شیعیان اوست از جمله مفسر معروف سیوطی در «الدار المشرور» از ابن عساکر از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که ما خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که حضرت علی علیه السلام به سوی ما آمد هنگامی که چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به او افتاد، فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ اِنْ هَذَا وَشِيعَتُهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» یعنی قسم به کسی که جانم به دست اوست این (علی) و شیعیان او در روز قیامت رستگارانند.^۳

❁ چرا مذهب شیعه با این که حقانیت دارد در اقلیت است؟

اولاً: شناخت حق و باطل، در گرو کمی پیروان و یا فزونی آنها نیست ثانیاً: قرآن غالباً اکثریت ها را نکوهش نموده است و به ستایش از برخی اقلیتها می‌پردازد مانند «و لا تجد اکثرهم شاکرین»؛ «ولکن اکثرهم لا یعلمون»؛ «و اکثرهم لا یعقلون» و «و قلیل من عبادی الشکور».^۴

❁ چرا از میان هفتاد و سه فرقه، تنها فرقه ناجیه، شیعه امامیه می‌باشد؟

دلیل بر این موضوع حدیثی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ستفرق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة، واحدة منها ناجية و الباقي فی النار». یعنی: امت

۱. اخلاص، آیه ۱ و ۲ و ۳ و ۴.

۲. ایضاح المراد فی کشف المراد، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۳. اعتقاد ما، ص ۱۱۶-۱۱۵.

۴. در طریق وحدت اسلامی، ص ۲۵-۲۴.

که تعیین نبی، از سوی خداوند است، تعیین امام نیز از سوی اوست زیرا شناخت انسان کامل و معصوم، فقط مقدور خداوند می‌باشد.^۱

بنابر این شیعه گوید: خداوند در غدیر خم به رسول خدا ﷺ دستور داد تا علی (ع) را به عنوان جانشین خود انتخاب نماید. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ».

❁ چرا شیعیان قائل به «امر بین الامرین» می‌باشند؟

امرین یعنی جبر و اختیار.

زیرا خداوند از طرفی در نهاد ما اختیار قرار داده است و ما از روی همین اختیار خود، کاری را انجام یا ترک می‌کنیم پس ما دخالت داریم و چون خداوند فاعل بالاستقلال است و تکویناً به ما قدرت داده است و از طرفی چون مؤثری غیر از او نیست بنابر این او هم در افعال ما دخالت دارد.

بهترین دلیل شیعه این آیه است که می‌فرماید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که قسمت اول «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» جبر را و قسمت دوم «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تفویض را رد می‌کند.

اگر گفته شود آیا خدا می‌دانسته که فلان شخص مرتکب فلان کار می‌شود یا نمی‌دانسته؟ اگر گفته شود نمی‌دانسته در اینصورت علم خدا انکار می‌شود و اگر گفته شود می‌دانسته پس حتماً آن شخص باید آن کار را انجام دهد و جبر پیش می‌آید. جواب آنکه خداوند از ازل می‌دانسته ما به میل و اراده و اختیار خود اطاعت یا گناه می‌کنیم، یعنی اختیار و اراده ما نیز در علم خدا بوده است.^۲

❁ چرا شیعیان بدا را در حق خدا جایز می‌دانند؟

باید گفت «بدا» به نظر آنها تبدل علم و اراده ازلی خدا نیست بلکه به معنی اظهار و ابداء آنچه بر بندگان مخفی و پنهان است، می‌باشد و شیعیان مجازاً به چنین کاری بدا می‌گویند.

و «فخر رازی» هم در اینجا انصاف به خرج داده است و می‌گوید: رافضه (شیعیان) بدا را بر خدا جایز می‌دانند و به این معنی است که اعتقاد به چیزی پیدا می‌کنند سپس امر بر خلاف آنچه اعتقاد پیدا کرده‌اند واقع می‌شود.^۳

❁ چرا شیعیان قائل به عصمت مطلقه انبیا هستند؟

زیرا خداوند در ذات و صفاتش احسن و اکمل است و بعثت انبیا، فعلی از افعال خدا می‌باشد

۱. ولایت فقیه، ص ۱۴۵.

۲. ۱۰ درس عدل الهی، ص ۷۶.

۳. الالهیات فی مدرسة اهل البيت، ص ۱۷۱.

چون او باعث رسل و انبیا است و این هم از صفات و اسما او می‌باشد و شکی نیست که بعثت نبی که از جمیع جهات معصوم باشد احسن و اکمل از بعثت کسی است که این چنین نیست پس خداوند کسی را مبعوث می‌کند که از همه جهات معصوم باشد (یعنی عصمت مطلقه داشته باشد).^۱

❖ چرا شیعیان اعتقاد دارند که حضرت اسماعیل (نه اسحاق)، ذبیح الله است؟

در تفسیر نمونه آمده زیرا: اولاً: در قرآن آمده «و بشرناه باسحاق نبیاً من الصالحین» و این تعبیر به خوبی نشان می‌دهد که خداوند بشارت به تولد اسحاق را بعد از ماجرای امر به ذبح و به خاطر فداکاریهای ابراهیم علیه السلام به او داد، بنابر این ماجرای ذبح مربوط به او نبود. بعلاوه هنگامی که خداوند نبوت کسی را بشارت می‌دهد، مفهومش این است که زنده می‌ماند، و این با مسأله ذبح در کودکی سازگار نیست. ثانیاً: در قرآن آمده «فبشرناه باسحاق و من وراء اسحاق یعقوب» این آیه نشان می‌دهد که ابراهیم علیه السلام مطمئن بود اسحاق می‌ماند و فرزندی همچون یعقوب علیه السلام از او به وجود می‌آید، بنابر این نوبتی برای ذبح باقی نخواهد ماند. ثالثاً: روایات بسیاری در منابع اسلامی آمده است که نشان می‌دهد ذبیح «اسماعیل» بوده است به عنوان نمونه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «انا بن الذیحین» من فرزند دو ذبیح. یکی پدرش عبدالله که عبدالمطلب جد پیامبر نذر کرده بود او را برای خدا قربانی کند سپس یکصد شتر به فرمان خدا فداء او قرار داد و دیگر «اسماعیل» بود، زیرا مسلم است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از فرزندان اسماعیل است، نه اسحاق.^۲ در دعایی که از حضرت علی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده می‌خوانیم: «یا من فدا اسماعیل من الذبح»^۳ و از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام سوال شد «ذبیح» که بود فرمودند: «اسماعیل». و امام رضا علیه السلام فرمودند: «لو علم الله عزوجل شیئاً اکرم من الضأن لفدا به اسماعیل».^۴

❖ چرا شیعیان، امامت را بعنوان یک «اصل اعتقادی» معتبر می‌دانند؟

زیرا شیعیان معتقدند که حتی شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم نقش استقلالی در تعیین جانشین خود نداشتند بلکه آن را به امر الهی، انجام دادند. و در واقع، حکمت ختم نبوت با نصب امام معصوم، ارتباط دارد. و به همین دلیل است که شیعه، امامت را بعنوان یک «اصل اعتقادی» می‌شناسد، نه بعنوان یک حکم فقهی فرعی.^۵

❖ چرا شیعیان گویند: آیه «و شاورهم فی الامر» مربوط به خلافت و مشروعیت سقیفه

۱. ایضاح المراد فی کشف المراد، ص ۸۸.

۲. تفسیر مجمع البیان ذیل آیات مورد بحث.

۳. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۲۱.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۲۲.

۵. آموزش عقاید، استاد محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۳۲.

من بزودی هفتاد و سه فرقه خواهند گردید، یکی از آنها ناجی و رستگار و مابقی در آتش (جهنم) خواهند بود.

گروهی از اصحاب گفتند: یا رسول الله آن یک فرقه کدام می‌باشند؟

حضرت فرمود: آن فرقه‌ای که بر مذهب من و اهل بیتم باشند.

در جای دیگر رسول خدا ﷺ فرمودند: مثل اهل بیت من نظیر کشتی نوح است، کسی که سوار آن شود، نجات خواهد یافت و هر که از آن تخلف نماید، غرق و هلاک خواهد شد.

از طرفی پیشوایان اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) هیچکدام در زمان رسول خدا ﷺ موجود نبودند در حالی که پیشوای شیعیان یعنی حضرت علی ﷺ در زمان رسول خدا ﷺ وجود داشتند و بالاتر اینکه از شاگردان خصوصی و ویژه رسول خدا (ص) بوده‌اند. از طرفی دیگر احادیث فراوانی در فضائل و مناقب حضرت علی ﷺ از زبان مبارک رسول گرامی اسلام ﷺ صادر شده است؛ بنابر این شکی نیست که آن فرقه‌ای ناجیه است که پیرو پیامبر ﷺ و اهل بیت او خصوصاً امیر المومنین علی ﷺ می‌باشند. و از طرفی اصول و اعتقادات امامیه (شیعه اهل بیت پیامبر ﷺ) بسیار استوار و مبرهن بوده و مخالف و ممتاز با اصول و جمیع هفتاد و دو فرقه است و حتی قابل مقایسه با آنها نیست چون متصل به وحی می‌باشد و اسلام ناب محمدی از راه اهل بیت پیامبر ﷺ مشخص می‌گردد بدلیل آنکه «اهل البیت اذری بما فی البیت». یعنی اهل خانه (اهل بیت پیامبر) از آنچه در خانه (پیامبر) است آگاه‌تر هستند.

چرا شیعیان، عدل را از اصول دین می‌دانند؟

در پاسخ این سؤال باید به چند امر توجه کرد: ۱. عدالت از میان صفات خدا چنان اهمیتی دارد که بسیاری از صفات دیگر به آن بازگشت می‌کند، زیرا «عدالت» به معنی وسیع کلمه قرار دادن هر چیز در جای خویش است، در این صورت حکیم و رزاق و رحمان و رحیم و مانند آنها همه بر آن منطبق می‌گردد. ۲. مسأله معاد نیز متکی به مسأله «عدل الهی» است، رسالت پیامبران، مسئولیت امامان، نیز با مسأله عدالت خدا ارتباط دارد. ۳. در آغاز اسلام اختلافی در مسأله عدالت پروردگار در گرفت؛ اشاعره به کلی منکر عدالت خداوند شدند و معتزله و شیعه معتقد به اصل عدالت در مورد پروردگار بودند. ۴. از آنجا که فروع دین همواره پرتوی از اصول دین است، و پرتو عدالت پروردگار در جامعه بشری فوق العاده مؤثر است، و مهمترین پایه جامعه انسانی را عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد، انتخاب اصل عدالت به عنوان یک اصل از اصول دین رمزی است به احیای عدل در جوامع بشری و مبارزه با هرگونه ظلم و ستم.^۱

چرا «امامت» از اصول مذهب شیعه است؟

زیرا شیعه، امامت را همانند نبوت، مربوط به فعل الله می‌داند و معتقد است که همان گونه

۱. ۱۰ درس عدل الهی، ص ۵-۶. آیت الله مکارم شیرازی.

نیست؟

اولا خطاب در آیه متوجه به حاکمی است که حکومتش مستقر شده نه اینکه حکومت فردی را ثابت کند که با شورا رأی آورده است. و نهایت چیزی که از آیه استفاده می‌شود این است که از وظایف حکام، مشورت کردن با امت است. ثانيا آنچه از آیه فوق متبادر است آن است که مشورت کردن موجب حکمی برای حاکم نمی‌شود بلکه افکار مختلفه را عرضه می‌دارد سپس آنچه را در نظرش مفید می‌آید اخذ می‌کند بدلیل آنکه قرآن گوید «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ». استاد جعفر سبحانی گویند: مطالبی که گفته شد می‌رساند که این آیه «و شاورهم فی الامر» مربوط به مسأله خلافت و حکومت نیست و از این جهت احدی از حاضرین در سقیفه به این آیه راجع به عمل خود احتجاج ننمودند.^۱

❁ چرا شیعیان گویند حتی پیامبران هم تقیه داشته‌اند؟

باید دانست که تقیه اقسامی دارد که بعضی از اقسام آن در حق پیامبران جایز است ولی بعضی دیگر جایز نمی‌باشد. اما آن قسمی که جایز نیست تقیه خوفی یعنی تقیه کردن در ابلاغ رسالت است چون قرآن گوید: «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ».

و آن قسم‌هایی که جایز است تقیه تحبیبی (برای جلب محبت طرف مقابل عقیده را مکتوم داشتن تا بتوان نظر او را برای همکاری در اهداف مشترک جلب کرد) و تقیه پوششی (برای رسیدن به هدف، نقشه‌ها و مقدمات را کتمان کردن تا دشمنان نتوانند آن را خنثی کنند) می‌باشد.^۲

❁ چرا شیعیان اعتقاد دارند که معراج پیامبر اسلام ﷺ معراج جسمانی (نه روحانی فقط و نه رویای صادقانه) بوده است؟

چندین دلیل دارند:

۱. تفتازانی گوید: «اگر معراج در خواب یا به روح باشد هرگز کفار به این شدت آن را انکار نمی‌کردند و مسلمانی که در صدق پیامبر شک می‌کرد مرتد نمی‌شد».
۲. سیاق آیات قرآن که درباره معراج پیامبر ﷺ اظهار قدرت و کرامت می‌کند دلالت بر این دارد که معراج، جسمانی بوده و الا اگر چنین نباشد معنایی برای آن باقی نمی‌ماند.
۳. اگر جسمانی نباشد وجهی برای انکار شدید قریش نسبت به معراج پیامبر ﷺ وجود ندارد.^۳

۱. محاضرات فی الالهیات، ص ۵۱۵-۵۱۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۳. ایضاح المراد فی کشف المراد، ص ۷۴.

۴. آیه «اسراء» گوید: «بَعْدَهُ» (جسم و روح) و نمی گوید «بِرُوحِ عَبْدِهِ».
۵. در دعای ندبه رسیده است «و عَرَجَتْ بِهِ» و این می رساند که پیامبر اسلام (ص) با جسم و روح به معراج رفتند نه با روح فقط چون اگر معراج روحانی بود گفته می شد «و عَرَجَتْ بِرُوحِهِ».
۶. در کتاب المواعظ العددیه آمده که سوره بنی اسرائیل مشتمل بر اسراء با جسد خاتم النبیین (ص) از مکه به طرف مسجد الاقصی است.^۱

❁ چرا به عقیده شیعیان حضرت عیسی علیه السلام با جسم و روح به آسمان برده شده است؟
چون قرآن گوید: «یا عیسی اِنِّی مُتَوَفِّیکَ» و توفی به معنی گرفتن کامل است. از این رو مفسرین گفته اند خدا عیسی را با جسم و روحش به آسمان برد، نه اینکه او بمیرد و تنها روحش به آسمان صعود کند.

❁ چرا شیعیان گویند قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع آوری شده است؟
چون ۱. از نامگذاری سوره حمد به «فاتحة الكتاب» معلوم می شود که تمام آیات قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع آوری و به صورت کتاب در آمده و به دستور ایشان این سوره در آغاز و شروع قرآن آمده است ۲. از حدیث ثقلین که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِی» معلوم می شود که آیات الهی همه به صورت «کتاب الله» جمع آوری شده است.^۲

❁ چرا شیعیان قائل به عدم تحریف قرآن هستند؟
زیرا آنها معتقدند: از همان روزهای نخست گروه بزرگی از کاتبان وحی، آیات قرآن را پس از نزول می نوشتند و مسلمانان موظف بودند شب و روز آن را بخوانند و در نمازهای پنج گانه خود، آن را تکرار کنند. گروه عظیمی آیات قرآن را به خاطر می سپردند و حفظ می کردند حافظان قرآن و قاریان همیشه در جوامع اسلامی موقعیت و مقام ویژهای داشته و دارند. بنابراین، این امور و جهات دیگر سبب شد که کمترین تغییر و تحریفی در قرآن راه نیابد و خداوند هم حفظ آن را تا پایان جهان تضمین کرده است. قرآن می فرماید: «اِنَّا نَحْنُ نُزَّلُّنَا الذِّکْرَ وَ اِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ»، یعنی: ما قرآن را نازل کردیم و به طور قطع از آن پاسداری می کنیم.^۳

۱. المواعظ العددیه، ص ۱۱۰.

۲. تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۰.

۳. اعتقاد ما، ص ۴۶.

❁ چرا تحریف معنوی بسیار خطرناکتر از تحریف لفظی است؟

زیرا اثر و خاصیت آن چیز از بین می رود. به عنوان مثال پیامبر(ص) فرمودند: «یا عمار تقتلک الفئة الباغية». یعنی ای عمار تو را فئه سرکش به قتل می رساند لذا در جنگ صفین که لشکر معاویه او را به قتل رساند طرفداران حضرت علی(ع) که عمار از آنان بود خوشحال شدند که معاویه فئه سرکش است اما معاویه این حدیث پیامبر(ص) را تحریف معنوی کرد و گفت علی(ع) فئه سرکش است چون علی او را به اینجا آورد و موجبات کشته شدنش را فراهم کرد!!!^۱ به عنوان مثال یکی از تحریفات در رابطه با عاشورا قصه «لیلا» مادر حضرت علی اکبر است که در کربلا بوده و مصیبت ها و نوحه هایی را در باره ایشان درست کرده اند در حالی که حتی یک مورخ نگفته است که لیلا در کربلا بوده است. دیگر راه اندازی مراسم عروسی قاسم با یکی از دختران امام حسین(ع) توسط خود امام حسین(ع) در صورتی که این قضیه در هیچ کتابی از کتاب های تاریخی و معتبر وجود ندارد. و دیگر اینکه در کتاب اسرار الشهادة آمده که در کربلا یک میلیون و ششصد هزار نفر لشکر عمر سعد بود و امام حسین(ع) در روز عاشورا سیصد هزار نفر را با دست خودش کشت در حالی که به قول شهید مطهری اگر فرض کنیم که شمشیر مرتب بیاید و در هر ثانیه یک نفر کشته شود، سیصد هزار نفر، هشتاد و سه ساعت و بیست دقیقه (حدود سه روز و نیم) وقت می خواهد. و دیگر آمدن اسرا در اربعین از شام به کربلا و ملاقات آنان با جابر در صورتی که به قول شهید مطهری(ره) این مطلب جز در کتاب لهوف که آن هم خود سید بن طاووس در کتاب های دیگرش، آن را تکذیب کرده و لااقل تأیید نکرده است، در هیچ کتابی نیست و هیچ دلیل عقلی هم قبول نمی کند. اصلا راه شام از کربلا نیست؛ راه شام به مدینه، از خود شام جدا می شود.^۲

شهید مطهری(ره) می فرماید: حاج میرزا حسین نوری(اعلی الله مقامه) استاد حاج شیخ عباس قمی(ره) صریحاً می گوید: اگر کسی بخواهد بگیرد، اگر کسی بخواهد ذکر مصیبت کند، بر مصائب جدیده ابا عبدالله باید بگیرد؛ بر این دروغ هایی که به ابا عبدالله(ع) نسبت داده می شود. آن عزای جدید، این همه دروغ هاست که در باره حادثه کربلا گفته می شود و احدی جلوی این دروغ ها را نمی گیرد.^۳

❁ چرا شیعیان، امامان خود(حضرت علی تا حضرت مهدی) را معصوم می دانند؟

زیرا پیامبر اسلام ﷺ در این حدیث که می فرماید: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و

۱. حماسه حسینی، ص ۵۷-۵۸، شهید مطهری.

۲. حماسه حسینی، ج ۱، فصل دوم: تحریفات در واقعه تاریخی کربلا، ص ۶۳-۷۱؛ یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۲۱-۱۲۳.

۳. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۲۱، مجید باقری.

عترتی اهل بیته و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» اهل بیت خود را قرین قرآن قرار داده است بنابراین همانطور که قرآن از هر گونه انحراف و اشتباه در امان است، اهل بیت پیامبر ﷺ نیز در ارشاد و رهبری امت از هر گونه خطا و اشتباه در امانند.^۱ ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می نویسد از قول استادش به نص آیه تطهیر علی بن ابیطالب مقام عصمت داشته و معصوم بودن علی (ع) نص قرآن است.^۲

چرا شیعیان بردبارتر و صبورتر از امامان خود هستند؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا تَأْتِ نَصْرُ عَلِيٍّ مَا نَعْلَمُ وَشِيعَتُهُ يَصْبِرُونَ عَلَيَّ مَا لَا يَعْلَمُونَ».^۳ یعنی: زیرا ما بر آنچه می دانیم صبر می کنیم و شیعیان ما بر آنچه نمی دانند، صبر می کنند.

چرا شیعیان پیرو حضرت علی علیه السلام شدند؟

زیرا به اعتقاد شیعیان، حضرت علی علیه السلام بعد از نبی اکرم ﷺ از همه خلق اعلم، اکمل، اسخی، اکرم، اشجع، با ایمانتر و سیاستمدارتر بود. از طرفی گویند: پیامبر در غدیر خم و در حدیث منزلت، علی علیه السلام را به خلافت منصوب کرده است و همچنین آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» ولایت حضرت علی علیه السلام را بعد از نبی ﷺ ثابت می کند.

شیعه گوید: اگر گفته شود که پیامبر ﷺ کسی (علی علیه السلام) را جانشین خود انتخاب نکرد بنابر این برتری ابوبکر بر پیامبر ﷺ لازم می آید چون ابوبکر به اهمیت این موضوع پی برد و جانشین برای خود انتخاب نمود ولی پیامبر (العیاذ بالله) چنین ننمودند و این به اتفاق شیعه و سنی باطل است. شیخ الرئیس ابن سینا گوید: عَلَيَّ السَّائِسُ أَنْ يُعَيَّنَ... لِثَلَاثٍ يَنْجِرُ إِلَيَّ... یعنی بر هر عاقل و سیاستمدار لازم است که برای خود جانشینی انتخاب نماید تا بعد از او کار به مشاجره و منازعه و اختلاف نکشد و (هدف او دنبال شود).

بنابر این شیعه گوید چطور پیامبر خدا ﷺ که عقل کل و بالاترین سیاستمدار بود چنین نکرد. پیامبر رحمت «بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤُوفٌ رَحِيمٌ» که هنگام رفتن به جنگ تبوک برای مدت کوتاه علی علیه السلام را جانشین خویش انتخاب نمود چگونه برای پس از رحلت خود امت را بدون رهبر و پیشوا رها نمود.

اما دلیل عقلی بر ولایت و امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام آن است که:

۱- حضرت علی علیه السلام دارای جمیع کمالات نفسانی و فضائل انسانی بوده و بدون تردید (حتی به اعتراف دشمن) در همه کمالات از دیگران افضل و بالاتر بوده.

۱. در طریق وحدت اسلامی، ص ۱۶-۱۵.

۲. قلب قرآن، ص ۱۱۳.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۸؛ تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۲، بنقل از تفسیر صافی.

۲- از دیدگاه عقل ترجیح مرجوح بر راجح نارواست.
پس عقلاً خلافت به حضرت علی(ع) می رسد چون علی که دارای جمیع کمالات است بر دیگران رجحان و برتری دارد.
❖ چرا به اعتقاد ما شیعیان محمد و آل او (اهلبیت وی) از همه مخلوقات خداوند بهتر و بالاتر هستند؟

حضرت علی(ع) می فرمایند: ای اباذر ما را فقط خدا ندانید ولی هر فضیلت دیگری را که تصور کنید ما دارا هستیم و شما می توانید غیر از مقام ربوبی که مختص پروردگار متعال است، هر چه می خواهید در فضیلت ما بگویید.^۱
خداوند در قرآن می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» یعنی فقط خدا اراده کرده که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و شما را پاک نماید پاک کردنی.
همانطور که در کلام معصومین(ع) آمده: «لا فَرْقَ بَیْنکَ وَ بَیْنَهُمْ اِلَّا اَنْهُمْ عِبَادُکَ» یعنی هیچ فرقی میان تو(خداوند) و آنها(محمد و آل محمد) نیست مگر آنکه آنها بندگان تو آند.

❖ چرا شیعیان گویند حضرت علی(ع) از پیامبران حتی از پیامبران اولوالعزم هم افضل و بالاتر می باشد؟

زیرا آیه مباهله گوید: «انفسنا» و مقصود از «انفسنا» حضرت علی(ع) است. و چون طبق این آیه حضرت علی(ع) نفس و همانند رسول خدا ﷺ است پس همانطور که رسول خدا ﷺ افضل از پیامبران می باشد حضرت علی(ع) هم افضل از آنان می باشد (فقط با دلیل قطعی نبوتی را که رسول خدا داشتند حضرت علی(ع) ندارند (اَلَا اَنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی)).
باید گفت که حضرت علی(ع) دارای مقام امامتی است که از مقام نبوت(انبیا بجز رسول خدا) بالاتر است.

❖ چرا شیعیان اعتقاد دارند که امتیازاتی حضرت علی(ع) دارند که رسول خدا ﷺ ندارند؟
رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند: «خداوند به علی(ع) سه فضیلت و مقام عنایت فرموده که به من عطا نکرده است:

- اول: خداوند مانند حضرت زهرا(ع) را به علی(ع) تزویج کرد که در جهان کسی مثل او یافت نمی شود.
- دوم: خداوند دو پسر به علی(ع) عطا کرد که مثل آنها در عالم وجود ندارد.
- سوم: خداوند به علی(ع) قدرت بازویی داد که مثل آن را به من عطا نکرد و من هم در شدائد

و گرفتاری مأمورم که علی علیه السلام را به یاری خود بخوانم.
حضرت علی علیه السلام در حدیثی می فرمایند: «خداوند پدر زنی چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله بمن عطا نموده که مانند آن را به کسی نداده است.^۱

❖ چرا شیعیان گویند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سابق الاسلام است (اول کسی است که اسلام آورده) در حالی که چون کودک و غیر مکلف بوده است، اسلامش اعتباری ندارد (بنابر این ابوبکر اول کسی است که اسلام را پذیرفته است)؟
چندین دلیل دارند:

۱. اسلام آوردن حضرت علی علیه السلام در چنین سالی کمال و رشد و قوت عقل ایشان را بیان می کند.
۲. حضرت علی علیه السلام در شرف تکلیف بودند و فقها (حتی از عامه مانند ابوحنیفه) عبادت و طاعت چنین افرادی را صحیح می دانند.
۳. بر فرض اینکه اسلام و طاعت و عبادت غیر مکلف و کودک باطل باشد مانند حضرت علی علیه السلام مستثنی می باشند چنانچه حضرت عیسی علیه السلام در گهواره شهادت به بندگی و عبودیت خویش داد و از جانب خدا پیغمبر شد.
۴. قصه حضرت خضر و موسی در آن واقعه که آن کودک را کشت به جهت اینکه در آینده بنا بود پدر و مادر خود را از دین خارج کند.
- پس کشته شدن آن کودک از روی استحقاق بوده است و در غیر این صورت حضرت خضر ظالم محسوب می شود در حالی که قرآن او را منزّه از چنین چیزی می داند.^۲

❖ چرا شیعیان قائل به عصمت اولوالامر (امامان) هستند؟
اطاعت بی چون و چرا از رسول خدا و اولوالامر، نشانه عصمت آن بزرگواران است. «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم».

❖ چرا شیعیان می گویند «ائمه اطهار» همه از فرزندان و ذراری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشند؟
حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در جواب هارون که اشکال کرد و گفت شما فرزندان دختر پیامبر هستید لذا از نسل او نمی باشید. فرمودند: «آیه قرآن می گوید: «و من ذریته داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و کذلک نجزی المحسنین و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس»^۳ و اینجا خداوند حضرت عیسی علیه السلام را از طریق مادر (مریم) به ذریه پیامبران ملحق

۱. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۹۰؛ علی منبع فضائل و کمالات، ص ۴۰۷.

۲. حلیۃ المتقین، ص ۵۰۲.

۳. انعام، آیه ۸۴.

ساخته است و ما (ائمه) را نیز از طرف مادرمان فاطمه علیها السلام (به رسول خدا) ملحق نموده است». حضرت نیز دلیل دیگری آوردند که بر فرزندان دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (حضرت فاطمه) در آیه مباحله، اطلاق ابنائنا (پسران ما) شده است.^۱

✽ چرا میرزاها هم سید هستند؟

چون میرزاها از طرف مادر به پیامبر خدا می‌رسند همان طور که امام حسن و امام حسین علیهما السلام از طرف مادر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌رسند. علم الهدی سید مرتضی علیه السلام می‌فرمایند: علاوه بر اینکه میرزاها سید هستند حتی به آنها خمس هم تعلق می‌گیرد.

✽ چرا شیعیان قبول ندارند که آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» در باره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و حال اینکه قبل و بعد از این آیه، راجع به زنان پیامبر است؟

چون اینجا سیاقی وجود ندارد تا به آن عمل شود به چند دلیل:
 ۱. آیات قبل و بعد درباره زنان پیامبر عتایی است به خلاف آیه تطهیر که جنبه مدح و ثنا دارد.
 ۲. آیات و سور قرآن طبق نزول مرتب نشده‌اند چون سوره «بقره» اول قرآن است با اینکه مدنی می‌باشد.
 ۳. ضمیر در آیه تطهیر جمع مذکر و حال این که ضمیر در آیات زنان پیامبر جمع مؤنث می‌باشد.^۲

✽ چرا شیعه تقیه را جایز و در بعضی از جاها واجب می‌داند؟

زیرا قرآن آیاتی در این زمینه دارد از جمله می‌گوید: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» یعنی: مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمان خود را کتمان می‌کرد گفت: آیا می‌خواهید کسی را به قتل برسانید که می‌گوید پروردگار من خداست، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است. جمله «یکتم ایمانه» صراحت در مسأله تقیه دارد و آیه دیگر گوید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ أَلَا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» یعنی: افراد با ایمان نباید غیر از مؤمنان کسی را از کافران دوست و ولی خود قرار دهند و هر کس چنین کند رابطه خود را با خدا بریده است، مگر این که از آنها تقیه کنید پس تقیه در جایی جایز است که مال و آبروی مؤمن به خطر می‌افتد بی آن که نتیجه‌ای داشته باشد.

۱. امامت و عصمت امامان در قرآن، رضا کاردان، ص ۳۶-۳۷.

۲. امامت و عصمت امامان در قرآن، ص ۸۱-۸۲.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «التَّقِيَّةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ» یعنی: تقیه سپر دفاعی مؤمن است. داستان تقیه کردن عمار و یاسر و صحنه نهادن بر آن از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معروف است. از طرفی استتار سربازان و سلاحها در میدانهای جنگ، مخفی نگه داشتن اسرار جنگی و غیر جنگی از دشمنان و امثال این‌ها، همه نوعی تقیه در زندگی انسانها محسوب می‌شود.^۱

❁ چرا شیعیان قائل به رجعت هستند؟

اولاً: از دیدگاه عقل امری ممکن است. ثانیاً: قرآن گوید: «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا»^۲ و اگر مقصود قیامت بود همه را محشور می‌کرد نه گروهی را پس آیه بر این دلالت دارد که قبل از قیامت گروهی رجعت می‌کنند ثالثاً: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ الْقَائِمِ صلی الله علیه و آله وَ يَوْمُ الْكَرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَمَةِ»^۳ یعنی: روزهای خداوند سه روز است روزی که قائم ظهور می‌کند و روز رجعت و روز قیامت.

ثالثاً: در زیارت جامعه کبیره آمده «مؤمن بر رجعتکم». یعنی من ایمان به رجعت و بازگشت شما (در این جهان) دارم.

رابعاً: «أَدْلُ شَيْءٍ عَلَى امْكَانِهِ وَ قُوعُهُ». یعنی بهترین دلیل بر امکان یک چیز، وقوع آن است به این بیان که قبل از قیامت چندین مورد رجعت و زنده شدن مردگان اتفاق افتاده است از جمله: در سوره بقره، آیه ۲۶۱ زنده شدن حضرت عزیر یا ارمیاء و در سوره بقره، آیه ۲۴۴ در باره زنده شدن ۷۰۰۰۰ خانوار و در سوره بقره، آیه ۵۵-۵۶ در باره زنده شدن ۷۰ نفر از اصحاب حضرت موسی (ع) که با ایشان برای مناجات با خدا رفتند و در سوره آل عمران، آیه ۴۳ و در سوره مائده، آیه ۱۱۰ در باره زنده کردن اموات توسط حضرت عیسی به اجازه خداوند بحث می‌کند.

و فلسفه رجعت عبارت است از ۱. نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفر. ۲. پاداش دادن به انسانهای با ایمان و نیکوکار و کیفر نمودن کافران و ستمگران.^۴ در روایات آمده است که رجعت، مخصوص مؤمنان و کافران درجه یک است.^۵

❁ چرا شیعیان توسل جستن به بزرگان دین را جایز می‌دانند؟

۱. اعتقاد ما، ص ۱۰۳-۱۰۱.

۲. نمل، آیه ۸۳.

۳. خصال، ج ۱، ص ۱۲۲.

۴. در طریق وحدت اسلامی، ص ۳۱-۲۷.

۵. تفسیر نور، ج ۸، ص ۴۶۱.

زیرا قرآن گوید «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله» یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوا پیشه کنید و برای رفتن به سوی خدا وسیله برای خود قرار دهید و از طرفی روایت گوید «نحن و الله الوسیله» یعنی به خدا سوگند آن وسیله‌ای که خداوند فرموده است، ما (اهل بیت علیهم‌السلام) هستیم و از طرفی توسل جستن با توحید هیچ منافاتی ندارد زیرا آنها را واسطه قرار می‌دهیم تا نزد خدا حاجت ما را طلب نمایند و اگر شیعه توسل را جایز می‌داند از این جهت است که اعتقاد دارد به اینکه آنها به اذن خدا حل مشکلات می‌کنند و هرگز شیعه آنها را در برآوردن حاجت مستقل نمی‌داند.

و اما آیاتی که بر جواز توسل دلالت دارند عبارتند از:

۱. «ولو انهم اذ اظلموا انفسهم جائوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رَحِماً»^۱. ۲. «یا ایانا استغفرلنا انا کنا خاطئین»^۲.
۳. «سوف استغفر لکم ربی»^۳.

علت آنکه وهابی‌ها توسلات شیعیان و سایر اهل تسنن را شرک می‌دانند آن است که گویند توسل درخواست از غیر خداست و شرک می‌باشد و شاید دلیل آنها «ایاک نستعین» و امثال آن باشد ولی ما شیعیان به وهابی‌ها جواب دهیم که آنها را که توسل به آنها می‌جوئیم آنها را مالک مستقل نمی‌دانیم و عقیده داریم که آنها وسیله رسیدن فیض و رحمت الهی به دیگران هستند. و به قول آیه الله مصباح یزدی اگر کسی با توجه به مشروعیت توسل از آن خودداری کند و خود را بی نیاز از پیامبر و امام معصوم بداند نوعی استکبار و شرک را مرتکب شده است.

❁ چرا شیعیان ضریح مطهر قبر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام را می‌بوسند؟

چند جواب دارد:

۱. شیعیان از باب تیمن و تبرک و برای اینکه اظهار علاقه کرده باشند ضریح را می‌بوسند. منظور از اینکه زوار ضریح را می‌بوسند این نیست که حاجت آنان روا شود بلکه منظور ایشان از بوسیدن ضریح اظهار علاقه کردن است.
۲. اگر چه شهیدان راه خدا از نظر ما مفقودند ولی از نظر قرآن مجید مشهودند، هر چند که از چشم ما غائبند ولی شاهد بر اعمال و افعال ما هستند.
۳. از امام صادق علیه‌السلام روایت است که وقتی به زیارت قبر حضرت ابوالفضل رفتی و زیارتنامه آن حضرت را خواندی روی قبر مبارک آن بزرگوار می‌افتی و آن را می‌بوسی و می‌گویی: «بِأَبی و

۱. نساء، ۶۴.

۲. یوسف، ۹۷.

۳. یوسف، ۹۸.

أُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ...»^۱

باید گفت که شیعیان از روی احترام و تعظیم و بزرگداشت بزرگان دین چنین می‌کنند نه اینکه از روی پرستش، چنین عملی را انجام دهند و دیگران هم از روی احترام، قرآن و حجر الاسود را می‌بوسند و دلیل دیگر اینکه چون از طرف شارع مقدس منعی از آن نشده است، این کار جایز می‌باشد و باید گفت شیعیان از روی علاقه و محبت به اولیای خدا چنین عملی را انجام می‌دهند و به جهت اینکه احترام به خدا می‌باشد ثواب هم دارد.

❁ چرا بعضی از شیعیان در مقابل قبور پیامبر و ائمه معصومین سجده می‌روند و حال اینکه سجده برای غیر خدا جایز نمی‌باشد؟

باید گفت که این سجده، سجده شکر است و حتی علاوه بر اینکه گناه ندارد، ثواب و فضیلت هم دارد.

و از این جهت سجده شکر است که می‌خواهند بگویند: که خداوند تو را شکر می‌کنیم که به ما توفیق زیارت اولیای خودت را عطا نمودی و شیعیان خودشان، خوب می‌دانند که اگر سجده در مقابل قبور پیامبر و ائمه معصومین برای تعظیم و احترام به آنها باشد، حرام می‌باشد.

❁ چرا شیعیان قائل به این هستند که «بسم الله الرحمن الرحيم» جزو سوره است؟ چند دلیل دارند:

۱. از حضرت علی علیه السلام سؤال شد آیا بسم الله الرحمن الرحيم جزو سوره «فاتحة الكتاب» است فرمود: «آری رسول خدا آنرا می‌خواندند و یک آیه می‌شمردند و می‌فرمودند: فاتحة الكتاب همان سبع مثانی است» (یعنی هفت آیه‌ای که دو بار نازل شده است) بنابر این اگر «بسم الله الرحمن الرحيم» جزو آن نباشد سوره فاتحه ست مثانی می‌شود.

۲. قول صحابه که چون معاویه در نماز بسم الله الرحمن الرحيم را ترک کرد گفتند: «أَسْرَقْتَ أُمَّ نَسِيتَ؟» یعنی: آیا بسم الله را دزدیدی یا فراموش کردی؟

۳. بنابر روایتی مهم ترین آیه قرآن، «بسم الله الرحمن الرحيم» است.

۴. فخر رازی حدود هفده دلیل آورده بر اینکه بسم الله الرحمن الرحيم جزو سوره است.

شهید مطهری در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسائی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء طاووس، فخر رازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می‌کند که بسم الله را جزء سوره می‌دانستند.^۲

۱. ستارگان درخشان، ج ۵، ص ۱۷۸-۱۷۷.

۲. ستاد تفسیر قرآن، ص ۱۱-۱۲.

❖ چرا شیعیان و بسیاری از مسلمانان دیگر زیارت قبور معصومین را جایز می‌دانند؟

در روایات آمده که شخص پیامبر ﷺ گاه به زیارت اهل قبور می‌رفتند و در بقیع بر آنها سلام و درود می‌فرستادند.^۱

روایاتی است که زیارت قبور مؤمنین خصوصاً پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام را مستحب می‌داند. زیارت قبور پیامبران و ائمه فوایدی دارد از جمله: ۱- ثواب زیادی دارد مخصوصاً زیارت امام حسین علیهما السلام که معادل چندین حج و عمره مقبوله است ۲- از این راه به آنها ابراز محبت و علاقه می‌شود ۳- پیروی کردن از راه نورانی آنها ۴- زنده نگه داشتن یاد و راهشان ۵- زیارت قبور وسیله خوبی برای عبرت گرفتن است.

❖ چرا شیعیان در وضو دستها را از مرفق (آرنج) تا سر انگشتان می‌شویند؟

استاد بزرگوار آیت الله مکارم (حفظه الله) می‌فرمایند: در آیه وضو «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق» حدّ دست که باید در وضو شسته شود، «تا آرنج» ذکر شده زیرا مرافق جمع «مرفق» به معنی «آرنج» است، و چون هنگامی که گفته شود دست را بشوئید ممکن است به ذهن چنین برسد که دستها را تا مچ بشوئید، زیرا غالباً این مقدار شسته می‌شود، برای رفع این توهّم می‌فرماید، تا آرنج بشوئید (الی المرافق). پس کلمه «الی» در آیه فوق تنها برای بیان حدّ شستن است نه کیفیت شستن، که بعضی توهّم کرده اند. بنابر این مقداری از دست که باید شسته شود در آیه ذکر شده، و اما کیفیت آن در سنت پیامبر (ص) که بوسیله اهل بیت به ما رسیده است آمده است و آن شستن آرنج است به طرف سر انگشتان.^۲

بنابر کلام معصومین (علیهم السلام) که مفسران حقیقی قرآن هستند «الی» در «الی المرافق» به معنای «مع» است و می‌خواهد مقدار و حدّ شستن را برساند نه اینکه خواسته باشد جهت و طرف شستن را مشخص کند و هر عاقلی می‌داند که شستن دستها از بالا به پایین (از آرنج به طرف انگشتان) به نظافت و پاکیزگی نزدیک‌تر و مناسب‌تر می‌باشد.

❖ چرا شیعیان گویند وضو گرفتنشان مانند وضوی رسول خداست؟

در وسائل الشیعه آمده مردم به امام باقر (ع) گفتند شما یک وضویی مانند وضوی رسول خدا (ص) بگیرید ایشان اول صورت را بعد دست راست را از آرنج تا سر انگشتان بعد دست چپ را از آرنج تا سر انگشتان شستند بعد مسح سر و بعد مسح پای راست سپس مسح پای چپ را انجام دادند.^۳

۱. اعتقاد ما، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۲. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۰۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۲.

❖ چرا شیعیان در وضو پاها را مسح می‌کنند؟

زیرا شیعیان معتقدند: در آیه وضو «أَرْجُلُكُمْ» عطف بر «وُجُوهَكُمْ» نمی‌شود (بخلاف اهل سنت) بلکه عطف بر «رِئُوسُكُمْ» می‌شود پس همانطور که سر باید مسح شود، پاها نیز باید مسح شود.

استاد بزرگوار آیت الله مکارم (حفظه الله) می‌فرمایند: قرار گرفتن «ارجلکم» در کنار «رؤوسکم» گواه بر این است که پاها نیز باید مسح شود نه اینکه آن را بشویند. «ارجلکم» بفتح لام قرائت شده بخاطر آن است که عطف بر محل «برؤوسکم» است نه عطف بر «وجوهکم».^۱

❖ چرا شیعیان در اذان و اقامه «شهد ان علیاً ولی الله» را اضافه می‌کنند آیا بدعت نمی‌باشد؟

قبل از هر چیز باید به این نکته مهم توجه داشته باشیم که شهادت به ولایت حضرت علی (ع) «شهد ان علیاً ولی الله» هیچ گاه جزء اذان نبوده است. فقها نیز در کتاب‌های فقهی خود، یادآور شده‌اند که نایستی کسی این شهادت را به نیت جزء اذان بگوید. ولی مستحب است که انسان به دنبال شهادت به رسالت پیامبر (ص) این شهادت را نیز ذکر کند؛ و آن را جزء اذان به حساب نیاورد. حضرت آیت الله سید اسماعیل مرعشی در کتاب اهمیت اذان و اقامه و سومین شهادت، دو حدیث را از کتاب «السلافة فی امر الخلافة» که اثر محقق و دانشمند بزرگ اهل سنت شیخ عبدالله مصری است نقل می‌کند و از این دو حدیث برمی‌آید که شهادت سوم (شهد ان علیاً ولی الله) از زمان رسول خدا (ص) وجود داشته است. ۱. سلمان فارسی در عصر پیامبر در اذان و اقامه بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر (ص) به ولایت امیرمؤمنان علی (ع) نیز شهادت می‌داد. یکی از اصحاب به محضر رسول خدا (ص) رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا، امروز موضوعی را شنیدم که قبلاً نشنیده بودم. پیامبر (ص) فرمود: آن موضوع چیست؟ او عرض کرد: سلمان اذان می‌گفت. شنیدم او بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر به ولایت علی (ع) گواهی داد، این ماجرا بعد از حجة الوداع پس از ماجرای غدیر رخ داد. پیامبر فرمود: «سَمِعْتُمْ خَيْرًا» یعنی: چیز خوبی شنیده‌اید.

نیز در مورد ابوذر غفاری روایت شده، یکی از اصحاب نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! ابوذر در اذان بعد از شهادت به رسالت پیامبر (ص) به ولایت علی (ع) شهادت می‌دهد و می‌گوید: «شهد ان علیاً ولی الله» پیامبر فرمود: «كَذَلِكَ أَوْ نَسِيتُمْ قَوْلِي فِي غَدِيرِ خُمٍ مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ فَمَن يَنْكُثُ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» یعنی: همین گونه است. مگر سخن مرا در

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۰۳.

غدير خم فراموش کرده ايد که گفتم هر کس من رهبر او هستم پس علی عليه السلام رهبر او است. هر کس پيمان را بشکند قطعاً به خودش آسیب رسانده است. در هر حال حضرت علی عليه السلام به حکم آیه «انما وليکم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يوتون الزکوة و هم راکعون» از اولياء الهی بر مسلمين است و شهادت دادن بر ولاء علی عليه السلام به حکم آیه، بدون آن که آن را جزء اذان بدانيم کاری است محبوب.

ولایت علی عليه السلام یکی از اصولی است که آیه «انما وليکم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يوتون الزکوة و هم راکعون» بدان تصریح نموده است و شیعیان هم به قصد جزئيت نمی گویند (بلکه از روی تبرک و تيمّن چنین ذکرى را می گویند) و در کنار شهادت به رسالت پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله و سلم شهادت به ولایت علی عليه السلام می دهند.^۱ نتیجه اینکه شیعیان از آیه «ولایت» و حدیث «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، اشهد ان علیاً ولی الله را استفاده می کنند و آن را شعار خود قرار داده و آنرا در اذان و اقامه بکار می گیرند.

❁ چرا شیعیان قائل به عدالت همه صحابه پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم نیستند؟

چون قرآن در سوره براءت و نور و منافقین از منافقانی سخن می گوید که در لابلای اصحاب پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم بودند از طرف دیگر از اصحاب پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم کسانی بودند که آتش جنگ را بعد از پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم در میان مسلمين روشن کردند و بيعت خود را با امام و خليفه وقت شکستند و اگر هر دو طرف را درستکار و منزّه بدانيم قائل به تضاد شده ايم.^۲

❁ چرا شیعیان به عدم عصمت زنان پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله و سلم قائل می باشند؟

چون اگر زنان پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم دارای عصمت و مصون از خطا و لغزش و فکر گناه بودند هرگز خداوند در قرآن نمی فرمود: «يا ايها النبی! لم تحرم ما احل الله لک تبغی مراضات ازواجک» یعنی ای پيامبر گرامی برای چه آنرا که خدا بر تو حلال فرموده تو بر خود حرام کردی تا زنانت را از خود خشنود سازی و در تفسیر این آیه آمده پيامبر به خاطر قضیه ای همسر خود ماریه را برای خشنودی همسر دیگر خود حفصه بر خود حرام کرد و بعد حضرت بر عایشه نیز سوگند خورد که ماریه را ترک گوید لذا آندو زن (حفصه و عایشه) شاد شدند و این آیه نازل گردید و چون لغزشی از آنها سر زد خداوند می فرماید: «ان تتوبا فقد صغت قلوبکما» یعنی اگر هر دو زن (دو زن پيامبر) بدرگاه خدا توبه کنید رواست البته دلهاي شما خلاف رضای پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم میل

۱. در طریق وحدت اسلامی، ص ۱۹.

۲. اعتقاد ما، ص ۸۵.

کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید خدا یار و نگهدار اوست.^۱
 زنان پیامبران دیگر نیز معصوم نبودند و بعضی از آنها طبق گفته قرآن اهل نار هستند مانند همسر نوح و لوط. قرآن در باره ایندو می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نوح و امْرَأَةً لوط» یعنی خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت فرمان دو بنده صالح ما بودند و به آنها خیانت کردند و آندو پیامبر نتوانستند آنها را از قهر خداوند برهانند و قرآن گوید: «و قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» یعنی: حکم شد که آندو زن با دوزخیان به آتش داخل گردند.

❁ چرا شیعیان قائل به ولایت فقیه هستند؟

چون همان دلیلی را که بر وجوب نصب نبی و وصی می‌آورند (که خداوند حکیم، امت را بدون رهبر و سرپرست رها نکرده است) همان دلیل را بر نصب ولی فقیه در زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌آورد و گویند: خداوند در زمان غیبت، امت را به حال خود رها نکرده است و هیچگاه هم راضی نیست که احکام و دستورات دینی تعطیل گردد.
 دلیل عقلی و نقلی بر ولایت فقیه در زمان غیبت عبارت است از:

اما دلیل عقلی: برهان ضرورت نظم در جامعه اسلامی است که بواسطه فقیه عادل بوجود می‌آید. و اما دلیل نقلی مانند حدیث امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «اَلْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْاَنْبِيَاءِ» و در فقه رضوی آمده: «مَنْزِلَةُ الْفَقِيْهِ فِيْ هَٰذَا الْوَقْتِ كَمَنْزِلَةِ الْاَنْبِيَاءِ فِيْ بَنِي اِسْرَآئِيْلَ».^۲
 یعنی: جایگاه ولی فقیه در این زمان، همانند جایگاه انبیا در بنی اسرائیل می‌باشد.

❁ چرا شیعیان گویند این حدیث نمی‌تواند صحیح باشد که «هر کسی بدنش با بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله تماس گرفته است آتش جهنم بر او حرام است»؟

قرآن این گفته را رد می‌کند به جهت اینکه زن لوط و نوح با اینکه بدنشان با بدن پیامبر تماس گرفته بود قرآن در باره آنها گوید: «قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» یعنی: با جهنمیان وارد جهنم شوید. و دیگر اینکه خداوند معیار نیک و بد بودن افراد را عمل صالح و تقوا قرار داده است نه عنوانهای ساختگی.

❁ چرا شیعیان در نماز بعد از سوره حمد «الحمد لله رب العالمین» می‌گویند؟

چون می‌گویند: در سوره حمد دعایمان «اهدنا الصراط المستقیم» مستجاب شده و به راه راست هدایت شده‌ایم و از این جهت خدا را حمد و سپاس می‌گوییم.

۱. حاشیه قرآن کریم، انتشارات سنائی و دارالقرآن الکریم.

۲. ولایت فقیه، ص ۱۷۹-۱۷۸.

❁ چرا شیعیان نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم می‌خوانند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را در یک مکان بدون عذر و سبب با هم بجا آوردند و قصد حضرت از این کار این بود که مسلمانان در وسعت قرار بگیرند و به زحمت نیفتند.^۱
اجازه جمع از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای ملاحظه حال اشخاصی است که در زحمتند.
در صحیح ترمذی از ابن عباس چنین نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در شهر مدینه بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا جمع کرد در حالی که نه ترسی بود و نه بارانی و ابن عباس گوید: برای این بود که امت خود را به زحمت نیفکند.^۲

استاد گرامی آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله) می‌فرماید: در این عصر و زمان که زندگی شکل پیچیده‌ای به خود گرفته مقید بودن به پنج وقت جداگانه نماز سبب شده است که بعضی نماز را به کلی ترک کنند بنابراین، ترخیص پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تواند سبب پایداری بیشتر در امر نماز شود.^۳

❁ چرا یکی از علامت شیعه آن است که انگشتر را بدست راست کند؟

از امام کاظم علیه السلام سؤال کردند که به چه علت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر را به دست راست می‌کردند حضرت فرمودند چون آن حضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامه‌هایشان را به دست راستشان می‌دهند و این علامتی است برای شیعیان ما که با این علامت ایشان را می‌شناسند.

از طرفی چون با دست چپ تطهیر می‌کنند بهتر است انگشتر در دست راست باشد.^۴

❁ چرا به اعتقاد ما شیعیان شب قدر یا شب ۱۹ یا ۲۱ و یا به احتمال قوی شب ۲۳ ماه

مبارک رمضان است؟

شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب «مفاتیح الجنان» می‌فرماید: شب ۲۱ فضیلتش زیادتر از شب نوزدهم است و در روایات تاکید شده در غسل و احیاء و جَدّ و جهد در عبادت در شب ۲۱ و ۲۳ و آنکه شب قدر یکی از این دو شب است و در چند روایت است که از یکی از معصومین (علیهم السلام) سؤال کردند که معین فرمایید که شب قدر کدام یک از این دو شب است، ولی تعیین نکردند بلکه فرمودند: «ما ایسر لیلین فیما تطلب» یا آنکه فرمودند: «ما علیک ان تفعل خیراً فی لیلین».^۵

۱. علل الشرائع، ص ۳۲۱.

۲. اعتقاد ما، ص ۱۰۵.

۳. اعتقاد ما، ص ۱۰۵.

۴. حلیة المتقین، ص ۱۵.

۵. مفاتیح الجنان، ص ۴۶۱.

دلیل ما بر اینکه شب قدر، شب ۲۳ است آن است که اعمال و عبادات در این شب نسبت به شبهای قبل بیشتر است به عنوان مثال در شب ۲۳ ماه مبارک دو غسل یکی سر شب و دیگری در طرف سحر مستحب است که چنین استجابی در هیچ یک از شبهای سال حتی در شبهای ۱۹ و ۲۱ رمضان نیست. و علاوه بر اعمال شبهای ۱۹ و ۲۱ سوره دخان و روم و عنکبوت رسیده است. و در روایات هم رسیده است که این شب از شبهای سابق افضل است و این شب شب جهنمی است.^۱

و از طرفی شب ۱۹ شب ضربت خوردن فرقی نازنین حضرت علی (ع) و شب ۲۱ شب شهادت حضرت علی (ع) است و چون از قرآن و روایات استفاده می شود که شب قدر، شب مبارکی است مناسبت ندارد که شب قدر باشند روی این حساب شب قدر، شب ۲۳ ماه مبارک رمضان می باشد و از لحاظ اینکه ليله مبارکه است باید شبی باشد که شیعیان ذهنشان از همه چیز خالی و فارغ باشد.

❁ چرا شیعیان شفاعت را قبول دارند؟

زیرا آیاتی از قرآن شفاعت را تأیید می کند مانند «مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَذْنِهِ» و «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» و اگر آیه ای از قرآن مانند این آیه گوید: «مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ فِيهِ وَ لَا خَلَّةٌ وَ لَا شَفَاعَةٌ» منظور شفاعت استقلالی و بدون اذن خدا می باشد و یا در باره کسانی است که قابلیت شفاعت را ندارند.

و از طرفی مسأله شفاعت وسیله مهمی برای تربیت افراد و بازگرداندن گنهکاران به راه راست و تشویق به پاکی و تقوا و احیای امید در دل آنان می باشد چرا که مسأله شفاعت بی حساب و کتاب نیست تنها شفاعت در مورد کسانی است که شایستگی آن را داشته باشند یعنی آلودگی آنها در حدی نباشد که رابطه خود را با شفیعان به کلی قطع و تمام پل ها را پشت سر خود خراب کرده باشند.

و همان طور که توبه و حسنات سبب آمرزش گناهان می شود شفاعت بزرگان دین هم سبب آمرزش معاصی و گناهان می گردد.^۲

شفاعت، جرأت دادن بر گناه نیست، بلکه روح امید را در گنهکاران دمیدن است و عشق به بازگشت را در آنها نهادن، تا بدین وسیله در خود لیاقتی فراهم آرند و آن را با طلب دیگران جفت کنند و شفیع گردانند و به فوزی برسند.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۴۲۶.

۲. اعتقاد ما، ص ۳۶-۳۵.

از جمله فوائد شفاعت ۱. ایجاد امید و مبارزه با روح یأس ۲. ایجاد رابطه معنوی با اولیای دین.
❁ چرا شیعیان اعتقاد دارند که شفاعت کبری از آن محمد و آل محمد (علیهم صلوات الله) است؟

زیرا اصل شفاعت مال محمد و آل اوست و سایر شافعین شعبه ای از این اصلند مثلاً از جمله شفعاء، علماء عاملین هستند که عده ای ببرکت آنها به بهشت راه پیدا می کنند، زیرا ایشان ریزه خواران خوان محمد و آل اند و همچنین از جمله شفیعیان، مؤمنین اند، اینها نیز آبرو را از کجا آوردند جز از پیروی محمد و آل؟ یا مثلاً سادات که از شفعیای قیامت اند، آیا جز اینست که از رگ و ریشه این دودمانند؟ و همچنین قرآن و مساجد که آنها هم آثار محمد و آل او هستند.^۱

❁ چرا در بعضی از آیات قرآن شفاعت نفی شده است؟

در دو جای قرآن شفاعت نفی شده^۲ ولی خطاب قرآن به یهودیان خودخواهی است که طبق یک عقیده موهوم خیال می کردند یهودی ها هرگز به قهر خدا دچار نمی شوند، حتی اگر عذابی باشد تنها برای چند روزی است و گر نه نژاد یهود برترین نژاد و نور چشم نظام آفرینش است و در قیامت نیز مشمول لطف و شفاعت خداوند خواهند بود.^۳

❁ چرا شیعیان در ماه محرم مراسم سوگواری برای شهدای کربلا خصوصاً امام حسین (ع) برپا می کنند؟

چون این امر سبب زنده ماندن یاد آنها و خاطره فداکاریهای آنان در راه بقای اسلام است (در مراسم سوگواری، تاریخ زندگی آنها و رشادتهایشان تحلیل می شود و از اهداف آنها سخن به میان می آید).^۴

به قول شهید مطهری (ره) عاشورا روز تجدید حیات ماست. در این ایام حسّ امر به معروف و نهی از منکر، احساس شهادت، احساس جهاد، احساس فداکاری در راه حق یادآوری می شود.^۵

❁ چرا شیعیان در سوگ امام حسین (علیه السلام) و سایر شهدای کربلا گریه می کنند و اشک می ریزند؟

باید گفت که چند نوع گریه داریم: ۱. گریه آسیب دیدگی و احساس ناخوشایند ۲. اشک عاطفی مانند کودکی که از دوری مادرش بی تابی می کند و بالعکس ۳. اشک شوق که ناشی از اوج شادی

۱. معاد، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۲. بقره، آیه ۴۸ و ۱۲۲.

۳. معاد، ص ۳۳۲، محسن قرآنی.

۴. اعتقاد ما، ص ۱۰۹.

۵. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۲۰، مجید باقری.

است ۴. اشک حسرت و غبطه که گریه بر امام حسین (ع) از همین قبیل است که جز ترجمه عشق متعالی نیست و این یکی از بزرگترین عوامل تعالی شخصیت و عروج روح آدمی است.

❁ چرا قمه زنی در سوگ امام حسین (ع) حرام می باشد؟

قمه زنی فلسفه صحیح اسلامی ندارد و شروع آن قرن ها پس از حادثه عاشورا بوده است. و هیچ دلیل و مستند قابل قبولی برای آن وجود ندارد. و افرادی که برای مشروع جلوه دادن آن استناد به کار حضرت زینب (س) می کنند که سر خود را به چوبهء محمل زد باید گفت: اولاً؛ اینکه حضرت زینب سر خود را به چوبه محمل زده باشد، در کتب معتبر تاریخی نیامده و ساخته و پرداخته برخی افراد فاقد معلومات است، خصوصاً که محدث محقق حاج شیخ عباس قمی (ع) این مسأله را صحیح نمی داند. ثانیاً؛ چنانچه فرض کنیم که حضرت زینب به چنین عملی مبادرت کرده باشد، عمل ایشان در چنین موردی حجت شرعی نیست، چرا که تنها سیره و عمل پیامبر (ص) و ائمه معصومین می تواند ملاک عمل باشد. ثالثاً؛ اگر آن خبر صحت داشته باشد (که ندارد) ممکن است آن حضرت بدون اختیار و در اثر فشار و اندوه به چنین عملی مبادرت کرده باشد. در این صورت نیز این عمل قابل احتجاج نیست و نمی تواند ملاک عمل دیگران باشد.

❁ چرا گاهی شیعیان بدون سبب ظاهری محزون و یا مسرور می شوند؟

به جهت آن ارتباطی که با ائمه خود دارند و چون شیعه از زیادی طینت اهل بیت خلق شده اند ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند امام صادق (ع) می فرمایند: «شِيعَتُنَا خُلُقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا» یعنی: شیعیان ما از زیادی طینت و سرشت ما خلق شده اند و با شادی ما شاد، و با اندوه ما اندوهگین می شوند.

❁ چرا شیعیان در نماز بر روی مهر سجده می کنند؟

به چند دلیل ۱. پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهُوراً» یعنی: زمین سجده گاه و مایه پاکیزگی برای من گردیده است. ۲. سجده نمودن بر زمین بالاتر و بهتر است چون با فروتنی و خضوع در برابر خدای بزرگ، تناسب بیشتری دارد ۳. ام سلمه از پیامبر (ص) روایت می کند که ایشان فرمودند: «تَرَبُّ وَ جَهْكَ لَلَّه» یعنی: رخسار خود را برای خدا بر خاک بگذار.^۱

و چون در این زمان فرش و موکت و... می باشد، شیعیان از زمین مثنی خاک (مهر) یا سنگی بر می دارند تا بتوان گفت بر زمین و اجزای آن سجده کرده اند و صحیح نیست که گفته

۱. در طریق وحدت اسلامی، ص ۸۲-۷۸.

شود شیعه مهر را سجده می‌کند بلکه شیعه بر روی مهر برای خدا سجده می‌کند. اگر سجده بر خاک علامت پرستش خاک است پس شما هم که بر فرش سجده می‌کنید فرش را می‌پرستید. از دیدگاه ما و نیز اهل سنت، بهترین سجده، بر زمین است و یا بر آنچه که از زمین می‌روید و غیر خوراکی و پوشاکی می‌باشد.

❁ چرا شیعیان زادروز پیامبر اسلام ﷺ و یا ائمه را جشن می‌گیرند؟
 زیرا ۱. بر پایی مراسم ابراز محبت است. آیه قرآن گوید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» یعنی: بگو که بر این مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی با اهل بیت.
 ۲. برپایی مراسم، تعظیم به پیامبر ﷺ است و آیه قرآن گوید: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ» یعنی: پس کسانی که به او ایمان آورده و او را گرامی داشتند.
 ۳. برپایی مراسم، تأسی و پیروی از پروردگار است که خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» یعنی: و یاد تو را برای تو رفیع قرار دادیم.
 ۴. سیره مسلمانان چنین است.^۱

❁ چرا شیعیان در موسم سوگواری ابا عبد الله الحسین علیه السلام لباس سیاه می‌پوشند و حال اینکه پوشیدن لباس سیاه مکروه است؟

پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه چون از مصادیق تعظیم شعائر الله است واجد رجحان شرعی می‌باشد. و عملاً بزرگانی چون آیت الله بروجردی رحمه الله در روز عاشورا از قبای سیاه استفاده می‌کردند. پوشیدن لباس سیاه به عنوان اعلان حزن و اندوه در مصیبت امام حسین علیه السلام و ائمه رجحان دارد.^۲

❁ چرا شیعیان مراسم چهلم می‌گیرند؟
 ممکن است منشأ مجالس اربعین (چهلم) برای اموات مؤمنین این روایت نبوی باشد که می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْأَرْضَ لَتَبْكِي عَلَى الْمُؤْمِنِ إِذَا مَاتَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً»^۳ یعنی ای ابوذر هنگامی که مؤمنی از دنیا می‌رود، زمین تا چهل روز برای فقدان او گریان و عزادار است.

❁ چرا شیعیان عدد چهل را مقدس می‌دانند؟
 چون واژه اربعین در متون دینی و مجموعه‌های حدیثی از ارزش والایی برخوردار است. آثار

۱. در طریق وحدت اسلامی، ص ۱۲۸-۱۲۵.

۲. جامع الاحکام صافی، ج ۲، ص ۱۳۰، و هزار و یک مسأله آیه الله توری، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۵.

حفظ چهل حدیث، اخلاص عمل در چهل روز و دعای عهد در چهل صبح، کمال عقل در چهل سالگی، دعا برای چهل مؤمن، شهادت چهل مؤمن برای میت، برگزاری عبادت در چهل شب چهارشنبه برای دیدار با حضرت ولی عصر علیه السلام و بعثت انبیا در چهل سالگی، از جمله مواردی است که ارزش و جایگاه این اصطلاح اسلامی و عرفانی را مشخص می‌سازد.

«اربعین» از اصطلاحات رایجی است که در متون اسلامی کاربرد زیادی دارد، از جمله: ۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر گاه مؤمنی از دنیا برود و چهل مؤمن گواهی به خوب بودن او بدهند، خدا می‌فرماید: «من همه گناهان او را بخشیدم.»^۱ ۲- کسی که شراب بخورد تا چهل شبانه روز عبادتش قبول نمی‌شود ۳- کسی که چهل شب چهارشنبه به مسجد کوفه یا جمکران برود تا حضرت مهدی علیه السلام را ملاقات کند به خواسته خود می‌رسد. ۴- کسی که زیارت عاشورا را چهل روز بخواند حاجتش روا گردد. ۵- کسی که چهل صباح دعای عهد امام زمان را بخواند از یاوران حضرت قرار می‌گیرد. ۶- در نماز شب مستحب است که چهل مؤمن را دعا کنند. ۷- رسول خدا می‌فرماید: «هنگامی که مؤمنی از دنیا می‌رود زمین تا چهل روز برای فقدان او گریان و عزادار است.»^۲ ۸- امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «کسی که چهل روز عملش را خالص کند چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود.»^۳ ۹- در چهل سالگی که مستحب است انسان عصا بدست گیرد. روایت گوید: «مَنْ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَمْ يَأْخُذْ الْعَصَا فَقَدْ عَصَى.» یعنی: کسی که به سن چهل سالگی برسد و عصا بدست نگیرد به تحقیق عصیان نموده است. (گفته شده منظور از این عصا، احتیاط است. یعنی: ای فردی که به سن چهل سالگی رسیدی باید برنامه زندگی و همه چیز تو محتاطانه باشد تا مرتکب گناه نشوی).

۱۰- چهل شب که حضرت موسی علیه السلام به میقات با پروردگار خود رفت «فَتَمَّ مِيقَاتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» ۱۱- قرآن می‌فرماید: «این سرزمین مقدس تا چهل سال (بخاطر نافرمانی) بر آنها ممنوع خواهد بود و آنان همواره در مدت چهل سال در این بیابان سرگردان هستند.» ۱۲- در روایت آمده است که اکثر انبیاء در چهل سالگی به رسالت مبعوث شده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که چهل سالش کامل گردید به پیامبری رسید.»^۴

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۷۸۷.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۷۸۷.

۴. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۵.

۵. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۴.

۶. رساله سیر و سلوک، بحر العلوم، ص ۲۷۱.

۷. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۴.

۱۳- رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «هر کس از امت من چهل حدیث از احادیث دینی را حفظ کند و یا به امت من یاد دهد، خداوند او را در روز قیامت به عنوان فقیه و دانشمند محشور خواهد کرد.»^۱ ۱۴- امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که به چهل سالگی برسد فرشته‌ای از سوی خداوند ندا می‌دهد که هنگام سفر نزدیک است زاد و توشه را مهیا کن. ۱۵- رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «هر کس چهل روز از خوردن گوشت خودداری کند، اخلاقش بد خواهد شد.» ۱۶- رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «تا چهل خانه از چهار سوی منزل یک مسلمان، از رو به رو، پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ، همسایه یک مسلمان به شمار می‌آید.» ۱۷- رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «زمین از بول فردی که ختنه نشده تا چهل روز آلوده می‌ماند.» ۱۸- حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «اگر من در روز بیعت چهل یاور گوش به فرمان داشتم با آنان مقابله و مجاهده می‌کردم.» ۱۹- امام باقر علیه السلام کسی که جنازه‌ای را از چهار طرف حمل می‌کند، خداوند متعال چهل گناه کبیره او را خواهد بخشید.» ۲۰- امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس چهل نفر از مؤمنین را در دعا کردن بر خود مقدم بدارد، سپس حاجات خود را بطلبد، دعای او به اجابت خواهد رسید.» ۲۱- امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اگر گروهی چهل نفره جمع شوند و خدای خویش را بخوانند، مطمئناً دعای آنان مستجاب خواهد شد.»^۲

❁ چرا شیعیان به هنگام صلوات بر محمد، آل او را نیز اضافه می‌کنند؟

زیرا پیامبر اسلام ﷺ شیوه درود فرستادن بر خود را به مسلمانان آموخته است هنگامی که آیه «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما» نازل شد، مسلمانان عرض کردند یا رسول الله چگونه صلوات بفرستیم پیامبر ﷺ فرمودند: بگویید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» و فرمودند: «لَا تُصَلُّوا عَلَی الصَّلَوةِ الْبِتْرَاءِ» یعنی بر من صلوات ناقص نفرستید.^۳

❁ چرا ما بر پیامبر ﷺ و اهل بیت او صلوات می‌فرستیم و حال اینکه نیازی به درود و صلوات ما ندارند؟

علامه طباطبائی رحمه الله به فردی که چنین سؤالی از ایشان پرسیده بود فرمودند: صلواتی که ما می‌فرستیم اولاً از خودمان چیزی اهدا نمی‌کنیم بلکه به خدا عرض می‌کنیم و از او می‌خواهیم که بر پیامبر و خاندانش رحمت ویژه بفرستد و ثانیاً گر چه این خاندان نسبت به ما محتاج

۱. اجتهاد در مقابل نص، ص ۱۵۶، عبدالحسین شرف الدین.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۳. در طریق وحدت اسلامی، ص ۱۳.

نیستند ولی به ذات اقدس اله نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آنها نازل شود. ما با این صلوات در واقع خود را به این خاندان نزدیک کرده‌ایم.^۱

❁ چرا شیعیان مُتَعَه و صیغه را جایز می‌دانند ولی اهل سنت جایز نمی‌دانند؟

باید گفت چه شیعه و چه سنی اصل جواز متعه را قبول دارند ولی اختلاف در این است که شیعه گوید این جواز تا روز قیامت باقی است ولی اهل سنت گویند: این جواز نسخ شده و عُمَر خلیفه دوم آن را حرام کرده است.

باید گفت که شیعیان هم از قرآن و هم از روایات معصومین دلیل بر مدّعی خود دارند و جامعه بشری هم چنین چیزی را اقتضا می‌کند.

❁ چرا شیعیان مُتَعَه را تا روز قیامت جایز می‌دانند؟

چند دلیل دارند:

۱. قرآن گوید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» و این آیه هرگز نسخ نشده است.

۲. پیامبر اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت و صحابه به آن عمل می‌کردند.

۳. منع و تحریم «عُمَر» از متعه می‌رساند که حلال بودن متعه تا زمان او مسلم بوده است و مسلمانان به آن عمل می‌کردند و اگر متعه از جانب خدا یا رسول خدا منسوخ یا حرام شده بود البتّه عُمَر به آن حدیث یا آیه تمسک می‌کرد و آن را سند می‌ساخت و می‌گفت که خدا یا رسول خدا ﷺ چنین حکمی را داده‌اند و نمی‌گفت که من متعه را حرام می‌کنم.^۲

استاد گرامی آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله) می‌فرمایند: باید گفت ازدواج موقت اگر مورد سوء استفاده واقع نشود، پاسخگوی قسمتی از ضرورت‌های اجتماعی در مورد جوانانی است که قادر به ازدواج دائم نیستند، یا مسافرانی که به خاطر کارهای تجاری و اقتصادی یا تحصیلی یا جهات دیگر مدتی از خانواده خود دور می‌مانند و مبارزه با ازدواج موقت راه را برای توسعه فحشا در میان این گروه‌ها باز می‌کند.^۳

«ازدواج دائم» نه در گذشته و نه در امروز به تنهایی جوابگوی نیازمندی‌های جنسی همه طبقات مردم نبوده و نیست، و ما بر سر دو راهی قرار داریم یا باید «فحشاء» را مجاز بدانیم و یا طرح ازدواج موقت را بپذیریم.^۴

۱. ره توشه جوانان، سال ۱۳۸۱، ص ۱۹۹.

۲. حلیة المتقین، ص ۵۴۶.

۳. اعتقاد ما، ص ۱۱۵-۱۱۲.

۴. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم (حفظه الله)، ص ۴۹۲.

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: هر که متعه کند زن مؤمنه را چنان باشد که زیارت کرده باشد خانه کعبه را هفتاد بار و هر که ترک کند متعه را بی نصیب است از شفاعت من.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: متعه دین ما و دین آباء ما است پس هر که عمل به آن کند بدرستی که عمل کرده است بدین ما و هر که انکار کند به تحقیق که منکر شده است دین ما را و معتقد است بغیر دین ما.^۲

شخصی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد که از برای مردی که متعه می‌کند ثواب است؟ حضرت فرمود: اگر اراده کند به متعه رضایت حقتعالی و مخالفت کسی که منع کرد متعه را تکلم نمی‌کند به کلمه‌ای مگر آنکه می‌نویسد خداوند از برای او حسنه‌ای و هر گاه به او دست کند از برای او حسنه‌ای است و همینکه با او مقاربت کند و فارغ شود می‌آمرزد خدا گناهان او را و چون غسل کند به عدد هر مؤئیکه بر آن گذشته خداوند گناهی را از او می‌آمرزد.^۳

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «اگر پسر خطاب (عمر) ازدواج موقت را حرام نمی‌کرد، کسی زنا نمی‌کرد مگر آنکه پست و شقی باشد».^۴

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: وقتی مرا به معراج بردند، جبرئیل از طرف خداوند پیغام آورد که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: همانا زنان امت تو را که به ازدواج موقت در آیند، می‌بخشم.^۵

امام صادق علیه السلام به اسماعیل بن فضل هاشمی فرمود: آیا از موقعی که (به قصد مسافرت) از خانواده دور شده‌ای، ازدواج موقت نموده‌ای؟ عرض کرد: نیازی ندارم. حضرت فرمود: اگرچه از این عمل بی‌نیازی و احتیاج نداری، لکن به خاطر زنده کردن سنت پیامبر ﷺ دوست دارم آن را انجام بدهی.^۶ باید گفت در این زمان این سنت حسنه نسبتاً متروک گشته و بعضی از شیعیان از آن بدون سبب متنفر هستند و آن را قبیح می‌شمارند و به قول مؤلف کتاب «پیوند کوتاه و مقدس»: ابزارهای حکومتی قدرت نیز در دست مسئولانی است که از نظر سنی در دورانی به سر می‌برند که هیجانات شهوانی شان سیر نزولی خود را طی می‌کند و بدین سبب، از هیجانات تند جنسی جوانان غافلند. از طرفی چقدر زیادند افرادی که به خاطر دسترسی نداشتن به ازدواج دائم و موقت دست به چه نقشه‌های شومی می‌زنند تا به خواسته غریزه جنسی خود برسند.

۱. انوار المجالس، ص ۲۹۹.

۲. انوار المجالس، ص ۲۹۹ - ملا محمد حسین ارجستانی.

۳. انوار المجالس، ص ۲۹۹، ملا محمد حسین ارجستانی.

۴. الغدير، ج ۶، ص ۲۰۶، و تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۱.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۲، حدیث ۴.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴۴، حدیث ۱۴.

❖ چرا خلفای بنی عباس مانند هارون و مأمون عباسی به امامان شیعه خطاب یابن عم (ای پسر عمو) می‌کردند؟

چون بنی عباس نسلشان به عباس بن عبدالمطلب بر می‌گردد و نسل امامان شیعه به عبدالله بن عبدالمطلب بر می‌گردد بنابر این فرزندان عبدالله بن عبدالمطلب پسر عموهای فرزندان عباس بن عبدالمطلب می‌شوند.

❖ چرا خلفای عباسی دستور دادند که آثار علمی یونانی و فارسی به زبان عربی ترجمه شود؟
آنها به منظور تقویت پایه‌های حکومتی خویش و ایجاد مکتبی جدید در مقابل مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) دستور چنین کاری را دادند.^۱

❖ چرا شیعیان همراه بودن ابوبکر را با پیامبر در غار فضیلتی برای ابوبکر به حساب نمی‌آورند؟

به چند علت: ۱. «لَا تَخْزَنُ أَنْ اللَّهَ مَعَنَا» می‌رساند که ابوبکر اندوهگین شد و حال اینکه اولیای خدا اندوهگین نمی‌شوند چون قرآن گوید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». ۲. اینکه پیامبر (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» یعنی خدا با ماست، دلیل بر این نیست که فقط خدا با پیامبر و ابوبکر است چون قرآن در جای دیگر گوید «وَهُوَ مَعَكُمْ» یعنی: خدا با همه شماست.

۳. ضمیر در سکینه به پیامبر بر می‌گردد نه به ابوبکر چنانکه اهل سنت می‌گویند چون آیه دیگری گوید: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ».

۴. پیامبر طبق مصلحتی دستور داده بودند که هیچکس آن شب از خانه بیرون نیاید و چون ابوبکر را بیرون دیدند از ترس آنکه کفار او را مجبور به افشای راز نکنند جبرئیل دستور داد که او را همراه خود به غار ببرد.^۲

حسنیه گوید: آیه «لَا تَخْزَنُ» که خطاب به ابوبکر است اگر محزون بودن ابوبکر طاعت و عبادت خدا بوده است پناه بر خدا که پیامبر (ص) کسی را از اطاعت و عبادت خدا جلوگیری نماید و اگر خوف و بیم ابوبکر از لحاظ سستی ایمان به خدا و رسول بوده باشد پس همراه بودن ابوبکر با پیامبر (ص) چه فضیلتی خواهد داشت.^۳

❖ چرا شیعیان گویند مراد از اهل بیت در قرآن «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل

۱. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۶۹.

۲. حلیۃ المتقین، ص ۵۲۱.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۳، ص ۱۵۵.

البیت «همسران پیامبر(ص) نمی‌باشند؟»

زیرا طبق آیه «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» اهل بیت معصوم هستند در حالی که برخی از زنان پیامبر(مرتکب معصیت شدند و آیه «و اذا اسر النبي الى بعض ازواجه حديثاً...»^۱ و «ان تتوبا الى الله فقد صغت قلوبكما و ان تظاهرا عليه»^۲ گواه بر این مطلب است. پس آیه شامل زنان آن حضرت نمی‌شود.^۳

❁ چرا سنی‌ها پیرو ابوبکر شدند؟

زیرا معتقدند که: اولاً: پیامبر کسی را خلیفه خود قرار نداد و ثانیاً: مردم او را به عنوان جانشین پیامبر قبول کردند و ثالثاً: چون او از همه صحابه مسن‌تر است، سزاوار خلافت می‌باشد.

❁ چرا بنابر قولی پدر ابوبکر خلافت ابوبکر را قبول ننمود؟

چون گفت: «ان كان الامر في ذلك بالسّن فانا احق من أبي بكر» یعنی اگر امر این چنین است که پسر ابوبکر به واسطه مسن‌تر بودن به خلافت رسیده پس من نسبت به پسر ابوبکر سزاوارتر هستم.^۴

❁ چرا خلفاء ثلاثه نوشتن احادیث پیامبر ﷺ را ممنوع کردند؟

تا صدها سال پس از رحلت پیامبر، یعنی تا زمان عمر بن عبدالعزیز همگان از نوشتن احادیث منع بودند. گفته‌ها خلفا این بود که کتاب خدا ما را کافی است و از آن جا که پیامبر(ص) مثل ما بشر بود، نیازی به سخنان ایشان نداریم و به این بهانه مانع از کتابت احادیث شدند. عامل اصلی این مسأله این بود که آنها مطامع و اهداف و برنامه‌هایی را در سر می‌پراندند که با روایات بسیاری که از پیامبر(ص) به جا مانده بود موافقت نمی‌کرد. از جمله در میان انبوه احادیث صادر شده از رسول اکرم(ص) بیانات ارزشمندی در وصف امیر مؤمنان علی(ع) بود که هر کدام به تنهایی برهانی قاطع بر حقانیت مولا علی(ع) بود.

ابوبکر دستور داد هر کس حدیث مکتوبی از رسول خدا(ص) در نزدش است بیاورد. سپس همه احادیث مکتوب را سوزاند و دستور داد هر کس حدیثی از رسول اکرم(ص) مکتوب داشته باشد مجازات شود و تحت نظر قرار گیرد. توجیه وی این بود که اولاً این احادیث را از قول

۱. تحریم، آیه ۳.

۲. تحریم، آیه ۴.

۳. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۱۶۸.

۴. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۸۷.

رسول خدا(ص) نشنیده ام و از صحت راویان اطمینان ندارم و ثانیاً حال که مدتی اندک از رحلت پیامبر گذشته است، در زمینه برخی احادیث اختلاف نظر وجود دارد، با این وجود چند سال آینده اوضاع چگونه می شود، ثالثاً کتاب خدا برای ما کافی است.^۱

❁ چرا عَمَر (خلیفه دوم) متعه (ازدواج موقت) را در زمان خلافتش حرام نمود؟

مرحوم کفعمی در بلدالامین از مفضل بن عمر نقل می کند که گفت: عمر در ایام خلافت روزی وارد منزل خواهرش عفرا شد دید کودکی را بروی زانوان خود گذاشته و شیر می دهد به او پرخاش و تندید کرد تو هنوز به خانه شوهر نرفته ای این طفل را از کجا آورده ای؟ گفت: متعه فلان شخص انصاری شده ام و این طفل از اوست. عمر بدنش لرزان شد و از کثرت غضب دهانش کف کرد و طفل را از بغل خواهرش کشید به مسجد برد و مردم را صدا زد چون مردم اجتماع نمودند، قضیه خواهرش را نقل کرد و گفت: از امروز به بعد من متعه را حرام می کنم و اگر کسی مخالفت نماید پهلوی او را با تازیانه سیاه می نمایم.^۲

❁ چرا سنی ها متعه را حرام می دانند؟

۱. بخاطر نهی عَمَر.^۳

۲. بعضی از آنها گویند: آیاتی که دلالت بر حلال بودن متعه دارد، نسخ شده است.

❁ چرا سنی ها در اذان «حی علی خیر العمل» را بر داشته اند؟

خلیفه دوم به تصور اینکه مردم با شنیدن آن گمان می برند که نماز بهترین عملها است و دیگر به سراغ جهاد نمی روند آن را حذف کرد و به همین حالت باقی ماند.^۴ از ابن عباس چنین سؤالی را کردند وی گفت: عمر چنین کرد تا مردم به نماز اتکال نکنند و جهاد را ترک ننمایند.^۵

❁ چرا سنی ها در اذان صبح بجای «حی علی خیر العمل»، «الصلاة خیر من النوم» گویند؟

گویند یکدفعه عمر خوابش برد و مؤذن آمد و گفت: «ای عَمَر! الصلاة خیر من النوم» یعنی نماز از خواب بهتر است. لذا عمر خوشش آمد و گفت از این به بعد این چنین اذن بگو.

۱. علی و قته ها، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲. صد و ده حکایت، ص ۲۲۵.

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲۲؛ المیزان ج ۴ ص ۴۷۲ به نقل از بیهقی در سنن و جصاص در احکام القرآن و متقی هندی در کنز العمال و سیوطی در الدر المنثور و رازی در تفسیرش و طرابلسی در مسندش؛ بلدالامین، کفعمی؛ صد و ده حکایت، ص ۲۲۵.

۴. در طریق وحدت اسلامی، ص ۲۰.

۵. غلل الشرایع، ص ۳۶۸.

❁ چرا سنی‌ها در وضو دستها را از پایین به بالا می‌شویند؟

زیرا آنها معتقدند که «الی» در آیه وضو «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» انتهای شستن را می‌رساند و از این فهمیده می‌شود که ابتدای شستن سر انگشتان و انتهای آن آرنج است.

❁ چرا سنی‌ها در وضو پاها را می‌شویند؟

زیرا آنها گویند: در آیه وضو «وَأَرْجُلَكُمْ» عطف بر «وُجُوهَكُمْ» است بنابراین همان طور که صورت باید شسته شود پاها را نیز باید شست.

❁ چرا سنی‌ها در نماز دستها را بر روی هم می‌گذارند؟

آنها می‌گویند: عمر دستور چنین کاری را داده است و قضیه از این قرار است که عمر دید مردم ایران جلوی پادشاه خود دست به سینه می‌ایستند لذا خوشش آمد و دستور داد که از این به بعد در نماز دست به سینه نماز بخوانند.

❁ چرا سنی‌ها در نماز بعد از حمد «آمین» (خدایا مستجاب کن) می‌گویند؟

چون گویند: در سوره حمد می‌گوییم «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و از خدا هدایت در راه راست را طلب می‌کنیم بنابراین در آخر سوره حمد آمین می‌گوییم یعنی: «خدایا این دعای ما را مستجاب کن».

❁ چرا سنی‌ها در نماز مهر بر نمی‌دارند و بر روی فرش هم سجده می‌کنند؟

آنها گویند: دستور است تا بر زمین سجده کنیم و فرش و موکت هم زمین هست پس اشکالی ندارد که بر روی آنها سجده کنیم.

❁ چرا اهل سنت بعد از اسم ابوبکر و عمر و عثمان «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» می‌گویند ولی بعد از اسم حضرت علی «كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ» گویند؟

بعد از اسم آنها که «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» می‌گویند: یعنی خدا از آنها راضی شود و اینکه بعد از اسم حضرت علی «كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ» گویند: به این جهت است که چون حضرت علی علیه السلام هیچ وقت غیر خدا را سجده نکرد و بت پرستی ننمود لذا گویند خدا صورت او را (که در مقابل بت سجده نکرد) گرامی دارد.

❁ چرا اهل سنت به معاویه «خال المومنین» (دایی مومنان) می‌گویند؟

چون گویند: معاویه برادر ام حبیبه (یکی از زنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد و زنان پیامبر هم

به منزله مادر مؤمنان (وَآزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ^۱) می‌باشد. پس در نتیجه گویند معاویه برادر مادر مؤمنان (دایی مؤمنان) می‌شود.

✽ چرا خوارج بوجود آمدند؟

امیرالمؤمنین علی(ع) پیدایش خوارج را معلول آن فتوحات بی بند و بار می‌دانند، آن فتوحات پشت سر یکدیگر بدون اینکه افراد یک تعلیم و تربیت کافی بشوند، که در نهج البلاغه هست: مردمی که تعلیم و تربیت ندیده اند، اسلام را نشناخته اند و به عمق تعلیمات اسلام آشنا نیستند آمده اند در جمع مسلمین، تازه از دیگران هم بیشتر ادعای مسلمانی می‌کنند.^۲

✽ چرا وهابی‌ها زیارت قبور را جایز نمی‌دانند؟

زیرا معتقدند: زیارت قبور در حکم پرستش صاحب قبور است و جایز نمی‌باشد و هم چنین استدلال می‌کنند به روایاتی که در نزد شیعه معتبر نمی‌باشد و چه بسا غرض دیگری در کار باشد و آن این که چون معجزات باهره‌ای (روشن و آشکاری) از قبور پیامبر و ائمه معصومین سر می‌زند و اینها دال بر عظمت و بزرگی آنهاست بنابر این برای اخفاء این حقایق زیارت قبور را ممنوع می‌کنند.

✽ چرا وهابی‌ها توسل جستن به اولیای دین را جایز نمی‌دانند؟

زیرا معتقدند که: آیه قرآن گوید: «وَإِنِ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» یعنی: به راستی مساجد برای خداست پس با خدا احدی را نخوانید سپس می‌گویند: طبق این آیه نام هیچکس را همراه نام خدا نبرید، و جز او را نخوانید، و شفاعت نطلبید! بنابر این نتیجه می‌گیرند که در توسل و شفاعت جستن خواندن غیر خدا با خدا است و حرام می‌باشد ولی شیعیان جواب می‌دهند که این آیه هیچ ارتباطی به مطلب آنها ندارد بلکه هدف از آن نفی شرک، یعنی چیزی را هم‌ردیف خدا در عبادت، یا طلبیدن حاجت، قرار دادن است همان‌طور که از کلمه «مع» در جمله «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ» فهمیده می‌شود و آیه قرآن مثل «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ عَلَيْهِمْ» و آیه «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْنَا ذُنُوبَنَا» و آیه «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» دلالت بر جواز توسل و شفاعت جستن می‌کند.^۳

✽ چرا وهابی‌ها شفاعت را قبول ندارند؟

چون گویند: ۱. در خواست شفاعت شرک است ۲. شرک مشرکین به خاطر طلب شفاعت از

۱. احزاب، آیه ۶.

۲. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۷۸، شهید مطهری.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۲۸.

بتها بود ۳. در خواست حاجت از غیر خدا حرام است ۴. شفاعت، حق مختص خداست.^۱

❁ چرا میان بنی امیه و بنی هاشم عداوت دائمی وجود دارد؟

مرحوم کلینی می‌فرماید که:

چون امیه و هاشم متولد شدند پشت آنها به یکدیگر چسبیده بود و با شمشیر آندو را از یکدیگر جدا کردند بنابر این میان آندو و نسل آنها همیشه عداوت و دشمنی به وجود آمد. جنگهایی میان حرب بن امیه و عبدالمطلب بن هاشم و ابوسفیان بن حرب و ابوطالب، و معاویه بن ابی سفیان و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و یزید بن معاویه و حسین بن علی علیه السلام در گرفت.^۲

❁ چرا وقتی عمر گفت: دردی بدتر از درد دندان نیست و غمی بدتر از داشتن زن بد نیست حضرت علی (ع) فرمودند: نه این درست نیست بلکه دردی بدتر از درد چشم و غمی بدتر از داشتن طلبکار نیست؟

زیرا اگر دندان درد بگیرد می‌شود آنرا کند و اگر زنی بد بود می‌شود او را طلاق داد ولی اگر چشم درد بگیرد نمی‌شود آنرا کند و بیرون آورد و اگر انسان طلبکار داشته باشد چاره‌ای از آن نیست و باید قرضش را بدهد.

❁ چرا همسران یزید محجبه بودند و حال اینکه اعتقادی به خداوند و قیامت و حجاب نداشت؟

باید دانست که بسیاری از افراد از روی سیاست و مصلحت، عمل نیکی را انجام می‌دهند نه از روی دیانت. و یزید چون بقای حکومت خود را این چنین می‌دید زنان خود را محجبه قرار داده بود و حتی نماز هم می‌خواند.

❁ چرا در هیچ دین و مکتبی آزادی مطلق و به تمام معنی وجود ندارد؟

به جهت اینکه امکان ندارد که همه مردم بتوانند از آزادی مطلق برخوردار باشند چون اگر همه در همه چیز آزاد باشند میان افراد تزاخم، نزاع، کشمش و اختلاف به وجود می‌آید و در نتیجه نظم جامعه مختل می‌گردد.

آیت الله جوادی می‌فرماید: اوصاف هر موجودی تابع خود آن موجود است و چون انسان موجودی محدود و متناهی می‌باشد به ناچار آزادی او (که یکی از اوصاف اوست) محدود و متناهی می‌باشد و الا لازمه‌اش، «تجاوز وصف از موصوف» می‌شود که امر محالی است، یعنی

۱. ستاد تفسیر قرآن کریم، ص ۲۶۱-۲۵۸.

۲. علل الشرایع، ص ۲۴۳.

وصف، در جایی حضور داشته باشد که موصوفش حضور ندارد و این فرض، فرض محال است.^۱

✽ چرا بعضی‌ها گویند: اسلام دین جنگ و شمشیر است؟

زیرا یکی از ارکان دین، جهاد و شمشیر کشیدن مقابل دشمنان است ولی باید دانست که اساس اسلام، شمشیر و خونریزی و اکراه و اجبار نیست بلکه جهاد به ملاک حق‌مداری است و از این راه حق زنده می‌گردد و از نفیس‌ترین سرمایه‌های فطرت یعنی توحید دفاع می‌گردد، در روایت آمده «والجهاد عزاً للاسلام». یعنی: جهاد سبب عزت اسلام است.

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: در حقیقت جنگ و جهاد، دفاع از حق انسانیت و کلمه توحید و یکتاپرستی است و اسلام هرگز قبل از دعوت به زبان خوش و اتمام حجت جنگ را آغاز نکرده است و عادت پیامبر اسلام(ص) بر این جریان داشته، و خدای تعالی در این باره فرموده: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن»^۲.

هدف از جهاد با دشمن (الف) ترساندن دشمنان خداوند و دشمنان مسلمانان «و اعدوا لهم... ترهبون به عدو الله و عدوکم»^۳ (ب) حفظ مراکز عبادی و مساجد الهی «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد...»^۴ (ج) از میان رفتن فساد در زمین «و لولا دفع الله... لفسدت الارض»^۵ (د) خواری و رسوایی دشمنان «قاتلوهم یعذبهم الله...»^۶ نابود ساختن شرک و بت پرستی و حاکمیت بخشیدن به دین الهی «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة»^۷. آیت الله مکارم (ایده الله فی الدارین) می‌فرماید: در حقیقت جهادهای اسلامی را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد: ۱. جهاد ابتدایی آزادی بخش ۲. جهاد دفاعی ۳. جهاد برای نابود ساختن شرک و بت پرستی.^۸

✽ چرا گوییم روز پیش از شب خلق شده است؟

طبق آیه قرآن که می‌فرماید: «وَاللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ»^۹ یعنی شب در تحقق، مقدم بر روز

۱. ولایت فقیه، ص ۲۴-۲۵.

۲. نحل، آیه ۱۲۵.

۳. المیزان، ج ۲، ص ۹۹.

۴. انفال، آیه ۶۰ کش

۵. حج، آیه ۴۰.

۶. بقره، آیه ۲۵۱.

۷. توبه، آیه ۱۴.

۸. انفال، آیه ۳۹.

۹. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۵-۱۶.

۱۰. یس، آیه ۴۰.

نیست مطابق روایت «مجمع البیان» از عیاشی از امام رضا علیه السلام که حضرت به فضل بن سهل فرمود که به تحقیق طالع دنیا سرطان بوده و قتیکه کواکب در موضع شرف در ارتفاع بوده‌اند پس زحل در میزان بوده و مشتری در سرطان و شمس و قمر در ثور و این دلالت می‌کند بر آنکه شمس در وسط آسمان بوده پس روز پیش از شب خلق شده است.^۱

❖ چرا استدلال شیطان که گفت من از آدم برترم (چون شیطان از آتش و آدم از خاک بود) باطل می‌باشد؟

در تفسیر کبیر «منهج الصادقین» (ج ۴ ص ۹-۷) آمده است که «قیاسش در افضلیت نار از خاک نادرست بود زیرا آتش خائن است و هر چه بدو دهند نیست گرداند و خاک ایمن است و هر چه بدو دهند نگاه دارد و امین از خائن بهتر باشد و دیگر آتش متکبر است و خاک متواضع و تواضع از تکبر نیکوتر بود. و نیز خاک نقش پذیرد چنانکه آدم علیه السلام نقش معرفت پذیرفت که «کتاب فی قلوبهم الايمان» و آتش، نقش سوزد چنانکه نقش معرفت ابلیس سوخت که «ففسق عن امر ربّه».^۲

❖ چرا گوییم «چشم زخم» حقیقت دارد؟

قرآن از قول حضرت یعقوب نقل می‌کند که فرمود: «يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابِ وَاحِدٍ» چون ترسید که چشم زخم به آنها بزنند زیرا آنها صاحب جمال، هیئت، کمال و همه برادر و فرزندان یک مرد بودند.^۳

و آیه «وَأَنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ» درباره چشم زخم است.

دیگر اینکه حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَيْنُ حَقٌّ» یعنی چشم زخم حقیقت دارد.^۴

و معروف است که چشم زخم مرد را وارد گور و شتر را وارد دیگ می‌کند.

مبدأ چشم زخم، حالت نفسانیه معجیه‌ای است (در سرشت بعضی از انسانها) که نقصی (مرض و شبه آن) را در شخص مقابل ایجاد می‌کند.^۵

گاهی خلقتاً فردی چشم شور است و گاهی بر اثر عارضه‌ای چشم شخصی دارای چنین اثری می‌گردد.

❖ چرا گوییم سحر و جادو حقیقت دارد؟

۱. حاشیه قرآن ذیل آیه و لاللیل سابق النهار. از کتاب هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۳۰۴، اکبر دهقان.

۲. جن و شیطان، ص ۶۲.

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۰۲؛ المیزان، ج ۱۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار.

۵. شرح اشارات، ج ۲، ص ۴۱۷، شیخ طوسی.

زیرا آیات و روایاتی بر آن دلالت دارد از جمله:

۱. «يُعْلَمَانِ السُّحْرَ فَيَعْلَمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ»^۱. یعنی: بواسطه سحر بین زن و شوهر جدایی می‌افکنند.
۲. «نَفَاثَاتُ فِي الْعَقْدِ». یعنی: زنانی که در گره‌ها دمنده هستند. مرحوم علامه طباطبایی در «المیزان» می‌فرمایند: از این آیه استفاده می‌شود که قرآن کریم تأثیر سحر را فی الجمله تصدیق دارد.
۳. قصه حضرت موسی و ساحران فرعون در قرآن آمده است.
۴. روایاتی وجود دارد که شدیداً سحر و جادو را حرام کرده است.
۵. در روایات دستوراتی برای بطلان سحر وارد شده است.
۶. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «مَنْ تَعَلَّمَ شَيْئاً مِنَ السِّحْرِ قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً فَقَدْ كَفَرَ وَكَانَ آخِرَ عَهْدِهِ بِرَبِّهِ...». یعنی کسی که سحر بیاموزد، کم یا زیاد، کافر شده است، و رابطه او با خداوند به کلی قطع می‌شود...^۲
۷. امام صادق (ع) می‌فرمایند: عقده سحر را بگشا، ولی گره جادوگری مزین.^۳

❖ چرا گویم استخاره حقیقت دارد؟

باید گفت استخاره نوعی دعا و خیرخواهی و استمداد از خداوند است و روایات آن را تأیید می‌کنند.^۴ علامه طباطبایی رحمه الله گویند: حقیقت امر این است که انسان برای انجام کاری اول فکر می‌کند بعد مشورت می‌کند و اگر از این راه هم نتوانست راه حلی به دست آورد چاره‌ای جز این که متوسل به خدای خود شده و خیر خود را از او مسئلت نماید ندارد و این همان استخاره است.^۵

❖ چرا گویم اسم اعظم موثر است؟

علامه طباطبایی رحمه الله می‌فرمایند: محال است اسم اعظمی که در هر چیز تصرف دارد، از قبیل الفاظ و یا مفاهیمی باشد که الفاظ بر آن‌ها دلالت می‌کند.^۶ آیه الله جوادی آملی می‌فرمایند: جست و جو از اسم اعظم در میان الفاظ و مفاهیم، رنجی

۱. بقره، آیه ۲۰۲.

۲. وسائل الشیعه، باب ۲۵ من ابواب ما یکتسب به، ح ۷؛ یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۶۷۳.

۳. وسائل الشیعه، باب ۲۵، من ابواب ما یکتسب به، ح ۱؛ یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۶۷۳.

۴. بحار، ج ۸۸، ص ۲۲۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۳؛ عروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۱.

۵. المیزان، ج ۶، ص ۱۸۷؛ خرافه‌ها و واقعیت‌ها، ص ۱۰۲.

۶. ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۵۱۷ و ۵۱۸؛ خرافه‌ها و واقعیت‌ها، ص ۱۰۶.

بی حاصل و تلاشی بی ثمر است... «اسم اعظم» از سنخ الفاظ و مفاهیم ذهنی نیست،^۱ بلکه مقامی از مقامات معنوی «انسان کامل» است. همانطوری که نام فروردین ایجاد گل نمی‌کند و اسم چراغ، شب تاریک را روشن نمی‌نماید.

بنابر فرمایش امام رضا علیه السلام «بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم خدا، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر است.^۲ اما چون بسیاری از افراد آن مقامات معنوی را ندارند آثار اسم اعظم را مشاهده نمی‌کنند.^۳

❁ چرا گوییم طی الارض حقیقت دارد؟

در باره طی الارض و تحلیل عقلانی آن چند نظریه است یکی از آن نظریه‌ها، نظریه اعدام و ایجاد است که از ناحیه محی الدین عربی ابراز شده است. طبق این نظریه، شخص خود را در مکان مبدا «اعدام» و در مکان دلخواه «ایجاد» می‌کند.^۴

❁ چرا شانس و اقبال حقیقت ندارد؟

شهید مطهری (ره) گویند: اگر بشر اندکی واقع بین باشد و روابط علی و معلولی حوادث و قضایای عالم را درک کند، اگر اندکی در مسایل جهان علمی فکر کند، اگر کمی عقل و اندیشه خود را به کمک بخواند، می‌فهمد که مسأله شانس و بخت، یک خیال و یک واهمه شیطانی بیش نیست. نه عقل مسأله شانس و بخت را به رسمیت می‌شناسد و نه دین. خداوند احدی را خوشبخت بالذات و بدبخت بالذات نیافریده.^۵

❁ چرا عکس ها و پوسترهایی که از پیامبر (ص) یا ائمه معصومین (علیهم صلوات الله) است حقیقت ندارد؟

چون شخصیت آنها در عکس ها و پوسترها تحریف شده است به عنوان مثال آن علی (ع) را که یک عابد و حکیم و قاضی و ادیب و متعهد و شب زنده داری که از خوف خدا می‌گریست تا غش می‌کرد، بود، به صورت یک مردی که شمشیری که مثل زبان مار، دو تا زبانه دارد، بازوها و قیافه ای که انسان نمی‌فهمد آخر این ها از کجا گرفته شده است را ترسیم می‌کنند.

به قول شهید مطهری (ره) این عکس ها و پوسترها حقیقت ندارند چون اولاً: عکس و مجسمه علی (ع) و پیغمبر (ص) قطعاً در دنیا نبوده است. ثانیاً: چون اسلام جلو این ها را گرفته

۱. ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۳۶۵؛ خرافه‌ها و واقعیت ها، ص ۱۰۶.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۸.

۳. ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۳۵۲ و ۳۵۵.

۴. خرافه‌ها و واقعیت ها، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۵. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۰۸، مجید باقری.

است، برای این که مبارزه با انسان پرستی کرده باشد.^۱

❖ چرا گویند حقیقت تلخ است در حالی که حقیقت شیرین و لذیذ است؟

به قول شهید مطهری (ره) از یک نظر، هیچ چیز در ذات خود، تلخ یا شیرین، زشت یا زیبا، خوشبو یا بدبو نیست. این امور چیزهایی هستند که ذهن ما آن ها را خلق می کند؛ اما نه به طور گراف و بی حساب. این که می گویند حقیقت شیرین و لذیذ است، برای طبیعت ها و روحیه های سالم و بی غرض است که خواهان واقعیاتی می باشند که هست. اما برای یک روحیه بیمار و آلوده به اغراض، گاهی حقیقتی، از هر تلخی تلخ تر است؛ تا آن جا که تاب مواجه شدن با آن را ندارد.^۲

❖ چرا گوئیم حق هم گرفتنی است و هم دادنی؟

شهید مطهری (ره) می گویند: از نظر اسلام، حق هم گرفتنی است و هم دادنی؛ یعنی از دو جبهه باید برای استیفای حق مبارزه کرد، که مکتب اسلام بر همین اساس است. اسلام آن کسی را که حق را ربوده است، با تعلیم و تربیت خودش، آماده پس دادن می کند و به این قناعت نمی کند در عین حال، به آن کسی که حقش ربوده شده است، می گوید: حق گرفتنی است؛ تو هم باید برای حق خودت قیام کنی و حق خودت را بگیری. اسلام آن ضعیفی را که حق خود را نمی تواند مطالبه کند، به رسمیت نمی شناسد. جامعه ای که در آن، ضعفا آن قدر ضعیف النفس باشند که نتوانند حقوق خود را مطالبه کنند، یک جامعه اسلامی نیست.^۳

❖ چرا ما مسلمانان تناسخ را شدیداً انکار کرده و معتقدان آن را تکفیر می کنیم؟

به قول «شیخ بهایی» به خاطر آن است که قائلین به تناسخ، قائل به ازلی بودن ارواح و انتقال دائمی آنها از بدنی به بدن دیگرند و معاد جسمانی را در جهان دیگر به کلی منکرند.^۴

❖ چرا بنابر قولی فرزندان حضرت آدم با خواهران خود ازدواج کردند و حال اینکه ازدواج با

خواهر حرام می باشد؟

در ازدواج فرزندان حضرت آدم چند قول است:

۱. خدایی که در ابتدا خود آدم و حوا را از خاک آفرید، برایش امکان داشت که همسرانی از خاک برای پسران و دختران او خلق کند.
۲. ازدواج دختران و پسران آدم با یکدیگر بوده، زیرا حکم حرمت ازدواج محارم در زمان آدم نبوده است.

۱. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۰۹، مجید باقری.

۲. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۳۱، مجید باقری.

۳. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۳۲، مجید باقری؛ انسان کامل، ص ۲۶۹-۲۷۰؛ یازده گفتار، ص ۲۸۵.

۴. یکصد و هشتاد و یک سؤال و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۳۶۳.

در بعضی احادیث از ائمه اهل بیت نقل شده این ازدواج ها مباح بوده زیرا هنوز حکم تحریم ازدواج خواهر و برادر نازل نشده بود.^۱

۳. برخی بر این عقیده هستند که حوا در هر نوبت یک دختر و یک پسر به دنیا می آورد
پسر زایمان اول با دختر زایمان دوم و بر عکس ازدواج کرده اند.

۴. ازدواج پسران آدم با زن بهشتی (هابیل با زن بهشتی) و زنی از طایفه جن (قابیل با زن جَنّی) بوده است.

۵. نظریه جدید این است که نخستین انسان و همسر او از یک ماده و مایه حیاتی (نفس واحده) آفریده شدند. ولی دختران آدم بدون عمل آمیزش و ازدواج با مردی به صورت بکرزایی (تولید مثل بدون آمیزش) باردار شدند. و هر یک دارای پسرها و دخترهایی شدند، دخترخاله ها و پسر خاله ها با هم ازدواج کردند و تکثیر نسل بشر اولیه این چنین آغاز گردید.^۲

علامه طباطبائی رحمته الله علیه می فرمایند: از آیه «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» یعنی: از آندو (آدم و حوا) مردان فراوان و زنان را منتشر ساختیم، معلوم می شود که از خود حضرت آدم و حوا تکثیر نسل صورت گرفته است و ازدواج بین برادران و خواهران صورت گرفته و دختران آدم با پسران او ازدواج کرده اند، و چون در آن روز در تمام دنیا، نسل بشر منحصر در همین فرزندان بلا فصل آدم بوده بنا براین هیچ اشکالی هم ندارد و از آنجایی که مسأله یک مسئله تشریعی است و تشریع هم تنها و تنها کار خدای تعالی است، و لذا او می تواند یک عمل را در روزی حلال و روز دیگر حرام کند «وَاللّٰهُ يَخْكُمُ لَا مَعْصِيَةَ لِحُكْمِهِ».^۳

احتمال دیگری نیز هست و آن اینکه فرزندان آدم با بازماندگان انسان های پیشین ازدواج کرده اند زیرا طبق روایاتی آدم، اولین انسان روی زمین نبوده، مطالعات علمی امروز نیز نشان می دهد که نوع انسان احتمالا از چند میلیون سال قبل در کره زمین زندگی می کرده، بنابر این باید قبول کنیم که قبل از آدم انسان های دیگری در زمین می زیسته اند و چه مانعی دارد که فرزندان آدم با باقیمانده یکی از نسل های پیشین ازدواج کرده باشد. ولی این احتمال با ظاهر آیه «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» چندان سازگار نیست.^۴

❁ چرا بنابر قول صحیح حضرت لقمان، پیامبر نبوده است؟

هر چند بعضی از مفسران احتمال نبوت او را داده اند ولی در قرآن دلیل صریحی بر اینکه او

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۲۱۳.

۲. ره توشه، ۲۴۱ سال ۱۳۷۴، ویژه مقطع دبیرستان (۵).

۳. المیزان، ج ۴، ص ۲۱۷-۲۱۶.

۴. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۲۱۴.

پیامبر بوده است وجود ندارد. و لحن قرآن در مورد لقمان، نشان می‌دهد که او پیامبر نبود، زیرا در مورد پیامبران سخن از رسالت و دعوت به سوی توحید و مبارزه با شرک و انحرافات محیط و عدم مطالبهٔ اجر و پاداش و نیز بشارت و انداز در برابر امت‌ها معمولاً دیده می‌شود، در حالی که در مورد لقمان هیچیک از این مسائل ذکر نشده و تنها اندرزهای او که به صورت خصوصی که با فرزندش بیان شده‌هر چند محتوای آن جنبه عمومی دارد-آمده است، و این گواه بر این است که او تنها یک مرد حکیم بوده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمایند: «حَقًّا أَقُولُ لَمْ يَكُنْ لِقْمَانُ نَبِيًّا، وَلَكِنْ كَانَ عَبْدًا كَثِيرَ التَّفَكُّرِ، حَسَنَ الْيَقِينِ، أَحَبَّ إِلَهُهُ فَاجِبُهُ وَمِنْ عَلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ»^۱.

یعنی: از روی حق می‌گویم لقمان پیامبر نبود و لکن بنده ای بود که زیاد فکر می‌کرد و یقین نیکو داشت او خدا را دوست و خدا نیز او را دوست می‌داشت و خداوند حکمت را بر او منت گذاشت.

❁ چرا گوئیم جن و شیطان وجود دارند؟

زیرا در قرآن (و روایات) نام آنها برده شده است. در باره جن مانند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» و «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ» و حتی سوره‌ای در قرآن به نام جن وجود دارد.

و در باره شیطان مانند «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ» و «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يُغْوِصُونَ لَكَ». و از نظر تجربه هم، بسیاری کسان که جنیان را دیده‌اند و حتی با آنها سخن گفته‌اند. امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل کرده که فرموده‌اند: ابلیس از زمان آدم علیه السلام تا زمان حضرت مسیح علیه السلام به سراغ پیامبران می‌آمد و با آنان به گفتگو می‌پرداخت و از ایشان پرسش می‌کرد.^۲

❁ چرا گوئیم حیوانات هم شعور دارند؟

از آیات قرآن و روایات چنین مطلب استفاده می‌شود به عنوان مثال:

- ۱) حضرت سلیمان با سپاهیانش از منطقه ای عبور می‌کردند مورچه ای به سایر مورچگان گفت فوراً به خانه‌هایتان بروید تا ارتش سلیمان شما را پایمال نکند.
- ۲) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: علامت داغ در صورت حیوانات نگذارید و تازیانه به صورت آنها نزنید. زیرا آنها حمد و ثنای خدا می‌گویند و خداوند را تسبیح می‌گویند.
- ۳) امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هیچ پرنده ای در دریا یا صحرا صید نمی‌شود و هیچ حیوان

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۴.

۲. جن و شیطان، ص ۲۹۲، زین الدین دست داده.

- وحشی به دام صیاد نمی‌افتد مگر آنکه تسبیح را ترک کرده است.^۱
- (۴) هدهد در آسمان از شرک مردم مطلع شد و نزد حضرت سلیمان علیه السلام گزارش داد.
- (۵) قرآن کریم می‌فرماید: همه موجودات جهان هستی تسبیح گوی خداوند هستند.
- (۶) قرآن می‌فرماید: همه موجودات برای خداوند سجده می‌کنند.
- (۷) پرندگان در ماتور حضرت سلیمان شرکت داشتند.^۲

✽ چرا علم و دین از هم جدا نمی‌باشند؟

علم از دین جدا نمی‌تواند باشد زیرا مولود دین است دین زاییده فطرت است اگر دین نباشد فطرت ناقص و اگر علم نباشد دین خلل‌پذیر است، هزاران دلیل بر وحدت و تلازم این دو است علم و دین باید با هم رشد کنند و با هم قدم بردارند تا به ملکوت اعلا و سر حد کمال برسند.^۳

✽ چرا در واقع دین از سیاست جدا نمی‌باشد؟

زیرا دین مجموعه‌ای از قوانین حیات و برنامه فراگیری است که تمام زندگی انسانها مخصوصاً مسائل اجتماعی را در برمی‌گیرد و بعثت انبیا برای «اقامه قسط و عدل» بوده است و دین برای گسستن زنجیرهای اسارت انسان و تأمین آزادی بشر است و دین برای نجات «مستضعفان» از چنگال «ظالمان و ستمگران» و پایان دادن به دوران سلطه آنها می‌باشد و بدیهی است که این هدفهای بزرگ بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست و اگر دین از سیاست جدا شود بازوی اجرائی خود را به کلی از دست می‌دهد و اگر سیاست از دین جدا گردد مبدل به یک عضو مخرب در مسیر منافع خودکامگان می‌شود.^۴

✽ چرا گروهی گویند که: دین و سیاست از یکدیگر جدا می‌باشند؟

این‌ها از اسلام جز تطبیقی از شعار مسیحیت که «سیاست برای امپراطور و دین برای مسیح» اطلاعی بیشتر از اسلام ندارند.^۵

آیت الله جوادی (زید عزه) می‌فرماید: فکر جدایی دین از سیاست، در واقع، آتش بس یک جانبه بین دو طرف درگیر است یعنی همه کسانی که به عللی سخن از جدایی دین از سیاست زده‌اند، در جنگ و ستیز دینداران با سیاستمداران ظالم، آتش بس را یک جانبه قبول کرده‌اند

۱. نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۶۸.
 ۲. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۵۴۹-۵۵۰.
 ۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۲۶.
 ۴. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۲۱.
 ۵. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۱۲۰.

سیاستمداران جبار، هیچ گاه نمی گویند ما با دین و دینداری کاری نداریم و هیچ گاه با دین و دینداران از در آشتی در نمی آیند و هر وقت بتوانند با آن به مبارزه بر می خیزند.^۱ قائلین این نظریه یا مسلمین ناآگاه یا دشمنان آگاه هستند که می خواهند با ایجاد چنین نظریه‌ای بر مسلمانان تسلط پیدا کنند. آیه «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِينَ... لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ» اثبات می کند که دین از سیاست جدا نمی باشد.

✽ چرا انقلاب اسلامی ایران پیروز شد؟

الف) وجود رهبری آگاه (ولی فقیه) ب) مشیت الهی ج) اسلام خواهی و ساده زیستی مردم د) وحدت اقشار مردم ذ) اعتماد به نفس و نفی خودباختگی.

✽ چرا دشمنان دست به تهاجم فرهنگی می زنند؟

به چند علت: ۱. ترس از اسلام ۲. جلوگیری از بیداری و قیلهای اسلامی ۳. ترس از انقلاب اسلامی.

✽ چرا امام خمینی به آن مقام والا رسید؟

عللی دارد از جمله: ۱. اهتمام و مراقبت بر نماز و ادای آن در وقت فضیلت ۲. اهتمام و مداومت بر قرائت قرآن و تدبیر در آن ۳. اهتمام به دعا و نیایش ۴. آگاهی و علم در زمینه‌های مختلف فلسفی، عرفانی، کلامی، فقهی، معانی، تاریخی، تفسیر، ریاضیات، هیئت و... ۵. شرح صدر و تحمل دشواری‌ها ۶. توکل عمیق و کامل به خداوند و اطمینان به الطاف الهی ۷. صرفه جوئی و پرهیز شدید از اسراف به نحوی که باقیمانده آب لیوان را برای مصرف بعدی نگه می داشت ۸. سادگی و رعایت زی طلبگی در تمام مقاطع زندگی ۹. آرامش و طمأنینه کامل هنگام تحقق حوادث سخت ۱۰. نظم و ترتیب در کارها ۱۱. پاکیزگی در استحمام و لباس و فضای زندگی و معطر بودن ۱۲. علاقه و عشق شدید به مردم ۱۳. غیرت مثال زدنی او در حفظ حرمت مقدسات ۱۴. زهد و وارستگی و تلاش نکردن برای دست یابی به موقعیت‌ها و مناصب اجتماعی ۱۵. صلابت و شجاعت در طول زندگی ۱۶. التزام به ضوابط و رعایت مقررات شرعی و قانونی ۱۷. محبت به اهل بیت (علیهم السلام) به طوری که با ذکر نام ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) قطرات اشک از چشم او جاری می شد ۱۸. مراقبت از اعمال ویژه ایام ۱۹. قاطعیت و سازش ناپذیری در برابر دشمنان اسلام ۲۰. مصلحت اسلام را بر همه کس و همه چیز مقدم داشتن ۲۱. ترک مکروهات ۲۲. انجام دادن اعمال مستحبی و مداومت بر آن‌ها.^۲

۱. ولایت فقیه، ص ۷۸-۷۷.

۲. ره توشه راهیان نور ویژه بوستان ولایت (جوانان)، سال ۱۳۷۸، ص ۴۷۴-۴۷۲.

❁ چرا جامعه به رهبر دینی نیاز دارد؟

زیرا حکومت بدون رهبر دینی (ولی فقیه) نمی‌تواند هدفها و نیازهای واقعی و معنوی جامعه را تأمین نماید. در واقع افراد و... با هدایت و نظارت رهبر دینی جامعه می‌توانند به این اهداف دست پیدا کنند.

❁ چرا رهبری انقلاب، همواره باید در اختیار قشر روحانیان علوم دینی باشد؟

شهید مطهری (ره) گویند: وقتی اوضاع زمانه آن گونه شود که شناخت حق از باطل، دشوار و صعب گردد، اصلی‌ترین وظیفه رهبر دینی، نشان دادن صراط مستقیم و مبارزه با انحراف‌ها و تحریف‌هاست. انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیروزمندانه به پیش رود، می‌باید باز هم روی دوش روحانیون و روحانیت قرار داشته باشد. اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ، یک نسل که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می‌شود.^۱

❁ چرا نظامهای استعماری و طاغوتی به ترویج شهوترانی و بی بند و باری می‌پردازند؟

زیرا در این صورت فکر و روح مسلمانان خصوصاً جوانان از توجه به ارزش‌های انسانی و معنوی باز می‌ماند و هرگز نمی‌تواند شرف انسانی و استقلال فکری و سیاسی خود را حفظ و نگهداری کنند و کسی که در دام شهوت و لجام گسیختگی افتاد بنده و برده نفس خود شده و برای ارضای نفس، تن به هر گونه پستی و ذلت می‌دهد و حتی حاضر می‌شود تمام ارزش‌های انسانی و معنوی را زیر پا گذارد.

و بیشترین توجه دشمن به محیطهای آموزشی معطوف است زیرا دشمن از این محیطها می‌ترسد و احساس خطر می‌کند.

❁ چرا مارکسیست‌ها مالکیت را الغا می‌نمایند؟

آنها اعتقاد دارند که فسادها و تباهی‌ها رشته در مسأله مالکیت دارد و اگر مالکیت‌ها از بین برود «من»ها تبدیل به «ما» گشته و وقتی جامعه‌ای این چنین شد دیگر موجبی برای فساد و انگیزه‌ای برای تباهی در آن باقی نمی‌ماند.

❁ چرا اسرائیل را که یک کشور غیر اسلامی و با ماهیت غربی و ضد اسلامی و وابسته است در قلب کشورهای اسلامی بوجود آوردند؟

۱. پیرامون انقلاب اسلامی، سخنرانی در مسجد فرشته، روحانیت و انقلاب اسلامی، ص ۱۸۲-۱۸۴؛ یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۹۴-۱۹۵.

برای حفظ منافع حیاتی غرب و استکبار و تهدید برای کشورهای که داعیه استقلال دارند و راه خود کفایی و مبارزه با استکبار را در پیش می‌گیرند.^۱

❁ چرا آمریکا به کشور عراق لشکر کشی نمود و حمله کرد؟

اهداف آمریکا در حمله به عراق در سه سطح کلان و با سه هدف عمده قابل تصور است.
 ۱- هدف استراتژیک و دراز مدت ۲- هدف دوم آمریکا، ایجاد یک مرکزیت کنترل سیاسی در عراق جهت تحکیم بنیان‌های حضور تاکتیکی خود در این منطقه انرژی خیز جهان است. ۳- هدف سوم آمریکا در این سطح که شاه بیت تحرک او می‌باشد اهداف اقتصادی است در منطق لیبرالیستی جهان به مثابه یک فروشگاه است که تمامی تلاش‌ها در خدمت منافع اقتصادی است در این راستا آمریکایی‌ها خواهان تسلط بر این منطقه از مرکزیت عراق به کل منطقه و از منطقه به کل جهان برای تضمین منافع اقتصادی تراست‌های بین‌المللی به عنوان روح حاکم بر کالبد آمریکا هستند.

❁ چرا جامعه احتیاج به قانون دارد؟

چون جامعه بدون قانون دچار مشکلات جدی می‌شود و قادر نخواهد بود نظم و هماهنگی و امنیت را در آن برقرار سازد و جامعه بدون قانون مدت زیادی دوام نمی‌آورد و دیر یا زود از هم می‌پاشد.^۲

❁ چرا به قول عرفا و سالکین لذت عقلی از لذت حسی کاملتر و لذیذتر و با واقعیت‌تر

است؟

به جهت اینکه عقل به کنه اشیا راه پیدا می‌کند لذا اشیا را با تمام عوارضاتش همان طور که هستند درک می‌کند و هیچ ناخالصی در آن راه ندارد ولی حس فقط ظاهر و سطح اجسام را احساس و ادراک می‌کند. بنابر قول فلاسفه معرفت حس تمامش شوب و ناخالص است به خلاف معرفت عقلی که تمامش خالص، و لذت بیشتری در آن می‌باشد.^۳

۱. پیام، ویژه روحانیان نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ش ۳۳، آذر ۸۰.

۲. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۵۰۰ سال ۱۳۸۰.

۳. شرح اشارات، ج ۳، ص ۳۴۷.

قرآن

❁ چرا از میان معجزات پیامبر اسلام ﷺ فقط قرآن معجزه خالده و جاویدان است؟

زیرا معجزات پیامبر ﷺ غیر از قرآن قابل مشاهده برای کسانی است که در زمان پیامبر ﷺ در وقت معجزه حاضر بوده‌اند مانند شق القمر و زنده کردن مرده ولی برای غیر آنها قابل مشاهده نیست و فقط از راه اخبار دیگران اطلاع پیدا می‌کنند ولی قرآن چنین نیست بلکه قرآن در همه زمانها و مکانها تا روز قیامت در دسترس همه بوده و می‌باشد و برای همه انسانها امکان دارد تا آنرا مشاهده نمایند و پی به معجزه بودن آن ببرند.^۱

❁ چرا قرآن معجزه است؟

زیرا: ۱. اعجاز بیانی دارد ۲. مشتمل بر معارف عالی‌ه‌ای است که عقول فلاسفه و مفکران شرق و غرب را مبهور ساخته است ۳. استقامت بیان دارد ۴. تشریع قرآن ممتاز است ۵. اخبار به غیب می‌دهد ۶. اسرار کون (هستی) را بیان می‌کند ۷. قصص گذشتگان و... را به نحو احسن بیان می‌نماید.^۲

یکی از دلائل اعجاز قرآن این است که از حروف و کلمات عمومی و عادی، جملات و ترکیب‌هایی ساخته که احدی مشابه آن را نمی‌تواند بیاورد.^۳

۱. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۷۱.

۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۹۸-۱۰۵.

۳. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۷۱.

❁ چرا قرآن احتیاج به تفسیر دارد و حال اینکه قرآن نور و کلام مبین و آشکار است؟

جواب اینکه نقابی بر چهره قرآن نیست این ما هستیم که باید نقاب از چهره جان برگیریم تا مفاهیم قرآن را دریابیم و روح آن را درک کنیم و دیگر اینکه قرآن تنها یک چهره ندارد بلکه بنابر قولی هفتاد بطن دارد که بر همه کس آشکار نیست و فقط چهره عمومی آن است که برای همه گشاده است و نور مبین می‌باشد.

❁ چرا خداوند قرآن را بر عرب نازل کرد؟

قرآن می‌فرماید: «اگر ما این کتاب را بر عجم‌ها نازل می‌کردیم عرب‌ها به خاطر تعصب نابجا تسلیم نمی‌شدند».^۱

❁ چرا قرآن در شب نازل شد (نه در روز)؟

زیرا شب از یک خصوصیت ویژه‌ای برخوردار است. اولاً: شب ذاتاً زمان سکون و آرامش است و طبیعت در خواب فرو رفته معمولاً انسانها و حیوانات به خواب رفته‌اند و اکثراً این خواب‌ها همراه با خواب غفلت است فقط بندگان مخلص خداوند توفیق دارند که مقداری از شب را بخواهند و بخشی از آنرا به شب زنده داری و راز و نیاز مشغول باشند و برای ترک اولی توبه و گریه کنند در این مناسبت‌ها و زمانها بندگان خوب خداوند به دریافت عنایات خداوندی مفتخر می‌شوند که از بهترین آنها پیامبر اسلام است که از برکت آن شب‌ها و در نهایت، شب قدر مفتخر به نزول قرآن شد.^۲ ثانیاً: روز برای کار و تلاش، و شب برای عبادت و خودسازی است و قرآن هم یک کتاب خود سازی است لذا مناسبت دارد که در شب نازل گردد.

ثالثاً: زیرا بسیاری از برکات معنوی در شب نصیب انسان می‌شود مانند:

۱. معراج پیامبر ﷺ ۲. مناجات موسی ﷺ ۳. اخذ تورات در شب ۴. تهجد و مناجات با خداوند در شب ۵. ثبات قدم در دین در پرتو احیای شب «ان نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِيَ اَشَدُّ وَطْئًا وَاَقْوَمُ قَبْلًا».^۳

❁ چرا قرآن در شب قدر نازل شد؟

از آنجا که در شب قدر سرنوشت انسانها برای یک سال، بر طبق لیاقت‌ها و شایستگی‌های آنها، تعیین می‌شود، و از طرفی هم قرآن یک کتاب سرنوشت ساز است، و خط سعادت،

۱. شعرا، آیه ۱۹۸-۱۹۹.

۲. جزوه علوم قرآن، ص ۳۵، استاد ربانی خراسانی.

۳. زمزم، آیه ۶.

خوشبختی و هدایت انسانها در آن مشخص شده است باید در همچو شب قدری که شب تعیین سرنوشتها است، نازل گردد.^۱

❖ چرا شب قدر مخفی و پنهان است؟

بسیاری معتقد هستند که علت مخفی بودن شب قدر در میان شبهای سال، یا در میان شبهای ماه مبارک رمضان برای این است که مردم به همه این شبها اهمیت دهند، همان گونه که خداوند رضای خود را در میان انواع طاعات پنهان و مخفی کرده است تا مردم به همه طاعات روی آورند... و این فلسفه مناسبی به نظر می رسد.^۲

❖ چرا مطالب قرآن هرگز کهنه نمی شود و در هر زمان، نو و تازه است؟

به دلیل آیه «فبای» حدیث بعده یومنون». یعنی پس به کدام سخن تازه قرآن بعد از آن ایمان می آورند.^۳

❖ چرا خداوند قرآن را با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع کرده است؟

چون نام خدا (بسم الله) عزیزترین نامها است لذا قرآن را با آن شروع کرده تا آنچه در آن است مارک او را داشته باشد و مرتبط با نام او باشد و نیز ادبی باشد تا بنده، خود را به آن ادب، مؤدب کند و بیاموزد تا در اعمال و افعال و گفتارهایش این ادب را رعایت نماید، آن را با نام وی آغاز نموده، مارک وی را بر آن بزند تا عملش خدائی شده، صفات اعمال خدا را داشته باشد و از این کار قصد می کند همان طور که خدا هالک و باطل و ناتمام نیست، کار او هم باطل و هالک و ناقص و ناتمام نماند.^۴

تا هدف اصلی که همان هدایت و سوق بشر به سعادت است از آغاز تا انجام با موفقیت و پیروزی و بدون شکست انجام شود.^۵

«بسم الله» سرآغازی است برای هر کار، و استمداد از ذات پاک خدا را به هنگام شروع در هر کار به ما می آموزد.^۶

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۳. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۳۵۶.

۴. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۴-۲۵.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶.

❖ چرا خداوند سوره‌ها را با «بسم الله» شروع کرده است؟

علت آنکه هر سوره‌ای با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده است آن است که اغراض و مقاصدی که از هر سوره به دست می‌آید مختلف است، و هر سوره‌ای غرض خاص و معنی مخصوصی را ایفا می‌کند، غرضی را که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی‌شود، و بنابر این، «بسم الله» در هر یک از سوره‌ها راجع به آن غرض واحدی است که در خصوص آن سوره تعقیب شده است.^۱

❖ چرا قرآن با «اقرأ» شروع شده است؟

زیرا محیط حجاز را یک پارچه محیط جهل و نادانی فرا گرفته بود لذا در نخستین آیات وحی تکیه بر مسئله علم و قلم است که بلافاصله بعد از نعمت بزرگ خلقت و آفرینش در این آیات ذکر شده است.

دوران تاریخ زمانی است که قلم و خواندن و نوشتن ابداع شده و انسان توانسته است چیزی از زندگی خود را با قلم بنگارد و برای آیندگان به یادگار بگذارد بنابر این تاریخ بشر مساوی با تاریخ پیدایش قلم و خط می‌باشد.^۲

❖ چرا در «بسم الله الرحمن الرحيم» فقط این سه اسم (الله، رحمن و رحيم) میان ۱۰۰۱ اسم

خدا آمده است؟

به جهت اینکه «الله» بنابر قولی اسم اعظم است و مستجمع جمیع صفات کمالیه و جمالیه خداوند است و «رحمن» هم رحمت بی‌پایان خدا را نسبت به جمیع مخلوقات ثابت می‌کند و «رحيم» هم رحمت خاص خدا را به بندگان مخلصش ثابت می‌نماید و خلقت عوالم ثلاثه یعنی دنیا و برزخ و آخرت همه از روی رحمت الهی می‌باشد.

❖ چرا فقط در «بسم الله الرحمن الرحيم» فقط صفت رحمان و رحيميت خدا آمده است

و دیگر صفات خداوند نیامده است؟

زیرا در آغاز هر کار لازم است از صفتی استمداد کنیم که آثارش بر سراسر جهان پرتو افکن است و همه موجودات را فرا گرفته است و گرفتاران را در لحظات بحرانی رهایی بخشد بنابر این هنگامی که می‌خواهیم با نام خدا کارمان را آغاز کنیم باید دست به دامن رحمت واسعه او بزنیم (هم رحمت عام یعنی رحمن و هم رحمت خاص یعنی رحيم) لذا صفتی مناسبتر از این دو صفت

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۲۷-۲۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۶۰-۱۵۹.

نمی‌باشد.

❖ چرا قرآن علم را بر ایمان مقدم داشته است «وَتَوَالِمْ الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ»؟
ظاهراً علت تقدم علم بر ایمان به خاطر آن باشد که علم پایه و اساس ایمان است.

❖ چرا در بخش پایانی آیه از اسمای الهی نام برده می‌شود مانند «سمیع علیم» و «غفور رحیم»؟

چون جهان در نظر قرآن آیت و مرآت اسمای حسنی و صفات عالیّه الهی است و ذکر هر نام در پایان هر آیه متناسب با مسئله طرح شده در همان آیه است بطوری که ختم آیه ضامن مضمون متن آیه می‌باشد.^۱

❖ چرا در آیه‌ای که در آن موضوع اخلاقی و ارزشی باشد در پایان آیه وقایع مربوط به قیامت بازگو می‌شود؟

این بدان دلیل است که قیامت ظرف ظهور ملکات اخلاقی و نظام ارزشی افراد است.^۲

❖ چرا در آیه‌ای که از احکام و قوانین الهی سخن رفته باشد در پایان آیه به برخی از مسائل اخلاقی پرداخته می‌شود؟

از جهت تأمین پشتوانه اخلاقی برای اجرای آن احکام است، زیرا اگر چه عوامل اجرایی تا حدودی می‌تواند برای رعایت برخی از احکام کارساز و مفید باشد لیکن اصول اخلاقی عامل اساسی در ضمانت اجرایی احکام هستند.^۳

❖ چرا خطاب‌های قرآنی همه جا با مردان است؟

قرآن کریم سه گونه سخن می‌گوید گاهی که خطاب به عموم جامعه است به مذکر اشاره دارد مثل «الَّذِينَ» و «الْمُؤْمِنُونَ» که این اختصاص به مردان ندارد بلکه مردم جامعه را شامل می‌شود گاهی هم تعبیر به «رجال» دارد که این وظیفه اختصاصی مردان را ذکر می‌کند و گاهی هم تعبیر به «نساء» دارد که وظیفه اختصاصی زن‌ها را بیان می‌کند. فرهنگ محاوره، فرهنگ «مردم» است نه «مردان» و قرآن کریم هم بر اساس همین «فرهنگ محاوره»، سخن

۱. شریعت در آینه معرفت، ص ۲۴۳.

۲. شریعت در آینه معرفت، ص ۲۴۳.

۳. شریعت در آینه معرفت، ص ۲۴۳.

می‌گوید.^۱

❁ چرا در مورد قرآن، اختلاف قرائت اتفاق افتاده است؟

چون: ۱. در برخی از الفاظ و کلمات قرآن، نتیجه اختلاف لغات و لهجه‌های عربی و تعدد آنها است.

۲. وجوهی است که باید آنها را در کلام و سخن فصیح عربی به کار برد.

۳. لهجه‌هایی که در جزیره العرب تفوق و انتشار داشت به هفت لهجه عمده باز می‌گردد که عبارتند از: لهجه قریش، هذیل، ثقیف، هوازن، کنانه، تمیم و یمن. لذا خداوند هم به این هفت لهجه قرآن را نازل کرده است.^۲

❁ چرا در شماره آیه‌های قرآن اختلاف وجود دارد؟

این اختلاف بدین معنا نیست که قرآن‌ها، با همدیگر فرق دارند و روشن است که در نسخه‌ها و چاپ‌های مختلف قرآن کم یا زیادی وجود ندارد و همه آنها مثل هم هستند و فقط اختلاف و نزاع در شماره آیات است. و این اختلاف از آنجا نشأت گرفته است که گفته‌اند:

رسول خدا ﷺ بر سر هر آیه ای، اندک توفقی می‌کرد تا یارانش بدانند که پایان و آغاز آیه کجاست. ولی بعضی از مردم خیال می‌کردند که محل وقف پیامبر خدا ﷺ فاصله میان دو آیه نیست و لذا این آیه را به آیه بعدی وصل می‌کردند و این دو آیه را یک آیه به حساب می‌آوردند و بعضی دیگر آن وقف را پایان آیه به حساب می‌آوردند. به همین دلیل در شمارش آیات در قرآن‌های مختلف، اختلاف پیش آمد.

❁ چرا بعضی از دانشمندان معتقدند که نقطه گذاری قرآن مستحب است؟

نووی در کتاب «التیان» گوید: «چون این کار صیانت قرآن را از تحریف ضمانت می‌کند».^۳

❁ چرا علمایی مانند شعبی و نخعی نقطه گذاری قرآن را در عصر خود مکروه می‌دانستند؟

چون بیم آن داشتند که تغییری در قرآن پدید آید.^۴

❁ چرا عُمَر، شعارش این بود که «حسبنا کتاب الله»؟

زیرا یکی از اصول فکری وی آن بود که قرآن حجت است و این سخن او که گفت: «حسبنا

۱. ره توشه، ص ۲۲۷، سال ۱۳۸۰، به نقل از آیت الله جوادی.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۷۷-۲۴۷.

۳. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۸۱.

۴. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۸۱.

کتاب الله» در بسیاری از مآخذ تاریخی و حدیثی آمده و به قول مولف «تاریخ خلفا» جناب رسول جعفریان: و این کلام هیچ معنایی جز این ندارد که نیازی به احادیث نیست و حتی وی کتابت و نقل احادیث را در زمان خلافتش ممنوع کرد.

❁ چرا عثمان اقدام به جمع آوری قرآن نمود و دستور داد همه مصاحف دیگر را بسوزانند؟
برای خاتمه دادن به اضطراب و نابسامانی‌هایی که در قرائت قرآن پدید آمده بود، چنین کرد.^۱

❁ چرا قرآن به یک باره بر پیغمبر نازل نشد؟
قرآن در سوره فرقان گوید: «بدینسان ما قرآن را نازل کردیم تا قلب تو را استوار داریم، لذا قرآن را بتدریج بر تو خواندیم».^۲

آیات قرآن چون با حوادث مختلف ارتباط دارد و برای رفع نیاز همه طبقات در طول تاریخ است لذا بخش بخش نازل شده تا با رویدادهای گوناگون، تطبیق داشته و برای منتظران دلچسب‌تر باشد. مثلاً اگر آیات جهاد در زمان صلح نازل می‌شد، در جایگاه واقعی خود نبود.^۳

❁ چرا شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی با اهمیت است؟
زیرا یک محقق به گلهایی که اسلام در دعوت خود برداشته - و این گامها با حوادث و شرائط و اوضاع، همزمان و هماهنگ بوده است - اطلاع پیدا می‌کند و به هماهنگی این دعوت با محیط عربی اعم از مکه و مدینه و بیابان و شهر، دست می‌یابد. و از سبک و اسلوبهای متفاوت این دعوت در خطاب به مومنین و مشرکین و اهل کتاب آگاه می‌گردد.
سیوطی گوید: «از این راه انسان آیات ناسخ یا مخصص را خواهد شناخت».
صاحب کتاب «التنبیه علی فضل علوم القرآن» گوید: شریف ترین علوم قرآن، چند تا است... ترتیب آن بخش از آیات و سوره‌هایی که در مکه و مدینه نازل شده است.^۴

❁ چرا قرآن نقطه گذاری شد؟
نقطه گذاری قرآن به منظور پیشگیری از لغزش و اشتباه در قرائت قرآن صورت گرفت.^۵

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۵۵.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۱.

۳. تفسیر سوره اسراء، ص ۱۶۲، قرائتی.

۴. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۷۳.

۵. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۷۱.

❁ چرا آیاتی که در مدینه، براهین و ادله در مورد حقائق دینی را ذکر می‌کند، به طور تفصیل آمده است؟

زیرا محیط تازه مدینه مقتضی بود که در قانونگذاری شرح و تفصیل بیشتری معمول گردد.^۱

❁ چرا قرآن به سوره‌های مختلف تقسیم شده است؟

برای اثبات این مسئله است که هر سوره‌ای از قرآن - حتی در حد اقل آیات آن - معجزه و آیتی از آیات و نشانه‌های الهی است. و نیز اشاره به آنست که هر سوره دارای روش و سبک مستقل و مخصوص بخود می‌باشد.

حکمت دیگری ذکر می‌کنند که بمنظور تعلیم سوره‌ها به کودکان، از سوره‌های کوتاه آغاز می‌شود تا بتوانند در یک شرائط تدریجی و آسان، قرآن را از بر کنند.^۲

❁ چرا هر سوره‌ای از قرآن به یک نامی مشهور است؟

زرکشی گوید: نامگذاری سوره‌ها به این نام‌ها بر منوال و روال نامگذاری تازیان (و غیر تازیان) در مورد بسیاری از اشیا و امور، موضوع نادر و یا شگفت‌انگیز و جالب آن اشیا و امور را در مد نظر قرار داده و آنرا ملاک نام گذاری قرار می‌داده و می‌دهند لذا مجموع خطبه و سخن و قصیده را به همان چیزی نامگذاری می‌نمایند که بیش از هر چیزی در آن سخن و قصیده، مشهور و جالب توجه است.^۳

❁ چرا در ابتدای بعضی از سوره‌های قرآن حروف مقطعه قرار گرفته است؟

عللی را ذکر نموده‌اند که عبارت است از:

۱. حروف ساده و عادی است (که شما نمی‌توانید با آنها مانند قرآن را بیاورید) ۲. از اسرار و رازهای نهانی و غیر قابل درک است ۳. آینده نگری؛ طبق عقیده گروهی، این حروف، رمزی است بمدت بقاء امت مسلمان ۴. حروف مقطعه، نامهای سور و آغاز آنها است ۵. این حروف نام‌های قرآن است ۶. این حروف، رمز و ایمايي است نسبت به اسماء و صفات خداوند ۷. رمزی است به اسماء اعظم الهی ۸. حروف مقطعه سوگندهای خداوند به نام‌ها خود می‌باشد ۹. این حروف مانند «الم» و «حم» نشانه سرانجام و پایان سور قبلی آنها است ۱۰. نولد که مستشرق آلمانی گوید: حروف مقطعه، مطالبی بیگانه از نص قرآنی است، و مردم آنرا بر قرآن اضافه کردند.

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۸۰.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۱۰۷.

۳. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۹۵.

وی بعداً از این نظریه دست برداشت.^۱

علامه طباطبایی (ره) می‌فرمایند: مفسرین قدما و متأخرین در تفسیر حروف مقطعه اختلاف کرده‌اند، و صاحب مجمع البیان، مرحوم طبرسی در تفسیر خود یازده قول از آنها در معنای آن نقل کرده. ۱. این حروف از متشابهات قرآن است ۲. هر یک از این حروف مقطعه نام سوره‌ای است که در آغازش قرار دارد ۳. این حروف اسمائی هستند برای مجموع قرآن ۴. مراد از این حروف این است که بر اسماء خدای تعالی دلالت کنند ۵. این حروف اسمائی از خداست اما مقطعه و بریده که اگر از مردم کسی بتواند آنها را آنطور که باید ترکیب کند به اسم اعظم خدا دست یافته است ۶. این حروف سوگندهایی است که خدای تعالی خورده است ۷. این حروف اشاراتی است به نعمت‌های خدا و بلاهای او و مدت زندگی اقوام و عمر و اجلشان ۸. مراد از این حروف این است که اشاره کند به اینکه امت اسلام تا آخر دهر باقی می‌ماند و منقرض نمی‌شود، حساب جمل هم که نوعی محاسبه است بر این معنا دلالت دارد ۹. مراد از این حروف همان حروف الفباء است در حقیقت خداوند خواسته بفرماید: این قرآن از الفباء ترکیب شده است ۱۰. این حروف به منظور ساکت کردن کفار در ابتدای سوره‌ها قرار گرفته است ۱۱. این حروف از قبیل شمردن حروف الفباء است می‌خواهد بفهماند که این قرآنی که تمامی شما مردم عرب را از آوردن مثلش عاجز کرده از جنس همین حروفی است که مدام با آن محاوره و گفتگو می‌کنید و در خطبه‌ها و کلمات خود به کار می‌بندید.^۲

حکمت افتتاح سوره‌ها به حروف مقطعه عبارتند از: ۱. قرآن از همین حروف است ۲. نام همان سوره است ۳. اسم اعظم الهی است ۴. سوگند و قسم است ۵. از اسرار و رموزی است بین خداوند و پیامبر ﷺ ۶. مختصری از مجموعه سوره است ۷. وسیله اسکات و خاموش ساختن مخالفین قرآن است.

❁ چرا قرآن به ذکر داستان و قصه‌ها پرداخته است؟

داستان‌گویی در قرآن کریم در خدمت اهداف عالیه دینی است و مراد قرآن تاریخ‌نویسی یا وقایع‌نگاری نیست. آنچه اهمیت دارد گرفتن درس عبرت است از یک داستان یا بخشهایی از آن.

❁ چرا قرآن در مسئله شهوت و تغذیه کلمه «خطوات شیطان» را به کار برده است؟

تا بگویند: شیطان گام به گام انسان را به بعضی گناهان وادار می‌کند.^۳

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۱۲۷-۱۱۷.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴-۶.

۳. تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۶۱.

❁ چرا خداوند در قرآن سوگندهایی یاد کرده است؟

سوگند به هر چیزی علامت محترم شمردن و بزرگ شمردن و علامت عزیز شمردن آن چیز است و گاهی برای دانستن اینکه آن چیز مورد عنایت قسم خورنده است و وقتی خداوند به چیزی قسم می‌خورد برای متوجه کردن مردم به آنها است که آنها را کوچک نشمرند و ارزش آنها را بدانند.

❁ چرا در قرآن آمده که قرآن در شب قدر نازل شده است و حال اینکه قرآن (آیه اقرأ) برای اولین بار در ۲۷ رجب موقع بعثت، بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است؟

باید دانست که قرآن دو نزول دارد یکی دفعی که در شب قدر اتفاق افتاد و از «نزلنا» فهمیده می‌شود و دیگری تدریجی که طول ۲۳ سال بود که از «نزلنا» استفاده می‌شود. به قول شهید مطهری رحمته الله نزول قرآن دو گونه بوده است یکی دفعی و تمام قرآن که بصورت یک روح در شب قدر بر پیغمبر نازل شده است و در آن وقت هنوز پیغمبر مبعوث نبود و آن نزول قرآن، بعثت پیغمبر نبود و دیگری نزول تدریجی قرآن که در موقع بعثت این قرآن و این روح و این حقیقت بصورت الفاظ و کلمات بر پیغمبر از موقع بعثت (۲۷ رجب) بمدت ۲۳ سال نازل گشت و موقع این نوع نزول، بعثت پیغمبر آغاز گردید.

❁ چرا قرآن می‌فرماید: «فرزند از بین صلب (کمر مرد) و ترائب (سینه زن) خارج می‌شود و حال اینکه اینچنین نیست؟

باید گفت صلب که به معنای استخوانهای محکم است کنایه از مرد است چون مرد مظهر سختی و صلابت است و ترائب که به معنای استخوانهای نرم روی سینه است کنایه از زن است چون زن مظهر نرمی و لطافت است.

❁ چرا قرآن می‌فرماید: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ» یعنی خداوند زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟

زیرا علاوه بر معنی ظاهری که گاهی خداوند بچه زنده را از مادر مرده و بچه مرده را از مادر زنده بیرون می‌آورد می‌شود گفت: خدا از انسان بی‌ایمان که در حکم مرده است فرزند با ایمان و از انسان با ایمان که در حقیقت زنده است بچه بی‌ایمان که در حکم مرده است را به وجود می‌آورد.

❁ چرا اولین سوره قرآن، سوره حمد می‌باشد؟

چند علت دارد: ۱. به دستور رسول خدا ﷺ سوره حمد اولین سوره قرار گرفته و از این جهت است که به آن فاتحة الكتاب (گشاینده و آغازگر قرآن) می‌گویند. ۲. چون آنچه در تمام قرآن از تحمید، تمجید، تهلیل، تکبیر، شکر، ثناء، تسبیح و تقدیس به تفصیل است در این سوره

بطور اجمال آمده است و در ادبیات عرب رسم است که اجمال (سوره حمد) را قبل از تفصیل (بقیه قرآن) می‌آورند.^۱

۳. از طرفی به سوره حمد امّ الکتاب می‌گویند و امّ به معنی اصل و ریشه و مادر است بنابراین این، سوره حمد که اصل و ریشه تمام قرآن است باید اول قرآن قرار بگیرد.

❁ چرا در سوره حمد هفت حرف (ث، ج، خ، ز، ش، ظ، ف) وجود ندارد؟

امام هادی علیه السلام در پاسخ به سؤال یکی از خلفای عباسی در خصوص آن هفت حرف فرمودند: به دلیل اینکه حرف «ث» اشاره به ثبوت (هلاکت) و حرف «ج» اشاره به جحیم (نام یکی از درکات دوزخ) و حرف «خ» اشاره به خبیث (ناپاک) و حرف «ز» اشاره به «زقوم» (غذای بسیار تلخ دوزخ) و حرف «ش» اشاره به شقاوت و حرف «ظ» اشاره به ظلمت و حرف «ف» اشاره به آفت است.^۲

❁ چرا در سوره حمد، «ربّ العالمین» آمده است یعنی پروردگار جهانیان و حال اینکه عالمین جمع با «ین» است و این جمع فقط بر صاحبان عقل اطلاق می‌شود، در حالی که در اینجا مقصود هم صاحبان عقل و هم غیر آن مانند گیاهان و حیوانات می‌باشد؟

چند جواب دارد:

۱. بعضی گفته‌اند مقصود از عالمین صاحبان عقل مانند فرشتگان و انسان‌ها و جن‌ها می‌باشد.
۲. گروهی گفته‌اند جمع عالمین به خاطر تغلیب است یعنی اسم صاحبان عقل را چون برتر هستند بر غیر آنها غلبه داده‌اند و اسم مجموع آنها را عالمین گذاشته‌اند.
۳. نویسنده تفسیر «المنار» گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مراد از عالمین تنها انسان‌ها هستند. و مؤید آن این است که در جای دیگر قرآن آمده: «لیکون للعالمین نذیراً» یعنی این قرآن برای انداز عالمین یعنی انسان‌ها می‌باشد و دیگر مخلوقات مراد نمی‌باشند.
۴. احتمال می‌دهد مقصود از عالمین جنّ و انس باشد قرآن گوید ما جنّ و انس را برای عبادت خلق کردیم و در جای دیگر می‌فرماید پیامبر اسلام (ص) نذیر للعالمین است بنابراین پیامبر نذیر برای جنّ و انس می‌باشد.

❁ چرا در سوره حمد عبارت (ایّاک نعبد) به صورت جمع آمده است؟

زیرا اساس عبادت مخصوصاً نماز، بر پایه جمع و جماعت است. مخصوصاً از اذان و اقامه که

۱. کشکول، ج دوم، ص ۴۶۹.

۲. داستان‌های شنیدنی از چهارده معصوم، ص ۱۸۶.

دعوت به اجتماع برای نماز است گرفته تا خود سوره حمد که آغاز نماز است و به قول علامه طباطبائی صاحب «المیزان» صیغه جمع در «ایاک نعبد» برای آن است که انسان، خود و تعیناتش را با لحاظ جمع، نادیده بگیرد و از خود بیرون آید.^۱

❁ چرا در سوره حمد اول آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بعد آیه «اهدنا الصراط المستقیم» آمده است؟

به قول یکی از علما (آقای قرائتی) اول باید خداوند را عبادت کرد بعد از او حاجت طلب نمود.^۲ و از طرفی عبادت و پرستش وسیله‌ای برای هدایت انسانها می‌باشد.

❁ چرا در سوره حمد دعا «اهدنا الصراط المستقیم» به صورت جمع آمده است؟
زیرا در گرفتن حاجت و دعا کردن باید به فکر دیگران هم بود. و نباید فقط به فکر خود و رفع حاجت خود بود چون دعایی که فقط خویشتن مد نظر باشد، دیرتر مستجاب می‌گردد و به قول فخر رازی هر چه دعا عمومی‌تر (جمع) باشد به اجابت نزدیکتر است و به قول رسول خدا ﷺ خداوند را با زبانی بخوانید که گناه نکرده‌اید! سؤال شد که مقصود چیست؟ فرمودند مقصودم آن است که برای یکدیگر دعا نمایید.^۳

❁ چرا در سوره حمد یک دفعه از غیبت «الحمد لله رب العالمین... مالک يوم الدين» به حضور «اهدنا الصراط المستقیم» التفات شده است؟

به این جهت که گویا نمازگزار در موقع شروع به نماز اجنبی و بیگانه است وقتی خداوند را حمد و سپاس کرد و او را به رحمت عام و خاصش یاد نمود و گفت مالک روز جزا هم است زمینه حاصل تا تقرب به خدا پیدا کند در این صورت حجاب برطرف و به او اجازه حضور داده می‌شود. و دلیل دیگر این که اگر انسان در عبادت اول معبود را ببیند سنگینی عبادت بر او آسان می‌شود و دلیل دیگر اینکه انسان در عبادت فقط معبود را باید ببیند.^۴

❁ چرا در سوره حمد آمده است «مالک يوم الدين» یعنی خدا مالک روز قیامت است و حال این که خداوند هم مالک دنیا و هم مالک روز قیامت است؟

جواب این که مالکیت خداوند اگر چه شامل هر دو جهان است اما ظهور این مالکیت در قیامت بیشتر است چرا که آنروز پیوندهای مادی و مالکیت‌های اعتباری بریده می‌شود.^۵

۱. تفسیر قرآن، سوره حمد و بقره، ستاد تفسیر قرآن کریم، ص ۲۶.

۲. ستاد تفسیر قرآن، ص ۲۵.

۳. تفسیر قرآن، سوره حمد و بقره، ستاد تفسیر قرآن کریم.

۴. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۵۰.

۵. تفسیر قرآن، سوره حمد و بقره، ستاد تفسیر قرآن کریم.

❁ چرا در سوره حمد گوئیم: «اهدنا الصراط المستقیم» یعنی خدایا ما را به راه راست هدایت کن در حالی که ما بواسطه قبول اسلام به راه راست هدایت شده‌ایم؟

چند جواب داده‌اند ۱. تعبدی است یعنی چون چنین رسیده است ما هم اینچنین می‌گوئیم ۲. مقصود آن است که خدایا ما را در این صراط مستقیم ثابت قدم و استوار بدار ۳. مراد آن است که ما را کاملاً در صراط مستقیم قرار بده.

❁ چرا خداوند در سوره حمد تمام حمدها و ستایش‌ها را مخصوص خود قرار داده است؟ آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: که در «الحمد لله رب العالمین» یک ادعا ذکر شده و دو دلیل بر آن آورده شده است.

ادعا آن است که حمد مخصوص خدا می‌باشد و دو دلیل بر این ادعا آورده شده است ۱. چون او «الله» است و «الله» هم ذات مستجمع همه کمالات را گویند بنابراین این حمد برای کمال است و خداوند جامع جمیع کمالات است پس همه حمدها مخصوص اوست. ۲. چون خداوند «رب» و «مرتبی عالَمیان» است و هر مرتبی و مدبّر محمود است پس خداوند محمود می‌باشد.^۱

❁ چرا خداوند سوره «قل هو الله احد» را نازل نموده است؟ به جهت اینکه به قول حضرت سجاد (ع) قومی در آخر الزّمان می‌آیند که متعمّق بوده لذا برای آنها نازل شده است.

❁ چرا روایت گوید کسی که سه مرتبه سوره «قل هو الله» را بخواند ثواب ختم قرآن دارد؟ زیرا این سوره به منزله ثلث قرآن است (زیرا معارف قرآن سه قسم است: توحید، نبوت و معاد؛ و سوره قل هو الله مشتمل بر توحید است) و کسی که سه بار قرائت کند مثل آن است که کلّ قرآن را تلاوت کرده است.

❁ چرا سوره توحید، قدر و منزلت والایی دارد؟ چون تقریباً ثلث قرآن در باره توحید است و اگر کسی بخواهد اجمال یک سوم قرآن را بخواند همان سوره توحید است که به طور مفصل ثلث قرآن را در بردارد.^۲

❁ چرا ثواب تلاوت سوره «قل هو الله احد» ثلث قرآن است؟ مرحوم علامه طباطبائی (ره) می‌فرماید: در آن اقوالی است و معتدل‌ترین آن این است که تمامی معارف قرآن به سه اصل برمی‌گردد، توحید و نبوت و معاد، و این سوره «قل هو الله» از

۱. تفسیر قرآن، ستاد تفسیر قرآن.

۲. استعاذه، ۱۹۳، شهید دستغیب.

این سه اصل یک اصل را متعرض شده، از اول تا به آخرش در باره آن سخن گفته، و آن اصل توحید است.^۱

❁ چرا خداوند در قرآن از میان حیوانات به نحر شتر (قربانی شتر) دستور داده است؟

از این جهت است که شتر عزیزترین اموال عرب بود و دستور به کشتن آن برای توجه دادن به این نکته است که کمال ایمان و خصوص بندگی مقتضی گذشت از محبوبترین چیزها است «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» یعنی هرگز به نیکی و خوبی نمی‌رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید.^۲

❁ چرا قرآن در باره بعضی از حشرات سخن به میان آورده است؟

این نشان از شگفتی‌های این‌ها است. مثلاً عنکبوت با تار تنیدن، حشرات را شکار می‌کند و غذای خود را به راحتی تهیه می‌کند. در عصر حاضر با پیشرفت علوم پزشکی از تارهای عنکبوت برای امور پزشکی و حتی در صنایع نظامی استفاده می‌کنند؛ از جهت مقاومت، تار عنکبوت پنج برابر فولاد و آهن استحکام دارد.^۳

و همچنین زنبور عسل که نام یکی دیگر از سوره‌های قرآن است عجائب بسیار زیادی در آن وجود دارد که حدود پانزده خاصیت مهم برای آن در کتاب «در جستجوی خدا صفحه ۱۹۸ - ۱۹۶» ذکر شده است.

❁ چرا در قرآن، همیشه شب بر روز مقدم است؟

شاید از آن جهت که تاریکی شب، ذاتی زمین و از خود آن است، ولی روشنی روز، از خورشید است که بر زمین عارض می‌شود.^۴

❁ چرا در سوره «عم» سوف تعلمون دو بار تکرار شده است؟

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: اولین «سوف تعلمون» مربوط به عذاب قبر است و دومی مربوط به عذاب آخرت.^۵

۱. المیزان، ج ۲۰، ص ۶۷۶.

۲. تفسیر نوین، ص ۳۶۵.

۳. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجائب در گذرگاه آفرینش، ص ۲۲۱-۲۲۰.

۴. تفسیر سوره قصص، ص ۱۱۶، قرآنی.

۵. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۵۸۰.

❁ چرا قرآن، عالم آخرت را به «الذّار=سرا» تعبیر نموده است؟

چون گویی غیر از آن، سرایی وجود ندارد، و هر چه غیر از آن است گذرگاهی به سوی آن!^۱

❁ چرا آیات در باره انذار بیشتر از آیات بشارتی است؟

زیرا برای هدایت افراد غافل، انذار و هشدار، کار سازتر است. با اینکه رسالت پیامبران در قالب مجموعه‌ای از بشارت و انذارهاست، ولی از آنجا که انذار اثر بیشتری در روچه‌های غفلت زده دارد، در قرآن توجه بیشتری به مسأله انذار شده است.^۲

❁ چرا قرآن (در سوره غاشیه) قبل از هر چیز بر مسئله آفرینش شتر تکیه نموده است؟

زیرا روی سخن در مرحله اول به اعراب مکه بود که شتر همه چیز زندگی آنها را تشکیل می‌داد و شب و روز با آن سر و کار داشتند علاوه بر آن این حیوان ویژگی‌های عجیبی دارد از جمله:

۱. این حیوان هم گوشتش قابل استفاده است و هم شیرش، هم از آن برای سواری و هم باربری استفاده می‌شود.
۲. شتر نیرومندترین و با مقاوم ترین حیوانات اهلی است و به هنگامی که خوابیده بار سنگینی را بر او حمل می‌کنند، او با یک حرکت بر می‌خیزد.
۳. شتر می‌تواند روزهای متوالی (حدود یک هفته الی ده روز) تشنه بماند و در مقابل گرسنگی نیز تحمل بسیار دارد.
۴. شتر می‌تواند هر روز مسافتی طولانی راه را طی کند و از زمینهای صعب العبور بگذرد و به همین دلیل عربها آن را «کشتی بیابانها» می‌نامند.
۵. او از نظر تغذیه بسیار کم خرج است و هرگونه خار و خاشاکی را می‌خورد.
۶. او در شرائط نامناسب جوّی در میان طوفانهای بیابان که چشم و گوش را کور و کر می‌کند با وسائل خاصی که خداوند در پلک‌ها و گوش‌ها و بینی او آفریده مقاومت می‌کند، و به راه خود ادامه می‌دهد.
۷. شتر با تمام قدرتی که دارد از رام‌ترین حیوانات است به طوری که یک کودک خردسال می‌تواند مهار یک قطار شتر را در دست گرفته و هر جا که خاطر خواه او است ببرد.^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۸.

۲. تفسیر سوره قصص، ص ۸۲، قرآنی.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۲۸-۴۲۷.

✽ چرا گوییم حتی گسترش جهان و خلق و تشکیل کهکشانهای جدید را می‌توان از قرآن استفاده کرد؟

چون آیه قرآن گوید: «والسماء بنیناها بأید و انا لموسعون» و با توجه به جمله «وانا لموسعون» می‌توان گسترش جهان و خلق و تشکیل کهکشانهای جدید را فهمید.^۱

✽ چرا گوییم حتی قانون جاذبه زمین هم از قرآن استفاده می‌شود؟
چون قرآن گوید: «الم نجعل الارض کفأاً احياءاً و امواتاً» و با توجه به کلمه کفأاً که به معنی جمع و ضمیمه کردن است، می‌توان جاذبیت زمین را استفاده کرد.^۲

✽ چرا قرآن در مورد خلقت جن و انسان، جن را بر انسان مقدم داشته و فرموده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؟

زیرا ۱. خداوند ابتدا، جن بعد انسان را خلق نموده است و شیطان هم از جن بود که آدم را سجده نکرد. ۲. جمعیت اجنه بیشتر از ما انسانها است قرآن می فرماید: «یا معشر الجن قد استكثرتم من الانس».^۳

✽ چرا قرآن گوید گاهی انسان از چهار پایان گمراهتر و بدتر می‌شود؟
چون: الف) اگر چهار پایان چیزی نمی‌فهمند، دلیلش عدم استعداد آن‌هاست بخلاف انسان. ب) برای چهار پایان محاسبه ای در کار نیست و مشمول مجازات‌های الهی نیستند بخلاف انسان. ج) چهار پایان برای انسان‌ها خدمات زیادی دارند، اما انسان‌های طاغی و یاغی نه تنها خدمتی نمی‌کنند، بلکه هزاران بلا و مصیبت نیز می‌آفرینند. د) چهار پایان خطری برای کسی ندارند، اگر هم داشته باشند، خطر آن‌ها محدود است بخلاف انسان. ه) چهار پایان هرگز برای کارهای خود توجیه‌گری ندارند بخلاف انسان.^۴

✽ چرا قرآن به مجرمان گوید: «كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا» بخورید و بهره‌گیرید! در حالی که خوراک و کار آنها حرام می‌باشد؟

باید گفت پزشک در دو حالت به بیمار اجازه می‌دهد که هر غذایی را بخورد: یکی آنجا که بیمار درمان گشته و سالم است و دیگر آنجا که بیمار فرد لاعلاج و بدون درمان است و پزشک از بهبود او مایوس شده است. در قرآن نیز فرمان «كلوا» گاهی نشانه امید و سلامتی است و

۱. پژوهشهای قرآنی، شماره ۳، ص ۱۹۶.

۲. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳، ص ۱۹۶.

۳. انعام، آیه ۱۲۸.

۴. تفسیر کبیر، ج ۲۴، ص ۸۷؛ نمونه، ج ۱۵، ص ۱۰۸؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۵۳۲.

گاهی نشانه قهر الهی.^۱

✽ چرا در قرآن غالباً کلمه «مغفرت» همراه با «جنت» ذکر شده است «سارعوا الى مغفرة من ربكم و الجنة»؟

زیرا بهشت چنان جایگاه پاک و منزهی است که ناپاکان را در آن راه نمی‌دهند و آلودگان به پلیدی گناه، پس از مغفرت و آمرزش الهی و پاک شدن از آن آلودگی‌ها به بهشت راه پیدا می‌کنند.^۲

✽ چرا در قرآن اول «لذو مغفرة» بعد «ذو عقاب الیم» آمده است «ان ربك لذو مغفرة و ذو عقاب الیم»؟

در تفسیر نمونه آمده که مقدم داشتن «مغفرت» بر «عقاب» همانند موارد دیگر دلیل بر «پیشی گرفتن رحمت بر غضب» است، چنانکه در دعا آمده «یا من سبقت رحمة غضبه». ^۳ علاوه بر این، مغفوره با لام تاکید آمده بخلاف عقاب.

✽ چرا در قرآن از مجازات‌های اخروی تعبیر به «ماخلفکم» یعنی آنچه پشت سر شماست، شده است؟

به خاطر آنست که مجازات‌های آخرت هنوز نیامده، گویی پشت سر انسان در حرکت است، و سر انجام روزی به او می‌رسد و دامانش را می‌گیرد. بعضی آیه را به عکس این معنی تفسیر کرده اند: «ما بین ایدیکم» را به عذاب آخرت و «ماخلفکم» را به عذاب دنیا، چرا که آخرت در پیش روی ما قرار دارد.^۴

✽ چرا قرآن در زمینه رعایت حجاب اسلامی نخست همسران پیامبر (ص) سپس دختران او، و بعد زنان با ایمان را بیان نموده است «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن».^۵

اشاره به این دارد که هرگونه اصلاحی را باید از خود و خانواده خود شروع کنی و این برنامه ای است برای همهء اصلاحگران بشری.^۶

۱. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۳۵۵.

۲. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۵۹؛ المیزان، ج ۲، ص ۱۹.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۰۳.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۹۹-۴۰۰.

۵. احزاب، آیه ۵۹.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۲.

❖ چرا قرآن در مورد دزدی، اول مرد دزد و بعد زن دزد را ذکر می‌کند «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ»؟
زیرا غالباً مردها به طرف دزدی می‌روند و به خاطر اکثریت، مردها را مقدم داشته است و چون مردها دل و جرئت بیشتری نسبت به چنین کاری دارند.

❖ چرا قرآن در مورد زنا، اول زن زناکار بعد مرد زناکار را ذکر می‌کند «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي»؟
زیرا غالباً گناه زنا از طرف زن شروع می‌شود و او اول خودنمایی می‌کند و مرد را به دام می‌اندازد بنابراین مقدمات زنا و تحریکات غالباً از زن آغاز می‌شود.
و شاید به این جهت باشد که همان طور که روایت گوید: شهوت زن، ۹ برابر شهوت مرد می‌باشد از این جهت او بیشتر به طرف زنا و مقدمات آن می‌رود.

❖ چرا قرآن می‌فرماید: «و اکثر الناس لا يشكرون» «ولكن اکثر الناس لا يعلمون» «ولكن اکثر الناس لا يؤمنون» «وان تطع اكثر من في الارض يضلوك عن سبيل الله»؟
مضمون این آیات این است که اگر اکثریت مؤمن و آگاه و در مسیر حق باشند نظرات و آرای آنها محترم و غالباً مطابق واقع است و باید از آن پیروی کرد و قرآن هم این را قبول دارد ولی اگر اکثریت ناآگاه و جاهل و بی خبر بودند یا آگاه اما تسلیم هوا و هوس بودند نظرات آنها غالباً جنبه انحرافی دارد و پیروی از آنان چنانچه قرآن می‌گوید، انسان را به ضلالت و گمراهی می‌کشاند.^۱

❖ چرا قرآن زمین را به فرش تعبیر کرده است؟
علت اینکه قرآن می‌فرماید: «الذي جعل لكم الارض فراشا» آن است که زمین هم مانند فرش نه تنها مفهوم آرامش و آسودگی خاطر را در بر دارد، بلکه گرم و نرم بودن و در حد اعتدال قرار داشتن نیز در مفهوم آن افتاده است. جالب اینکه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خداوند زمین را مناسب طبع شما قرار داد و موافق جسم شما آن را گرم و سوزان قرار نداد تا از حرارتش بسوزید و زیاد سرد قرار نداد تا منجمد شوید... و آن را همچون آب قرار نداد که در آن غرق شوید و چنان سفت و محکم قرار نداد تا نتوانید در آن خانه و مسکن بسازید و مردگان را در آن دفن کنید. آری خداوند اینگونه زمین را بستر استراحت شما قرار داد».^۲

❖ چرا با اینکه یک ماه در آسمان بیشتر وجود ندارد ولی قرآن آنرا به صورت جمع ذکر کرده و فرموده «يسئلونك عن الاهله» یعنی از تو از ماهها سؤال می‌کنند؟
درست است که یک ماه در آسمان بیشتر نیست ولی چون ماه اوضاع متفاوت و حالات

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۸۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۱۹، نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۱.

گوناگونی در آسمان دارد بر آن، اطلاق جمع شده است.

❁ چرا خداوند در قرآن در آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» در رسول «اطيعوا» را تکرار کرده است؟

زیرا اطاعت از رسول معنایی و اطاعت از خدای سبحان معنای دیگری دارد هر چند که اطاعت از رسول خدا در حقیقت اطاعت از خدا نیز هست.

❁ چرا «اطيعوا» در آیه «اولی الامر» تکرار نشده است؟

زیرا کار اولی الامر تنها صادر نمودن آرای است که به نظرشان صحیح می‌رسد و اطاعت از آن‌ها به اطاعت رسول خدا ﷺ باز می‌گردد لذا لازم نیست که تکرار شود.

❁ چرا در قرآن از زمین به گهواره تعبیر شده است «الذی جعل لکم الارض مهناً»^۱؟

نکته ای که در این تشبیه (گهواره) وجود دارد این است که زندگی دنیا یک زندگی موقت بوده و مقدمه زندگی جاوید آخرتی است و ما می‌دانیم که که گهواره برای کودک ساخته می‌شود تا چندی در آن پرورده شود و برای زندگی سال‌های بعدی عمرش آماده گردد و قرار نیست که انسان تمام عمرش را در داخل گهواره سپری کند.

پیام آیه این است که به زندگی دنیا به دیده گهواره بنگرید از این رو زمین و دنیا گهواره ای است تا انسان با راهنمایی شریعت، برای سعادت ابدی و مطلوب معاد آماده شود.^۲

❁ چرا قرآن کوه‌ها را تعبیر به اوتاد(میخ‌ها) کرده است؟

تشبیه کوه به میخ، از معجزات علمی قرآن است. ریشه کوه‌ها در عمق زمین، مانع حرکت لایه‌های زمین و وقوع زلزله‌های دائمی است. کوه‌ها همچون میخ، چند برابر آنچه در بیرون‌اند، در دل زمین فرو رفته‌اند. منافع دیگر کوه‌ها عبارتند از: حافظ برف‌ها برای تابستان، مانع تند باده‌ها، علامت و نشانه راه‌ها، محل معادن و سنگ‌ها و غارها و عامل ایجاد دره‌ها که هر یک در جای خود برای زندگی ضروری هستند.^۳

❁ چرا در قرآن «غیث» به کار رفته است نه «مَطَر» در حالی که هر دو به معنای باران هستند؟

از این جهت که «غیث» به معنی باران نافع است، در حالی که مطر به هرگونه باران گفته

۱. طه، آیه ۵۳.

۲. نسیم حیات، جزء ۳۰، ص ۲۲.

۳. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۳۶۰.

می‌شود خواه نافع باشد یا غیر نافع.^۱

❖ چرا قرآن شجر اخضر (درخت سبز) را برای آتش افروختن ذکر نموده است در حالی که آتش افروختن با چوب‌تر بسیار مشکل است پس چه خوب بود درخت خشک را ذکر می‌نمود؟
جواب اینکه تنها درختان سبزند که می‌توانند عمل کربن‌گیری و ذخیره نور آفتاب را انجام دهند درختان خشک اگر صدها سال در معرض تابش آفتاب قرار بگیرند ذره‌ای به ذخیره انرژی حرارتی آنها افزوده نمی‌شود، تنها موقعی قادر بر این کار مهم هستند که سبز و زنده باشند بنابراین این فقط «شجر اخضر» است که می‌تواند «آتش گیره» (وقود) برای ما بسازد و گرما را به شکل مرموزی در چوب‌تر و مرطوب خود نگاه دارد اما چون خشک شود عمل کربن‌گیری آن تعطیل می‌شود.^۲

چنانکه رسم اعراب بادیه نشین است که شاخ تازه بریده درخت مرخ و عفار که آب از آنها می‌چکد را می‌سایند و آتش از آن حاصل می‌نمایند.^۳

❖ چرا قرآن گوید: «الفتنة اشد من القتل» یعنی فتنه انگیزی از قتل بدتر است؟
به قول شهید دستغیب زیرا اولاً کسی که آتش فتنه را می‌افروزد و عده‌ای را به آن آتش می‌سوزاند بطوری آنها را ناراحت و در شکنجه می‌اندازد که هر روزی برایشان قتل است و خلاصه اگر آنها را یک‌دفعه کشته بود راحت‌تر بودند و ثانیاً غالب فتنه‌ها منجر به قتل‌ها و ملحقیات آن یعنی زخم زدن و ناقص کردن اعضاء می‌گردد.^۴ شهید می‌فرماید: کشتن ناحق گناه کبیره است. و در حکم قتل نفس است جنایت رساندن به اعضاء بدن (مانند دست، پا، چشم و غیره).^۵

❖ چرا قرآن در آیه «اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً» ۶. اول در باره سوء ظن بعد در باره تجسس و تجسس، مقدمه برای غیبت کردن است. است؟

چون سوء ظن، مقدمه برای تجسس و تجسس، مقدمه برای غیبت کردن است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۳۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۶۵.

۳. حاشیه قرآن، ذیل آیه من الشجر الاخضر نارا.

۴. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۲۰.

۵. قواعد، ص ۱۰۰.

۶. حجرات، آیه ۱۲.

❁ چرا قرآن می‌فرماید: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (یعنی پروردگار دو مشرق و دو مغرب) و یا «رَبُّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ» (یعنی پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها) و حال اینکه یک مشرق و یک مغرب داریم؟

امام صادق علیه السلام در مورد آیه «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» می‌فرمایند: منظور از «مشرقین» رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است و منظور از «مغربین» امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.^۱

و شاید مشرق و مغرب‌های کرات و خورشیدهای بی شمار یا مشرق و مغرب‌های آفاق مختلف یا فصول مختلف مقصود باشد.

❁ چرا قرآن می‌فرماید: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» یعنی پروردگار مشرق و مغرب، و نفرموده رَبُّ الشَّمَالِ وَالْجَنُوبِ؟

زیرا مشرق و مغرب جای طلوع و غروب خورشید است که عظمت پروردگار از این راه مشخص می‌گردد اما شمال و جنوب بواسطه و از راه مشرق و مغرب معلوم می‌گردند.

❁ چرا هدایت قرآن «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» ویژه و خاص پرهیزکاران است؟

فخر رازی و مرحوم شیخ طوسی و مرحوم شیخ طبرسی می‌گویند: مقصود این است که فقط متقین از معارف قرآن استفاده می‌کنند و بهره می‌برند چنانکه قرآن کریم بیم‌دهنده برای همه مردم است اما اهل خشیت متذکر و متأثر می‌گردند. «لِّلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۲

مسئلاً قرآن برای هدایت همه جهانیان است ولی چون تا مرحله‌ای از تقوا در وجود انسان نباشد محال است که انسان از هدایت کتاب‌های آسمانی و دعوت انبیا بهره بگیرد و کسانی را قرآن هدایت می‌کند که گوش به فرمان خدا و انبیا باشند.

قرآن حکم نسخه پزشک را دارد که اگر به آن عمل شد بهبودی برای مریض حاصل می‌شود پس قرآن هم برای هدایت پرهیزکاران است زیرا آنان هستند که به دستورات و احکام قرآن عمل می‌کنند.

❁ چرا قرآن گویند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» یعنی: هیچ اجبار و اکراهی در دین نیست در حالی که در اسلام مانند رعایت حجاب و ... اجباری است؟

در تفاسیر آمده دو پسر مردی انصار مسیحی شده بودند وی به پیامبر (ص) گفت آیا اجازه

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۶۹، حدیث ۲.

۲. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۱، تبیان، ج ۱، ص ۵۳.

می‌دهی اینها را مجبور کنم از دینشان دست بردارند و مسلمان بشوند. فرمود: نه. «لا اکراه فی فی الدین»^۱.

زیرا دین عبارت است از یک سری باورها و اعتقادات و معلوم است که اعتقاد و ایمان امر قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است پس «لا اکراه فی الدین» چه جمله خبری باشد و چه انشائی می‌رساند که کسی را بر دین داری اجباری نیست و یا نباید او را مجبور بکنند و اکراه تنها در مرحله افعال بدنی اثر دارد نه اعتقادات قلبی و باید متذکر شد که علت «لا اکراه فی الدین» در جمله بعد آمده که «قد تبین الرشد من الغی» یعنی چون رشد از ضلالت و غی متمایز گشته است لذا اجباری در کار نیست.

علت آنکه دین اکراه بردار نیست آن است که اعتقاد و حبّ و بغض از شئون قلب است و با زور و شمشیر نمی‌توان محبت یا تنفری را نسبت به چیزی در قلب کسی پدید آورد.

باید دانست که دین یک سلسله معارف علمی است که معارف عملی را به دنبال دارد که آن را اعتقادات می‌نامند و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اجبار و اکراه در آن معنا ندارد. چون اکراه تنها در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی اثر می‌کند و اعتقاد قلبی علل و اسباب قلبی دارد و محال است که اکراه به امور قلبی تعلّق بگیرد.

اکراه نه تکویناً در دین وجود دارد و نه تشریعاً تکویناً وجود ندارد چون محال است که اکراه به امور قلبی تعلّق بگیرد و تشریعاً وجود ندارد چون اگر وجود داشته باشد، اختیار از انسان سلب می‌شود و جبر بوجود می‌آید و آزمایش انسان ها لغو می‌گردد.

سرّ این که در دین و مسائل اعتقاد اکراه و اجبار معنا ندارد، آن است که دنیا محل آزمایش است و در غیر این صورت جبر لازم می‌آید و آزمایش معنا ندارد.

❦ چرا خداوند در قرآن وقتی می‌خواهد به قرآن اشاره کند اشاره دور می‌کند و می‌گوید: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» یعنی آن کتاب، هدایت کننده پرهیزکاران است در حالی که باید اشاره نزدیک به کار رفته باشد و بگوید: «هَٰذَا الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» چرا که این کتاب و قرآن در دسترس مردم می‌باشد؟

جواب اینکه گاهی برای بیان عظمت یک چیز یا یک شخص از اسم اشاره بعید استفاده می‌شود یعنی آنقدر مقام قرآن بالا است که گویی در نقطه دور دستی در اوج آسمانها قرار گرفته است. در فارسی هم چنین است که با اینکه یک والا مقامی پیش ماست ما گوییم اگر آن سرور اجازه فرمایند و نمی‌گوییم اگر این سرور اجازه بفرمایند؛ چون توهین می‌شود.

۱. داستانهای استاد ۴، ص ۷۵، علیرضا مرتضوی کروی.

❁ چرا در قرآن «صراط» به صورت مفرد ولی «سبیل» به صورت جمع آمده است؟

به خاطر آن است که به اختلاف احوال رهروان، راه عبادت مختلف می‌شود که در مثال «صراط مستقیم» بزرگ راهی است که همه راههای فرعی بدان منتهی می‌شود یا این که صراط مستقیم همه آن راهها است مثل صراط مستقیم نسبت به سبیل‌های خدا مثل روح است نسبت به بدن که یک انسان در زندگیش اطوار مختلفی دارد مانند طفولیت، بلوغ، جوانی و پیری و در عین حال روح همان روح است.^۱

❁ چرا قرآن، نور را مفرد (نور) ولی ظلمت را به صیغه جمع (ظلمات) آورده است؟

شاید علت آن این باشد که وجود ظلمت از نبود نور و همان عدم نور است در چیزی که می‌بایست نور داشته باشد و چیزی که از شأنش این است که نور داشته باشد و ندارد از جهت دوری و نزدیکی به نور متعدد می‌شود به خلاف نور که امری وجودی است و وجودش ناشی از مقایسه آن با ظلمت نیست.^۲

❁ چرا قرآن، موازین (ترازوها=وسائل میزان اعمال) را به صورت جمع آورده است؟

شاید دلیل این باشد که کارهای گوناگون انسان با ابزارهای گوناگون سنجیده می‌شود و هر کار، میزان (ترازو) مخصوص به خود را دارد. و هر دسته از اعمال انسان، معیار سنجش مخصوص به خود را دارد.^۳

❁ چرا در قرآن «موت» بر «حیات» مقدم شده است «الذی خلق الموت و الحیوة»؟

شاید به دو دلیل: الف) موت از نظر طبیعی تقدم بر حیات دارد یعنی نخست انسان در حکم اموات بوده و بعداً حیات بر او عارض شده است ب) آنچه تاثیر در تزکیه روح بشر دارد، یاد مرگ است.^۴

❁ چرا قرآن می‌فرماید: «حسن عملاً» نه «کثر عملاً». یعنی کار نیکوتر نه کار بیشتر؟

از این جهت که همیشه باید به کیفیت چیزها و کارها بنگریم نه به کمیت آنها (یعنی ارزش در کیفیت است نه کمیت).

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۳۰.

۲. تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۶.

۳. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۵۷۵.

۴. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۰۷-۲۰۸.

❖ چرا در قرآن در آیه «لیس کمثله شیء» واژه «مثل» آمده در حالی که کلمات دیگری مانند: نذ، شبه، مساوی و شکل به معنای مثل می‌باشند؟

باید گفت که هیچکدام از آنها جامعیت مفهوم مثل را ندارد. زیرا «ند» در جایی گفته می‌شود که فقط منظور شباهت در جوهر و ماهیت است. و «شبه» در جایی که تنها سخن از کیفیت در میان است. و «مساوی» تنها در موردی گفته می‌شود که بحث از کمیت است. و «شکل» در جایی به کار می‌رود که قدر و مساحت مطرح است. ولی «مثل» مفهوم گسترده و عامی دارد که همه این مفاهیم در آن جمع است، لذا هنگامی که خداوند اراده می‌کند هر گونه شبیه و نظیر را از ذات خود نفی کند، می‌فرماید: «لیس کمثله شیء».^۱

❖ چرا قرآن گوید: انسان از خاک آفریده شده است در حالی که فقط حضرت آدم (ع) از خاک آفریده شده است؟

یا اشاره به آفرینش آدم (جذّ نخستین ما) از خاک است، و یا اشاره به خلقت همه انسانها از خاک دارد، چرا که مواد غذایی که وجود انسان و حتی نطفه او را تشکیل می‌دهد اعم از مواد حیوانی و گیاهی همه از خاک مایه می‌گیرد.^۲

❖ چرا قرآن مشتمل بر متشابه است، اگر آیاتش همه روشن و آشکار بود بهتر نبود؟

چند جواب داده‌اند:

۱. باعث می‌شود تا مردم در بدست آوردن حق و جستجوی آن رنج بیشتری برده و در نتیجه اجر بیشتری ببرند.
۲. اگر کاملاً قرآن صریح و آشکار بود دارندگان سایر مذاهب از قرآن متنفر می‌شدند.
۳. باعث می‌شود که نیروی فکری مسلمین در اثر دقت در مطالب آن ورزیده شود و به تدریج از ظلمت تقلید در آیند و به نور تفکر و اجتهاد برسند.
۴. باعث می‌شود تا مسلمین از راههای مختلفی به تأویل دست یابند.
۵. مرحوم علامه طباطبائی می‌فرماید: «قول درست آن است که بگوئیم وجود متشابه در بین آیات قرآن ضروری است و ناشی از وجود تأویل و مفسر بودن آیات نسبت به یکدیگر است».^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۷۲؛ مفردات راغب، ماده «مثل».

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵.

۳. تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۸۹-۸۶.

❁ چرا در ابتداء سورة توبه (برائت) بسم الله الرحمن الرحيم نیامده است؟
به این جهت که سورة توبه با اعلان جنگ به جنایتکاران مکه و پیمان شکنان آغاز شده، و اعلان جنگ با توصیف خداوند به «رحمان و رحیم» سازگار نیست.^۱

❁ چرا سورة نمل دو «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد؟
به جهت اینکه بسم الله الرحمن الرحيم در اول سورة برای افتتاح است و بسم الله الرحمن الرحيم در وسط سورة به جهت آن است که اول نامه‌ای است که حضرت سلیمان برای پادشاه شهر سبا (بلقیس) فرستاده است.

❁ چرا هر سورة‌ای از قرآن یک اسم خاصی دارد؟
زیرا هر سورة‌ای بحث‌هایی را مطرح می‌کند و هر بحث و موضوعی که از همه مهمتر است اسم آن را روی آن سورة می‌گذارند.

❁ چرا قرآن دو نوع نزول (دفعی و تدریجی) دارد؟
چون ظاهر «انا انزلناه فی لیلة القدر» آن است که همه قرآن در شب قدر نازل شده است به این جهت که انزال، ظاهر در اعتبار یک پارچگی دارد (نزول دفعی) و آیه «ونزلناه تنزیلاً» نزول تدریجی قرآن را بیان می‌کند چون تنزیل ظاهر در نزول تدریجی دارد.^۲

❁ چرا قرآن یک دفعه به صورت دفعی نازل شده است؟
چون قضیه میزبانی خدا نسبت به پیامبر ﷺ بوده که چهل شبانه روز ریاضت کشیده است.

❁ چرا قرآن یک دفعه به صورت تدریجی نازل شده است؟
به چند علت:

۱. دواعی و مقتضیات و حوادثی که متعاقباً رخ می‌داد اقتضا می‌کرد که قرآن نیز تدریجاً و گام به گام همان حوادث، نازل گردد.
۲. خداوند در قرآن می‌فرماید: «تا قلب پیامبر ﷺ را آرام و مطمئن نگاهداریم چون چنین کاری باعث دلگرمی آن حضرت می‌شد».
۳. نزول تدریجی قرآن این امکان را برای پیغمبر ﷺ و مردم همزمان او فراهم می‌آورد تا بتوانند قرآن را حفظ نمایند زیرا پیغمبر اسلام ﷺ آتی بود یعنی نه می‌خواند و نه می‌نوشت.
۴. اگر قرآن به صورت جمعی و یک باره بر مردم نازل می‌شد، و احکام و قوانین آن یک مرتبه بر

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵.

۲. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۵۶۰.

مردم ابلاغ می‌گشت زیر بار وظائفی که قرآن با ضوابط خاصی آن را مشخص کرده بود نمی‌رفتند.
۵. یکی از حکمت‌های دیگر نزول تدریجی این است که نزول قرآن با چنین کیفیتی فرصت بهتری برای تأمل در مضامین و محتوای آیات را برای مردم فراهم می‌ساخت تا با بصیرتی عمیق‌تر در آیات الهی مطالعه کنند.

۶. دیگر اینکه بعضی از آیات قرآن، ناسخ بعضی دیگر بوده است به این معنی لازم بود که خداوند، مردم را برای مدتی به عمل و یا ترک عمل در مورد امری موظف سازد، و پس از مدتی به مقتضای حکمت، احکام سابق را با فرمانی دیگر و یا به عبارت دیگر بوسیله حکم ثانوی تغییر دهد.^۱

❁ چرا بنا بر قولی قرآن در زمان رسول خدا ﷺ جمع آوری نشد؟

به چند علت:

۱. ملاک عمده و اساسی برای نقل قرآن، محفوظات قراء و حفاظ بوده و قبل از جمع آوری قرآن به وسیله امیرالمومنین (علیه السلام) یا ابی بکر، هنوز از حافظه نیز استمداد می‌شد.
۲. تا وقتی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در قید حیات بودند وحی نازل می‌گشت و احیاناً آیاتی نازل می‌شد که برخی از احکام و یا تلاوت قرآن را نسخ می‌کرد.^۲

❁ چرا روایت گوید: «من قال ان القرآن مخلوق فقد كفر» یعنی کسی که بگوید قرآن مخلوق است کافر می‌شود و حال این که به اعتقاد ما قرآن مخلوق خداست و در آن شکی نیست؟

اولاً: این حدیث ثابت نیست. ثانیاً: این حدیث از آحاد است و معتبر نمی‌باشد. ثالثاً: مخلوق در این جا به معنی مُخْتَلَق (ساخته دست بشر) است یعنی هر کسی که گوید: قرآن معجزه الهی نیست بلکه ساخته پرداخته بشر است کافر می‌گردد.

❁ چرا خداوند در سوره کوثر، کثرت نسل را با نماز (فَصَلِّ) و گوشت (وَأَنْخَرْ) ارتباط داده است؟

چون نوعی ارتباط بین پدیده‌های کثرت نسل بدون شک از تغذیه روحی (فَصَلِّ) و غذای بدنی (وَأَنْخَرْ) می‌باشد.^۳

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۵۳-۴۶.
۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۷۴-۲۷۳.
۳. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۱۵۶.

❖ چرا در قرآن (سوره بقره) «قلب» که به معنی عقل و بصر که به معنی چشم است به صیغه جمع آمده، ولی «سمع» که به معنی گوش است به صیغه مفرد آمده است؟
 علت مفرد آمدن سمع یا به خاطر آن است که به عنوان اسم جمع به کار رفته است و در اسم جمع معنی جمع افتاده است و یا به خاطر آن است که سمع معنی مصدری دارد و مصدر هم دلالت بر کم و زیاد هر دو می‌کند و نیازی به جمع بستن نیست و یا به خاطر آن است که تنوع ادراکات قلبی و مشاهدات، با چشم نسبت به مسموعات، فوق العاده بیشتر است. لذا قلوب و ابصار به صورت جمع و سمع به صورت مفرد آمده است و در فیزیک جدید آمده که امواج صوتی قابل استماع از چندین ده هزار تجاوز نمی‌کند در حالیکه امواج نورها و رنگ‌هایی که قابل رؤیت هستند از میلیون‌ها می‌گذرد.^۱

❖ چرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ» یعنی اینچنین ما برای یوسف کید نمودیم، و حال اینکه کید، عملی ناپسند است؟
 باید دانست واژه «کید» همه جا به معنی مذموم به کار نرفته است، «کید» به معنی طرح و نقشه نیز استعمال شده است^۲ که در این آیه به همین معنا آمده است.

❖ چرا قرآن اسلوب و روشی را به کار برده که مخالف اسالیب بلغا می‌باشد مثل این که در حالی که در مورد تاریخ سخن می‌گوید یک دفعه سراغ وعد و وعید و حکم و امثال می‌رود آیا اگر قرآن باب بود بهتر نبود؟

جواب اینکه قرآن برای هدایت بشر و سوق آن‌ها به سعادت دنیوی و اخروی است و این قرآن کتاب تاریخ یا فقه یا اخلاق و شبه آن نیست که باب باب باشد و شکی نیست که این اسلوب قرآن که در یک سوره از جهات مختلف بحث می‌کند بهترین اسلوب برای رسیدن به نتیجه مقصود است چون شخصی که مقداری از سوره‌ای را می‌خواند می‌تواند به بسیاری از اغراض و اهدافش در کمترین وقت و زحمت احاطه پیدا کند پس در همان حالی که چند آیه‌ای را می‌خواند نظرش را متوجه به مبدأ و معاد می‌کند و از طرفی بر احوال گذشتگان برای عبرت گرفتن اطلاع پیدا می‌کند و در عین حال از اخلاق فاضله و معارف عالی‌ه استفاده می‌نماید و باز در همان حال، احکام عبادات و معاملات را به دست می‌آورد.
 و اگر قرآن باب باب بود هرگز آن فوائد عظیم به دست نمی‌آمد زیرا انسان باید تمام قرآن را

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۸۹-۹۰؛ شیخ طوسی در تبیان نیز از یکی از ادبای معروف مطلب فوق را نقل می‌کند.

۲. یوسف قرآن، ص ۱۳۱.

از اوّل تا آخر بخواند تا به اغراض آن دست پیدا کند.^۱

✽ چرا قرآن، انجیل (کتاب حضرت عیسی علیّه السلام) را به صورت مفرد آورده است؟

باید گفت که قرآن، انجیل را با دو وصف معرفی می‌کند: الف) به طور مفرد ب) نازل شده از طرف خدا. پس با توجه به این دو وصف، انجیل های گوناگون که در میان نصاری متداول بوده، حتی معروف ترین آن ها را که به لوقا، مرقس، متی و یوحنا نسبت می‌دهند، هیچ یک انجیل واقعی نیست.^۲

✽ چرا قرآن می‌فرماید: «إِنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا». یعنی: دائماً از اطراف زمین می‌کاهیم، در حالی که چیزی از زمین کاسته نمی‌شود؟

در روایت متعدّد می‌خوانیم که مراد از کم شدن اطراف زمین، مرگ و فقدان علما و دانشمندان بزرگ است.^۳

شاید این آیه اشاره به فرسایش کوه‌ها و دیگر نقاط زمین داشته باشد.

✽ چرا در اول سوره مریم «کهیصص» آمده است؟

سعد بن عبدالله قمی گوید: امام حسن عسکری (ع) به من فرمودند مسائل خود را از این نور چشمم (حضرت مهدی عج) بپرس و به حضرت مهدی اشاره کرد. من گفتم: خواهش می‌کنم مرا از تأویل «کهیصص» آگاه نمائی. فرمود: این حروف از اخبار غیبیه است که خدای علیم بنده خود حضرت زکریا را از آنها آگاه نمود و بعد از این موضوع را برای حضرت محمدبن عبدالله (ص) شرح داد. خداوند این حروف را از برای حضرت زکریا شرح داد و فرمود: ک: نام کربلا. ه: هلاکت عترت پیامبر. ی: نام یزید که در حق حسین (ع) ظلم کرد. ع: عطش امام حسین. ص: صبر امام حسین. موقعی که حضرت زکریا از این جریان آگاه شد مدت سه روز از سجده گاه خویش جدا نشد و در مدت سه روز اجازه ملاقات با کسی نداد و در همه آن سه روز برای حسین شهید گریه و زاری کرد.^۴

✽ چرا در سوره «ناس»، روی سه وصف از اوصاف بزرگ خداوند (ربوبیت و مالکیت و الوهیت) تکیه شده است؟

زیرا همه آنها ارتباط مستقیمی به تربیت انسان، و نجات او از چنگال وسوسه گران دارد.^۵

۱. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۸۹.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۹؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۶۶۱.

۳. تفسیر نورالثقلین؛ تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۴۹.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۱۴۸-۱۵۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۱.

❁ چرا «ناس» در سه آیه در سوره «ناس» تکرار شده است؟

بعضی گفته‌اند به خاطر این است که در هر مورد به یک معنا است. ولی ظاهر این است که این تکرار برای تأکید روی عمومیت این صفات سه گانه خداوند یعنی رب و ملک و اله است و در هر سه مورد معنی واحدی دارد.^۱

❁ چرا قرآن انسان‌ها را دستور به سیر و سیاحت داده است؟

علی دارد از جمله: ۱- گردش در طبیعت، انسان را به فکر وامی‌دارد. ۲- با مطالعه دقیق در آفرینش، شک و تردید خود را برطرف کرده و می‌توانیم خداوند را بهتر بشناسیم. ۳- بهترین دلیل معاد، قدرت نمایی خدا در پدید آوردن موجودات در نخستین مرتبه است. ۴- با سیر در زمین و مطالعه در طبیعت می‌توان به چگونگی آغاز آفرینش پی برد.^۲
حضرت علی(ع) پنج فائده را برای سیر و سفر ذکر می‌نماید: تفرّج هم، اکتساب معیشت، علم، آداب و صحبت ماجد.^۳

❁ چرا کسی که قرآن یاد گرفته نباید فراموش نماید؟

رسول خدا(ص) می‌فرمایند: کسی که قرآن را یاد گرفته و فراموش کند خدا را در روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که در غلّ قرار دارد و در مقابل هر آیه‌ای که فراموش نموده ماری را بر او مسلط می‌گرداند و قرین او بسوی آتش می‌باشد.^۴

❁ چرا بعد از قرآن، دیگر کتاب آسمانی تا روز قیامت نازل نمی‌شود؟

زیرا چیزهایی که انسان تا روز قیامت احتیاج دارد، در آن ذکر شده است. از طرفی دیگر اگر بنا بود بعد از قرآن، کتاب آسمانی دیگری نازل شود در قرآن در خطاب به رسول خدا ﷺ کلمه «مِنْ بَعْدِكَ» ذکر می‌شد در حالی که فقط کلمه «مِنْ قَبْلِكَ» ذکر شده است.^۵

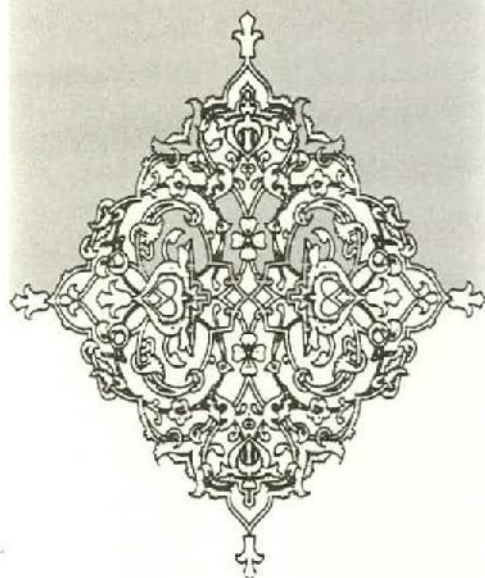
۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۵.

۲. تفسیر سوره عنکبوت، ص ۳۸-۳۹، محسن قرائتی.

۳. المدخل الی تعلم اللغة العربیة، ج ۲، ص ۱۱۴.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۲.

۵. «و الذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک». بقره، آیه ۴.



نُوت

✽ چرا خداوند دین های متعدد (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و پیامبرانی را برای بشر فرستاده است؟

علت آن آزمایش مردم می باشد و چون استعدادها بر حسب مرور زمان مختلف بوده و ارتقاء انسان ها در مدارج استعداد و آمادگی به وجود آمده و تکالیف الهی و احکامی که خداوند تشریع کرده است چیزی جز امتحان الهی از انسان ها در مواقع مختلف زندگی نیست.^۱ بر اثر خودخواهی ها و سودجویی ها و سرکشی ها و ستم پیشگی و حسادت عالمان دین به دنیا فروش و پیروی توده های نادان و ناآگاه: «بغیاً بینهم» بوده است که مردم به سوی اختلاف و تفرقه و آشفتگی سوق داده شدند، و زمینه بروز آیین های مختلف فراهم آمد. و همین پیدایش دینهای باطل و آداب و رسوم غیر انسانی بوده که بعثت های پی در پی پیامبران الهی را ضروری می ساخته است.^۲

خداوند، پیوسته پیامبرانی را برای تجدید و تکرار پیام توحید، بخصوص، و تذکر دادن انسان به یگانگی خداوند احد واحد می فرستاد و از این رو، سلسله ای از پیامبران، مبعوث شدند که گرچه ادیانی با نامهای مختلف آوردند؛ اما به عمیق ترین معنا مسلمان بودند. و به همین دلیل است که قرآن، از ابراهیم علیه السلام به عنوان «مُسْلِمًا»، یعنی مسلمان یاد می کند؛ در حالی که او چند

۱. المیزان، ج ۵، ص ۵۷۷.

۲. رخساره خورشید، ص ۲۹۰، محمد تقی خلجی.

هزار سال پیش از اسلام و نزول قرآن می‌زیسته است. «ما کان ابراهیم یهودیاً و لاتصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین»^۱ یعنی: ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه حق‌گرای فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود.

✽ چرا خداوند پیامبران و انبیا را فرستاده است؟

به طور خلاصه این که وجود پیامبران و بعثت آن‌ها دارای فواید زیادی است و مفسده‌ای هم ندارد و از طرفی لطف می‌باشد بنابراین برای خدا ارسال و بعثت آنها واجب می‌باشد. و به طور مفصل آن که در بعثت پیامبران معاضده عقل است در مستقلات عقلیه و استفاده حکم است در غیر مستقلات عقلیه و در آن ازاله خوف و استفاده حسن و قبح و نافع و ضار می‌باشد و از طرفی باعث حفظ نوع انسانی و به تکامل رساندن افراد بر حسب استعداد آن‌ها می‌باشد و از طرفی پیامبران صنایع خفیه و اخلاق و سیاست را به مردم تعلیم داده و از طرف دیگر خبر از ثواب و عقاب می‌دهند بنابراین بعثت پیامبران و انبیای الهی هم منفعت دنیوی دارد و هم منفعت اخروی.^۲

✽ چرا پیامبران معصوم بودند؟

عصمت و پیراستگی پیامبران از گناه به خاطر معرفت و بینش عمیقی است که خداوند به آنان عنایت کرده بود به این جهت که آنان زشتی و پلیدی معصیت و گناه را به روشنی ادراک می‌کردند و خود را با گناه و عصیان هرگز آلوده نمی‌نمودند.^۳ علت آنکه گناه نمی‌کردند چون علم به پلیدی گناهان داشتند. همان طور که ما حتی فکر خوردن فلان چیز خبیثی را نمی‌کنیم آن‌ها هم، چون علم به پلیدی گناهان داشتند سراغ آنها نمی‌رفتند و حتی فکر آن هم در ذهنشان خطور نمی‌کرد و دلیل دیگر این که به قدری معرفت به پروردگار عالم داشتند که فکر مخالفت با او را در ذهن خود نمی‌گنجاندند.

✽ چرا پیامبران و امامان باید معصوم باشند؟

زیرا: ۱. اگر معصوم نباشند به آنها (خصوصاً در اوامر و نواهی‌شان) اطمینان حاصل نمی‌شود و لذا غرض از نبوت و امامت آن‌ها از بین می‌رود. ۲. اگر معصوم نباشند گناه می‌کنند و در این صورت هم پیروی از آن‌ها و هم مخالفت با آن‌ها در آن گناه بر ما واجب است و این تکلیف مالا یتعلق است.

۱. آل عمران، آیه ۶۷.

۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۵-۳.

۳. نشر ازمون سال سوم راجع‌نمایی، ص ۵۸۸ سال ۱۳۸۰.

۳. اگر معصوم نباشد گناه می‌کنند و بر ما نهی از منکر از آن‌ها واجب است و این ایذاء آن‌ها به حساب می‌آید و حرام است.^۱
- زیرا اگر معصوم نباشند چند تالی فاسد دارد:
۱. بعثت و امامت آنها عبث و بیهوده می‌شود زیرا مردم دیگر به آن‌ها اعتماد نمی‌کنند و غرض از بعثت و امامت منتفی می‌شود.
۲. تکلیف به محال لازم می‌آید زیرا در آن گناهی که پیامبر یا امام انجام می‌دهند هم مردم باید پیروی بکنند چون واجب الاطاعه می‌باشند و هم باید پیروی نکنند چون آن گناه منهی عنه از جانب خدا می‌باشد.
۳. نهی از منکر باعث اذیت آن‌ها می‌شود و حرام می‌باشد.
۴. اگر معصوم نباشند و گناه کنند موقعیت آن‌ها در نزد مردم از بین می‌رود.^۲
- بنابر این آنها باید معصوم باشند تا مردم احکام و دستورات الهی را بدون کم و زیاد از آنها دریافت نمایند و این مقدور نیست مگر آنکه آنها از اشتباه و خطا در امان باشند و از طرفی اگر آنها معصوم از گناه نباشند قرب و منزلت خود را از دست می‌دهند و کسی مطیع آن‌ها نمی‌شود و در آن موردی که گناه می‌کنند افرادی که گناه نمی‌کنند اولویت دارند لذا تقدیم مفضول بر فاضل لازم می‌آید.

❁ چرا بعثت پیامبران نیکو، بلکه واجب است؟

- زیرا مشتمل بر فوایدی است از جمله: ۱. معاضده عقل در مستقلات عقلیه و استفاده حکم در غیر مستقلات عقلیه ۲. ازاله خوف ۳. استفاده حسن و قبح و نافع و ضار ۴. حفظ نوع انسانی ۵. تکمیل اشخاص به حسب استعداد گوناگون آنها ۶. تعلیم صنایع خفیه و اخلاق و سیاسات ۷. اخبار به ثواب و عقاب ۸. بعثت انبیا از مفاسد خالی بوده و لطف می‌باشد و لطف هم بر خداوند واجب است.^۳

❁ چرا همه انبیا مرد بوده‌اند؟

- زیرا امکان تبلیغ، هجرت و تلاش، برای مرد بیشتر است.^۴

۱. کشف المراد، ص ۱۵۵.

۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۱۷-۱۵.

۳. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۵-۳.

۴. یوسف قرآن، ص ۱۸۲.

❁ چرا پیامبران از منطقه خاصی برخاستند؟

زیرا مورخان بزرگ جهان، تصریح می کنند که مشرق زمین (مخصوصا شرق میانه) گهواره تمدن انسانی است و منطقه ای که به نام هلال خصیب است زادگاه تمدنهای بزرگ جهان است. و هنگامی که مذهب در مراکز تمدن آشکار شود، به سرعت از آنجا به نقاط دیگر نشر پیدا می کند و علت اینکه در جزیره العرب (مکه) اسلام ظهور کرد چون مکه در واقع، مرکزی بوده که در اطراف آن، بقایای پنج تمدن معروف بزرگ وجود داشته، و مکه نسبت به آنها مانند مرکز دایره حساب می شده است.^۱

❁ چرا پیامبران از جنس ملائکه نبودند؟

از آنجایی که برای هدایت کردن افراد بشر؛ بایستی پیغمبر در میانشان باشد و به زبان و عاداتشان آشنا بوده و با طرز نیکوتری که در آن اجتماع است آنان را با پروردگارشان و قوانین الهی آشنا سازد به تعبیر قرآن مجید به حکمت و اندرز شایسته و مجادله به روش بهتر^۲. باید در میانشان باشد تا او را بشناسند و بتوانند با او انس بگیرند بشر عادی که از دیدن ملک نیز ناتوانست چگونه می تواند با او انس بگیرد و معارف و احکام را از او بگیرد و قرآن می فرماید: «بر فرض اگر ملک را بر آنان می فرستادیم لباس بشریت به او می پوشانیدیم»^۳.

❁ چرا پیامبران (و امامان) با اینکه معصوم بودند استغفار می کردند؟

مرحوم مجلسی چندین جواب برای این مطلب داده که به دو پاسخ آن اشاره می کنیم یکی آنکه ترک مستحب و انجام مکروه بلکه پاره ای از مباحات نسبت به شأن ایشان گناه محسوب می شود از بس مقامشان رفیع و شامخ است نباید «خلاف بهتر» یا به تعبیر رایج «ترک اولی» از آنان سر زند یعنی انجام ندادن چیزی که انجامش بهتر یا انجام دادن چیزی که ترک کردنش بهتر است. دیگر اینکه حالات پیغمبر و امام یکنواخت نیست، آن استغراق و حالت خشوعی که نیمه های شب داشته و آن غشوه ها و راز و نیازها را هنگام معاشرت با مردم و هدایت کردن آنها نداشتند هر چند خود همین معاشرت و راهنمایی خلق طاعت بود و برایشان واجب اما شکی نیست که آن حالت قرب و استغراق در تنهایی را نداشتند. لغزش های جزئی آنان، در حکم گناه دیگرانست، هر چند گناه نیست. مثلا ترک نافله شب برای پیغمبر یا امام گناه شمرده می شود

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۲۰۹-۲۱۰.

۲. نحل، آیه ۱۲۵.

۳. انعام، آیه ۹.

۴. نبوت، پیشگفتار، ص ۴-۵، سید عبدالعزیز دستغیب.

ولی برای دیگران نه.^۱

❖ چرا انبیا (و ائمه)، افضل از ملائکه می‌باشند؟

زیرا عبادت انبیا (و ائمه) سخت‌تر از عبادت ملائکه می‌باشد از این جهت که در انبیا و (ائمه) قوه شهویه و غضبیه است بر خلاف ملائکه که از چنین قوایی محرومند و در روایت آمده است که «افضل الاعمال احمزها» یعنی کارهای سخت‌تر افضل از کارهای راحت‌تر می‌باشد.^۲

❖ چرا خداوند از طایفه جن پیامبر و امام قرار نداده است؟

چون آنها احتیاج نداشتند زیرا برای طایفه جن امکان دارد که با انبیا و امامان ما رابطه برقرار کنند به خلاف ما انسان‌ها که برایمان چنین امکانی نیست که با طایفه جن رابطه برقرار کنیم.^۳ آنچه از آیات قرآن و سوره جن به خوبی استفاده می‌شود آن است که قرآن و اسلام و حضرت محمد ﷺ برای جن نیز فرستاده شده است. مفسرانی مثل آلوسی، قرطبی، طبرسی، سید قطب، آیت الله مکارم شیرازی، قرائتی، علامه طباطبایی صراحتاً یا با اشاره این مطلب را ذکر کرده‌اند.^۴

❖ چرا هر پیامبری یک معجزه مخصوصی داشته است؟

یکی از دانشمندان (ابن سکیت) از امام هادی علیه السلام پرسید چرا خداوند موسی را با عصا و ید بیضاء و کارهایی که شبیه عمل ساحران بود برانگیخت؟ و حضرت مسیح علیه السلام را با شفای بیماران و زنده کردن مردگان؟ و حضرت محمد ﷺ را با کلام و سخن خارق العاده (قرآن) به سوی مردم مبعوث کرد؟ حضرت در پاسخ فرمودند: هنگامی که خداوند حضرت موسی علیه السلام را به رسالت برانگیخت فن رایج در زمان او سحر بود او هم از طرف خداوند معجزاتی شبیه فن رایج آن عصر آورد که مقابله با آن برای کسی ممکن نبود و با معجزات خود سحرهای ساحران را باطل ساخت و حجت را بر آنها تمام نمود، وقتی حضرت عیسی علیه السلام برای هدایت مردم مبعوث شد طبابت و پزشکی رونق بسزایی داشت او از طرف خداوند با معجزاتی شبیه فن رایج زمان خود برانگیخته شد و کسی نمی‌توانست با او مقابله کند و حجت را بر مردم آن زمان تمام نمود، وقتی که حضرت محمد ﷺ از ناحیه خداوند مبعوث گردید، فصاحت و بلاغت، خطبه و انشاء، فن رایج عصر او بود، حضرت از جانب خداوند برای آنان نصایح و حکم و مواعظی آورد که مقابله

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۰۱؛ نبوت، پیشگفتار، ص ۱۰-۱۱، سید عبدالحسین دستغیب.

۲. کشف المراد، ص ۱۷۷.

۳. جن و شیطان.

۴. آلوسی، قرطبی، طبرسی، سید قطب، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۴۳، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۵۴ و تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۸۸.

با آن در امکان مردم نبود و حجت را بر آنها تمام نمود و قول آنها را باطل ساخت.

❁ چرا هر کدام از پیامبران الهی معجزه خاصی را آوردند و این طور نبوده که همه یک نوع معجزه بیاورند؟

جواب این که حکمت خدا چنین اقتضا می‌کند که معجزه پیامبران مناسب با فنون و هنرهائی باشد که در عصر باشد که در عصر آن پیامبر رایج می‌باشد به جهت این که خبرگان هر فتنی بتوانند آن معجزه را تشخیص بدهند و به این نتیجه برسند که آن معجزه مستند به قدرت غیبی و الهی است به همین جهت است که حضرت عیسی علیه السلام کور را شفا می‌داد و کارهایی از این نوع انجام می‌داد زیرا در آن زمان، علم طب خیلی پیشرفت کرده بود و حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرآن را آوردند زیرا در آن زمان بلاغت و فصاحت در عرب به اوج خود رسیده بود بنابر این همه فهمیدند که این قرآن از طاقت بشر خارج است و یک معجزه الهی می‌باشد.

❁ چرا خداوند پیامبران و امامان را از جنس بشر قرار داد و آنها را از جنس ملائکه قرار نداده است؟

به دلیل اینکه پیامبران و زندگی آنها الگو و سرمشقی برای ما انسانها قرار بگیرد. اگر آنها از جنس بشر نبودند و مثل ما زندگی نمی‌کردند، نمی‌توانستند به عنوان الگو و اسوه معرفی شوند. و از طرفی تا مردم و انسان‌ها به راحتی بتوانند با آنها معاشرت و رابطه داشته باشند قرآن می‌فرماید: «...لَلْبَشَرِ رَجُلًا» اگر بنا بود انبیا از جنس ملائکه باشند باز چاره‌ای نبود که به شکل انسان درآیند.

❁ چرا پیامبران و امامان هم طلب آمرزش و استغفار می‌کرده‌اند با اینکه معصوم بوده و گناهی مرتکب نشده‌اند؟

چندین علت دارد:

۱. به خاطر ترک اولی و افضل بوده است که گاهی اتفاق می‌افتاده است.
۲. به سبب برخورد با مردم و توجه به خوردن و آشامیدن و خواب از مقام حضور با پروردگار منقطع می‌شدند.
۳. به خاطر درس دادن به دیگران بوده است.
۴. با این که گناهی نداشتند چون عظمت خدا بسیار بالاست خود را مقصر در گناه او می‌دانستند.

❁ چرا اکثر پیامبران اول راعی (چوپان) بوده‌اند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يَسْتَرْعِيَهُ الْغَنَمُ يُعَلِّمُهُ بِذَلِكَ رَعِيَةَ النَّاسِ» خدا هرگز پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه او را به چوپانی گوسفندان گماشت تا از

این طریق چوپانی (رهبری) انسانها را به او بیاموزد.^۱

❖ چرا با این که پیامبران و امامان دارای صفت زهد بودند بعضی از آنها سرمایه و مال فراوان داشتند؟

سید بن طاووس می‌فرماید: «پیامبر ﷺ و علی علیه السلام فقیر نبودند، و در خصلت زهد، شرط نیست که همراه فقر باشد».^۲

معنی زهد آن است که انسان دلبستگی به دنیا نداشته باشد و داشتن و نداشتن مال دنیا برایش فرق نکند نه اینکه فقیر و بی چیز باشد.

❖ چرا پیامبران و امامان با این که از همه بهتر بودند بیشتر از همه رنج و مصیبت کشیدند؟
پیامبر اسلام می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ» وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد وی را (به گرفتاری‌ها و بلاها) مبتلا سازد.^۳

شاید به این جهت باشد که انسان در موقع بلا و مصیبت بیشتر با خدا رابطه برقرار می‌نماید و از طرفی تحمل مشکلات و سختی‌ها و صبر در برابر ناملایمات، انسان را به مقامات عالیه می‌رساند.

هر که در این درگاه مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند
باید توجه داشت که بلا و مصیبت برای پیامبران و امامان موجب علو درجه آن‌ها و برای دیگران یا برای اعطای حسنه و یا شاید به جهت گناهی باشد، که مرتکب شده‌اند.

❖ چرا خداوند برای راهنمایی ما انسانها پیامبران را فرستاد و حال این که عقل برای ما بهترین راهنماست؟

این قول، قول براهمه است و آنها گویند: عقل، برای راهنمایی ما کافی است.
ولی در جواب گوییم عقل، ما را به کلیات ولی پیامبران و ائمه ما را به جزئیات راهنمایی می‌نمایند (بر فرض که عقل عبادت را واجب بداند ولی کیفیت و مقدار و جزئیات آن را دیگر نمی‌تواند به ما بیان کند) و از طرفی میان عقلا در یک موضوع گاهی اختلاف هست لذا باید میزانی به نام پیامبران و اوصیا در کار باشد تا همه بر محور آن بچرخند.
کلام پیامبران می‌تواند نوعی تأیید و تأکید بر بافته‌های عقلی، باشد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۱۱.

۲. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۲۶۱.

۳. نهج الفصاحه، ص ۲۵.

❖ چرا پیامبران برای دعوای پیغمبری خود باید معجزه بیاورند؟

زیرا وحیی که بر آن ها می شود غیر محسوس است و دیگران راهی برای شناخت آن ندارند لذا پیامبران برای تأیید پیغمبری خود باید امر خارق العاده ای را بیاوردند که محسوس باشد و مردم راهی برای شناخت آن داشته باشند و این امر خارق عاده، معجزه دوم آنها می باشد و معجزه اول آنها وحی و رسالت است که مردم راهی برای شناخت آن ندارند.^۱

❖ چرا گاهی از اوقات پیامبران و یا امامان خبری را می دادند ولی واقع نمی شد؟

چون بدا حاصل می شده است.

توضیح این که امام صادق علیه السلام می فرمایند: خداوند دو نوع علم دارد علمی که مکنون و مخزون نزد او می باشد و احدی غیر او از آن خبر ندارد و علمی که آن را به ملائکه و رسولان و پیامبرانش تعلیم داده است.^۲

پس آن ها طبق علم غیبی که داشتند، می دانستند که مثلاً فلان شخص قرار است که بمیرد ولی چون آن شخص صدقه داده، آن مرگ از او دفع شده است و این علم به صدقه دادن و دفع مرگ از آن دانش هایی است که مخصوص خداوند می باشد.

❖ چرا اکثر پیامبران در سن چهل سالگی به پیامبری رسیده اند؟

زیرا در این سن و سال عقل انسان کامل می شود و عقل انسان به اوج کمال می رسد.

❖ چرا بیشتر طرفداران پیامبران تهیدستان و مستضعفان بوده اند؟

زیرا صفات پاکی و تقوا و حق جویی و صفات عالی انسانیت در طبقات کم درآمد بسیار است و در اشراف، بسیار کم می باشد (و چون مستضعفان حَقشان پایمال شده است و پیامبران برای گرفتن حق آن ها آمده اند لذا از آن ها طرفداری می نمایند).^۳

❖ چرا ملائکه حضرت آدم را سجده کردند و حال اینکه سجده بر غیر خدا جایز نیست؟

امام هادی (ع) می فرمایند: «سجود ملائکه برای آدم نبود، بلکه اطاعت فرمان خدا و اظهار علاقه به حضرت آدم بود».^۴

❖ چرا حضرت آدم علیه السلام با این که معصوم بود، فریب شیطان را خورد؟

اولاً: حضرت آدم معصیت نکرد بلکه ترک اولی و افضل کرد و این با عصمت منافات ندارد.

۱. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد.

۲. اصول کافی، ج ۱، باب بدا.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۸۲.

۴. تحف العقول، ص ۵۶۶، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الهرازی.

ثانیاً: شیطان از روی نصیحت سوگند خورد و حضرت آدم قبول کرد. ثالثاً: قولی گوید: شیطان ابتدا حوا را فریب داد و حوا به آدم چنین دستور داد. اما آنچه از آیه «فازلهم الشیطان» استفاده می شود آن است که شیطان هر دو (آدم و حوا) را فریب داد.

❖ چرا خداوند در قرآن می فرماید: حضرت آدم عصیان و گناه کرد «فعضی آدم ربه» در حالی که وی پیامبر بود و ما اعتقاد داریم که تمام پیامبران الهی معصوم بوده اند؟ مسلماً همه پیامبران معصوم و پاک بوده اند و عصیان ایشان گناه در نظر ما نیست بلکه کاری را انجام داد که از طرفی معصیت نبوده و از طرفی در شأن و مقام او هم نبوده است و بهتر بود که آن کار را انجام ندهد و بنابر اصطلاح ترک اولی کرد نه معصیت.

❖ چرا حضرت آدم را از بهشت بیرون کردند و حال اینکه روایت است که کسی که وارد بهشت شد هرگز خارج نمی گردد؟ زیرا آن بهشت، بهشت جاودان و اصلی نبوده است بلکه آن بهشت برزخی بوده که غرائز بشری در آنجا ظاهر و هویدا می شده است.^۱

❖ چرا خداوند حضرت آدم را بخاطر خوردن از آن درخت منتهیه از بهشت بیرون کرد در حالی که خداوند در باره بهشت می فرماید: «هر چه دل بخواهد و چشم از آن لذت برد در آن موجود است دل آدم گندم خواست و خورد، پس چرا مجازاتش کرد؟ امام هادی (ع) می فرمایند: البته هر گونه خوراکی، نوشابه، و سرگرمی که دل بخواهد و چشم لذت ببرد در آن هست و همه را هم خداوند برای آدم حلال کرده بود، اما آن درختی که آدم و همسرش را از آن نهی کرده بود، درخت حسد بود (که بعنوان استعاره نام درخت بر آن نهاده شده) به آنها امر کرده بود که به چشم حسد بر کسانی که خدا بر مخلوقات دیگر فضیلتشان داده ننگرند، آدم فریب خورد و بر آنها حسد برد، و عزم و تصمیمی نداشت.^۲

❖ چرا گوییم بهشتی که حضرت آدم در آن بود و بعد از آن اخراج شد، بهشت موعود (حقیقی) نبوده است؟

به سه دلیل: ۱- آن بهشت، بهشت محکوم به جاودانگی و خلود است و بیرون رفتن از آن ممکن نیست و بهشت آدم یکی از باغ های پر نعمت و از مناطق سرسبز دنیا بوده است.^۳ ۲- ابلیس آلوده به

۱. المیزان، ج ۸، ص ۴۶.

۲. تحف العقول، ص ۵۶۷.

۳. نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲.

گناه و بی ایمان را در آن بهشت راهی نیست، بلکه جایگاه او جهنم است.^۱ - بهشت موعود، بهشت پادشاه است و حضرت آدم علیه السلام هنوز کاری نکرده بود که مستحق آن باشد.^۲

✽ چرا خداوند تا قبل از حضرت نوح، شریعتی و دینی قرار نداد؟

زیرا چنانکه قرآن می گوید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» یعنی امت واحدی بودند در ایمان به خدا و توحید پس آنها طبق فطرتشان موحد بودند و اختلاف چندانی میان آنها نبود و حتی در مذاهب و آراء اختلافی نبود ولی بر اثر مرور زمان شرک و انحراف و بعد افعال و گفتارهای پلیدی میان آنها ظهور کرد و اختلاف میان آنها پدیدار شد لذا احتیاج به شریعت پیدا شد تا مردم را در تمام زمینه ها به راه راست هدایت کند و چنانکه علامه طباطبایی می گویند: «تا قبل از نوح پیغمبر، مردم با هم اتحاد و یگانگی داشتند و افراد ساده بودند و اختلافی در مذاهب و آراء نداشتند».^۳

✽ چرا خداوند فقط به حضرت نوح چنین سلام می کند «سلام علی نوح فی العالمین» در حالی که به دیگر پیامبران طرز دیگری سلام می کند «سلام علی موسی و هارون» و «سلام علی ابراهیم»؟

شاید سر آن دو چیز باشد: الف) آنچه از توحید و دیگر معارف الهی بر روی زمین هست، محصول تعلیمات حضرت نوح علیه السلام است و اولین شریعتی که بر بشر نازل شده، ظاهراً توسط حضرت نوح بوده است ب) حضرت نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال در میان مردم ماند آن هم قومی که ظلم و طغیان از همه اقوام بیشتر است.^۴

✽ چرا قول صحیح در باره پسر نوح آن است که گفته شود: پسر نوح با بدان بنشست خاندان «نَبُوتَش» (نه «نَبُوتَش») گم شد؟

چون با آیه قرآن سازگارتر است. توضیح این که در این صورت معنی این می شود که چون پسر نوح با افراد بد رفت و آمد کرد (و یا اینکه تحت تربیت مادری ناشایست بزرگ شد چون همسر نوح از دوزخیان است و قرآن هم صراحتاً به این مطلب اشاره دارد) از فرزندى حضرت نوح افتاد و این موافق آیه قرآن است که می فرماید: «أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» یعنی ای نوح دیگر این پسر تو نیست ولی اگر گفته شود که پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد در

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۸۵.

۲. تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۳؛ نمونه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۱۰۵، اکبر دهقان.

۳. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ربانی گلپایگانی.

۴. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۱۱۰؛ تفسیر موضوعی، ج ۶، ص ۲۴۱.

این صورت دو اشکال پیدا می‌شود. ۱. موافق آیه قرآن نمی‌شود، که گوید: او از فرزندى تو افتاد (نه اینکه نبوت از خاندان او برافتاد)

۲. چون پسر نوح از خدا و پدر اطاعت نکرد چنان سقوط کرد که نه اینکه فقط از خاندان او نبوت و پیغمبری برافتاد بلکه حتی از پسری حضرت نوح هم افتاد چنانکه قرآن هم به این مطلب تصریح دارد.

✽ چرا نام انبیای مابین آدم و نوح در قرآن نیامده است؟

حضرت ابو جعفر علیه السلام می‌فرمایند: چون انبیای پنهانی بوده‌اند که خود را از مردم پنهان می‌داشتند.^۱

✽ چرا خداوند حضرت ایوب را مدت‌ها بیمار و مریض کرد؟

مرض و بیماری او به خاطر گناه نبود چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بلکه چون شیطان گفت خدایا این عبادت‌هایی که ایوب می‌کند به خاطر آن است که این قدر به او نعمت دادی و اگر از او بگیری دیگر تو را عبادت نمی‌کند و شکر تو را بجا نمی‌آورد به همین جهت خداوند برای این که به شیطان بفهماند که از روی اخلاص عبادت می‌کند، چنین کاری را نسبت به ایوب انجام داد.^۲

✽ چرا با این که پی‌کننده ناقه صالح یک نفر بیشتر نبود خداوند همه قوم را به عذاب مبتلا کرد و این فعل «پی‌کردن» را به همه نسبت داده است؟

درست است که پی‌کننده یکی بیشتر نبود ولی چون دیگران به این عمل راضی بودند همه مستحق عذاب گشتند و روایت گوید اگر کسی به فعلی و عملی راضی بود مانند آن است که شخصاً آن را انجام داده است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الرَّاضِ بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاهِلِ فِيهِ مَعْهُمْ».^۳ یعنی: کسی که از کار گروهی راضی باشد مانند آن است که در آن با آنها داخل است.

✽ چرا با این که در قوم لوط تعداد اندکی عمل لواط را مرتکب می‌شدند خداوند همه قوم را عذاب کرد؟

زیرا بقیه قوم به این عمل راضی بودند و آن‌ها را نهی از منکر نمی‌کردند لذا آنها هم به خاطر عدم نهی از منکر، مستحق عذاب الهی شدند.

۱. المیزان، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. علل الشرائع، ص ۷۵.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار.

✱ چرا حضرت سلیمان علیه السلام در مسافرت هدهد را همراه خود می‌بردند؟

تا اینکه مواضعی را که آب دارد به حضرت سلیمان علیه السلام نشان دهد چون هدهد آب را در باطن زمین می‌بیند همان طور که ما آب را در شیشه می‌بینیم.^۱

✱ چرا تا مدتی مرگ حضرت سلیمان علیه السلام مکتوم ماند؟

بسیار بعید به نظر می‌رسد که در این مدت طولانی حتی اطرافیان او هم متوجه نشده باشند چون افرادی مأمور بودند که برای او غذا ببرند پس به احتمال قوی مکتوم ماندن مرگ سلیمان علیه السلام به این جهت بوده که رشته امور کشور موقتاً از هم متلاشی نشود لذا طبق مصلحتی تا مدتی مرگ وی را پنهان داشتند.^۲

✱ چرا حضرت سلیمان پانصد سال دیرتر از دیگران وارد بهشت می‌شود؟

استاد آیت الله علوی گرگانی (حفظه الله) می‌فرماید: از این جهت که ایشان در دنیا، از دنیا لذتی برده و این بیانگر آن است که هر کس در دنیا لذتش بیشتر باشد در آخرت کمتر لذت می‌برد؛ و خدا دنیا و آخرت را مقابل هم قرار داده است.^۳

✱ چرا بعضی از پیغمبران مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اولوالعزم می‌باشند؟

زیرا مقامشان از دیگر پیامبران بالاتر و نبوتشان جهانی و دارای شریعت و دین جدید بوده‌اند و دیگر پیامبران مبلغ دین و شریعت آنان بوده‌اند.

✱ چرا با این که خود پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام دستور به صبر در مقابل داغ و مرگ بستگان را داده‌اند ولی خود آن‌ها در مرگ عزیزانشان گریه نمودند مانند این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مرگ فرزند خود ابراهیم گریه نمودند و همین طور امام حسین علیه السلام در مرگ برادرشان ابوالفضل و جوانشان علی اکبر^۴ گریه‌ها نمودند؟

اولاً: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: گریه کردن و اشک ریختن یک امر غیر اختیاری است چون دل وقتی شکست اشک هم خود بخود جاری می‌شود.

ثانیاً: بر فرض اینکه گریه اختیاری باشد آن گریه‌ای مذموم و ناپسند است که از روی دخالت و فضولی در کار خدا باشد.

ثالثاً: مهر پدری و فرزندی و برادری چنین چیزی را اقتضا می‌کند و این یک امر فطری و طبیعی می‌باشد.

۱. المدخل الى تعلم اللغة العربية، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۵.

۳. بندهای رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم آیت الله علوی گرگانی.

۴. «فبکی علیه حتی غشی» یعنی آنقدر بر علی اکبر گریه نمود تا بی تاب گشت.

❁ چرا خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام در خواب دستور داد تا جوان خود اسماعیل را ذبح کند؟

زیرا خداوند می‌خواست صداقت و مطیع بودن و محبت او را نسبت به خودش برای دیگران به اثبات برساند و علماً گویند: این امر به ذبح، امر امتحانی و آزمایشی بوده است. لذا هنگامی که ثابت شد که حضرت ابراهیم آماده ذبح کردن است قوچی را از بهشت برای ذبح آوردند.

❁ چرا حضرت ابراهیم برای عدم شرکت در مراسمی که مردم برای بتها گرفته بودند، فرمود: من بیمارم آیا این دروغ نبود؟

چند جواب داده اند: ۱. او واقعاً بیمار بود ۲. او واقعاً بیماری جسمی نداشت اما روحش بر اثر اعمال ناموزون این جمعیت و کفر و شرک و ظلم و فسادشان بیمار بود ۳. این احتمال نیز داده شده است که او در این سخن توریه کرده باشد.^۱

❁ چرا داستان حضرت یوسف، بهترین داستانهاست؟

چون الف) قرآن گوید: «نَحْنُ نُقْصُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» ب) خداوند برای دیگر قصه‌ها واسطه در میان می‌آورد «وَاتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ» «وَاتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ» «وَاتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْنِ آدَمَ» اما قصه حضرت یوسف را به خود نسبت می‌دهد و گوید: «نَحْنُ نُقْصُ»^۲. زیرا داستان یوسف برای جویندگان حقیقت، آیت «آیات للساألین» و برای خردمندان، عبرت «عبرة لأولی الالباب» و برای اهل ایمان، مایه هدایت و رحمت است. «هدی ورحمة لقوم یومنون».

❁ چرا حضرت یعقوب علیه السلام از میان فرزندان خود بیشتر به حضرت یوسف احترام می‌گذاشت به حدی که دیگر فرزندان حسادت ورزیدند؟

به جهت این که یوسف دارای فضایل و مناقبی بود که دیگر برادران دارای این فضایل و مناقب نبودند. و از طرفی حضرت یوسف مادرش را از دست داده بود از این جهت حضرت یعقوب بیشتر به او توجه و عنایت داشت و حسادت ورزیدن فرزندان به خاطر ضعف ایمان خودشان بود نه این که حضرت یعقوب مقصر باشد.

❁ چرا حضرت یعقوب علیه السلام به فراق فرزندش یوسف دچار شد؟

ابوحزمه ثمالی از امام سجاده (ع) روایت کند که در شب جمعه ای که فقری را به نام زمیال از در خانه راندند و خود سیر غذا خوردند حضرت یوسف (ع) آن خواب را دید و اول فراق یعقوب و

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۹۲.

۲. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۱۱۷: کشف الاسرار، ج ۵، ص ۱۵۲.

یوسف و گرفتاری فرزندان یعقوب آغاز شد.^۱

❁ چرا حضرت یعقوب علیه السلام در فراق حضرت یوسف به قدری گریه کرد تا نابینا شد در حالی که از روی علم غیب می دانست که او زنده است؟

زیرا خود فراق و دوری از او و دست و پنجه نرم کردن با سختی ها، غم و اندوه یعقوب را زیاد می کرد مانند گرفتاری او در چاه و گرفتار زلیخا و زنان مصر شدن و...

❁ چرا حضرت یوسف علیه السلام گرفتار برادران شد؟

زیرا حضرت یعقوب، به یوسف به خاطر دارا بودن فضایل و مکارم اخلاق، بسیار به او احترام می گذاشت و برادران نیز از خواب حضرت یوسف علیه السلام با خبر شده بودند که یازده ستاره و ماه و خورشید او را سجده کردند بنابر این به او حسادت ورزیدند و او را به چاه انداختند.

❁ چرا وقتی حضرت یوسف علیه السلام را از چاه بیرون آوردند او را با نازلترین قیمت به عنوان غلام فروختند؟

زیرا می گویند: روزی یوسف در آینه نگاه کرد و زیبایی خود را در آینه دید و به خود بالید و گفت خیلی ارزش داری لذا خداوند برای این که به او بفهماند که تا صلاح او نباشد چیزی ارزش ندارد افراد ناشناس او را با قیمت کمی برای رسیدن به پول، در بازار برده فروشان فروختند.

❁ چرا حضرت یعقوب علیه السلام به دروغ پسرانش پی برد؟

بخاطر این که آنها گفتند گرگ یوسف را دریده و این پیراهن خون آلود اوست در حالی که اگر چنین بود باید پیراهن یوسف هم پاره شده باشد و حال اینکه آن پیراهن را سالم آورده بودند و دیگر اینکه حضرت یعقوب علم غیب داشت و به همین جهت از قضیه با خبر بود.

❁ چرا حضرت یعقوب علیه السلام در فراق فرزند خود یوسف آن قدر گریه کرد که چشمانش نابینا شد و حال این که دستور رسیده است تا در فراق عزیزان صبر نمایند؟

باید گفت اولاً: آن گریه ای که مذموم است گریه ای است که برای دنیا باشد در حالی گریه حضرت یعقوب به جهت این بوده که محبوب و ولی خدا به چنین مصیبتی گرفتار شده است و ثانیاً: منظور از صبر در این جاها آن است که در کار خدا دخالت نکنند و چیزی نگویند که خدا ناراضی شود و به خشم و غضب درآید ثالثاً: گریه کردن یک امر غیر اختیاری می باشد و مؤاخذه ای بر آن نمی باشد چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در مرگ فرزند خود ابراهیم گریه می کردند، فرمودند: «در مصیبت و داغ دل می شکند و اشک بی اختیار جاری می شود آنچه مذموم است دخالت در کار خدا می باشد»^۲.

۱. ناسخ التواریخ، حالات امام سجاده؛ پادشاه و کفرها، ص ۲۴۹-۲۵۱.

۲. منتهی الآمال، ج ۱ و ۲، ص ۸۰.

❁ چرا در قضیه حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا، زلیخا مجرم شناخته شد؟

زیرا پیراهن یوسف از عقب پاره شده بود و این دلیل بر این است که یوسف در حال فرار بوده که زلیخا او را به طرف خود کشانده است. و در نتیجه، عقب لباس پاره شده بود.

❁ چرا عشق زلیخا به حضرت یوسف علیه السلام حقیقی نبود؟

زیرا عاشق حاضر است که جانش را فدای معشوق خود کند نه اینکه او را متهم و به زندان افکند بنابر این زلیخا هوس باز بود. قرآن از قول زلیخا گوید: «اراد باهلیک سوء الا ان یسجن او عذاب الیم».^۱

❁ چرا برادران حضرت یوسف علیه السلام به یوسف نسبت دزدی دادند؟

چند احتمال دارد:

۱. برای این که آبروی خود را حفظ کنند. آنها فکر می کردند که این دروغ هرگز فاش نمی شود از این جهت به دروغ نسبت دزدی به یوسف دادند.
۲. زیرا یوسف در کودکی، بتی را از خویشان خود ربوده و شکسته بود.
۳. زیرا در کودکی مخفیانه از منزل پدر چیزی را ربوده و به فقری داده بود.
۴. زیرا عمه یوسف او را خیلی دوست می داشت از این جهت کمر بند اسحاق را مخفیانه به کمر او بست تا نسبت دزدی به او بدهد و او را نزد خود نگاه دارد، زیرا در مرام آنان دزد را به غلامی می گرفتند.^۲

❁ چرا در داستان حضرت یوسف، به بی گناهان (پسران یعقوب) نسبت سرقت پیمانه داده شد؟

در تفسیر «نور» آمده: بنیامین با آگاهی از این طرح و اتهام، برای ماندن در نزد یوسف اعلام رضایت کرد و باقی برادران هر چند در یک لحظه ناراحت شدند، ولی بعد از بازرسی از آنها رفع اتهام گردید. علاوه بر آنکه کارگزاران از اینکه یوسف، خود پیمانه را در میان بار گذارده «جَعَلَ» خبر نداشتند و بطور طبیعی فریاد زدند «انکم لسارقون».^۳

گاهی صحنه سازی برای کشف ماجرای جایز است و برای مصالح مهم تر، نسبت دادن سارق به بی گناهی که از قبل توجیه شده باشد، مانعی ندارد.^۴

❁ چرا خداوند دستور داد که حضرت یوسف بعد از آن قضایا با زلیخا (بعد از فوت

شوهرش) ازدواج کند؟

زیرا زمانی که زلیخا پیش حضرت یوسف آمد حضرت سؤال کرد چرا چنین بلاهایی را بر

۱. یوسف، آیه ۲۵.

۲. جمال انسانیت، ص ۲۲۷-۲۲۶.

۳. تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۲۶.

۴. تفسیر المیزان، تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۲۶.

سر من آوردی زلیخا گفت: «به خاطر این که تو زیبا بودی. حضرت یوسف فرمود: «اگر پیغمبر آخرالزمان را ببینی چه می‌گویی در حالی که او از نظر صورت و سیرت از من زیباتر و بهتر است». زلیخا گفت: «راست گفתי». حضرت یوسف فرمود: «چگونه دانستی که من راست می‌گویم و حال این که هنوز تو او را ندیده‌ای؟» گفت: «به این جهت که تا نام او را بر زبان جاری کردی محبت او به دل من افتاد». بعد خداوند به حضرت یوسف وحی کرد که زلیخا راست می‌گوید و چون محمد ﷺ را دوست می‌دارد ما هم او را دوست می‌داریم. لذا خداوند دستور داد که حضرت یوسف با زلیخا (در حالی که به حالت جوانی برگشته بود) ازدواج کند.^۱

چرا یعقوب به پسران خود که عازم مصر بودند فرمود: «همه از یک درب وارد شهر

نشوند»؟

قرآن از قول حضرت یعقوب نقل می‌کند که فرمود: «يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ»^۲ چون ترسید که چشم زخم به آن‌ها بزنند زیرا آن‌ها صاحب جمال، هیئت، کمال و همگی با یکدیگر برادر تنی بودند.^۳

از سیاق داستان چنین استفاده می‌شود که یعقوب از جان فرزندان خود که یازده نفر بودند می‌ترسیده نه اینکه از این ترسیده باشد که عزیز مصر ایشان را در حال اجتماع، و صف بسته ببیند، زیرا یعقوب می‌دانست که عزیز مصر همه آنها را نزد خود می‌طلبد، و ایشان در یک صف یازده نفری در برابرش قرار می‌گیرند. بنابر این ترس یعقوب بطوری که دیگران هم گفته‌اند، از این بوده که مردم ایشان را که برادران از یک پدرند در حال اجتماع ببینند و چشم بزنند، و یا بر آنان حسد برده (و برای خاموش ساختن آتش حسد خود، وسیله از بین بردن آنان را فراهم سازد) و یا از ایشان حساب ببرند و برای شکستن اتفاقشان توطئه بچینند، و یا به قتلشان برسانند و یا بلای دیگری بر سرشان بیاورند.^۴

چرا هم زندانیان حضرت یوسف علی‌ه‌السلام، یوسف را نیکوکار نامیدند؟

زیرا حضرت یوسف به افراد مریض در زندان رسیدگی و به نیازمندان کمک و برای سایرین، جا باز می‌کرد.^۵

چرا حضرت یوسف علی‌ه‌السلام تعبیر خواب هم زندانیان خود را به تأخیر انداخت؟

فخر رازی چند وجه ذکر کرده است: ۱- می‌خواست آنها را در انتظار قرار دهد تا کمی تبلیغ و ارشاد کند. ۲- می‌خواست با بیان نوع غذایی که نیامده، اعتماد آنان را جلب کند. ۳-

۱. علل الشرایع، ص ۵۶-۵۵.

۲. یوسف، آیه ۶۷.

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۰۲.

۴. المیزان، ج ۱۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۵. یوسف قرآن، ص ۷۲؛ تفسیر نورالقلین؛ میزان الحکمه.

می‌خواست آنها را تشنه تر کند، تا بهتر بشنوند.^۴ - چون تعبیر خواب یکی از آنها اعدام بود، حضرت کمی طفره رفت تا آن شخص قالب تهی نکند.^۱

❖ چرا حضرت یوسف علیه السلام پیشنهاد اعطای مسئولیت (خزانه داری) برای خود را مطرح کرد؟

چون از خواب پادشاه، احساس خطر و ضرر برای مردم کرد و خود را برای جلوگیری از پیش آمدهای ناگوار اقتصادی لایق می‌دانست پس برای جلوگیری از ضرر، آمادگی خود را برای قبول چنین مسئولیتی اعلام کرد.^۲

❖ چرا یوسف از خود تعریف و تمجید کرد، مگر نه این است که قرآن می‌فرماید: «فلا تزکوا انفسکم» یعنی: خود را نستایید؟

زیرا ستایش یوسف، ذکر قابلیت‌ها و تواناییهای خود، برای انجام مسئولیت بود، که می‌توانست جلوی آثار سوء قحطی و خشکسالی را بگیرد، نه به خاطر تفاخر و سوء استفاده.^۳

❖ چرا حضرت یوسف علیه السلام با حکومت کافر همکاری کرد؟

باید گفت حضرت یوسف علیه السلام به منظور نجات دادن مردم از فشار دوران قحط سالی، به این کار اقدام نمود.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که ضرورت ایجاب کرد که یوسف سرپرستی خزائن مصر را بپذیرد، خود پیشنهاد داد.^۴

❖ چرا خداوند از نسل حضرت یوسف علیه السلام پیغمبری را برداشت؟

چون پدرش حضرت یعقوب موقع ملاقات با یوسف پیاده به پیش حضرت یوسف رفت ولی او در حال سواره خدمت پدر رسید و این یک نوع بی‌احترامی به پدر بود به این جهت خداوند مقام نبوت (پیغمبری) را از نسل او برداشت.^۵

❖ چرا حضرت یوسف علیه السلام هفت سال اضافه‌تر در زندان ماند؟

بسیاری از مفسران و شاید اکثر آنان گویند: «به این جهت که قرآن گوید: «فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ» مربوط به حضرت یوسف است و چون شیطان او را از یاد خدا غافل کرد و از غیر خدا کمک طلبید مجازات او این بود که چند سالی در زندان بماند» ولی این نظریه به چند دلیل

۱. یوسف قرآن، ص ۷۴؛ تفسیر کبیر.

۲. یوسف قرآن، ص ۱۰۲.

۳. یوسف قرآن، ص ۱۰۲.

۴. یوسف قرآن، ص ۱۰۲؛ تفسیر نور الثقلین.

۵. علل الشرایع، ص ۵۵.

صحیح نمی‌باشد:

۱. در امور عادی آنجا که عاقلانه باشد کمک خواستن از مردم مشروع است.
۲. آنچه که آن مفسران می‌گویند با لفظ آیه سازگار نیست زیرا اگر غافل شدن یوسف از یاد خدا سبب شده باشد که به آن شخص بگوید شاه را از حال من آگاه کن، باید عبارت آیه این گونه باشد (أَنسَاءَ الشَّيْطَانُ ذَكَرَ رَبَّهُ فَقَالَ لِّلَّذِي ظَنَّ...) زیرا اول باید از یاد خدا غافل شد تا درخواست یوسف مترتب بر غفلت باشد و با فای تفریع این مطلب افهام گردد در حالی که لفظ آیه (و قَالَ لِّلَّذِي ظَنَّ...) فانساه الشیطان ذکر ربّه است.

۳. این که در آیه ۴۵ (سه آیه بعد از این)، آمده است (و قَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَ اذْكُرْ بَعْدَ اَمَةِ اَنَا اُنْتُمْكُم...) یعنی از آن دو رفیق آنکه آزاد شد و پس از مدتی یادش آمد گفت من شما را به تعبیر خواب (شاه) آگاه می‌کنم پس مرا بزدان بفرستید معلوم می‌شود آن رفیق فراموشکار پس از مدتی به یاد یوسف افتاده است بنا براین جمله «فانساه الشیطان ذکر ربّه» در آیه مورد بحث، مربوط به اوست، نه به یوسف، و مقصود این است آن شخصی که آزاد شد فراموش کرد که نزد ربّ خود (یعنی شاه) یوسف را معرفی کند و اوضاع و احوال او را برای وی توضیح دهد و چون او فراموش کرد شرح حال یوسف را نزد شاه بگوید به ناچار از حال یوسف تحقیق نشد و او چند سالی در زندان ماند.^۱

و قولی که گوید: شیطان یاد پروردگار یوسف را از دل او ببرد و لا جرم در نجات یافتن از زندان دست به دامن غیر آورد لذا هفت سال بیشتر در زندان ماند، ضعیف است چون صرف نظر از ثنایی که خداوند در این سوره از آنجناب نموده تصریح کرده بر اینکه او از مخلصین بوده. و نیز تصریح کرده که مخلصین کسانی هستند که شیطان در ایشان راه ندارد و اخلاص برای خدا باعث آن نمی‌شود که انسان به غیر خدا متوسل به سبب‌های دیگر نشود، زیرا این از نهایت درجه نادانی است که آدمی توقع کند که بطور کلی اسباب را لغو بداند و مقاصد خود را بدون سبب انجام دهد. بلکه اخلاص سبب می‌شود که انسان به سبب‌های دیگر دلبستگی و اعتماد نداشته باشد.^۲

❁ چرا قرآن گوید: برادران حضرت یوسف، یوسف را نشناختند ولی یوسف آن‌ها را شناخت؟

چون مدت زیادی (۳۰ سال) بود که او را ندیده بودند و از طرفی قیافه حضرت یوسف تغییر کرده بود زیرا قبلاً نوجوانی بود در حالی که حالا مرد کاملی شده بود و از طرف دیگر برادران خیال می‌کردند که چون یوسف را در چاه انداخته‌اند، از دنیا رفته است و باور نمی‌کردند که او

۱. جمال انسانیت، ص ۱۳۳-۱۳۱.

۲. المیزان، ج ۱۱، ص ۲۴۷-۲۴۶.

زنده مانده باشد.

اما این که حضرت یوسف آن‌ها را شناخت چون وی دارای درایت بود و از طرفی هم مأمورین اسامی برادران حضرت یوسف را موقع ورود به شهر ثبت کرده بودند و آن‌ها گفته بودند که ما فرزندان حضرت یعقوب هستیم.

❁ چرا حضرت یعقوب و برادران حضرت یوسف، چون یوسف را دیدند به سجده افتادند؟
امام هادی(ع) می‌فرماید: سجده یعقوب و فرزندانش برای اطاعت خدا، و اظهار محبت به یوسف بود(نه برای یوسف) چنانکه سجود ملائکه هم برای آدم نبود، اطاعت فرمان خدا بود و اظهار علاقه به حضرت آدم، سجده یعقوب و فرزندان در کنار یوسف نیز به شکرانه گرد هم آمدن دوباره و پایان دوران فراق بود نمی‌بینی که هماندم در مقام شکر می‌گویند «پروردگارا، مرا پادشاهی دادی، و علم تعبیر خوابها آموختی»^۱.

❁ چرا حضرت ابراهیم علیه السلام خطاب به ستاره و ماه و خورشید گفت: «هذا ربی» یعنی این پروردگار من است و حال این که این کلام، شرک به خدا می‌باشد؟
این در اصل جدل است و در اسلام نیز جایز می‌باشد یعنی از اعترافات خصم، دلیل گرفته و علیه او اقامه می‌کنیم و لو این که خود به آنچه او اعتقاد دارد، معتقد نباشیم. این کار در صورتی که اثبات حق نماید اشکالی ندارد و حتی قرآن، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور به چنین کاری می‌دهد «و جادلهم بالتی هی احسن».

❁ چرا انبیایی مانند حضرت یوسف و ابراهیم دروغ گفتند در حالی که آنها معصوم بودند؟
اینگونه سخنان که به حسب بعضی از روایات از روی «توریه» (=اراده معنای دیگر) گفته شده به خاطر مصالح مهم تری بوده است و چنین دروغ‌هایی گناه و مخالف با عصمت نیست.^۲
دروغ حضرت یوسف این بود که پیمانه‌ای را که برادران ندزدیده بودند دستور داد به آنها خطاب کنند «تکم لسارقون» و دروغ حضرت ابراهیم این بود که با اینکه اعتقاد به خدایی ماه و ستاره و خورشید نداشت به آنها اشاره کرد به «هذا ربی».

❁ چرا خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی نمود تا فرزند خود اسماعیل را قربانی کند؟
روایت شده است که روزی اسماعیل از شکار باز آمده بود ابراهیم علیه السلام در او نظر کرد او را دید با قدی چون سرو خرامان و رخساری چون ماه تابان، ابراهیم علیه السلام را چون مهر پدری بجنبید و در دل او اثر محبت فرزند ظاهر گردید (لذا) در همان شب خواب دید که امر حق چنان است که اسماعیل را قربانی کنی.^۳

۱. تحف العقول، ص ۵۶۶.

۲. پرسشها و پاسخهای آموزش عقاید، ص ۹۶، آیه الله مصباح یزدی.

۳. معراج السعاده، ص ۵۸۹، ملا احمد نراقی.

کشتی‌های سالم و بی‌عیب را غصب کند بنابر این حضرت خضر آن کشتی را معیوب کرد تا پادشاه آن را غصب ننماید. و آن کودک در آینده قرار بود سبب انحراف پدر و مادرش گردد لذا حضرت خضر او را کشت. و زیر آن دیوار، گنجی برای دو کودک یتیمی بود که پدرشان فرد صالحی بود لذا حضرت خضر آن را مرمت کرد، تا در آینده آن بچه‌ها از آن استفاده نمایند.

❁ چرا خداوند حضرت موسی علیه السلام را به پیامبری مبعوث کرد؟

در حدیثی آمده که حضرت موسی علیه السلام از خدای خود پرسید من به چه دلیل به این مقام رسیدم، خطاب آمد آیا به خاطر می‌آوری آن روز که بچه گوسفندی از میان گله تو فرار کرد به دنبال آن رفتی و آن را گرفتی و به او گفتی حیوان! چرا خود را خسته نمودی، سپس بر دوش گرفتی و به گله گوسفندان باز گرداندی به این دلیل من تو را سرپرست خلق کردم (این تحمل و حوصله عجیب تو در مقابل یک حیوان دلیل بر قدرت عظیم روحی تو است و لذا شایسته آن مقام بزرگی).^۱

❁ چرا خداوند حضرت موسی علیه السلام را به وحی و کلام با خود برگزید «کَلَّمَ الله موسی تکلیماً»؟

خداوند می‌فرماید: ای موسی چون به مخلوقاتم نظر کردم کسی را مانند تو متواضع‌تر در نزد خود ندیدم.^۲

❁ چرا قرآن می‌گوید: دختر شعیب به پدر گفت این مرد (موسی) قوی و امین است و حال این که با حضرت موسی آشنایی نداشت؟

از حضرت صادق علیه السلام در باره تفسیر این آیه که دختر شعیب در باره حضرت موسی به پدر گفت: پدر جان او را به مزدوری بگیر چون مردی نیرومند و امین است حضرت صادق علیه السلام فرمودند: نیرومندی موسی از راه آب دادن به گوسفندان و امینی او از این راه که چون از جانب پدر آمد تا موسی را به خانه دعوت کند دختر شعیب چون جلو افتاد موسی سبقت گرفت و فرمود: تو از عقب سر، راه را به من نشان بده چون ما مردمی هستیم که پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم.

❁ چرا خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که دعوت خود را از خویشان و اقربین آغاز نماید؟

زیرا آنان پیامبر را بهتر می‌شناختند و از صداقت و درستی او آگاه بودند از طرفی زمینه هدایت یافتن در خویشان بهتر است چون آن‌ها با اخلاق و روحیات وی در خلوت و جلوت

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۱۲.

۲. علل الشرائع، ص ۵۶.

آگاه‌تر بودند و دعوت را زودتر پذیرا می‌شوند لذا از جانب خداوند فرمان رسید که: «و انذر عشیرتک الاقرین» یعنی خویشاوندان نزدیکت را به اسلام دعوت کن و آنان را از عذاب آخرت بیم ده.

❁ چرا اسلام در سرزمین حجاز (عربستان) ظهور کرد؟

چند احتمال دارد:

۱. زیرا سرزمین حجاز دارای فرهنگ و تمدنی نبود و حدود ۶۰۰ سال (زمان فترت) مردم در جهالت و نادانی بسیار به سر می‌بردند به حدی که عربها از داشتن دختر نفرت داشتند و آن‌ها را زنده به گور می‌کردند. برخلاف کشورهای دیگر مانند روم که دارای آئین مسیحیت و ایران که دارای آئین زردشت بودند. بنابر این احتیاج حجاز به دین بسیار شدید بود زیرا آثار دین و دین‌داری در آنجا محو گردیده بود.
۲. زیرا پیامبر اسلام ﷺ آورنده دین اسلام از همین سرزمین حجاز بودند.
۳. زیرا زبان عربی دارای یک ویژگی خاصی است و زبان عربی از همه زبانها فصیح‌تر می‌باشد خصوصاً زبان مردم حجاز. لذا اسلام و قرآن از همین زبان و از همین سرزمین به وجود آمد.
۴. چون در سرزمین حجاز فصاحت و بلاغت به اوج خود رسیده بود و با نزول قرآن معجزه بودن آن در نزد همگان ثابت گردید.

❁ چرا خداوند پیامبر اسلام ﷺ را در عربستان مبعوث به رسالت کرد؟

زیرا در عربستان بیش از جاهای دیگر مردم به بت پرستی و خرافات و شرک و ظلم و بی داد روی آورده بودند و کار در عربستان به جایی رسیده بود که از داشتن فرزند دختر نفرت داشته و حتی آن اطفال معصوم و بی گناه را زنده به گور می‌کردند. دلیل دیگر این که در عربستان، دین اسلام تازگی ویژه‌ای داشت و مردم تشنه دین شده بودند برخلاف روم که مردم دارای آئین مسیحیت و ایران که دارای آئین زردشت بودند.

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ شهر مدینه را برای هجرت انتخاب نمودند؟

عللی دارد از جمله:

۱. چون مکه جایگاه و منزلت ویژه‌ای در دل‌های مردم داشت و بدون سیطره بر آن، دعوت حضرت بی نتیجه می‌ماند و از طرفی دعوت، نسبت به مکه نیاز بود. پس چاره‌ای نبود که برای هجرت مکانی نزدیک به مکه را انتخاب نمایند تا از این راه امکان داشته باشد در موقع مناسب، کفار و مشرکان مکه را در فشار سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی قرار دهند و چون مدینه بر طریق کاروان‌های تجاری مکه قرار داشت و قریش هم در درجه اول با تجارت کردن معیشت می‌کرد، انتخاب مدینه بهترین راه برای این غرض بود.
۲. اما اینکه طائف را انتخاب ننمودند به این جهت بود که اهل آنجا دعوت پیامبر را اجابت ننمودند و چون یمن و فارس و روم و بلاد شام و غیر آن زیر سلطه دولت‌های بزرگ بودند، جای

❖ چرا خداوند در قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام را «مسلمان» می خواند در حالی که هنوز دین اسلام ظهور نکرده بود؟

برای آن است که با تأکید، نشان بدهد که اندیشه دین مبتنی بر توحید، جدید و نوظهور نبوده؛ بلکه مرادف و مقارن با تاریخ دینی بشریت می باشد.
بنابر این، دین در سراسر تاریخ بشر، از متن واحدی برخوردار بوده و یک حقیقت (اعتقاد به خدا و معاد) را به انسانها ابلاغ کرده است. «أَنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».

❖ چرا حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام خَلَّتْ (خلیل الرحمانی) رسید؟
امام صادق علیه السلام می فرمایند «لَكثْرَةُ سَجُودَةٍ عَلَى الْأَرْضِ»^۱. یعنی: زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام زیاد بر زمین سجده می کرد.

حضرت ابراهیم علیه السلام می فرمایند: به سه علت من خلیل الله شدم:

اول: فرمان خدا را بر دستور دیگران ترجیح دادم.

دوم: در چیزی که خدا کفایت کرده بود (مانند روزی) همت نگماشتم.

سوم: هرگز بدون مهمان غذا نخوردم.^۲

مزید علت آنکه حضرت ابراهیم تن و مال و فرزندان خود را در راه دوست (خداوند) دریغ نداشت، تن را به آتش سوزان داد و در آن وقت از روح القدس مدد نخواست و حاضر شد مالش را به کسی که چند مرتبه ذکر «سُبْحَ قُدُوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» را در بیابان از او شنیده بود، ببخشد و فرزندش اسماعیل را به دستور خداوند به قربانگاه ببرد.

❖ چرا حضرت ابراهیم علیه السلام دعا کرد تا خداوند به او دختری بدهد؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: تا آنکه بعد از مرگش بر او گریه کند.^۳

❖ چرا خداوند عمر حضرت خضر را طولانی ساخته است؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: چون خداوند می خواست به قائم ما (حضرت مهدی موعود) عمر طولانی بدهد و می دانست که بندگان بر طول عمر او اشکال خواهند کرد به همین جهت عمر بنده اش حضرت خضر را طولانی ساخت که عمر قائم علیه السلام به آن تشبیه شود.^۴

❖ چرا حضرت خضر ظاهراً بی جهت کشتی را سوراخ کرده و در شهری کودکی را کشت و

در محلی که به او غذا ندادند دیوار کجی را مرمت کرد؟

همان طور که در قرآن آمده «کشتی برای مساکین بود و پادشاه اراده کرده بود که

۱. علل الشرائع، ص ۳۴.

۲. کشکول محمد منتظری، ج ۲، ص ۴۳۶.

۳. اخلاق انبیا از آدم تا خاتم، ص ۱۲۲.

۴. ره توشه راهیان نور، سال ۱۳۸۰.

مناسبتی نبود چون چیزی بجز رنج و دردسر نصیب پیامبر نمی‌شد. و حبشه هم کشوری نبود که بتواند رهبری عملیات تحول جهانی را از نظر اقتصادی و سیاسی و نظامی و فکری و اجتماعی بر عهده گیرد.

۳. مدینه از مکه از نظر زراعت غنی تر بود اگر از طرف مکه تحریم اقتصادی می‌شد می‌توانست مقاومت نماید اما دیگر مکان‌ها اینچنین نبود و تاب مقاومت را نداشتند.

۴. چون حج که از اهم تشریعات اسلامی بود، در مکه انجام می‌گرفت و تا زمانی که در دست بت پرستان بود فعالیت خودش را از دست داده بود و برای کفار و مشرکین امکان نفوذ وسیع در قبائل عرب بود پس چاره ای نبود که مکه را از دست آنها خارج نمایند و نزدیک ترین جایگاه به مکه برای این غرض، مدینه بود.

۵. اهل مدینه در اصل از مهاجران یمن بودند و دارای تمدن ابتدایی بودند بخلاف دیگران که اکثر آنها اعراب و بادیه نشین و بی تمدن بودند و برای آنها زعمایی مانند زعمایی که برای قریش بود، نبود.

۶. اهل مدینه تلخی انحراف را به بدترین وجه ممکن چشیده بودند و جنگ ها آنها را از پا در آورده بود و آنها در رعب و وحشت دائمی به سر می‌بردند به حدی که شب و روز سلاح خود را زمین نمی‌گذاشتند و همیشه آرزوی آن را داشتند که فرجی برایشان حاصل شود.

۷. بشارت دهندگان یهودی در نزدیکی‌های ظهور نبی ﷺ در منطقه، مردم را آماده کرده بودند تا دین اسلام را قبول نمایند. پس پیامبر فرصت را غنیمت شمردند و به مدینه هجرت نمودند.^۱

❁ چرا هجرت پیامبر اسلام ﷺ را مبدأ تاریخ اسلامی قرار داده‌اند؟

چون هجرت پیامبر اسلام ﷺ از بزرگ ترین حوادث تاریخ اسلام بود به همین جهت مبدأ تاریخ اسلام شد تا مسلمانان در همه روزگاران به رسول گرامی خود تاسی کنند.^۲

❁ چرا اسلام سریع پیشرفت نمود؟

چند علت داشت: ۱. جاذبه قرآن کریم و حقانیت اسلام ۲. استقامت و شجاعت پیامبر ﷺ و مسلمانان ۳. توجه اسلام به طبقه محروم و مستضعف ۴. بر خوردها و شیوه‌های منطقی و تاکتیک‌های پیامبر ﷺ ۵. اخلاق عظیم و والای پیامبر ﷺ و جاذبه‌های حضرت ۶ ایمان و توکل عمیق پیامبر ﷺ به خداوند ۷. جهاد و شهادت‌طلبی مسلمانان ۸. جانبازی‌های حضرت علی ﷺ ۹. معجزات باهره پیامبر خدا ﷺ و امدادهای غیبی ۱۰. یاری خویشان پیامبر و بسیج بنی‌هاشم.^۳

۱. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ص ۲۲۸-۲۲۴، جعفر مرتضی‌العالمی.

۲. نشر آزمون، سال سوم راهنمایی، ص ۵۹۰، سال ۱۳۸۰.

۳. نگاهی بر زندگانی پیامبر اسلام، ص ۹۱، محمدی اشتهاردی.

❁ چرا قرآن کریم مسلمانان را «أمت واحدة» می‌داند؟

زیرا همه آنها آفریدگار جهان را به یگانگی می‌پرستند و پیامبری و معاد را قبول و باور دارند و حضرت محمد ﷺ را آخرین پیامبر خدا و قرآن را کتاب آسمانی و برنامه عملی خود می‌دانند. همگی یک قبله و یک هدف دارند و آن اجرای احکام الهی و پیاده کردن نظام توحیدی در سراسر جهان است.

❁ چرا حضرت محمد ﷺ افضل انسانها بلکه افضل مخلوقات است؟

به چند دلیل: ۱- حدیث قدسی گوید: «أولاً لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَاقَ» یعنی (ای محمد) اگر بخاطر تو نبود من افلاک را خلق نمی‌نمودم.^۱ ۲- بخاطر رسیدن به مرتبه «قاب قوسین او ادنی» که هیچ نبی مرسل و ملک مقرب حتی جبرئیل به آن مرتبه نرسید و گفت: «أَلَوْ دَعَوْتُ أُمَّلَةً لَأَحْتَرَقْتُ» یعنی اگر به قدر سرانگشتی نزدیکتر شوم هر آینه می‌سوزم. ۳- از او در قرآن تعبیر به «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» شده است. ۴- خداوند فقط به وی خطاب به «وَ أَنْتَ كَلِمَی خُلِقَ عَظِیْمٌ»، کرده است. ۵- چون بنا به قول قرآن امت پیامبر اسلام ﷺ بهترین امتها «كُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ» می‌باشد پس رهبر این امت، بهترین رهبرها می‌باشد.

۶- یس یعنی یا سید المرسلین و چون مرسلین بهترین انسانها هستند پس رسول خدا(ص) که سید و سرور آنها است بهترین خلایق می‌باشد.

❁ چرا خداوند حضرت محمد ﷺ را به معراج برد؟

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند: «تا خداوند ملکوت آسمانها و آنچه را که از عجایب صنع در آن است، به پیامبر اسلام ﷺ نشان بدهد».^۲

❁ چرا پیامبر و اهل بیتش، «وجه الله» می‌باشند؟

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: ای اباصلت وجه خدا، پیامبران و رسولان و حجج الهی هستند و آنانند که تنها از طریقشان توجه به خدا و دین و معرفت او حاصل می‌شود.^۳

۱. بحار، ج ۱۵، ص ۲۸.

۲. علل الشرایع، ص ۱۳۱. قرآن: «لنریه من آیاتنا».

۳. توحید، باب ما جاء فی الرؤیه، ح ۲۱.

❁ چرا خداوند پیامبر اسلام ﷺ را یتیم کرد؟

زیرا به قول امام صادق (ع) تا احدی حق طاعت بر او نداشته باشد.^۱

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ پسر نداشتند؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: به دلیل اینکه پیامبر اکرم (ع) به عنوان نبی و رسول خلق شد و علی (ع) نیز به عنوان وصی و جانشین، و اگر برای پیامبر (ع) فرزند پسری بود، بعد از آن حضرت، برای جانشینی او، نسبت به علی (ع) اولویت داشت و بر او مقدم می‌شد و در نتیجه وصایت و جانشینی علی (ع) ثابت نمی‌شد.^۲

❁ چرا هنگام تولد حضرت محمد ﷺ دریاچه ساوه خشک شد؟

چون این دریاچه مورد پرستش عده‌ای از مردم قرار داشت و در نزد آنها مقدس بود لذا از این جهت که حضرت محمد (ع) منادی توحید و نفی کننده بت پرستی و پرستش غیر خدا بود، با آمدن او این دریاچه از روی معجزه خشک شد.

❁ چرا خداوند حضرت محمد ﷺ را به پیامبری برگزید و قرآن را بر او نازل نمود؟

بخاطر عبودیت ایشان بود. قرآن گوید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا». و حتی سفر معراج ایشان نیز در پرتو عبودیت او تحقق یافت «سبحان الذی اسری بعبده لیلًا». در تشهد نماز می‌خوانیم «شهد ان محمداً عبده و رسوله» و این می‌رساند که انتخاب ایشان به رسالت و پیامبری بخاطر عبودیت بوده است.

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ قبل از نبوت مدتی از مردم گوشه‌گیری کردند؟

زیرا از این راه موفقیت‌هایی نصیب ایشان گردید و از رهگذر آن توانستند بیش از هر فرصتی دیگر به سیر در آفاق و انفس بپردازند و به بررسی و مطالعه در آفرینش جان و جهان، موفق گردند تا آنجا که زمینه رؤیاهای صادقه برای آن حضرت فراهم آمد و بالاخره منجر به نبوت او گردید.^۳

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ قبل از بعثتشان مدت ها در غار حرا و جبل النور به عبادت

مشغول بودند؟

به این جهت که انسان در دل کوهها اندیشه بیدارتری می‌یابد زیرا اصولاً کوهها مظهر ابهت و عظمت و صلابت و همه جا مایه خیر و برکت است.^۴

۱. علل الشرایع، ص ۱۳۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۴.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۳۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۳۰.

❖ چرا شیعیان گویند نصب امام و خلیفه پیغمبر با خداست نه با شوری و نه با اجماع و نه بدست اهل حل و عقد و نه با تصریح خلیفه قبل از خود؟

زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» یعنی: من برای مردم امام قرار می‌دهم و چون عصمت در امام معصوم، امر مخفی است و کسی غیر از خدا و رسولش از آن با خبر نیستند بنابر این، نصب امام بر عهده خدا (و رسولش) می‌باشد. دیگر اینکه نصب امام علیه السلام مانند نصب پیغمبر لطف است و لطف هم بر خدا واجب است.

❖ چرا به نظر شیعیان پیامبران و ائمه معصومین باید از جمیع گناهان حتی در سهو و نسیان هم عصمت داشته باشند؟

چون اگر مرتکب گناه یا خطا شوند اعتماد لازم برای مقام نبوت (و امامت) از آنها سلب می‌شود و مردم نمی‌توانند آنان را واسطه مطمئنی میان خود و خدا بشناسند و آنان را در تمام اعمال زندگی، پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند.^۱ همچنین در غیر این صورت مردم به آنها اعتماد نمی‌کنند و قرب و منزلتشان از بین می‌رود و در نتیجه غرض از وجود پیامبر و امام منتفی می‌شود. دلیل دیگر اینکه اگر آنها گناه کنند دیگرانی که آن گناه را انجام نمی‌دهند مقامشان از آنها بالاتر می‌رود.

❖ چرا شیعیان قائل به این هستند که جمیع آبا و اجداد پیامبر اسلام (ص) موحد بوده‌اند و حال اینکه قرآن گوید آزر پدر ابراهیم، مشرک و بت پرست بوده است؟

باید گفت که آزر پدر حقیقی حضرت ابراهیم نبوده است بلکه چون حق پدری برگردن او داشته است به او پدر ابراهیم می‌گویند و این در عرب رسم است و حتی در لغت به جد و عمو و شوهر مادر انسان و هرکسی که متولی امور شخصی باشد پدر می‌گویند. بنابر این آزر هرگز پدر حقیقی ابراهیم علیه السلام نبوده است و دلیل دیگر بر اینکه آزر پدر حقیقی ابراهیم نبوده است این است که حضرت ابراهیم وقتی می‌خواهد به پدر و مادر حقیقی خود دعا کند «والدی» می‌گوید «رَبِّنا اغفر لی و لوالدی» ولی زمانی که می‌خواهد آزر پدر غیر حقیقی خود را به خاطر بت پرستی نکوهش کند می‌گوید «وَ اذ قال ابراهیم لایه آزر اتخذ اصناما آلِهة من دون اللّٰه» بنابر این والد فقط بر پدر حقیقی و اب بر پدر حقیقی و غیر حقیقی اطلاق می‌شود.

❖ چرا دشمنان اسلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را متهم به شاعر بودن می‌کردند؟

زیرا همان طور که شعر نفوذ مرموزی در افکار دارد و گاه شعر دلها را تکان می‌دهد و به همراه خود می‌برد آن آیات قرآن هم چنین تأثیری را داشت از این جهت پیامبر اسلام را متهم

به شعر گفتن کردند با اینکه می‌دانستند قرآن کمترین شباهتی به شعر ندارد.^۱

❁ چرا بعضی از آیات قرآن در ظاهر جنبه عتابی نسبت به پیامبر خدا ﷺ دارد، مانند «لَمْ تَحَرِّمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ»^۲ که در مورد تحریم بعضی از امور حلال است و «غَفَى اللَّهُ عَنْكَ لَمْ أَذْنَبْ لَهُمْ»^۳ که در مورد اجازه ای که پیامبر ﷺ مبنی بر ترک شرکت در جنگ به بعضی از افراد داده بودند، است؟
جواب آنکه اینگونه خطاب ها در واقع «مدح در قالب عتاب» است و دلالت بر نهایت عطف و دلسوزی پیامبر ﷺ دارد.^۴

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ دستور دادند که مسلمانان مسجد ضرار را خراب کنند؟
این مسجد به دستور ابوعامر در دهکده قبا در برابر مسجد مسلمانان ساخته شد تا با نام دین برای نابودی دین استفاده نمایند لذا چون این مسجد اصل و بنایش بر نفاق و توطئه چینی علیه اسلام بود و در آن مسجد عوض ترویج اسلام ترویج نفاق می‌شد پیامبر خدا ﷺ دستور دادند تا آن را خراب نمایند.

❁ چرا با اینکه در اسلام مستحب است انسان زود زن بگیرد ولی حضرت محمد ﷺ در سن ۲۵ سالگی ازدواج کردند؟

چند علت دارد: ۱. هنوز اسلام نیامده بود ۲. ازدواج از واجبات نمی‌باشد تا بگوییم چرا پیامبر خدا ﷺ آن را ترک کرده‌اند بلکه ازدواج امری مستحب است و در بعضی مواقع به خاطر موانع و مصالح، استحباب آن از بین می‌رود.

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ موقع ورود به مدینه از میان آن همه مردم به خانه ابویوب انصاری داخل شد؟

چند جواب دارد: ۱. وی مردی صالح بود و نکته منفی‌ای در شخصیت او وجود نداشت ۲. در مدینه شخصی فقیرتر از او نبود، لذا انتخاب خانه او بیانگر آن بود که پیامبر ﷺ با این کار از تهیدستان و نیازمندان حمایت می‌کند و به دیگران می‌آموخت که متواضع باشند و تهیدستان را به سبب فقرشان تحقیر ننمایند و ثروتمندان را به دلیل ثروت احترام نکنند و ثروتمندان امید آن را نداشته باشند که با نزدیک شدن به آن حضرت، تهیدستان و مستمندان را از محضر او دور سازند و ثروت در پیشگاه خدا ملاک برتری نیست و پیامبر با این کار درس زهد و پارسایی آموخت.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۸۰.

۲. تحریم، آیه ۱.

۳. توبه، آیه ۴۳.

۴. پرستها و پاسخهای آموزش عقاید، ص ۹۸، استاد مصباح یزدی.

❖ چرا پیامبر اسلام ﷺ تا حضرت خدیجه زنده بود با زنی دیگر ازدواج نکردند؟
پیامبر اسلام ﷺ مادامی که حضرت خدیجه زنده بود برای احترام وی با زنی دیگر ازدواج نکرد.^۱

❖ چرا فقط بعد از ذکر نام نبی اکرم ﷺ صلوات فرستادن مستحب است؟
چنین دستوری از جانب خداوند است و چون خداوند فرموده است که: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی به راستی خدا و فرشتگانش بر نبی اکرم ﷺ درود و صلوات می فرستند ای مؤمنان شما هم بر او درود و صلوات بفرستید.

❖ چرا دشمنان دین نسبت سحر را به پیامبران می دادند؟
دو علت دارد:

۱. یا این که می خواستند از این طریق نسبت جنون به پیامبر ﷺ بدهند و بگویند ساحران در فکر و عقل او نفوذ کرده اند و به وسیله ساحران اختلال حواس پیدا کرده است.
۲. و یا این که می خواستند بگویند پیامبر ﷺ از روی سحر کلامش چنان نفوذ خارق العاده ای پیدا کرده است که مردم را این طور به طرف خود و خدا می کشاند.^۲

❖ چرا پیامبر اسلام ﷺ با آن عظمت، دست کارگری را بوسید در حالیکه انسان پایین تر دست بالاتر را می بوسد؟

روایت دو گونه نقل شده است یکی «قَبْلَ يَدِهِ» و معنایش آن است که دست کارگر را بوسیدند و آن هم به خاطر ارزش و عظمت کار و کارگر است زیرا کار عبادت است و دیگری «قَلْبَ يَدِهِ» و معنایش آن است که دست آن کارگر را از روی ترحم زیرورو کردند نه این که دست او را بوسیدند.^۳

❖ چرا پیامبر اسلام ﷺ در مرگ فرزند خود ابراهیم گریه نمودند و حال اینکه در اسلام امر به صبر شده است؟

امام صادق (ع) می فرمایند: چون ابراهیم از دنیا رحلت کرد آب از دیده های مبارک حضرت رسول (ص) فرو ریخت و فرمود که دیده می گرید و دل اندوهناک می شود و نمی گویم چیزی که باعث غضب پروردگار گردد پس خطاب به ابراهیم کرد که ما بر تو اندوهناکیم ای ابراهیم.^۴

❖ چرا پیامبر اسلام ﷺ افضل از حضرت آدم ﷺ می باشند و حال این که حضرت آدم

۱. بحار، ج ۴۲ ص ۹۲؛ ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۱۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۳. المدخل الى تعلم اللغة العربية، ج ۳، ص ۲۸۴، محمد و علی حیدری.

۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۰.

مسجود ملائکه است؟

چنین سؤالی را یک نفر یهودی از حضرت علی علیه السلام نمود. حضرت فرمود: خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فضیلتی بالاتر داد خداوند با آن عظمتی که دارد با تمامی ملائکه بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند و صلوات مؤمنین را بر پیامبر عبادت خود خوانده است.^۱

چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ازدواج های متعدد داشتند؟

علت ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با زنان متعدد (بنابر قولی ۹ زن) عبارتند از: اولاً: در ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله مسئله شهوت محور نبوده است زیرا ایشان از سن ۲۵ سالگی تا ۵۳ سالگی فقط با خدیجه زندگی کرد، زنی که هنگام ازدواج، سنش ۱۵ سال از حضرت بیشتر بود و پیامبر تا او را داشت با دیگری ازدواج نکرد. ثانیاً: تمام قبائل عرب علیه حضرت بودند و پیامبر با طرحی دقیق (ازدواج در آن قبائل) این وحدت نامقدس را شکست.

ثالثاً: بعضی ازدواج ها برای مبارزه با آداب و رسوم غلط بوده نظیر ازدواج ایشان با زینب دختر عمه اش (زن پسر خوانده اش).

رابعاً: پیامبر بعضی از زنان را تنها عقد نمود و با آنان همبستر نشد و از بعضی قبائل تنها خواستگاری نمود و عقد هم نکرد و همین رفتارها وسیله ارتباط می شد.

خامساً: اگر هدف، مسأله جنسی بود باید از این همه همسر، فرزندان بسیاری می داشت. سادساً: عایشه بسیار کوچک بود که به عقد پیامبر در آمد و مدت ها گذشت تا توانست همسر واقعی حضرت باشد. اگر هدف مسائل جنسی باشد با بیجه ازدواج نمی کند.^۲

باید گفت گرفتن این زن ها در اسلام هر یک به منظور خویشاوندی و اسلام آوردن و تألیف قلوب قبیله (ایجاد محبت و دوستی میان آنها) و یا ملتی بود.

ابوالفدا می نویسد: رسول الله ۲۵ زن گرفت و همه روی مصالح پیشرفت اسلام بود.^۳ باید گفت که پیامبر اسلام چون دارای قوه عصمت بودند اگر تا آخر عمر هم زن نمی گرفتند حتی فکر گناه هم نمی کردند پس، ازدواج های متعدد ایشان به خاطر مصالحی بوده است که برخی از آنها عبارت است از:

۱. جلب محبت قبائل مختلف که از آن ها زن می گرفتند.
۲. محفوظ ماندن از شر قبایل و طوایفی که از آن ها دختر می گرفتند.
۳. پیامبر صلی الله علیه و آله ۹ زن گرفتند تا به دیگران بفهمانند که می شود انسانی این تعداد زن داشته

۱. احتیاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲. تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۸۵.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۸۶.

باشد و به عدالت رفتار نماید.

۴. خداوند چیزهایی را بر ایشان واجب نموده بخلاف دیگران از جمله: نماز شب و چیزهایی را حرام نموده بخلاف دیگران از جمله: خوردن سیر و پیاز و چیزهایی را برای ایشان حلال نموده بخلاف دیگران از جمله: گرفتن بیش از ۴ زن دائم.

استاد بزرگوار ما آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله) می فرمایند: قرائن زیادی در دست داریم که نشان می دهد ازدواجهای پیامبر لااقل در بسیاری از موارد جنبه سیاسی داشته است. و بعضی ازدواجهای او مانند ازدواج با «زینب»، برای شکستن سنت جاهلی بوده که شرح آن در ذیل آیه ۳۷ سوره احزاب آمده است. و بعضی دیگر برای کاستن از عداوت، یا طرح دوستی و جلب محبت اشخاص و یا اقوام متعصب و لجوج بوده است. از سوی دیگر با اینکه پیامبر (ص) مسلماً مرد عقیمی نبود ولی فرزندان کمی از او به یادگار ماند، در حالی که اگر این ازدواجها به خاطر جاذبه جنسی این زنان انجام می شد باید فرزندان بسیاری از او به یادگار مانده باشد. و مانند عایشه سالها گذشت تا توانست یک همسر واقعی برای او باشد، این نشان می دهد که ازدواج با چنین دختری انگیزه های دیگری داشته و هدف اصلی همانها (غیر جاذبه جنسی) بوده است.^۱

❖ چرا ازدواج با زنان پیامبر اسلام حرام شده است؟

چنانکه در کلام فقهای شیعه آمده «للتَّعْظِيمِ» است، یعنی برای تعظیم و احترام به مقام شامخ پیامبر خدا، چنین حکمی آمده است که هیچ مردی حق ندارد که زنان پیامبر را که به نحوی از حضرت جدا شده اند به ازدواج خود در آورد زیرا حرمت پیامبر اسلام شکسته می شود و از طرفی مردان برای رسیدن به این افتخار از یکدیگر سبقت می گیرند و نزاعها و کشمکشها و درگیریها به وجود می آید و مردم گویند: زنان پیامبر روزی زن این شخص و فردا زن فلان شخص دیگر خواهند شد، بنابر این حرمت پیامبر ﷺ و حتی زنان حضرت در میان مردم از بین می رود.

❖ چرا قرآن، زنان پیامبر را از طریق تحریم ازدواج بعد از حضرت، از ازدواج محروم کرده است؟

در جواب گوییم: اولاً: تاریخ سراغ ندارد که حتی یکی از زنان پیامبر بر این حکم اعتراض کرده باشد یا میل به ازدواج پیدا کرده باشد و ثانیاً: بعضی از افراد به خاطر موقعیت خویش و حفظ مقام و منزلت خود باید از بعضی چیزها چشم پوشی کنند، لذا چون ازدواج زنان پیامبر باعث هتک حرمت پیامبر اسلام می شود، باید از این امر خود داری نمایند.^۲

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۲. درس خارج استاد آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله).

پیامبر اسلام (ص) به یکی از همسران خود فرمودند: اگر می خواهی همسر من در بهشت باشی پس بعد من با دیگری ازدواج نکن چون زن برای آخرین از شوهرهای خود می باشد بنابر این خداوند بر همسران پیامبر حرام گردانده است که بعد از پیامبر (ص) با دیگری ازدواج نمایند.^۱

❁ چرا شیعیان سهو کردن پیامبر اسلام را قبول ندارند؟

زیرا سلب اعتماد از پیامبر می گردد و در این صورت تصوّر می شود که حتّی در احکام و تبلیغ دین هم سهو می کرده است بنابر این، آن خبری که گوید: «پیامبر سهواً عصایش به مردی خورد و آخر عمر تقاضای قصاص نمود» در جواب می گوییم یا این قضیه دروغ است یا آن مرد که بلند شد و گفت شما عصایتان را در خلال جنگ به من زدید با اینکه دروغ می گفت پیامبر نخواستند او را رسوا کنند لذا فرمودند بیا و قصاص کن و یا در جواب گوییم که سهو، از جانب آن مرد بوده است که ناگهان جلوی عصای پیامبر آمده و عصا به او خورده است.

❁ چرا خداوند پیامبر اسلام ﷺ را اُمّی (درس ناخوانده) قرار داد؟

زیرا اگر پیامبر ﷺ می توانست بخواند و بنویسد، این تهمت به ایشان زده می شد که آیاتی که بر مردم می خواند، وحی الهی نیست، و او آن ها را از پیش خود می گوید و یا از کسی آموخته است. همه این ها می توانست در اذهان مردم ایجاد شک و تردید نماید.^۲

❁ چرا بعضی از ستمگران با این که پیامبر ﷺ و ائمه را خوب می شناختند ولی زیاد از حدّ به آن ها ظلم و ستم روا می داشتند و حتّی حاضر به شهید کردن ایشان می شدند؟
آیه قرآن گوید: «يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا» یعنی اول نعمت خدا را می شناسند سپس آنرا انکار می کنند بنابر این، علّت دشمنی آن ها با بزرگان دین از این جهت است که فضائل بسیار زیادی را در وجود آن عزیزان دیده و یا در باره ایشان شنیده اند و خود فاقد آن فضایل و کمالات بودند، لذا حسادت ورزیده و با آنها دشمنی می نمودند.

❁ چرا از میان مردم فقط علماء و ارثان انبیاء هستند: «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» یعنی علما و دانشمندان وارثان پیغمبرانند؟

امام صادق (ع) می فرمایند:

برای این که پیغمبران پول، طلا و نقره به ارث نگذارند و تنها بعضی از احادیثشان را به جای گذارند هر کسی که از آن احادیث بیشتر بگیرد، بهره بسیاری بر گرفته است.^۳
❁ چرا خداوند در قرآن خطاب به پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «فان كنت في شك» یعنی

۱. مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۵۷۷.

۲. ره توشه، ص ۱۵۳، سال ۱۳۷۴، ویژه مقطع دبیرستان (۵).

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹.

اگر شک داری در حالی که او شک نداشت؟

امام هادی (ع) می فرمایند: این تعبیر قرآن از نظر مماشات و همراهی با طرف است، چنانکه در آیه مباحله قرآن دستور می دهد بگو: بیایید تا فرزندان و... دعوت کنیم سپس نفرین کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (البته دروغگویان نصارا بودند و در این امر تردید نبود ولی) اگر می گفت لعنت خدا را بر شما قرار دهیم به مباحله حاضر نمی شدند، اینجا هم پیغمبر (ص) بر عقیده خود یقین داشت، ولی می خواست با مدعی به عنوان بی طرف گفتگو کند.^۱

چرا با این که پیامبر گرامی اسلام ﷺ عقل کل بودند، مأمور شدند تا در کارها با مردم مشورت نمایند؟

خداوند می فرماید: «ای پیامبر ما در کارهای خودشان با آنها مشورت کن زیرا اگر مشورت کردی و طبق صلاح خدا مصیبتی برای آنها پیش آمد دیگر تو را مقصر نمی دانند ولی اگر چنین نکردی و برای آنها پیش آمدی شد، تو را سرزنش می کنند. خود قرآن پاسخ اینگونه سئوالات را داده است چنانکه می فرماید: «لقد كان لكم فی رسول الله اسوة حسنة» در زندگی پیامبر سرمشق خوبی برای شماست. بنابراین منظور از مشاوره جنبه تعلیمی و تربیتی آن بوده است.

پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران می باشند؟

به چند دلیل:

۱. زیرا بشر به مرحله ای از بلوغ فکری و فرهنگی رسیده است که می تواند با استفاده مستمر از اصول و تعلیماتی که پیامبر خاتم به طور جامع در اختیار او گذارده است راه را ادامه دهد بی آنکه احتیاج به شریعت تازه ای داشته باشد.
۲. قرآن گوید: پیامبر اسلام ﷺ «خاتم النبیین» است.
۳. «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً».
۴. «و ما أرسلناک الا کافّة للناس بشیراً و نذیراً».
۵. «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً».
۶. پیامبر ﷺ می فرماید: «خلالی حلال الی یوم القیامة و حرامی حرام الی یوم القیامة».
۷. پیامبر ﷺ می فرماید: «یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی».
۸. پیامبر ﷺ می فرماید: «جئت فختمت الانبیاء» یعنی: آمدم و پیامبران را پایان دادم.
۹. امام صادق (ع) می فرماید: «ان الله ختم بنبیکم النبیین فلا نبی بعده ابداً و ختم بکتابکم».

۱. تحف العقول، ص ۵۶۶-۵۶۷.

الْکُتُبَ فَلَا کِتَابَ بَعْدَهُ أَبَدًا».^۱

❖ چرا پیامبر اسلام ﷺ آخرین پیامبر و دین اسلام آخرین دین تا قیامت است؟

به دلیل اینکه: ۱. قرآن می‌فرماید:

«ما کان محمد ایا احد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شی علیم».^۲ یعنی: ...رسول خدا ﷺ خاتم پیامبران است.

۲. زیرا بشر بواسطه تلقی جمیع اصول و قوانین و احکام از طریق وحی و نبوت پیامبر اسلام ﷺ احتیاجی به پیامبر جدید ندارد و دیگر زمینه‌ای برای تجدید نبوت و شریعت باقی نمی‌ماند.

۳. تأمل در معارف قرآن و احکام آن دلالت می‌کند که شریعت اسلام شریعت کامل و تامی است که اکمل و اتم از آن تصور نمی‌شود.^۳

راز خاتمیت نبوت و شریعت این است که هر چه بشر شایستگی دریافتش را دارد و در تنظیم رابطه خود با خدا و انسان و جهان به آن نیازمند است، بیان شده است. با این فرض، دیگر مجالی برای استمرار نبوت باقی نمی‌ماند.^۴

در قرآن کلمه «قبلک» خطاب به پیامبر زیاد استعمال شده است، یعنی پیش از تو پیامبرانی آمده‌اند، اما در هیچ جا «بعدک» نیامده است و این نشان دهنده خاتمیت پیامبر اسلام می‌باشد.^۵

❖ چرا سلسله پیامبران با آمدن پیامبر اسلام ﷺ ختم شده است؟

راز ختم نبوت این است که اولاً پیامبر اسلام ﷺ می‌تواند به کمک یاران و جانشینان، رسالت خود را به گوش جهانیان برساند، ثانیاً مصونیت کتاب آسمانی وی از هرگونه تحریفی تضمین شده است، ثالثاً شریعت اسلام، توان پاسخگویی به نیازهای بشر تا پایان جهان را دارد.^۶

❖ چرا با اینکه پیامبر اسلام خاتم انبیاست، اما نامش قبل از دیگران آمده است؟

این نشان عظمت والای ایشان است.^۷

❖ چرا گوئیم پیامبر اسلام ﷺ افضل انبیاست؟

الف) خصوصیتی که بر اساس آیات قرآن در شخص پیامبر ﷺ وجود دارد، مانند: «انک لعلی خلق عظیم»، «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (ب) خصوصیتی که در کتاب اوست که برتر از

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۴۰-۳۴۴.

۲. احزاب، آیه ۴۰.

۳. کتاب ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، شیخ علی ربانی گلپایگانی، ص ۱۳۷-۱۲۷.

۴. ره توشه، ویژه بوستان ولایت (جوانان)، سال ۱۳۷۸، ص ۲۶۶.

۵. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۷۰.

۶. آموزش عقاید، استاد محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۲۸.

۷. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۷۰.

همه کتب آسمانی است «الله نزل احسن الحديث کتابا متشابها» و این کتاب مصون از تحریف است. (ج) خصوصیتی که در امت اوست که برتر از همه امم هستند «کنتم خیر امة...»^۱
(د) خدا به پیامبر ﷺ دستور داده که «فبهديهم اقته» یعنی به تمام فضایل اخلاقی که در انبیا، متفرق است، اقتدا کن.

بنابر این همه باید خطاب به پیامبر اسلام ﷺ اعتراف کنیم که:
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

❁ چرا پیامبر در ليلة المبیت حضرت علی را جای خود در بستر قرار دادند؟
زیرا ایشان می خواستند کسی را که هم شأن خودشان است، به جای خود قرار دهند و هم می خواستند ایثار و فرمانبرداری حضرت علی ﷺ را نسبت به خود ثابت نمایند.
قرآن در این باره در شأن حضرت علی ﷺ می فرماید: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله».

❁ چرا پیامبر خدا ﷺ در ابلاغ ولایت حضرت علی (ع) تأمل نمودند؟
بخاطر کینه های فشرده در دلهای سخت و سیاه گروهی بود که یا حسد مقام علی (ع) تباهشان ساخته و یا گروهی از خویشانشان در جنگ به شمشیر علی (ع) به خاک افتاده بود.^۲

به عنوان نمونه مردی به نام نعمان بن حارث سحری بعد از قضیه غدیر پیش پیامبر آمده و عرض کرد یا رسول الله فرمودی شهادت به لاله الله دهید، قبول کردیم فرمودی به رسالت تو گواهی دهیم و نماز بخوانیم و روزه بگیریم و زکات بدهیم، همه اینها را قبول کردیم، حالا می فرمایی از این جوان (علی ع) پیروی کنیم، آیا این را از جانب خودت می گویی یا به تو وحی شده است؟ فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست، این وحی الهی است، من از جانب خودم نمی گویم. آن مرد گفت خدایا اگر چنین است دیگر نمی خواهم زنده باشم، پس سنگی از آسمان بر سر من بفرست، سنگی بر او فرود آمد و هلاک شد.^۳

❁ چرا پیامبر خدا ﷺ در ليلة المبیت ابوبکر را با خود به غار بردند؟
چون پیامبر ﷺ طبق مصلحتی دستور داده بودند در آنشب کسی از خانه بیرون نیاید چون ابوبکر را در بیرون خانه دیدند از ترس اینکه دشمن او را مجبور نکند تا قضیه را فاش کند او را همراه خود به غار بردند.

❁ چرا گوئیم امت اسلام برترین امتها می باشد و حال اینکه آیه قرآن خطاب به

۱. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۱۲۳.

۲. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۱۲۳.

۳. تفسیر سوره معارج، استاد مطهری، ص ۱۰.

بنی اسرائیل گویند: «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» یعنی شما را بر عالمیان برتری دادیم؟ باید گفت برتری بنی اسرائیل بر افراد محیط و عصر خودشان است چون قرآن خطاب به امت اسلام می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...». یعنی: شما (مسلمانان) بهترین امتی بودید که برای نفع انسانها آفریده شده‌اید.^۱

❁ چرا حضرت محمد ﷺ با دختر بعضی از افراد که به نظر شیعه شایسته نبودند، ازدواج کردند؟

چند علت دارد: ۱. همین که مسلمان بودند اشکالی ندارد ۲. خواستند تا خطر و شرّ قبائل و طوائف و اقوام آنها را به اسلام و مسلمین کمتر کنند ۳. خواستند تا از این راه از خود آنها و قبایل و طوائف ایشان به نفع اسلام و مسلمین استفاده کنند. ۴. چه بسا خود آن زنان دارای ویژگی خاصی بوده‌اند.

❁ چرا خداوند به اولیای خودش مانند انبیا و امامان و خواص خود کمتر از دیگران مال و ثروت و خوشی و راحتی عطا کرده است؟

اولاً: معیار خوب و بد بودن انسان به داشتن مال و یا نداشتن آن نیست.
ثانیاً: مواهب مادی و خوشی لذات دنیا و راحتی، سبب غفلت و بازماندن از راه ترقی و کمال و دلبستگی به دنیا می‌باشد.

❁ چرا پیامبر خدا ﷺ از مکه هجرت نمودند با این که مکه وطن اصلی حضرت و محل نزول وحی و در جوار خانه خدا بودند؟

در جواب باید گفت که حفظ اسلام و حفظ وجود شخص پیامبر خدا ﷺ در این بود که از مکه هجرت نمایند چون مشرکان تصمیم گرفته بودند که شبانه به خانه آن حضرت هجوم برند و ایشان را در بستر به قتل برسانند. علت دیگر این که احتیاج بود که مردم مدینه را که بسیار شیفته و علاقه‌مند به حضرت و اسلام بودند، سرفراز نمایند؛ زیرا مردم مدینه مدت‌ها بود که آرزوی دیدار پیامبر خدا را در دل داشتند.

❁ چرا در لیلۃ المبیت (شبی که علی ع. بجای پیامبر ص. خوابیدند) از هر قبیله‌ای یک نفر برای ترور پیامبر خدا ﷺ انتخاب شد؟

زیرا از قبیله بنی‌هاشم که حامیان رسول خدا ﷺ بودند می‌ترسیدند لذا با این نقشه خواستند که بنی‌هاشم نتواند با جمیع آن قبائل درگیر شود.

❖ چرا خداوند اولین و آخرین انسان‌ها را پیامبر و امام قرار داده است؟
به جهت این که زمین از اول تا آخر خلقت از حجت خدا و خلیفه الله خالی نماند همان گونه که روایت می‌گوید: اگر زمین خالی از حجت شود اهلش را فرو می‌برد و فیض الهی قطع می‌گردد.

❖ چرا با این که پیغمبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام دارای علم غیب بوده‌اند گاهی برای با خبر شدن، از افراد عادی سؤال می‌نمودند؟
این سؤال چند جواب دارد:

۱. تا لازم نمی‌دانستند از علم غیب استفاده نمی‌کردند و نظام طبیعت را بر هم نمی‌زدند.
 ۲. پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام به گونه‌ای بوده‌اند که اگر اراده می‌کردند، بدانند می‌دانستند لذا گاهی از اوقات صلاح نمی‌دانستند که چیزی را از روی علم غیب دریابند امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْأِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمٌ»^۱ یعنی: همانا امام هرگاه بخواهد که بداند می‌داند.
 ۳. پیامبران و ائمه معصومین مأمور بودند که در زندگی روزمره مانند مردم عادی زندگی کنند نه این که هر کاری را از روی معجزه انجام دهند.
- قرآن در این باره می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...»^۲ یعنی: بگو ای پیامبر من نیز مانند شما بشر هستم...

۱. الکافی: ۱/۲۵۸؛ بصائر الدرجات: ۳/۳۱۵.

۲. کهف، آیه ۱۱۰.

امامت

❁ چرا مقام امامت از مقام نبوت و رسالت بالاتر است؟

زیرا نبوت یعنی دریافت وحی از خداوند و رسالت یعنی ابلاغ وحی و تبلیغ احکام الهی اما امامت یعنی رهبری و پیشوائی خلق.

بنابر این وظیفه امام، اجرای دستورات الهی است در حالی که وظیفه رسول، ابلاغ این دستور است. به عبارت دیگر رسول «ارائه طریق» می‌کند ولی امام «ایصال به مطلوب» می‌نماید و بعضی از پیامبران مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هر دو مقام را داشتند. خلاصه این که امامت آخرین سیر تکامل پیامبران مانند حضرت ابراهیم است که آیه قرآن به آن اشاره دارد.^۱

قرآن گوید: «و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماماً» صراحت در این دارد که حضرت ابراهیم بعد از آن که پیامبر بود و امتحاناتی داد، امام شد. امام علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه جانبه را در امر دین و دنیا بر عهده دارد.^۲ و چون مقام امامت مقام رهبر جامعه دینی و اسلامی است لذا مسئولیت آن و حساسیت آن بیشتر از مقام نبوت و پیغام رسانی از جانب خدا به مردم است.

❁ چرا در یک زمان وجود چندین پیغمبر امکان دارد ولی وجود چندین امام امکان ندارد؟

چون پیغمبران هر کدام مبلّغ و پیغام آور از جانب خدا می‌باشند لذا می‌شود چندین پیغمبر

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۴۱-۴۴۰.

۲. اعتقاد ما، ص ۷۶.

در یک زمان به عنوان پیام آور مشغول تبلیغ شوند ولی امام چون رهبر و پیشوا است و تمام اختیارات جن و انس و عالم امکان را در دست دارد و بر تمام انس و جن فرمانروایی می‌کند لذا معقول نیست که دو نفر در یک زمان بر تمام عالم به طور مطلق فرمانروایی کنند چون حکومت دو امام نسبت به یکدیگر در تزامن می‌باشد.

❁ چرا خداوند بعد از پیامبر اسلام ﷺ دوازده امام قرار داده است؟

اولاً: باید گفت خیلی از پیامبران جانشینانی داشته‌اند مانند حضرت هارون علیه السلام که جانشین حضرت موسی علیه السلام بود.

ثانیاً: امام باید وجود داشته باشد تا دین اصیل را از انحراف و کم و زیاد شدن حفظ نماید.
ثالثاً: همان گونه که وجود پیامبران لطف بوده و لطف بر خدا واجب است وجود امامان معصوم نیز لطف می‌باشد و لطف هم بر خدای حکیم واجب است.
رابعاً: همانطور که پیامبران برای هدایت جن و انس می‌باشند بعد از آنها امامانی باید باشند تا بتوانند چنین هدایت و رهبری را داشته باشند.

❁ چرا خداوند باید امام را نصب کند و دیگران حق نصب امام را ندارند؟

چون نصب امام لطف، و لطف هم بر خدا واجب است.^۱
دلیل دیگر اینکه شأن مقام امامت همان شأن مقام نبوت است پس همانطور که نصب نبی بر خدا واجب است نصب امام هم واجب می‌باشد.
دلیل دیگر اینکه قرآن نصب امام را صراحةً به خدا نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا».

دلیل دیگر این که امام علیه السلام باید معصوم باشد و ملکهء عصمت امر خفی است و کسی جز خدا از آن آگاه نیست بنابر این خدا باید امام را منصوب نماید.

❁ چرا اسلام آوردن حضرت علی (ع) در ۱۰ یا ۱۳ سالگی پذیرفته شده در حالی که هنوز مکلف نبود؟

به چند جهت: اولاً پیامبر اسلام (ص) اسلام علی (ع) را پذیرفت و کسی که اسلام او را در آن سن و سال معتبر نداند در واقع ایراد بر پیامبر اکرم (ص) می‌گیرد. ثانیاً در روایات معروفی که در داستان یوم الدار آمده است که پیامبر (ص) غذایی آماده کرد و بستگان خود را به اسلام فرا خواند کسی جز علی (ع) نپذیرفت لذا پیامبر (ص) فرمود: تو برادر و وصی من و جانشین منی. ثالثاً بدون شک سن بلوغ شرط پذیرش اسلام نیست، هر نوجوانی که عقل و تمیز کافی داشته باشد و

۱. کشف المراد، ص ۱۸۱.

اسلام را بپذیرد در زمره مسلمین قرار می گیرد. رابعاً از قرآن مجید استفاده می شود که حتی بلوغ شرط نبوت نیست و برخی از پیامبران در طفولیت به این مقام رسیدند. چنانکه در باره یحیی (ع) می فرماید: «و آتیناه الحکم صیباً» و در داستان عیسی (ع) نیز آمده «انی عبدالله آتانی الکتاب و جعلنی نبیاً»^۱.

علاوه بر اینکه بلوغ شرط نبوت نیست، شرط امامت نیز نمی باشد همانطور که امام جواد (ع) در سن حدود ۸ سالگی و امام عصر (عج) در سن ۵ الی ۶ سالگی به امامت رسیدند.

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ غدیر خم را برای نصب حضرت علی علیه السلام به ولایت عهدی انتخاب نمود؟

چند دلیل دارد که عبارتند از: ۱- در آنجا آیه «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ» نازل شد ۲- بیابان در آنجا بیابان وسیعی بعنوان بهترین مکان برای مراسم سه روزه غدیر بود و جایگاه سخنرانی زیر همان درختان سرسبز و کهنسال که کنار غدیر وجود داشت در نظر گرفته شد که هم مشرف بر بیابان و محل تجمع مخاطبین بود و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطبه بنظر می آمد.

❁ چرا هر کدام از ائمه علیهم السلام به یک نحوی عمل نمودند؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: جبرئیل صحیفه ای را برای رسول خدا ﷺ آورد که پیش از این و بعد از آن نیاورده بود و در آن خواتیم از طلا بود فرمود: ای محمد این وصیت برای نجیب اهل تو می باشد. حضرت فرمودند: چه کسی؟ جبرئیل فرمود: علی علیه السلام بنابراین هنگامی که از دنیا رفتی او باید خاتم را باز کند و به آن عمل نماید. حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر ﷺ به آن عمل نمودند سپس به امام حسن علیه السلام رسید و بعد از ایشان به امام حسین علیه السلام همین که حضرت خاتم را باز کردند نوشته بود «أُخْرِجْ يَقُومُ إِلَى الشَّهَادَةِ». یعنی: با گروهی بسوی شهادت خارج شو! امام حسین علیه السلام به آن عمل نمودند سپس به امام چهارم رسید در آن نوشته بود «أَطْرُقُ وَاصْمِتْ وَالْزَمْ مَنْزِلَكَ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» یعنی: سکوت کن و ملازم خانه باش و پروردگارت را عبادت کن تا مرگت فرا رسد. سپس آن وصیت به امام پنجم رسید در آن نوشته شده بود که «حَدَّثَ النَّاسَ وَأَنْشَرُ عِلْمَ آبَائِكَ» یعنی: با مردم سخن گو و دانش پدرانت را منتشر کن! حضرت باقر علیه السلام به آن عمل نمودند سپس به امام صادق علیه السلام رسید چون خاتم را باز کردند در آن نوشته بود «حَدَّثَ النَّاسَ وَأَفْتَهُمْ وَصَدَّقَ آبَائِكَ». یعنی: با مردم سخن گو و فتوا بده و پدرانت را تصدیق نما! سرانجام آن وصیت به امام های بعدی رسید و هر کدام به آن عمل نمودند.^۲

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۳۰۲-۳۰۳.

۲. علل الشرایع، ص ۱۷۲.

هر کدام از ائمه با توجه به اوضاع و شرایط ویژه‌ای که با آن روبرو بودند شیوه مناسبی را در پیش می‌گرفتند.

❖ چرا از میان ۱۲ امام معصوم، فقط به حضرت علی علیه السلام امیرالمؤمنین می‌گویند؟
امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لأنه ميرة العلم يمتار منه و لا يمتار من أحد غيره»^۱
چون امیر و حامل علم است که از او علم و دانش فرا می‌گیرند و از غیر او علم نمی‌آموزند.
بنا به فرمایش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام در علوم می‌باشند پس تنها از راه حضرت علی علیه السلام می‌شود به علم و دانش رسید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أنا مدينة العلم و علی بابها» یعنی من شهر علم و علی در آن است.

❖ چرا نام حضرت علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟

چند جواب دارد: ۱. قرآن در مقام بیان همه چیز نیست بلکه بیانگر کلیات و عناوین اصلی اسلام است. ۲. نظر به این که حضرت علی علیه السلام دشمنان پر کینه فراوانی داشت اگر نامش در قرآن ذکر می‌شد، قرآن را تحریف می‌کردند. و نام علی علیه السلام را حذف می‌نمودند و چون خدا خواسته است که قرآن تحریف نشود نام حضرت علی علیه السلام را در قرآن (صراحتاً) ذکر نکرده است. ۳. گرچه نام حضرت علی علیه السلام در قرآن نیامده است ولی آیات متعددی (حدود ۲۰۰ آیه) در شأن او نازل شده است.^۲

۴. موضوع ولایت حضرت علی علیه السلام مورد آزمایش است و بایستی مردم به وسیله آن آزمایش شوند از جمله آیاتی که مؤید این مطلب است آیه اول سوره عنکبوت است که می‌فرماید: «آیا مردم چنین پندارند که با گفتن اینکه ایمان آوردیم، رها کرده شوند و مورد آزمایش قرار نگیرند» که بنا به نقل علما و مفسران عامه و خاصه، مقصود از آن، ولایت علی علیه السلام است که مورد آزمایش مسلمانان قرار گرفته است.^۳

باید گفت نام حضرت علی علیه السلام به صورت کنایه در قرآن ذکر شده است و گویند: «الکنایة ابلغ من التصريح لما فيها من تأكيد المبالغة و قوة التأثير بسبب الرمز و الارشادة و اختلاف الاسلوب» یعنی: کنایه گویی از صراحت گویی بلیغ‌تر است. از این جهت که در کنایه رمز و اشاره و اسلوب مختلف است لذا در آن مبالغه و تأثیر بیشتری می‌باشد.

۱. علل الشرائع، ص ۱۶۰.

۲. پاسدار اسلام، شهریور ۸۰، شماره ۲۳۷، ص ۴۵.

۳. معماهای زندگانی چهارده معصوم (۱)، ص ۸۵.

❖ چرا حضرت علی (علیه السلام) از حضرت آدم برتر است؟

زیرا حضرت آدم عصیان (ترک اولی) کرد ولی خدای سبحان در باره حضرت علی (علیه السلام) و خانواده‌اش می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» علاوه براین، خداوند حضرت آدم را در بهشت آزاد گذاشت و فقط او را از گندم ممنوع کرد ولی او از درخت ممنوعه خورد اما حضرت علی (علیه السلام) در حالی که تمام نعمت‌ها بر او حلال بود، از نان گندم نخورد.^۱

❖ چرا حضرت علی (علیه السلام) از حضرت نوح و لوط برتر است؟

قرآن می‌فرماید: زنان این دو پیغمبر خیانت کردند و در روز قیامت وارد جهنم می‌شوند. اما حضرت علی (علیه السلام) همسری دارد که خشنودی او خشنودی خدا و خشم او خشم خداست.^۲

❖ چرا حضرت علی (علیه السلام) از حضرت ابراهیم برتر است؟

زیرا وقتی حضرت ابراهیم گفت خدایا زنده شدن مردگان را به من نشان بده خطاب رسید مگر تو ایمان نیاوردی عرض کرد بلی ایمان آوردم، ولی می‌خواهم مطمئن شوم اما حضرت علی (علیه السلام) جمله‌ای فرمود که دوست و دشمن آن را نقل کرده‌اند و آن این است که «لو كشف الغطاء ما ازددت يقينا».^۳

❖ چرا حضرت علی (علیه السلام) از حضرت موسی برتر است؟

زیرا وقتی موسی (علیه السلام) قبطی (دشمن شیعه خود) را کشت و صحنه‌های ظلم را می‌دید و از مظلوم دفاع کرد، به او خبر دادند که طرفداران فرعون می‌خواهند تو را به قتل برسانند «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» او از ترسی که داشت از مصر خارج شد و به سوی مدین رفت اما حضرت علی (علیه السلام) در ليله المبيت به جای پیغمبر خوابید و در بستر آن حضرت آرمید و جان خود را بی دریغ فدای پیغمبر کرد «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...».^۴

❖ چرا حضرت علی (علیه السلام) از حضرت عیسی برتر است؟

زیرا حضرت عیسی (علیه السلام) وقتی می‌خواست به دنیا بیاید خدا به مادر عیسی خطاب کرد که از خانه من (بیت المقدس) خارج شو و وضع حمل بکن اما زمانی که حضرت علی (علیه السلام) می‌خواست به

۱. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، سال ۱۳۸۰، ص ۲۹۶-۲۹۱.

۲. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، سال ۱۳۸۰.

۳. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، سال ۱۳۸۰.

۴. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، سال ۱۳۸۰.

دنیا بیاید به مادرش فاطمه بنت اسد خطاب شد که داخل خانه من (کعبه معظمه) شو و وضع حمل کن.^۱

✽ چرا حضرت علی علیه السلام از حضرت سلیمان برتر است؟

زیرا حضرت سلیمان گفت: پروردگارا ملک و سلطنتی به من کرامت کن که سزاوار هیچ کسی بعد از من نباشد اما حضرت علی علیه السلام در باره دنیا و بیزاری از آن فرمود: «یا دنیا غری غیری قد طَلَقْتُک ثلاثاً لارْجَعَه فیها».^۲

✽ چرا حضرت علی علیه السلام از حضرت یونس برتر است؟

زیرا یونس بر اثر آزار مردم از آنها فاصله گرفت ولی حضرت علی با آن همه اذیت‌ها باز برای هدایت مردم بین آن‌ها ماند و ۲۵ سال در خانه نشست و خون دل خورد.^۳

✽ چرا به حضرت علی علیه السلام وحی نشد با اینکه ایشان از پیامبرانی (بجز حضرت محمد) که به آنها وحی می‌شد، برتر بودند؟

زیرا وحی موقعی لازم است که برای بیان احکام و مسائل دینی باشد و چون دین اسلام، دین کامل و جامع و تام است و جمیع مایحتاج بشر از جانب خداوند توسط حضرت جبرئیل به پیامبر خاتم نازل شد لذا دیگر احتیاجی به وحی نبود تا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی هم وحی شود.

✽ چرا با این که حق خلافت با حضرت علی علیه السلام بود و توان پس گرفتن آن را داشتند ولی

بیست و پنج سال سکوت کردند و دست به شمشیر نبردند؟

بخاطر وحدت مسلمین و حفظ اقتدار اسلام و پیشگیری از تشّت و تفرقه.^۴

اولاً: سکوت نکرد، و همواره در موقع مقتضی، اعتراض کرده و حق خود را مطالبه می‌نمود.
ثانیاً: طبق روایات مسلم، علی علیه السلام و همسرش فاطمه را بر استر و چهار پای سوار کرده و برای گرفتن خلافت و طلب یاری به در خانه مهاجر و انصار می‌رفت. ثالثاً: چگونه می‌توان گفت: علی ساکت بود و سکوت او حاکی از رضایت او به خلافت ابوبکر بود، در صورتیکه آن بزرگوار در هر وقت مناسبی حق کشی‌های غاصبان خلافت را بیان کرده و مقام خود را نسبت به خلافت خاطر نشان می‌نمود. به عنوان مثال ایشان در خطبه شششقیه خود به این موضوع اشاره نموده اند

۱. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۳۰، علی بن یونس نباطی بیاضی.

۲. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه رمضان، سال ۱۳۸۰.

۳. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۳۰، علی بن یونس نباطی بیاضی.

۴. علی و فتنه ها، ص ۱۹۷.

که پسر ابوقحافه (ابوبکر) خلافت را مانند پیراهنی پوشید، و حال آنکه می‌دانست مقام من نسبت به خلافت، چون قطب سنگ آسیا می‌باشد.^۱

حضرت علی (ع) به جهت حفظ اساس اسلام و رعایت مصالح عمومی مسلمین و مقدم داشتن اهم بر مهم، پیمان معهود میان خود و رسول اکرم (ص) را در نظر گرفت و بدین گونه بود که در برابر وضع موجود صبر پیشه کرد، در حالی که استخوان در گلو و خار در چشم داشت. زیرا اگر ایشان در آن شرائط حساس (که کفار و مشرکین به انتظار چنین روزی به سر می‌بردند که رسول خدا ﷺ از دنیا برود و آنها حمله خود را علیه مسلمانان آغاز کنند و از طرفی مسلمانان و اسلام مانند نونهالی بودند که تاب صدمات زیادی را نداشتند) قیام می‌کرد اسلام کاملاً به خطر می‌افتاد و شاید از بین می‌رفت.

روزی حضرت زهرا (س) به حضرت علی (ع) فرمود: «ما لک یا ابن ابی طالب اشتملت شملة الجنین و قعدت حجرة الظنن» پسر ابوطالب! چرا مثل جنین در رحم، دست و پایت را جمع کرده و همین جور یک گوشه نشسته ای، و مثل اشخاصی که متهم هستند و خجالت می‌کشند از خانه بیرون بروند در خانه نشسته ای؟ تو همان مردی هستی که در میدانهای جنگ شیران از جلوی تو فرار می‌کردند، حالا این شغالها بر تو مسلط شده اند؟! چرا؟ حضرت در جواب می‌فرماید: آنجا وظیفه من آن بوده، اکنون وظیفه من این است.^۲

در جای دیگر آمده حضرت علی (ع) در جواب حضرت فاطمه (س) فرمودند: بگذار به حساب خدا.^۳

❁ چرا حضرت علی (ع) با اینکه خلافت را از ایشان غصب نموده بودند اما حضرت با خلفا معاشرت می‌نمود و با آنها منازعه‌ای نداشت و حتی نام برخی از فرزندان خویش را به نام خلفا گذاشته و در مشورت آنان شرکت و دختر خود ام کلثوم را به تزویج خلیفه دوم در آوردند؟ باید دانست که ادله قطعی فراوانی بر امامت بلا فصل حضرت علی (ع) وجود دارد و اینها دلیل خشنودی و امضای آن حضرت نسبت به خلافت خلفا نمی‌باشد. اما این که چرا حضرت با آنان معاشرت می‌نمود و با آنها منازعه‌ای نداشت به جهت حفظ اساس اسلام و وحدت مسلمین بود. و علت این که نام برخی از فرزندان خویش را عمر یا ابی بکر یا عثمان گذاشت به آن جهت بود که اولاً: این نامها میان مردم متداول و شایع بود و ثانیاً: در مورد نام عمر، ابن حجر در کتاب

۱. گفتگوی شیعه و سنی، آیه الله شیرازی، ص ۲۹-۳۲.

۲. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۵۴، شهید مطهری.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۹؛ اعلام الهدایه - فاطمه الزهراء، مجمع العالمی لاهل البیت، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ الزهراء بعد ابیها، ص ۱۴۹؛ ارشاد مفید، ص ۲۰۵.

تهذیب التهذیب از قول زبیر بن بکار روایت کرده که خلیفه دوم این نام را بر فرزند آن حضرت نهاده است و در مورد نام عثمان محتمل است که این نام به خاطر علاقه خاندان پیامبر ﷺ به عثمان بن مظعون که یکی از صحابی بسیار خوبی بود است وی وقتی از دنیا رفت پیامبر خدا ﷺ در مرگ وی ناله کشید و سخت می‌گریست.^۱

ثالثاً: احتمال می‌رود که امیرالمؤمنین علی (ع) این نام‌ها را بر فرزندان خویش نهاده‌اند تا زیر پوشش این نام‌ها به خاطر تحفظ بر مصالح اسلام و جلوگیری از مفاسد بهتر بتوانند در امور خلفا دخالت کنند.

و مرحوم مفید ازدواج عمر را با دختر حضرت علی (ع) مورد تردید قرار داده است و شاید اضطراب و ناچاری باعث چنین کاری شده است چنانکه گاهی یک صاحب قدرت پیشنهاد ازدواج به یک خانواده را می‌دهد و امتناع این خانواده از انجام این ازدواج، مفاسد و خطرهایی را به دنبال می‌آورد لذا بخاطر پرهیز از این مفاسد و خطرهای مذکور انجام می‌شود و از احادیثی که در این مورد وارد شده استفاده می‌شود که امیرالمؤمنین (ع) نخست این ازدواج را رد کرد و سرانجام با تهدید خلیفه دوم روبرو شد که برای شما کرامت و حرمتی باقی نخواهم گذاشت جز آنکه آن را از بین خواهم برد.^۲

❁ چرا ابوبکر و عمر در مقابل حضرت علی (ع) موفق شدند؟

ابو بکر می‌گوید: آنچه باعث موفقیت ما می‌شود سه عامل است: ۱. علی (ع) تنها است و یار و یآوری ندارد. ۲. علی (ع) مقید است که مطابق وصیت رسول خدا ﷺ عمل کند، و نمی‌خواهد بر خلاف وصیت او با ما رفتار نماید. ۳. هر کدام از قبایل و تیره‌های عرب به خاطر کشته شدن بستگانشان به دست او، با او کینه و عداوت دارند، و به طور طبیعی نمی‌توانند با او روابط مهربانگیر برقرار سازند.

اگر این امور نبود، خلافت برای او قطعی می‌شد، و مخالفت ما بی‌اثر بود. ابوبکر می‌گوید: سوگند به خدا اگر علی (ع) بخواهد ما را با دست چپ خود می‌کشد بی‌آنکه به دست راستش نیاز داشته باشد.^۳

❁ چرا حضرت علی (ع) با قتل عثمان مخالفت می‌نمودند؟

۱. هرج و مرج و بحرانی که در اثر قتل خلیفه در جامعه اسلامی پدید خواهد شد. ۲. سوء

۱. اسد الغابہ، ج ۳، ص ۳۸۷-۳۸۶.

۲. روابط متقابل خلفا با خاندان پیامبر (ص)، ص ۲۳-۱۹.

۳. رنجه‌ها و فریادهای فاطمه، ص ۱۸۳-۱۸۲.

استفاده دشمنان اسلام ۳. سوء استفاده بنی امیه و در رأس آن، معاویه که نهایتاً نیز چنین شد ۴. اتهام به شخص حضرت علی (ع) از جهت دست داشتن در قتل خلیفه.^۱

❁ چرا حضرت علی (ع) بعد از عثمان خلافت و حکومت را پذیرفت؟

زیرا مشکلات جامعه اسلامی در آن زمان به اوج خود رسیده بود که حضرت علی (ع) از سوی مردم برای اداره حکومت و خلافت انتخاب شد و حکومت را پذیرفت.^۲ خود حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ...»^۳ یعنی اگر حضور حاضرین نبود و اگر به سبب وجود یاران، حجت بر من تمام نمی‌شد و...، حکومت و زمامداری را نمی‌پذیرفتم. سر قبول رهبری امت اسلامی از سوی حضرت علی (ع)، جریان لزوم تعدیل اقتصاد و توزیع عادلانه در آمد سرانه و کار و اشتغال و نیز نحوه تقسیم اموال ملی و همچنین تسهیم اموال دولتی با سهام معین و مضبوط است، تا ستمگر، در اثر پر خوری مبتلا به سنگینی نشود و ستم‌دیده، در اثر کم خوری و سوء تغذیه، به تبعات تلخ آن گرفتار نگردد.^۴ از جمله دلائل پذیرفتن خلافت ۱. حضور جمعیت فراوان برای بیعت. ۲. دلیلی برای ترک قیام نمی‌دید، زیرا به ظاهر حجت بر او تمام شده بود و یار و یاور و حامی داشت. ۳. عهدی که خداوند از علما گرفته است که منکرات را بر طرف سازند، و ظالمان را نابود کنند و با داشتن قدرت، ستمها را از ریشه برکنند.^۵

❁ چرا گوییم بعد از پیامبر (ص) ۱۲ امام وجود دارد که اولین آن‌ها حضرت علی (ع) و آخرین آنها حضرت مهدی (عج) می‌باشند؟

به سه دلیل:

۱. نقل متواتر از شیعه خلفاً عن سلف که امامت هر یک از دوازده امام را می‌رساند.
۲. چون واجب است که امام معصوم باشد و کسی هم غیر این دوازده امام معصوم نمی‌باشد.
۳. وجود کمالات نفسانی و بدنی در هر یک از آنها، پس همان طور که خود کامل هستند دیگران را هم به کمال می‌رسانند.^۶

۱. علی و فتنه ها، ص ۱۱۰؛ سیاست نظامی امام علی (ع)، اصغر قائدان.

۲. نشر آزمون، سال سوم راهنمایی، ص ۵۹۲، سال ۱۳۸۰.

۳. نهج البلاغه، خطبه شششنبه.

۴. ولایت فقیه، ص ۲۰۱.

۵. علی و فتنه ها، ص ۱۱۵.

۶. کشف المراد، ص ۲۳۹-۲۳۸.

❁ چرا گوئیم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام افضل از جمیع صحابه است؟

به چند دلیل:

۱. کثرت جهاد او ۲. تحمل سختی‌های زیاد در جنگها ۳. از جمیع صحابه عالم‌تر بود ۴. قرآن در حق او می‌فرماید: «وَأَنْفُسَنَا» یعنی حضرت علی علیه السلام را نفس پیامبر حساب کرده است ۵. کثرت سخاوت او ۶. از همه مردم زاهدتر بود ۷. از جمیع صحابه پرهیزکارتر بود ۸. از جمیع صحابه بردبارتر بود ۹. اخلاق او از همه بهتر بود ۱۰. اولین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد ۱۱. فصیح‌ترین مردم بود ۱۲. رأی او از همه محکم‌تر بود ۱۳. بیش از همه حریص بر اقامه حدود الهی بود ۱۴. وجوب محبت دارد. قرآن گوید: «قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» ۱۵. همدریف انبیا بود روایت گوید: کسی که می‌خواهد آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را ببیند علی علیه السلام را ببیند ۱۶. حدیث منزلت ۱۷. حدیث غدیر ۱۸. خبر از غیب دادن او ۱۹. مستجاب الدعوه بودن او ۲۰. ظهور معجزات فراوان به دست او ۲۱. نزدیک‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از حیث نسب بود ۲۲. مؤاخات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با او (عقد برادری بستن پیامبر با او).^۱

❁ چرا حضرت علی علیه السلام اولین نفری هستند که وارد بهشت می‌شوند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: ای علی تو اول کسی هستی که وارد بهشت می‌شوی حضرت علی علیه السلام فرمودند: حتی قبل از شما؟ فرمودند: بله تو در آخرت صاحب پرچم من هستی همانطور که در دنیا صاحب پرچم من بودی؛ و حامل پرچم، مقدم می‌باشد.^۲

❁ چرا حضرت علی علیه السلام از کسانی که حقش را غصب کردند، دست برداشت؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: به جهت ترس از این که قوم (مردم) کافر نشوند دست از آن‌ها برداشت.^۳

❁ چرا حضرت علی علیه السلام شبی که طلحه و زبیر وارد بر ایشان شدند چراغ را خاموش و چراغ دیگر را روشن کردند؟

چون آن چراغ از بیت المال مسلمین بود و آن‌ها کار شخصی داشتند از این جهت آن چراغ را خاموش و چراغ شخصی خود را روشن کردند.

❁ چرا حضرت علی علیه السلام شهر کوفه را برای حکومت انتخاب نمودند؟

صاحب «تاریخ خلفا» جناب رسول جعفریان گوید به سه علت: اولاً از نظر اقتصادی، محیط

۱. کشف المراد، ص ۲۴۸-۲۱۲.

۲. علل الشرایع، ص ۱۷۳.

۳. علل الشرایع، ص ۱۵۰.

حجاز، توانایی تحمل رویارویی با عراق یا شام را نداشت و مدینه هم به درستی توانایی سیر کردن مردم خودش را نداشت اکنون چطور می‌توانست سپاهی عظیم را تغذیه کند؟ ثانیاً آن که مدینه از لحاظ نیروی انسانی کشتش یک جنگ تمام عیار را با شام نداشت ثالثاً مردم مدینه، به جز انصار، چندان علاقمند به امام علی علیه السلام نبودند.

و خود امام علی علیه السلام فرمودند: «ان الاموال و الرجال بالعراق»^۱. حضرت علی علیه السلام به این جهت بعد از جنگ جمل این شهر را برای حکومت انتخاب نمودند که شهر کوفه از نظر ارتباط با ایران و شام و حجاز موقعیت مناسبی داشت و حضرت بخصوص می‌خواستند به شام نزدیک باشند.^۲

دلیل اصلی این استقرار آن بود که حجاز، توانایی تحمل رویارویی با عراق یا شام را نداشت. افزون بر آن جمعیت اندک مدینه نمی‌توانست در برابر سپاه شام بایستد.^۳

❁ چرا حضرت علی علیه السلام با این که قاتل خود (ابن ملجم) را می‌شناختند قبل از ضربت زدن، او را هلاک نکردند؟

به جهت اینکه قصاص قبل از قتل جایز نمی‌باشد لذا هر چند حضرت علم به قضیه داشتند اما از نظر اسلام چنین کاری سزاوار نیست. و شاید به جهت این باشد که احتمال بدا می‌رفت که ابن ملجم کار خیری را انجام دهد که موقتاً به چنین کاری نشود.

❁ چرا با این که حضرت علی علیه السلام می‌دانست به دست ابن ملجم در مسجد کوفه در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان کشته می‌شود، باز به مسجد رفتند؟

این اجل حتمی و قضای الهی بوده است. و تقدیر الهی چنین بوده که حضرت در محراب عبادت به دست اشقی الاشقیای شهید گردند و مصلحت چنین اقتضا می‌کرد که چون شایعه شده بود، حضرت علی (ع) نماز نمی‌خواند ایشان در محراب عبادت در حال نماز به شهادت برسند و از طرفی رسول خدا (ص) خبر چنین قضیه‌ای را به حضرت علی علیه السلام داده بودند.

❁ چرا حضرت علی علیه السلام تا حضرت زهرا علیها السلام زنده بود با زنی دیگر ازدواج نکرد؟
علامه مجلسی روایت می‌کند که حضرت علی علیه السلام مادامی که فاطمه زهرا علیها السلام شهید نشده بودند برای احترام به آن بانو با زنی دیگر ازدواج نکرد.^۴

۱. اخبار الطوال، ص ۱۴۳، الفتوح، ج ۲، ص ۲۶۸؛ المعیار و الموازنه، ص ۹۸.

۲. تاریخ سال دوم راهنمایی، سال ۱۳۸۱.

۳. حیات فکری و سیاسی شیعه، ص ۹۰، رسول جعفریان.

۴. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۹۲، ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۱۲.

❖ چرا حضرت علی علیه السلام از عقیل خواست تا زنی را برای او خواستگاری کند که برادرانش از دلاوران باشند؟

امام فرمودند: منظور من از این ازدواج این است که پسری شجاع باشیم بیاورد.^۱
در واقع قصد حضرت این بود که مانند قمر بنی هاشم ابوالفضل از او متولد شود تا در کربلا فرزندش حسین علیه السلام را یاری نماید.

❖ چرا حضرت علی علیه السلام سید هستند؟

زیرا هر کسی که نسب او به جدّ دوم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «هاشم» برسد، سید می باشد و نسب حضرت علی علیه السلام هم به هاشم بر می گردد.

❖ چرا حدود صد سال قبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام مخفی بود؟

حضرت علی علیه السلام وصیت فرمودند تا قبرش را مخفی دارند تا مبادا پس از او جنگی بپا شود و در آن جنگ که غلبه با بنی امیه بود خون بسیار ریخته شود به همین جهت قریب یک قرن (صدسال) که امویان سلطه و اقتدار داشتند، قبر مبارک حضرت مخفی بود.^۲
از امام جواد علیه السلام پرسیدند چرا قبر جدت علی علیه السلام مخفی بود؟
حضرت فرمود: از دست خوارج نهروان.
گفتند: چرا؟

فرمود: به خدا قسم اگر خوارج نهروان می فهمیدند و می دانستند قبر جد ما علی علیه السلام کجاست شبانه می آمدند و نبش قبر می کردند و بدن را در آورده، آتش می زدند.^۳

❖ چرا بزرگان دین مانند امام علی علیه السلام به مسجد کوفه و امام حسین علیه السلام به کربلا رفتند با این که می دانستند که اگر به آن جا بروند کشته خواهند شد؛ آیا این مصداق خود را به تهلکه انداختن نیست که قرآن از آن نهی کرده و فرموده: «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» یعنی با دستان خویش خود را به هلاکت نیاندازید؟
چند جواب دارد:

۱. سالبه به انتفاء موضوع است یعنی اصلاً اینجا تهلکه ای نیست که نهی روی آن بیاید.
۲. وظیفه آنها چنین بوده است و مفری از آن نبوده است چون اجل حتمی حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه و اجل حتمی امام حسین علیه السلام در کربلا بوده است.

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۱۲.

۲. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۴۸۲.

۳. نغمه هایی از بلبل بوستان حضرت مهدی، ص ۱۹۶.

۳. مگر با وجود خطر حتی کشته شدن باید دست از هدف عالی خود که مورد رضایت خداست کشید. به عنوان مثال جهاد واجب است در حالی که خطر کشته شدن در کار است.

❁ چرا حضرت علی علیه السلام می فرمایند من به پیر زنان سلام می کنم ولی به زنان جوان سلام نمی کنم زیرا می ترسم از صدای آنان خوشم آید و گناهی که بر من وارد شود زیاده تر از ثوابی باشد که از سلام کردن طلب می کنم و حال این که حضرت علی علیه السلام معصوم بودند؟
چند جواب دارد:

۱. با این که معصوم بودند ولی قادر به گناه بودند و امکان گناه در معصوم هست هر چند که هرگز گناه نمی کنند و عنایت الهی شامل آنها می شود.

۲. این کلام حضرت علی علیه السلام برای تعلیم دیگران است و خود حضرت علی علیه السلام از امثال اینها معصوم و منزّه هستند.^۱

❁ چرا حضرت علی (ع) محاسن خود را رنگ نمی زدند اما رسول خدا (ص) محاسن شریف خود را رنگ می زدند و می فرمودند: «غَبَرُوا الشَّيْبَ» یعنی موی سفید را رنگ بکنید؟
فردی از حضرت علی (ع) چنین سؤالی را کرد حضرت فرمود: این دستور خودش اصالت ندارد. این دستور برای منظوری بوده که در آن زمان بود ولی حالا دیگر نیست. در آن زمان عدد مسلمین کم بود. در میان سربازهای اسلامی که در جنگها شرکت می کردند پیر زیاد بود و ریش تمامشان سفید بود. لذا دشمن روحیه اش قوی می شد لذا پیامبر فرمودند: ریشها را رنگ ببندید که دشمن به پیری شما پی نبرد. این حاجتی بود مال آنروز. امروز دیگر این حاجت وجود ندارد و در این جهت هر کسی آزاد است.^۲

❁ چرا حضرت علی (ع) در نماز در حال رکوع انگشتر خود را به سائل دادند آیا این کار با حضور قلب منافات ندارد؟

جواب آنکه اولاً خداوند در قرآن چنین کاری را مدح و ستایش می کند «انما وليکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم را کعون» ثانیاً این عمل عین توجه به خداست. ثالثاً دادن صدقه (انگشتر) انجام عبادت در ضمن عبادتی دیگر است، نه انجام یک عمل مباح در ضمن عبادت. رابعاً آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط

۱. حلیۃ المتقین، ص ۲۳۸.

۲. داستانهای استاد ۴، ص ۱۱۴.

به زندگی مادی و شخصی است؛ اما توجه به آنچه در مسیر رضای خداست، کاملاً با روح عبادت سازگار می باشد و آن را تأکید و تقویت می کند.^۱

❁ چرا وقتی حضرت علی علیه السلام یک انگشتر به سائل بخشیدند آیه ای در شأن ایشان نازل شد ولی دیگران بنابر قولی هفتاد انگشتر در حال نماز دادند، ولی نصف آیه ای هم نازل نشد؟ از این جهت که حضرت علی علیه السلام انگشتر خود را خالصانه و در راه خدا انفاق کردند و خواستند به آیه «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» عمل نمایند ولی دیگران انگشتر خود را به این نیت انفاق کردند که آیه ای در شأنشان نازل گردد.

❁ چرا حضرت علی علیه السلام قسیم الجنة و النار هستند؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: به سبب اینکه دوستی و محبت علی علیه السلام ایمان است و بغض و دشمنی او کفر، و همچنین بهشت برای اهل ایمان و دوزخ برای اهل کفر آفریده شده است؛ لذا محبان راستین آن حضرت، وارد بهشت و دشمنان آن حضرت، وارد جهنم، می شوند.^۲

❁ چرا با این که میان صحابه، اشخاص مسن^۳ تر وجود داشت ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین انتخاب نمودند؟

زیرا مسن بودن یک ارزش نیست. بلکه آنچه باعث شد که رسول خدا (ص) حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود انتخاب نمایند یکی امر خداوند بود و قرآن می فرماید: «يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك». یعنی: ای رسول! آنچه که بسوی تو از جانب پروردگارت نازل شد، ابلاغ فرما! چون این آیه در غدیر خم نازل شده، مربوط به جانشینی حضرت علی علیه السلام می باشد. و دیگری به جهت این که حضرت علی علیه السلام دارای اوصاف و کمالاتی بود که دیگران فاقد آن بودند. خود حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «يُنْخِذُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْفِي إِلَيَّ الطَّيْرُ».^۳ یعنی: سیل و چشمه های علم و فضیلت، از دامن کوهسار وجودم جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه ها، به افکار بلند من راه نمی یابند.

❁ چرا حضرت علی علیه السلام با اینکه معصوم بودند و هرگز گناه و ظلمی را مرتکب نشده بودند، می فرمایند: «ظَلَمْتُ نَفْسِي» یعنی: به خود ظلم کردم. یا گویند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» یعنی: خدایا مرا ببامرز؟

اولاً: شاید ترک اولی و افضل کرده باشند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۲۸؛ مجله مبلمان، ش ۱۴۶، ص ۷۸-۷۹.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ششمیه.

ثانیاً: «حسنات الابرار سیئات المقربین» یعنی: چه بسا کارهایی در نزد نیکان و ابرار خیلی خوب باشد ولی همین کارها نزد مقربین درگاه الهی مورد پسند نباشد و چه بسا معصومین چنین کارهایی را انجام داده باشند.

ثالثاً: این توبه معصومین و استغفار آن‌ها درسی برای دیگران است تا راه توبه کردن و استغفار نمودن را از آن‌ها بیاموزند.

رابعاً: این توبه و استغفار آن‌ها به جهت آن بوده است که گاهی بر اثر برخورد با مردم و خوردن و خوابیدن، از محضر پروردگار و درک حضور دور می‌ماندند.

خامساً: با این که گناهی نداشتند ولی چنان عظمت خدا بالاست که خود را مقصر درگاه الهی می‌دانستند.

آیت الله دستغیب گویند: البته علی(ع) معصوم است از گناه در مقام خودش و حسب شأن خودش ناله می‌کند. آنها آنچه برای مقامشان نقص بوده از کمی توجه و اشتغال و سرگرمی به مباح، گناه می‌شمردند.^۱

❁ چرا حضرت علی(ع) در جنگ صفین همه لشکریان دشمن را می‌کشت، چه فراری، و چه زخمی اما در جنگ جمل با فراری و مجروح کاری نداشت؟

امام هادی(ع) می‌فرمایند: سرش این بود که اهل جمل فرمانده و رهبرشان (طلحه و زبیر) کشته شده بود و دیگر (پایگاه) و جمعیتی نداشتند که به آن باز گردند و (فتنه را از سر گیرند) همه به خانه هایشان برگشته و دیگر نه جنگجو بودند، نه مخالف، و نه معارض، راضی بودند که کسی با آنها کاری نداشته باشند و قهراً وظیفه در باره آنها که دیگر به فکر جمع آوری لشکر و از سر گرفتن جنگ نبودند، برداشتن شمشیر و خودداری از آزارشان بود، اما اهل صفین، به (پایگاه و) اردوئی مجهز بر می‌گشتند باز فرمانده داشتند که اسلحه، زره، نیزه، و شمشیر برایشان فراهم می‌کرد، جوائزی بینشان بخش می‌نمود و دست و پا شکستگان را شکسته بندی می‌کرد، زخمیان را درمان می‌نمود و باز دوباره همه را به میدان می‌فرستاد و آماده نبرد می‌کرد، از این رو علی(ع) این دو گروه را به یک چشم ننگریست.^۲

❁ چرا حضرت علی(ع) خوارج را بدترین انسان‌ها می‌دانست «ثم انتم شرار الناس»؟ حضرت در این باره می‌فرمایند: شما کسانی هستید که شیطان شما را بمنزله تیر قرار می‌دهد و در کمان خودش می‌گذارد و هدف را می‌کوبد.^۳

۱. رازگویی و قرآن، ص ۷۸-۷۹.

۲. تحف العقول، ص ۵۶۹.

۳. علی و فتنه‌ها، ص ۱۷۷، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

علی(ع) می گوید شما ابزار قاطعی هستید در دست شیطانها. خوارج می رفتند و سر راه را می گرفتند و می کشتند، و می دریدند و می زدند.^۱

❁ چرا مردم بعد از خلافت حضرت علی(ع) دچار بی رحمی ها و کشت و کشتارهای حجاج یوسف ثقفی شدند؟

زیرا قدر و منزلت حضرت علی(ع) را ندانستند و نسبت به حضرتش بی وفایی کردند به این جهت حضرت در حق آن ها نفرین کرد و فرمود خداوند غلام ثقفی را (حجاج بن یوسف ثقفی) بر شما مسلط گرداند.

❁ چرا مردم حضرت علی(ع) را رها کرده و سراغ دیگران رفتند؟
«لَأنَّهُ بَهَرَ وَاللَّهِ نُورَهُ أَنْوَارَهُمْ وَغَلَبَهُمْ عَلَى صَفْوِ كُلِّ مَنَهْلٍ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أَمِيلٌ»
وَكُلُّ شَيْءٍ لَشَكْلِهِ أَلْفٌ أَمَّا تَرَى الْقَيْلُ يَأْلَفُ الْقَيْلًا^۲

خلاصه این گه چون علی(ع) از نظر فضائل اخلاقی بر آنها غلبه داشت لذا از روی حسادت او را رها نمودند و سراغ دیگران رفتند و همانطور که فیل با فیل الفت می گیرد، آنها هم با هم سنخ خود الفت گرفته و سراغ آنها رفتند.

❁ چرا حضرت علی(ع) آخر الامر با خلیفه وقت بیعت نمودند؟

حضرت با اجبار و اکراه و بعد از شهادت حضرت زهرا(س) تن به بیعت دادند و همواره آن را متذکر می شدند و مردم بخوبی صحنه کشاندن آن حضرت به مسجد برای بیعت، در خاطرشان بود.^۳

باید دانست بیعت حضرت علی(ع) با ابوبکر از روی اکراه و اجبار بود چون به دستور قنفذ غلام عمر همراهان او به داخل خانه امام هجوم آوردند و او را گرفتند و طنابی را به گردن حضرت انداختند و کشان کشان ایشان را به طرف مسجد برای بیعت بردند.

حضرت علی(ع) بی آنکه کف دستش را باز کند؛ دستشان را دراز کردند و ابوبکر هم روی دست آن حضرت زد و به همین اندازه قانع شد.^۴

❁ چرا زره حضرت علی(ع) فقط دارای قسمت جلو بود؟

حضرت علی(ع) در بیان علت این مسأله فرمودند: من هرگز به دشمن پشت نخواهم نمود تا

۱. علی و فتنه ها، ص ۱۷۷.

۲. علل الشرایع، ص ۱۴۵.

۳. علی و فتنه ها، ص ۱۹۸.

۴. علی و فتنه ها، ص ۸۸، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

نیاز به پشت بند زره داشته باشم و فرمودند: به خدا سوگند اگر تمام عرب به پشتیبانی یکدیگر به جنگ من برخیزند، من از آنها رو گردان نمی‌شوم.^۱

حضرت علی (ع) حیدر کرآر غیر فرآر بودند.

«لَأَقْعُدُ الْجَبْنَ عَنِ الْهَيْجَاءِ وَ لَوْ تَوَلَّاتُ زِيرُ الْأَعْدَاءِ»^۲

یعنی: از ترس جنگ دست از جنگ برنمی‌دارم اگر چه دشمنان پشت به پشت هم دهند.

❖ چرا حضرت علی (ع) علاقه زیادی به سوره «قل هو الله» داشتند و آن در اکثر نمازها می‌خواندند؟

خود حضرت فرمودند: برای اینکه این سوره، سراسر صفات خدای رحمان است و از این جهت دوست دارم که آن را بخوانم.^۳

از طرفی این سوره تنها سورهای است که اگر کسی سه بار آن را بخواند ثواب ختم قرآن را برده است.

❖ چرا حضرت علی (ع) خطاب به دنیا نمودند و آنرا سه طلاقه کردند؟

در سفینه البحار آمده: روزی دنیا به صورت بُشینه دختر عامر که از زیباترین زنان قریش بود متمثل شد در حالی که حضرت علی (ع) در فدک بودند پس به حضرت علی گفت آیا می‌خواهی با من وصلت نمایی.^۴ لذا حضرت علی (ع) به آن دخترزبیا که در حقیقت دنیا بود، خطاب نمود و فرمود: «قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا»^۵.

❖ چرا امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پسران رسول خدا ﷺ هستند؟

ابن ابی الحدید گوید: چون منظور خداوند علیم از کلمه «ابنائنا» در آیه مباهله، حسن و حسین می‌باشند.

از «مفردات طبرانی» و «تاریخ خطیب» از جابر از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: خدای توانا فرزندان هر پیغمبری را از صلب او قرار داد ولی فرزندان مرا از صلب من و صلب علی بن ابی طالب قرار داد. فرزندان هر مادری به پدرشان نسبت داده می‌شوند، مگر فرزندان فاطمه که من پدر ایشان هستم.^۶

حضرت موسی بن جعفر (ع) در جواب هارون که اشکال کرد و گفت شما فرزندان دختر

۱. نهج البلاغه، ص ۴۵.

۲. سیوطی، ج ۱، ص ۳۷۶.

۳. معماها و فضیلت‌های امام علی (ع)، محمد حسن عادل پور.

۴. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۶۵.

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۱۹.

۶. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۶.

پیامبر هستید لذا از نسل او نمی‌باشید.

فرمودند: «آیه قرآن می‌گوید: «و من ذریته داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و کذلک نجزی المحسنین و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس» و اینجا خداوند حضرت عیسی علیه السلام را از طریق مادر (مریم) به ذریه پیامبران ملحق ساخته است و ما (ائمه) را نیز از طرف مادرمان فاطمه علیها السلام (به حضرت محمد ص) ملحق نموده است».

❁ چرا امام حسن علیه السلام صلح کردند؟

چند عامل داشت: ۱. پیمان شکنی‌های پی در پی و سست عهدی مردم کوفه و فرماندهان ارتش آن حضرت ۲. بودن یک جرثومه نیرنگ و فریب همانند معاویه در برابر امام حسن علیه السلام امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «انَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِي حَقًّا وَهُوَ لِي فَتَرَكْتُهُ لَصَلَاحِ الْأُمَّةِ وَحَقِّ دِمَائِهَا» یعنی معاویه در گرفتن حقی که برای من بود (حکومت) با من به جنگ برخاست ولی من آن را رها کردم زیرا مصلحت امت چنین اقتضا می‌کرد و برای آن که خون مسلمانان (بدون آنکه بتوان از آن بهره‌ای برداشت) ریخته نشود.^۱

باید گفت که: امام مجتبی علیه السلام به دلخواه خویش با معاویه صلح نکرد بلکه پیمان صلح بر آن حضرت تحمیل شد؛ یعنی شرایطی (داخلی و خارجی) پیش آمد که ایشان از حکومت کناره‌گیری کردند.^۲

علت صلح امام حسن (ع) عبارت است از: امام حسن (ع) در مسند خلافت بود و اگر کشته می‌شد، خلیفه در مسند خلافت کشته شده بود، و دیگر اینکه نیروی امام حسن یک نیرویی بود که کم و بیش با نیروی معاویه برابری می‌کرد و نتیجه شروع این جنگ این بود که این جنگ مدت‌ها ادامه پیدا کند و افراد زیادی از مسلمین کشته شوند بدون اینکه یک نتیجه نهایی صحیحی به دنبال داشته باشد.^۳

باید دانست که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هر کدام یک قیامی داشتند و یک صلحی اما قیام امام حسن علیه السلام قبل از صلح بود و چون اصحاب حضرت بی وفایی کردند و او را تنها گذاشتند حضرت به ناچار صلح نمودند و اما صلح امام حسین علیه السلام حدود ده سالی بود که حضرت در زمان معاویه زندگی می‌کردند و قیام حضرت موقعی بود که یزید روی کار آمد و مصلحت را در قیام دیدند.

۱. درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت، ص ۷۵-۶۸.

۲. ره توشه، ص ۱۹۱، سال ۱۳۷۸، ویژه ماه مبارک رمضان.

۳. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۸۰، شهید مطهری.

❁ چرا بنا بر قولی امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) چندین زن خود را مطلقه نمودند؟

جواب آنکه این مطلب افتراقی بیش نیست:

اولاً: چون این موضوع یعنی ازدواج کردن امام حسن (علیه السلام) با زنهای زیاد و طلاق دادن آنها از معصوم بما نرسیده پس یک موضوع خرافاتی و دروغی است.

ثانیاً: اینکه این روایت از روایات آحاد است و روایات آحاد را همه علماء قبول ندارند، پس بنا بر این معتبر نیست.

ثالثاً: راوی و نویسنده این موضوع که از اهل تصوف بشمار می رود، نزد علمای رجال و روایت موثق نیست بلکه او را ضعیف الروایه شناخته اند.

محدث قمی در جلد اول «الکنی و الالقاب» می نویسد: این روایت به معصوم نمی رسد و هیچ عقل سلیمی آنرا باور نخواهد کرد.

رابعاً: بر فرض محال که بگوییم: این نسبیتی را که به امام حسن (علیه السلام) داده اند درست باشد، چرا فقط مورخین، شرح یک عده معدودی از آنان را نوشتند.

خامساً: بر فرض صحت این مطلب، باید تعداد فرزندان حضرت زیاد باشند در حالی که تعداد فرزندان حضرت، چنانکه شیخ مفید در ارشاد می نویسد: هشت پسر و هفت دختر بوده اند.^۱

در بعضی از کتب آمده است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مردی خدمت علی (علیه السلام) رسید و گفت: من برای مشورت آمده ام همانا حسن و حسین و عبدالله جعفر از دختر من خواستگاری نموده اند چکنم؟ حضرت علی (علیه السلام) به او فرمود: «الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ أَمَّا الْحَسَنُ فَأَنَّهُ مُطْلَقٌ لِلنِّسَاءِ وَ لَكِنْ زَوْجَهَا الْحُسَيْنُ فَأَنَّهُ خَيْرٌ لِّابْنَتِكَ». یعنی: همانا حسن زیاد طلاق دهنده زنان است و لکن دخترت را به حسین بده زیرا او برای دخترت بهتر است.^۲

صاحب کتاب «منتخب التواریخ» از علت طلاق های امام حسن (علیه السلام) جوابهایی داده است که عبارت است از:

۱- از کتاب کامل بهائی نقل می کند که پیغمبر (ص) خبر داده بودند که زنی نصیب امام حسن (علیه السلام) یا نصیب امام حسین (علیه السلام) می شود که همه شب باکره است، این زن نصیب هر کدام از این دو بزرگوار شود امامان بعد از ایشان از صلب او بوجود می آیند لذا امام حسن (علیه السلام) برای اینکه ائمه از صلب او بوجود بیایند زیاد ازدواج می کرد و چون زنی بدین وصف نصیب آنحضرت نمی شد لذا آنان را طلاق می داد.

۲- علت ازدواج های حضرت از این جهت بوده که مردم افتخار می کردند یکشب دخترانشان

۱. ستارگان درخشان، ج ۴، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳-۴۴، ص ۱۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۸ و ص ۲۷۱؛ فروع کافی، ج ۶، ص ۵۶، ح ۵.

ضجیع و همخوابه امام مجتبی علیه السلام باشند.

۳- ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از ابوعبدالله محدث در: رامش افزای نقل می کند که همه آن زنان با پای برهنه دنبال آن بزرگوار بودند و چنانچه ناراضی بودند بدین نحو از جنازه آنحضرت تشییع نمی کردند.

۴- ممکن است کثرت طلاق آنحضرت بدین لحاظ بوده که امر طلاق را ترویج دهد، زیرا در اوائل اسلام مردم از طلاق دادن زنان خودداری می کردند، بلکه معتقد بودند که امر طلاق امر حرامی است.^۱

❁ چرا امام حسن علیه السلام با اینکه می دانستند به دست همسر خود جعده (دختر اشعث بن قیس) مسموم می شوند ولی او را از خانه اخراج ننمودند؟

اما حسن علیه السلام فرمودند: من چنین کاری را انجام نمی دهم به چند جهت:
اولاً: در علم خداوند مقدر است که او قاتل من است (و از قضای حتمی الهی نمی توان فرار کرد).
ثانیاً: هنوز جرمی مرتکب نشده است که من او را به عنوان مجازات اخراج کنم.
ثالثاً: اخراج او بهانه می شود برای حملات و تهمت های ناجوانمردانه دشمنان علیه من. از اینها گذشته، امام وظیفه دارد علم اختصاصی خود را نادیده گرفته، با دیگران همانند افراد عادی رفتار نماید.^۲

❁ چرا امام حسن علیه السلام از کوزه زهر آلود آب نوشیدند؟

یکی از احتمالات اساسی و قابل ملاحظه این است که انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام) همه امور را می دانند اما «بالقوه» نه «بالفعل» یعنی هرگاه بخواهند و اراده کنند چیزی از اسرار غیب را بدانند خداوند به آنها الهام می کند، و یا قواعد و اصولی نزد آنها است که با مراجعه به آن قواعد و اصول فتح باب می شود و می توانند هر چیزی از اسرار غیب را بدانند، و یا کتبی نزد آنها است که به آن می نگرند و از اسرار غیب با خبر می شوند، یا اینکه در هر حال که خدا اراده کند و به اصطلاح حالت «بسط» به آنها دست دهد از این اسرار با خبر می شوند، در حالی که این اراده بر گرفته شود و به اصطلاح حالت «قبض» حاصل گردد، این علوم موقتاً پنهان می شود. نتیجه آنکه اگر آنها می خواستند بدانند می دانستند، ولی آنها می دانستند که خداوند برای امتحان یا مصالح دیگر به آنها اجازه نداده است آگاهی پیدا کنند.^۳

۱. ستارگان درخشان، ج ۴، ص ۱۱۷-۱۲۰.

۲. خرائج راوندی، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲، تاریخ عمادزاده، ص ۵۵۰.

۳. یکصد و هشتاد و پیرش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۳۰۴-۳۰۵.

❁ چرا امام حسن علیه السلام کنار قبر جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن نگردیدند؟

هنگامی که امام حسین علیه السلام خواستند جنازه برادرشان امام حسن علیه السلام را کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن نمایند مردی گفت من از امام حسن علیه السلام شنیدم که به حسین بگوید در باره من خونی ریخته نشود لذا چون افرادی مانع از دفن امام حسن علیه السلام شدند، امام حسین علیه السلام دست از این کار برداشتند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: نخستین زنی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر استر شد، عایشه بود او به سوی مسجد آمد و مانع شد از اینکه امام حسن مجتبی علیه السلام کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن گردد.^۱

❁ چرا امام حسین علیه السلام قیام نمودند؟

چنان که خود حضرت علیه السلام می فرمایند:

«أَنَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صلی الله علیه و آله أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي» یعنی: مقصود من از خروج اصلاح امت و نجات دادن اجتماع از انحراف است می خواهم امر بمعروف و نهی از منکر کنم و روش من مانند جدم و پدرم علی علیه السلام است.^۲

سه عامل اساسی در قیام امام حسین (ع) دخالت داشته است: عامل اول: حکومت ستمکار وقت از امام حسین (ع) بیعت می خواست: «خذا الحسین بالبيعة اخذا شديدا ليس فيه رخصة» عامل دوم: دعوت کوفه به عنوان یک شهر آماده. عامل سوم: عامل امر به معروف و نهی از منکر.^۳

❁ چرا امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در ظاهر دو سیاست ناهمگون را دنبال نمودند؟

زیرا در سال چهل و یکم (زمان امام حسن علیه السلام) با سال شصت و یکم هجری قمری (زمان امام حسین علیه السلام) تفاوت هایی وجود داشت که عبارتند از: ۱. بین معاویه و یزید تفاوت هایی وجود داشت. معاویه با شیطننت و زیرکی خاصی که داشت در حل و فصل امور مسلمانان قابل مقایسه با یزید نبود. معاویه رُست دین داری می گرفت و خود را بر حق جلو می داد ولی یزید جوانی خام، بی تجربه، لالایی و بی اعتنا به شعائر دینی بود.

۲. از نظر جو فرهنگی و افکار عمومی سال چهل و یکم با شصت و یکم هجری قمری متفاوت بود.

۳. بین موقعیت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام تفاوت وجود داشت. امام حسن علیه السلام رسماً

۱. علل الشرائع، ج ۱ و ۲، ص ۳۰۳.

۲. درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت، ص ۲۱۷.

۳. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۸۲، شهید مطهری.

خلیفه مسلمانان بود اگر در این مسند کشته می‌شد، می‌گفتند حاکم و خلیفه مسلمانان کشته شده است، و دشمنان سوء استفاده می‌کردند.

۴. از جمله عوامل قیام امام حسین علیه السلام بیعت کوفیان و اصرار آنان برای مقاومت و ایستادگی در برابر یزید بود.

۵. شهادت در زمان امام مجتبی علیه السلام راه حل نبود در حالی که در زمان امام حسین علیه السلام تنها راه، همین بود.^۱

گویند: اگر امام حسین علیه السلام در زمان امام حسن علیه السلام بودند همان کاری را می‌کردند که امام حسن علیه السلام کردند و اگر امام حسن علیه السلام در زمان امام حسین علیه السلام بودند همان کاری را انجام می‌دادند که امام حسین علیه السلام انجام دادند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «ان الحسن و الحسین امامان قاما او قعدا». یعنی: حسن و حسین هر دو امامند چه قیام کنند چه صلح نمایند.

شهید مطهری (ره) گویند: وضع یزید با وضع معاویه فرق می‌کرد. معاویه در لباس نفاق کار می‌کرد، یزید در لباس کفر. معاویه حداقل روی کارهایش سرپوش می‌گذاشت اما یزید جوانی بود دیوانه و پرده در که حساب موقعیت خودش را نمی‌کرد.^۲

❁ چرا امام حسین علیه السلام زنان و بچه‌ها را همراه خود به کربلا بردند؟

امام حسین علیه السلام به برادر خود محمد حنفیه فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخواهم آمد و فرمود: حسینم از مکه خارج شو زیرا خداوند می‌خواهد ترا کشته ببیند محمد گفت در این صورت پس چرا زن‌ها را با خود کوچ می‌دهی؟ آن بزرگوار فرمود: خداوند می‌خواهد این‌ها را اسیر مشاهده کند.^۳

چند علت برای این امر ذکر کرده‌اند: ۱. خدای حکیم امر به چنین کاری نموده بود همانطور که خود حضرت هم به برادر خویش محمد حنفیه اشاره به چنین موضوعی نمودند. ۲. امام حسین علیه السلام می‌دانستند که اگر اهل و عیال خود را در حجاز یا جای دیگر بگذارند، یزید و طرفدارانش آنان را تعقیب خواهند کرد و از شکنجه دادن به ایشان کوتاهی نخواهند نمود. ۳. تا اینکه تا لحظه آخر آنان تحت نظر و اشراف حضرت باشند. ۴. اسیری اهل و عیال آن حضرت طغیان و سرکشی یزید و یزیدیان را ثابت نمود. به قول شاعر: کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود. ۵. امام حسین علیه السلام در ابتدا که با زنان و بچه‌ها از مدینه خارج شدند به قصد اجابت مردم

۱. ره توشه، ص ۱۹۵، سال ۱۳۷۸، ویژه ماه مبارک رمضان.

۲. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۳۰، مجید باقری.

۳. درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت، ص ۲۵۷.

کوفه و رفتن به آنجا دست به چنین کاری زدند.

❁ چرا یزید امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رساند؟

مرحوم کلینی می‌فرماید:

زیرا میان امام حسین (علیه السلام) و یزید یک عداوت اصلی بود و یکی عداوت فرعی اما عداوت اصلی آن بود که عبد مناف دو فرزند برایش به دنیا آمد که پشت آندو به هم چسبیده بود به نام‌های هاشم و امیه، لذا با شمشیر آندو را از هم جدا کردند و بعد از آن دائماً بین آندو برادر و اولاد آنها (امیه و هاشم، ابوسفیان و محمد (ص)، معاویه و امام حسن (ع) و یزید و امام حسین (ع) جنگ و خونریزی و عداوت بود (اما عداوت فرعی، بیعت نکردن امام حسین (علیه السلام) با یزید بود).^۱ منشأ کشته شدن امام حسین (علیه السلام) همان روز سقیفه می‌باشد.^۲

❁ چرا امام حسین (علیه السلام)، ابتدا اصحاب خود را به جنگ فرستادند سپس خود به میدان رفتند؟

تا از آن‌ها از چندین جهت حمایت کند: ۱. در وقت احتضار بر سر بالین آن‌ها بیاید تا دشمن، دیگر، زخمی بر آن‌ها وارد نسازد. ۲. دشمن سر آن‌ها را از بدن جدا نکند. ۳. تا دشمن لباس‌هایشان را از تن بیرون ننماید.^۳ ۴. اصحاب با وجود امام حسین (علیه السلام) روحیه خوبی داشتند و اگر اول امام شهید می‌شدند روحیه آن‌ها ضعیف می‌شد.

❁ چرا امام حسین (علیه السلام) از دشمن تقاضای آب کردند؟

اولاً: حضرت برای اتمام حجت چنین تقاضایی را از آن‌ها نمودند زیرا سیدالشهدا (علیه السلام) سه مرتبه به اهل کوفه آب دادند: یکی استسقاء به جهت ایشان در کوفه. دیگر در صفین که معاویه آب را گرفته بود. و یکی هم وقتی لشکر «حرّ» به صحرای کربلا آمد و تشنه بود (امام حسین (علیه السلام) به آنها آب دادند و حتی اسبان آنها را نیز سیراب نمودند). لذا حضرت باید این سه حق آب دادن را برای ایشان ثابت کند که حجت تمام باشد.

ثانیاً: برای زنان و اطفال در حرم خصوصاً طفل شیر خواره خود طلب آب نمود. ظاهراً وقتی بوده که طفل محتضر بوده است «أَمَا تَرَوْهُ (كَيْفَ) يَتَلَطَّى عَطْشًا»^۴ یعنی: آیا نمی‌بینید که

۱. علل الشرایع، ص ۲۴۳.

۲. رنجها و فربادهای فاطمه، ص ۲۶۰.

۳. مجالس المواقظ، ص ۱۵۲، حاج شیخ جعفر شوشتری.

۴. مجالس المواقظ، ص ۱۱۸.

چگونه از تشنگی به خود می پیچد و دست و پا می زند.

❖ چرا امام حسین (علیه السلام) موقع رفتن به میدان لباس عتیق (کهنه) پوشیدند؟

تا کسی راغب به آن نباشد «تَوْبُ عَتِيقٍ لَا يُرْغَبُ فِيهِ»^۱. حضرت پیراهن کهنه به تن نمودند تا دشمن بعد از شهادت از روی غنیمت آن را از بدن ایشان بیرون نیاورد و بدن برهنه بماند. باید گفت که دشمن دون (پست) حتی آن پیراهن را هم از بدن حضرت بیرون آورد.

❖ چرا امام حسین (علیه السلام) (و همچنین حضرت علی (علیه السلام)) بعضی از دشمنان را نمی کشتند؟

خود حضرت در این باره فرمودند: چون من هر مخالفی را که در نسل او مومنی ببینم، نمی کشم.^۲

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: کسانی را که پدرم نمی کشت در نسل آنها، شخصی وجود داشت که ما اهل بیت را دوست می دارد لذا پدرم برای حفظ آن دوستدار ما در صلب پدرش، پدر را نمی کشت.^۳

❖ چرا حضرت زینب در موقعی که امام حسین جنازه فرزندان او را به خیمه ها می آوردند از خیمه ها بیرون نیامد؟

با اینکه حضرت زینب در استقبال از جنازه های شهدا پیشاپیش بانوان بود، ولی در این وقت بیرون نیامد چرا که مبدا چشمش به پیکر فرزندانش بیافتد و بی تابی کند و از اجرش کاسته شود و یا اینکه مبدا برادرش او را در این حال بنگرد و در برابر خواهر شرمنده یا بی جواب بماند.

❖ چرا گوییم شهدای کربلا از همه شهیدان حتی از شهدای بدر هم برتر هستند؟

با آن که از اصحاب بدر برتر نداریم، اما باید گفت که آن ها از ابتدا برای جنگ بیرون نرفتند. زیرا اگر می دانستند که جنگ واقع می شود، نمی رفتند. چنان که خداوند در قرآن اشاره به آن می فرماید: «وَ اِذْ يَدْعُوكُمُ اللّٰهُ اِحْدٰى الطّٰائِفَتَيْنِ اَنْهَآ لَكُمْ وَ تَوَدُّوْنَ اَنْ غَيْرَ ذٰلِكَ الشّٰوْكَةُ تَكُوْنُ لَكُمْ». اول به ایشان فرمود: بیاوید تا قافله کفار به دست شما بیاید. آن ها به امید قافله کفار بیرون آمدند، نه به امید کشته شدن.

«اصحاب بدر» خوفشان از کشته شدن بود. چنان که می فرماید: «وَ تَوَدُّوْنَ اَنْ غَيْرَ ذٰلِكَ الشّٰوْكَةُ تَكُوْنُ لَكُمْ». اما «شهدای کربلا» در روز عاشورا، همه اضطراب ایشان در کشته نشدن

۱. مجالس المواقظ، ص ۱۶۰.

۲. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۲۴۰؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۵۰۵.

۳. معماهای زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۱۹.

بود. هر کدام عجله می کردند که بروند و زودتر کشته شوند.

«شهدای بدر» با وجودی که خداوند عالم وعده نصرت به ایشان داده بود، در جنگ، استغاثه می کردند چنان که می فرماید: «اذ تَسْتَعِثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجِبْ لَكُمْ اِنِّی مُمَدِّکُمْ بِاَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ مُرْدَفِیْنَ» مضطرب نشوید ما ملائکه را به نصرت شما می فرستیم. اما «شهدای کربلا» با آن که ملائکه به امدادشان آمدند، از این که امدادشان کنند، و کشته نشوند واهمه داشتند. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا.^۱

❁ چرا روز عاشورا بزرگ ترین روز مصیبت در جهان اسلام می باشد؟

عبدالله فضل هاشمی از امام صادق علیه السلام سوال کرد چرا روز عاشورا روز غم و مصیبت و گریه گردیده است بخلاف روزی که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه علیها السلام و امیر المومنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام به شهادت رسیدند؟ حضرت در جواب فرمودند: روزی که حسین علیه السلام در آن به شهادت رسید بزرگ ترین روز مصیبت از سایر ایام است؛

از این جهت که اصحاب کساء که گرمی ترین خلق نزد خداوند بودند پنج نفر بودند (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رحلت نمودند، امیرالمومنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام زنده بودند لذا هم برای مردم عزا بود و هم آرامش خاطر و زمانی که فاطمه علیها السلام به شهادت رسید امیر المومنین و حسن و حسین علیهم السلام زنده بودند لذا هم برای مردم عزا بود و هم آرامش خاطر و زمانی که امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسید حسن و حسین علیهم السلام زنده بودند. لذا هم برای مردم عزا بود و هم آرامش خاطر و زمانی که حسن علیه السلام به شهادت رسید حسین علیه السلام زنده بودند لذا باز برای مردم هم عزا بود و هم آرامش خاطر اما هنگامی که حسین علیه السلام به شهادت رسید دیگر از اهل کساء کسی باقی نمانده بود تا مردم یک آرامش خاطری داشته باشند. بنابر این رفتن حسین علیه السلام مانند رفتن جمیع آنان و بقاء او مانند بقاء جمیع آنان بود.^۲

❁ چرا گوییم امام حسین علیه السلام بر همه ائمه امتیاز دارند؟

زیرا نورش امتیازی داشت، شبحش در عالم اشباح امتیاز دارد، ظلش در عالم ظلال امتیازی دارد، اسمش در ضمن اسماء خمس، هم امتیازی دارد، خود نامش امتیازی دارد، تسمیه اش امتیاز دارد، کیفیت تسمیه اش امتیاز دارد، اخبار ولادتش امتیاز دارد، حمل به او هم امتیاز دارد، تربت او نیز امتیاز دارد و سجده بر تربتش تا طبقه هفتم زمین نور می دهد و تسبیح با تربت او

۱. مجالس المواقف، ص ۹۱-۹۲.

۲. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۳۰۴.

اجر مخصوص دارد که هر گاه آن تسبیح بی کار هم باشد، خودش خدا را برای تو تسبیح می‌کند.^۱

❁ چرا امام حسین علیه السلام برای رفع تشنگی حضرت علی اکبر انگشتر خود را در دهان او گذاشتند؟

به جهت این که از خواص بعضی جواهرات این است که چون آن‌ها را در دهان گذارند، آب دهان را جمع می‌کند.^۲

❁ چرا تسبیح تربت و مهر تربت کربلا افضل است؟

زیرا تسبیح با تربت امام حسین علیه السلام اجر مخصوص دارد که هر گاه آن تسبیح بیکار هم باشد، خودش از برای صاحب آن، تسبیح می‌کند.

در منظومه بحر العلوم آمده:

أَكْرَمَ بِهَا مِنْ سَبْحَةِ مُرْجَحَةٍ عَنْ حَامِلٍ يَحْمِلُهَا مُسَبِّحَةٌ

و سجده بر تربتش (مهری که از تربت کربلا باشد) تا طبقه هفتم زمین را نور می‌دهد.^۳

گویند: سجده بر تربت کربلا باعث قبولی نماز می‌گردد.

❁ چرا در تربت قبر امام حسین علیه السلام شفا است؟

مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله می‌فرمایند: بدانکه روایات بسیار وارد شده که در تربت قبر امام حسین علیه السلام شفای هر درد و مرض است مگر مرگ و امانست از بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آنست که ذکر شود.

و اگر در موقعی مؤثر واقع نشد عللی دارد از جمله:

۱- گذاشتن در ظرف‌ها و جاهای بد ۲- شیاطین و کافران از جنیان خود را به آن مالیدن

۳- بی حرمتی و سبک شمردن آن.^۴

❁ چرا زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام بسیار مجرب است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: بدرستی که من ضامنم بر خدا برای هر که زیارت کند امام حسین علیه السلام را به این زیارت (عاشورا) و دعا کند به این دعا (علقمه) از نزدیک باشد یا دور، اینکه

۱. مجالس الموعظ، ص ۱۰۳.

۲. مجالس الموعظ، ص ۱۲۸.

۳. مجالس الموعظ، ص ۱۰۳.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۸۶۰.

زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محجوب نماند و حاجت او روا شود و از جانب خدایتعالی به هر مرتبه که خواهد برسد و او را ناامید برنگرداند.^۱

و به تحقیق که خداوند عزوجل قسم خورده بذات مقدس خود که هر که زیارت کند حسین (علیه السلام) را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا قبول می‌کنم از او زیارت او را و می‌پذیرم از او خواهش او را به هر قدر که باشد و می‌دهم مسئلتش را پس بازنگردد از حضرت من با ناامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به بر آوردن حاجت و فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او در حق هر کسی که شفاعت کند.^۲

باز امام صادق (علیه السلام) به صفوان می‌فرمایند: هرگاه حاجتی داشتی این زیارت و دعا را بخوان و بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از جانب خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود و عده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش.^۳

شیخ عباس قمی (رحمه الله) گویند: به حسب تجربه مداومت به زیارت عاشورا در چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و نیل مقاصد و دفع اعدای بی نظیر است.^۴

امام زمان (علیه السلام) به سید رشتی سه مرتبه فرمودند: عاشورا عاشورا عاشورا یعنی: بر شما باد به زیارت عاشورا.^۵ و قصه زن استاد اشرف آهنگر^۶ و رفع بیماری وبا در شهر سامرا به برکت زیارت عاشورا معروف می‌باشد.^۷

❖ چرا بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) اثری را بر پشت ایشان دیدند؟

امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرمایند: این اثر آن طعام و غذاهایی است که به پشت مبارک خود می‌گرفت و برای بیوه زنان و یتیمان و مسکینان می‌برد.^۸

❖ چرا امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «اگر خداوند صد فرزند پسر به من بدهد نامشان را علی می‌گذارم»؟

زیرا در آن زمان خلفا و بالتبع مردم با علی (علیه السلام) دشمنی می‌کردند و از نام علی بدشان می‌آمد لذا برای مبارزه با آن فرهنگ چنین فرمودند.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۵.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۵.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۶.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۶.

۵. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۶.

۶. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۷.

۷. داستانهای شگفت، شهید دستغیب.

۸. ستارگان درخشان، ج ۵، ص ۶۰.

امام حسین علیه السلام به علت شدت علاقه و محبت زیاد به پدر بزرگوارش امیر المؤمنین علی علیه السلام و برای زنده نگه داشتن یاد، نام و خاطره او، نام فرزندان خود را علی انتخاب می کردند. شاید علت اساسی دیگری که موجب می شد امام حسین علیه السلام نام فرزندان خود را علی انتخاب کند، این بود که در آن دوران، بر اثر سیاست های غلط معاویه و اطرافیانش و دشمنی های سر سخت آنان با امیر المؤمنین و خاندانش، کسی جرأت نمی کرد که یادی از علی علیه السلام نموده و یا اسم فرزند خود را علی انتخاب کند. معاویه سعی داشت به کلی نام و یاد علی علیه السلام را از خاطره ها محو کند.

❖ چرا عروسی حضرت قاسم بن الحسن در کربلا صحت ندارد؟

مگر می شود در همان گرماگرم روز عاشورا که می دانیم مجال نماز خواندن هم نبود و امام نماز خوف خواند، حضرت بفرمایند که: «حجله عروسی راه بیاندازید، من می خواهم عروسی قاسم را با یکی از دخترهایم در اینجا ببینم. از طرفی هنوز حضرت قاسم به سن بلوغ نرسیده بود و ۱۳ سال بیشتر نداشت و از طرفی دیگر این قضیه در هیچ کتابی از کتابهای تاریخی معتبر وجود ندارد و محقق معروف مرحوم استاد مرتضی مطهری رحمه الله این قضیه را در کتاب حماسه حسینی رد می فرماید.

❖ چرا آمدن لیلا مادر حضرت علی اکبر به کربلا صحت ندارد؟

شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی گویند: به عنوان مثال یکی از تحریفات در رابطه با عاشورا قصه «لیلا» مادر حضرت علی اکبر است که در کربلا بوده و مصیبت ها و نوحه هایی را در باره ایشان درست کرده اند در حالی که حتی یک مورخ نگفته است که لیلا در کربلا بوده است. دیگر راه اندازی مراسم عروسی قاسم با یکی از دختران امام حسین (ع) توسط خود امام حسین (ع) در صورتی که این قضیه در هیچ کتابی از کتاب های تاریخی و معتبر وجود ندارد.^۱

❖ چرا خداوند از نسل امام حسین علیه السلام نه (۹) امام معصوم قرار داد؟

در روایت آمده است که: خداوند در عوض شهادت حسین علیه السلام چیز به او عطا کرد ۱. شفا در تربتش ۲. اجابت دعا تحت قبه و بارگاهش ۳. امامت را در نسل او (از امام سجاد تا امام زمان). وقتی حضرت زهرا از کشته شدن حسین باخبر شدند نگران شدند لذا خداوند فرمود: امامان را از فرزندان او قرار می دهم و حضرت زهرا علیها السلام راضی شدند.^۲

۱. حماسه حسینی، ج ۱، فصل دوم: تحریفات در واقعه تاریخی کربلا، ص ۶۳-۷۱؛ یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۲۱-۱۲۳.

۲. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۲۰۵.

❖ چرا قبر امام حسین شش گوشه دارد و حال اینکه تمام قبور چهار گوشه دارد؟
زیرا حضرت علی اکبر پایین پای پدر (امام حسین) دفن هستند و دو گوشه اضافی قبر امام حسین علیه السلام به این جهت است.

❖ چرا امام حسین علیه السلام طبق دعوت مردم کوفه به طرف آنجا حرکت نمودند با این که می دانستند که مردم کوفه وفایی ندارند و به دست آنها کشته خواهد شد؟
امام حسین علیه السلام هنگام رویارویی با لشکر حرّ پیش از نماز ظهر و پس از آن، و در منزلگاه «بیضه» و در جایی دیگر به نام «عذیب الہجانات» فرمودند که: «علت آمدنم، دعوت مردم کوفه و عہدم با آنان بوده است».

امام حسین علیه السلام به طرمّاح بن عدی که خواست از رفتن به کوفه منصرف شوند فرمود: «انَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيَّ الْاِنْصِرَافَ حَتَّى تَنْصَرِفَ بِنَا وَ بِهِمُ الْاُمُورُ فِي عَاقِبَةٍ»^۱
یعنی میان ما و این مردم پیمانی است که نمی گذارد از راه خویش بازگردیم تا ببینیم کار به کجا می انجامد.

❖ چرا مردم کوفه حاضر به قتل امام حسین علیه السلام شدند؟
عده ای از روی طمع به جوایز حاکم وقت (عبیداللہ زیاد) و بعضی از روی ترس از عبیداللہ و بعضی هم از روی دشمنی با فرزندان علی علیه السلام چنان که در روز عاشورا در جواب امام حسین علیه السلام که فرمودند: چرا خون من مظلوم را مباح می دانید؟ گفتند: «بُغْضًا لَا يَبِيحُ». یعنی چون بغض و کینه پدرت علی را در دل داریم.

❖ چرا امام حسین علیه السلام در روز عاشورا تمام کشته ها را به تنهایی به طرف خیمه ها بردند ولی در آوردن جوان خود «علی اکبر» از جوانان بنی هاشم کمک خواستند؟
دو علت دارد: یکی این که چون داغ جوان دیده بودند دیگر طاقت و توانی در بدن نداشتند و علت دیگر این که گویند: آن قدر بدن حضرت علی اکبر بر اثر ضربت شمشیر قطعه قطعه شده بود که نمی شد به تنهایی آن را از روی زمین بردارند (در روایت آمده: فَقَطَّعُوهُ اِرْبًا اِرْبًا).

❖ چرا با اینکه شهدای کربلا بیش از ۷۲ تن است ولی در زبان عوام به ۷۲ تن معروف شده اند؟

چون منظور شهدایی است که از مدینه همراه امام حسین علیه السلام به کربلا آمده اند.
باید گفت در زیارت ناحیه مقدسه که آن را سید بن طاووس از امام زمان علیه السلام نقل کرده، نام

۷۹ شهید کربلا ذکر شده است. سید محسن امین شهدای کربلا را ۱۳۹ نفر ذکر نموده است.^۱
مجموع شهدای کربلا و کوفه از بنی هاشم ۳۰ نفر و از غیر بنی هاشم ۱۰۹ نفر و کل شهداء ۱۳۹ نفر هستند.^۲

❁ چرا امام حسین علیه السلام در زمان یزید قیام نمودند ولی ۲۰ سال دوران حاکمیت معاویه (پدر یزید) را تحمل نمودند؟

علت این که در زمان حاکمیت معاویه قیام نکردند چون معاویه ظواهر اسلام را رعایت می نمود و شرایط برای قیام مناسب و مساعد نبود لذا سکوت نمودند. ولی در زمان یزید که حتی به ظواهر اسلام هم عمل نمی نمود و آشکارا شراب می خورد؛ دین اسلام به خطر افتاد و امکان داشت که به کلی فراموش شود. و از طرفی دیگر زمینه برای قیام، مساعد بود لذا امام حسین علیه السلام قیام کردند.

حضرت علیه السلام در کلامی می فرمایند: به سبب پیروی از سیره جد و پدرم و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمودم.

امام حسین علیه السلام در علت قیام و عدم بیعت با یزید می فرمایند: «عَلَى الْإِسْلَامِ أَلَسْلَامُ إِذْ قَدْ بُلِّيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعِ مِثْلِ يَزِيدٍ».

❁ چرا در روز تاسوعا وقتی دشمن اراده جنگ نمود، امام حسین علیه السلام یک شب را مهلت خواستند؟

امام حسین علیه السلام فرمودند: «به این جهت که امشب را به نماز و نیایش و طلب آمرزش از خداوند سپری کنیم، خدا می داند که من نماز، تلاوت قرآن، بسیاری دعا و درخواست آمرزش را دوست دارم».^۳

❁ چرا یاران امام حسین علیه السلام برای مرگ و شهادت اقدام کردند؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: پرده از جلوی چشم آنان برداشته شد تا جا و مکان خود را در بهشت دیدند لذا هر کدام از آنان برای شهادت اقدام می کرد تا برای داخل شدن در بهشت و آن حوریهایی که در انتظار معانقه با او بود از دیگری پیشی و سبقت بگیرد.^۴

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۰.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. نکته های نورانی، حسین دیلمی، ص ۴۹. امام فرمودند: «فهو يعلم أني أحب الصلاة له و تلاوة كتابه و كثرة الدعاء و الاستغفار». سوگنامه آل محمد، ص ۲۳۲.

۴. علل الشرائع، ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۷۹.

❁ چرا امام سجاد علیه السلام در جواب کسی که سؤال کرد شما در کجا بیشتر مصیبت دیدید؟ فرمودند: «الشَّامُ الشَّامُ الشَّامُ». یعنی: شهر شام شهر شام شهر شام، با این که در کوفه هم مصیبت دیده بودند؟

زیرا زمانی که اهل بیت امام حسین علیه السلام به صورت اسیر وارد شام شدند بنی امیه آن روز را عید گرفتند و روز ماتم واقعی اهل بیت امام حسین علیه السلام آن روز بود.
روزهای ماتمی اندر عراق آمد پدید بن امیه در دمشق آن روزها کردند عید^۱
کانت ماتم بالعراق تعدها امویه بالشام من اعیادها^۲
در عراق ماتم‌هایی به خاطر شهادت امام حسین علیه السلام بر پا بود ولی در شام مردم خصوصاً بنی امیه جشن گرفته بودند.

❁ چرا امام باقر علیه السلام گاهی به بعضی از فرزندان خود که استحقاق محبت زیاد را نداشتند محبت زیاد می‌کردند؟

خود حضرت در جواب می‌فرمایند: تا مبدا علیه سایر فرزندانم حسادت بورزند و ماجرای یوسف تکرار شود.^۳

❁ چرا امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام غذای خوب و لباس فاخر داشتند و حال این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام این چنین زندگی نمی‌کردند. (بلکه لباس و غذای ساده داشتند)؟

امام صادق علیه السلام در جواب می‌فرمایند: پیامبر در دورانی می‌زیست که وضع زندگی مردم خوب نبود و آنها با غذاهای خشن و ناگوار به سر می‌بردند. و ناچار پیامبر هم باید چنان زندگی می‌کرد. اما وقتی که دنیا رو آورد (و سطح زندگی بالا آمد) سزاوارترین مردم به آن، نیکوکاران، مؤمنان و مسلمانان هستند نه تبهکاران و منافقان و کافران.^۴

امام صادق (ع) به سفیان ثوری فرمودند: اساساً تمام نعمتهای دنیا مال صالحین است نه مال فاسقین. امام صادق (ع) می‌فرمایند: این مسئله مربوط به اسلام نبوده است، مربوط به زمان است. اگر پیغمبر در زمان من بود مثل من لباس می‌پوشید، اگر من هم در زمان پیغمبر بودم، مثل او لباس می‌پوشیدم. در این مورد آنچه در اسلام اصالت دارد مواسات است یعنی مسلمانان باید

۱. رموز الشهادة، ص ۲۰۴، آیه الله کمره ای.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۱۰.

۳. یوسف قرآن، ص ۳۰، محسن قرائتی.

۴. تحف العقول، ص ۴۰۲.

احساس همدردی بکنند، مسلمان باید حقوق واجب مالش را بدهد. این یک امر ثابت است و در تمام زمانها هست.^۱

❁ چرا در زمان امام صادق(ع) جنگ عقائد داغ گردید؟

زیرا نشاط علمی فوق العاده ای پیدا شد و همان نشاط علمی منشأ شد که جنگ عقائد داغ گردید و سه عامل در این نشاط علمی تأثیر داشت: ۱. محیط آن روز اسلامی یک محیط صدرصد مذهبی بود و مردم تحت انگیزه های مذهبی بودند. ۲. نژادهای مختلف وارد دنیای اسلام شده بودند که اینها سابقه فکری و علمی داشتند. ۳. جهان وطنی اسلامی بود، یعنی اینکه اسلام با وطنهای آب و خاکی مبارزه کرده بود و وطن را وطن اسلامی تعبیر می کرد که هر جا اسلام هست آنجا وطن است و در نتیجه تعصبات نژادی تا حدود بسیار زیادی از میان رفته بود به طوری که نژادهای مختلف با یکدیگر همزیستی داشتند و احساس اخوت و برادری می کردند.^۲

❁ چرا امام موسی بن جعفر(ع) را به دستور هارون دستگیر کردند؟

برای اینکه به موقعیت اجتماعی امام حسادت می ورزید و احساس خطر می کرد، با اینکه امام هیچ در مقام قیام نبود، واقعاً کوچکترین اقدامی نکرده بود.^۳

❁ چرا امام موسی بن جعفر(ع) را در زندانهای متعدد جای دادند؟

راز مطلب این بود که در هر زندانی که امام را می بردند، بعد از اندک مدتی زندانبان مرید ایشان می شد.^۴

❁ چرا امام رضا(ع) از مدینه به خراسان مسافرت کردند؟

علت مسافرت حضرت و هدف مأمون از دعوت ایشان به خراسان آن بود تا از نزدیک اعمال و رفت و آمدهای ایشان را زیر نظر بگیرد و در حقیقت او را از یارانش که در مدینه بودند، دور سازد.^۵

❁ چرا امام رضا(ع) ولایتعهدی مأمون را پذیرفتند؟

زیرا در زمان او برخی از سادات عباسی و علوی به طمع خلافت افتادند و به مخالفت

۱. داستانهای استاد، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۲. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۴۰-۱۴۱، شهید مطهری.

۳. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۵۴، شهید مطهری.

۴. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۵۱، شهید مطهری.

۵. نشر آزمون، سال سوم راهنمایی، ص ۵۹۹، سال ۱۳۸۰.

پرداختند و از طرفی مردم عراق به حکومت حسن بن سهل راضی نبودند لذا گروه فراوانی به تبعیت علویان پرداختند و علیه مأمون قیام کردند مأمون برای خوابانیدن فتنه و خاموش کردن آتش اختلاف قرار شد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) را به ولایت‌هدی انتخاب کند تا سایر سادات علوی پیروی کنند و ساکت شوند.^۱

خود حضرت در جواب می‌فرمایند: یوسف (ع) که پیامبر بود در دستگاه مشرک رفت، من که وصی پیامبرم، در دستگاه شخصی که اظهار مسلمانی می‌کند رفته‌ام، بگذریم که پذیرفتن من اجباری است، در حالی که یوسف (ع) با اختیار و به خاطر اهمیت موضوع، آن مسئولیت را پذیرفت.^۲ باید دانست که یکی از مسلمات تاریخ این است که آوردن حضرت رضا (ع) از مدینه به مرو، با مشورت امام و با جلب نظر قبلی امام نبوده است و حضرت آخرش تحت عنوان تهدید به قتل که اگر قبول نکنند کشته می‌شود قبول کرد. علاوه اینکه امام رضا (ع) ولایت‌هدی را با شرائطی پذیرفتند.^۳

❁ چرا مأمون قصد کشتن امام رضا (ع) را کرد؟

همان گونه که صدوق (ع) در جلد اول علل الشرایع از محمد بن سنان روایت می‌کند در قصه مردی از صوفیه که دزدی کرده بود و مأمون قصد اجرای حد کرد سخنانی میان آن‌دو رد و بدل شد مأمون متوجه حضرت رضا (ع) شد و گفت شما راجع به جریان این صوفی چه صلاح می‌دانی؟ حضرت (ع) فرمود به او بگو خدا را حجت بالغه است... دنیا و آخرت بوسیله وجود حجت خدا بر قرارند. چون آن صوفی به وسیله قرآن با مأمون استدلال و احتجاج کرده بود مأمون او را آزاد کرد آن گاه از مردم کناره‌گیری کرد و در باره قتل حضرت رضا (ع) تدبیر نمود تا این که سر انجام وی را مسموم کرد.^۴

❁ چرا امام رضا (ع) با این که می‌دانستند انگور، زهر آلود هست به دستور مأمون تناول نمودند؟

به جهت این که قضای الهی چنین بود و اگر حضرت در آن لحظه از آن انگور نمی‌خوردند مأمون با شمشیر حضرت را شهید می‌کرد و اجل آن حضرت اجل حتمی بود که چاره‌ای به تسلیم شدن آن نبود.

۱. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۰۷۲.

۲. یوسف قرآن، ص ۱۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

۳. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۸۳-۱۸۶.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۰۵-۱۰۲.

❁ چرا قبر امام رضا علیه السلام چندین مرتبه مورد هجوم و مصیبت قرار گرفته است؟
در خبر غیبی از خود امام رضا علیه السلام به آن مصائبی که بر قبرشان وارد می‌شود، اشاره فرموده‌اند:

وَقَبْرُ بَطُوسٍ يَأْتِيهَا مِنْ مُصِيبَةٍ
أَلَحَّتْ عَلَى الْأَخْشَاءِ بِالزَّفَرَاتِ
یعنی و یک قبری در طوس است که مصیبت‌هایی بر آن وارد می‌شود.

❁ چرا زیارت امام رضا علیه السلام افضل از زیارت امام حسین علیه السلام است؟
امام محمد تقی علیه السلام می‌فرمایند:

چون حضرت امام حسین علیه السلام را عموم مردم زیارت می‌کنند ولی پدرم را غیر از خواص شیعه کسی زیارت نمی‌کند.^۱

❁ چرا هر کدام از ائمه معصومین به یک صفتی معروف و مشهورند با این که همه آنها از نظر واجد کمالات و فضائل بودن یکسانند؟

زیرا هر کدام از ایشان در عصر و زمانی زندگی می‌کردند که لازم بود آن صفتی که مقتضی آن زمان بود را از خود بروز دهند مانند حضرت علی علیه السلام که طول ۲۵ سال صبر خود را و امام حسین علیه السلام شجاعت خود را و امام زین العابدین عبادت و دعای خود را و امام باقر و صادق علیه السلام علم و دانش خود را بروز دادند.

❁ چرا با این که همه امامان ما (صادق) و راستگو و فرو برنده خشم (کاظم) و راضی به رضای خدا (رضا) بودند ولی از میان آنها امام ششم به صادق و امام هفتم به کاظم و امام هشتم به رضا معروف گردیدند؟

اولاً: به قول معروف اثبات شیء، نفی ما عدا نمی‌کند یعنی چون چیزی یا صفتی را برای یکی ثابت کردیم چنین نیست که آن چیز یا آن صفت را از دیگری نفی نمائیم.
ثانیاً: درست است که همه امامان معصوم دارای تمام کمالات و خوبی‌ها بودند ولی چون هر کدام از این صفت‌ها برای یکی از امامان ما بروز کرد لذا به آن صفت معروف گردیدند مثل شجاعت امام حسین علیه السلام در قضیه کربلا و صبر و حلم امام حسن در قضیه صلح با معاویه.

❁ چرا بعضی از افراد مانند پیامبران و امامان دارای طی الارض بودند؟

ایشان به جهت ارتباط با خداوند دارای چنین مقامی شدند و طی الارض از این راه انجام

می گیرد که چون روح قوی شود جسم را با سرعت بسیار زیاد همراه خود می برد چنان که در خواب، روح، طی چند لحظه مسافت های طولانی را طی می کند.
قولی گوید طی الارض یک نوع اعدام (در مکان مبدأ) و ایجاد (در مکان مقصد) است.

❖ چرا ائمه معصومین علیهم السلام گاهی نزدیک ترین اصحاب خود را که در عدالت و وثوق آنها هیچ شکّی نبود متهم و مذمت می کردند؟
چنین کاری را از روی تقیه انجام می دادند تا آنان را از مرگ و نابودی به دست دشمنان برهانند.

❖ چرا بنی امیه و بنی عباس آنقدر با امامان شیعه دشمنی کردند تا اینکه آنها را یا با شمشیر و یا با زهر شهید نمودند؟

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: به دو سبب آنها شمشیر در میان ما گذاردند ۱. آنها می دانستند که حقّی در خلافت ندارند لذا می ترسیدند که روزی ما ادعا کنیم و علیه آنها قیام نماییم. ۲. چون اخبار متواتره به آنها رسیده بود که آن قائم (حضرت مهدی) که جبار و ظلم و ستم را از بین می برد از ماست لذا می ترسیدند که او از ما متولّد گردد.^۱
ولی قرآن می فرماید: «مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین».

❖ چرا معصومین با این که دارای علم غیب بودند اقدام به خوردن غذای مسموم کردند (مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسن و امام رضا علیهما السلام) و یا به جایی رفتند که به شهادت رسیدند (مانند حضرت علی علیه السلام که به مسجد کوفه و امام حسین علیه السلام که به کربلا رفتند)؟
چند قول وجود دارد:

۱. علامه مجلسی رحمته الله گویند: معصومین به جمیع حوادث و بلاهایی که بر آنها واقع می شود عالمند و تکلیف هم ندارند که طبق این علم عمل کنند و از آن بلاها اجتناب و دوری ورزند چنان که پیامبر و امیرالمؤمنین منافقین را می شناختند ولی مکلف نبودند که از آنها دوری کنند.^۲
۲. روایتی گوید: امام هرگاه بخواهد چیزی را بداند خداوند آن را به او می آموزد.
۳. علامه حلی رحمته الله می فرماید: تکلیف معصوم غیر از تکلیف ما می باشد و رواست که معصوم با آن که می دانست در آن شب کشته می شود جان خود را در راه خدا بذل کرده باشد چنانچه بر سرباز جبهه لازمست پایداری ورزد، اگر چه کشته شود.^۳
۴. شیخ مفید رحمته الله می فرماید: در مذهب ما این مطلب مورد اتفاق نیست که امام تمام حوادث

۱. الامام العسکری من المهدی الى اللحد، سید کاظم قزوینی.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۵.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۶.

و وقایعی که پیش آمد می‌کند با تفصیل و تشخیص می‌داند بلکه آنچه مورد اتفاق شیعه می‌باشد این است که: هر قضیه و حادثه‌ای که در روی زمین رخ می‌دهد امام حکم آن را می‌داند و اگر روایتی باشد که امیرالمؤمنین قتل و شهادت خود را به تفصیل می‌دانست می‌گوییم: آن حضرت مأمور به تسلیم و صبر بر شهادت بود تا به درجات بلندی که جز به وسیله شهادت به آن نتوان رسید، نایل آید.^۱

۵. گاهی حکمت و مصلحت اقتضا می‌کند که یک امر جزئی و کوچک مانند بودن کنیز در اطاق را معصوم نداند زیرا علم آن‌ها از جانب خدای تعالی افاضه می‌شود و هر چه را خدا به آن‌ها عطا فرماید، می‌دانند.^۲

۶. آیت الله جوادی آملی حفظه الله می‌فرماید: معصوم دارای دو نوع علم است یکی علم تکلیفی و دیگری علم ملکوتی و غیبی و واجب نیست که معصوم طبق علم ملکوتی و غیبی عمل کند.

۷. استاد گرامی آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: امامان علیهم‌السلام اگر بخواهند می‌دانند شاید در آن لحظه که غذای زهر آلود خورده‌اند، نخواسته‌اند بدانند.^۳

❁ چرا امام حسن عسکری شدیداً تحت نظر دستگاه خلافت وقت بودند؟

علت عمده آن بود که شایع شده بود و می‌دانستند که حضرت مهدی علیه‌السلام از صلب این وجود مقدس، ظهور می‌کند، لذا همان کاری را کردند که فرعون با بنی اسرائیل انجام داد و گمان می‌کردند که می‌توانند جلو امر الهی را بگیرند. مولوی گوید:

حمله بردی سوی در بندان غیب تا ببندی راه بر مردان غیب

❁ چرا در دوره آخرالزمان نیاز به حضرت مهدی (عج) پیدا می‌شود؟

در آئین‌های هندوان و کتابهای آنان نیز سخن از نجات دهنده و موعود آمده است از جمله در کتاب «مهاباراتا» و کتاب «پورانها» در این باره آمده است که همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود، و چون طبعاً و فطرتاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است، و مانند احجار به سوی پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه، که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد،

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۰.

۳. سؤال از خود استاد.

و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد.^۱

❁ چرا تولد حضرت مهدی (عج) مخفیانه بود؟

زیرا به مصداق احادیث فراوان خلفا و ستمگران می‌دانستند که از امام حسن عسکری (عج) پسری بنام مهدی که نابود کننده کاخ ظالمین و یاور مظلومین و منجی عالم است به وجود می‌آید. بنابراین معتمد عباسی به شدت در پی یافتن نوزاد امام عسکری (عج) بود و به گروهی مفتش و قابل تکلیف کرده بود که منازل علویین و مخصوصاً خانه امام حسن عسکری (عج) را گاه و بی گاه بازرسی کنند تا اگر نوزادی یافتند که گمان است منجی بشریت باشد را بی درنگ نابود کنند. لذا طبق مصلحت الهی تولد حضرت مهدی (عج) مخفیانه انجام گرفت.

❁ چرا امام زمان (عج) غیبت نمودند؟

زیرا: ۱. امام زمان (عج) آخرین حجت الهی است و مأموریت او تشکیل حکومت عدل گستر الهی در پهنه زمین است.

۲. تشکیل چنین حکومتی در گرو این است که زمینه و شرایط روحی و فکری در عموم ملت‌ها برای پذیرش آن فراهم گردد.

۳. استفاده از روش‌های خارق العاده و معجزه آسا در همه موقعیت‌ها با فلسفه تکلیف، که آزمایش و امتحان انسان‌هاست، سازگار نیست.

روایات علل غیبت را چنین بیان کرده‌اند: ۱. تشکیل حکومت عدل جهانی ۲. آزمایش انسان‌ها ۳. خوف از قتل.^۲

محقق طوسی (ع) در کتاب تجرید می‌گوید: «وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَ غَيْبَتُهُ مَنَاءٌ». وجود امام لطف بزرگ پروردگار منان است و تصرف او در امور جهان لطف دیگری است و در میان نبودن او از عدم قابلیت ما می‌باشد.^۳

به عبارت دیگر علل غیبت امام زمان (عج) عبارت است از: اول به خاطر امتحان مردم دوم سنت خدا چنین بوده که گاهی پیغمبر و ولی خود را برای مدتی از دیده‌ها مخفی داشته است و سوم این که به خاطر گناه و معصیت و قدر ناشناسی مردم می‌باشد.

❁ چرا امام زمان (عج) دو غیبت داشتند؟

از آنجایی که غیبت طولانی کبری، بدون مقدمه و آمادگی قلبی چه بسا شیعه را دچار شک

۱. خورشید مغرب، ج ۲، ص ۵۴.

۲. ره توشه سال ویژه بوستان ولایت (جوانان)، ۱۳۷۸، ص ۳۰۸-۳۰۷.

۳. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۲۷۴.

و تردید در وجود امام زمان (عج) می ساخت، ائمه طاهرين، اولاً: از قبل، آن را خاطر نشان کرده اند تا شیعیان قبل از وقوع چنین حادثه عظیمی از آن آگاه باشند. ثانیاً: از زمان امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) عملاً مسئله غیبت امام معصوم به آزمایش گذاشته شد. بنابراین این فلسفه غیبت صغری همانا آماده ساختن شیعه برای غیبت طولانی امام عصر (عج) بوده است.^۱

❁ چرا ما شیعیان از دیدار و ملاقات حضرت مهدی (عج) محروم هستیم؟

خود حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید (رحمه الله) می‌فرمایند: اگر شیعیان ما دل‌هایشان بر وفای به عهدی که با ما بسته‌اند یکی می‌بود هرگز از دیدار ما محروم نمی‌ماندند و زود و با سرعت ما را مشاهده می‌کردند.^۲ چنانکه علامه حلی (رحمه الله) می‌فرمایند: «غَيْبَةُ مَنَّا» یعنی محروم ماندن ما از وجود حضرت بصورت آشکارا از جانب خود ماست.

❁ چرا برای سلامتی امام زمان (عج) صدقه دادن مستحب است و حال این که خداوند حتماً او را حفظ می‌نماید؟

اگر چه حفظ و سلامتی وجود مقدس امام زمان (عج) به اراده و مشیت الهی است، ولی اسباب یاد شده نیز به اذن و مشیت الهی می‌باشد و به اصطلاح در طول آن هستند نه در عرض آن، و ثانیاً نتیجه عمده اعمال در حقیقت به خود انسان باز می‌گردد، و دعا کردن برای سلامتی وجود مبارک امام زمان (عج) و صدقه دادن برای او، ضمن این که پیوند معنوی انسان را با حجت خدا، برقرار و مستحکم می‌سازد، مایه سلامتی خود و دفع ناگواری‌ها و شداید خواهد بود.^۳

❁ چرا بین شیعه رسم است که تا اسم حضرت قائم (عج) برده می‌شود بلند می‌شوند؟

یکی به جهت احترام به نام حضرت، قیام می‌کنند و دیگر هم به جهت اینکه قائم به معنی قیام کننده است بنابراین ما هم برای اعلام آمادگی و قیام با حضرت مهدی، زمانی که اسم قائم برده می‌شود قیام می‌کنند.

❁ چرا مستحب است که هنگامی که نام قائم که لقب خاص حضرت مهدی (عج) است،

برده شد، از جا قیام کنند؟

در خبر رسیده که چون کسی این لقب را نزد امامان (عج) بر زبان می‌آورد، از جا بر می‌خاستند و دست بر سر می‌گذاشتند و این نشانه آمادگی برای یاری حضرت مهدی (عج) بود.

۱. عقائد استدلالی، ۲، ص ۱۸۰، ربانی گلپایگانی: المهدی، تألیف سید صدرالدین صدر، ص ۱۸۱-۱۸۳.

۲. خورشید مکه، ۷، ص ۳.

۳. ره توشه سال ویژه بوستان ولایت (جوانان)، ۱۳۷۸، ص ۳۱۶.

نزد شیعیان نیز مستحب است که چنین کنند، یعنی نشان دهند که همیشه آماده یاری امام خویش هستند.

❖ چرا در میان القاب بسیاری که حضرت مهدی علیه السلام در روایات، زیارات و ادعیه دارد، «قائم» بیش تر به کار رفته است؟

این کثرت استعمال، نشانه اهمیت قیام آن حضرت است. در روایتی تصریح شده است که خداوند، روز عاشورا همان روز که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، لقب «قائم» را به امام مهدی علیه السلام عطا فرمود.

در روایتی آمده است که روزی ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام پرسید: «چرا مهدی علیه السلام را قائم گویند؟ امام فرمود: حسین که به شهادت رسید، فرشتگان سخت اندوهگین شدند، خداوند پرده از پیش چشم آنها برداشت و امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را یکی پس از دیگری به آنان نشان داد. فرشتگان از این منظره مسرور گردیدند و دیدند که یکی از آن بزرگواران ایستاده مشغول نماز است، خداوند فرمود: با این قائم از آنان (قاتلان سید الشهداء) انتقام خواهم گرفت.^۱

❖ چرا روز جمعه متعلق به امام زمان علیه السلام می باشد؟

در دعای روز جمعه آمده «هذا يوم الجمعة و هو يومك المتوقع فيه ظهورك والفرج فيه للمؤمنين».^۲

روز جمعه از چند جهت به مولایمان حضرت مهدی علیه السلام اختصاص و انتساب دارد: ۱. واقع شدن ولادت با سعادت آن حضرت در این روز ۲. در این روز مقام مقدس امامت به ایشان منتقل شده است ۳. ظهور و آشکار شدن آن جناب در این روز واقع خواهد شد ۴. در این روز بر دشمنانش پیروز گردد ۵. در این روز خداوند برای آن بزرگوار از پدران گرامیش پیمان گرفت ۶. روزی است که خدای تعالی به لقب قائم آن حضرت را اختصاص داد ۷. چون این کلمه از جمله القاب شریف آن جناب می باشد.^۳

❖ چرا امام صادق علیه السلام وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام را در زمان غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه کرده اند؟

زیرا: ۱. همان گونه که مردم از نور و گرمای خورشید - هنگامی که پشت ابر است - به کلی محروم نیستند، از نور وجود و معنویت خورشید ولایت نیز به کلی محروم نمی باشند.

۱. طبری، دلائل الامامة، ص ۲۳۹، علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. مفاتيح الجنان، ص ۱۰۳-۱۰۴.

۳. حضرت بقیة الله، ص ۲۱۳-۲۱۲، حاج عباس راسخی نجفی.

۲. پنهان شدن خورشید به خاطر نقصی در خورشید نیست، بلکه به دلیل ابرهایی است که میان دیدگان انسان‌ها و خورشید قرار می‌گیرند.

۳. خورشید برای همیشه پشت ابر باقی نخواهد ماند و پنهان شدنش در پشت ابر نباید مایه ناامیدی گردد. همچنین طولانی شدن غیبت امام عصر علیه السلام نباید مایه نومیدی گردد.^۱

۴. همانطور که با زحمت می‌شود موانع رؤیت خورشید را کنار زد و به خورشید رسید، می‌توان در زمان غیبت موانع رؤیت امام زمان علیه السلام را برطرف نمود و خدمت حضرت رسید.

❁ چرا گویند حضرت مهدی علیه السلام شباهت به پنج پیامبر (یونس و یوسف و موسی و عیسی و جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) دارد؟

شباهت به یونس به این جهت است که پس از غیبت به سوی قوم خود بازگشت. وقتی از میان آنان رفت، جوان بود، و زمانی که بازگشت پیر شده بود.

شباهت به یوسف عبارت است از غیبت از قوم و خویشاوندان و دشوار شدن امر غیبت وی بر پدرش یعقوب.

شباهت به موسی عبارت است از: خفای ولادت و غیبت از شیعیان و پیروانش و آزارهایی که از دشمنانشان دید تا این که موسی بازگشت و خداوند او را بر فرعونیان پیروز ساخت.

شباهت به عیسی عبارت است از این که در مورد زنده ماندن او اختلاف نمودند.

شباهت به جدشان عبارت است از این که با شمشیر قیام خواهد کرد و دشمنان خدا و رسول خدا را نابود خواهد ساخت.^۲

❁ چرا گویند وقتی حضرت مهدی ظهور کردند زمین گنج‌های خود را بیرون می‌ریزد؟

منظور این است که برای اینکه حضرت دستشان از مال دنیا خالی نباشد و بتوانند برای پیشرفت دین و کمک به فقرا و مساکین کارهایی انجام دهند چنین کاری اتفاق می‌افتد و روایتی هم است که در زمان ظهور حضرت مهدی تمام فقیران، غنی می‌گردند، لذا به امر خدا زمین گنج‌های خود را برای حضرت بیرون می‌ریزد و یا منظور آن است که گنج‌های حقیقی یعنی پاکان و صالحان و اولیای الهی که در زمین مدفون هستند برای یاری حضرت مهدی از زیر زمین بیرون می‌آیند و حضرت را نصرت و یاری می‌کنند. در دعای عهد هم از زبان خوبان رسیده «فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِی...».

۱. ره توشه سال ۱۳۷۸، ویژه بوستان ولایت (جوانان)، ص ۳۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸-۲۱۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

❁ چرا روایت گوید: «مَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ فَكَذَّبُوهُ» یعنی کسی که در زمان غیبت ادعای مشاهده امام زمان علیه السلام کرد او را تکذیب کنید و حال این که در طول زمان غیبت خیلی از علما و صلحا با حضرت مهدی ملاقات داشته‌اند و آن را برای دیگران ذکر کرده‌اند؟
باید گفت منظور روایت آن است که اگر کسی ادعای نمایندگی از امام زمان و داشتن رابطه با آن حضرت را نماید او را تکذیب کنید. زیرا بعد از غیبت صغری دیگر امام زمان برای خود نماینده‌ای انتخاب ننمود.

❁ چرا گروهی مخالف امر به معروف و نهی از منکر در زمان غیبت امام زمان علیه السلام هستند؟
زیرا معتقدند: چنین کاری ظهور حضرت مهدی علیه السلام را به تأخیر می‌اندازد زیرا وقتی حضرت می‌آیند که زمین پر از ظلم و جور و فساد شده باشد.
باید گفت چنین نظریه‌ای باطل است چون مخالف صریح قرآن^۱ و روایاتی است که در هر زمان و هر مکان امر به معروف و نهی از منکر را واجب می‌دانند.

❁ چرا گویند حضرت مهدی علیه السلام «نَبَاتِی بِدِیْنِ جَدِیدِ» یعنی ایشان با دین جدید می‌آیند؟
بر فرض صحت حدیث، مقصود آن نیست که اسلام و قرآن کامل نیست و حضرت آن را کامل می‌کند و یا حضرت مهدی علیه السلام دین تازه‌ای را غیر از دین جدّشان می‌آورند چون این بدعت و حرام است بلکه مقصود آن است که آنقدر در زمان غیبت دین اسلام و احکام الهی عوض می‌شود که چون حضرت ظهور می‌نماید و احکام الهی را بیان می‌کند مردم گمان می‌کنند که وی دین تازه‌ای را آورده است. پس قرآن و اسلام کامل است و ایشان منادی همین اسلام و قرآن است و ایشان «مُحِبِّی الدِّینِ وَ الشَّرِیْعَةِ» می‌باشد و آن را از انحرافات و تحریفها و تفاسیر نادرست جدا می‌سازد.
بعضی از علما گویند؛ از این جهت که ایشان بر خلاف دیگران بدون بینه و یمین حکم و قضاوت می‌نمایند.

❁ چرا امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام و ظهور می‌کنند و حال این که جدّشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با قرآن هدایت بشر آمدند؟
علت این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با قرآن آمدند، این است که مردم در جهل و نادانی بودند و لازم بود با قرآن به هدایت آن‌ها برخیزند.
علاوه بر آن گاهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای رفع فتنه و از بین بردن ستمگران دست به قبضه شمشیر می‌بردند. طول ۲۳ سال رسالت ایشان حدود ۷۰ غزوه و سربّه اتفاق افتاد.
و علت این که امام زمان با شمشیر ظهور می‌کنند این است که اتمام حجت شده و اگر بنا

۱. كنتم خير امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر: آل عمران، آیه ۱۱۰.

بود مردم با قرآن هدایت بشوند، می‌شدند و از طرفی دیگر ارشاد و هدایت اثر و فایده‌ای ندارد. از این جهت امام زمان با شمشیر قیام می‌نمایند تا دنیای پر از ظلم و جور را از عدل و داد پر نمایند.

❁ چرا اکثر یاران حضرت مهدی علیه السلام جوان هستند؟

حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «أَنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقْلَ الزَّادِ الْمِلْحُ».^۱

یعنی یاران قائم جوانان هستند. در میان آنها پیر مرد یافت نمی‌شود، به جز مانند سرمه در چشم و نمک در طعام، که کمتر از هر ماده در طعام نمک آن است.

به این جهت اکثر یاران حضرت جوانان هستند که در جوانی، نشاط، شادابی، تلاش، اراده، پشتکار، نیرو، احساس، نوگرایی، فضیلت جویی و ده‌ها ویژگی مثبت دیگر در وجود او موج می‌زند.

❁ چرا دولت امام زمان علیه السلام آخرین دولت‌ها می‌باشد؟

برای این که اتمام حجتی باشد برای تمام دولت‌های دنیا که بدانند یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند جهان را اصلاح نمایند و ظلم و جور را ریشه کن نمایند و نگویند ما هم می‌توانستیم در جهان عدالت را برقرار کنیم و ظلم و جور را ریشه کن نماییم و از طرفی خداوند می‌خواهد دنیا را با مسک خاتمه دهد. قرآن می‌فرماید: «خَتَمَهُ مَسْكَ وَ فِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَفَّسِ الْمُتَنَفِّسُونَ».

❁ چرا امام زمان در حال حاضر (سال ۱۳۹۰ ش و ۱۴۳۲ ق و ۲۰۱۱ م) حدود ۱۱۷۷ سال

عمر دارند و حال این که انسان معمولی حدود ۱۰۰ الی ۱۲۰ سال عمر می‌کند؟

به چند علت یکی به جهت این که آقا رمز بقا را می‌دانند و می‌دانند که چه چیزهایی را بخورند و چه کارهایی را انجام بدهند و چگونه زندگی کنند. و کسی که به رمز بقا دست پیدا کند خیلی بیش از این هم می‌تواند زنده بماند و دیگر این که برای خدای قادر هیچ کاری ندارد که هر که را بخواهد عمر طولانی دهد و از طرفی خدایی که به بعضی از ماهی‌های در دریا عمر چند میلیون ساله (حدود دو یا سه میلیون) داده است می‌تواند به ولی و حجت خود چنین عمری حتی بیشتر عطا کند. از طرف دیگر نظیر آن اتفاق افتاده است یعنی خداوند، حضرت عیسی و الیاس و خضر را با این که چندین هزار سال از عمرشان می‌گذرد زنده نگه داشته است و هم چنین خداوند حضرت نوح را ۲۵۰۰ سال عمر داد.

❁ چرا امام زمان علیه السلام با اینکه عمر طولانی دارند وقتی ظهور می‌نمایند بصورت مردی بین

سی الی چهل ساله می‌باشند؟

امام زمان را تشبیه به موی مژگان کرده اند که با اینکه عمر زیادی از آن می‌گذرد اما ثابت

مانده و دیگر انسانها مانند موی سر هستند که زود بزرگ شده و رشد آن در مدت کوتاه محسوس می‌باشد.

❁ چرا وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور کردند ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را می‌کشند و حال این که آن‌ها جرمی ندارند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون ذراری آن‌ها راضی به کار پدران خود می‌باشند و به چنین کاری افتخار می‌کنند لذا مانند آن است که خودشان چنین جرمی را مرتکب شده‌اند.^۱
دلیل دیگر اینکه ذراری قاتلان حسین علیه السلام با حضرت وارد جنگ می‌شوند لذا حضرت آنها را به قتل می‌رساند. در روایت آمده «الراضی بفعل قوم کالداخل فیهم».

❁ چرا وقتی حضرت حجت علیه السلام ظهور نمودند حضرت عیسی علیه السلام پشت سر ایشان برای نماز جماعت اقتدا می‌کند؟

به جهت این که مسیحیان گویند: مسیح، مهدی منتظر است؛ لذا برای این که حضرت عیسی به آن‌ها بفهماند که من آن مهدی منتظر نیستم، زمانی که حضرت مهدی ظهور کردند در نماز جماعت به ایشان اقتدا می‌کند.

❁ چرا بنابر قولی امام زمان علیه السلام در عصر غیبت دارای زن و فرزند می‌باشند؟

زیرا ایشان از همه بیشتر به سنت جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله پایبند هستند. بنابراین همان طور که جدشان به این سنت عمل کردند، ایشان هم چنین می‌کنند و ظاهراً مانعی هم برای ازدواج و زن و فرزند داشتن در کار نمی‌باشد. به اصطلاح می‌توان در باره ازدواج ایشان گفت: مقتضی ازدواج موجود و مانع هم مفقود می‌باشد.

❁ چرا خداوند عمر حضرت خضر را طولانی ساخته است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زیرا خداوند می‌خواست به قائم ما (حضرت مهدی موعود) عمر طولانی بدهد و می‌دانست که بندگان بر طول عمر او اشکال خواهند کرد به همین جهت عمر بنده‌اش حضرت خضر را طولانی گردانید تا که عمر طولانی حضرت قائم علیه السلام به آن تشبیه شود.^۲

❁ چرا امام حسن عسکری علیه السلام نام فرزندش مهدی را در وصیت نامه نیاورده و او را از ارث محروم ساخت؟

از این جهت که او را از خطراتیکه از ناحیه سلطان وقت متوجه بود، نجات دهد.^۳

۱. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۲۲۹.

۲. ره توشه راهیان نور، سال ۱۳۸۰.

۳. دادگستر جهان، ص ۱۰۹-۱۱۰، استاد امینی.

چرا حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت کبری نواب خاص برای خود تعیین نمودند در حالی که در غیبت صغری تعیین نمودند؟

علت آنکه امام زمان (عج) در غیبت کبری نیز نواب خاص برای خود تعیین نکردند آن است که دشمنان، نواب را آزاد نمی گذاشتند بلکه آنان را شکنجه و زجر می دادند تا مکان امام را نشان دهند یا تحت شکنجه و در کنج زندان جان سپارند.^۱

چرا وقت ظهور حضرت مهدی (عج) معین نگردیده است؟

شاید از این جهت باشد که انتظار فرج روزنه امیدست برای مردم که هر آن، آمادگی داشته باشند شاید امام زمان امروز یا فردا ظاهر گردد و این خود دلگرمی عجیبی است برای اینکه بدون سستی و فتور وظیفه خود را نیکو ایفاء کنند چون امیدوارند حضرت در زمان حیات آنها ظاهر گردد سختی ها را بر خود هموار می کنند تا بتوانند با آغوش باز امام خود را استقبال کنند و از دولت حقه او برخوردار گردند و این به صلاح و نجات مردم نزدیکتر است بر خلاف آنجا که معین کنند مثلاً در چند صد سال دیگر امام زمان ظاهر می گردد که اگر مدت طولانی باشد یک حالت رخوت و سستی به پیروان و مسلمانان دست می دهد.^۲

از طرفی دیگر همانطور که از احادیث استفاده می شود علم به ظهور مانند علم به روز قیامت و رستاخیز از علوم مختصه به خداوند است و دیگری از آن آگاه نیست. از رسول خدا (ص) سؤال شد چه وقت قائم (حضرت مهدی عج) ظهور می نماید؟ ایشان فرمودند: «مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها الا هو عز وجل لا يأتيكم الا بغتة».^۳

یعنی ظهور چون قیامت است کسی از آن آگاه نیست مگر خداوند و نمی آید شما را مگر یکدفعه و ناگهان.

بنابر این کسانی که برای ظهور حضرت مهدی (عج) وقت معین می نمایند کاذب می باشند. شیخ طوسی (ره) در کتاب غیبت خود از فضیل روایت می کند که گفت: از امام باقر (ع) پرسیدم: آیا مهدی (عج) در یکوقت معلومی ظهور خواهد کرد؟ آنحضرت سه مرتبه فرمود: «كُذِبَ الْوَقَاتُونُ، كُذِبَ الْوَقَاتُونُ، كُذِبَ الْوَقَاتُونُ». یعنی آن افرادی که وقت ظهور مهدی را تعیین می کنند دروغ می گویند.^۴ و نیز در همان کتاب از مهزم اسدی روایت می کند که گفت: از امام صادق (ع) سؤال کردم چه موقعی ظهور واقع خواهد شد زیرا که خیلی بطول انجامیده است؟! حضرت فرمود: آنان

۱. دادگستر جهان، ص ۱۵۲-۱۵۳، استاد امینی

۲. حکومت عدل گستر، ص ۱۵۸، حسین حیدری کاشانی.

۳. اکمال الدین، ج ۲، ص ۲۴.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۲۳-۲۴.

که وقت قیام و ظهور مهدی (عج) را معلوم می کنند دروغ می گویند.^۱
امام رضا (ع) به دعبل خزاعی فرمود: پدرم از پدران خود از رسول خدا (ص) روایت کرده که آنحضرت فرمود: مثل مهدی موعود نظیر قیامت است که قیام نمی کند مگر بطور ناگهانی.^۲

❁ چرا گویند موقع ظهور مهدی (عج) بیشتر ملل، سریع اسلام را قبول می کنند؟
علت آنکه بعد از ظهور مهدی (عج) بسیاری از مردم اسلام را قبول می کنند آن است که از یک طرف استعداد مردم برای درک حقائق به حد کمال رسیده از طرف دیگر معجزاتی را به دست امام زمان (عج) مشاهده می کنند، از طرف دیگر، اوضاع عمومی جهان را غیر عادی و فوق العاده می یابند و اعلام خطر رهبر انقلاب (حضرت مهدی) به گوششان می رسد. لذا این اوضاع سبب می شود که مردم جهان فوج فوج به دست حضرت مهدی (عج)، اسلام اختیار نمایند و از قتل نجات یابند.^۳

❁ چرا حضرت مهدی با شمشیر قیام می نماید؟
زیرا روزگار موعظه و خواهش تمام می شود. روزگار مهدی، روزگار خوار ساختن زورداران است. «یسیر بالقتل و لایستیب احدا» یعنی حضرت مهدی (عج) شمشیر در میان نابکاران نهد، و از احدی توبه نپذیرد. و بدینگونه ماهیت زمان را تطهیر کند، و انسانیت خرد شده را زنده سازد، و والاینها را حاکم نماید، و پستیها را از میان بردارد. مهدی، دست انتقام خدایی و دشمن خونریز مستکبران و فاسدان و یار دلسوز فروتنان و مستضعفان و پاکان است.^۴

❁ چرا گویند حضرت مهدی با شمشیر قیام می کند در حالی که شمشیر در آن دوران کاربردی ندارد؟

مقصود از خروج امام زمان (عج) با سیف (شمشیر)، این نیست که سلاح های جنگی او منحصر به شمشیر است و از استعمال هر گونه سلاح دیگری خودداری می کند، بلکه ممکن است آنجناب هم از سلاح های جنگی روز استفاده نماید بلکه امکان دارد سلاح های دیگری را اختراع کند که بر تمام وسائل جنگی آنروز غالب گردد.^۵

❁ چرا گوییم هر یک از ادیان الهی اعتقاد به مهدی موعود دارند؟
زیرا زردشتیان اعتقاد به سوشیانس (نجات دهنده جهان) و جهودان (یهودیان) اعتقاد به سرور

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۴۴.

۲. منابع الموده، ص ۴۵۶؛ ستارگان درخشان، ص ۴۴.

۳. دادگستر جهان، ص ۶۶-۶۷، استاد امینی.

۴. خورشید مغرب، ص ۳۷، محمد رضا حکیمی.

۵. دادگستر جهان، ص ۳۱۶-۳۱۸، استاد امینی.

میکائیلی و عیسویان اعتقاد به حضرت عیسی و مسلمانان اعتقاد به مهدی منتظر علیه السلام دارند.^۱ از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح، در آخرالزمان، اصلی اساسی بوده است. اصولاً، فتورسم یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان، و انتظار ظهور منجی، عقیده ای است که در کیشهای آسمانی یهودیت (جودایسم)، و زردشتی (زوراستریانسم)، و مسیحیت (در سه مذهب عمده آن: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس)، و مدعیان نبوت عموماً، و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده است.^۲

❁ چرا گویم اهل سنت نیز اعتقاد به مهدی موعود دارند؟

واقع این است که مدارک و روایات موجود، در باره مهدی، و مسئله مهدی، و ظهور مهدی، منحصر به اهل یک مذهب از مذاهب اسلامی یعنی شیعه نیست، بلکه کتابها و مدارک همه مذاهب اسلامی دیگر: حنفی، شافعی، مالکی، و... نیز سرشار است از روایات نبوی که در باره مهدی و ظهور او رسیده است. و نه تنها یکدسته از عالمان مذاهب سنت، یعنی مثلاً محدثان، به ذکر احادیث و مطالب مربوط به مهدی پرداخته اند، بلکه عالمان گوناگون اهل سنت: مفسران، محدثان، مورخان، نسابگان، مناقب نویسان، زیستنامه نگاران، ادیبان، لغویان، مجموعه پردازان، اهل کشف و عرفان، شاعران و منقبت سرایان، حتی نویسندگان کتب جغرافیا و بلدان، و مولفان دایره المعارفها، همه و همه، در کتابهای گوناگون خویش، به ذکر احادیث و مطالب مربوط به مهدی پرداخته اند، و سخنانی مهم در باره این موضوع گفته اند.^۳

وقتی انسان مطالعه می کند می بیند که مسأله مهدی موعود در روایات اهل تسنن از روایات شیعه بیشتر هست و کمتر نیست.^۴

❁ چرا بعد از شهادت حضرت مهدی (عج) رجعت صورت می گیرد؟

از این جهت که بعد از شهادت حضرت مهدی عالم باقی است و از طرفی زمین نباید خالی از حجت باشد و آلا اهلش را فرو می برد «لولا الحجة لساخت الارض باهلها»^۵ و روایات می گوید قبل از شهادت مهدی (عج) اولین کسیکه به دنیا بر می گردد حسین بن علی (ع) است و هم آن حضرت است که امام دوازدهم را غسل داده کفن می کند و به خاک می سپرد و چهل سال حکومت خواهد فرمود.^۶

۱. دادگستر جهان، ص ۶۶-۶۷، استاد امینی.

۲. خورشید مغرب، ص ۵۲.

۳. خورشید مغرب، ص ۶۰-۶۱.

۴. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۴۲، شهید مطهری.

۵. حکومت عدل گستر، ص ۴۶، حسین حیدری کاشانی.

۶. القرآن و العترة، حکیم الهی میرزا محمد علی شاه آبادی؛ حکومت عدل گستر، ص ۴۷-۴۸.

بزرگان دین

❁ چرا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از تمام زنان عالم (حتی از حضرت مریم) افضل می‌باشند؟
دلائل واضحی، برتری فاطمه زهرا علیها السلام را بر تمامی زنان عالم اثبات می‌کند.
الف- فاطمه تحت تربیت مستقیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، ولی مریم علیها السلام تحت تربیت زکریا بود. و معلوم است که پیامبر ما اشرف انبیاء است.
ب- فاطمه زهرا را هاله ای از نور احاطه کرده بود. پدر بزرگواری چون رسول الله صلی الله علیه و آله، همسری چون علی مرتضی علیه السلام و فرزندانی چون حسن مجتبی و حسین سید الشهدا علیهما السلام و زینب کبری، ولی مریم علیها السلام را تنها نور زکریا علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام گرفته بود.
ج- حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با موضع گیری صحیح و حکیمانه خود، خدمت شایانی به تاریخ اسلام کرد.
د- وقتی علمای ربّانی این امت از انبیای بنی اسرائیل افضل اند، چگونه حضرت فاطمه علیها السلام از مریم علیها السلام که پیامبر هم نیست افضل نباشد؟!
ه- از همه بالاتر، احادیث معتبر و مورد تایید شیعه و سنی درباره کرامت و حجیت دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد.
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مریم، سرور زنان زمان خود بود. اما فاطمه علیها السلام سرور همه بانوان جهان از اولین و آخرین است.»^۱

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۳۶، بحار، ج ۱۰، ص ۲۴.

حضرت مریم از همه جهات افضل نبوده، بلکه از جهت انتخاب برای خدمت معبد در حالی که فقط پسران پذیرفته می‌شدند و از لحاظ عبودیت و طهارت از معاصی و عصمت و نیز به خاطر تولد پیامبری از او بدون داشتن همسر یرتری داشته است.^۱

ی- عن جابر بن عبد الله الانصاری عن رسول الله ﷺ عن الله تبارک وتعالی انه قال: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک، ولولا علی لما خلقتک، ولولا فاطمة لما خلقتکما» ثم قال جابر: «هذا من الاسرار امرنا رسول الله ﷺ بکتمانها الا من أهله».^۲

❖ چرا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) معصوم می‌باشند؟

ادله زیادی بر عصمت ایشان دلالت دارد که بعضی از آنها عبارت است از:

۱. آیه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً که بر عصمت پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین دلالت می‌کند.

زمانی که این پنج تن زیر کسا قرار گرفتند جبرئیل نازل شد و فرمود که خداوند سلام می‌رساند و می‌فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً».

۲. آیه «یا مریم ان الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین» که بر عصمت حضرت مریم که سیده زنان زمان خودش است، دلالت دارد، به طریق اولی بر عصمت حضرت زهرا که سیده زنان اولین و آخرین است دلالت دارد.

۳. امام صادق (علیه السلام) در علت نامگذاری حضرت فاطمه، به فاطمه می‌فرماید: «لأنها فطمت من الشر» چون از شر جدا شده بود.^۳ بنابراین چنین کسی قطعاً معصوم می‌باشد.

❖ چرا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با اینکه از همه فرزندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) کوچک تر

بوده و کمتر مصاحبت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را درک کرده، با فضیلت تر می‌باشد؟

حسین بن روح در جواب مردی چنین گفت: «به سبب دو خصلت که خدای سبحان مخصوص او گردانیده بود» یکی اینکه وارث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و دیگری این که نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از ذریه اوست و خداوند سبحان این‌ها را به او ارزانی نداشت مگر به خاطر اخلاصش در نیت.^۴

۱. میزان، ج ۳، ص ۲۰۵.

۲. کشف النالی؛ جنة العاصمة؛ فاطمة بهجة قلب المصطفى؛ ضیاء العالمین؛ المرندي؛ مستدرک سفينة البحار؛ بحر المعارف؛ الأسرار الفاطمية؛ مجمع التورین؛ العوالم.

۳. فضائل الزهراء، ص ۱۶.

۴. بحار، ج ۴۳، ص ۳۷؛ اخلاق حضرت فاطمه، ص ۱۴۸، محمد مهدی تاج لنگرودی.

❖ چرا پیامبر اسلام ﷺ زیاد حضرت فاطمه (علیها السلام) را می‌بوسیدند؟

زیرا فرمودند: حضرت جبرئیل سببی از سیب‌های بهشت را برای من آورد و آن را خوردم و نطفه حضرت فاطمه از آن منعقد گردید لذا من بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم.^۱

❖ چرا تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) سنت شده است؟

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

روزی رسول خدا ﷺ در منزل ما بودند، فاطمه (علیها السلام) در باره کارهای خانه از ایشان تقاضای کنیز کرد، پیامبر ﷺ به او فرمود: آیا بهتر از کنیز می‌خواهی؟
من به فاطمه (علیها السلام) گفتم: بگو آری.

فاطمه (علیها السلام) گفت ای رسول خدا ﷺ بهتر از کنیز می‌خواهم.

پیامبر ﷺ فرمود: در هر روز ۳۳ بار خدا را تسبیح کن، و ۳۳ بار خدا را حمد کن، و ۳۴ بار تکبیر بگو، که این صد تسبیح در زبان است و موجب هزار پاداش در میزان (ترازوی اعمال) می‌گردد.

ای فاطمه اگر این تسبیحات را در هر روز در بامداد بگویی، خداوند امور و مقاصد دنیا و آخرت تو را کفایت می‌نماید.^۲

❖ چرا رسول خدا ﷺ فدک را به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بخشیدند؟

رسول خدا ﷺ فدک را برای تألیف قلوب و گرایش به حضرت علی (علیه السلام) در اختیار بیت عترت قرار داده بود تا مرد میدان و محراب، عدالت و شمشیر، بتواند با آن کینه‌ها را پاک و دل‌ها را شاد گرداند، چون هیچ خانه‌ای از قریش نمانده بود، مگر آن که حضرت علی (علیه السلام) در راه خدا و رسولش، از آن سری گرفته بود.

❖ چرا شیعیان گویند فدک حق حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌باشد؟

۱. زیرا فدک را پیامبر خدا ﷺ در زمان حیات به حضرت زهرا بخشیدند و از چیزهایی نبوده است که از روی ارث به حضرت زهرا (علیها السلام) رسیده باشد تا آنهایی که حدیث آورده‌اند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «من از خود چیزی به ارث نمی‌گذارم» بگویند این فدک ارث بوده و طبق حدیث مجعول به حضرت زهرا (علیها السلام) نمی‌رسد.

۲. دلیل دیگر بر اینکه هرگز پیامبر چنین حدیثی را نفرموده‌اند، این است که این حدیث

۱. علل الشرایع، ص ۱۸۳.

۲. رتبه‌ها و فریادهای فاطمه، ص ۶۳.

خلاف قرآن است «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» و به قول خود حضرت حدیثی که مخالف قرآن باشد، مردود می‌باشد. ۳. حضرت زهرا علیها السلام ذوالید بودند و دیگران باید اقامه بینه کنند که نکردند بنابراین فدک حق مسلم حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد.

❁ چرا فدک را از حضرت زهرا علیها السلام غصب کردند؟

ابن ابی الحدید معتزلی روزی از استادش (علی فارقی از علمای بغداد) پرسید: آیا فاطمه در ادعای فدک راستگو بود؟ علی فارقی گفت: آری. ابن ابی الحدید پرسید: اگر راستگو بود چرا ابوبکر ملک او را به وی پس نداد؟ علی فارقی تبسمی کرد و سپس سخن لطیفی گفت و آن اینکه اگر ابوبکر آن روز فدک را به مجرد ادعای زهرا به وی می‌داد فردا برمی‌گشت و ادعا می‌کرد، خلافت حق شوهرش علی است و ابوبکر را از مسندش پایین می‌کشید! ابوبکر هم نمی‌توانست به هیچ وجه خود را معذور بدارد. زیرا قبلاً پذیرفته بود که دختر پیغمبر (ص) راستگوست و نیازی به شاهد ندارد.^۱

زیرا خلیفه وقت دید که در آمد او کفاف مخارج اداره مسلمین را نمی‌دهد و گروهی هم از فرمان او سرپیچی کردند و درآمد فدک هم بد نیست، لذا بر آن شد که فدک را از فاطمه بگیرد. لذا دستور داد تا عمال دختر پیغمبر علیها السلام را از فدک بیرون کردند و فدک را غصب نمود و جزء بیت المال مسلمانان نمود. دیگر اینکه طرفداران علی علیه السلام و هواخواهان اهل بیت که حاضر به بیعت نبودند اطراف علی علیه السلام بودند خلیفه بیم داشت که چون درآمد خوبی از خمس و درآمد نخلستانها و فدک دارند یکروزی بر او بشورند، در وهله اول خواست آنها را دست تهی نگاه دارد تا قدرت قیام نداشته باشند و دنیا پرستان هم از اطراف آنها پراکنده شوند.^۲

غصب فدک چند علت دارد: ۱- به خاطر یک حدیث جعلی که به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ما پیامبران از خود ارثی به جا نمی‌گذاریم بلکه آنچه داریم بعد از مرگ ما صدقه حساب می‌شود لذا گفتند: طبق این حدیث نباید فدک به حضرت فاطمه به ارث برسد.

۲- جنبه سیاسی داشت، چون دین داران و آخرت طلبان، دنبال علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بودند، لذا اگر صاحب فدک هم بودند، دنیا طلبان هم سراغ آنها می‌رفتند و کسی هرگز سراغ آن افراد غاصب خلافت نمی‌رفت.

بحث فدک حضرت زهرا علیها السلام بحث زمین نبود، بلکه با توجه به پاسخ حضرت موسی بن

۱. اجتهاد در مقابل نص، ص ۱۰۷؛ علی و فتنه ها، ص ۹۶.

۲. مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۷۹.

جعفر علیه السلام به مهدی عباسی، خلافت و وصایت رسول صلی الله علیه و آله بود.^۱

❁ چرا علی رغم عدم دلبستگی حضرت فاطمه (س) به دنیا و عدم اندیشه اندوختن مال و ثروت، بر استرداد فدک تأکید بسیار داشتند؟

هدف ایشان انقلابی عظیم بوده است. انقلابی که آن زمان توسط اول سرباز ولایت پایه گذاری گشت. انقلابی که می خواست امت غافل و حیران را پس از رحلت رسول خدا (ص) هوشیار و آگاه سازد، به این که زعامت مسلمین به ناحق غصب شده است. و همین فریادهای معترضانه زهرا (س) بود که توطئه آوردن بدعت در دین را خنثی و رسوا ساخت. و هشدار بود برای آنان که قصد پایمال نمودن زحمات ۲۳ ساله رسول خدا (ص) را داشتند.^۲

حضرت زهرا (س) در دوران پس از پیامبر تنها به دنبال فرصتی بود تا حقانیت امام زمانش را به اثبات برساند، و پیش کشیدن مسأله فدک و پیگیری آن وسیله ای برای بیان اعتراضی به غصب حق ولایت بود، و این مسأله اساسی دین در سرتاسر خطبه فدک ایشان هم چون سایر سخنان و خطبه ها کاملاً آشکار است.^۳

شهید مطهری (ره) گویند: رفتن به دنبال حق مطلوب، به خاطر نجات دادن آن حق، یک ارزش بسیار عالی به حساب می آید. و اگر دیگری حق انسان را به زور بگیرد و او برای احقاق حق خود تلاش نکند و بگوید اشکالی ندارد، و ایثار کند؛ یک کار ضد اخلاقی و ضد ارزشی انجام داده است. فدک به عنوان یک ثروت برای زهرا (س) ارزشی ندارد، ولی فدک به عنوان یک حق ربوده شده، و این که حق را باید احیا کرد، برای همان زهرا (س) آنقدر ارزش دارد که می آید در مسجد مدینه، در حضور خلیفه وقت، و خطبه ای به آن غرایی را در آن جا انشاء می کند و با کمال شجاعت از حق خودشان دفاع می کند.^۴

فدک سند مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام است. فدک تبارنامه قبیله ای است که حرفشان را با خون امضاء کردند و مستانه در راه ولایت از همه چیز خود گذشتند.

حضرت زهرا علیها السلام به بهانه غصب فدک آنچنان، مهتج و کوبنده و مستدل و مبرهن، و محکم و قاطع، سخن گفت و منافقان را رسوا و مردم را هشیار و انصار را تحریک کرد، و با ناله های خود و یاد رسول صلی الله علیه و آله از دیده ها چنان اشک گرفت که آه از نهادها برآمد و لوله ای برخاست و جماعتی دست بر قبضه ها بردند.

۱. ره توشه راهیان نور ویژه جوانان، سال ۱۳۸۳.

۲. علی و فتنه ها، ص ۹۴، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

۳. علی و فتنه ها، ص ۹۳، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

۴. یکصد و ده سؤال از استاد مطهری، ص ۱۳۳، مجید باقری.

❁ چرا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در سنین جوانی از دار دنیا رفتند؟

عمر فاطمه (علیها السلام) مانند گل، کوتاه بود و اندک زمانی پس از رحلت پدرش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در گذشتند. چنین سوآلی را شخصی از امام صادق (علیه السلام) کرد؛ حضرت در حالی که محزون و غمگین شدند و اشک از چشمانشان جاری بود فرمودند: مادر ما بر اثر ضربات غلاف شمشیر قنقذ بیمار شدند و از دار دنیا رفتند.

حضرت علی (علیه السلام) در موقع دفن حضرت زهرا، خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «وَسَتُبْنِيكَ ابْنَتَكَ بِتَضَافُرِ أُمْتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ هَذَا». ابن شهر آشوب چنین می نویسد: «أَنَّهَا مَا زَالَتْ بَعْدَ آيِبِهَا مَعْصِيَةِ الرَّأْسِ خَاحِلَةً الْجِسْمِ - مُنْهَدَّةً الرُّكْنَ - بَاكِئَةً الْعَيْنَ - مُحْتَزَّةً الْقَلْبَ يُغْشَى عَلَيْهَا سَاعَةٌ بَعْدَ سَاعَةٍ - وَتَقُولُ لَوْلَدَيْهَا أَيْنَ أَبُو كَمَا الَّذِي كَانَ يَكْرِمُكُمْ وَيَحْمِلُكُمْ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ - أَيْنَ أَبُو كَمَا الَّذِي أَشَدَّ النَّاسِ شَفَقَةً عَلَيْكُمْ»^۱.

حضرت زهرا (علیها السلام) می فرمایند:

صَبْتُ عَلَى مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

مرحوم کمپانی می گوید:

أَلَسْتُ أَذْرِي خَبَرَ الْمُسْمَارِ

«فماتت حين ماتت و ان في عضدها مثل الدملج من ضربته» یعنی وقتی فاطمه (علیها السلام) بر اثر

آن ضربت (پس از مدتی) از دنیا رفت، آثار شدید آن تازیانه (مانند بازوبند و دستبند) در بازوی زهرا (علیها السلام) نمایان بود.^۲

ماتت و ما ماتت مكارمها السنية

فقطضت فاطم و في الجنب منها

الى ان قضت مكسورة الضلع مسقطا

هاشمی خراسانی گوید:

صبر كن يا فاطمه اي بانوي پهلو شكسته

اينقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو

محسنا از ضربت مسمار گر مقتول گشتی

عن قريبا داد خواه بي گناهان خواهد آمد^۴

۱. كشف الغم، ص ۱۴۹.

۲. رنجه و فريادهای فاطمه، ص ۱۳۷.

۳. الكوكب الدرّي، ج ۱، ص ۲۴۷، شيخ محمد مهدي حائري مازندراني.

۴. گلوازه ۱، گردآورنده محمد مظهر، ص ۱۳۸-۱۳۷.

قال سليم قلت يا سلمان هل دخلوا ولم يك استيذان فقال: اي وعزة الجبار ليس على الزهراء من خمار فمذ رأوها عصروها عصره كادت بروحي ان تموت حسرة. سليم گوید: گفتم: ای سلمان آیا حمله کنندگان به خانه فاطمه بدون اجازه داخل شدند؟! گفت: آری سوگند به عزت خدا که بر زهرای اطهر، سرپوش و چادری نبود... وقتی او را دیدند به شدت او را میان در و دیوار فشردند که به جانم سوگند نزدیک بود که با حسرت از دنیا برود.^۱ تنها نگشت خانه من قتلگاه من کشتند پشت در پسر بیگناه من خون میچکد ز سینه مجروح من هنوز مسمار هست روز قیامت گواه من.^۲

❖ چرا خلیفه وقت از همه مالیات می گرفت ولی از قنفذ نمی گرفت؟

چنین سؤالی را عباس از امیرالمؤمنین علی علیه السلام کرد حضرت به اطراف خود نگاه کرد، و قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «برای اینکه از ضربتی که قنفذ با تازیانه به فاطمه علیها السلام زده بود، تشکر نماید، فاطمه علیها السلام وقتی که از دنیا رفت اثر آن تازیانه، مثل بازوبند در بازویش مانده بود».^۳

❖ چرا حضرت فاطمه علیها السلام در حدیث کسا (هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبُعْلُهَا وَبَنُوهَا)، محور پنج تن آل عبا قرار گرفته اند؟

تا فضیلت ایشان بر همگان آشکار گردد. از فضائل آن حضرت:

۱. آیه تطهیر بر عصمت وی دلالت دارد
۲. بارزترین مصادیق قُرَبی در آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» است.
۳. در حدیث قدسی آمده که «يَا أَحْمَدُ لَوْلَايَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا»^۴
۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که اشرف کاینات و افضل رسل و گل سرسید هستی می باشند، در شأن دختر خود فاطمه فرمودند: «فداها أبوها» یعنی: پدرش به فدایش باد.
۵. دختر سید انبیا و همسر سید اوصیا و مادر یازده امام معصوم می باشند.
۶. کسی است که حضرت جبرئیل امین با او سخن می گفته است.^۵

۱. فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص ۱۰۳؛ اخلاق حضرت فاطمه، ص ۱۹، تاج لنگرودی.

۲. اخلاق حضرت فاطمه، ص ۱۹، تاج لنگرودی.

۳. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۵۷.

۴. کشف اللثالی؛ جنة العاصمة؛ فاطمه بهجة قلب المصطفى؛ ضیاء العالمین؛ المرندی؛ مستدرک سفينة البحار؛ بحر المعارف؛ الأسرار الفاطمية؛ مجمع الثورین؛ العوالم.

۵. یکی از نامه های ایشان محدثه است یعنی کسی که فرشته با او سخن می گفته.

۷. مصحفی دارد که تمام وقایع عالم و علم اولین و آخرین در آن موجود می‌باشد.

❁ چرا در سال دو مرتبه ایام فاطمیه می‌گیرند؟

به جهت این که در روز شهادت ایشان اختلاف نظر هست بعضی ۷۵ و بعضی ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر را شهادت ایشان می‌دانند و سبب اختلاف روایتی است که (به خط کوفی) آمده است: و چون در زمان قدیم حروف نقطه نداشت بعضی سبع و سبعون (۷۵) و بعضی تسع و تسعون (۹۵) خوانده اند.

❁ چرا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را شهید کردند؟

زیرا دشمن، حضرت زهرا را مزاحم اجرای برنامه‌های خود دید و به این نتیجه رسید که برای رسیدن به هدف خود و خانه نشینی علی (علیه السلام) تنها راه همین است. زیرا ایشان بهترین حلی ولایت بودند.

❁ چرا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وصیت کردند که شبانه ایشان را دفن کنند؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) (خطاب به پیامبر خدا) می‌فرمایند: من از ترس دشمنان، دختر تو را پنهان به خاک سپردم. دختر تو که حقش را ربودند و میراث او را از او باز داشتند. (و حتی بنا بر قول صحیح فدک را پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمان حیات خود به زهرا (علیها السلام) بخشیده بودند).^۱ تا تاریکی شب مانع شود که علی (علیه السلام) به آثار زخم‌هایی که از ناحیه دشمنان به وی رسیده بود بنگرد و داغش تازه گردد، زیرا نمی‌خواستند آن‌هایی که به او ظلم کرده و حقش را غصب نموده‌اند در دفن و کفن او شرکت کنند.^۲

❁ چرا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) وصیت کردند که از زیر پیراهن، حضرت علی (علیه السلام)، ایشان را غسل دهند؟

زیرا نخواستند که دیده‌های گریان حضرت علی (علیه السلام) به بدن مجروح و صورت کبود و پهلوی شکسته او بیفتد.

❁ چرا قبر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مخفی و پنهان است؟

پنهانی قبر حضرت زهرا (علیها السلام) نشان مظلومیت و غربت ولایت است. حضرت زهرا (علیها السلام) نمی‌خواست تا دشمنانش که دشمنان خدا و رسولند، بر سر مزارش اقامه عزا کرده و بدین وسیله عوام فریبی کنند. آن قدر این امر بر آنها سنگین بود که تصمیم گرفتند

۱. رنجا و فریادهای فاطمه، ص ۲۵۵.

۲. سوگنامه آل محمد، ص ۳۰.

نیش قبر کرده تا قبر حضرت زهرا علیها السلام را پیدا کنند و بر جنازه اش نماز گزارند.^۱
حضرت زهرا علیها السلام می‌خواست با طرح سؤال در اذهان مردم، که چرا تنها یادگار رسول قبرش را پنهان نموده، آنان را به فکر وادارد تا خود به دنبال جواب رفته و مستبین اصلی را بیابند. همین است که می‌بینیم برخی، برخی دیگر را ملامت می‌کردند که تنها دختر پیامبر از دنیا رفت و به هیچ کدام از آنان اجازه حضور در دفن و نمازش نداد، و قبرش را هم پنهان کرد.^۲

❁ چرا قبر حضرت زهرا علیها السلام بنا بر قولی تا قیام حضرت مهدی (عج) پنهان است؟
به جهت این که سندی باشد برای مظلومیت و غریبی ایشان و از طرفی نشانه‌ای است بر این که تا قبل از ظهور مهدی کسی قادر به گرفتن حق ایشان نمی‌باشد.

❁ چرا حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا به استقبال جنازه‌ها آمد بجز جنازه پسران خود؟
دو علت را ذکر می‌کنند ۱- تا مبدا چشمش به پیکرهای بخون طپیده پسرانش بیفتد و بی تابی کند و پاداشش کم بشود ۲- از این رو که مبدا برادرش حسین علیه السلام او را در این حال بنگرد و در برابر خواهر شرمنده یا بی جواب بماند.^۳

❁ چرا حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با این که اهل مدینه بودند در قم مدفون گردیدند؟
حضرت معصومه علیها السلام یک سال بعد از آن که امام رضا (ع) به خراسان رفته بودند برای زیارت برادر خود حضرت رضا علیه السلام از مدینه طیب به جانب مرو (خراسان) حرکت نمودند. همین که به ساوه قم رسیدند مریض شدند پرسیدند: از این جا تا قم چقدر راه است؟ گفتند: ده فرسخ، به خادم خود دستور دادند که مرا به قم ببر! خادم، آن حضرت را به قم آورد و در خانه موسی ابن خزرج بن سعد وارد شدند. حضرت معصومه علیها السلام مدت هفده روز در خانه موسی بن خزرج زنده بودند و بعد از آن از دنیا رفتند و در زمین بابلان (همان جا که فعلاً مقبره آن حضرت است) که در آن موقع ملک موسی بن خزرج بود حضرت را به خاک سپردند.^۴

❁ چرا با این که قامت حضرت ابوالفضل رشید و بلند بوده است ولی قبر اصلی حضرت کوچک می‌باشد؟

علامه بحر العلوم می‌فرمایند: چون به قدری ضربت شمشیر و نیزه و تیر بر او وارد شده بود

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۱۹۹.

۲. بحار، ج ۴۳، ص ۱۷۱.

۳. سوگنامه آل محمد، ص ۲۹۲.

۴. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۹۶-۹۵.

که بدنش قطعه قطعه شده بود و آن قامت بلند به قطعاتی تبدیل یافت.^۱

❁ چرا حضرت ابوالفضل امام حسین علیه السلام را به برادر خطاب نمی کردند؟

به خاطر رعایت احترام به ساحت مقدس برادرشان حسین علیه السلام بود و می فرمود: مادر من ام البنین ولی مادر امام حسین علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام می باشد لذا چنین جرأتی را به خود نمی دهم که حسین را به عنوان برادر خطاب کنم.

❁ چرا حضرت ابوالفضل با این که در طول عمر، امام حسین علیه السلام را به عنوان برادر خطاب نکرده بود اما لحظه آخر عمر او را به برادر خطاب کرد و فرمود: «يَا أَخَا أَدْرِكَ أَخَاكَ الْعَبَّاسُ؟» گویند: چون در آن لحظه در عالم معنا صدای حضرت فاطمه را شنید که می فرماید: ای فرزندم عباس! لذا حضرت ابوالفضل به خود اجازه داد تا حسین فاطمه را به عنوان برادر خطاب کند.

❁ چرا امام حسین علیه السلام در مرگ حضرت ابوالفضل فرمودند: «لَا أَنْكَسَرَ ظَهْرِي...» یعنی الان کمرم شکست؟

زیرا آن قدر علاقه به حضرت ابوالفضل داشتند که خطاب به او فرمودند: «بَنَفْسِي أَنْتَ» و تا وی زنده بود دشمن جرأت نزدیک شدن به خیمه ها را نداشت و در حدیث است وقتی که حضرت ابوالفضل کشته شد، جرأت لشکر در به طرف خیمه رفتن زیاد شد، و یا اینکه جریء شدند.^۲

❁ چرا امام حسین علیه السلام نعش حضرت ابوالفضل را به خیمه ها نبردند؟

مرحوم سید عبد الرزاق مقرر در کتاب خود (مقتل الحسین) می نگارد: حضرت می خواست مرقد مطهر حضرت باب الحوائج قمر بنی هاشم از مرقد سایر شهیدان کربلا جدا و ممتاز باشد تا مردم در موقع نیاز و احتیاج و زیارت به این بقعه مبارکه روی آور شوند، و تحت قبه مبارکه حضرتش کشف و کراماتی بظهور و بروز برسد تا امت اسلام قدر و منزلت عالی حضرت عباس را نزد خدا بدانند.^۳

❁ چرا حضرت ابوالفضل روز عاشورا هنگامی که وارد شریعه فرات شدند با این که بسیار تشنه بودند آب ننوشیدند؟

به دو جهت: ۱. وصیت پدرشان حضرت علی علیه السلام چنین بود که هر گاه روز عاشورا وارد

۱. سوگنامه آل محمد، ص ۳۱۹.

۲. مجالس الموعظ، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

شریعه فرات شدی تا حسین آب ننوشیده آب ننوش ۲. می خواست تا مواسات خود را نسبت به برادرش حسین علیه السلام به اثبات برساند.

❁ چرا قبر حبیب بن مظاهر جدای از دیگر قبور شهدا می باشد؟

علی دارد از جمله: ۱- حبیب بن مظاهر از ریش سفیدان معروف شیعه در کوفه بود و از کسانی بود که نامه برای امام حسین (ع) نوشته و تا آخرین نفس وفاداری کرد.^۱
۲- امام حسین علیه السلام در نامه ای خطاب به حبیب بن مظاهر نوشتند: از حسین بن علی به حبیب بن مظاهر، مرد فقیه و دانشمند، ای حبیب! تو خویشاوندی ما را با رسول خدا (ص) می دانی، و بهتر از دیگران ما را می شناسی، تو مرد آزاده و غیور هستی، جان خود را از ما دریغ مدار، که رسول خدا (ص) در روز قیامت پاداشت خواهد داد.^۲

۳- حبیب بن مظاهر کسی است که حضرت زینب (س) فرمودند: سلام مرا به او برسانید.^۳
۴- شهادت حبیب موجب شد که شکستگی و حزن در چهره امام حسین (ع) آشکار گشت چرا که حبیب پرچمدار جانب چپ لشکر امام حسین (ع) بود، امام به بالین حبیب آمدند و فرمودند: «لله درک یا حبیب لقد کنت فاضلا تختم القرآن فی لیلة واحدة». به به! خدا به تو خیر دهد ای حبیب، تو شخص با کمال بودی و در یک شب تمام قرآن را می خواندی.^۴

❁ چرا حرّ بن یزید ریاحی موفق به توبه شد؟

علی دارد از جمله:

وی از خانواده ای اصیل بوده است و لذا لیاقت توبه و شهادت در رکاب امام حسین (ع) را داشته است این مطلب از رجز خوانی خود حرّ در کربلا استفاده می شود و آن عبارت است از: من آن حرّم که خانه ام، محل فرود و پناه مهمان بود و رسم مهمان نوازی را می دانم، من آن حرّم که از خاندان حرّ بزرگ شده و شجاعت و آزادگی را از پدران خود به ارث برده ام.^۵
امام حسین (ع) خطاب به حرّ فرمودند: «انت الحرّ کما سمّک امّک و انت الحرّ فی الدنیا و الآخرة». تو آزادی همانگونه که مادرت تو را آزاد نامید، تو در دنیا و آخرت آزاد هستی.^۶
زمانی که حرّ راه را به روی امام حسین (ع) بست حضرت در حق او نفرین نمودند و فرمودند:

۱. سوگنامه آل محمد، ص ۲۵۴.

۲. نفس المهموم - نهج الشهادة، ص ۶۶؛ سوگنامه آل محمد، ص ۲۶۰.

۳. معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۷۲؛ سوگنامه آل محمد، ص ۲۶۱.

۴. مقتل ابی مخنف، ص ۱۰۸؛ معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۷۶؛ سوگنامه آل محمد، ص ۲۶۱.

۵. سوگنامه آل محمد، ص ۲۵۴.

۶. بحار، ج ۴۵، ص ۱۴ و ۱۵؛ سوگنامه آل محمد، ص ۲۵۵.

«تُكَلِّتُكَ أُمُّكَ» یعنی: مادرت به عزایت بنشیند از ما چه می خواهی؟ حرّ گفت: اگر از عرب غیر تو نام مادرم را این گونه به زبان می آورد من هم نام مادرش را می بردم، ولی سوگند به خدا جز اینکه مادرت را به بهترین وجه یاد کنم، راهی ندارم.^۱

حرّ به قول خودش خواست امام را نصیحت کند، لذا گفت: ای حسین! برای خدا جانّت را حفظ کن، من یقین دارم که اگر جنگ کنی کشته می شوی.^۲

حرّ به امام حسین(ع) عرضه داشت شما نماز بخوان و ما پشت سر شما نماز می خوانیم، لذا هر دو سپاه(سپاه امام حسین و سپاه حرّ) به امام حسین(ع) اقتدا کرده و نماز ظهر را خواندند.^۳

از خدا خواهیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از فیض ربّ

✽ چرا بشر حافی موفق به توبه شد؟

بشر حافی، ابتدا مشغول به انجام معاصی و شراب خواری و دنیا پرستی بود. روزی در خیابان کاغذی پیدا کرد که در آن نوشته شده بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پس آن کاغذ را برداشت تا مبدا بر روی آن پا گذاشته شود. پس پارچه یا مقوایی خرید و آن کاغذ را درون آن گذاشت و خوشبو کرد و لای دیواری گذاشت. شب در خواب به او گفته شد: ای انسانی که اسم مرا پاکیزه کردی، اسم تو را در دنیا و آخرت پاکیزه، بر سر زبان ها می کنم. چون صبح شد، توفیق توبه به سبب(احترام به) اسم خدا نصیبش شد.^۴

روزی در خانه بشر صدای ساز و آواز بلند بود که امام کاظم(ع) از در خانه او عبور کردند از کنیزی پرسیدند صاحب خانه آزاد است یا بنده؟ گفت: آزاد است. حضرت فرمود: بله آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها از خانه اش بلند نبود. چون بشر فهمید که امام کاظم(ع) بودند حالت توبه برایش دست داد و با پای پیاده عجله کنان به محضر امام رفت و توبه نمود.^۵ لذا به بشر حافی یعنی بشر پا برهنه معروف گردید.

✽ چرا شمر (لعنة الله عليه) وقتی امان نامه برای حضرت ابوالفضل و برادران او آورده بود گفت «أَيْنَ بَنُو أَخْتِنَا» یعنی پسران خواهر ما کجایند! در حالی که هرگز حضرت ابوالفضل و برادران او پسران خواهر شمر نبودند؟

شمر از این جهت ایشان را فرزندان خواهر خطاب کرد که مادر آن چهار جوانمرد یعنی

۱. سوگنامه آل محمد، ص ۲۲۰.

۲. سوگنامه آل محمد، ص ۲۲۰.

۳. سوگنامه آل محمد، ص ۲۱۹.

۴. لثالی الاخبار، ج ۳، ص ۳۳۵، یکصد موضوع ۵۰۰ داستان، ص ۱۴۱، سید علی اکبر صداقت.

۵. سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۱۶۲، شهید مطهری.

عباس، عبدالله، جعفر و عثمان، ام البنین بود که از قبیله بنی کلاب بشمار می‌رفت و شمر هم از قبیله بنی کلاب بود. در عرب رسم است که این گونه افراد را فرزندان خواهر خطاب می‌کنند.^۱ با توجه به اینکه ام البنین (مادر حضرت ابوالفضل) از قبیله شمر بود شمر این جمله «این بنو اختنا» را گفت.^۲

چنان که حتی در فارسی هم رسم است که با این که دو نفر رابطه فامیلی ندارند ولی یکدیگر را به عمو و بابا و غیره خطاب می‌کنند.

❁ چرا حضرت عبدالمطلب چنین نذری کرد که اگر خداوند چندین فرزند به او داد یکی را قربانی کند؟

چند جواب می‌شود داد: ۱. این کار قبیح ذاتی نداشته و الا حضرت ابراهیم از طرف خداوند مأمور به ذبح اسماعیل نمی‌شد، بلکه طبق مصلحتی جایز می‌گردد. ۲. عرف آن زمان این کار را تقبیح نمی‌نموده است. ۳. چون بت پرست‌ها در مقابل بت خویش فرزند قربانی می‌کردند ایشان هم برای خدا چنین نذری نمود. ۴. این نذر، شدت دوستی او را به خداوند می‌رساند که حاضر است فرزند عزیز خود را برای خدا قربانی نماید. ۵. حضرت استاد آیت الله مکارم (زید عزه) می‌فرمایند: شاید بعد از آن که نذر را روی فرزند می‌آوردند به جای آن، قربانی دیگری می‌کردند.^۳ ۶. وی معصوم نبود تا اعمالش برای دیگران حجت باشد. ۷. احتمال می‌رود که عمل حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به اسماعیل علیه السلام سنت بوده است.

❁ چرا مادر حضرت مریم دختر خود را بلافاصله بعد از وضع حمل مریم نامگذاری نمود؟

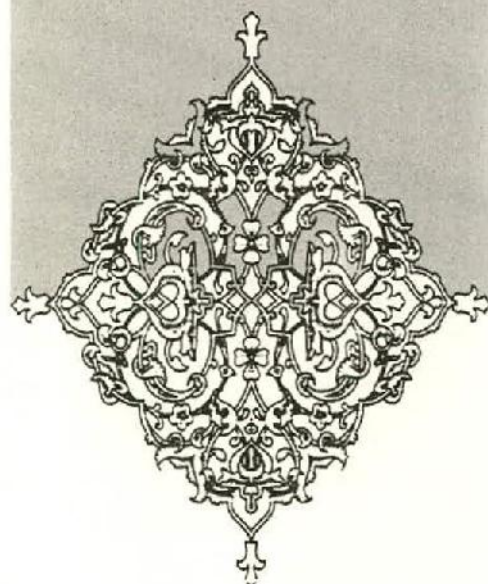
«مریم» در لغت آن شهر، به معنای زن عابد است، و نیز زن خدمتکار است لذا مادر مریم خواست تا بعد از نومیادی از زاییدن پسری که محرر برای عبادت و خدمت باشد بلادرنگ همین دختر را برای این کار محرر کند، پس این که گفت: «سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ»، به منزله این است که گفته باشد: «من این دختر را برای تو محرر زاییدم».^۴

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۵، ص ۶۷.

۲. سوگنامه آل محمد، ص ۲۳۳.

۳. سؤال کتبی از خود استاد.

۴. المیزان، ج ۳، ص ۲۷۰.



معاد

❁ چرا خداوند معاد را برای انسان‌ها قرار داده است؟

زیرا ۱. اگر نباشد، زندگی دنیا عبث و بیهوده می‌شود ۲. عدل الهی چنین چیزی را اقتضا می‌کند ۳. رحمت بی پایان الهی ایجاب می‌کند که فیض و نعمت او با مرگ انسان قطع نگردد و تکامل افراد مستعد و شایسته هم چنان ادامه یابد.^۱

❁ چرا خداوند برای انسان‌ها مرگ را قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زیرا در غیر این صورت زمین برای مردم تنگ و مسکن‌ها و کشتزارها و ابزار زندگی برایشان اندک می‌شد و در صورت نبود مرگ، حرص و طمع و قساوت قلب بر آن‌ها حاکم می‌گشت. اگر مطمئن می‌شدند که نمی‌میرند، هیچ کس به آنچه داشت قانع و راضی نمی‌شد. به کسی که از آنان چیزی می‌طلبید چیزی نمی‌دادند و دشواری‌ها و بلاها را فراموش نمی‌کردند. هم چنین از زندگی و تمام امور دنیا ملول و خسته و دلگرفته می‌گشتند. چنان که گاهی کسی که عمری طولانی می‌یابد از زندگی خسته می‌گردد و چه بسا طلب مرگ و رهایی از دنیا می‌نماید.^۲

به قول ملا صدرا مرگ شر نیست بلکه در آن خیر کثیر است هم برای میت و هم برای غیر او اما برای میت خیر است چون از دنیا که محل آفات و محن است راحت می‌شود و به عالم رحمت الهی می‌رسد و اما برای غیر او خیر است چون اگر مرگ نبود زمین تنگ می‌شد و مردم در اکل و شرب در مضیقه قرار می‌گرفتند.^۳

۱. اعتقاد ما، ص ۶۱-۶۰.

۲. توحید مفضل، ص ۱۵۸.

۳. القواعد الکلامیه، ص ۱۹۰.

❁ چرا بعضی از افراد از مرگ می‌ترسند؟

چند علت دارد:

۱. به زندگی بعد از مرگ، ایمان ندارند.
 ۲. ایمان به زندگی بعد از مرگ، به صورت یک باور عمیق در نیامده است.
 ۳. به خاطر دل‌بستگی بیش از حد به دنیا است.
 ۴. به خاطر خالی بودن ستون حسنات و پر بودن ستون سیئات نامه عمل است.^۱
- شخصی از امام جواد علیه السلام چنین سؤالی را کرد حضرت فرمودند: زیرا از حقیقت مرگ آگاهی ندارند و اگر حقیقت مرگ را می‌شناختند و از دوستان خدا بودند، حتماً مرگ را دوست می‌داشتند و درمی‌یافتند که آخرت برای آن‌ها از دنیا بهتر است.
- شخصی از «بوذر» چنین سؤالی را کرد وی گفت: «لَا تُكْمُ عَمَرُتُمُ الدُّنْيَا وَ خَرَبَتُمُ الْآخِرَةَ فَتَكْرَهُونَ أَنْ تَنْتَقِلُوا مِنْ عَمْرَانِ إِلَى خَرَابٍ». یعنی زیرا شما دنیای خود را آباد و آخرتتان را خراب نمودید، اکنون گراهِت دارید که از محل آباد به جایگاه ویرانی، منتقل شوید.^۲

❁ چرا در بین ملائکه حضرت عزرائیل علیه السلام مأمور قبض روح شد؟

در حدیث معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده که چون مشیت خداوند تعلق گرفت بر آنکه حضرت آدم را خلق نماید جبرئیل را به زمین فرستاد تا اینکه قبضه ای از خاک‌های مختلف زمین را بر دارد تا حضرت آدم را از آن ایجاد نماید و چون جبرئیل خواست مقداری از خاک را بگیرد زمین از او سؤال کرد که منظور خدا از خلقت آدم چیست؟ فرمود آنکه او و ذریه اش را مکلف به عباداتی بنماید و هر که را اطاعت کند در بهشت و هر که را نافرمانی نماید در زندان آتشین معذب کند، زمین چون این سخن را شنید جبرئیل را به حضرت حق قسم داد که خاک از من برمدار، زیرا من طاقت عذاب حضرت سبحان را ندارم. لذا جبرئیل بدون آنکه خاکی بردارد برگشت. خداوند میکائیل را مأمور نمود باز چون زمین قسم خورد که از من خاک برمدار، او دست خالی برگشت. خداوند اسرافیل را فرستاد، او هم چنین نمود. این دفعه خداوند عزرائیل را مأمور به آوردن خاک نمود و چون عزرائیل خواست از زمین خاک بر دارد هر چند زمین او را به خداوند جهان قسم داد که از من خاک برمدار، عزرائیل توجهی نکرد و فرمود من از مخالفت دستور خدای خویش می‌ترسم و هرگز به واسطه تضرع تو بر خلاف امر خدای خویش اقدام نخواهم نمود و لذا مقداری از نقاط مختلف خاک را برداشت و به نزد حضرت سبحان حاضر نمود. خداوند از او تقدیر کرد و فرمود: چنانچه در آوردن خاک، امتثال امر مرا نمودی و به تضرع و زاری زمین رحم نکردی، در قبض روح اولاد آدم هم تو را مأمور نمودم تا اینکه

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۲۲-۱۲۱.

۲. ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، سال ۱۳۸۰، ص ۱۹۶-۱۹۵.

به احدی رحم ننمایی و در بغل مادر، بچه شیرخوار او را قبض روح نمایی و دو برادر را به واسطه مرگ از هم جداسازی و بین زن و مردی که سالها الفت بوده به واسطه مرگ مفارقت اندازی و لذا از این رو عزرائیل از طرف خداوند مأمور به قبض روح بندگان خدا گردید.^۱

✽ چرا خداوند یکدفعه قبض روح را به خود «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» یعنی: خداوند در موقع مرگ جان را می گیرد و یکدفعه به عزرائیل «يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ» یعنی: ملک الموت (عزرائیل) جان شما را می گیرد و یکدفعه به ملائکه نسبت می دهد «تَوَفَّيْتُمْ رُسُلَنَا» یعنی: رسل و ملائکه جان را می گیرند نسبت می دهد؟

باید گفت هر کدام از این نسبت ها صحیح می باشد چون قابض الارواح اصلی خداوند و عزرائیل، مَلَكُ مَمُورِ قَبْضِ ارواح و ملائکه دیگر تحت اشراف عزرائیل چنین مأموریتی را انجام می دهند. به فرمایش امام صادق (ع) عزرائیل یارانی از فرشتگان دارد که از اطراف عالم جان ها را می گیرند و به عزرائیل تحویل داده و او همه را به خداوند تقدیم می نماید.^۲ مانند اینکه نوشتن را می توان هم به انسان و هم به دست و هم به قلم نسبت داد.

✽ چرا قبور را به طور چهارگوش ایجاد می کنند؟

امام صادق (ع) می فرمایند: از این جهت که خانه چهارگوش خود را ترک نموده است.^۳

✽ چرا نماز لیلة الدفن (وحشت) سفارش شده است؟

سید بن طاووس از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرمودند: نمی گذرد بر میت، ساعتی سخت تر از شب اول قبر، پس رحم نمایید مردگان خود را به صدقه و اگر نیافتی چیزی که صدقه بدهی پس یکی از شماها دو رکعت نماز کند، در رکعت اول «فَاتِحَةُ الْكِتَابِ» یک مرتبه و توحید دو مرتبه، و در رکعت دوم «فَاتِحَةُ» یک مرتبه و «اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ» ده مرتبه و سلام دهد و بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ ذٰلِكَ الْمَيِّتِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».^۴

نحوه دیگر نماز لیلة الدفن (نماز وحشت) آن است که در رکعت اول سوره «حمد» و یک مرتبه «آیة الکرسی» و در رکعت دوم سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ» و چون سلام دهد بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ ذٰلِكَ الْمَيِّتِ

۱. آیا میدانید؟ ص ۱۵، رضا جاهد.

۲. بحار، ج ۶، ص ۱۴۴.

۳. علل الشرایع، ج ۲ و ۱، ص ۴۰۰.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۴۰۰.

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ».^۱

❖ چرا یاد مرگ کردن مستحب است؟

زیرا یاد آوری مرگ شهوت را در نفس آدمی می‌کشد و ریشه‌های آنرا که غفلت از آن می‌روید خشک می‌کند و آثار هوی و هوس را از بین می‌برد و آتش حرص به دنیا را خاموش می‌سازد و دنیا را در چشم آدمی حقیر و بی ارزش جلوه می‌دهد.^۲

❖ چرا گوییم معاد، جسمانی است؟

۱. زیرا یکی از ضروریات دین محمد ﷺ می‌باشد.
۲. قرآن در آیات زیادی به آن تصریح کرده است. مانند «بلی قادرین علی ان نسوی بنانه»، «کیف یحی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة»، و در وصف بهشت می‌فرماید: «و فاکهة مما یتخیرون و لحم طیر مما یشتهون» و در وصف جهنم چنین گوید: «ان شجرت الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون» و «و شاربون شرب الهیم». و «من الارض تخرجون».

۳. فی نفسه امکان دارد. پس بر ما واجب است که قبول کنیم.^۳
۴. عدل خدا چنین اقتضا می‌کند که همین بدن و جسمی که گناه یا ثواب کرده است در عالم آخرت پاداش یا کیفر ببیند.

❖ چرا بعضی‌ها اعتقاد دارند که معاد، معاد روحانی هست؟

زیرا گویند: اعاده معدوم محال است (توضیح اینکه جسم انسان بر اثر مرگ معدوم می‌شود و اعاده معدوم در قیامت محال است پس معاد جسمانی ممکن نیست) و دیگر این که گویند: دلیل فلسفی از اثبات معاد جسمانی قاصر است لذا قائل به معاد روحانی شده‌اند.

❖ چرا خداوند میان دنیا و آخرت، عالم برزخ را قرار داده است؟

می‌شود گفت که این یک نوع لطف و ارفاقی در حق بندگان می‌باشد زیرا در عالم برزخ ممکن است که به واسطه باقیات صالحات و کارهای نیک ورثه و حتی دوستان و اقوام به درجه میت افزوده شود و یا از گناهان او کاسته گردد.
و دیگر اینکه نظام آفرینش چنین چیزی را اقتضا می‌کند چون عالم دنیا عالم ماده و آثار و عالم آخرت عالم عقل می‌باشد که نه در آن ماده است و نه آثار آن بنابراین برای ارتباط عالم

۱. مفاتیح الجنان، ص ۴۰۰.

۲. مصباح الشریعه، ص ۳۶۴.

۳. کشف المراد، ص ۲۵۸.

دنیا به عالم آخرت، عالم برزخ ضروری و لازم می‌باشد. استاد بزرگوار ما آیت الله مکارم (حفظه الله) می‌فرمایند: روشن ترین تصویرهایی که در باره عالم برزخ ذکر شده این است که روح انسان بعد از پایان زندگی این جهان در اجساد لطیفی قرار می‌گیرد که از بسیاری از عوارض این ماده کثیف برکنار است و چون از هر نظر شبیه این جسم است، به آن «قالب مثالی» یا «بدن مثالی» می‌گویند که نه به کلی مجرد است، و نه مادی محض، بلکه دارای یکنوع «تجرد برزخی»^۱ است.

✽ چرا خداوند بعد از عالم دنیا، عالم آخرت را قرار داده است؟

زیرا علاوه بر این که خداوند و تمام کتب آسمانی و جمیع انبیا و ائمه معصومین چنین گویند، عقل ما گوید: وجود انسان غایت بلندی دارد و مناسب حیات ابدی و کمالات غیر متناهی می‌باشد و در این عالم محدود و متناهی نمی‌تواند به آن کمالات مطلوب خود برسد؛ لذا احتیاج به عالم وسیعتری دارد. دلیل دیگر این که خداوند به بندگان خود وعده ثواب و عقاب داده است و در قرآن فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» یعنی: همانا خداوند خلف وعده نمی‌کند پس به مقتضای وفای به وعده حتماً باید معاد و عالم آخرتی در کار باشد و اگر نباشد نقض غرض از خلقت انسان لازم می‌آید و این از خدای حکیم محال می‌باشد.

✽ چرا روایت است که هم در موقع شادی و هم در موقع غم سری به قبرستان بزنیم؟

زیرا در موقع شادی که به قبرستان سر می‌زنیم از خدا غافل نمی‌شویم و به خاطر می‌آوریم که این شادی‌ها دوام ندارد و مثل مردگان در قبرستان که روزی مثل ما شاد بودند ما هم دیر یا زود به آن‌ها می‌پیوندیم. در زیارت اموات آمده «انتم لنا فرط و نحن انشاء الله بکم لاحقون»^۲ یعنی: ما نیز هر وقت خدا بخواهد به شما (اموات) ملحق می‌شویم. و در موقع غم که به قبرستان سر می‌زنیم، پی می‌بریم که روزی همه این غم‌ها به پایان می‌رسد بنابر این ناشکری نمی‌کنیم و تحمل آن غم و ناراحتی برای ما آسان می‌شود.

✽ چرا وصیت کردن مستحب است؟

چون: ۱- وصیت، نشانه دقت و اهل حساب بودن است. ۲- وصیت، نشانه احترام به حقوق دیگران است. ۳- وصیت، انجام امور خیری است که از آن غفلت شده و تداوم عمل صالح، پس از مرگ است. ۴- وصیت، راهی برای پر کردن خلأهای اقتصادی و تعدیل ثروت است. ۵- وصیت برای والدین و بستگان، عامل تجدید محبت و یک نوع قدرشناسی است.^۳

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۳۶۱.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۹۶۱.

۳. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۸۰.

باید دانست که در بعضی از اوقات وصیت کردن واجب می‌باشد و آن در موقعی است که خود ما قادر بر قضای نماز و روزه و اداء حج و... نیستیم.

❁ چرا در آیه وصیت، به جای کلمه «مال» از کلمه «خیر» استفاده شده است؟

به این جهت تا روشن شود که مال و ثروت، مایه خیر و نیکی است و آنچه در اسلام مورد انتقاد قرار گرفته، مال حرام یا علاقه زیاد به مال یا ترجیح دادن مال به کمالات فردی و نیازهای اجتماعی و یا استثمار مردم برای تحصیل آن است.

❁ چرا هر کسی در یک جایی از دنیا می‌رود؟

از ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام سؤال کردند: چرا انسان در یک جایی متولد می‌شود و در جای دیگر از دنیا می‌رود؟ ایشان در جواب فرمودند: «لَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ خَلْقَهُ خَلَقَهُمْ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ فَمَرَجَعُ كُلِّ أَنْسَانٍ إِلَى تَرْتِبَتِهِ»^۱
مقصود از این روایت آن است که بازگشت هر انسان آن جایی است که از همان خاک و زمین خلق شده است.

❁ چرا مسلمانان جنازه مرده را دفن می‌کنند؟

اسلام دستور داده است تا جنازه مرده را دفن نمایند به این جهت که بدن انسان بعد از مدتی متعفن می‌شود و میکروب‌های آن فضا را پر می‌کنند لذا بهترین راه برای جلوگیری از نشر آن میکروب‌ها دفن مرده است و از طرفی جنازه از دسترس درندگان و حیوانات لاشخور محفوظ می‌ماند. از بدو خلقت، سیره (رسم) چنین بوده است که مرده را دفن می‌کردند مانند قابیل چون برادرش هابیل را کشت خداوند کلاغی را فرستاد تا طریق دفن مرده را به او یاد بدهد. قرآن گوید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ...».

❁ چرا مستحب است که جنازه را بناگاه داخل قبر نکنند؟

در کتاب «من لا يحضره الفقيه» آمده است که بدرستی که از برای قبر هول‌های بزرگ است، لذا بناگاه جنازه را وارد قبر نکنند تا میت استعداد دخول را پیدا کند.^۲

❁ چرا خداوند در روز قیامت وحوش و حیوانات را محشور می‌کند «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ»؟

عدل خداوند چنین اقتضا می‌کند تا آن‌ها زنده شوند و حق خود را از مردم و صاحبان و مالکان خود بگیرند و اگر هم خود حیوانات به یکدیگر ستمی کرده باشند، تقاص می‌شوند.

۱. علل الشرایع، ص ۳۰۸.

۲. منتهی الآمال، ص ۱۳۹.

❁ چرا روایت گوید اکثر بهشتیان انسان‌های ساده لوح و صاف و ساده هستند؟
 زیرا این افراد در کارشان غلّ و غشی وجود ندارد و سیاست چپاول اموال دیگران و ظلم به افراد را ندارند برخلاف افراد زرنگ و باهوش که غالباً کلاه سر دیگران می‌گذارند و با زرنگی خود حق دیگران را پایمال می‌کنند.

❁ چرا ما از اجل (پایان عمر) خود خبر نداریم؟
 امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: اگر انسان به عمر کوتاهش پی ببرید هیچ لذتی نمی‌برد و با علم به مرگ و انتظار آن، زندگی برای او گوارا و شیرین نمی‌شود. و اگر به طول عمر خود پی ببرد در دریای لذات و معاصی غرق می‌گردد. او به این امید که در پایان عمر توبه خواهد کرد همواره در راه رسیدن به لذات می‌کوشد. به این ترتیب بهترین چیز، همان است که زمان مرگ و مدت عمر پوشیده بماند.^۱

بهتر است اجل پنهان باشد؛ زیرا حکمت خدا چنین اقتضا می‌کند و الا اگر ما با خبر بودیم دائماً آن لحظه را به یاد خود می‌آوردیم و زندگی برایمان تلخ می‌شد ولی چون مدت عمر معلوم نیست افراد با این که ممکن است اجلشان همان روز برسد ولی بدون هیچ گونه نگرانی مشغول زندگی هستند. دیگر این که اگر اجل معلوم بود افراد مکار گناه می‌کردند و تنها چند دقیقه مانده به رسیدن اجل، توبه می‌نمودند.

❁ چرا روایت گوید: چون عالمی یا فقیهی بمیرد در اسلام رخنه‌ای ایجاد می‌شود که چیزی جای آن را پر نمی‌کند و حال این که علمای دیگری هستند؟
 زیرا هر عالمی کار مخصوص خود را انجام می‌دهد لذا وقتی مُرد، جایش خالی می‌ماند مانند این که وقتی پدری می‌میرد هیچ مردی در دنیا دیگر جای او را نمی‌گیرد و در خانواده جایش خالی می‌ماند.

❁ چرا قرآن می‌گوید: «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتُنَا اثْنَتَيْنِ»؛ یعنی: (روز قیامت گویند) خدایا دوبار ما را میراندی و دوبار ما را زنده کردی در حالی که ما یک بار آخر عمر می‌میریم و یک بار هم در روز قیامت زنده می‌شویم؟

تفسیر «روح المعانی» در توجیه این مطلب گفته است: مقصود از دو میراندن یکی میراندن در آخرین روز زندگانی دنیا و دیگری میراندن در عالم برزخ برای رفتن به عالم آخرت می‌باشد. و مقصود از دو زنده کردن یکی زنده کردن در عالم برزخ و دیگری زنده کردن در روز قیامت برای حسابرسی می‌باشد.^۲

۱. توحید مفضل، ص ۷۹-۷۷.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۷۱.

❁ چرا بهشت، هشت درب دارد؟

از این جهت که با تعداد اوصافی که برای اولوالالباب در قرآن ذکر شده مطابقت داشته باشد گویا هر کدام از این اوصاف هشت گانه، دری از درهای بهشت و راهی بسوی سعادت ابدی را به سوی انسان باز می‌کند.^۱

❁ چرا جهنم هفت درب دارد؟

چون رحمت الهی بر غضب الهی سبقت دارد و در دعا آمده: «یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» و مصداق بارز رحمت خداوند بهشت و مصداق بارز غضب خداوند جهنم می‌باشد و از آنجایی که بهشت هشت درب دارد لذا جهنم یک درب کمتر از بهشت دارد.

❁ چرا بعضی از علما مانند ابوهاشم گویند: بهشت و جهنم در حال حاضر وجود ندارند بلکه در روز قیامت ایجاد می‌شوند؟

زیرا اگر بهشت و جهنم در حال حاضر موجود باشند به سبب «كُلُّ شَيْ هَالِكٌ» موقع قیامت از بین می‌روند و حال این که قرآن در باره بهشت گویند: «أَكْلُهَا دَائِمٌ» یعنی بهشت و خوراکی‌های آن دائمی است و هرگز از بین نمی‌روند.^۲ علاوه بر این که وجود بهشت و جهنم در حال حاضر تا قبل از قیامت فایده‌ای ندارد زیرا تا قبل از قیامت هر کس از دنیا برود وارد بهشت و جهنم برزخی می‌شود نه بهشت و جهنم آخرتی و اصلی.

❁ چرا گوئیم بهشت و جهنم در حال حاضر آماده می‌باشند؟

زیرا آیاتی داریم که می‌رساند بهشت و جهنم آماده هستند مانند آیه «أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» و «أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» و «يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» و «عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى».^۳ اکثر دانشمندان اسلامی معتقدند که این دو (بهشت و جهنم) هم اکنون وجود خارجی دارند و ظواهر آیات قرآن نیز این حقیقت را تایید می‌نماید. از جمله: الف) آیات فراوانی که تعبیر به «أَعَدَّتْ» (مهیا شده) را دارد. ب) در آیات مربوط به معراج می‌خوانیم «لَقَدْ رَأَى نَزْلَةَ أُخْرَى عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى». یعنی: بار دیگر پیامبر جبرئیل را نزد سدره المنتهی در آنجا که بهشت جاویدان قرار داشت، مشاهده کرد؛ این تعبیر گواهی بر وجود فعلی بهشت می‌دهد. ج) قرآن می‌فرماید: «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ». یعنی: اگر علم الیقین داشتید، دوزخ را مشاهده می‌کردید، سپس به عین الیقین آن را می‌دیدید.^۴

۱. تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۰.

۲. کشف المراد، ص ۲۹۹.

۳. کشف المراد، ص ۲۹۸.

۴. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۵۳؛ تفسیر کبیر، ج ۹، ص ۴؛ نمونه، ج ۳، ص ۹۲.

علاوه بر این، روایات و قضایایی داریم که می‌رساند بهشت و جهنم در حال حاضر وجود دارد مانند این که چون پیامبر خدا ﷺ به معراج رفتند بهشت و جهنم را مشاهده نمودند.

✽ چرا خداوند در قرآن می‌فرماید: بهشتیان بهشت را به ارث می‌برند و روایت هم از پیامبر خدا ﷺ است که بهشتیان و جهنمیان، بهشت و جهنم را به ارث می‌برند؟ علت تعبیر به ارث، آن است که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

هر کس بدون استثنا جایگاهی در بهشت و جایگاهی در دوزخ دارد کافران جایگاه دوزخی مؤمنان را به ارث می‌برند و مؤمنان جایگاه بهشتی کافران را، و این است معنی گفتار خداوند که می‌فرماید: «أورثتموها بما كنتم تعملون»^۱.

✽ چرا بعضی از علما و دانشمندان و اطباء، خدا و قیامت و... را قبول ندارند؟ این انکار یا به خاطر لجاجتی است که نسبت به خدا و دین دارند و یا به خاطر این که بر اثر گناه قلبشان سیاه شده است لذا نور حق و حقیقت را مشاهده نمی‌نمایند و منکر حقیقت می‌شوند مثل کوری که منکر خورشید بشود و یا این که آن‌ها در رشته‌های غیر خداشناسی مهارت دارند و نسبت به خداشناسی بیگانه می‌باشند. قرآن گوید: «يعرفون نعمة الله ثم ينكرونها». یعنی: به نعمت الهی معرفت پیدا می‌کنند سپس منکر آن می‌شوند.

✽ چرا در اسلام مستحب است برای مرده تلقین بخوانند؟ زیرا ۱. تعبدی است. ۲. گوش مرده تا مدتی فعال است و صدا را تشخیص می‌دهد لذا برای آماده کردن او برای جواب دادن به نکیر و منکر، چنین کاری مفید است.

✽ چرا مستحب است که کفن میت، سفید باشد؟ عللی دارد از جمله: (چون مرده کانونی از میکروبهاست) مانع میکروب و انتشار آلودگی اجساد می‌شود و رنگ سفید خاصیت فرار دهنده میکروب را دارا می‌باشد.^۲

✽ چرا گویند مرگ هم برای مؤمن و هم برای کافر نعمت است؟ به جهت این که مؤمن به وعده‌های الهی در بهشت می‌رسد و از سختی‌های دنیا راحت می‌شود و کافر هم دیگر گناهی در نامه عملش نوشته نمی‌شود.

✽ چرا با این که تقاضای مرگ از خدا کار خوبی نیست ولی حضرت مریم (مادر حضرت عیسی) تقاضای مرگ کرد؟

تقاضای مرگ کردن حضرت مریم به خاطر بهتانی بود که به او زده بودند و این تقاضای

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۱، ص ۳۳-۳۴.

مرگ دلیل بر آن است که او عفت و پاکدامنی را حتی از جانش بیشتر دوست می‌داشت و برای آبروی خود ارزشی بیش از حیات خود قائل بود و این تقاضای مرگ از بزرگان دین مانند حضرت مریم به این جهت است که هدفهای مقدس و شرف و حیثیت خود را در خطر دید ولی توانایی دفاع در برابر آن را نداشت بنابر این برای رهایی از شکنجه‌های روحی تقاضای مرگ می‌کند.^۱

❁ چرا حضرت مریم با این که جایش در بهشت بود ولی می‌خواست به دنیا برگردد؟

قطب راوندی روایت کند که حضرت عیسی علیه السلام مادر خود حضرت مریم را بعد از مردنش صدا زد و گفت ای مادر با من تکلم کن آیا می‌خواهی به دنیا برگردی گفت بلی برای آنکه در شب بسیار سرد برای خدا نماز گزارم و در روز بسیار گرم روزه بگیرم ای پسر جان من، این راه بیمناک است.^۲

❁ چرا دستور رسیده محتضر را تنها نگذارند؟

زیرا روایت است که شیطان در درون او وسوسه می‌کند.^۳

❁ چرا نباید دست یا چیزی را روی محتضر گذاشت؟

زیرا دست (و یا هر چیز دیگری را که روی محتضر می‌گذارند) وجعش (دردش) مانند درد شمشیر است.^۴

❁ چرا گاهی از چشمان محتضر اشک می‌آید؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌بیند لذا از خوشحالی اشک می‌ریزد همان طور که انسان هنگام خوشحالی از چشمش اشک می‌ریزد و می‌خندد.^۵

❁ چرا در اسلام زیاد سفارش شده است که به تشییع جنازه و زیارت قبور برویم؟

فوایدی دارد از جمله: این که به واسطه این کار درس عبرت می‌گیریم و دل بستگی خود را به دنیای فانی کم می‌کنیم از طرفی اموات از چنین کاری بهره مند می‌شوند و شاد می‌گردند. در اخبار رسیده که هر قدمی که در تشییع جنازه بر می‌دارند به حسنه و ثواب زیادی می‌رسند و گناهشان بخشوده می‌شود. از طرفی تشییع جنازه باعث تسلی خاطر بازماندگان میت می‌شود.

❁ چرا خداوند جزا و سزای کارها را در آخرت قرار داده است؟

به چند دلیل:

۱. در دنیا امکان جزای کامل اعمال نیست ۲. کیفر در دنیا مخالف لطف الهی است. ۳. کیفر

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۴.

۲. منتهی الآمال، ص ۱۴۰-۱۳۹.

۳. علل الشرائع، ص ۳۰۷.

۴. مجالس الموعظ، ص ۱۵۲.

۵. علل الشرائع، ص ۳۰۷.

و پاداش فوری گاهی عادلانه نیست. باید گفت یکی از اهداف مهم کیفرهای دنیوی هدف تربیتی است ولی این هدف در جهان آخرت که سرای عمل و تکلیف نیست، متصور نمی‌باشد.^۱ باید دانست که این عالم ماده و محدود گنجایش چنین کاری را ندارد لذا جزا و پاداش حقیقی و کامل فقط در عالم آخرت امکان پذیر است. از طرفی دنیا محل امتحان است و کسی در موقع امتحان پاداش نمی‌دهد و یا کیفر نمی‌کند و روایت گوید: دنیا مزرعه آخرت است پس باید در دنیا کشت کرد تا در عالم آخرت برداشت نمود و کسی در زمان کشت نباید انتظار برداشت را داشته باشد.

❁ چرا قرآن در مورد میزان اعمال در روز قیامت به جای «میزان» کلمه «موازين» بکار برده است؟

چون هر یک از اعمال ما با نمونه خودش سنجیده می‌شود، مثلاً نماز ما را با نماز کامل و روزه و حج و جهاد و گفتار ما را با روزه و حج و جهاد و گفتار آن امامان می‌سنجند بنابر این میزان‌ها متعدد است.^۲

❁ چرا بهشتیان برای همیشه در بهشت می‌مانند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند؟ امام صادق (ع) می‌فرمایند: زیرا نیت آنها این بوده که اگر در دنیا باقی بمانند دائماً خدا را اطاعت نمایند پس بواسطه نیتشان آنها را بطور جاوید در بهشت جای می‌دهد.^۳ علامه طباطبایی (ره) در المیزان گویند: زیرا بهشت جای خوشی و راحتی است و اصلاً غم و اندوه در آن راه ندارد لذا اگر بهشتیان بدانند که روزی از بهشت خارج می‌شوند، ناراحت و غمگین می‌گردند. دلیل دیگر این است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «چون بهشتیان در دنیا نیت داشته‌اند که اگر برای همیشه در دنیا می‌مانند خدا را عبادت و اطاعت کنند و همین نیت آنها سبب می‌شود که همیشه در بهشت بمانند زیرا خداوند طبق نیت خوب بندگان پاداش می‌دهد: «انما الاعمال بالنیات و لكل امری ما نوى».^۴ یعنی: اعمال انسان به نیت او بستگی دارد و برای انسان است آنچه را نیت نموده است.

صاحب کشف المراد (ره) گویند: به سه دلیل: ۱. علم به دائمی بودن ثواب و عقاب باعث می‌شود که بنده طاعت را انجام و معصیت را ترک نماید و این ضروری است و این کار لطف می‌باشد و لطف بر خداوند واجب است ۲. مدح و ذم، دائمی است زیرا وقتی نیست مگر آنکه مدح مطیع نیکوست و این معلول طاعت می‌باشد پس طاعت نیز در حکم دائم است لذا دوام ثواب

۱. ره توشه، ص ۲۲۹-۲۲۷، سال ۱۳۷۴ (ویژه مقطع دبیرستان (۵).

۲. معاد، ص ۳۱۶، محسن قرائتی.

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲۸.

۴. سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲۸.

هم واجب می باشد زیرا دوام یکی از دو معلول مستلزم معلول دیگر است چون علت، دائمی یا در حکم دائمی می باشد. ۳. اگر ثواب منقطع باشد برای صاحبش ناراحتی بواسطه انقطاعش حاصل می شود و این منافات با ثوابی دارد که باید خالص از غیر باشد.^۱

❁ چرا جهنمیان برای همیشه در جهنم می مانند؟

امام صادق (ع) می فرماید: زیرا نیت آنها این بوده که اگر در دنیا باقی بمانند دائماً خدا را معصیت نمایند پس بواسطه نیتشان آنها را بطور جاوید در جهنم جای می دهد.^۲ باید دانست همه جهنمیان دائماً در جهنم باقی نمی مانند بلکه بعضی از آنها بعد از تحمل موقت عذاب الهی وارد بهشت می شوند و یا آنکه لایق عفو الهی و یا شفاعت باشند، یا از ابتدا به جهنم نمی روند و یا اگر بروند بعد از مدتی از آن خارج می شوند.

❁ چرا روایت است که: بدترین^۳ و پست ترین^۴ مردگان و اموات مسلمان، بی همسران هستند؟

زیرا اشخاص غریب اعم از مردان و زنان به علت نداشتن همسر مرتکب گناه می شوند در حالی که این افراد می توانند با ازدواج، هم خود گناه نکنند و هم جلوی گناه دیگری (همسر) را بگیرند. (غریب به کسی گفته می شود که نیاز به همسر دارد و قادر بر ازدواج نیز است اما از امر ازدواج به دلائل واهی و پوچ امتناع می ورزد).

❁ چرا مراد از نعمتی که خدا در قیامت از آن سوال می کند «لتسئلن یومئذ عن النعم» نعمت آب و نان نیست، بلکه نعمت ولایت معصوم علیه السلام است؟

امام رضا علیه السلام می فرماید: سوال از آب و نان و... از مردم قبیح است تا چه رسد به خداوند، بنابراین مراد سؤال از نعمت، همان نعمت رهبری معصوم علیه السلام است.^۵

❁ چرا خداوند ارتباطی میان زندگان و مردگان قرار نداده است؟

زیرا اگر زندگان با مردگان و هم چنین مردگان با زندگان می توانستند ارتباط برقرار کنند امتحان الهی در دنیا از بین می رفت چون همه از قضایای بعد از مردن باخبر می شدند امتحان که غرض از خلقت است، عبث و بیهوده می گشت (مانند این که در امتحان، پاسخ صحیح را از دیگران سؤال نمایند در این صورت غرض از امتحان از بین می رود).

۱. کشف المراد، ص ۴۱۰-۴۱۱.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰، ح ۱۹.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰، ح ۱۹.

۵. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۹، تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۵۸۱.

❁ چرا کراهت دارد که زنان حائض و اشخاص جنب در نزد محضر (و در تلقین میت) حاضر شوند؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «چون ملائکه به واسطه حضور چنین افرادی متأذی و ناراحت می شوند». (گویند: ملائکه در آن وقت حضور دارند).^۱

❁ چرا پاداش های اخروی بهتر از پاداش های دنیوی است؟

الف) محدودیت ندارد «لهم ما يشاؤون». ^۲ ب) از بین رفتنی نیستند «خالدين فيها». ^۳ ج) در یک مکان محدود نیستند «تَبَوُّوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشاء». ^۴ د) به محاسبه ما در نمی آیند «أجرهم بغير حساب». ^۵ ه) عوارض و آفات و امراض ندارند «لا يَصْدَعُونَ عَنْهَا». ^۶

❁ چرا خداوند در قیامت انسانها را به اسم مادر صدا می کند؟

امام صادق (ع) می فرمایند: از این جهت که خداوند می خواهد پرده پوشی کند. ^۷ به این معنا که چون بعضی ها پدر مشخصی ندارند و از طرف پدری مشکلی دارند لذا خداوند از روی صفت ستاريت خود آنها را به نام مادر می خواند.

❁ چرا در روز قیامت همه انسانها چه خوب و چه بد از روی صراط باید بگذرند؟

چون قرآن در این باره می فرماید: «و ان منكم الا واردها كان على ربك حتماً مقضياً ثم ننجي الذين اتقوا و نذر الظالمين فيها جثياً». ^۸

یعنی هیچ یک از شما نیست مگر اینکه وارد دوزخ می شود این امر از طرف پروردگار تو حتمی است سپس پرهیزکاران را نجات می دهیم و ستمکاران را به حالت ذلت و زبونی در آن رها می کنیم.

۱. علل الشرایع، ص ۲۹۸.

۲. زمر، آیه ۳۴.

۳. فرقان، آیه ۷۶.

۴. زمر، آیه ۷۴.

۵. زمر، آیه ۱۰.

۶. واقعه، آیه ۱۹.

۷. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۷۴۳.

۸. مریم، آیه ۷۲.

واجبات

✽ چرا خداوند دین را تشریع نموده است؟

چون انسان موجودی است که به حسب فطرتش اجتماعی و تعاونی است و از طرفی هر انسانی می‌خواهد که منافع را به خود اختصاص دهد لذا اختلاف به وجود می‌آید از این جهت، احتیاج به وضع قوانین پیدا می‌کند تا اختلافات پدید آمده را برطرف سازد و این قوانین لباس دین به خود گرفته و مستلزم بشارت و انذار و ثواب و عقاب می‌گردد و برای اصلاح و تکمیل آن لازم است تا عباداتی در آن تشریع شود و به منظور این کار پیامبرانی مبعوث می‌شوند. در نتیجه دین تنها وسیله سعادت و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده و راه مادی و معنوی را هموار می‌نماید.

✽ چرا دین به وجود آمد؟

در پیدایش دین، در جامعه بشری چند نظریه است:

۱. گروهی ریشه دین را جهل بشر به عوامل طبیعی معرفی می‌کنند.
۲. گروهی اقتصاد را عامل پیدایش دین می‌دانند. (بعضی از آن‌ها گویند: دین پیوسته ابزار زورگویان در برابر بینوایان بوده است. برخی از این گروه، دین را مایه تسلی بینوایان در برابر زورمندان آندیشیده‌اند).
۳. فروید برای پیدایش دین، عامل جنسی را معرفی کرده است.^۱

۱. مدخل مسائل جدید در علم کلام، ص ۷. استاد آیه الله سبحانی (حفظه الله).

۴. دین یک امر فطری بشر بوده و می‌باشد.

❁ چرا خداوند توحید را واجب نموده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند:

تا دل‌ها را از آلودگی‌های شرک و بت پرستی پاک نماید و نور ایمان را بر قلوب بتاباند.^۱

❁ چرا خداوند پرهیز از شرک را واجب نموده است؟

تا همه با نهایت خلوص و صفای نیت، تنها از فرمان خدا اطاعت کنند و دل از دیگران برکنند.^۲

❁ چرا تقیه در اسلام واجب شده است؟

اولاً: روایات زیادی در باره تقیه هست ثانیاً: اگر تقیه نبود قدرت‌ها، اساس دین را درهم می‌ریختند و خدا پرستی از میان رفته بود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ لَا التَّقِيَّةُ مَا عُبِدَ اللَّهُ» یعنی: اگر تقیه نبود خدا پرستی از میان رفته بود.^۳

❁ چرا خداوند برای انسان‌ها تکلیف را قرار داده است؟

زیرا تکلیف در عین این که امری اعتباری است، این اثر واقعی را داراست که تدریجاً انسان را به طور نامرئی به سوی کمال و سعادت سیر می‌دهد و به بهترین و پایدارترین مراحل وجودش می‌رساند و کسی که از تکلیف سرپیچی کند از رسیدن به آن مرتبه از کمال محروم می‌ماند.^۴

❁ چرا در فروع دین، تقلید واجب است؟

زیرا فروع دین مربوط به عمل انسان مکلف است و چون احکام و مسائل آن را قادر نیست که خودش از قرآن و روایات استنباط کند لذا واجب است که به مراجع تقلید، رجوع و از آن‌ها تقلید نماید.

باید دانست تقلید بر دو دسته واجب نیست یکی مجتهد و دیگری محتاط.

۱. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۸۹، شیخ عباس قمی (و).
۲. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.
۳. تحف العقول، ص ۳۵۷.
۴. المیزان، ج ۸، ص ۵۸.

❁ چرا خداوند آب و خاک را وسیله طهارت (وضو، غسل و تیمم) قرار داده است؟

بعضی از اهل معرفت گویند: که طهور یا آب است که سرّ حیات است که آن اصل علم است برای مشاهده حی قیوم تعالی.

و یا خاک که اصل آن نشأه انسان است و این برای آن است که تفکر کنی در ذات خود و معرفت پیدا کنی که چه کسی تو را ایجاد فرموده و از چه آفریده و برای چه ایجاد کرده پس خاضع او شوی و تکبر را از سر بگذاری زیرا که خاک اصل در ذلت و مسکنت است.^۱ علت آنکه خداوند خاک را یکی از طهارات ثلاث (وسیله ای برای تیمم) قرار داده است عبارت است از:

اولا: خاک اکسیر حیات بشر و همه موجودات عالم هستی است و خداوند از یک نوع ماده ای به نام خاک، میلیونها گل و گیاه، درختان رنگارنگ و میوه های گوناگون با مزه های مختلف بوجود آورده است.

ثانیا: خاک مهمترین ماده ضد عفونی کننده جهان است و آنتی بیوتیکها از خاک درست می شوند و مقداری از پنی سیلین که نوعی آنتی بیوتیک است در خاک موجود است. در خاک، حیوانات ریزی وجود دارند که سربازان مبارزه با فساد هستند بخاطر همین، اسلام تیمم با خاک خالص و پاک را بجای وضو و غسل تجویز فرموده است.^۲

امروز ثابت شده که خاک به خاطر داشتن باکتریهای فراوان می تواند آلودگیها را از بین ببرد این باکتریها که کار آنها تجزیه کردن مواد آلی و از بین بردن انواع عفونتها است معمولا در سطح زمین و اعماق کم که از هوا و نور آفتاب بهتر می توانند استفاده کنند فراوانند. بنابر این خاک پاک نه تنها آلوده نیست بلکه از بین برنده آلودگیها است و می تواند از این نظر تا حدودی جانشین آب شود، با این تفاوت که آب حلال است، یعنی میکربها را حل کرده و با خود می برد، ولی خاک میکرب کش است.^۳

«فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا». پس با خاک پاک تیمم کنید. و پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا».

یعنی: زمین برای من جایگاه سجده و وسیله ای برای طهارت (تیمم) قرار داده شده است.

۱. اسرار الصلوة، ص ۴۲، امام خمینی (ره).

۲. شگفتیها و عجایب در آفرینش آسمانها و زمین، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۳. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۰۰-۴۰۱.

✽ چرا وضو برای نماز خواندن، واجب گشته است؟

فلسفه وضو این است که وقتی بنده در پیشگاه پروردگار عالم از برای مناجات می‌ایستد پاک و پاکیزه بوده و خدا را در باره وضو اطاعت کرده و از چرک و کثافات پاکیزه باشد. به علاوه وضو، کسالت و خواب آلودگی انسان را از بین می‌برد و باعث تزکیه قلب می‌شود تا این که با توجه کاملی در پیشگاه با عظمت پروردگار عالم بایستد.^۱

✽ چرا در وضو فقط باید دست و صورت شسته و سر و پاها مسح شوند؟

در اخبار آمده که یک یهودی از پیامبر خدا از سر وضو سؤال کرد، حضرت در جواب فرمودند: علت این که صورت باید شسته شود چون حضرت آدم علیه السلام با صورت، رو به گناه آورد و علت این که دست ها باید شسته شود چون با دستها میوه مُثْمِرَةٍ را چید و علت این که سر باید مسح شود چون فکر گناه را کرد و علت این که پاها باید مسح شود چون با آن ها به طرف گناه قدم برداشت.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: وقتی صورت را می‌شوئیم یعنی رو از دنیا شستیم و وقتی دست‌ها را می‌شوئیم یعنی دست از کار دنیا کشیدیم و وقتی مسح سر می‌کنیم یعنی فکرمان را از دنیا خالی می‌کنیم و وقتی مسح پا می‌کشیم یعنی پا از کار دنیا کشیدیم. اگر گفته شود چرا فقط این اعضای چهارگانه در وضو شسته و مسح می‌شوند؟ در جواب گوییم: به جهت این که وقتی انسان در مقابل پروردگار خود می‌ایستد اعضای وضو ظاهر و آشکارند، زیرا با پیشانی سجده کرده و بدست‌های خود سؤال می‌کند و با سر خود متوجه رکوع و سجود می‌شود و به وسیله پاها قیام و قعود می‌کند (پس باید این اعضای چهارگانه پاک و تمیز باشند)^۲

✽ چرا بهتر است که بگذاریم اعضای وضو، خود به خود، خشک شوند؟

روایت گوید: اگر اعضای وضو را خشک کنند، یک حسنه برای انسان نوشته می‌شود. اما اگر بگذارند آب وضو خود به خود خشک شود، سی حسنه برای او نوشته می‌شود.^۳

✽ چرا مستحب است که خاک تیمم را از جای بلندی انتخاب کنیم؟

به جهت این که اسلام جنبه بهداشتی آن را در نظر گرفته لذا دستور داده از جای بلند خاک تهیه شود تا سالم‌تر و تمیزتر باشد.

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۷.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۳. عروه الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۱، حاشیه از میلانی.

❁ چرا اسلام تیمم با خاک خالص و پاک را بجای وضو و غسل تجویز نموده «فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» و همینطور خاک مال کردن ظرفی را که سگ آن را لیسیده دستور داده است؟
خاک مهمترین ماده ضد عفونی کننده جهان است و آنتی بیوتیکها از خاک درست می‌شوند و مقداری از پنی سیلین که نوعی آنتی بیوتیک است در خاک موجود است.
در خاک، حیوانات ریزی وجود دارند که سربازان مبارزه با فساد هستند بخاطر همین اسلام تیمم با خاک خالص و پاک را بجای وضو و غسل تجویز فرموده است.^۱

❁ چرا مستحب است که خاک تیمم را از جای بلندی انتخاب کنیم؟
به جهت این که اسلام، جنبه بهداشتی آن را در نظر گرفته، لذا دستور است که خاک از جای بلند تهیه شود تا سالم‌تر و تمیزتر باشد؛ زیرا هم در این باره روایت است و هم از نجاست دور است، چون مردم جاهای پست را برای حَدَث (تخلیه) اختیار می‌کنند.^۲

❁ چرا خداوند تیمم را به جای وضو و غسل تشریع کرده است؟
زیرا تکلیف وضو و غسل برای مریض و کسی که جز به مشقت دسترسی به آب ندارد، تکلیف دشواری است لذا خداوند با حکم تیمم، این تکلیف دشوار را از دوش مکلفان برداشته است. قرآن می‌فرماید: «ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج».^۳

❁ چرا خداوند نماز را واجب نموده است؟
حضرت زهراء علیها السلام می‌فرمایند: برای آن است که در مقابل پروردگارتان سر به سجده بگذارید، و در پیشگاه با عظمت او خضوع کنید.^۴

چون به قول حضرت علی علیه السلام سبب منزّه شدن از کبر و سرکشی می‌شود.^۵
آثار نماز در کلام حضرت علی علیه السلام عبارتند از: ۱. کبر زدائی ۲. وسیله شادمانی ۳. تأثیر آن بر دیگر کارها ۴. وسیله نزول رحمت ۵. همراهی فرشتگان ۶. نا امیدی ابلیس ۷. تسبیح لباس و وسائل نماز گزار ۸. گناه زدائی ۹. دژی در برابر شیطان ۱۰. سبب بخشش.^۶
فلسفه نماز عبارت است از ۱. تأمین نیاز درونی و روانی انسان ۲. جبران گناه ۳. پرورش تمرکز ذهن ۴. برقراری عدالت اجتماعی ۵. قبول نظم و انضباط ۶. انس فطری با خدا ۷. رهائی

۱. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجائب در گذرگاه آفرینش، ص ۲۳۷.

۲. شرح لمعه، ج ۱، ص ۱۵۶.

۳. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳، ص ۹۸.

۴. رنجهای و فریادهای فاطمه، ص ۱۸۹.

۵. نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.

۶. ره توشه راهیان نور، ویژه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۰، ص ۱۵۴-۱۵۱.

از خود مشغولی و هشدار گذشت عمر.^۱

شیخ الرئيس ابوعلی سینا می گوید: «عبادت یک نوع ورزش برای قوای فکری است که بر اثر تکرار و عادت به حضور در محضر خدا، فکر را از توجه به مسائل مربوط به طبیعت و ماده به سوی تصورات ملکوتی می کشاند.»^۲

❁ چرا نمازهای پنج گانه در این اوقات (صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا) واجب گشته است؟

چون اوقاتی که نزد اهل زمین مشهور و معلوم است و عالم و جاهل آنرا می شناسند، چهار وقت است: ۱- غروب خورشید پس نزد آن نماز مغرب واجب شد. ۲- سقوط شفق پس نماز عشا واجب شد. ۳- طلوع فجر پس در آن هنگام نماز صبح واجب گشت. ۴- زوال خورشید پس در آن زمان نماز ظهر واجب شد و برای نماز عصر مانند این اوقات چهارگانه، وقت معلومی نبود؛ لذا وقت آن وسعت داشته و زمانش از قبل آن (نماز ظهر) تا وقتی است که سایه از هر چیز به چهار برابر خودش برسد.^۳

علت دیگر آنکه: خداوند دوست دارد اینکه مردم هر کاری را با طاعت و عبادت او آغاز نمایند لذا صبح قبل از آنکه کار روزانه خود را شروع نمایند، نماز صبح واجب گشته و ظهر چون شغل خود را رها کرده لذا قبل از آنکه به دنبال کار دیگری بروند، نماز ظهر را واجب و زمانی که می خواهند عصر به دنبال مخارج زندگی دنیای خود بروند قبل از آن نماز عصر را واجب نمود و اول شب قبل از آنکه مردم به دنبال کاری بروند نماز مغرب را واجب نمود و زمانی که وقت خواب فرا رسید و از کارهای خود فارغ شدند، قبل از آن، نماز عشا را واجب نمود.^۴

❁ چرا خداوند نمازهای پنج گانه را (صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا) واجب نموده

است؟

گویند: یک نفر یهودی از پیامبر خدا ﷺ چنین سؤالی را کرد حضرت فرمودند: نماز ظهر به این جهت است که وقت زوال (وقت نماز ظهر) همه چیز به حمد و ستایش پروردگار مشغول می شوند (وَ أَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهِ) و هم چنین پروردگارم بر من درود می فرستد و به این جهت است که در این ساعت در روز قیامت جهنم به پا می شود پس هر کسی که در این ساعت ساجد یا راکع یا قائم باشد خداوند جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند.

۱. ره توشه راهیان نور ویژه بوستان ولایت (جوانان) سال ۱۳۷۸، ص ۱۹۲.

۲. اشارات، ج ۳، نمط، ۹، ص ۳۷۰.

۳. علل الشرائع، ج ۱ و ۲، ص ۳۴۶.

۴. علل الشرائع، ج ۱ و ۲، ص ۳۴۶-۳۴۷.

اما نماز عصر چون ساعتی است که حضرت آدم در آن ساعت از درخت خورد و بعد از آن از بهشت بیرون شد.

اما نماز مغرب چون ساعتی است که حضرت آدم در آن ساعت توبه‌اش پذیرفته شد و خداوند توبه‌اش را قبول نمود.

اما نماز عشا به این جهت است که چون برای قبر و روز قیامت ظلمت و تاریکی است لذا با خواندن این نماز قبر منور می‌گردد و نوری بر صراط به او عطا می‌شود.

اما نماز صبح به این جهت است که چون خورشید بر قرن شیطان طلوع می‌کند پس خداوند خواسته است که قبل از آن که کافر برای خورشید سجده کند، امت من برای خداوند سجده کنند.^۱

✽ چرا خداوند نماز صبح را واجب کرده است؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هنگامی که آفتاب طلوع می‌کند کافران (و آفتاب پرستان) در برابر آن به سجده می‌افتند و خداوند نماز صبح را بر امت من واجب فرمود تا پیش از آن که کافران (آفتاب و) شیطان را سجده کنند امت من در برابر خدای متعال سجده کنند.^۲

✽ چرا خداوند نماز ظهر را واجب کرده است؟

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هنگام ظهر، هر موجودی که در آسمان و زمین است خدا را تسبیح می‌کند و درهای آسمان گشوده می‌شود و دعا به اجابت می‌رسد و چون خداوند خواست که امت من در این کارهای خیر شریک باشند، نماز ظهر را بر آنان واجب کرد.^۳

✽ چرا خداوند نماز عصر را واجب کرده است؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

هنگام عصر همان زمانی است که شیطان آدم ﷺ را وسوسه کرد و خدای متعال نماز عصر را بر من و امت من واجب فرمود تا در آن وقت بینی شیطان به خاک مالیده شود و ما از مکر او در امان باشیم.^۴

✽ چرا خداوند نماز مغرب را واجب کرده است؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۷.
۲. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۷۵.
۳. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۸۶.
۴. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۹۵.

هنگام نماز مغرب همان وقتی است که خداوند توبه آدم را پذیرفت و چون خواست امت من هم در آن وقت در پیشگاه او حاضر شده و از گناهان خود توبه کنند نماز مغرب را بر آنان واجب کرد.^۱

❁ چرا خداوند نماز عشا را واجب کرده است؟

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

خداوند نماز عشا را بر امت من واجب فرمود تا در آن وقت که هنگام نماز پیامبران است آنان نیز مانند پیامبران به عبادت بپردازند.^۲

❁ چرا از میان نمازهای شبانه روزی، از نماز صبح به نماز مشهود تعبیر شده است؟

در روایتی آمده: «اگر نماز صبح در اول فجر اقامه شود فرشتگان شب و روز هر دو آن را ثبت می‌کنند». قرآن می‌فرماید: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا». یعنی: همانا نماز صبح مورد مشاهده است.

❁ چرا از میان نمازهای شبانه روزی فقط نماز صبح ثوابش دو برابر است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

چون خداوند می‌فرماید: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» یعنی نماز صبح را فرشته روز و فرشته شب، هر دو مشاهده می‌کنند پس هر گاه بنده، نماز صبح را با طلوع فجر بخواند دو مرتبه برای او (پاداش) نوشته می‌شود، هم فرشته صبح می‌نویسد و هم فرشته شب.^۳

❁ چرا از میان نمازهای شبانه روزی سفارش به نماز ظهر شده است؟

قرآن می‌فرماید: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» و مشهور بین فقهاء و اظهر آن است که صلاة وسطی همان نماز ظهر است.^۴

امام خمینی گویند: نماز ظهر مزید اختصاص دارد و اول نمازی است که حق تعالی توسط جبرئیل بر آدم ابوالبشر فرو فرستاده است.^۵

❁ چرا در پایان نماز باید سلام داد؟

امام صادق می‌فرمایند:

۱. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۹۰.

۲. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۱۱۸.

۳. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۱۲۵.

۴. چهل حدیث، ص ۴۹۵، امام خمینی.

۵. چهل حدیث، ص ۴۹۵، امام خمینی.

معنای سلام در پایان هر نماز، امان است یعنی هر کس امر خدا و سنت پیامبرش را با خشوع قلبی در مقابل خدا به جا آورد، از بلای دنیا در امان و از عذاب آخرت برکنار است.^۱

❁ چرا در نماز، سجده واجب شده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: سجده سبب نزدیک شدن بنده به خداوند است (چون سجده ظاهراً آخرین مرتبه تواضع و تکریم است که انسان نسبت به دیگری انجام می‌دهد تا در پیش او مقرب گردد).^۲

❁ چرا سجده بر چیزهایی که مأكول (خوردنی) و ملبوس (پوشیدنی) هستند، حرام و باطل می‌باشد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون سجده خضوع برای خداوند است لذا سزاوار نیست به آنچه خورده و پوشیده می‌شود، سجده کرد؛ زیرا ابناء دنیا (دنیا پرستان) بنده آنچه می‌خورند و می‌پوشند، هستند در حالی که سجده کننده در سجده‌اش، در عبادت خدا قرار دارد پس سزاوار نیست که بر چیزی سجده کند که معبود ابناء دنیا می‌باشد.^۳

❁ چرا در نماز شیطان بیشتر به سراغ انسان می‌آید؟

زیرا نماز بالاترین عبادات و مشتمل بر سجده است که شیطان به واسطه ترک آن مطرود و مردود شده است لذا در آن وقت عداوت و حسد شیطان به هیجان می‌آید و لشکر او اطراف دل را فرو می‌گیرد و از چپ و راست هجوم و از پیش و پس حمله می‌کنند که مبادا چنین عبادتی از او به درجه قبول و وصول و سجده‌ای که موجب لعن او شد، از او مقبول گردد. به همین جهت است که در حال نماز افکار ردیه بیشتر می‌شود و آنچه از فضول دنیا گمشته است در نماز پیدا می‌شود و آن چه فراموش شده در آن وقت به خاطر می‌رسد.^۴ هر عملی که مهم تر باشد شیاطین بیشتر در مقام فریب فاعل آن بر می‌آیند و چون نماز مهم ترین عبادات می‌باشد؛ لذا شیاطین کمال سعی و تلاش خود را می‌کنند تا توجه انسان را از نماز و خدا بردارند.

۱. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۱۳۸.

۲. مصباح الشریعه، ص ۱۹۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴. معراج السعاده، ص ۹۵-۹۴.

❁ چرا در نماز در هر رکعت دو سجده واجب شده است؟

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: تأویل سجده اول «اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنَّا خَلَقْتَنَا» (مِنَ الْأَرْضِ) یعنی - بار خدایا از آن (زمین) ما را خلق نمودی، و تأویل برداشتن سر از سجده اول «وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنَا» یعنی و از آن ما را خارج نمودی و تأویل سجده دوم «وَالِئِهَا تُعِيدُنَا» یعنی و بسوی آن ما را باز می‌گردانی و تأویل برداشتن سر از سجده دوم «وَمِنْهَا تُخْرِجُنَا تَارَةً أُخْرَى» یعنی: و از آن، ما را دوباره خارج می‌نمایی، می‌باشد.^۱

❁ چرا در نماز چنین چیزهایی مانند اذان و اقامه (از مستحبات نماز) و قیام و رکوع و

سجده و تشهد دستور رسیده است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: به خاطر این که نماز، شبیه حالت‌های مختلف انسان در قیامت است اذان به «تفخه اول» شباهت دارد که با نفخه اول (دمیدن اسرافیل در صور) همه مردم می‌میرند و از همین جاست که نشستن و سجده کردن بعد از اذان، مستحب است (سجده اشاره به مرگ و بازگشت انسان به خاک و زمین است) و اقامه نماز، شبیه «تفخه دوم» است (که با دمیدن اسرافیل در صور، در مرتبه دوم، مردگان زنده می‌شوند) و قیام در نماز مانند برخاستن مردم از قبرهاست و بلند کردن دست‌ها هنگام گفتن تکبیره الاحرام، شبیه دست دراز کردن برای گرفتن نامه اعمال در قیامت است و رکوع نماز، به خضوع خلاق در پیشگاه خالق شباهت دارد و سجود نماز شبیه سجود بندگان برای خدای جهان (در قیامت) است که فرمود: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ»^۲ (به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می‌گردد و دعوت به سجود می‌شوند.

و تشهد نماز شباهت دارد به زانو زدن خلاق در پیشگاه خدای متعال در روز قیامت.^۳

قیام در نماز، تذکر مقام قیومیت حق است.^۴

❁ چرا هیأت نمازگزار به چهار صورت است: قیام، رکوع، سجود و قعود؟

حکمتش آن است که موجودات جهان بر چهار شکل‌اند:

قائم‌ان و آن درختانند. راکعان و آن ستورانند. ساجدان و آن حشراتند. قاعدان و آن حشیش و نباتاتند. گویی خداوند فرموده است که بنده مؤمن در خدمت او این چهار هیأت را به جا آورد

۱. جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۵۴.

۲. قلم، آیه ۴۲.

۳. نکته‌های نورانی، حسین دلیلی، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۴. اسرار الصلوة، ص ۸۶.

تا ثواب تسبیح آن همه خلائق را دریابد.^۱

✽ چرا در نماز انسان باید در سه حالت قرار بگیرد گاهی به حالت قیام، گاهی حالت رکوع و گاهی به حالت سجود؟

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید: فوجی از مَلک همیشه در حال قیام و فوجی در حال رکوع و فوجی در حال سجود.^۲

قولی گوید: چون گروهی از مخلوقات (ملائکه) همیشه در مقابل خدا در حال قیامند و گروهی از مخلوقات (حیوانات) دائماً در حال رکوعند و گروهی از مخلوقات (خزندگان) همیشه در حال سجودند، لذا خداوند خواسته که انسان هر سه حالت عبادت مخلوقات عالم را داشته باشد.

✽ چرا در آخر نماز، سلام واجب شده است؟

امام صادق(ع) می فرماید: معنای خواندن سلام در آخر نماز امان می باشد یعنی هر کس امر خداوند و سنت نبی اکرم(ص) را خالصانه انجام دهد آن شخص در دنیا از بدی ها و شرور سالم و ایمن می ماند.^۳

بنابر قولی سلام آخر نماز سلام وداع و خداحافظی است.

✽ چرا «سلام نماز» در آخر آمده است و حال این که در غیر نماز دستور رسیده که ابتدا، سلام کنند؟

چند جواب دارد ۱. چون نماز معراج مؤمن است لذا در آخر نماز چون از معراج برمی گردد اول به نبی اکرم(ص) و بعد به صالحان و بعد به دیگران سلام می کند.

۲. در عرب رسم است که موقع خداحافظی و وداع نیز به یکدیگر سلام می دهند چنان که در روز عاشورا امام حسین(ع) هنگام خداحافظی فرمودند: «یا زینب یا رقیة یا سکینه یا رباب علیکن منی السلام». و حضرت علی اکبر موقع شهادت، خطاب به پدر نمود و فرمود: «یا ایتا علیک منی السلام» و به این، سلام تودیع می گویند.

۳. سلام به معنی امان است و امام صادق(ع) می فرماید: این نماز، نماز گزار را در دنیا از بدی ها و شرور در امان می دارد.

✽ چرا بعضی از نمازهای پنج گانه (شبانه روزی) دو رکعتی و بعضی سه رکعتی و بعضی

۱. نکته های نورانی، حسین دیلمی، ص ۳۰.

۲. قلب قرآن، ص ۲۶۲.

۳. مصباح الشریعه، ص ۱۹۹.

چهار رکعتی هستند؟

روایت است از امام صادق علیه السلام که در ابتدا، نمازها دو رکعتی بوده است نماز صبح بر حال خود باقی ماند و چون حضرت زهرا علیها السلام در وقت نماز مغرب به دنیا آمدند به شکرانه آن یک رکعت به نماز دو رکعتی مغرب اضافه شد و سه رکعتی شد و به نماز ظهر و عصر و عشا طبق مصلحتی پیامبر به هر کدام دو رکعت اضافه کردند.^۱

❁ چرا در سفر فقط نمازهای چهار رکعتی مانند ظهر و عصر و عشا شکسته می‌شوند؟

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: اصل نمازها دو رکعتی بود سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نماز ظهر و عصر و عشا هر کدام دو رکعت اضافه کردند و خداوند به جهت تخفیف از مسافر که در رنج و مشقت و مشغول کارهای خویش و اقامت در سفر است دو رکعت اضافی آن را برداشته است و چون نماز مغرب در اصل مقصره بوده است دیگر از آن چیزی حذف نگردید.^۲

❁ چرا در باره نماز، کلمه رکعت به کار می‌رود نه سجده؟

چون رکوع از ارکان نماز و مشخصه و نشانه ویژه نماز است، زیرا سجده به خودی خود و خارج از نماز نیز محقق می‌شود، مانند سجده شکر. ولی رکوع جایگاهی جز نماز ندارد. و لذا در باره نماز کلمه رکعت به کار می‌رود. «اذا قيل لهم ارکعوا لایرکعون».^۳

❁ چرا در موقع قنوت خواندن و دعا کردن دست‌ها را بلند می‌کنیم و حال این که خدا

همه جا حضور دارد؟

چند علت دارد:

۱. دستور چنین رسیده است. (دلیل تعبیدی).
۲. رزق و روزی از آسمان نازل می‌شود.
۳. امر به برآوردن شدن حاجت از عالم بالا می‌آید.
۴. چون مقام و عظمت خداوند بالا است.
۵. گویند دست بالا گرفتن موقع قنوت و دعا علاوه بر اینکه حالت خشوع و تضرع را زیادتیر می‌کند، اثرات خاصی در روح و جسم انسان می‌گذارد و اثر استجاب دعا را بیشتر می‌نماید.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۰.

۳. تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۳۵۶.

❁ چرا در اول نماز قبل از تکبیرة الاحرام شش تکبیر مستحب است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز بود و حسین در کنارش، رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و حسین نتوانست تکبیر بگوید و بار دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و باز نتوانست ادا کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله تکرار کرد تا هفت بار و حسین بار هفتم تکبیر گفت امام صادق علیه السلام فرمایند: از این جا هفت تکبیر سنت گردید.^۱

علت دیگر آنکه ابتداء نماز هفت تکبیر گفته می‌شود از این تعداد یکی واجب (تکبیرة الاحرام) و بقیه سنت می‌باشد و چون اصل تکبیرهای در نماز، هفت می‌باشد؛ تکبیر استفتاح، تکبیر رکوع، دو تکبیر سجود و تکبیر دیگر برای رکوع بعدی و دو تکبیر برای سجود بعدی. لذا هنگامی که انسان نماز گزار اول نمازش هفت تکبیر بگوید اجزاء تکبیر را می‌داند بنابر این اگر در نماز بطور عمد یا سهو ترک نمود، نقصی در نمازش ایجاد نمی‌شود.^۲

روایتی گوید: چون رسول خدا (ص) در شب معراج هفت حجب را قطع فرمود؛ و در نزد هر حجابی تکبیری فرمود تا واصل کرد خدای تعالی او را به منتهای کرامت.^۳

❁ چرا در سلام آخر نماز «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»، «علیکم» به صیغه جمع آمده است؟

شهید اول در کتاب «شرح لمعه» می‌فرماید: هنگامی که نماز گزار این سلام را می‌دهد، باید انبیا و ملائکه و ائمه و مسلمانان از انس و جن را در نظر بگیرد به این صورت که آنها را در ذهنش حاضر سازد و با سلام دادن، آنها را مخاطب قرار دهد، و اگر چنین نکند، سلام دادنش با صیغه خطاب {علیکم} لغو خواهد بود، هر چند این گونه سلام دادن او را از عهده تکلیف می‌رهاند و نمازش صحیح است.^۴

❁ چرا قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگتر واجب است؟

زیرا پسر بزرگتر حَبَوَه (لباس، انگشتر، شمشیر و مصحف پدر) را اضافه بر ارث می‌برد.^۵ روایت گوید: «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَلَهُ الْغَرْمُ». یعنی: کسی که نسبت به یک چیزی منفعت می‌برد، پس ضررش را هم باید متحمل گردد بنابر این پسر بزرگ تر از این جهت که ارث بیشتری می‌برد باید به چنین وظیفه ای عمل نماید.

۱. رموز الشهادة، ص ۱۰، جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲۱۵.

۲. علل الشرائع، ج ۲ و ۱، ص ۳۴۴.

۳. چهل حدیث، ص ۵۰۷، امام خمینی.

۴. شرح لمعه، ج ۱، کتاب صلاة.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۸۱؛ عشرون سؤالاً و شبهة حول المرأة، ص ۵۱.

باید دانست هر چند حبوه هم برای پسر بزرگتر در کار نباشد باز قضای نماز و روزه بر پسر بزرگتر واجب است.

❁ چرا قرائت در رکعت اول و دوم نماز و تسبیحات اربع در رکعات بعدی واجب گشته است؟
تا اینکه فرقی باشد بین آنچه خداوند از نزد خودش فرض و واجب نموده با آنچه که از جانب رسولش واجب گشته است.^۱

باید دانست تمام نمازها در اصل دو رکعتی از جانب خداوند واجب گردیده که به آن «فرض» می‌گویند بعد رسول خدا ﷺ طبق مصلحتی به آنها افزوده‌اند که به آن «سنت» می‌گویند.

❁ چرا واجب است نماز احتیاط را آهسته بخوانند؟
چون نماز احتیاط یا به جای رکعت سوم و یا چهارم نماز است و چون رکعت سوم و چهارم را حتماً باید آهسته بخوانند لذا نماز احتیاط هم که به جای آن‌ها است، مثل آنها آهسته خوانده شود.

❁ چرا در نماز احتیاط واجب است که فقط سوره حمد خوانده شود؟
چون سوره حمد بجای تسبیحات اربعه است لذا از این جهت که نماز احتیاط بجای رکعت سوم و چهارم است و در رکعت سوم و چهارم تسبیحات رسیده است لذا بجای تسبیحات سوره حمد خوانده می‌شود.

❁ چرا بعضی از نمازها (مغرب و عشا و صبح) واجب است که بلند خوانده شوند و بعضی از نمازها (ظهر و عصر) واجب است که آهسته خوانده شوند؟

زیرا هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ به معراج رفتند در نماز مغرب و عشا ملائکه بودند به این جهت بلند خواندند تا ملائکه فضل آن را مشاهده کنند و در نماز صبح بلند خواندند تا فضل آن برای مردم روشن گردد همان گونه که برای ملائکه روشن شد.^۲

امام هادی (ع) می‌فرمایند: اما بلند خواندن نماز صبح برای این است که پیغمبر (ص) وقتی آنرا می‌خواند که هوا تاریک بود از این جهت به حکم قرائت‌های شبانه است.^۳

روایت است که نماز باید جلوه داشته باشد لذا در روز چون هوا روشن است و در دید است لازم نیست که بلند خوانده شود ولی در شب که هوا تاریک است و جلوه چشمی ندارد باید جلوه صوتی داشته باشد.

۱. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۳۴۵.

۲. علل الشرایع، ص ۳۲۳.

۳. تحف العقول، ص ۵۶۸.

❁ چرا در نماز باید رو به کعبه بایستیم در حالی که خداوند در همه جا است و آیه قرآن گوید «أَيُّمَّا تَوَلَّوْا فَمِنْ وَجْهِ اللَّهِ» یعنی به هر کجا رو کنید همان جا وجه خدا می‌باشد؟

باید دانست که درست است که خدا همه جا است ولی چون جسم نیست جهت ندارد. رو به قبله نماز خواندن از این جهت نیست که خدا آن طرف است بلکه خدا امر نموده است تا رو به قبله (کعبه) نماز بخوانیم و این یک امر تعبّدی است. و این که همه مسلمانان به طرف کعبه نماز می‌خوانند به اتحاد نزدیکتر است.

❁ چرا نماز بی زکات قبول نمی‌شود؟

چون خداوند زکات را مقرون به نماز کرده است «أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ». پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد مانند آن است که نماز نخوانده است.^۱

❁ چرا امام جمعه با تکیه بر سلاح خطبه می‌خواند؟

زیرا می‌خواهد عملاً اعلام کند که جامعه اسلامی یک جامعه کاملاً نظامی و رزمی است و در همه حال حتی در حال ایراد خطبه‌های نماز آمادگی رزمی و برپایی خود را حفظ می‌کند و سلاح خود را آماده در دست می‌گیرد و بر آن تکیه می‌زند تا اعلام کند که همیشه حاضر است تا در راه تحقق ارزشهای الهی با منحرفان و کفار و منافقان که سخن حق را نمی‌پذیرند و سرکشی و ستم می‌کنند، جهاد نماید و با دشمنان دین و جامعه با گلوله‌های آتشین سخن گوید.^۲

❁ چرا روایت گوید اگر نماز قبول شد بقیه اعمال قبول و اگر رد شد بقیه اعمال هم رد می‌شود؟

زیرا مثل نماز مثل ستون خیمه است، اگر ستون خیمه بر پا شد طناب‌ها و میخ‌ها و پوشش خیمه نیز سودمند است و آن گاه که ستون خیمه بشکند میخ و طناب و پوشش خیمه سودی نخواهد داشت.^۳ یا به عبارت دیگر نماز حکم گذر نامه را دارد که اگر گذرنامه درست بود انسان راحت می‌گذرد ولی اگر گذرنامه اشکالی داشت دیگر چیزهای همراه انسان هم رد می‌شود.

❁ چرا تارک الصلاة کافر است؟

زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زانی و آشباه او عمل را به خاطر شهوت انجام می‌دهند چون شهوت بر او غلبه می‌کند ولی تارک الصلاة قصدش لذت نیست بلکه استخفاف است و هرگاه

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶.

۲. دینی دوم راهنمایی، ۷۹، ص ۹۳.

۳. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۷۷.

استخفاف آمد کفر می آید.^۱

چون تارک الصلوة خودش را بنده خدا نمی داند اگر بنده، خود را بنده خدا می دانست نماز می خواند و سر به خاک می گذاشت.^۲

❖ چرا کسانی که سب و دشنام به پیامبر اسلام ﷺ یا ائمه علیهم السلام می دهند واجب است آنها را به قتل برسانند و حال اینکه خود پیامبر یا ائمه نسبت به کسانی که سب آنها می کردند، عکس العملی نشان نمی دادند؟

باید گفت که این حق خودشان بوده است و می توانستند گذشت نمایند و دیگر اینکه حتی خود پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام نسبت به کسانی که اسلام را هجو می کردند عکس العمل نشان می دادند و پیامبر اسلام ﷺ در مکه همه را بخشیدند ولی آن پنج نفری را که اسلام را هجو می کردند فرمودند: آنها را بکشید هر چند دست به پرده خانه کعبه گرفته باشند.

❖ چرا نماز از جهاد بهتر است و حال این که در جهاد، انسان از جان و مال و فرزند می گذرد؟

عمر چنین سؤالی را از رسول خدا ﷺ کرد؛ حضرت فرمودند: «هر کسی در جهاد کشته شود، یک مرتبه کشته شده است و به بهشت می رود اما برای این که نماز قبول شود باید همیشه با اخلاص و حضور قلب مجاهدت کرد».^۳

❖ چرا غسل جنابت واجب شده است؟

دکتر صدر الدین نصیری در کتاب «بهداشت اجتماعی در اسلام» می گوید: یکی از علل واجب شدن غسل جنابت از برای مرد و زن پس از مقاربت همانا حفظ الصحه اعضای تناسلی است زیرا کثافات حاصله بعد از مقاربت موجب تولید اقسام امراض مقاربتی از قبیل سوزاک و سفلیس و غیر آن می گردد.

به علاوه در موقع مقاربت (آمیزش) که بدن ها به یکدیگر اصطکاک پیدا می کنند ممکن است امراض جلدی از یکی به دیگری سرایت کند بدین جهت است که شارع مقدس اسلام غسل جنابت را پس از عمل مقاربت واجب می داند.^۴

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. مظلّم، شهید دستغیب، ص ۱۲۳.

۳. نکته های نورانی، حسین دیلمی، ص ۴۸.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۲.

❁ چرا در اسلام دستور رسیده میت را غسل دهند؟

شیخ صدوق رحمه الله گویند: از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده هر شخصی نمی‌میرد مگر آن که نطفه‌ای که خداوند او را از آن خلق کرده از دهانش یا غیر آن خارج می‌گردد و امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: علت غسل میت آن است که میت جنب است و ملائکه‌های طاهر می‌خواهند او را ملاقات کنند.^۱

فلسفه غسل میت این است که میت از کثافات امراض و امثال آنها پاک و پاکیزه شود، زیرا میت با ملائکه ملاقات می‌کند و با اهل آخرت تماس می‌گیرد لذا لازم است وقتی بر خدای سبحان وارد می‌شود و پاکیزگان را ملاقات می‌کند و با آنان تماس می‌گیرد پاک و پاکیزه باشد و رو به خدا برود تا برای او شفاعت کنند.

یکی دیگر از علل غسل دادن میت این است که آن منی که انسان از آن خلق شده (در وقت جان دادن) از او خارج می‌شود و او بدین جهت جنب می‌گردد لذا باید او را غسل داد.^۲

❁ چرا غسل مس میت واجب شده است؟

به جهت آن ترشحاتی است (میکروب‌هایی) که از جسد میت به شخص زنده اصابت می‌نماید؛ زیرا موقعی که روح از بدن انسان خارج می‌شود بیشتر آفات و کثافات‌های بدن باقی می‌ماند، بدین لحاظ است که شخص غاسل باید غسل کند و جسد میت هم باید غسل داده شود. دکتر صدرالدین نصیری در کتاب خود «بهداشت اجتماعی در اسلام» راجع به فلسفه غسل مس میت می‌نگارد:

در سطح پوست بدن بیمار تعداد زیادی میکروب‌های بیماری استافیلوکوک و استرپتوکوک و غیره وجود دارد. نیز تعداد دیگری از میکروب‌ها که به واسطه خاصیت حیاتی نمی‌توانستند در سطح پوست زنده بمانند پس از مرگ قوی شده و افزایش می‌یابند، در این هنگام سطح پوست بدن کانون مهم سرایت و انتشار مستقیم بیماری‌های عفونی می‌باشد.^۳

❁ چرا اسلام دستور داده است اول میت را با سدر سپس با کافور غسل دهند؟

شارع مقدس برای پیش‌گیری از انتشار و انتقال میکروب‌ها به وسیله حشرات و کرم‌ها در سطح زمین، شستن بدن میت را اول با سدر و سپس با کافور لازم و واجب دانسته است. شستن با صابون و یا سدر برای نظافت بدن میت از میکروب‌ها و شستن با کافور برای

۱. علل الشرائع، ص ۲۹۹.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۳-۱۸۲.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۴.

جلوگیری از هجوم حشرات می‌باشد.^۱

❖ چرا در نماز میت پنج تکبیر رسیده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: این پنج تکبیر از پنج نمازی گرفته شده است که در هر شبانه روز می‌خوانند.^۲

❖ چرا طهارت و قرائت (حمد و سوره) در نماز میت شرط نیست و حال این که روایت گویند: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوٍ» و «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» یعنی نماز بدون طهارت و نمازی که در آن سوره حمد نباشد نماز نیست؟

به جهت این که در واقع نماز میت، نماز نیست بلکه نوعی دعا در حق میت است و آلا اگر نماز حقیقی بود حتماً طهارت در آن شرط بود و حمد و سوره و رکوع و سجود و... در آن واجب بود چون نماز حقیقی آن است که «اوله التکبیر و آخره التسلیم».

❖ چرا نماز خواندن بر پشت بام کعبه صحیح است و حال این که این نوع نماز رو به قبله نیست؟

زیرا قبله در واقع کعبه و فضای بالای آن تا عرش الهی است لذا هر چند هم بالای بام کعبه قرار بگیریم باز در مقابل قبله حقیقی هستیم و به همین جهت است که نزدیک کعبه اگر بر ساختمان چند طبقه هم قرار بگیریم باز رو به قبله هستیم و نماز ما صحیح می‌باشد. و از همین جهت است که نماز در داخل کعبه هم صحیح می‌باشد. و حتی معاذ الله اگر روزی کعبه هم به کلی خراب شود باز نماز در جهت آن صحیح می‌باشد.

❖ چرا خداوند ترک دروغ را واجب کرده است؟

زیرا به قول حضرت علی علیه السلام بزرگی راستی، نمایان گردد. زیرا آسایش مردم وابسته به آن است.^۳ باید دانست که دروغ، فراموشی می‌آورد امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: یکی از مجازات‌های دروغگو آن است که خداوند فراموشی را بر او مسلط می‌گرداند،^۴ پس دروغی می‌گوید و آن را فراموش می‌نماید و بعد خبری می‌دهد که منافی با دروغ اولی است و خود را نزد مردم رسوا می‌سازد.

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۳.

۲. علل الشرایع، ص ۳۰۲.

۳. نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.

۴. گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۷۸، وسائل الشیعه.

✽ چرا خداوند پیروی از اهل بیت علیهم السلام را واجب نموده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: چون از این راه اختلاف و نزاع‌ها از بین افراد هوی پرست برداشته می‌شود.^۱

✽ چرا اسلام روزه را واجب کرده است؟

اثر روحی روزه آن است که سبب تقوا و پرهیزکاری در انسان روزه‌دار می‌شود. باید دانست که روزه تأثیر بزرگی در صحت بدن انسان دارد چرا که روزه برای استراحت دستگاه گوارش خصوصاً معده و روده‌ها و منظم کردن ترشحات معده و ترتیب دادن به اعمال هضم بسیار مفید می‌باشد و دانشمندان حیوانشناس گفته‌اند: حتی حیوانات هم از روی غریزه خدا دادی گاهی روزه می‌گیرند از جمله در درندگان از قبیله شیر و پلنگ و ببر ملاحظه شده که هفته‌ای یک روز از خوردن هر گونه غذا خودداری می‌کنند.

خلاصه این که روزه تأثیرات روحی و اخلاقی و جسمی فراوان دارد. باید گفت که در قدیم اطبا به امساک و خودداری از خوردن و آشامیدن خیلی اهمیت می‌دادند و به وسیله آن خیلی از امراض را معالجه می‌نمودند و در طب جدید نام امساک و پرهیز را رژیم غذایی گذارده‌اند و این همان روزه است که به نام‌های مختلف نامیده می‌شود.

علمای روان شناس جدید روزه را یکی از بهترین عوامل صحت شمرده‌اند پرفسور وکتور پوشه فرانسوی گوید: روزه بهترین وسیله برای تندرستی می‌باشد.

باید گفت که روزه در اغلب امراض مفید و در پاره‌ای از بیماریها علاج منحصر به فرد می‌باشد و اگر هم منحصر به فرد نباشد انصافاً بهترین و سهل‌ترین روش معالجه می‌باشد.

اما فواید روزه به طور اختصار:

۱. در مورد اختلال حاد و مزمن روده‌ها و در هنگامی که فرمانتاسیون و تخمیرات معده و روده بیمار را دچار دل دردهای شدید می‌کند.

۲. هنگام زیاد شدن وزن بدن که معمولاً ناشی از پر خوری و کم حرکتی است.

۳. در بیماران مبتلا به فشار خون.

۴. در بیماری دولا ب و مرض قند.^۲

در کشورهای اسلامی اغلب مسئولین نظم اجتماع با آمار و ارقام ثابت کرده‌اند که در ماه

۱. رنجه‌ها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۲. دکتر برای همه، ص ۵۰-۵۶.

رمضان تعداد جرایم، نزاع‌ها، کشتارها و جنایات به حدّ اقل می‌رسد.^۱
در روزه گرفتن دو فایده منظور شده است: ۱. حفظ الصحة بدن ۲. تزکیه نفس و تربیت روح.^۲

قرآن در فلسفه روزه می‌فرماید: «لعلکم تتقون».^۳ یعنی: تا شاید پرهیزکار شوید.
و حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «والصيام ابتلاء لا خلاص الخلق»^۴ یعنی: روزه برای آزمایش اخلاص مردم فرض و واجب گشت.

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: روزه برای آن واجب گشته است تا دل‌های شما تزکیه و پاک و با صفا گردد، و تیرگی‌ها را از آن بزداید و روح انسان را برای مقامات شایسته آماده سازد.^۵
بزرگترین فایده روزه (کم خوردن) آن است که چون معده در مدت یازده ماه به‌طور دائم مملوّ از غذا بوده است در طول یک ماه رمضان می‌تواند موادّ غذایی خود را به خوبی دفع سازد. از طرفی آلات هاضمه نیز در نتیجه کم خوردن غذا اندکی فراغت حاصل نموده تا رفع خستگی را از خود می‌نماید و روزه بهترین دوا برای برطرف ساختن سوء هاضمه است. و هم چنین بهترین روش معالجه یرقان، روزه داری است. پرهیز کردن از اکل و شرب (در هنگام روزه) خود رکن رکین تندرستی و سلامتی است. و چاره زکام روزه گرفتن می‌باشد.^۶

و چون انسان چیزهایی را که به آن عادت دارد و خواهش نفس او می‌باشد در حال روزه ترک می‌کند نفس و اراده او قوی می‌شود و حسن خویشتن داری و پایداری او افزون و مستحکم می‌گردد.
روزه برنامه‌ای است برای ایجاد روحیه تقوی در انسان و تقوی روحیه‌ای است که سبب نجات انسان از پرتگاه‌ها می‌شود.

فوائد روزه عبارت است از: ۱- اثر فردی روزه آن است که سبب سلامتی و بهداشت است. ۲-
اثر اجتماعی روزه آن است که درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع را سبب می‌گردد.
۳- اثر بهداشتی روزه آن است که امساک و روزه در درمان انواع بیماری‌ها اثر معجزه آسا دارد.
۴- اثر اخلاقی و تربیتی روزه آن است که تربیت روح و تقویت اراده و تعدیل غرایز انسانی را به دنبال دارد.^۷

۱. مصباح الشریعه، ص ۲۹۰.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۵، محمد جواد نجفی.

۳. بقره، آیه ۱۸۳.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۹۷.

۵. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۶. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۷-۱۹۴.

۷. ره توشه راهیان نور، سال ۱۳۷۶، ویژه نوجوانان.

✽ چرا به اعتباری روزه مهمّ تر از نماز است؟

به چند جهت ۱. روایتی گوید که: زن در حال حیض و نفاس هم نماز و هم روزه را باید ترک نماید ولی بعداً فقط باید روزه را قضا کند ۲. اگر کسی علناً نماز نخواند حدّ شرعی ندارد ولی اگر روزه را علنی خورد حدّ بر او جاری می‌شود. (در مرتبه اول و دوم و سوم حدّ جاری می‌شود و در مرتبه چهارم اعدام می‌شود و قولی گوید در مرتبه سوم اعدام می‌شود). ۳. خداوند فقط در باره روزه می‌فرماید: «أَنَا أَجْزَى بِهِ» یا «أَنَا أَجْزَى بِهِ»^۱ یعنی من پاداش روزه را می‌دهم یا من پاداش روزه دار هستم در حالی که در باره نماز چنین چیزی نفرموده است.

✽ چرا خداوند ۶۰ روزه را كفاره خوردن یک روزه قرار داده است؟

باید گفت که منظور از مساوات میان «گناه» و «کیفر» مساوات عددی نیست بلکه کیفیت عمل را نیز باید در نظر گرفت خوردن یک روزه ماه رمضان با آن همه اهمیتی که دارد مجازاتش تنها یک روز كفاره نیست بلکه آنقدر روزه بگیرد که اندازه احترام آن یک روز ماه مبارک شود به همین دلیل در بعضی از روایات آمده است که کیفر گناهان در ماه رمضان بیش از سایر ایام است و ثواب اعمال نیک هم بیشتر است تا آنجا که مثلاً یک ختم قرآن در ماه رمضان برابر با هفتاد ختم قرآن در ماه‌های دیگر است.^۲

✽ چرا خداوند كفاره روزه و نذر و قسم و... را یکی از چند چیز (بنده آزاد نمودن، ۶۰ فقیر طعام دادن، ۶۰ روز روزه گرفتن)، قرار داده است؟

زیرا اگر یک چیز قرار داده بود بسیاری از افراد قادر به آن نبودند اما چند چیز که باشد هر کس قادر به انجام دادن یکی از آنها می‌باشد. مثلاً اگر كفاره فقط گرفتن شصت روزه بود، همه نمی‌توانستند به آن عمل کنند در صورتی که قادر هستند مثلاً شصت فقیر را سیر و یا بنده‌ای را آزاد کنند و اگر فقط كفاره، بنده آزاد کردن بود، همه قادر بر انجام آن نبودند در صورتی که می‌توانند به جای آن، کار دیگری انجام دهند.

✽ چرا واجب شده است که در سال، ۳۰ روز (ماه رمضان) روزه بگیرند؟

روایت است که وقتی حضرت آدم علیه السلام در بهشت از درختی که نهی شده بود تناول کرد تا ۳۰ روز آن غذا در شکمش بود به همین دلیل خداوند بر بندگان و فرزندان حضرت آدم تا روز قیامت واجب نمود تا ۳۰ روز را در سال روزه بگیرند.^۳

۱. تفسیر مراغی، ج ۲، ص ۶۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۵۷.

۳. سر الصلوه، امام خمینی.

✽ چرا در وضو سه بار شستن صورت و دست راست وضوی را باطل نمی‌کند ولی شستن سه مرتبه دست چپ وضوی را باطل می‌کند؟

باید گفت سه بار شستن دست چپ حرام است و وضو را نیز باطل می‌کند چون بعد از دست چپ نوبت مسح است و مسح باید با آب وضو باشد و آن آب سوّمی، آب وضو نیست لذا مسح با آن آب، وضو را باطل می‌کند ولی در صورت و دست راست چنین اشکالی پیش نمی‌آید چون بعد از آن نوبت شستن عضو دیگر وضومی باشد.

✽ چرا خداوند اطاعت از امامان را واجب کرده است؟

زیرا به قول حضرت علی علیه السلام تا مقام امامت بزرگ شمرده شود (چون از امامت بهره‌ای نمی‌رسد مگر به پیروی مردم از آن).^۱

✽ چرا خداوند زکات را واجب نموده است؟

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فلسفه آن را چنین بیان می‌کنند که زکات وسیله‌ای است برای تأمین زندگی نیازمندان و در پرتو این امر، زکات دهنده نیز به رشد اقتصادی دست می‌یابد.^۲
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: اگر که مردم زکات مال را ادا می‌کردند هیچ مسلمان فقیر و محتاجی وجود نداشت. پس فقر و گرسنگی و برهنگی فقرا به خاطر گناهان اغنیا است.^۳
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زکات برای آزمایش اغنیا و کمک به فقرا واجب شد.^۴
علت وجوب زکات آن است که قوت و غذایی نصیب فقرا شود و اموال اغنیا از خطر فساد و تلف محفوظ بماند.^۵

✽ چرا مانع زکات مانند کسی است که نماز بها نداشته است؟

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: چون خداوند زکات را با نماز مقرون کرده است و فرموده: «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» پس کسی که نماز بخواند ولی زکات ندهد مانند آن است که نماز بها نداشته است.^۶

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

۲. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳، ص ۶۴.

۳. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۲۸.

۴. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۲۸.

۵. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

۶. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۲۷.

❁ چرا دادن زکات فطره، واجب است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اگر کسی زکات فطره را ندهد ترس از آن است که مرگ به سراغش بیاید.^۱
حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ أَدَّى زَكَاةَ الْفِطْرِ تَمَّمَ اللَّهُ لَهُ بِهَا مَا نَقَصَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ».^۲

یعنی کسی که زکات فطره را اداء کند خداوند آنچه را که بواسطه دادن زکات فطره از مالش کم شده جبران خواهد نمود.

خداوند می‌خواهد که مسلمانان بواسطه روزه رمضان، زکات بدن و به واسطه زکات فطره، زکات مال خود را ادا نمایند.

❁ چرا خداوند نیکوکاری و نذورات را در اسلام قرار داده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: چون جلب آموزش و رحمت خدا می‌کند.^۳

❁ چرا خداوند احسان به پدر و مادر را واجب نموده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: چون موجب نزول رحمت و برطرف کننده عذاب سخت الهی است.^۴

❁ چرا خداوند صله رحم را قرار داده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: چون موجب توسعه زندگی و تسهیل امور و افزایش یار و یاور است.^۵

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: من چیزی را به اندازه صله رحم در افزایش عمر مؤثر نمی‌شناسم. اما آثار صله رحم که در احادیث آمده عبارتند از: زیادی عمر، سلامتی در همه امور، زیادی مال و رزق، رفع فقر، بخشش گناهان، جلب حمایت خویشان، افزایش جایگاه اجتماعی، افزایش محبت در میان خویشان، رهایی از ابتلا به مرگ ناگوار و آسانی حساب در قیامت.^۶

❁ چرا بعضی‌ها با این که صله رحم هم به جا می‌آورند عمرشان کوتاه است؟

چون صله رحمی عمر را زیاد می‌کند که قریه^۷ الی الله و هدف، رضایت الهی و ثواب باشد و کار دیگری انجام ندهد که سبب کوتاهی عمر می‌شود. پس اگر کسی صله رحم کند و قصدش

۱. علل الشرایع، ص ۳۹۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۰.

۳. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۴. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۵. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۶. ره توشه راهیان نور، ص ۳۱۷-۳۲۵، سال ۱۴۲۴.

۷. قریه: نزدیکی.

فقط این باشد که عمرش زیاد شود و یا این که با بعضی از ارحام صله و با بعضی قطع رحم نماید و یا کار دیگری انجام دهد که سبب کوتاهی عمر شود مانند قسم دروغ و عاق والدین دیگر آن اثر بر آن صله رحم بار نمی‌شود.

✽ چرا خداوند رعایت توزین صحیح را واجب کرده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: چون موجب رواج کالاها و گردش خوب اقتصاد می‌شود.^۱

✽ چرا اسلام جزیه را بر اهل ذمه واجب نموده است؟

فلسفه تشریع جزیه همان طور که ابن قدامه در «المغنی» می‌گوید:
حفظ جان اهل ذمه است بنابر این، از کودکان و دیوانگان و زنان نباید جزیه گرفت، زیرا جان آن‌ها بدون جزیه هم باید حفظ شود.^۲

✽ چرا خداوند عدل را واجب کرده است؟

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: چون از این راه مساوات و برابری و نظم در اجتماع حفظ می‌شود.^۳

✽ چرا خداوند قبله مسلمانان را از بیت المقدس به کعبه تغییر داد؟

سه فائده برای آن ذکر کرده‌اند:

۱. یهود در کتابهای آسمانی خود خوانده بود که قبله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کعبه است نه بیت المقدس لذا اگر تغییر نمی‌کرد حجت یهود علیه مسلمین تمام بود یعنی می‌گفتند این شخص، پیامبر اسلام نیست.
 ۲. پی‌گیری و ملازمت این حکم، مسلمانان را به سوی تمامیت نعمت و کمال دینشان سوق می‌دهد.
 ۳. در آخر آیه مربوط به تغییر قبله آمده است: «لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ». خدای تعالی اظهار امیدواری به هدایت مسلمانان به سوی صراط مستقیم کرده است.^۴
- قولی گوید تغییر قبله دو علت دارد:
۱. تا اینکه دانسته شود چه کسی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیروی می‌کند و چه کسی به مخالفت با او بر می‌خیزد.

۱. رنجه و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۲. فصلنامه پژوهشهای قرآن، شماره ۳، ص ۶۸.

۳. رنجه و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۴. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۴.

۲. تا هیچ کس را جز ستمکاران، با شما مجادله‌ای نباشد.^۱

استاد گرامی آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می‌فرمایند: تا زبان طعن یهود از مسلمانان قطع شود و از سوی دیگر موجبات علاقه مندی بیشتری در مردم حجاز که توجه خاصی به کعبه داشتند برای پذیرش آیین اسلام فراهم گردد.^۲

در حقیقت تغییر قبله یک نوع تربیت و تکامل و نعمت برای مسلمانان بود تا با انضباط اسلامی آشنا شوند و از تقلید و تعصب برهند.^۳

اولاً بنا بود که قبله تغییر بکند و خود پیامبر اسلام ﷺ در انتظار آن بود و پس از ورود ایشان به مدینه دشمنان (یهودیان) این موضوع را دستاویز خود قرار دادند، و مرتباً مسلمانان را سرزنش می‌کردند به اینکه: اینها استقلالی از خود ندارند، اینها پیش از آنکه ما به آنها یاد دهیم اصلاً از امر قبله سر در نمی‌آوردند قبول قبله ما دلیل بر قبول مذهب ما است و مانند اینها...^۴

رسول خدا ﷺ در بین نماز ظهر بودند که جبرئیل به دستور خداوند ایشان را که رو به بیت المقدس بودند به طرف کعبه گرداند و بقیه نماز ظهر را به طرف کعبه خواندند.

❁ چرا مسلمانان تا مدتی رو به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند؟

خداوند در آغاز برای جدا کردن صفوف مسلمانان از بت پرستان که در برابر کعبه که آن روز بتخانه بزرگی بود سجده می‌کردند، به مسلمانان دستور داد به سوی بیت المقدس نماز بخوانند، تا موضع آنان در برابر مشرکان مشخص گردد.^۵

ضمناً اعلام قبله نخستین نیز این اثر را داشت که اسلام را از اینکه یک آیین نژادی باشد جدا سازد، بعلاوه قلم بطلان بر بت‌های بت پرستان که در کعبه قرار داشتند، کشید.^۶

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ موقعی که بطرف بیت المقدس نماز می‌خواند انتظار تغییر قبله را می‌کشیدند؟

چون ایشان علاقه خاصی به کعبه داشت و آنهم به خاطر علاقه شدیدشان به ابراهیم علیه السلام و آثار او بود. لذا آرزو داشت تا فرمان قبله بودن آن صادر گردد و قبله اصلی و

۱. فصلنامه پژوهشهای قرآنی شماره ۳، ص ۹۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۴.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۰۸.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۰.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۰۹.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۴.

نهایی زودتر تعیین گردد.^۱

❁ چرا واجب است همهٔ مسلمانان به یک طرف (قبله) نماز بخوانند؟

باید دانست توجه به قبله هرگز مفهومی محدود کردن ذات پاک خدا در سمت معینی نیست، بلکه از آنجا که انسان یک وجود مادی است و بالاخره باید به سویی نماز بخواند، دستور داده شده است که همه به یکسو نماز بخوانند تا وحدت و هماهنگی در صفوف مسلمین پیدا شود، و از هرج و مرج و پراکندگی جلوگیری به عمل آید. ضمناً سمتی که به عنوان قبله تعیین شده (سمت کعبه) نقطه ای است مقدس که از قدیمی‌ترین پایگاههای توحید است و توجه به آن بیدار کنندهٔ خاطرات توحیدی می‌باشد.^۲

❁ چرا مسلمانان از اول رو به سوی کعبه نماز نمی‌خواندند؟

چون کعبه مرکز بتها و مورد علاقهٔ عموم عرب بود لذا پیامبر اسلام ﷺ در آغاز آن را کنار گذاشت و قبلهٔ یک اقلیت محدود را به رسمیت شناخت.^۳

❁ چرا حج واجب شده است؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «حُجُّوا تَسْتَغْنُوا». یعنی: به حج بروید تا بی نیاز شوید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَالْحَجَّ تَقْوَىٰ لِلدِّينِ». یعنی: حج برای قوت یافتن دین واجب گردید. حضرت زهرا (ع) می‌فرماید: حج یک نمایش و جریان عملی و امتحان خارجی است تا ایمان و روح خداپرستی را تقویت کند.^۴ امام سجاد (ع) می‌فرماید: حج را انجام دهید زیرا علاوه بر سلامتی و توسعه رزق و تأمین زندگی، سبب اصلاح ایمان شماست.^۵

امام باقر (ع) می‌فرماید: «الْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ». یعنی: حج آرام بخش دلهاست. در روایات آمده که حج محرک چرخ اقتصاد است چون در حج مسئله حمل و نقل مسافر و خرید و ذبح گوسفند و اجاره کشتی و هواپیما و ماشین و خیمه‌ها و مسئله هدایا و سوغات سفر

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۵.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۱.

۴. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۱۱.

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۹۷.

۶. رنجه‌ها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۷. حج، محسن قرائتی.

۸. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳.

و نقل و انتقال اجناس از اطراف دنیا از جمله این چیزهاست.^۱
 وجوب حج دارای بُعد اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. اما بُعد اخلاقی حج آن است که سبب نزدیکی انسان به خداوند و خودسازی شخص در ابعاد گوناگون می‌گردد. و بُعد سیاسی حج آن است که عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان و مبارزه با نژادپرستی است. و بُعد فرهنگی حج آن است که ارتباط قشرهای مسلمانان در ایام حج مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکر است. و بُعد اقتصادی حج آن است که کنگره عظیم حج می‌تواند زیربنای پایه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی را تقویت کند.

❁ چرا حج بیش از یک مرتبه بر انسان واجب نمی‌شود؟

زیرا خدای حکیم در عبادت‌های واجب ملاحظه حال کم توان‌ترین افراد را نموده و حج را یک مرتبه واجب کرده است تا افراد ضعیف بتوانند این فیض را دریابند. آنگاه به افراد قوی دستور داده است که به اندازه قدرت و توانایی خود، حج (مستحبی) بجای آورند.^۲

❁ چرا بعد از انجام حج، زیارت نبی اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام واجب گشته است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هنگامیکه یکی از شما حج خانه خدا را به جا آورد پس باید حج خود را به زیارت ما ختم نماید زیرا این عمل از تمام حج می‌باشد.
 و امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: ملاقات امام، تمام حج می‌باشد.^۳

❁ چرا بعضی از افراد زیارت خانه خدا (زیارت مکه) نصیبشان می‌شود ولی عدمای محروم می‌گردند؟

زیرا زمانی که حضرت ابراهیم علیه السلام مردم را ندا داد که به حج بیایند آن ندا به کسانی که در اصلاص مردان و ارحام زنان تا روز قیامت بودند رسید پس آنهایی که در اصلاص مردان و ارحام زنان بودند لبیک گفتند به همان مقداری که لبیک گفته‌اند حج نصیبشان می‌شود و آنهایی که در آن زمان لبیک نگفتند، حج نصیبشان نمی‌گردد.^۴

❁ چرا خداوند کعبه را در آن سر زمین گرم و کوهستانی و دور از دریا و جنگل و سبزی

قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خداوند می‌توانست آن را در جای دیگری که خوش آب و هوا باشد، قرار دهد ولی برای آزمایش مردم کعبه را در چنین جایی قرار داد تا مدعیان دروغین

۱. حج، محسن قرآنی.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۳. علل الشرایع، ص ۶۱۴.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۹.

ایمان از مومنان خالص شناخته شوند.^۱

✽ چرا خانه کعبه این همه عظمت دارد؟

الف- نخستین پرستشگاه برای مردم است (وُضِعَ لِلنَّاسِ) ب- یکی از پربرکت ترین سرزمین های جهان است (مبارکاً) ج- کعبه مایه هدایت جهانیان است (هَدًیًّ لِلْعَالَمِینَ) د- در این خانه نشانه های روشنی از خداوند وجود دارد (فیه آیاتُ بیناتٌ مقامُ ابراهیم) ه- این خانه مایه آرامش روح و امنیت اجتماع است (وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِنًا) و- مرکز پایداری و قیام مردم (قیاماً لِلنَّاسِ) ز- خانه آزاد و رها شده از قید و بند و ملکیت (الْبیت العتیق) ح- خانه پاک و پاکیزه (أَنْ طَهَّرَا بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ) ط- بانی کعبه حضرت ابراهیم علیه السلام (وَإِذِ یَرْفَعُ اِبْرَاهِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ).^۲

✽ چرا کعبه چهار گوشه دارد؟

شخصی از امام صادق علیه السلام چنین سؤالی را کرد؛ حضرت فرمودند: چون بیت المعمور که در آسمان چهارم و محازی کعبه است چهار گوشه دارد راوی سؤال کرد که چرا بیت المعمور چهار گوشه دارد حضرت فرمودند چون عرش خداوند چهار گوشه دارد باز راوی سؤال کرد که چرا عرش خداوند چهار گوشه دارد حضرت فرمودند چون بنای اسلام بر چهار کلمه است (آن چهار کلمه عبارتند از سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله، الله اکبر).

✽ چرا وسط زمین، کعبه است؟

علت اینکه می گوئیم کعبه وسط زمین است آن است که کعبه همان موضعی است که زمین از زیر آن گسترش پیدا کرده است.^۳

✽ چرا تلبیه (لبیک گفتن) سنت گشته است؟

زیرا زمانی که خداوند به حضرت ابراهیم گفت: «وَإِذْ قَالَ لِلنَّاسِ بِالْحَجِّ یَا تُوکَ رَجُلًا» پس حضرت ابراهیم ندا داد؛ پس از هر طریقی تلبیه و لبیک گفتند.^۴
ابوالحسن علیه السلام می فرماید: لبیک حجاج اجابت بر ندای خداوند است که می فرماید: «عبادی و امانی لأُحَرِّمَنَّکُمْ عَلَى النَّارِ کَمَا أُحَرِّمْتُکُمْ لَی» یعنی ای بندگان و کنیزان من (ای زنان و مردان) هر آنچه شما را بر آتش حرام کردم همان طور که شما برای من احرام بستید.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۹.

۲. تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۱۵۱؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۲۹۹.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۴. من لایحضره الفقیه (چهار جلدی)، ج ۲، ص ۱۹۵.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶.

❁ چرا مقام ابراهیم، طرف چپ خانه کعبه است؟

زیرا برای حضرت ابراهیم در قیامت مقامی است و برای حضرت محمد ﷺ مقامی دیگر است پس مقام محمد ﷺ طرف راست عرش پروردگار و مقام ابراهیم طرف چپ عرش است لذا مقام ابراهیم در همان طرفی است که در قیامت است.^۱

❁ چرا حُجَّاج، حول حجر اسماعیل طواف می‌کنند ولی در آن طواف نمی‌کنند؟

زیرا مادر اسماعیل در حجر دفن شده است و قبر او در آن جا می‌باشد پس این گونه طواف می‌کنند تا قبر او پایمال نشود.^۲

❁ چرا محل توقف، مشعر قرار داده شده است؟

علّت آن که موقف در مشعر است نه حرم، زیرا کعبه بیت الله است و حرم حجاب آن و مشعر باب(درب) آن است پس چون زائران قصد حرم کنند آنها را نزد باب نگه می‌دارند به جهت این که تضرّع نمایند تا اذن دخول به آن‌ها داده شود.^۳

❁ چرا طواف خانه خدا بر حُجَّاج واجب شده است؟

تا انسان به ملائکه مقربین که حول عرش طواف می‌کنند شبیه گردد.^۴
علّت طواف آن است که خدای علیم به ملائکه فرمود: من در نظر دارم خلیفه‌ای در زمین (از برای خود) قرار دهم ملائکه گفتند: آیا کسی را خلیفه خود می‌نمایی که در زمین مفسده بپا کند و خون‌ها را بریزد؟

موقعی که ملائکه چنین جوابی را به خدا دادند از گفته خود پشیمان شدند و به عرش خدا پناهنده شدند و استغفار نمودند. لذا خدای سبحان دوست دارد که بندگان او در زمین یک چنین عبادتی را انجام دهند. پس از این جریان بود که خدای توانا خانه‌ای در آسمان چهارم محاذی عرش قرار داد که نام آن، ضراح است. آن گاه خانه‌ای در آسمان دنیا محاذی ضراح قرار داد که نام آن معمور است. سپس این خانه کعبه را محاذی بیت المعمور قرار داد. بعد از این جریان بود که به حضرت آدم ﷺ دستور داد تا در اطراف کعبه طواف نماید، همین که حضرت آدم ﷺ طواف کرد خدای رثوف توبه او را پذیرفت، بدین لحاظ است که موضوع طواف برای

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷.

۴. جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۹۲.

فرزندان آدم تا روز قیامت، سنت شد.^۱

✽ چرا حجاج حجرالاسود را می‌بوسند؟

علت بوسیدن حجرالاسود آن است که وقتی خدای تعالی عهد و پیمان از بنی آدم گرفت حجرالاسود آن عهد و پیمان را فرو برد (یعنی شاهد بر آن عهد و میثاق بود) بدین جهت است که خدا مردم را دستور داد تا در باره این میثاق تعهد نمایند و از همین لحاظ است که نزد حجرالاسود گفته می‌شود: «من امانت خود را ادا نمودم و درباره پیمان خود معاهده نمودم تا تو شهادت دهی که من به عهد خود وفا کردم».^۲

علت بوسیدن حجر الاسود آن است که حجر الاسود به منزله دست خدا در زمین است و در آن موافق بندگان می‌باشد لذا دستور است که حجاج آن را ببوسند و یا استلام نمایند.

✽ چرا در موسم حج سنگ زدن به شیطان دستور رسیده است؟

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند:

چون ابلیس لعین (در این موضع) پیش حضرت ابراهیم علیه السلام آمد ایشان او را سنگسار کرد لذا سنت براین جاری شد.^۳

اگر گفته شود در ظاهر، سنگ شیطان زدن اثری ندارد ما در جواب گوییم:

۱. این عمل تعبّدی است ۲. برای تأسی به حضرت ابراهیم خلیل الرحمن می‌باشد ۳. برای اظهار تنفر نسبت به ابلیس لعین چنین کاری سنت شده است.

✽ چرا سعی بین صفا و مروه واجب شده است؟

زیرا حضرت هاجر برای طلب آب برای کودک خود اسماعیل هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کرد (تا اینکه از روی معجزه چشمه آب زمزم جاری شد) لذا چنین کاری در حج سنت گردید.^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون شیطان در آن وادی، در نزد حضرت ابراهیم علیه السلام ظاهر شد پس سعی کرد (لذا بر حجاج چنین عملی سنت گشت) و آن جا منازل شیطان است.^۵

این کار یادآور خاطره هاجر، همسر فداکار حضرت ابراهیم علیه السلام است که برای پیدا کردن جرعه‌آبی برای کودک خود اسماعیل، هفت بار این دو کوه را با اضطراب و نگرانی و بدون

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

۳. علل الشرائع، ص ۴۳۷.

۴. علل الشرائع، ص ۴۳۲.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶.

داشتن هیچگونه یاور و همدمی طی کرد.^۱

❖ چرا محبوب‌ترین مکان‌ها در نزد خداوند، مَسْعٰی (محل انجام سعی) می‌باشد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لَا تَهْ يَذُلُ فِيهَا كُلُّ جَبَّارٍ».^۲
یعنی: زیرا در آن جا هر گردنکشی ذلیل و خوار می‌گردد.

❖ چرا هروله سنت شده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون (در این مکان) ابلیس نزد ابراهیم علیه السلام ظاهر شد پس جبرئیل به او امر کرد که ابلیس (شیطان) را دور نماید. و حضرت ابراهیم به صورت هروله (حالت میان راه رفتن و دویدن) او را دنبال کرد پس ابلیس فرار نمود و چنین چیزی در حج سنت شد.^۳

❖ چرا بر حُجَّاج، قربانی کردن واجب است؟

به جهت این که از حضرت ابراهیم در قربانی کردن تبعیت کنند که قوچی از بهشت برای حضرت ابراهیم آمد تا آن را در مکه قربانی نماید لذا بر همه حجاج سنت است که چنین عملی را در مکه (سرزمین وحی) انجام دهند.

❖ چرا در منی در روز عید اضحی (قربان) تکبیرات مخصوصی دستور رسیده است؟

در حقیقت این تکبیرات مجموعه ای است از تکبیرات «جبرئیل» و «سماعیل» و پدرش «ابراهیم» و چیزی افزون بر آن. و به تعبیر دیگر این تعبیرات خاطره پیروزی «ابراهیم» و «سماعیل» را در آن میدان بزرگ آزمایش در نظرها زنده می‌کند، و به همه مسلمانان چه در منا و چه در غیر منا الهام می‌بخشد.^۴

❖ چرا روزه در ایام تشریق کراهت دارد؟

چون قوم (حجاج)، زوّار خداوند عزّ و جل هستند پس آن‌ها در ضیافت او به سر می‌برند و برای مهمان سزاوار نیست که در نزد میزبان، روزه دارد.^۵
تشریق یعنی خشکانیدن گوشت در آفتاب و ایام تشریق به سه روز بعد از عید قربان گفته می‌شود که در قدیم عرب‌ها گوشت‌های قربانی را خشک می‌کردند.^۶

۱. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳. علل الشرائع، ص ۴۳۲-۴۳۳.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۲۴.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۶. فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۸۷.

❁ چرا بر مسلمانان واجب است که حیوانات را رو به قبله ذبح کنند؟

تا این که میان آن ها و بت پرستان فرقی باشد چون آنها مقابل و رو بروی بت های خود، حیوانات را ذبح می کنند؛ لذا دستور رسیده که مسلمانان در مقابل قبله خود (کعبه) حیوانات خود را ذبح نمایند.
شاید هم این حکم تعبدی باشد.

❁ چرا اسلام دستور به ذبح حیوانات حلال گوشت داده است آیا این یک بی رحمی نیست؟

جواب این که اگر این را یک نوع بی رحمی حساب کنیم و رقت قلب را در همه جا واجب بدانیم باعث ابطال بسیاری از احکام حقوقی و جزایی (حبس و جلد و قصاص و تعزیر و اعدام) می شود اسلام احکامش تابع مصالح و مفاسد واقعی است نه تابع عواطف، و در جای خود رحمت را لازم دانسته است.

علاوه بر این اگر اسلام دستور دهد که فقط حیواناتی که به مرگ طبیعی مرده اند گوشت آن ها خورده شود این خلاف رحمت است. زیرا علت مرگ آن حیوانات، بیماری هایی است که اگر گوشت آن ها خورده شود، انسان هم به همان بیماری مبتلا می شود و اگر دستور دهد که گوشت حیوانی را بخورند که مثلاً از کوه پرت شده است، مردم در مضیقه قرار می گیرند، زیرا کمیاب است.^۱

❁ چرا باید برای حلال شدن گوشت حیوانات غیر از ماهی آنها را ذبح نمود؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: چون ماهی، خون زیادی ندارد که ذبحش لازم شود تا بدان وسیله از او بیرون رود و خون کمی که در اوست، مانند باقیمانده خونی که در بدن ذبیحه می ماند، بی ضرر و حلالست.^۲

❁ چرا واجب است که در موقع ذبح حیوانات نام خدا (بسم الله) برده شود؟

تا آن عملی که به وسیله آن به خدا تقرب می جویند و آن چه که وسیله پرستش شیاطین و بت ها می شود، مساوی نباشند.

زیرا گفتن نام خدا باعث اقرار به ربوبیت و یگانگی او خواهد بود. ولی آن چه که بدون ذکر نام خدا سر بریده شود، شرک به خدا و تقرب به غیر خدا خواهد بود. پس ذکر نام خدا در موقع ذبح حیوان حلال گوشت، بین آنچه که خدا حلال و حرام کرده است، فرق می گذارد.^۳

۱. المیزان، ج ۵، ص ۳۰۱.

۲. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۵۷ نقل از بحار، ج ۴، ص ۲۵۰.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

بردن نام خدا موقع ذبح و نحر حیوانات از یک طرف، مبارزه با آیین شرک و بت پرستی است و از سوی دیگر توجهی به آفریننده این نعمت‌ها است.^۱

طبق آزمایشات به عمل آمده گوشت حیواناتی که در کشورهای اسلامی با گفتن بسم الله (بردن نام خدا) و رو به قبله ذبح می شوند نسبت به دیگر گوشتها بهداشتی تر است.

❁ چرا خدا جهاد را واجب نموده است؟

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«وَالْجِهَادُ عَزًّا لِلْإِسْلَامِ»^۲ یعنی: و جهاد برای ارجمندی اسلام و شکست دادن کفار واجب شد.

حضرت زهر علیه السلام می فرمایند: جهاد برای عزت و شوکت، و حفظ عظمت دینی، واجب گشته است.^۳

❁ چرا جهاد، در مدینه تشریع شد؟

زیرا از یک طرف تعداد مسلمان‌ها در مکه به اندازه‌ای کم بود که عملاً قیام مسلحانه کردن مفهومی جز خودکشی نداشت.

و از طرفی دیگر دشمن در مکه فوق العاده نیرومند بود و در واقع مکه مرکز اصلی قدرت‌های ضد اسلامی محسوب می شد و مبارزه کردن با آن‌ها در داخل مکه امکان پذیر نبود.

ولی هنگامی که پیامبر به مدینه آمدند، عده زیادی به او ایمان آوردند و پیامبر توانستند یک حکومت ساده به وجود آورند و وسایل لازم را برای مبارزه و پیکار با دشمن آماده سازند و چون مدینه از مکه فاصله نسبتاً زیادی داشت، این کار با فراغت خاطر صورت گرفت.^۴

❁ چرا اسلام با این که با جنگ و خونریزی مخالف است، جهاد ابتدایی را قرار داده است؟

باید دانست که اسلام هرگز برای کشورگشایی و تصاحب اراضی مردم دستور جهاد و نبرد نمی دهد و هرگز برای استثمار مردم و تحمیل عقاید و فرهنگ جنگ نمی کند اما اگر مردمی در جهل و نادانی بودند، در فقر و محرومیت و خفقان می زیستند و ستمگران و مستکبران دسترنجشان را چپاول می کردند در چنین وضعی اسلام وظیفه می داند که به یاری محرومین بشتابند و آنان را از چنگال مستکبرین نجات دهند اما نخست با تبلیغات، با برهان و منطق بیدارشان کنند ولی اگر اثر نکرد با صلاحدید پیامبر و یا وصی او (امام) دستور جهاد صادر می گردد.

در واقع این جهاد، یک نوع دفاع از حقوق انسان‌های محروم، دفاع از شرافت و عزت

۱. ره توشه راهیان نور، ویژه نوجوانان، سال ۱۳۷۶.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۹۷.

۳. رنجه‌ها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷.

انسان‌ها، دفاع از حقوق مستضعفین است.

علامه طباطبایی رحمه الله در یک تحلیلی، جنگ ابتدایی را به جنگ دفاعی برمی‌گرداند به این معنی که چون سران ستم و سردمداران کافر کشورهای غیر مسلمان، حق حیات سالم که از آزادی فطرت پاک انسانی سرچشمه می‌گیرد را از مردم سلب نموده‌اند، اسلام اجازه داده تا برای دفاع از حق آن مردم با آنها به جنگ برخیزند و قرآن هم می‌فرماید: «قاتلوهم حتی لا تكون فتنة» یعنی با آنها به مقاتله برخیزید تا فتنه و آشوب از میان برداشته شود.^۱

❁ چرا اسلام با این که با جنگ و خونریزی و کشت و کشتار مخالف است، دستور داده است تا مسلمانان بهترین سلاح‌ها را برای جنگ آماده و مهیا کنند؟

باید گفت درست است که اسلام مخالف جنگ است ولی در بعضی از مواقع طبق مصلحتی جنگ و مبارزه و دفاع واجب می‌شود لذا اگر مسلمانان مجهز به سلاحهای پیشرفته نباشند، در مقابل دشمنان به راحتی از پا درمی‌آیند.

❁ چرا در اسلام دستور رسیده وقتی سگی ظرفی را لیسید باید آن ظرف را اول خاک مال کنند سپس آن را بشویند؟

باید دانست میکروبی که از زبان سگ در هنگام لیسیدن ظرف به آن می‌رسد، چیزی جز خاک آن را برطرف نمی‌سازد. چنانچه در اسلام، طاهر شدن آن را موقوف بخاک مالی دانسته است.^۲

زیرا خاک، میکروب کش است و در آب دهان سگ میکروبی است که به راحتی با خاک از بین می‌رود.

❁ چرا قرآن گویند: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» یعنی ای صاحبان عقل برای شما در قصاص حیات و زندگی است؟

زیرا انسان وقتی بداند که اگر انسانی را به قتل برساند، کشته می‌شود، مرتکب قتل نمی‌شود. این، هم حیات برای او و هم حیات برای کسی که اراده قتل او را دارد، می‌باشد.^۳

قصاص در اسلام یک برخورد و انتقام شخصی نیست، بلکه تامین کننده امنیت اجتماعی است. در جامعه ای که متجاوز قصاص نشود عدالت و امنیت از بین می‌رود و آن جامعه گویا حیاتی ندارد و مرده است.^۴

۱. ولایت فقیه، ص ۳۵.

۲. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. تهذیب الیلاغه، ص ۷۲، دکتر عبدالهادی.

۴. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۶.

❁ چرا در قانون قصاص، جنسیت مطرح است بنابر این اگر قاتل مرد و مقتول زن بود مرد را قصاص نمی‌کنند؟

جواب اینکه قتل زن و مرد، از نظر الهی و انسانی و کیفر اخروی یکسان است لکن در کیفر دنیوی فرق دارد و این به خاطر آن است که معمولاً مرد نان آور خانه و قتل او سبب ضربه اقتصادی به خانواده است و قانون بر اساس نوع است، نه موارد نادر که ممکن است زنی نان آور باشد.^۱

❁ چرا در پایان آیه قصاص، جمله «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» آمده است؟
تقوا به معنای بازداري است و چون قصاص سبب بازداري مردم از تکرار قتل است این جمله مناسب این آیه می‌باشد.

❁ چرا در اسلام قصاص قرار داده شده است؟
حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «وَالْقَصَاصُ حَقٌّ لِلدِّمَاءِ»^۲ یعنی: و قصاص را خداوند برای محفوظ بودن خون‌ها (جان‌ها) قرار داد. حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: قصاص برای آن است که مردم با امن و آسایش زندگی کنند، و جان و مال مردم محفوظ بماند.^۳
چون به قول قرآن در قصاص حیات دیگران است یعنی اگر قصاص نبود به راحتی مردم یکدیگر را می‌کشتند لذا اسلام برای حفظ جان مسلمانان، قصاص را قرار داده است.

❁ چرا خداوند شهادت دادن را واجب کرده است؟
زیرا به قول حضرت علی علیه السلام شهادت دادن برای کمک خواستن بر انکار شده‌ها است (تا بر اثر انکار، حقوق کسی پایمال نشود).^۴

❁ چرا خداوند امامت را واجب کرده است؟
به گفته حضرت علی علیه السلام سبب نظم و آرامش مردم می‌شود (زیرا امام و پیشوای توانا، ستمگر را از ستمگری بازداشته و حق مظلوم و ستم کشیده را بستاند و کارها نظم و آرامش گیرد).^۵

❁ چرا خداوند ایمان را واجب کرده است؟
زیرا به قول حضرت علی علیه السلام سبب پاک کردن (دل‌های بندگان) از شرک می‌شود.^۶

۱. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲. نهج البلاغه کلمات القصار، ص ۱۱۹۷.

۳. رنجه‌ها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۴. نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.

۵. نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.

۶. نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.

❖ چرا روایت است که باید از تفرقه، پرهیز نمود؟

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: چون شاذ از مردم نصیب شیطان است چنان که شاذ از گوسفندان نصیب گرگ می شود.^۱

❖ چرا خداوند صبر را واجب کرده است؟

حضرت زهر علیه السلام می فرمایند: چون صبر طلعه موفقیت و پایه خوشبختی و وصول به مقصود است.^۲

❖ چرا خدا امر به معروف را واجب نموده است؟

برای این که عوام اصلاح گردند و به راه سعادت سوق داده شوند.

❖ چرا خدا نهی از منکر را واجب نموده است؟

برای اینکه از معاصی و گناهان کم خردان جلوگیری شود.

❖ چرا همیشه در آیات و روایات «امر به معروف» مقدم بر «نهی از منکر» به کار رفته است؟

تا به ما بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنیم و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشیم.^۳

به عبارت دیگر اگر جامعه را با معروف پر کنیم دیگر راهی برای منکر وجود ندارد؛ مانند خواندن نماز که (یکی از مصادیق) معروف است راه را بر فحشا و منکرات می بندد.^۴ قرآن می فرماید: «انَّ اَصْلَوةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْكَرِ». یعنی: نماز از فحشا و منکرات جلوگیری می نماید.

❖ چرا بعضی از افراد امر به معروف را ترک می کنند؟

عللی دارد که عبارتند از:

۱. ضعف ایمان ۲. ضعف نفس ۳. ترسهای بی مورد ۴. موقعیت گنهکار ۵. القابات شیطانی
۶. مخالفت حکومتها ۷. مخالفت دشمنان اسلام ۸. جهل ۹. رنجش گنهکار ۱۰. وابستگی به گنهکار ۱۱. مخالفت و ملامت دیگران.^۵

❖ چرا در اسلام دستور رسیده است که بعد از خروج بول همان موضع، ولی بعد از خروج

۱. الحیاط، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۱۹۰.

۳. امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی، ص ۱۵.

۴. امر به معروف و نهی از منکر، ص ۲۳۳.

۵. امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر، ص ۱۹۶-۲۰۹ حجة الاسلام محمد رضا اکبری.

منی تمام بدن شسته شود (غسل کرده شود)؟

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

فلسفه غسل جنابت نظافت و تطهیر بدن است؛ زیرا جنابت (منی) از کلیه بدن (منافذ بدن) سوراخهای ریز) خارج می‌گردد و بدین سبب واجب است که انسان بعد از جنب شدن همه بدن را تطهیر نماید.

و علت این که برای خروج بول و غایط لازم نیست کلیه بدن شسته شود (غسل داده شود) این است که:

اولاً: بول و غایط بیشتر از جنابت (منی) خارج می‌شود لذا برای خروج آن‌ها فقط به وضو اکتفا می‌شود، زیرا اگر به تعدد قضای حاجت، غسل واجب شود عسر و حرج لازم می‌آید (و این در اسلام مشروع نیست).

ثانیاً: بول و غایط بدون اراده و شهوت خارج می‌شوند بر خلاف خروج منی که بدون لذت و اجبار نفس خارج نخواهد شد.^۱

چرا در قسامه باید تعداد پنجاه نفر قسم بخورند؟

تا سختگیری و احتیاط شود و در نتیجه خون یکنفر شخص مسلمان هدر نرود.^۲

چرا مدعی باید شاهد بیاورد ولی منکر باید قسم بخورد؟

زیرا شخص منکر به جهت این که مجهول است نمی‌تواند برای انکار خود شاهد بیاورد.

لذا باید قسم بخورد ولی مدعی قادر است بر کار یا چیزی که در خارج موجود است، شاهد بیاورد. ولی در اثبات قتل بر منکر لازم است، اقامه شهود کند و مدعی باید قسم بخورد تا بدین وسیله خون مسلمانان محفوظ بماند و خونی هدر نرود و از طرفی این موضوع یک نوع مانع و زجری از برای قاتل خواهد بود، زیرا مشکل است که وی شاهد بیاورد.^۳

چرا برای اثبات قتل دو شاهد اما برای اثبات زنا چهار شاهد لازم است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون شاهد قتل، برای تنبیه یک نفر شهادت می‌دهد، اما شاهد زنا برای کیفر دو نفر (زن و مرد زناکار) گواهی می‌دهد.^۴

دلیل دیگر آنکه اگر در قتل چهار شاهد لازم بود بسیاری از خونها بخاط نبود این تعداد شاهد هدر می‌رفت و قتل ثابت نمی‌شد و اینکه در زنا چهار شاهد لازم است چون خداوند

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۴. تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۴۷؛ تفسیر کنزالدقائق.

خواسته حتی الامکان آبروی افراد محفوظ بماند و حدی بر کسی جاری نشود.

❖ چرا اسلام دستور داده دست دزد را قطع کنند آیا یک بی رحمی به حساب نمی آید؟

اولاً قطع دست سارق (دزد) شرائط دارد (حداقل یک ربع دینار باشد، از جای محفوظی مانند خانه و مغازه و جیب های داخلی باشد، در قحط سالی نباشد، سارق، بالغ و عاقل و در حال اختیار باشد، سرقت پدر از مال فرزند، یا سرقت شریک از مال مورد شرکت نباشد، سرقت میوه از درختان باغ نباشد، سارق اشتباهی مال دیگری را بجای مال خود نبرده باشد). پس هر سارقی مشمول آن حکم نخواهد بود بلکه تنها یک دسته از سارقان خطرناک هستند که رسماً مشمول آن می شوند. ثانیاً با توجه به اینکه راه اثبات جرم در اسلام شرائط خاصی دارد این موضوع باز هم تقلیل پیدا می کند. ثالثاً اگر ملاحظه می کنیم امروز دزدی فراوان است به خاطر آن است که چنین حکمی اجراء نمی شود و لذا در محیطهائی که این حکم اسلامی اجراء می گردد (مانند محیط عربستان سعودی) امنیت فوق العاده از نظر مالی در همه جا حکمفرماست.^۱

علم الهدی سید مرتضی (ره) در جواب کسی که به صورت شعر سؤال کرد:

ید بخمس مثنی عسجد ودیت ما بالها قطعت فی ربع دینار؟

وی به صورت شعر جواب داد:

عزّ الامانة اغلاها و ارخصها ذلّ الخيانة فافهم حکمة الباری.^۲

❖ چرا باید دست راست دزد را قطع کرد؟

چون (نوعاً) سارق با دست راست خود کار دزدی را انجام می دهد و از طرفی هم دست راست از برای او بهتر و با منفعت ترین اعضای وی به شمار می رود لذا بریدن آن موجب عبرت خلق خواهد شد که اموال را از غیر طریق مشروع به دست نیاورند و چون بیشتر دزدی ها بوسیله دست راست انجام می گیرد چنانچه دست راست دزد را قطع نکنند بعداً با دست راست نیز به شغل خود ادامه خواهد داد لذا باید دست راست او را قطع نمایند.^۳

❖ چرا باید بدن زناکار را مورد ضربه قرار داد و حال این که با عضو خاصی زنا کرده است؟

چون با این بدن زنا کرده و کلیه بدن از عمل زنا لذت برده است و زدن زناکار یک نوع عقوبتی از برای او و عبرتی از برای دیگران خواهد بود.^۴

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکار، ص ۶۰۲-۶۰۴.

۲. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکار، ص ۶۰۲-۶۰۴؛ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۷۶؛ تفسیر آلوسی، ج ۶، ص ۱۳۴. (در تفسیر آلوسی بجای علم الهدی، علم الدین السخاوی آمده است).

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

❁ چرا باید به زناکار تازیانه شدید بزنند؟

گویند: میکروبی در نتیجه مقاربت در بدن مرد یا زن زنا کار واقع می‌شود که با ایجاد حرارت شدید در بدنش از بین می‌رود و شاید یکی از حکمت‌های تازیانه شدید زدن در مورد زنا همین باشد.^۱

❁ چرا باید جواب سلام را بلند بدهند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: باید جواب سلام را بلند گفت تا سلام کننده نگوید که سلام کردم و به سلام من جواب نگفتند.^۲

❁ چرا فقها گویند: هنگامی که دو مسلمان با هم به یکدیگر سلام کردند جواب سلام بر هر دو، واجب می‌گردد؟

زیرا در واقع این دو نفر ابتدا کننده به سلام هستند لذا جواب سلام هر یک از آنها بر دیگری واجب است

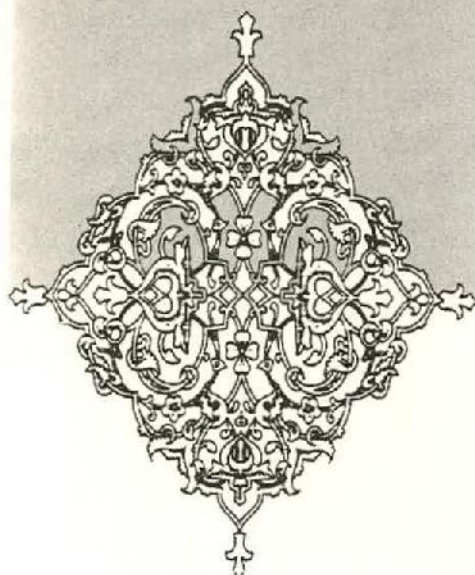
❁ چرا توبه کردن، واجب فوری است؟

به جهت این که قرآن می‌فرماید: «يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ» یعنی: اگر زود توبه کنند پذیرفته می‌شود و علت دیگر این که اگر فوراً توبه نکنند معلوم نیست که دیگر موفق به توبه شوند و شاید اجل آنها فرا برسد و بدون توبه از دنیا بروند و دیگر این که اگر زود توبه نکنند گناه، قلب آنها را قسّی می‌کند و چه بسا راه توبه را بر رویشان ببندد و علت دیگر وجوب فوری در توبه آن است که شاید فراموش کند که چنین گناهی را مرتکب شده تا به جهت آن توبه کند. علت دیگر آنکه چون به واسطه گناه خدا را ناخشنود کرده‌اند هر چه زودتر و فوراً باید توبه نمایند و باز گردند.

و دیگر اینکه چون گناه باعث بلا و مصیبت می‌شود اگر زود توبه کنند آن بلا و مصیبت را از خود دفع می‌نمایند.

۱. عدل، ص ۱۶۰، (پاورقی) شهید دستغیب.

۲. حلیة المتقین، ص ۲۳۷.



مستحبات

❁ چرا نماز جماعت مستحب است؟

زیرا دارای آثار فراوانی است از جمله: ۱. آثار معنوی ۲. آثار اجتماعی ۳. آثار سیاسی ۴. آثار اخلاقی و تربیتی.^۱

نماز جماعت اثراتی دارد از جمله: با خبر شدن مسلمانان از حال یکدیگر، ایجاد دوستی و برابری در میان مردم، پیدا کردن دوست‌های خوب در مسجد و متحد شدن مسلمانان در مسجد و...
نماز جماعت دارای برکات زیادی است از جمله: ۱. تقویت روحیه اخوت و برادری ۲. تشکل نیروهای اسلام ۳. رشد فکری سیاسی مسلمانان ۴. تقویت روحیه جمعی ۵. مرکزیت بسیج مردم.^۲
رسول خدا ﷺ نماز جمعه را «حج مساکین» دانسته و آن را موجب آمرزش گناهان شمرده است.^۳

امام صادق می‌فرمایند: از این جهت نماز جماعت دستور رسیده تا کسی که نماز می‌خواند از آنکه نماز نمی‌خواند شناخته شود و همچنین کسی که بر مواظبت نماز محافظت می‌کند از آنکه آن را ضایع می‌نماید شناخته شود.^۴

۱. پرتویی از اسرار نماز، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۲. پرتویی از اسرار نماز، ص ۲۳۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳.

۴. علل الشرایع، ج ۱ و ۲، ص ۴۴۵.

❁ چرا مستحب است که موقع ورود به مسجد، پای راست، جلو گذاشته شود؟

مرحوم شیخ در «تهذیب»، علت آن را این چنین ذکر می‌کند که: این عمل برای فرق گذاشتن بین داخل شدن به مسجد و بیت الخلا است. چون مسجد از مواضع شریفه است لذا مستحب است که اول، عضو شریف را در آن قرار دهند و آن پای راست است (بر عکس بیت الخلا).^۱

❁ چرا مستحب است که برای اقامه نماز بهترین لباس‌ها را بپوشند؟

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرمایند:

زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و در قرآنش فرموده است که: «خذوا زینتکم عند کل مسجد» یعنی: زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.^۲

❁ چرا خداوند، نمازهای نافله را قرار داده است؟

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

زیرا اگر در نمازهای واجب، نقصانی بود؛ آنرا جبران می‌کند.^۳

❁ چرا مستحب است که در موقع تکبیر الاحرام، دست‌ها را بلند کنند؟

حضرت علی (ع) و امام رضا (ع) می‌فرمایند: علت اینکه دست‌ها در تکبیر بلند می‌شود آن است که در آن قسمی از انقطاع و تخلیص و تضرع است. پس خدای تعالی دوست دارد که در وقت ذکر او، بنده منقطع به سوی او باشد و متضرع و خالص باشد. و برای آن است که به واسطه رفع ید انسان متوجه شود و احضار نیت کند و قلب اقبال کند.^۴ و این فرموده مطابق است با آنچه بعضی اهل معرفت گویند در سر رفع ید که به واسطه آن، غیر را به پشت سر اندازد و خار طریق وصول را از میان بردارند و خود را منقطع از ماسوا و خالص و مخلص گردانند؛ آن گاه به معراج حقیقی معنوی و مسافرت الی الله روند.^۵

بالا بردن دست‌ها موقع تکبیر الاحرام اشاره به این دارد که: پروردگارا! در دریای معصیت، غرق شده‌ام، برای نجاتم، دستم را بگیر.^۶

قولی گوید: یعنی: همه «ما سوی الله» را پشت سر می‌اندازم.

در کتاب «علل الشرایع» آمده است؛ از این جهت که بالا بردن دست‌ها نوعی از ابتهال و تضرع

۱. حاشیه شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۴.

۲. نکته‌های نورانی، ص ۹۱.

۳. علل الشرایع، ص ۳۲۸.

۴. چهل حدیث، ص ۵۰۶، امام خمینی.

۵. چهل حدیث، ص ۵۰۶، امام خمینی.

۶. نکته‌های نورانی، ص ۳۶، حسین دپلمی.

و خضوع است، بنابر این خداوند دوست دارد در وقت یاد او انسان، متبتّل و متضرّع و میتهل باشد و از طرفی دیگر در بالا بردن دست، احضار نیت و اقبال قلب می‌باشد.^۱

❁ چرا مستحب است نماز گزار در وقت سلام دادن نماز، رو به طرف راست برگرداند نه چپ؟
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

زیرا فرشته‌ای که کارهای نیک او را می‌نویسد، در طرف راست قرار دارد و فرشته‌ای که گناهان را می‌نویسد، در سمت چپ اوست و چون نماز از آغاز تا پایان، حسنه و کار نیک است و بدی در آن وجود ندارد، نماز گزار به طرف راست سلام می‌دهد، نه به سمت چپ.^۲

❁ چرا قبل از وضو، مضمضه و استنشاق مستحب است؟
زیرا خاصیت زیادی دارد. مضمضه، باعث تطهیر دهان و رفع کننده حرارت دهان و بوی بد آن است و استنشاق باعث خنک شدن مجرای تنفس شده و گرم‌هایی را که در سر انسان فعالیت دارند، از حرکت و جنبش باز می‌دارد.

❁ چرا اسلام سفارش زیادی به مسواک زدن نموده است؟
زیرا در مسواک کردن فواید زیادی است، از جمله: ۱. پاک کننده دهان است ۲. جلا دهنده چشم است ۳. بلغم را دفع می‌کند ۴. حافظه را زیاد می‌کند ۵. دندان‌ها را سفید می‌کند ۶. دردهای بدن را می‌برد ۷. پوسیدگی دندان را از بین می‌برد ۸. بن دندان را محکم می‌کند ۹. اشتها را زیاد می‌کند ۱۰. آب ریختن چشم را برطرف می‌کند ۱۱. حسنه را مضاعف می‌گرداند ۱۲. ملائکه به آن خشنود می‌شوند.^۳

و چون دهان و دندان محل ورود تمام مأكولات و مشروبات است، اگر دندان فاسد باشد، آن‌ها را فاسد می‌گرداند و باعث بیماری انسان می‌گردد. از طرفی سلامتی دندان که به واسطه مسواک زدن تأمین می‌گردد در بوی دهان و زیبایی انسان و سخن گفتن تأثیر بسزایی دارد. چون موادی که از بقایای غذا و شیرینی در لابلاي دندان‌ها می‌ماند، بیرون بیاید و در غیر این صورت این مواد پس از مدتی تبدیل به اسید شده، مینای دندان‌ها را فاسد می‌کند.^۴

❁ چرا بعد از غذا خوردن، خلال کردن مستحب است؟
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: اینکار دهان را سالم و دندانها را از فساد و تباهی حفظ

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴۷.

۲. نکته‌های نورانی، ص ۷۴، حسین دیلمی.

۳. حلیه المتقین، ص ۹۷-۹۸.

۴. طب الرضا، ص ۲۵۰.

می‌کند.^۱

❁ چرا در اسلام استعمال عطر و بوی خوش سفارش شده است؟

زیرا از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است و از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که: بوی خوش، دل را قوی می‌کند و قوت جماع را می‌افزاید. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الطیب نشرة»^۲ یعنی بوی خوش سبب نشط است. و امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: که چهار چیز، دل را می‌گشاید و غم را زایل می‌کند که یکی از آن‌ها، بوی خوش است.^۳

❁ چرا در اسلام حجامت کردن مستحب است؟

زیرا در روایت است که حجامت کردن درد سر، درد دندان، دیوانگی، خوره، پیسی و به صورت کلی دردها را می‌کشد و عقل را محکم می‌کند (به شرط این که در اوقات مخصوص انجام گیرد).

و در روایت است که حجامت، موجب دفع بسیاری از سموم بدن، خصوصاً دفع زیادی سودا و مواد زایدی که در خون رسوب می‌کند، می‌باشد.^۴

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: حجامت، باعث صحت بدن و زیادی عقل می‌گردد.^۵

❁ چرا حجامت باید بعد از غذا خوردن باشد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

زیرا موقعی که انسان سیر باشد و حجامت کند خون جمع می‌شود و مرض خارج می‌گردد، ولی اگر قبل از غذا خوردن، حجامت کنند، خون خارج می‌شود و مرض باقی می‌ماند.^۶

❁ چرا حنا بستن، مستحب است؟

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: حنا بستن، سبب نورانیت چشم، روئیدن مو، خوشبو شدن بوی دهان و... می‌شود.^۷

۱. حلیه المتقین، ص ۶۱.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۴. طب الرضا، ص ۱۲۶.

۵. المواعظ العددیه، ص ۲۸۸.

۶. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۶۱.

۷. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۸۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حنا بستن، فرزند را نیکو می‌گرداند و آبرو را زیاد می‌کند.^۱
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: حنا چهارده خاصیت دارد:
۱. چشم را جلا می‌دهد ۲. باد گوش را بر طرف می‌کند ۳. بوی دهان را خوش می‌نماید ۴.
لثه را محکم کند ۵. وسوسه شیطان را کم نماید ۶. باعث شادی ملائکه است ۷. نوعی زینت
است ۸. برائت در قبر است...^۲

❁ چرا ازدواج کردن مستحب است؟

ازدواج برای انسان یک نیاز طبیعی است و فوائد مهمی را در بر دارد که اهم آنها عبارت
است از: ۱. نجات از سرگردانی و بی‌پناهی و تشکیل خانواده ۲. ارضای غریزه جنسی ۳. تولید و
تکثیر نسل ۴. تکمیل شدن مرد به زن و زن به مرد (هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) ۵.
باروری استعدادها (تعهد انسان در برابر همسر، احساس مسئولیت اجتماعی به وجود می‌آورد و
بسیاری از لیاقت‌ها و استعدادها نهفته درونی او را شکوفا می‌سازد) ۶. بدست آوردن مایه
آرامش (لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) ۷. ازدواج، بالا برنده ارزش اعمال انسان است (رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ
أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيْهَا الْغَرَبُ).^۳ ۸. ازدواج وسیله حفظ از آلودگی‌ها (مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُلْقَى
اللَّهُ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْتَقِهِ بِزَوْجِهِ).^۴

در ازدواج، شکستن شهوت و دفع مفاصد آن و بقای نسل و تکثیر آن است.^۵
یکی از اساتید دانشگاه می‌گوید: ازدواج، عمر انسان‌ها را طولانی‌تر و ثروت آنان را بیشتر
می‌کند و مطالعه‌ای در مورد زنان و مردان در دهه ۱۹۹۰ نشان داد که ازدواج به طور میانگین
سه سال بر عمر انسان می‌افزاید.^۶
ازدواج، وسیله آرامش است و در ازدواج فامیل‌ها به هم نزدیک شده و دل‌ها مهربان می‌شود و
زمینه تربیت نسل پاک و روحیه تعاون فراهم می‌شود.^۷

❁ چرا نظر کردن به دختر یا زنی که قصد ازدواج با او را دارند، مستحب است؟

چون با دیدن او غرر و ضرر، مرتفع می‌شود و از جهت اینکه مرد در حکم مشتری است که

۱. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. آیین همسر داری، ص ۱۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶.

۵. بحار ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

۶. العروه الوثقی، ج ۲، ص ۷۹۶.

۷. ایران خانواده، شماره ۲۰۵۳.

۸. تفسیر سوره قصص، ص ۵۶، قرائتی.

می‌خواهد جنسی را به بالاترین قیمت، خریداری نماید.^۱
 باید دانست که با شرائطی می‌شود به صورت و دستها و مواضع زینت زن و دختری که قصد ازدواج با او را دارند، نظر کرد که عبارت است از: ۱. شوهر نداشته باشد ۲. در عده نباشد ۳. در حال حاضر بر آن مرد حرام نباشد (مانند خواهر زن) ۴. احتمال داده شود که آن زن و دختر، ازدواج با او را قبول می‌کند ۵. خود فرد شخصاً نظر کند ۶. از روی لذت و شهوت نباشد و ترس به گناه افتادن در کار نباشد ۷. فایده ای بر آن نظر مترتب باشد.^۲

❁ چرا مستحب است که عروس، شب به خانه داماد برده شود؟

زیرا بین شب که مایه آرامش و سکینه است و زن که او هم مایه آرامش و سکینه است، مناسبت بسیار است و قرآن در باره شب گوید: «هو الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه».^۳ یعنی: او خداوندی است که شب را برای آسایش قرار داد و قرآن در باره زن می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها».^۴ یعنی: از آیات خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که با او آرامش یابید و با هم انس گیرید.

❁ چرا روایت است که در حجله، عروس و داماد دو رکعت نماز بخوانند؟

زیرا این دو رکعت نماز به داماد و عروس آرامش خاصی می‌دهد و اگر فرزندی به وجود آید دور از عصبانیت‌ها می‌باشد و این نماز در حجله، وسیله ساز نوعی تفاهم کلی است.^۵
 از طرفی دیگر این نماز در واقع شکرانه نعمتی است که عروس و داماد به آن رسیده‌اند و زندگی جدیدی را در کنار هم آغاز نموده‌اند تا از نسل آنها انسانهایی تا روز قیامت به وجود آیند.

❁ چرا در اسلام ختنه کردن مستحب است؟

زیرا ختنه، از بزرگترین سنت‌های پیغمبر ﷺ می‌باشد (خصوصاً روز هفتم) و بدن طفل را پاکیزه می‌کند و گوشت بدن او زودتر می‌روید و زمین کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده باشد.
 روایت گوید: زمین ناله می‌کند به سوی خدا، از بول کسی که ختنه نکرده است و رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: که زمین نجس می‌شود (نجلست معنوی) از بول کسی که ختنه نکرده است.^۶

۱. شرح لمعه، ج ۲.

۲. شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۲، ص ۵۴.

۳. یونس، آیه ۶۷.

۴. روم، آیه ۲۱.

۵. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲ ص ۵۷.

۶. حلیه المتقین، ص ۸۹.

❁ چرا روایت است که کام نوزاد را با تربت حضرت امام حسین علیه السلام بردارند؟
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چنین کاری امان می‌دهد او را از دردها و بلاها.^۱

❁ چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: از گهواره تا گور دانش بجوی و حال این که بچه در گهواره نمی‌تواند چیزی بیاموزد؟

دانشمندان فنلاندی طبق تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که نوزادان، صدا را تشخیص می‌دهند و برای شروع آموزش آنها، هیچ گاه زود نیست.^۲
زیرا اسلام می‌خواهد مردم را متوجه اهمیت مرتبی و پرستار، مخصوصاً در نوزادی و پیری بکند (و به ما بفهماند که چنین افرادی هم از راههایی می‌توانند چیزهایی را بیاموزند).^۳

❁ چرا مستحب است بچه‌ها را در سن هفت سالگی وادار کنند تا نماز بخوانند در حالی که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند؟

به چند دلیل: اول: آنکه شرعاً تکلیف متوجه بچه‌ها می‌باشد چون تکلیف «مُرَّهُم بِالصَّلَاةِ لِسَبْعٍ» یعنی: آنها را تکلیف به نماز کنید در حالی که هفت ساله هستند، به توسط ولی متوجه به بچه‌ها نیز هست، لذا در واقع شارع، عبادت را از بچه‌ها می‌خواهد و مطلوب اوست، پس تکلیف استحبابی از شارع مقدس به بچه‌ها نیز متوجه می‌شود. دوم: قوی گوید چون بچه‌ها هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند، تکلیف متوجه آنها نمی‌باشد، پس این دستور به عبادت کردن بچه‌ها، فقط جهت تمرینی دارد و برای عادت کردن به انجام عبادت خواهد بود.^۴

❁ چرا در اسلام، عقیقه کردن فرزند مستحب است؟

زیرا علاوه بر ثوابی که دارد، روایت گوید: فرزند در گرو عقیقه است، یعنی: اگر عقیقه نکنند، فرزند در معرض مُردن و انواع بلاها قرار می‌گیرد.^۵

❁ چرا در اسلام مسافرت، مستحب است؟

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

تَغْرُبُ عَنِ الْوَطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى
وَسَافِرٌ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدٍ

۱. حلیه المتقین، ص ۸۳.

۲. روزنامه ایران خانواده، شماره ۲۰۵۳.

۳. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۱۶۱.

۴. اللعنه الدمشقیه (ده جلدی)، ج ۱، ص ۲۳۰.

۵. حلیه المتقین، ص ۸۶.

تَفَرُّجٌ هُمْ وَأَكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ وَعِلْمٌ وَآدَابٌ وَصُحْبَةُ مَا جَدَّ^۱

یعنی: در جستجوی بزرگی، از وطن دور شو و مسافرت نما که دارای پنج فایده است: غم و اندوه بر چیده می‌شود؛ روزی و علم و ادب و توفیق همنشینی بزرگان به دست می‌آید. قرآن یکی از صفات مؤمنان را در کنار توبه و عبادت، سیاحت می‌شمرد. «الْسَّائِحُونَ» که مراد، سفر برای جهاد، تعلیم و تعلّم، هجرت و عبرت است. در حدیث آمده است: «سَافِرُوا تَصَحُّوا سَافِرُوا تَغْنَمُوا» مسافرت کنید تا سالم باشید و مسافرت کنید تا به در آمد برسید.^۲ پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: مسافرت باعث صحت بدن می‌شود و اگر سبب زیادی مال نشود، عقل (و تجربه) را زیاد می‌کند.^۳

✽ چرا مسافرت در روز شنبه خوب است ولی در روز چهارشنبه پسندیده نیست؟

از این جهت که از ائمه روایت است که شنبه برای ما اهل بیت است.^۴ امام صادق (ع) می‌فرمایند: اگر حتی سنگی در روز شنبه از کوهی جدا شود هر آینه خداوند آن را به مکانش باز می‌گرداند.^۵ و علت آنکه مسافرت در روز چهارشنبه پسندیده نیست آن است که روایت گوید چهارشنبه روز نحس دائمی است.^۶

✽ چرا در اول روز و اول شب، صدقه دادن مستحب است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: چون بلاها به خطا نمی‌روند و تخطی نمی‌کنند و کسی که اول روز صدقه دهد، خداوند شرّ چیزهایی را که از آسمان در آن روز نازل می‌شود، از او دفع می‌کند و کسی که اول شب صدقه دهد، خداوند شرّ چیزهایی که از آسمان در آن شب نازل می‌شود را از او دفع می‌نماید.^۷

✽ چرا گریه از خوف خدا و گریه بر سید الشهداء (امام حسین (ع)) مستحب است؟

نگاهی ژرف به احکام اسلامی نشان می‌دهد که بسیاری از احکام اسلامی برآیندی شادی زاء، شادی آور و غم ستیز دارد، حتی اشک‌هایی که می‌ریزیم و گریه‌هایی که می‌کنیم. گر چه اشک،

۱. المدخل الى تعلم اللغة العربية، ج ۲، ص ۱۱۴.

۲. حج، محس قرائتی.

۳. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۴. عروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۲.

۵. عروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۲.

۶. عروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۲.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸.

نماد اندوه است و بر آمده از غم، لیکن آثار شگرفی در بهداشت روانی ما دارد: عقده‌ها را می‌گشاید، شادابی می‌آفریند و خرمی روحی می‌آورد. در علوم روان‌شناسی و روان‌پزشکی مسلم و معلوم شده است که میان گریه و زخم معده رابطه‌ای وجود دارد، این زخمها با عصبانیت و فشار روحی و پریشانی رابطه نزدیکی دارد.

دکتر «کاشنیک» می‌گوید: اشخاص زود رنج و عصبانی برای سوء هاضمه و زخمهای مربوط به معده آمادگی مخصوصی دارند. اینگونه زخمها در میان مردان بیشتر دیده می‌شود و علت را گریه نکردن مردان دانسته‌اند. ولی باید گفت که گریستن، دردهای درونی و تأثرات روحی را (اعم از زن و مرد) تسکین می‌بخشد و مسکن تمام آشفته‌گیهای روحی است.

آری، گریستن، انسان را سبک می‌کند و روح را صیقل می‌دهد و باعث فرح و انبساط روحی می‌شود. عوید- شاعر روسی- می‌گوید: در گریستن لذتی است، زیرا اندوهها تأثیرات درونی که در اعماق روح و قلب انسان است با سیلاب اشک بیرون آمده، و نابود می‌شود.

یکی دیگر از فیلسوفان نامی می‌گوید: قطره‌های اشک، بدون اینکه به کوشش ما برای جلوگیری از آن توجهی کند، فرو ریخته و با افتادن خود، روح پرشکنجه ما را آسوده می‌کنند. شروع گریه، یعنی انفجار انرژی‌هایی که در هنگام فشارهای روحی و پریشانی‌های مختلف، روی هم انباشته شده است، این انفجار باعث آرامش و استقرار مجدد تعادل فکری ما را می‌گردد.^۱

❁ چرا روایت است که: هنگامی که زیاد خنده نمودید، سه مرتبه بگویید: «اللهم لا تمقّتنی» یعنی: خدایا بر من خشم مکن!؟

زیرا بر اثر خنده زیاد، خداوند بر انسان خشم و غضب می‌کند و خدا در قرآن فرموده است: «فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا» یعنی: پس کم خنده کنند و زیاد گریه نمایند. لذا کسی که خنده زیاد بکند، با این آیه مخالفت کرده است و از طرفی خنده زیاد، قلب انسان را قسّ می‌کند و به تجربه ثابت شده است، در مجلسی که زیاد بخندند، یا در آن لحظه و یا چند لحظه بعد، ناراحتی یا مصیبتی برای آن افراد پیش می‌آید.

❁ چرا سلام کردن در اسلام مستحب است؟

زیرا به قول حضرت علی (ع)، سلام کردن، سبب ایمنی و آسودگی از جاهای ترس است (چون مراد از «سلام علیکم»، آن است که بین من و شما، زد و خورد نیست، بلکه صلح و آشتی می‌باشد).^۲

۱. نسخه عطار، حاج محمد تقی عطار نژاد.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.

سلام، یکی از عواملی است که کبر و غرور آدمی را پایین می‌آورد و به تدریج، از او دور می‌کند.^۱

باید گفت که به دوست سلام کردن، محبت را بیشتر می‌کند و به دشمن سلام کردن، دشمنی او را کمتر می‌نماید و کینه‌ها و عداوت‌ها را از بین می‌برد.

❁ چرا مصافحه (دست دادن) در اسلام مستحب است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: دست دادن کینه را می‌برد.^۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: حتی با دشمن خود، مصافحه کنید، هر چند او نخواهد، که خدا چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او می‌شود.^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: دو مؤمن، چون با یکدیگر ملاقات و مصافحه کنند، پیوسته گناه از ایشان می‌ریزد، چنانچه برگ از درخت می‌ریزد و حق تعالی نظر رحمت، به سوی ایشان می‌کند تا از یکدیگر جدا شوند.^۴

❁ چرا دست کردن انگشتی که از عقیق سرخ باشد، مستحب است؟

زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: عقیق سرخ، به یگانگی خدا و پیامبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت حضرت علی علیه السلام و فرزندان او و بهشت را برای دوستان او و جنت الفردوس را برای شیعیان فرزند او، اقرار کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس انگشت عقیق در دست داشته باشد، حاجتش روا می‌گردد. و امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «انگشت عقیق، مورث ایمنی در سفر است».

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «انگشت عقیق، فقر و درویشی را برطرف و نفاق را زایل می‌نماید».^۵ شخصی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که دزد در راه اموالم را برد حضرت فرمودند: «چرا انگشت عقیق در دست نداشتی که آدمی را از هر بدی نگاه می‌دارد».^۶

۱. مصباح الشریعه، ص ۲۰۰.

۲. تحف العقول، ص ۴۱۸.

۳. حلیه المتقین، ص ۲۴۰.

۴. حلیه المتقین، ص ۲۳۹.

۵. حلیه المتقین، ص ۱۵.

۶. گل پندهایی از جهان زیور آلات، ص ۲۵۶، محمد علی رخ.

❁ چرا روایت است که: «لَا صَلَاةَ نِجَارٍ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ» یعنی نمازی برای همسایه مسجد نیست، مگر در مسجد، در حالی که مراجع تقلید، نماز در خانه را برای همسایه مسجد، صحیح می‌دانند؟

مقصود از روایت آن نیست که نماز باطل است، بلکه مقصود آن است که نماز کامل با ثواب فراوان در مسجد است و همسایه مسجد اگر در خانه نماز بخواند به قدری ثواب نمازش کم و ناچیز می‌باشد که گویا نمازی نخوانده است.

❁ چرا روایت است که در شب، نشسته آب خورده شود؟
امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: «در شب، ایستاده آب خوردن، باعث غلبه زرداب و صفرا می‌شود». حضرت امیر المؤمنین می‌فرمایند: «در شب، ایستاده آب مخورید؛ زیرا باعث دردی می‌شود که دوا ندارد، مگر آن که خدا عاقبت دهد».^۱

❁ چرا روایت گوید، در وقت آب خوردن، آب را بمکید و کم کم بخورید و دهان را پر مکنید؟
امام صادق (ع) می‌فرمایند: «اگر چنین نکنید، مبتلا به درد جگر می‌شوید».^۲

❁ چرا مستحب است که با دست غذا بخورند؟
امام صادق (ع) می‌فرمایند: «پیامبر خدا (ص) با دست، غذا می‌خوردند و آن را نشانه احترام به غذا که نعمت الهی است، می‌شمردند و خداوند در چنین غذا خوردنی، خیر و برکت قرار می‌دهد».^۳

❁ چرا در اسلام، دستور رسیده غذا را با دست راست بخوریم و تطهیر بدن (محل بول و غایط) را با دست چپ انجام دهیم؟
«الْيَمِينُ لِلْأَكْلِ وَالْيَسَارُ لِلْفَرْجِ» یعنی: دست راست برای خوردن و دست چپ برای تطهیر بدن می‌باشد.

زیرا دست راست برای کارهای شریف و دست چپ برای کارهای پست وضع شده است.^۴
❁ چرا در اسلام سفارش شده که خوردن شام، ترک نشود؟
امام موسی کاظم (ع) می‌فرمایند: «چیزی خوردن در شب را ترک مکنید، اگر چه به پاره نان خشکی باشد؛ زیرا باعث قوت بدن و قوت جماع است» و روایتی گوید: «نخوردن غذا هنگام

۱. حلیه المتقین، ص ۶۴.

۲. حلیه المتقین، ص ۶۵.

۳. راه جوان ماندن، ص ۴۳۳-۴۳۴.

۴. شرح لمعه، ج ۱، ص ۳۴.

شب، انسان را پیر می‌کند و موجب خرابی بدن است». و امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «در بدن، رگی است که آن عشا نام دارد و هر کسی که در شب، چیزی نخورد، آن رگ او را نفرین می‌کند و تا صبح می‌گوید: خدا تو را گرسنه بدارد، چنانچه مرا گرسنه داشتی و خدا تو را تشنه بدارد، چنانچه مرا تشنه داشتی».^۱

✽ چرا در اسلام، مستحب است که انار را با پیه‌اش بخورند؟

زیرا حضرت علی علیه السلام این گونه انار میل می‌کردند و فایده آن این است که شعور انسان را زیاد می‌کند و معده را دلبازی می‌نماید.

انار ترش شیرین را اگر با پیه آن بخورند، شعور را زیاد می‌کند و سموم بدن را دفع می‌کند و تب را زایل می‌نماید.^۲

✽ چرا مستحب است که روز جمعه، انار را ناشتا بخورند؟

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند:

هر کسی روز جمعه به صورت ناشتا یک انار بخورد، تا چهل روز دلش را نورانی گرداند و اگر دو انار بخورد، تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد، تا صد و بیست روز، وسوسه شیطان را از او دور می‌گرداند و هر کسی که وسوسه شیطان از او دور گردد، معصیت خدا نمی‌کند و هر کسی که معصیت خدا نکند، داخل بهشت می‌شود.^۳

این که روایت گوید: تا چهل روز وسوسه شیطان از انسان دور می‌شود به این جهت است که انار باعث تقویت، نشاط روح، تقویت دستگاه مغز، فکر، اعصاب و دماغ می‌شود.

✽ چرا مستحب است میوه‌ها را با پوست تناول نمایند؟

چون پوست میوه‌ها دارای ویتامین «آ» هستند که تحت تاثیر نور خورشید قرار می‌گیرند، لذا بسیاری از میوه جات با تابش مستقیم نور خورشید، ویتامین «آ» را در پوست‌های خود ذخیره می‌کنند که برای بدن انسان، بسیار مفید خواهد بود.^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: کراهت دارد پوست میوه را کنند.^۵

۱. حلیه المتقین، ص ۲۴.

۲. حلیه المتقین، ص ۵۵؛ طبیب خانواده، ص ۳۵۷.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۶۴.

۴. شگفتی‌ها و عجایب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۲۶۰.

۵. حلیه المتقین، ص ۵۲.

❁ چرا مستحب است که قبل و بعد از غذا دستهایمان را بشوییم؟

زیرا پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «شستن دستها در اول غذا، فقر را و در پایان آن اندوه را بر طرف می‌سازد».^۱

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: شستن دست در اول و آخر غذا، باعث زیاد شدن روزی و جلای چشم می‌شود.^۲
روایت است که چنین کاری، دردها را از بدن دور می‌کند.^۳

❁ چرا در اسلام مستحب است که قبل از غذا، دستها را بشوییم، ولی خشک نکنیم و بعد از غذا، وقتی دستها را شستیم، در خشک کردن و نکردن آن مختاریم؟

زیرا در صورت اول، اگر دستان به پارچه‌ای بخورد، احتمال دارد که میکروب به آن سرایت کند و لذا بهتر است که دستها را خشک کنیم ولی در صورت دوم که خوردن غذا در کار نیست، احتمال ضرر وجود ندارد.

❁ چرا در اول و آخر غذا، نمک خوردن مستحب است؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: هر کسی چنین کند، خدای تعالی از او هفتاد نوع از انواع بلا که آسانتر آن‌ها خوره باشد، را دفع می‌کند و از جمله آنها دیوانگی، پستی، درد گلو، درد دندان و درد شکم است.^۴
رسول خدا (ص) می‌فرمایند: در چنین کاری شفا از هفتاد و دو مرض می‌باشد.^۵

❁ چرا بعد از غذا استراحت کردن مستحب است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: دراز کشیدن و استراحت بعد از غذا، موجب چاق شدن و گوارا واقع شدن غذا و برطرف گردیدن بیماریها می‌شود.
همچنین معده انسان، بهتر می‌تواند کار هضم غذا را شروع نماید.^۶

❁ چرا رو به قبله خوابیدن مستحب است؟

اگر رو به قبله نخوابیم، آهن در جدار رگها رسوب کرده و آهن بدن کم می‌شود و تصلب

۱. شرح لمعه، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۱۷.

۳. حلیه المتقین، ص ۴۸.

۴. حلیه المتقین، ص ۳۹.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۸.

۶. راه جوان ماندن، ص ۴۴۰-۴۴۱.

شرائین و عوارض قلبی ایجاد و به کبد که قسمت کننده آهن بدن است، لطمه شدید وارد می‌کند.^۱

✽ چرا خواب قیلوله مستحب است؟

زیرا چنین خوابی، خستگی را رفع می‌کند و در تمدد اعصاب و تشدید نشاط و تقویت مغز و حافظه، تأثیر بسزایی دارد.

مردی خدمت پیامبر اسلام آمد و از ضعف حافظه و فراموشی، اظهار نگرانی کرد حضرت فرمودند: شاید به خواب قیلوله عادت داشتی و آن را ترک کردی. عرض کرد: بلی یا رسول الله. چون به خواب قیلوله خود ادامه داد، حافظه‌اش زیاد گشت.^۲

✽ چرا در موقع خواب بهتر است که دهان خود را باز بگذاریم؟

زیرا اگر دهان خود را در موقع خواب، ببندیم سبب می‌شود که دندان‌های ما زود بریزند و صورتان باد و ورم کند.^۳

✽ چرا مستحب است وقتی از خواب بیدار شدیم، چند لحظه‌ای بنشینیم، بعد حرکت کنیم؟

به جهت این که پیامبر اسلام ﷺ چنین می‌کردند و علتش این است که قلب در حال خواب، آرام کار می‌کند، لذا اگر ما به محض بیدار شدن، ناگهان شروع به فعالیت نماییم، بر قلب فشار وارد می‌شود و بعضی از سکنه‌ها از اینجا نشأت می‌گیرد.

✽ چرا اسلام دستور داده است، قبل از خوابیدن به دست شویی (توالت) برویم؟

زیرا خوابی که پس از عمل تخلیه باشد، گوارتر و رؤیا را شیرین می‌کند و اعصاب را آرامش می‌دهد و قلب را مضطرب نمی‌کند و موجب سرما خوردگی و بد خوابی نمی‌شود.^۴

✽ چرا مستحب است که در حال دستشویی کردن سر پوشیده باشد؟

به علت این که بوهای بد به دماغ و مغز انسان نرسد.^۵
شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید: علت تغطية الرأس (پوشاندن سر)، آن است که از رسیدن بوی بد به دماغ جلوگیری گردد و از وسوسه شیطان ایمن شود و در این کار، اظهار حیا نسبت به

۱. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجائب در گذرگاه آفرینش، ص ۱۳۷.

۲. راه جوان ماندن، ص ۱۶۳.

۳. حاشیه مفتاح الجنان.

۴. طب الرضا، ص ۲۰۱.

۵. شرح لمعه، ج ۱، ص ۸۵.

خداوندی است که این همه به ما نعمت عطا کرده است و ما شکرانه او را آن گونه که شایسته است، بجا نمی آوریم.^۱

❁ چرا مستحب است که موقع ورود به دست شویی (توالت)، پای چپ را جلو بگذارند؟
 شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «تهذیب» علت را چنین بیان می نماید که: این کار، برای فرق گذاشتن بین داخل شدن به بیت الخلا و وارد شدن به مسجد است و چون برای ورود به مسجد که جای شریفی است، پای راست را که عضو شریف است، جلو می گذارند، پس برای داخل شدن به دست شویی (جای غیر شریف) مستحب است که پای چپ را (عضو غیر شریف) جلو بگذارند.^۲

❁ چرا موقع تخلی، تکیه بر پای چپ، مستحب است؟
 زیرا معده در سمت چپ قرار دارد، لذا خروج فضولات، راحت تر صورت می گیرد.^۳
 معده عضوی از بدن است که غذا در آن داخل و هضم می شود و آن کیسه ای است شبیه به مشک که در بدن انسان در طرف چپ قرار دارد، مدخل آن را فم المعده و مخرج آن را «باب المعده» می گویند.^۴

❁ چرا نماز اول ماه و صدقه بعد از آن، سفارش شده است؟
 زیرا علاوه بر ثواب و فضیلتی که دارد، سلامتی انسان را در آن ماه، از خداوند می خرد.^۵

❁ چرا مستحب است که در وقت صدقه دادن، دست ما زیر و دست فقیر رو قرار بگیرد؟
 زیرا روایت است که این صدقه را در واقع خدا می گیرد و بدست خدا می رسد، لذا به جهت احترام، بهتر است که دست ما پایین قرار بگیرد.

❁ چرا با اینکه آمیزش جنسی، در اول هر ماه مکروه است، لکن در اول ماه رمضان، مستحب است؟
 شاید بخاطر این است که باید به نحوی مردم را تامین نمود، سپس از آنان تکلیف خواست.^۶

❁ چرا حتم رفتن در اسلام سفارش شده است؟
 زیرا مزاج آدمی را معتدل می گرداند، چرک و پلیدی را برطرف می کند، فضولات را زایل

۱. حاشیه شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۴.

۲. حاشیه شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۴.

۳. حاشیه شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۴.

۴. فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۲۷۳.

۵. مفاتیح الجنان، ص ۵۱۷.

۶. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۹۵.

می‌نماید، رگهای بدن را از کوچک و بزرگ، نرم و ملایم می‌سازد، اعضای بدن را تقویت می‌کند، مواد زائده را ذوب و نابود می‌گرداند و عفونت‌ها را از بین می‌برد.^۱

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: حمام گرم ویژه نظافت و حمام سرد برای طراوت و نشاط می‌باشد و می‌فرماید: در حمام سود بزرگ‌گست. حمام در بدن انسان، اعتدال برقرار می‌کند، چرک‌ها را فرو می‌ریزد، اعصاب و عروق را نرم می‌کند، به اعضای بدن، نیرو می‌بخشد، فضولات را می‌زداید، پوست بدن را از عفونت‌ها و مواد عفونی می‌شوید و در حفظ صحت بدن مؤثر است.^۲

❁ چرا دارو (نوره) کشیدن مستحب است؟

زیرا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: دارو کشیدن، دفع دلگیری و پریشانی خاطر می‌کند و بدن را پاک می‌کند.^۳

و امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: موه‌ای بدن را زایل کنید که نجس و کثیف است و چون موی بدن بلند می‌شود آب پشت را قطع می‌کند و بندها را سست می‌کند و ضعف و تنبلی می‌آورد و نوره کشیدن، آب پشت را زیاد، بدن را قوی، پیه‌گردها را زیاد و بدن را فربه می‌کند.^۴

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: نوره، منی انسان را زیاد می‌کند، بدن انسان را قوی می‌نماید، کلیه‌ها را تقویت کرده، چربی آن را زیاد می‌کند، بدن انسان را چاق و فربه می‌نماید.^۵

❁ چرا روایت است که حمام یک روز در میان خوب ولی هر روز خوب نیست؟

از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت است: حمام یک روز در میان، گوشت بدن را زیاد می‌کند و هر روز رفتن، پیه‌گردها را می‌گدازد و بدن را لاغر می‌کند.^۶

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: هر روز به حمام مرو که باعث مرض سل می‌شود.^۷

❁ چرا در اسلام شانه کردن موی سر و ریش مستحب است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: بسیار شانه کردن سر، تب را دور می‌گرداند و روزی می‌آورد و قوت جماع را زیاد می‌کند.^۸

۱. طب الرضا، ص ۲۵۵.

۲. دکتر برای همه، ص ۳۹۶.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۲۰.

۴. حلیه المتقین، ص ۱۲۰.

۵. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۶۹.

۶. حلیه المتقین، ص ۱۱۵.

۷. حلیه المتقین، ص ۱۱۵.

۸. حلیه المتقین، ص ۱۰۵.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: شانه کردن سر، تب را می‌برد و شانه کردن ریش، دندان‌ها را محکم می‌کند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: زیاد شانه کردن موی سر، میکروب و وبای موی سر (یعنی ریختن آن) را از بین می‌برد و رزق و روزی انسان را جلب می‌نماید و قوه زناشویی را زیاد می‌کند.^۲
از امام صادق روایت شده: شانه کردن، فقر را بر طرف می‌کند و دردها را می‌برد و حاجت را روا و پشت را محکم می‌کند و بلغم را قطع می‌نماید.^۳
شانه کردن در عین حال که فوائد جسمانی داشته و سبب ازدیاد ثواب نماز نیز می‌شود، موجب زیبایی انسان می‌گردد.

❁ چرا در اسلام، گرفتن ناخن دست و پا مستحب است؟

این کار به بهداشت بدن، نزدیک‌تر است. چون میکروب‌ها زیر ناخن‌ها جای می‌گیرند و با گرفتن ناخن، آن‌ها را از جسم خود دور می‌کنیم.

اگر در روز جمعه ناخن‌ها و سبیل کوتاه گردد علاوه بر فضیلتی که دارد باعث زیاد شدن رزق و روزی می‌شود و انسان را تا جمعه دیگر از گناه پاک می‌کند و از طرفی دیگر از دیوانگی و خوره و پیسی جلوگیری می‌نماید.^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: گرفتن شارب (سبیل)، رفع غم و وسواس می‌کند.^۵

❁ چرا مستحب است که در روز جمعه، سر را با خطمی بشویند؟

فوائدی دارد از جمله:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: شستن سر با خطمی، امان می‌دهد از درد سر و بیزار می‌گرداند از پریشانی و سر را از گری پاک می‌کند.^۶
۲. شستن سر با خطمی، در روز جمعه، انسان را از پیسی و دیوانگی امان می‌بخشد.^۷

❁ چرا در اسلام مستحب است که هفته‌ای یک مرتبه، خصوصاً روز جمعه، موهای زاید

بدن و ناخن‌ها کوتاه شوند؟

زیرا خداوند حکیم از راه مو و ناخن، درد و مرض را از بدن خارج می‌کند و لذا اگر بلند

۱. حلیه المتقین، ص ۱۰۵.

۲. سنارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۶۷.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۰۶.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۶۴.

۵. حلیه المتقین، ص ۱۰۱.

۶. حلیه المتقین، ص ۱۱۹.

۷. مفاتیح الجنان، ص ۶۴.

شوند ولی کوتاه نگردند، دیرتر دراز می‌شوند و دردها و مواد آن‌ها، در بدن محتبس (حبس شده) می‌ماند و باعث بیماری‌ها و مرض‌ها می‌گردند.^۱

❁ چرا مستحب است که مو و ناخن خود را دفن کنیم؟

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتاً أَحْيَاءَ وَ أَمْواتاً» یعنی: آیا نگردانیده‌ایم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالی که زنده‌اند و در حالی که مرده‌اند، فرمودند: مراد از در حالی که زنده‌اند، دفن کردن مو و ناخن است.^۲

❁ چرا مستحب است که انگشتر انسان از عقیق و یاقوت و... باشد؟

زیرا علاوه بر ثوابی که دارد، برای حفظ انسان از خطرات و بلاها مؤثر می‌باشد و ترس از دشمن را از بین می‌برد و گویند: عقیق از کوهی است که از روی معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله داده است و امروزه ثابت شده که عقیق و یاقوت و... خواص زیادی دارند لذا ابتدا اشعه لیزر را از یاقوت گرفتند و سپس از عقیق و...^۳

❁ چرا در اسلام، سرمه کشیدن مستحب است؟

زیرا سرمه کشیدن در شب، بینایی را تقویت می‌کند و چشم را جلا می‌دهد و موی مژه را رویانده و محکم می‌کند و هرگز چشم، آب سیاه نمی‌آورد و در روز، اگر سرمه کشیده شود، هم زینت است و هم ریزش آب چشم را زایل می‌کند و هم قوت جماع را زیاد می‌کند.^۴

❁ چرا مستحب است که رو به قبله بخوابیم؟

زیرا در صورتی که رو به قبله در جریان مغناطیسی زمین خوابیدیم آهن بدن منظم می‌شود و در نتیجه همیشه سالم می‌مانیم و به عوارض قلبی دچار نمی‌گردیم و در غیر این صورت آهن در جدار رگها رسوب کرده و در نتیجه آهن بدن کم می‌شود و سبب تصلب شرائین و عوارض قلبی می‌گردد و به کبد که قسمت کننده آهن بدن است لطمه شدیدی وارد می‌سازد. پس برای سالم ماندن و عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله سعی کنید که همیشه رو به قبله در جریان مغناطیسی زمین بخوابید.^۵

۱. توحید مفضل، ص ۶۶.

۲. حلیه المتقین، ص ۱۰۵.

۳. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۱، ص ۲۲۲.

۴. طبیب خانواده، ص ۳۴۶.

۵. طبیب خانواده، ص ۷.

❁ چرا در اسلام پوشیدن نعل (کفش) زرد، مستحب است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: تا وقتی که انسان آن را می‌پوشد در سرور و شادی است.^۱
چون چشم را جلا می‌دهد و ذکر را سخت و غم را برطرف می‌نماید.^۲

❁ چرا تراشیدن موی سر در اسلام سفارش شده است؟

باید گفت جا گذاشتن موی سر و تراشیدن آن هر دو سنت است.
و اما فواید جا گذاشتن:

در موقع سرما برای گرم کردن پوست سر مفید است و دیگر این که پوست سر را از تابش آفتاب و سوزاندن آن حفظ می‌نماید.

اما فواید تراشیدن:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: موی سر خود را از ریشه بتراش تا چرک و میکروبها و کثافات آن از بین برود و گردنت کلفت و چشمت پر نور و بدنت راحت باشد.

چنانچه طبق دستور بهداشتی، موی سر را بتراشند، ریشه هر نوع میکروب و مرضی از بیخ و بن برکنده خواهد شد و مجاری تنفسی سر و موی آن باز و گازهای درونی آن خارج می‌شود و موجب پرنوری چشم و استراحت بدن و سلامتی اعضای که باید از نظافت پوست و موی سر برخوردار شوند خواهد شد.^۳

❁ چرا اسلام پوشیدن لباس سفید را مستحب کرده است؟

زیرا فوایدی در لباس سفید است که در دیگر رنگ‌ها نیست از جمله:

۱. میکروبها از رنگ سفید گریزانند.

۲. سفید، زود چرک می‌شود و مجبور به شستن آنند.

۳. تهویه در این رنگ انجام می‌گیرد.

۴. نور را بهتر به بدن می‌رساند.

۵. بدن به بعضی از رنگ‌ها حساسیت دارد ولی در رنگ سفید این مسئله نیز منتفی است.

۶. اثر تحریک کننده خاصی دارد.^۴

۱. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. حلیه المتقین، ص ۱۳.

۳. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۴. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۱، ص ۲۵۱.

❖ چرا گویند هر گاه انسانی در جایی خصوصاً بیابان، بترسد اذان بگوید؟
زیرا اذان، ذکر خدا است و بنابر قول قرآن: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» یعنی: ذکر خدا آرامش بخش است.

❖ چرا رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: حیوانات بسیار در خانه نگاه دارید؟
زیرا ایشان می‌فرمایند: شیاطین به آن‌ها مشغول می‌شوند و به کودکان انسان، ضرر نمی‌رسانند. و از امام باقر (ع) نقل می‌کنند: چه خوب است که حیواناتی مثل کبوتر و مرغ و بزغاله در خانه نگهداری شود تا اطفال جنیان با ایشان بازی کنند و با کودکان انسان (صاحب خانه) بازی نکنند و امام صادق (ع) می‌فرمایند: هر خانه‌ای که در آن کبوتر باشد، آفتی از جنّ به اهل آن خانه نمی‌رسد، زیرا که بی‌خردان جن، بازی می‌کنند در خانه‌ای که کبوتر در آن است با آن کبوتر و مشغول آن می‌شوند و توجه به آدمی نمی‌کنند و امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرمایند: هر بالی که کبوتر می‌زند، باعث نفرت و گریختن شیاطین می‌شود.^۱

❖ چرا از نظر اسلام بهتر است که شب بخوابند و در شب کار نکنند؟
زیرا حضرت علی (ع) می‌فرمایند: خداوند شب را برای آرامش و استراحت قرار داده است و کسانی که شب کار می‌کنند و استراحت نمی‌نمایند، به مرض بی‌خوابی و مشکلات جسمی و روحی مواجه می‌شوند و بر اساس مطالعات اداره ارزیابی تکنولوژی در کنگره آمریکا، کارکنان شیفتی و شب کار، دچار بی‌خوابی و ضعف جسمی و سستی مزمن می‌شوند و اختلافات خانوادگی آن‌ها، بیش از سایر کارکنان است و برای پرورش و رشد کودکان خود نیز با مشکلاتی مواجه خواهند بود.^۲

❖ چرا در اسلام سفارش به خوردن صبحانه شده است؟
زیرا صبحانه نقش موثری در تقویت و تحکیم بنیه جسمی داشته و اثر نشاط بخش و نیرو آفرینی در مزاج انسان دارد و صبحانه آن قدر مهم است که گفته شده «لَقَمَةُ الصَّبَاحِ مَسْمَارُ الْبَدَنِ» یعنی: یک لقمه در صبح میخ بدن است به این معنی که سبب حفظ و نگهداری و قوت و قدرت بدن می‌گردد.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَ لَا بَقَاءَ فَلْيَأْكِرِ الْغَدَاءَ» یعنی: کسی که می‌خواهد در این جهان ناپایدار باقی بماند و عمر طولانی داشته باشد، باید هر روز صبح، غذا بخورد.^۳

۱. حلیه المتقین، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲. راه جوان ماندن، ص ۴۵۷-۴۵۸.

۳. راه جوان ماندن، ص ۳۴.

❁ چرا در اسلام دستور رسیده است که هنگام غذا خوردن، غذا خوب جویده شود؟
 زیرا خوب جویدن و خرد شدن غذا، سبب می‌شود که اثر آنزیمها روی غذا بیشتر و بهتر شود، زیرا سطح تماس ماده غذایی با آنزیم ها زیاده‌تر می‌شود.^۱ در نتیجه غذا سریعتر و بهتر هضم شده و بیشتر جذب بدن می‌گردد.

❁ چرا بهتر است غذا در دیگ‌های سنگی سنا باد پخته شود؟
 زیرا امام رضا (ع) (موقع رفتن به خراسان از طریق سنا باد)، پشت مبارک خود را به کوهی گذاشت که اکنون دیگ‌های سنگی را از آن می‌تراشند و فرمودند: بار خدایا! این کوه را پرفایده و پر منفعت قرار بده و به غذای آن ظرف‌هایی که از این کوه می‌تراشند، برکت بده. پس از این دعا بود که مردم از سنگ‌های آن کوه دیگ و ظرفها تراشیدند و برکت یافتند.^۲

❁ چرا بعد از بول کردن، استبرا مستحب است؟
 زیرا چند فایده دارد: ۱. باقی مانده بول از این طریق، خارج می‌شود ۲. اگر بعد از استبراء، رطوبتی دیده شد محکوم به طهارت است.

❁ چرا مستحب است که تطهیر بدن (محل بول و غائط) با آب سرد انجام گیرد؟
 روایت است که چنین کاری دفع بواسیر می‌کند.^۳

❁ چرا بعد از خروج منی، استبرا مستحب است؟
 تا اثر آن منی که از او خارج شده، زایل گردد.^۴
 بنابراین گفته‌اند: اگر کسی غسل نماید در حالی که استبراء نکرده باشد و سپس ذره‌ای منی از او خارج شود، دوباره باید غسل جنابت بجا آورد.
 بول نکردن بعد از خروج منی و آمیزش، سبب سنگ مثانه می‌گردد.^۵

❁ چرا قرض دادن از صدقه دادن بهتر است؟
 زیرا: ۱. قرض به اهلش می‌رسد ولی گاهی صدقه به اهلش نمی‌رسد ۲. کسی که قرض می‌گیرد، حتماً محتاج شده که می‌گیرد ولی فقیری که صدقه می‌گیرد، گاهی اصلاً احتیاج ندارد. ۳. ثواب صدقه ده برابر است ولی ثواب قرض هجده برابر است و در قرض، بار دیگر مال برمی‌گردد و انسان می‌تواند دوباره به دیگری قرض بدهد و ثواب ببرد ولی صدقه از دست انسان

۱. علوم تجربی، ص ۷۹-۸۰، سال دوم راهنمایی.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۵۲.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۴۴.

۴. شرح لمعه، ج ۱، ص ۹۴.

۵. طب الرضا، ص ۲۴۴.

خارج می‌شود.^۱ ۴. گاهی صدقه، فقیر را تنبل بیار می‌آورد ولی قرض سبب تلاش و کوشش قرض گیرنده می‌شود از این جهت که باید آن مال را پس بدهد، تلاش و کوشش می‌نماید. به قول شهید دستغیب رحمته الله به آنکه صدقه اش دادی، شکمش را سیر کردی و به آنکه قرض دادی، آبرویش را نیز حفظ کردی.^۲

❁ چرا مستحب است که انفاق واجب، علنی باشد؟

زیرا دیگران هم به آن کار، تشویق می‌شوند و در میان مردم، فرهنگ انفاق و حمایت از محرومان رواج پیدا می‌کند.^۳

❁ چرا مستحب است که انفاق مستحبی، پنهانی باشد؟

زیرا هم موجب خلوص بیشتر و هم باعث حفظ آبروی گیرنده انفاق می‌شود.^۴

❁ چرا مستحب است که انسان در شهرهای بزرگ زندگی کند؟

حضرت علی رضی الله عنه می‌فرمایند: زیرا در شهرهای بزرگ، جماعت بیشتری از مسلمانان به سر می‌برند و قدرت و توان بیشتری دارند.^۵

❁ چرا روایت است که انسان باید ملازم جماعت (سواد اعظم) باشد؟

حضرت علی رضی الله عنه می‌فرمایند: چون دست خداوند بر سر جماعت (سواد اعظم) می‌باشد.^۶

❁ چرا مستحب است مهمان را در آمدن کمک نماییم اما در موقع رفتن کمک ننماییم؟

اینکه در آمدن، کمکش نماییم از این جهت است که بداند از آمدنش خوشحالیم و اینکه در رفتنش کمکش ننماییم از این جهت است که خیال نکند با رفتنش خوشحالیم و می‌خواهیم که زودی برود.

❁ چرا بهتر است از مهمان نپرسیم چه میل دارد تا برایش بیاوریم بلکه هر چه هست

بیاوریم؟

زیرا اگر سوال کنیم شاید خجالت بکشد خواسته اش را بیان نماید^۷ و حتی این مطلب از قرآن هم استفاده می‌شود که می‌فرماید: هنگامی که فرستادگان ما بر حضرت ابراهیم رضی الله عنه مهمان شدند بدون اینکه از آنها سوال کند چه میل دارند رفت و از گوشت گوساله، کبابی مهیا

۱. شرح لمعه، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲. معارفی از قرآن، تفسیر سوره حدید، ص ۱۶۴.

۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۸۴.

۵. الحیاه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۶. الحیاه، ص ۱، ص ۲۳۸.

۷. استاد بزرگوار شیخ حسین طالبی (ره).

کرد «أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَئِذٍ»^۱

❁ چرا بهتر است شب رختخواب مهمان را پهن نماییم اما صبح بگذاریم خود جمع نمایند؟

از این جهت که در شب چنین کاری انجام دادن به تکریم مهمان نزدیکتر است اما در طرف صبح از این جهت بهتر است خود جمع نمایند تا شاید اگر اتفاقی از او سر زده خجالت نکشند.

❁ چرا مستحب است که کسی که در مرتبه اول و دوم و سوم عطسه زد به او عافیت باشید (يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ) بگوئیم ولی بعد از سه مرتبه، دیگر چنین قولی مستحب نمی‌باشد؟ زیرا روایت گوید: وقتی عطسه از سه مرتبه گذشت، دیگر علامت عافیت و سلامتی نمی‌باشد، بلکه نشانه بیماری است.

❁ چرا غبطه خوردن در اسلام، پسندیده است؟

به جهت این که غبطه یعنی در خواست نعمتی که خداوند به دیگران عطا کرده است، لذا انسان در پی این درخواست، تلاش و کوشش می‌نماید تا به آن نعمت برسد

❁ چرا در اول هر ماه اندکی پنیر خوردن مستحب می‌باشد؟

چون روایت است که: هر کس مقید کند خود را بخوردن پنیر در اول هر ماه، امید است که حاجتش در آن ماه ردّ نشود.^۲

❁ چرا سه کس را به صیغه جمع باید با آنها سخن گفت هر چند تنها باشند، کسی که عطسه کند، می‌گویی «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ»، و کسی که سلام کند، می‌گویی «السَّلامُ عَلَيْكُمْ»، کسی که در حقّ تو دعا کند، می‌گویی «عَافَاكُمْ اللَّهُ»؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون با اینگونه اشخاص، ملائکه می‌باشند لذا باید با آنها به صیغه جمع سخن گفت و یا چون در قصد، مؤمنان غایب را هم می‌توان داخل کرد.^۳

❁ چرا بهتر است که اذکار (ذکرها) به همان تعدادی که در روایات رسیده، گفته شود؟

زیرا تعداد مخصوصی که در روایات رسیده، اثر خاصی دارد که در غیر آن وجود ندارد، مانند تعداد قرص‌هایی که طبیب برای مریض مشخص می‌کند که اگر کم یا زیاد شود، آن اثر مطلوب را ندارد. باید توجه داشت که اگر اذکار وارده از روی قصد و نیت کم یا زیاد شوند، بدعت و حرام می‌باشد.

۱. هود، آیه ۶۹.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۱۶.

۳. حلیه المتقین، ص ۲۳۷.

❁ چرا اسلام، دستور داده است که تاریخ گذشتگان را بخوانیم؟

مطالعه تاریخ، ما را به گذشته باز می‌گرداند تا کارهای مردمی را که از این جهان رفته‌اند، ببینیم و سخن کسانی را که امروز خاموشند، بشنویم و از آن‌ها درس عبرت بیاموزیم. در هر حادثه تاریخی، پندهایی ارزشمند نهفته است و این مهمترین خصوصیت مطالعه تاریخ است. همچنین با مطالعه تاریخ، می‌توانیم علت‌های ترقی و سعادت مردان و زنان بزرگ، نظیر دانشمندان و هنرمندان را دریابیم.

تاریخ گذشتگان بهترین درس عبرت برای آیندگان است و به ما می‌آموزد که عاقبت خوبان، سعادت و رستگاری و عاقبت بدان، شقاوت و هلاکت بوده است و تاریخ در راه تربیت، ارشاد و هدایت مردم خصوصاً نسل جوان، بسیار مؤثر و مفید می‌باشد.

محرمات

❁ چرا در اصول دین، تقلید حرام است؟

چون اصول دین از امور اعتقادی می‌باشد و هر شخصی خود باید به آن‌ها باور و اعتقاد داشته باشد.

❁ چرا اسلام، غنا (خوانندگی مُطَرِب) را حرام کرده است؟

از امام صادق علیه السلام روایت است که: «غنا» روح نفاق را پرورش می‌دهد و فقر و بدبختی را می‌آفریند. و باز می‌فرمایند: «خانه‌ای که در آن غنا باشد، ایمن از مرگ و مصیبت دردناک نیست، و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند. و باز امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مجلس غنا و خوانندگی و لهو و باطل، مجلسی است که خدا به اهل آن نمی‌نگرد چون غنا سبب تشویق به فساد اخلاقی و غافل شدن از یاد خدا و آثار زیانبار بر اعصاب و یکی از ابزار کار استعمارگران است.^۱

غنا زمزمه شیطان و نوحه شوم اهل خذلان و شغل ارباب شقاق و آشیانه نفاق می‌باشد.^۲ در تفسیر نمونه فلسفه تحریم غنا را چنین بیان نموده است: الف) تشویق به فساد اخلاق ب) غافل شدن از یاد خدا ج) آثار زیانبار بر اعصاب د) غنا یکی از ابزار کار استعمار.^۳ باید دانست هر صوت زیبا و خوشی حرام نیست بلکه آن صوتی حرام است که قوای شهوانی

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۷.

۲. حلیه المتقین، ص ۴۷۴.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴-۲۷.

را تحریک و مناسب مجالس فسق و فجور باشد.

❁ چرا خداوند ربا خواری را حرام کرده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر ربا خواری حلال بود، مردم تجارت و خرید و فروش‌ها را ترک می‌کردند و فقط به سراغ ربا می‌رفتند.^۱

امام صادق علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: اگر ربا حلال بود مردم تجارت و معاملات و آن چه به آن احتیاج دارند را ترک می‌کردند.

خداوند ربا را حرام کرده است تا مردم از ربا خواری نفرت کرده و بسوی تجارت و خرید و فروش بروند و قرض الحسنه دائماً در میان مردم شیوع داشته باشد.^۲

ربا خواری گرچه به ظاهر منبع درآمد و عامل کامیابی است، لیکن زمینه محرومیت‌ها و عذاب‌ها می‌باشد.^۳

با شیوع رباخواری، سرمایه‌ها در مسیر ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد-که اساس اجتماع است- متزلزل می‌گردد. از طرفی دیگر رباخواری، منشأ دشمنی و جنگ‌های طبقاتی می‌شود. در خرید و فروش معمولی، هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، در حالی که در معاملات ربوی، رباخوار هیچگاه ضرر نمی‌کند و تمام زیانهای احتمالی بر دوش طرف مقابل می‌باشد.

باید دانست که مالی که از راه ربا به دست می‌آید، برکاتش از بین می‌رود و اگر در دست صاحب مال نابود نشود، وارث، آنرا تزییع می‌کند و بالاخره نابود می‌گردد.

یکی از آفات رواج ربا، تعطیلی قرض الحسنه در میان مردم است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: علت شدت تحریم ربا، متروک شدن قرض الحسنه است.^۴

قرآن، رباخواری را اعلان جنگ با خدا و رسول می‌داند و گوید: «فَأَذِنُوا لِحَرْبٍ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ».^۵

❁ چرا خداوند در قرآن، حرمت ربا را زیاد تکرار نموده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: برای اینکه مردم، کارهای نیک را (که از آن جمله صدقه دادن و قرض الحسنه باشد) ترک ننمایند.^۶

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یک درهم ربا گرفتن از هفتاد مرتبه زنا کردن با محرم خود، نزد

۱. علل الشرایع، ص ۴۸۲.

۲. ستارگان درختان، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۳. تفسیر نور، ج ۲، ص ۵۰۰.

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۹۰.

۵. بقره، آیه ۲۷۹.

۶. وسائل الشیعه - گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۸۵.

خداوند بالاتر است.^۱

❁ چرا خداوند ربای نسیه را حرام کرده است؟

فلسفه حرمت ربای نسیه، از بین رفتن قرض الحسنه و احسان به مردم و از بین رفتن اموال و رغبت پیدا کردن مردم به ربح و استفاده و ترک قرض و رسیدگی به بینوایان است. در ربای نسیه، فساد و ظلم و فتنای اموال است.^۲

❁ چرا خداوند کسی را که نسبت به مسلمانی غش نماید او را با یهود محشور می کند؟

رسول خدا(ص) می فرمایند: «لأنهم اغشوا الخلق للمسلمین».^۳ چون یهود بیشتر از دیگران نسبت به مسلمانان غش می کنند.

❁ چرا همسایه آزاری حرام می باشد؟

چون رسول خدا(ص) می فرمایند: کسی که همسایه آزاری نماید خداوند بوی بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاه او جهنم می باشد.^۴

❁ چرا نظر به موی زنان نامحرم، حرام شده است؟

چون این کار باعث هیجان مردان می گردد و هیجان هم انسان را به جانب فساد و آنچه که برای او حلال و نیکو نیست می کشاند و هم چنین است آنچه که (در بدن زن) شباهت به مو دارد.^۵ رسول خدا(ص) می فرمایند: کسی که چشمش را از حرام پر نماید خداوند در روز قیامت چشمش را از آتش پر می نماید مگر آنکه توبه نماید.^۶

❁ چرا خداوند لواط(هم جنس گرایی) را حرام کرده است؟

امام علی بن موسی الرضا(ع) می فرمایند:

زیرا این امر برخلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس گرا شوند، نسل بشر قطع می گردد و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می گراید و دنیا را به ویرانی می کشد.^۷

۱. کافی - گناهای کبیره، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳.

۵. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۴.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴.

۷. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۲۰.

زیرا طبیعت هر یک از ایشان حاوی یک نوع ترکیبی است و از طرفی هم چنانچه مردان با مردان و زنان با زنان جفت شوند نسل بشر قطع خواهد شد و راه چاره مسدود می‌گردد و دنیا رو به خرابی خواهد نهاد.^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: هرگاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه در آید و خداوند او را لعنت و غضب نماید و جهنم را برایش آماده می‌فرماید.^۲

❁ چرا لواط از زنا بدتر است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: زیرا خداوند قومی را برای عمل لواط هلاک فرمود (قوم لوط) ولی کسی را برای زنا هلاک نفرمود.^۳

❁ چرا اسلام نزدیکی کردن با حیوان را حرام کرده است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: چون خدا خوش ندارد که مرد، آب (منی) خود را ضایع کند و مخلوقی بر خلاف شکل او، به وجود آید و این عمل موجب فسادهای بسیاری می‌گردد.^۴ شاید مقصود حضرت آن باشد که تکویناً خدا نخواسته تا چنین چیزی اتفاق بیفتد. بنابراین این توجیه، از نطفه انسان مخلوقی بوجود نمی‌آید، چون از اول خداوند چنین نخواسته است.

❁ چرا اسلام چشم چرانی را حرام کرده است؟

چون از قرآن و روایات متعدد، حرمت آن ثابت شده است از جمله:
 ۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» این آیه به مردان و زنان مؤمن امر می‌کند که چشمان خود را از نامحرم بپوشند.
 ۲. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: کسی که چشمش را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشمش را از آتش پر می‌نماید مگر این که توبه نماید.^۵
 ۳. امام صادق (ع) می‌فرمایند: چه بسا نگاه‌هایی که حسرت طولانی به دنبال دارد.^۶
 ۴. پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «يَهَيِّئُ النَّاسُ أَنْمَا النَّظْرَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۷ یعنی ای مردم این است و جز این نیست که نگاه به نامحرم، از شیطان است.

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۳.

۲. وسائل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۱۷-۱۸.

۳. اصول کافی، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۱۲.

۴. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۳۰.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

۶. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۳.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۲.

نگاه به نامحرم، مقدمه زنا است و در خبر آمده: هر عضوی زنایی دارد و زنای چشم، چشم چرانی است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: نظر، تیری از تیرهای زهر آلود شیطان است و نظر، شهوت را در دل می‌کارد.^۱

کلیه روانشناسان، چشم چرانی را یک نوع بیماری و انحراف قلمداد می‌کنند و گویند: در هر کسی بوجود آمد قابل توقف نیست و هر لحظه در حال ترقی و افزونی است.

اثرات جسمی و روانی چشم چرانی از نظر روانپزشکان عبارتند از: ۱. دشواری در تنفس ۲. درد در اطراف قلب ۳. بالا رفتن طپش قلب ۴. ضعف و خستگی و کوفتگی عمومی ۵. درد و مالش معده ۶. سردرد ۷. هراس و دلهره از خطرات غیر قابل توصیف ۸. بی‌قراری و نا آرامی ۹. کم‌اشتهایی ۱۰. خستگی فکری و دماغی.^۲

چشم چرانی، کلید بسیاری از گناهان است و گاهی یک نگاه، یک عمر ندامت و پشیمانی برای انسان به بار می‌آورد. نگاه، انسان را دچار هوسرانی می‌کند و چه بسا با یک نگاه هوس آلود، قلب تکان می‌خورد و به دنبال آن حوادثی بوقوع می‌پیوندد که حاصل آن، یک عمر بد بختی و سیه روزی است.

❁ چرا نگاه اول جایز ولی نگاههای بعدی حرام می‌باشد؟

زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «يَا كَ وَالنَّظْرَةَ بَعْدَ النَّظْرَةِ فَإِنَّ الْأُولَى لَكَ وَ الثَّانِيَةَ عَلَيْكَ»^۳ یعنی: بپرهیز از نگاه بعد نگاه، پس برآستی نگاه اول برای تو ولی نگاه بعدی به ضرر تو می‌باشد. باید توجه داشت که نگاه افتادن به نامحرم حرام نمی‌باشد، بخلاف نگاه انداختن و غالباً نگاه اول بدون قصد و نیت ولی نگاههای بعدی با قصد و نیت می‌باشد. لذا در حدیث آمده که نگاه اول جایز و نگاه بعدی حرام می‌باشد.

❁ چرا خداوند، زنا را حرام کرده است؟

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: چون در زنا فساد رخ می‌دهد، مانند کشتن نفس‌ها، و نسبت‌ها از بین می‌رود و تربیت کودکان، رها می‌شود و موارث، فاسد می‌گردد و چیزهایی شبیه این‌ها واقع می‌گردد.^۴

بنابر این، حرمت زنا چند علت دارد:

۱. حلیه المتقین، ص ۴۷۴.
۲. چشم چرانی، بقلم جمعی از دوشیزگان و بانوان، ص ۱۷۶-۱۷۷.
۳. کنز العمال، ج ۱۳۰۷۲.
۴. علل الشرائع، ج ۲ و ۱، ص ۴۹۷.

آتش روشن کند و دود آن آتش رنگ و روغن آن خانه را فاسد نماید و لو اینکه خود خانه نسوزد.^۱

❁ چرا سوء ظن، حرام است؟

زیرا به جز عَلام الغیوب، احدی از باطن دیگری آگاه نیست و هیچ کسی را به دل دیگری راه نیست. پس ظن بد، امری است که از راهی که شخص نمی‌داند به دلش افتاده و نیست مگر از راه شیطان.^۲ و به قول قرآن: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» یعنی: بعضی از سوء ظن‌ها، گناه و معصیت می‌باشد.

❁ چرا در اسلام به تهمت زننده زنا، هشتاد تازیانه می‌زنند؟

زیرا تهمت زنا زدن موجب این می‌شود که فرزند از پدر خود نباشد و از او جدا گردد و حسب و نسب از بین برود.^۳

❁ چرا آمیزش با همسر در حال حیض، حرام است؟

زیرا (علاوه بر گناهی که دارد و موجب کفاره می‌شود) اگر فرزندی پیدا شود، احتمال می‌دهد که مبتلا به جذام یا پرسی شود.^۴

چون: ۱. در این موقع تغییراتی در دستگاه‌های مختلف زن به وجود می‌آید و میل جنسی او به حداقل، تخفیف پیدا می‌کند.

۲. در اثر خونریزی و احتقان دستگاه تناسلی، آمادگی برای عفونت زیاد است.^۵

قرآن نیز در این حالت، آمیزش را حرام کرده است و آنرا موجب کفاره می‌داند.

آمیزش در این زمان، هم باعث اذیت و آزار همسر می‌شود و هم سبب طولانی شدن دوره حیض و ایجاد درد و سوزش و ناراحتی‌های بعدی می‌شود و از طرفی به دستگاه تناسلی زن، صدمه وارد می‌کند و موجب نفوذ حیض به آلت تناسلی مرد می‌شود و مقدمات بیماری‌هایی را فراهم می‌کند و چون در حالت حیض، دستگاه تناسلی مرد و زن آلوده می‌گردد، روی فرزند تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا نطفه سالمی را نمی‌تواند به رحم تحویل دهد و رحم نیز نمی‌تواند نطفه را سالم در خود بپروراند.^۶

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۲. معراج السعاده، ص ۱۷۴.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

۴. ازدواج مکتوب انسان سازی، ج ۲.

۵. دکتر برای همه، ص ۹۱.

۶. طب الرضا، ص ۲۴۲.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: اگر با همسر در حال حیض آمیزش شود، هر کاری بکنی که این بچه علاقه به ما اهل بیت پیدا کند پیدا نمی‌کند.^۱

❖ چرا عزل (بیرون ریختن منی به منظور جلوگیری از بارداری) از همسر موقت جایز می‌باشد؟

چون غرض اصلی از ازدواج موقت، تمتع بردن است نه تولید نسل بخلاف ازدواج دائم.^۲ شهید اول (ره) می‌فرماید: در همسر دائمی عزل جایز نیست چون با حکمت و فلسفه ازدواج ناسازگار است زیرا فلسفه ازدواج، آوردن فرزند است و معمولاً عزل به منظور جلوگیری از بارداری صورت می‌گیرد ولی شهید ثانی (ره) قائل به کراهت عزل در همسر دائمی می‌باشد.^۳

❖ چرا در قرآن، مسأله تفرقه افکنی قبل از قتل و کشتار ذکر شده است؟

شاید به خاطر آن باشد که تفرقه افکنی زمینه کشتن و یا مهم‌تر از کشتن است.^۴

❖ چرا تعرب بعد از هجرت (بادیه نشین شدن بعد از هجرت به شهر) حرام است؟

از این جهت که انسان از دین برنگردد، پشتیبانی پیمبران و حجت‌های خدا را ترک نکند و مفاسد دیگر از قبیل پایمال کردن حق ذی‌حق که بواسطه صحرا نشینی (یا ده نشینی) از بین خواهد رفت.

همینطور اگر انسان کاملاً با قوانین دین آشنا شود، جایز نیست با جهال و مردم خوفناک همنشین و هم مسکن شود، زیرا از خطر اینکه دست از علم و دانش بکشد و هم عقیده جهال گردد، در امان نخواهد بود.^۵

❖ چرا ارتداد (دست از دین اسلام برداشتن) حرام می‌باشد؟

از آیات و روایات چنین حکمی استفاده می‌شود.

پیامبر اسلام می‌فرمایند: «أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ آمَنَ ثُمَّ كَفَرَ» یعنی: منفورترین مردم پیش خدا، آن کس است که ایمان آورد و سپس کافر شود.^۶

کسی که دست از چنین دینی (که جامع تمام قوانین و احکام است و فقط این دین نزد خداوند پذیرفته می‌شود «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ») بردارد، دیگر ارزشی ندارد و

۱. بلبیل بوستان مهدی، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲. شرح لمعه، کتاب نکاح موقت.

۳. شرح لمعه، کتاب نکاح؛ فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳، ص ۸۸.

۴. تفسیر سوره قصص، ص ۱۳، قرآنی.

۵. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

۶. نهج الفصاحه، ص ۴.

با شرائطی که برای قتل ذکر شده (اگر مرتد فطری باشد اعدام و اگر ملی باشد بعد از عدم پذیرش توبه، اعدام می‌گردد)، محکوم به اعدام است.

در زمان صدر اسلام، گروهی (علمای غیر مسلمان) برای این که به پیروان خود بفهمانند که دین اسلام، دین خوبی نیست، صبح هنگام مسلمان می‌شدند و شب هنگام دست از دین خود بر می‌داشتند و به پیروان خود می‌گفتند که ما رفتیم و اسلام آوردیم اما آن را دین مهمتی ندیدیم، لذا دست از آن برداشتیم و از این راه نمی‌گذاشتند که پیروان آنها به دین اسلام درآیند، به این جهت چنین حکمی در باره مرتدان نازل گشت.

✽ چرا عاق والدین شدن، حرام است؟

زیرا افراد عاق والدین برای اطاعت خدای سبحان، موفق نمی‌شوند و پدر و مادر خود را احترام نمی‌کنند و از کفران نعمت، اجتناب نمی‌نمایند و شکر گذاری را باطل می‌کنند. عاق والدین، باعث قلت نسل و قطع آن می‌شود، عاق والدین بودن، موجب این می‌شود که انسان به پدر و مادر خود احترام نکند و حق آنان را منظور ننماید و قطع رحم کند. والدین، فرزند خود و پرورش او را به علت این که فرزند به ایشان نیکویی نمی‌کند، ترک خواهند کرد.^۱

✽ چرا خوردن گوشت سگ، حرام و حتی جا دادن آن در منزل، مورد نهی واقع شده

است؟

زیرا ناخوشی‌های بسیار، ممکن است از سگ به انسان منتقل شود که از آن جمله این امراض است:

جرب، کچلی، امراض جلدی - که در قارچ‌ها بوجود می‌آید - هاری، انتقال انواع شپش‌ها از سگ به انسان، سرایت سل، بالاتر از همه مرض کرم کدوی سگ و غیره.

باید دانست میکروبی که از زبان سگ در هنگام لیسیدن ظرف به آن می‌رسد، چیزی جز خاک آن را برطرف نمی‌سازد. چنانچه در اسلام، طاهر شدن آن را موقوف بخاک مالی دانسته است.^۲

✽ چرا در اسلام، گوشت پرندگان شکارچی و حیوانات درنده حرام شده است؟

امام رضا(ع) می‌فرماید: از این جهت که آنها خوراکشان مردار و گوشت انسانها و نجاسات و

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۹.

۲. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۶۲.

شبه آنها می‌باشد.^۱

✽ چرا در روز شنبه صید ماهی بر یهودیان حرام گشت؟

امام صادق(ع) می‌فرماید: از این جهت که در روز جمعه، دستور آمد که از صید کردن امساک نمایند ولی آنها اطاعت ننمودند و روز شنبه را امساک نمودند، لذا صید در روز شنبه بر آنها حرام گشت.^۲

✽ چرا خوردن خاک و گل حرام می‌باشد؟

زیرا از امام محمد باقر(ع) نقل شده است که: بزرگترین دام‌های شیطان، خوردن خاک و گل است و دردهایی را در بدن به وجود می‌آورد و خارش بدن و بواسیر از آن به هم می‌رسد و دردهای سوداوی از آن متولد می‌شود و قوت را از ساق و قدم می‌برد.^۳

رسول خدا(ص) می‌فرماید: کسی که گل بخورد و بمیرد، بر مردن خود کمک نموده است.^۴

در شرح لمعه دمشقیه آمده است که دو نوع خاک، خوردنش حرام نیست، بلکه حلال و جایز می‌باشد اول: خاک و تربت کربلا که حتی مستحب نیز می‌باشد. امام کاظم(ع) می‌فرماید: در آن شفای دردهاست و امنیت پیدا کردن از هر خوفی می‌باشد.^۵ و دوم: خاک ارمنی؛ زیرا اطبا گویند: دفع امراض می‌کند و نافع می‌باشد. گل ارمنی، حبس طبع و دم می‌کند و برای بثور(دانه‌ها) و طاعون نافع است و اگر با سرکه تر شود و استنشاق شود، برای بیماری وبا نافع است. باید دانست که به اندازه نیاز می‌شود، خورد.^۶

✽ چرا اسلام قمار را حرام کرده است؟

زیرا قمار، بزرگترین عامل پیدایش هیجان است تا آنجا که یکی از دانشمندان امریکایی می‌گوید: در هر سال در این کشور فقط دو هزار نفر در اثر هیجان قمار، می‌میرند و به طور متوسط قلب قمار باز، متجاوز از صد بار در دقیقه می‌زند. قمار، گاهی سبب سکت قلبی و مغزی و پیری زود رس می‌شود و به گفته دانشمندان: شخصی که مشغول قمار بازی است، نه تنها روح وی دستخوش تشنج است، بلکه تمام جهازات بدن او در یک حالت فوق العاده به سر می‌برند و این گونه افراد، در ترشحات غدد داخلی آن‌ها اختلال حاصل می‌شود و رنگ صورتشان می‌پرد و

۱. علل الشرائع، ج ۱ و ۲، ص ۶۴۰؛ ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۰۹.

۲. علل الشرائع، ج ۱ و ۲، ص ۱۲۶.

۳. حلیه المتقین، ص ۵۸.

۴. شرح لمعه، ۱۰ جلدی، ج ۴، ص ۱۳۱.

۵. شرح لمعه، ۱۰ جلدی، ج ۴، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۶. شرح لمعه، ۱۰ جلدی، ج ۴، ص ۱۳۲.

دچار بی‌اشتهایی می‌شوند. باید گفت قمار، رابطه زیادی با جنایات و ضررهای اقتصادی و زیان‌های اجتماعی دارد.^۱

قمار، سبب می‌شود تا افرادی کار و کسب را کنار گذاشته و بدون زحمت و تلاش، پول‌هایی را به جیب بزنند و این عمل به اقتصاد جامعه، بسیار ضرر می‌رساند.

✽ چرا اسلام تراشیدن ریش را مذمت کرده است؟

بخاطر ضررهایی که دارد از جمله:

۱- طبق گفته پزشکان اسلامی و غیر اسلامی، فلسفه گذاردن ریش، این است که هرگاه صورت تراشیده شود، میکروب‌های مختلف در منافذ پوست صورت، جای گرفته و بوسیله همان منافذ و سوراخ‌های ریزی که در پوست صورت است، راهی برای پیشرفت خود، باز می‌کنند.
۲- تراش ریش به علت تحریک دائمی و مکرر پوست، موجب پیری زودرس می‌شود. ۳- تراش ریش، ایجاد جوش نموده و موهای صورت را سفید می‌گرداند. ۴- تکرار تراش ریش، باعث از بین رفتن زیبایی و از بین رفتن روشنی چهره می‌شود.^۲
و اما فوائد گذاشتن ریش از نظر اجتماعی و اخلاقی:

۱- ریش یکی از امتیازات ظاهری بین زن و مرد است. ۲- ریش باعث وقار مرد می‌شود. ۳- ریش، صورت‌های لاغر و زشت نما را از حالت زشتی قیافه‌ای بطور محسوس می‌کاهد. ۴- تأسی و پیروی کردن از انبیا و ائمه که دارای محاسن (ریش) بودند، کاری پسندیده است. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «أَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَأَعْفُوا اللَّحِيَةَ وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ». یعنی: سبیل‌ها را بچینید و ریش‌ها را رها کنید و خود را شبیه به یهود نکنید.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: داشتن ریش، موجب عزت و شکوه و بزرگی مردان است.^۳
روایت است که رسول خدا ﷺ فرمودند: اگر مسلمانان خود را شبیه دشمنان من کنند، جزو دشمنان من به حساب می‌آیند، هم چنان که آن‌ها دشمنان من هستند.

و همچنین روایت دیگری است که: زمانی که دو فرستاده از جانب «بازان» - که عامل یمن از جانب کسری بود- نزد پیامبر رفتند، چون آن دو ریش‌ها را تراشیده و شارب‌ها را باقی گذاشته بودند، هنگامی که رسول خدا (ص) نگاهشان به آن دو افتاد، خوشش نیامد که به آنها نظر کند و فرمودند: وای بر شما چه کسی به شما دستور داده که چنین کنید؟ گفتند، ربّ ما کسری،

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۷-۷۸.

۲. علوم روز و قرآن، ص ۱۰۲-۱۰۷.

۳. توحید مفضل، ص ۵۵-۵۶.

رسول خدا ﷺ فرمودند: لکن پروردگار ما امر کرده به گذاشتن ریش و چیدن شارب.^۱
 علمای اسلام، تراشیدن ریش را جایز نمی‌دانند و اکثراً بطور احتیاط، دستور به ترک آن داده‌اند.^۲

❁ چرا استعمال طلا (بعنوان زینت) برای مردان حرام است؟

عللی دارد از جمله، اطباء گویند: طلا روی گلبولهای قرمز خون مردان، اثر سوئی دارد و آنان را احتمالاً به بیماری خونی (مرض سرطان) مبتلا می‌سازد.
 تماس طلا با بدن مردان و رگهای موئین خون آنها، آثار سختی ایجاد می‌نماید. در مردان سرعت جریان «گلبولهای سرخ» را زیاد می‌کند، و از فعالیت «گلبولهای سفید» می‌کاهد، قهراً در جریان خون تأثیر فراوانی کرده و خون مردان را ضعیف می‌کند، زیرا گلبولهای سرخ مرد بیشتر است اما در زنها چون گلبولهای سرخ آنان کمتر از مردان است، طلا با تحریک گلبولهای سرخ آنان، نشاط بیشتری به بانوان می‌دهد، ولی نه به آن حد که در مردان موجب ضعف خون می‌گردد.^۳

باید دانست که استعمال طلا از روی زینت برای مردان، علاوه بر زیان‌های روانی و اجتماعی، حرام می‌باشد و سبب بطلان نماز می‌گردد.

❁ چرا اسلام، خوردن شراب را حرام کرده است؟

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: خدای حکیم به این جهت، خمر (شراب) را حرام کرده که باعث مفسده‌هایی می‌گردد از قبیل تغییر عقل مشروب خواران، وادار کردن آنان به اینکه منکر خدا شوند، به خدا افترا بزنند، به پیامبران خدا تهمت بزنند و سایر مفاصدی که از ایشان به ظهور می‌رسد؛ نظیر فساد، آدم کشی، تهمت زنا و لواط به دیگران زدن، زنا و خود داری نکردن از اعمال حرام و ناشایسته.^۴

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: چون در شراب، فساد است و عقل شراب خوار را تغییر داده و او را وادار به انکار خدا و دروغ بستن به او و رسولانش می‌کند و حتی حاضر است که دست به کشتن و نسبت ناروا و زنا بزند و از هیچ کاری هم پروا ندارد.^۵

۱. حاشیه مفاتیح الجنان، ص ۸۶۵-۸۶۶.

۲. مراجعه شود به توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۱۰۱۹.

۳. المانیا و الاسلام، ص ۵۹؛ باغ سخن، محمد مراد دبیریان، ص ۱۴۸.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۶.

۵. غلل الشرائع، ص ۴۷۶.

باید گفت: شراب و مشروبات الکلی خانمان برانداز است و هر کس به نوشیدن چنین چیزی عادت کرد نباید از زندگی توقع داشته باشد گویند: کوچکترین اثر این سم کافی است که اغتشاش مزمنی را در داخل بدن پدید آورد و آن چه که خطرناک‌تر می‌باشد این است که مسمومیت دائمی و مخفیانهای در بدن تولید می‌کند که دیگر درمان‌پذیر نخواهد بود.^۱

امام صادق (ع) می‌فرمایند: شرابخواران در موقع مردن تشنه می‌میرند، فردای قیامت تشنه محسوس می‌شوند و با حال تشنگی داخل جهنم خواهند شد.^۲

دکتر تومانیانس در کتاب «بهداشت در دین اسلام» راجع به فلسفه حرمت مشروبات الکلی می‌نگارد: میان مشروبات، آن چه را که اکیداً قذغن و حرام نموده است شرب موادی است که موجب پریشانی حواس و زایل کننده عقل انسان است.^۳

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: اگر یک قطره خمر در چاهی بریزد و در مکان آن قطره خمر، منارهای (یعنی مکان اذان گفتن) بنا شود، من بالای آن مناره اذان نخواهم گفت.^۴

روح ایمان از شراب خوار دور می‌شود و به جایش روح کثیف شیطانی جایگزین می‌گردد و خدای تعالی به او خطاب می‌فرماید: ای بنده، کافر شدی! بدا به حال تو. امام صادق (ع) می‌فرمایند: یک سرزنش الهی از هزار سال عذاب سخت‌تر است.^۵

❁ چرا اسلام شراب را حرام کرده است با این که خاصیتی هم دارد؟

باید دانست که آب زهرآلود هم موقتاً تشنه را سیر می‌کند ولی بعد از مدت کوتاهی، مرگ دائمی را به دنبال دارد. بنابر این شراب هم از همین قبیل است، یعنی هر چند مختصر خاصیتی دارد ولی در مقابل آن مضرات بیشمار آن قابل مقایسه نیست.

شراب در حقیقت خانمان برانداز است و اغتشاش مزمنی در داخل بدن به وجود می‌آورد و مسمومیت دائمی و مخفیانهای در بدن تولید می‌کند که دیگر درمان‌پذیر نخواهد بود و مصرف الکل حتی به میزان کم، سلولهای مغزی را خراب می‌کند. دانشمندان گفته‌اند: الکل دشمن شماره یک مغز می‌باشد و ضایعات مغزی ناشی از خوردن مواد الکلی، اجتناب‌ناپذیر است. دکتر پنیگتون گوید: اعتیاد به الکل، باعث فراموشی و از دست دادن نیروی کار می‌باشد و باعث می‌شود تا انسان از کار خود دلسرد شود و همین امر باعث می‌شود تا به الکل پناه ببرد و خوردن

۱. دکتر برای همه، ص ۱۸.

۲. من لایحضره الفقیه.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۹.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۸.

۵. گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۴۱.

نوشابه الکلی سبب افزایش جنایات خیابانی و ناامنی در جامعه می‌شود. الکلی، انسان را به فقر و رنج می‌کشانند و مسأله مهم تر این که اثرات ارثی دارد و گاهی باعث می‌شود که کودکان این افراد، ناقص به دنیا بیایند.

خلاصه، مشروبات الکلی به هر شکلی که باشد، سقّی بوده و به همین جهت است که اسلام، حتّی یک قطره آن را هم حرام کرده است، زیرا هم برای بدن انسان و هم برای تغذیه و هم برای نطفه و هم برای کودک، سقّی می‌باشد.^۱

مصرف الکلی حتّی به میزان کم، سلولهای مغزی را خراب می‌کند و ضایعات مغزی بسیاری را سبب می‌شود و نتیجه اعتیاد به الکلی فراموشی است و سبب از دست دادن کار می‌شود و بیشتر جنایت کاران خیابانی، معتادان به الکلی هستند. اعتیاد، اثر ارثی هم دارد و فرزند شخص الکلی، خسته و تنبل و کودن می‌شود و کودکان افراد الکلی، گاهی ناقص به دنیا می‌آیند و پزشکان معروف گویند: الکلی غذا نیست بلکه سمی برای جسم و روح است.^۲

❁ چرا اسلام، هر مسکری (مست کننده) را حرام کرده است؟

حرام نمودن آن‌ها از روی دو جنبه است: ۱. جنبه اخلاقی ۲. جنبه طبّی
اما جنبه اخلاقی آن این است که انسان در اثر آشامیدن مسکرات (شراب) به کلی از خود بیخود گردیده و حرکاتی از او سر می‌زند که مخالف عقل و انسانیت است، حتّی گاهی مرتکب قتل و جنایت می‌شود.

و اما جنبه طبّی آن این است که مخاطرات شدیدی تولید می‌نماید، بدن را مسموم می‌سازد و اعضای بدن را به طور کلی از بین برده، از کار خود بیکار می‌نماید و بعد از مدّتی در هر کس، اثرات و خطرات آن بصورت‌های گوناگون بروز می‌کند.

امراض کلیوی، کبدی، جلدی و امراض عصبی از قبیل تکان خوردن، لرزش دست، لکنت زبان، فلج، سستی کمر، بیخوابی، خوابهای وحشتناک، بی ارادگی، بی غیرتی، بی میلی به غذا، فراموشی، بی طاقتی، کم خونی، ضعف استخوان، دیوانگی و غیره تماماً از آثار و خیم مشروبات الکلی (مسکرات) می‌باشد.^۳

❁ چرا اسلام شراب را یک مرتبه حرام نکرده بلکه به تدریج حکم تحریم آن را صادر نمود؟

زیرا شرابخواری و میگساری در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام، فوق العاده رواج داشت

۱. دکتر برای همه، ص ۱۸-۵۰.

۲. دکتر برای همه، ص ۴۶-۴۸.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۹-۲۳۰.

و به صورت یک بلای عمومی در آمده بود و گویند: عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می‌شد: شعر و شراب و جنگ! و حتی وقتی حکم حرمت آن آمد، گفتند: هیچ چیز بر ما سنگین‌تر از تحریم شراب نبود.

لذا اسلام برای رعایت اصول روانی و اجتماعی، کم‌کم و به تدریج حکم حرمت شراب را صادر نمود تا افکار و اذهان، آمادگی پذیرایی آن را داشته باشد.^۱

❁ چرا کسی که شراب بخورد، تا چهل روز، نمازش قبول نمی‌شود؟

زیرا تا چهل روز، اثر آن شراب در بدن او باقی می‌ماند.^۲

❁ چرا در روایت آمده است که دختر خود را به شرابخوار ندهند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که دختر خود را به شرابخوار بدهد، مثل آن است که او را به طرف زنا، راهنمایی کرده باشد.^۳

❁ چرا شراب، از زنا و دزدی بدتر است؟

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

زیرا زناکننده (و دزد) شاید گناه دیگری نکند ولی شراب خوار چون شراب خورد، زنا می‌کند، آدم می‌کشد و نماز را ترک می‌نماید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شراب، مادر گناهان است و سبب رسیدن خورنده‌اش به هر شری می‌باشد، چون عقل او را می‌گیرد، پس خدای خود را در آن حال نمی‌شناسد و هر گناهی که پیش آید، انجام می‌دهد و باکی از اعمال خلاف عفت ندارد».^۴

از امام باقر علیه السلام پرسیدند که: بزرگترین گناه کبیره کدام است؟ فرمودند: «شراب خواری، خداوند به چیزی مانند می‌خواری گناه کرده نشده، زیرا شخص شراب خوار، ممکن است در حال مستی، نماز واجب خود را ترک کند و با مادر و دختر خود زنا نماید».^۵

❁ چرا خداوند، خوردن خون را حرام کرده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خوردن خون، باعث قساوت قلب می‌شود و رحم و شفقت را از دل انسان می‌برد و بدن آدمی را متعفن می‌کند و باعث تغییر رنگ انسان می‌شود و اکثر افرادی که

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۷۰.

۲. علل الشرایع، ص ۳۴۵.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۹.

۴. گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۴۲.

۵. وسائل الشیعه: گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۴۱.

مبتلا به جذام می‌شوند، از اثر خوردن خون است.^۱
 خون نیز مثل گوشت مردار، باعث فساد بدن‌ها می‌گردد، موجب زرداب می‌شود، دهان انسان را بدبو می‌کند، پشر را بداخلاق می‌نماید، موجب قساوت قلب می‌شود، محبت و مهربانی را به طوری از انسان سلب می‌کند که بعید نیست انسانِ خونخوار، پدر یا رفیق خود را بکشد.
 شیخ کلینی رحمه‌الله گویند: امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: آشامیدن خون موجب زرداب و مرض کبد می‌شود.^۲

❁ چرا خوردن سپرز حرام است؟

خدای حکیم سپرز را بدین لحاظ حرام کرده است که سپرز نیز باعث همان امراضی می‌شود که از خون تولید می‌گردد، علت حرمت خون و مردار و سپرز یکی است و سپرز هم در ردیف آن‌ها بشمار می‌رود.^۳

❁ چرا خوردن گوشت خرگوش حرام است؟

زیرا خرگوش مانند گربه است، چنگالهایی نظیر چنگال گربه و سایر حیوانات وحشی دارد، از این جهت خرگوش نیز در ردیف آن‌ها قرار گرفته است
 به اضافه قذارت و کثافتی که در ذات خرگوش نهفته است به خصوص آن خونی که نظیر زنان می‌بیند، زیرا خرگوش از آن دسته افرادی است که مسخ شده است.^۴

❁ چرا در اسلام، دزدی حرام است؟

زیرا اگر حلال می‌بود، باعث از بین رفتن اموال و نابود شدن مردم می‌گردید و از طرفی هم موجب غضب، قتل، نزاع و حسودی می‌شد و دیگر این که باعث ترک تجارت، صنعت و کسب می‌گردید و کسی بر دیگری به اموال جمع آوری شده مقدم و مستحق نمی‌بود.^۵

❁ چرا در اسلام، دستی را که پانصد مثقال طلا دیه دارد، به دلیل یک چهارم مثقال، دزدی قطع می‌کنند؟

سید مرتضی علم‌الهدی رحمه‌الله می‌فرمایند: از این جهت که امانت، قیمت دست را بالا می‌برد و خیانت، ارزش آنرا می‌کاهد.^۶

۱. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۲۸.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۳. فروع کافی، ج ۶، از ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۰۹-۲۱۰.

۵. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

۶. تفسیر نور، ج ۳، ص ۸۶؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۴۹۳.

❁ چرا مال فرزند بر پدر حلال ولی بر مادر حلال نمی‌باشد؟

پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَنْتَ وَمَا فِي يَدِكَ كَأَنَّ لَابَيْكَ». یعنی: تو و مال تو متعلق به پدرت هستی. پس وقتی فرزند مال پدر باشد، مال او به طریق اولی، متعلق به پدرش می‌باشد. چنانکه خدای علیم می‌فرماید: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ». یعنی: خدای حکیم به هر کسی که بخواهد، دختر و به هر کسی که بخواهد، پسر عطا می‌کند. به اضافه این که فرزند در حال کودکی و بزرگی، رهین مؤونه و مخارج پدر است و او را به پدر، نسبت می‌دهند و او را به نام پدر، صدا می‌زنند. چنانکه خدای جهان در قرآن می‌فرماید: فرزندان را به پدرانشان، بخوانید که این عمل نزد خداوند به عدالت نزدیکتر است. ولی مادر دارای یک چنین حقی نخواهد بود.^۱

❁ چرا نباید از ترس فقر، از ازدواج خود داری کرد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون چنین کاری، سوء ظن به خداوند است که گوید: «إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». ^۲ یعنی: اگر فقیر باشند، خداوند آن‌ها را از فضل خودش بی‌نیاز می‌سازد.

❁ چرا اسلام جمع بین دو خواهر را در ازدواج حرام کرده است؟

ابو ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «لِتَحْصِينَ الْإِسْلَامَ، سَائِرُ الْأَذْيَانِ تَرَى ذَلِكَ». ^۳ یعنی: برای در حصن (دژ) قرار دادن اسلام، حکم حرمت آن آمده است و سایر ادیان هم قائل به چنین حرمتی هستند.

شاید حکمت حرمت جمع بین دو خواهر از این جهت است که معمولاً دو هوو با همدیگر ناسازگارند، و ناسازگاری بین دو خواهر، موجب فتنه در میان فامیل و عواقب شوم دیگر می‌شود، ناسازگاری بین دو خواهر نیز موجب قطع رحم می‌باشد.^۴

شاید یکی از علل حرمت جمع بین دو خواهر در یک زمان برای یک مرد، این باشد که اگر دو خواهر در یک زمان در حباله یک مرد باشند، به حکم «الضَّادَّانِ لَا يَجْتَمِعَانِ» بعلاوه مخالفت‌های شدیدی که در بین ایشان به وجود می‌آید، تفرقه و جدایی همیشگی نیز در بین آنان ایجاد می‌شد و همین تفرقه، وسیله دشمنی‌های مهمی می‌گردید و رفته رفته کار بجائی

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۹-۲۲۰.

۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۰.

۳. علل الشرائع، ص ۴۹۸.

۴. استاد مکارم شیرازی (حفظه الله).

می کشید که آن اتحاد و یگانگی که منتهی درجه آرزوی دین مقدّس اسلام است از بین برود.^۱

❁ چرا وقتی زنی به فرزند دختر خود شیر می دهد دخترش بر دامادش حرام می شود ولی وقتی به فرزند پسر خود شیر می دهد، عروستش بر پسرش حرام نمی شود؟

چون در صورت اول دخترش با نوه اش که شیر او داده، خواهر رضایی یکدیگر می شوند و لازم می آید که دامادش با خواهر رضایی فرزندش، همسر باشد و این در اسلام حرام است، لذا دخترش بر دامادش، حرام ابدی می شود اما در صورت دوم که زنی به فرزند پسرش شیر بدهد، چنین اشکالی پیش نمی آید. یعنی: همسر پسرش بر او حرام نمی شود، چون همسر پسرش، خواهر رضایی او نمی شود (این نظر اکثر فقها می باشد).

باید دانست که اگر زنی بچه ای را که دامادش از زن دیگر دارد شیر دهد، باز دخترش بر دامادش، حرام می شوند.

❁ چرا شبیه سازی انسان حرام می باشد؟

شبیه سازی یعنی سلولی از مرد یا زن و یا حیوانی را گرفته و در آزمایشگاه و یا رحم زن یا حیوانی کاشتن تا اینکه آن، شبیه به صاحب آن سلول گردد.

حضرت استاد آیت الله مکارم (حفظه الله) می فرمایند: ذات عمل (شبیه سازی انسان) به عنوان اولی، مباح است و آیه یا روایتی بر حرمت شبیه سازی نداریم. اما به لحاظ عنوان ثانوی، حرام و خلاف مسائل حقوقی و اخلاقی می باشد.

این عمل مستلزم نظر و لمس حرام است، مگر آنکه آن شخص، شوهر آن زن باشد. اگر این کار باب شود، امکان دارد که مسأله ازدواج بر چیده شود و نظام خانوادگی مختل گردد و کسانی که فرزند می خواهند، از این طریق به خواسته خود برسند و حتی شاید زنی از وجود خود باردار گردد.

از نظر حقوقی، بچه ای که از این راه به وجود می آید پدر، مادر، برادر و خواهر مشخصی ندارد. اگر گفته شود این عمل فوایدی هم دارد در جواب گوییم، این مانند تیغه دو دم است و بیشتر در جنبه منفی به کار برده می شود.

❁ چرا به سراغ افراد ساحر و جادوگر رفتن حرام می باشد؟

زیرا کسی که سخن ایشان را تصدیق و باور کند، از آنچه که خدا بر حضرت محمد ﷺ نازل

کرده، اعراض نموده و بیزار شده است.^۱

❖ چرا بر شخص حائض و جنب، حرام است که چیزی را در مسجد بگذارد ولی می‌تواند چیزی را از مسجد بردارد؟

زیرا به قول امام محمد باقر (علیه السلام)، حائض و جنب برای برداشتن چیزی از مسجد چاره‌ای ندارند که وارد مسجد شوند ولی قادر هستند آنچه را که در دست دارند، در جای دیگری بگذارند و وارد مسجد نشوند.^۲

❖ چرا رو به قبله و پشت به قبله بول و غائط کردن حرام می‌باشد؟

این حرمت بخاطر تعظیم و اجلال قبله است
امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس برابر قبله از روی فراموشی بول کند، پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله بجانب دیگر برگردد، از آنجا بر نخیزد، مگر آنکه حقتعالی او را بیامزد.^۳

❖ چرا دشنام دادن به بت‌ها (معبودهای بت پرستان) حرام می‌باشد؟

زیرا همان گونه که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» یعنی: چنانچه شما به مقدسات ایشان توهین کنید، آنان هم به مقدسات شما و خداوند آهانت خواهند کرد.

در این آیه، خداوند به یک ادب دینی اشاره فرموده است که رعایت آن در هر نزاعی، الزامی و ضروری است.

❖ چرا اسلام گوشت خوک را حرام کرده است؟

زیرا خوک غالباً مبتلا به امراضی می‌شود، بنابراین خوردن گوشتش مضر می‌باشد.^۴
از طرف دیگر غذای خوک نجس‌ترین نجاسات است و از جمله بیماری‌های ناشی از گوشت خوک، مرض دیوثی است و خوک مخصوصاً در مسائل ناموسی، فوق‌العاده بی‌غیرت و لا اِبالی است، به طوری که جنس نر بعد از عمل مجامعت، جنس ماده را به خوک نر دیگری تحویل داده و با تماشای این عمل لذت می‌برد.
از این رو کسانی که گوشت خوک می‌خورند، مشاهده شده که به تدریج حس غیرت و

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۲. علل الشرائع، ص ۲۸۸.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۴۵.

۴. اسلام و طب جدید، ص ۴۱.

حمیت آنان از بین رفته است و خوک در شکم پرستی معروف است.

گویند: این حیوان حتی از خوردن مدفوع خود و دیگران، اجتناب نمی‌کند.^۱

از نظر علم امروز ثابت شده است که گوشت خوک از نظر طبّی و بهداشتی دارای میکروب «برتولیسیم» است و در بدن، ایجاد مسمومیت می‌کند. این گوشت هم چنین تولید کننده کرم «تریشین» است که زاد و ولد بسیار دارد، گلبول‌های سرخ را از بین می‌برد و انسان را دچار کم‌خونی و التهابات عضلانی می‌نماید و به سوی مرگ می‌کشاند. از سوی دیگر، این گوشت کرم «تیناسلیوم» تولید می‌کند که در معده از «کیست» بیرون می‌آید و بیماری به وجود می‌آورد.^۲

گوشت خوک دارای دو نوع انگل خطرناک به نام کرم تریشین و یک نوع کرم کدو است.^۳ در تفسیر «نور» آمده: طبق نظری‌های بهداشتی، گوشت خوک عامل دو نوع کرم کدو و تریشین است و حتی در بعضی کشورها، مصرف گوشت خوک ممنوع شمرده شده و حتی مسیح علیه السلام نیز گناهکاران را به خوک تشبیه نموده است.^۴

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: خداوند گوشت خوک را حرام فرموده، چون حیوانیست مهیب و زشت صورت که خدا او را برای پند و عبرت گرفتن خلق، آفریده و بترسند از شهوترانی و بی‌بندباری که موجب این می‌شود که خدای تعالی صورت زیبای بشری را از ایشان گرفته و به صورت خوکشان کند و مسخ شوند. و جهت دیگر حرمت گوشت خوک آن است که خوراکش پلیدترین پلیدها و کثیف‌ترین کثافت‌ها است با مفاسد و زیان‌های بسیاری که در خون او است.^۵

زیان‌های گوشت خوک:

زیان‌های معنوی و اخلاقی: این موضوع در علوم طبیعی ثابت شده که انسان گوشت هر حیوانی را بیشتر بخورد متصف به اخلاق برجسته آن حیوان می‌گردد.

زیان‌های جسمی:

۱- تریکین حیوان کوچکی است که در میان گوشت خوک لانه می‌کند و این کار را به جایی می‌رساند که گلبول خون خیلی کم می‌شود و انسان دچار مرض کم‌خونی می‌گردد و ممکن است این حالت او را به مرگ بکشاند. و از طرفی آثار سوء آن سرگیجه و تب‌های

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۲. ره توشه راهیان نور، ویژه بوستان ولایت (جوانان)، ص ۲۷۰، سال ۱۳۷۸.

۳. ره توشه راهیان نور، ویژه نوجوانان، سال ۱۳۷۶.

۴. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۶۳.

۵. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ عیون اخبار الرضا؛ وسائل الشیعه، باب ۱.

مخصوص من جمله: تب‌های مربوط به دستگاه هضم می‌باشد و بعداً سبب اسهال می‌شود. دردهای دیگری از قبیل روماتیسمی مختلف، کشش اعصاب، خارش داخل بدن، تراکم پی‌ها، کوفتگی و خستگی سخت در تمام کالبد، جمع شدن عضلات صورت و بالاخره دردهای ناشی از ضعف فوق العاده بدن به وجود می‌آید. مرض لادری: یکی از خطرناک‌ترین امراض که به وسیله خوردن گوشت خوک به انسان عارض می‌شود مرض لادری است که عامل مولده آن تنیا یا کرم کدو است. در اثر خوردن گوشت خوک، اغلب سمیتی به وجود می‌آید که در اصطلاح علمی آن را بوتولیسم می‌نامند.^۱

❁ چرا خداوند خوردن گوشت حیوانات وحشی را حرام کرده است؟

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

زیرا حیوانات وحشی خوراکشان از مردارها و گوشت مردم و نجاست‌ها و نظایر این‌ها می‌باشد و به همین جهت است که خداوند نشانه حرام گوشت بودن آن حیوانات را داشتن نیش (در حیوانات) و داشتن چنگال (در پرندگان) قرار داده است.^۲

❁ چرا خوردن گوشت مردار حرام است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر کس از آن بخورد، بدنش ضعیف و رنجور می‌شود، نیروی او کاهش می‌یابد و نسل را قطع می‌کند و آن کس که به این کار ادامه دهد، با سگته و مرگ ناگهانی از دنیا می‌رود.^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: گوشت مردار، گوشتی است که خون در آن منجمد گردیده و در جوف بدن آن حیوان برگشته، لذا گوشت آن (از نظر هضم) ثقیل و سنگین و ناگوار است و گوشت آن با خون (منجمدی که در جوف آن است) خورده می‌شود.^۴ در علم امروز ثابت شده که مردار، کانونی از انواع میکروبها است و دستگاه گوارش نمی‌تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد.^۵

❁ چرا خوردن غدد (غده‌ها) حرام می‌باشد؟

۱. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۲، به نقل از کتاب اسلام و علم امروز نشریه انجمن تبلیغات اسلامی.

۲. علل الشرایع، ص ۴۸۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۴. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۲۹.

۵. ره توشه راهیان نور، ص ۹۱، سال ۱۳۷۴.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: نباید غدد را خورد، چون ریشه جذام را تحریک می کند.^۱

❁ چرا اسلام خوردن ماهی های بی فلس را حرام کرده است؟

زیرا این نوع ماهی ها از ماهی ها و کرم ها تغذیه می کنند، بنابراین خوردن آن ها، خون را مسموم می کند و کبیر و خارش های پوستی ایجاد می نماید.^۲

❁ چرا نباید گفت رمضان آمد و یا رمضان رفت؟

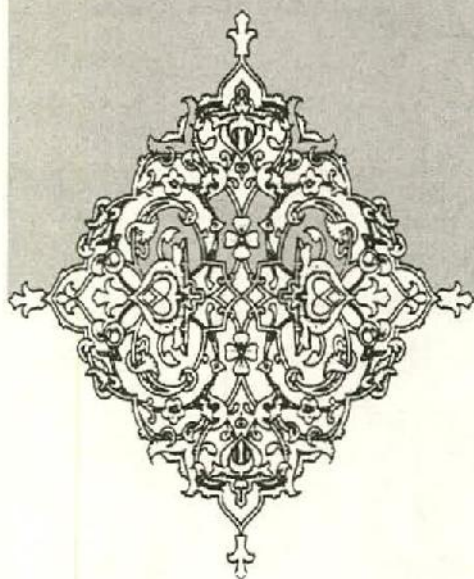
زیرا همان طور که روایت گوید: رمضان نامی از نام های خداوند است و معنا ندارد که گفته شود؛ خدا آمد یا خدا رفت، بلکه صحیح آن است که گفته شود؛ ماه رمضان آمد یا ماه رمضان رفت.

❁ چرا نباید دعا کنیم که خداوند ما را محتاج خلق ننماید؟

زیرا انسان «مذنی الطبع» است و خداوند، زندگی او را اجتماعی قرار داده است و هر انسانی در زندگی روزمره برای امرار معاش به اشخاص دیگری نیازمند است. بنابر این، بزرگان دین به ما دستور داده اند که دعا کنیم تا محتاج لئام خلق (انسان های پست) نگردیم.

۱. علل الشرایع، ص ۵۶۱.

۲. طب الرضا، ص ۱۴۳-۱۴۴.



مکروهات

❁ چرا اقامت در مکه و زندگی در آنجا، کراهت دارد؟

زیرا رسول خدا ﷺ را از آنجا بیرون کردند و از طرفی مقیم در آنجا قسسی القلب (سخت دل) می‌شود و کاری را که در غیر مکه انجام می‌دهد، آنجا نیز انجام می‌دهد.^۱

❁ چرا طهارت (وضو و غسل) با آبی که به واسطه خورشید گرم شده است، مکروه می‌باشد؟

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: آبی که به واسطه خورشید گرم شده است، سبب پیسی (مرض پوستی) می‌شود.^۲

❁ چرا تطهیر بدن با استخوان و سرگین کراهت دارد؟

زیرا اجنه به خدمت رسول اکرم ﷺ رسیدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند، حضرت ﷺ، استخوان را برای ایشان و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد و به این سبب پاک کردن استخوان نیز خوب نیست.^۳

❁ چرا بریدن و قطع کردن نان با چاقو و کارد کراهت دارد؟

زیرا پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: نان را با چاقو قطع نکنید و آن را گرامی دارید، زیرا خداوند آن را گرامی داشته است.^۴

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ۱۵۰.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۲۴.

۴. طب النبی، ص ۲۲.

❁ چرا کسی که سیر و یا پیاز خورده است، نباید به مجالس عمومی خصوصاً به مسجد برود؟

زیرا پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: مسلمانان از بوی بد سیر و پیاز اذیت می‌شوند و فرشتگان آسمانی نیز ناراحت و اذیت می‌شوند.^۱

❁ چرا در اسلام تند راه رفتن مکروه است؟

زیرا امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: تند راه رفتن، هیبت مرد را می‌برد.^۲

❁ چرا موقع غروب آفتاب، مطالعه کردن کراهت دارد؟

گویند: موقع غروب آفتاب، وقت عوض شدن شیفت سلول‌های چشم است و چشم در آن وقت، آمادگی برای مطالعه را ندارد، لذا اگر در آن زمان مطالعه شود، بر چشم فشار آمده، برای آن ضرر دارد.

❁ چرا روایت است که غایط کردن در میان قبرها و با یکتای موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن کراهت دارد؟

چون بیم آن است که انسان دیوانه شود.^۳

❁ چرا بسیار خوابیدن در شب مذموم است؟

مادر حضرت سلیمان به سلیمان گفت: فرزندم! هنگام شب زیاد نخواب، زیرا بسیار خوابیدن در شب، مایه فقر انسان در روز قیامت است.^۴

❁ چرا بر رو خوابیدن کراهت دارد؟

در اخبار آمده: چنین کاری موجب فقر است.^۵

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: این نوع خوابیدن، خواب شیطان است.^۶

❁ چرا شوخی و مزاح (بی مورد)، مکروه است؟

زیرا به قول امام صادق علیه السلام دشمنی می‌آورد و کینه می‌زاید و آن به منزله دشنام کوچکی است.^۷

۱. راه جوان ماندن، ص ۳۸۰.

۲. بحار، ج ۱۷؛ کشکول محمد منتظری، ج ۲، ۴۶۳.

۳. حلیه المتقین، ۱۴.

۴. نکته‌های نورانی، حسین دیلمی، ص ۴۷.

۵. نسخه شفا، ص ۲۷۱، ولی فاطمی.

۶. منتهی الآمال، ص ۱۲۶.

۷. تحف العقول، ص ۴۴۳.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: از مزاح و شوخی بپرهیز، زیرا که شوخی کردن نور ایمان شما را از بین می‌برد و از جوانمردی و شخصیت شما می‌کاهد.^۱
ملا احمد نراقی رحمته الله می‌گوید: مزاحی اشکال دارد که یا در آن افراط شود و یا انسان مرتکب دروغ و غیبت گردد و یا باعث آزرده‌گی و خجالت دیگری شود.^۲

❁ چرا زیاد خنده کردن کراهت دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: زیاد خندیدن دل را می‌میراند و شادابی صورت را می‌برد.^۳
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حضرت داوود علیه السلام به فرزندش حضرت سلیمان علیه السلام اینگونه سفارش کرد: فرزندم از خنده بسیار بپرهیز، زیرا خنده زیاد، سبب فقر و تهی دستی انسان در روز قیامت می‌شود.^۴

❁ چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: در رُستاق (روستا) زندگی نشود؟

خود حضرت می‌فرمایند: زیرا پیران آنجا نادان و جوانان آنجا سبک سر و زنان در آنجا آنچنان مستور نیستند و عالمان در آنجا مانند مرداری در میان سگان می‌باشند.^۵

❁ چرا مهریه را زیاد گرفتن کراهت دارد؟

چون طبق روایتی، از نشانه‌های شومی زن، زیاد بودن مهریه او می‌باشد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: در مورد مهریه، آسان بگیرید، زیرا مرد مهریه (سنگین) زن را می‌دهد، اما در دلش نسبت به او کینه و دشمنی به وجود می‌آید.^۶

❁ چرا ازدواج در وقتی که قمر در عقرب است مکروه می‌باشد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چنین کسی در زندگی نیکی نمی‌بیند.^۷
امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: کسی که در موقع قمر در عقرب ازدواج کند، در زندگی نیکی نمی‌بیند.^۸
تخصیص ساعات قمر در عقرب از برج‌ها عبارت است از:
۱. در برج حمل (فروردین) از روز ۱۶ تا نیمه روز ۱۸.

۱. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۹۵.

۲. معراج السعاده، ص ۴۲۸.

۳. المواعظ العددیه، ص ۲۷۴.

۴. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۸.

۵. الحیاء، ج ۱، ص ۲۳۸.

۶. کنز العمال، ج ۴۷۳۱.

۷. العروه الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۲.

۸. علل الشرایع، ص ۵۱۴.

۲. در برج ثور (اردیبهشت) از نیمه روز ۱۳ تا آخر روز ۱۵.
۳. در برج جوزا (خرداد) از روز ۱۱ تا نیمه روز ۱۳.
۴. در برج سرطان (تیر) از نیمه روز ۸ تا آخر روز ۱۰.
۵. در برج اسد (مرداد) از اول روز ۶ تا نیمه روز ۸.
۶. در برج سنبله (شهریور) از نیمه روز ۳ تا آخر روز ۵.
۷. در برج میزان (مهر) از اول برج تا نیمه روز ۳.
۸. در برج عقرب (آبان) از روز ۲۸ تا آخر برج.
۹. در برج قوس (آذر) از روز ۲۶ تا نیمه روز ۲۸.
۱۰. در برج جدی (دی) از نیمه روز ۲۳ تا آخر روز ۲۳.
۱۱. در برج دلو (بهمن) از روز ۲۱ تا نیمه روز ۲۳.
۱۲. در برج حوت (اسفند) از روز ۱۸ تا آخر روز ۲۰.^۱

✽ چرا ازدواج در حالی که ماه در محاق است، مکروه می‌باشد؟

زیرا از امام باقر علیه السلام روایت است: کسی که در این زمان ازدواج کند، احتمال می‌دهد که فرزندش سقط شود.^۲

✽ چرا ازدواج با زن یهودی و نصرانی کراهت دارد؟

پیغمبر اسلام ازدواج با زن یهودی و نصرانی را کراهت می‌داشتند که مبدا در غیاب شوهر، فرزند خود را یهودی و نصرانی کنند.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» ازدواج با آنان را جایز می‌داند؟ فرمودند: آیه «وَلَا تَتَزَوَّجُوا بِالنِّسَاءِ الَّتِي هُنَّ مِنْ دُونِ الْكِتَابِ» آن را نسخ کرده است.^۳

✽ چرا در حال آمیزش، زیاد سخن گفتن کراهت دارد؟

حضرت علی (ع) از رسول خدا (ص) روایت کنند که زیاد سخن گفتن در حال آمیزش سبب گنگ شدن فرزند می‌شود.^۴

✽ چرا کراهت دارد که در حال آمیزش، هر دو طرف عریان باشند؟

زیرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

۱. بازار دانش، ص ۴۹۵-۴۹۶.

۲. علل الشرایع، ص ۵۱۴.

۳. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۸۸.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵.

این نوع آمیزش، آمیزش خران است و در این وضع، فرشتگان از بین آن دو بیرون می‌روند.^۱
به نظر می‌رسد این کار، سبب پیدایش انحرافات جنسی گردد.^۲

❁ چرا نشستن زن روزه دار در آب کراهت دارد ولی برای مرد، کراهت ندارد؟
زیرا مخرج آنها، آب به خود می‌گیرد. علت کراهت این است که راه مخرجشان به داخل بدن نزدیک است و احتمال رفتن آب به داخل بدن وجود دارد.^۳

❁ چرا در اسلام «سگ نگه داشتن در خانه» مکروه است؟
زیرا روایت است که ملائکه به خانه‌ای که در آن سگ وجود دارد، داخل نمی‌شوند و از طرفی سگ حیوانی نجس العین است و در آب دهانش، میکروبهای بسیار مضر وجود دارد. به همین جهت است که اسلام دستور داده است تا ظرفی را که سگ لیسیده، ابتدا خاک مال کنند بعد با آب بشویند تا آن میکروب‌ها کشته شود. حدیث مؤثق گوید: هیچ کس نیست که سگی در خانه نگاهدارد، مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می‌شود.^۴

❁ چرا کسی که ادرار و غائط دارد مکروه است، نماز بخواند؟
زیرا در آن حالت نمی‌تواند حضور قلب پیدا کند و توجه‌اش به نماز و عبادت باشد و به طور کلی هر چیزی که سبب عدم حضور قلب در نماز شود، مکروه می‌باشد

❁ چرا ایستاده بول کردن مکروه است؟
امام صادق (ع) می‌فرمایند: هر که چنین بول کند، بیم آن هست که دیوانه گردد.^۵
روایت گوید: ایستاده بول کردن، سبب فساد عقل انسان می‌شود.^۶

❁ چرا بول کردن در آب مکروه است؟
روایت است که: «إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا فَلَا تَوَذُّهُمْ بِذَلِكَ» یعنی: به راستی برای آب، اهلی است لذا نباید آن‌ها را به این وسیله آذیت کرد.^۷

۱. حلیه المتقین، ص ۷۴.

۲. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳. النضید، ج ۵، ص ۲۳۰.

۴. حلیه المتقین، ص ۲۶۹.

۵. حلیه المتقین، ص ۱۴۵.

۶. شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۸۷.

۷. شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۴.

❁ چرا در آب راکد (ایستاده)، بول کردن کراهت دارد؟

روایت است که: چنین کاری باعث نسیان و فراموشی است.^۱
روایت گوید: چنین کاری باعث تسلط اجنه و شیاطین است و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی می باشد.^۲

❁ چرا زیر درخت میوه دار، بول و غائط کردن کراهت دارد؟

زیرا موجب فراموشی می گردد.^۳
امام باقر علیه السلام می فرمایند: زیر درخت میوه دار، مکان ملائکه هایی است که موکل آن درخت هستند تا آن درخت را از دسترس وحوش و حشرات زمین محفوظ بدارند.^۴

❁ چرا در حمام، بول کردن کراهت دارد؟

امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند: بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است.^۵

❁ چرا سخن گفتن در دستشویی (توالت)، کراهت دارد؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: زیرا باعث می شود که حاجت انسان روا نگردد.^۶

❁ چرا روایت است که در توالت و حمام مسواک نزنند؟

زیرا از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است: مسواک زدن در توالت، مورث گند دهان است. و از امام محمد باقر علیه السلام نقل است: مسواک زدن در حمام، دندان ها را می ریزد.^۷

❁ چرا روایت است که در حمام آب سرد به خود نریزند ولی موقع بیرون آمدن از حمام

روی پا آب سرد بریزند؟

زیرا امام صادق علیه السلام می فرمایند:

اگر در حمام، آب سرد به خود بریزند، بدن را ضعیف می کند اما اگر در موقع بیرون آمدن از حمام، آب سرد بر پا بریزند، درد را از بدن می کشد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر بعد از بیرون آمدن از حمام، پاها را بشویند، درد شقیقه را

۱. حاشیه شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۴.

۲. حلیه المتقین، ص ۱۴۵.

۳. نسخه شفا، ص ۲۸۹.

۴. علل الشرایع، ص ۲۷۸.

۵. حلیه المتقین، ص ۱۱۸؛ المواظظ العبدیه، ص ۲۶۷.

۶. علل الشرایع، ص ۲۸۳.

۷. حلیه المتقین، ص ۹۹.

زایل می‌کند.^۱

❁ چرا خوردن آب سرد در حمام کراهت دارد؟

زیرا بدن در حمام، عرق دارد، به این جهت، نوشیدن آب سرد موجب تورم اعضاء، تولید سینه پهلوی، ذات الریه، ورم امعاء (روده‌ها)، زکام و غیره می‌گردد.^۲

❁ چرا روایت است که در حمام بر پشت ن خوابند؟

زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت علی علیه السلام می‌فرمود که پیه گرده‌ها را می‌گذارد. و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بر پهلوی خوابیدن، پیه گرده‌ها را آب می‌کند و بر پشت خوابیدن، درد اندرون را به هم می‌رساند.^۳

❁ چرا روایت است که در حمام آجر و سفال بر پای خود مسایند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چنین کاری موجب مرض خوره است، و در جای دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مالیدن سفال به کف پا، باعث پیسی می‌شود.^۴

❁ چرا نباید با شکم پر به حمام رفت؟

زیرا سبب درد قولنج می‌شود.^۵

❁ چرا روایت است که در حمام، شانه و مسواک نزنند؟

چون امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شانه زدن در حمام، باعث ریزش مو، و مسواک زدن در حمام سبب (سستی دندان‌ها و در نتیجه) ریختن دندان می‌شود.^۶

❁ چرا قرآن خواندن در حمام کراهت دارد؟

روایت است که: چنین کاری موجب فراموشی می‌گردد.^۷

❁ چرا شستن سر با گل کراهت دارد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زیرا چهره را سمج و بد نما می‌کند.^۸

۱. حلیه المتقین، ص ۱۱۶.

۲. ستارگان درخشان، ج ۹، ۱۵۹.

۳. حلیه المتقین، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۴. حلیه المتقین، ص ۱۱۷.

۵. طب الرضا، ص ۲۳۸.

۶. حلیه المتقین، ص ۱۱۸.

۷. نسخه شفا، ص ۲۹۰.

۸. حلیه المتقین، ص ۱۱۸.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: چنین کاری غیرت را می‌برد.^۱

❁ چرا مالیدن لنگ بر سر و رو کراهت دارد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زیرا آب رو را می‌برد.^۲

❁ چرا زیاد دست به ریش و محاسن کشیدن مکروه است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زیرا صورت را بدنما می‌کند.^۳

❁ چرا کراهت دارد که ناخن را با دندان بگیرند؟

بدیهی است اگر ناخن را با دندان بگیرند میکروب‌های بن ناخن وارد حلق و حنجره شده پس از آن به طرف معده نزول کرده و از آن جا داخل خون انسان می‌شوند و باعث افکار باطله ای خواهد شد که شاید منظور رسول خدا ﷺ از وسوسه ای که فرموده، همان افکار باطله باشد.^۴ یکی از علل اینکه نباید ناخن‌ها را با دندان گرفت این است که: انواع و اقسام میکروب در زیر ناخنی که بلند باشد جای دارند. چنانچه انسان ناخن را بوسیله دندان بگیرد میکروب‌های نام برده که در بن ناخن‌ها متمرکز شده‌اند بواسطه دندان و آب دهان از گلوی انسان پایین می‌روند و ایجاد مخاطراتی می‌نمایند.

❁ چرا کراهت دارد که ریش را با دندان بجوند و یا کوتاه کنند؟

شاید به این جهت باشد که اگر ریش را بجوند میکروب‌های ریش وارد حلق و حنجره شود، و پس از آن به طرف معده نزول می‌کند و از آنجا به وسیله کبد، داخل خون گردد و همین امر موجب افکار باطله‌ای (خیالات واهی) خواهد شد.^۵

❁ چرا بلند نگه داشتن موی بدن (زیر بغل و اطراف آلت تناسلی) کراهت دارد؟

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: وقتی موی بدن بلند شود آب نطفه را کم می‌کند، مفاصل (بند استخوانها) را سست می‌نماید، باعث ضعف جسد می‌شود، تولید سل می‌کند.^۶

۱. حلیۃ المتقین، ص ۱۱۷.

۲. حلیۃ المتقین، ص ۱۱۸.

۳. علل الشرایع، ص ۵۵۹.

۴. به کتاب بهداشت اسلام از نظر علم امروزی از محمد جواد نجفی مراجعه شود.

۵. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۶۵.

۶. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۶۹.

✽ چرا خشک کردن دست و صورت با ذیل لباس کراهت دارد؟

از کلام حضرت علی علیه السلام استفاده می‌شود که چنین کاری، باعث غم و اندوه می‌شود.^۱
در اخبار آمده است که: چنین کاری موجب تهیدستی می‌گردد.^۲

✽ چرا پوشیدن لباس سیاه (خصوصاً در نماز) کراهت دارد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لباس سیاه، لباس اهل آتش است.
حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: لباس سیاه، لباس فرعون می‌باشد.^۳
(در ایام عزاداری استثنا شده است و حتی ثواب هم دارد).

✽ چرا در اسلام پوشیدن نعل (کفش) سیاه، مکروه است؟

زیرا چشم را ضعیف و ذکر (آلت تناسلی) را سست و مورث اندوه و غم می‌باشد.^۴

✽ چرا در اسلام، پوشیدن کفش تنگ مکروه است؟

زیرا فوق العاده زیان بخش است از جمله ضررهای آن عبارتند از: ایجاد واریس، پیسی و لک.^۵
کفش تنگ تهویه پاها و گردش خون را در آن قسمت، مختل می‌سازد.^۶
مرض درد سر حدود ۲۴۰ علت دارد که یکی از آن‌ها، تنگ بودن کفش است.^۷

✽ چرا در حال نشسته، عمامه بستن کراهت دارد؟

زیرا در اخبار آمده است که: موجب تهیدستی می‌گردد.^۸

✽ چرا پوشیدن زیر جامه (شلوار)، در حال ایستاده کراهت دارد؟

زیرا روایت گوید: مورث هلاک و زردآب و غم و اندوه می‌شود.^۹
از کلام حضرت علی علیه السلام فهمیده می‌شود که چنین کاری باعث غم و اندوه است.^{۱۰}

✽ چرا روایت گوید در دست شویی (توالت)، بسیار نشینند و آن را طول ندهند؟

۱. المواعظ العددیه، ص ۱۳۲.

۲. نسخه شفاء، ص ۲۸۲.

۳. علل الشرایع، ص ۳۴۷.

۴. حلیه المتقین، ص ۱۳.

۵. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۸، ۲۵۷.

۶. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۷. فرهنگ اطلاعات عمومی، ص ۱۳۸، هیأت مؤلفین.

۸. نسخه شفاء، ص ۲۷۴.

۹. حلیه المتقین، ص ۱۰.

۱۰. المواعظ العددیه، ص ۱۳۲.

چون از حضرت لقمان علیه السلام نقل شده است که بسیار نشستن در دست شویی باعث بواسیر می‌شود.^۱ امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: زیاد نشستن در دست شویی باعث بواسیر می‌گردد.^۲ چون زیاد ماندن در دست شویی ضررهای زیادی دارد از جمله: داء الفیل (ورم پا از زانو پایین)، ضعف اعصاب و دماغ، وسواس و خیالات واهی، جنون، سرگیجه، ضعف دید چشم و صداهایی که در گوش می‌پیچد.^۳

❁ چرا نشستن در جای زن که هنوز گرم است، مکروه می‌باشد؟

زیرا نشستن در جای گرم زن، سبب تحریک مرد می‌شود و این از محرکات غیر جنسی فیزیکی می‌باشد.^۴

❁ چرا در اسلام پرخوری مذمت زیاد شده است؟

چند علت دارد:

۱. پرخوری، حالت معنوی و حال عبادت را از انسان می‌گیرد و انسان را شبیه بهایم می‌کند.
۲. پر خوری، ضرر جسمی هم دارد.
- چون پرخوری به قلب و کلیه‌ها فشار وارد می‌آورد و وزن بدن افزایش می‌یابد و فعالیت قلب و کلیه را زیاد می‌کند و از طرفی غذاهای اضافی که بدن قادر به سوختن آنها نمی‌باشد، تبدیل به چربی می‌شود و چربی هم به قلب و کلیه‌ها و سایر اندام‌های مربوطه فشار می‌آورد.^۵
- زیرا وقتی معده می‌تواند غذا را خوب هضم کند که سر آن کمی خالی باشد و به آسانی می‌تواند روی غذا فعالیت کند و معده ما مانند مشک می‌ماند که دوغ در آن ریخته و بزنند تا کره‌اش جدا شود لذا اگر مشک پر باشد، این کار از او ساخته نیست، همینطور معده اگر پر باشد، عمل هضم غذا را نمی‌تواند به خوبی انجام دهد.^۶
- مرگ و میر پرخورها و افراد چاق به واسطه بیماری‌های قلبی، بیش از اشخاص طبیعی و لاغر است، چون افزایش وزن، کار قلب را زیادتر می‌کند.^۷
- حضرت لقمان می‌فرماید: چون معده پر شود، فکر به خواب می‌رود و حکمت از کار می‌افتد و

۱. حلیه المتقین، ص ۱۴۴.

۲. علل الشرائع، ۲۷۸.

۳. طب الرضا، ص ۲۰۱.

۴. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲، ص ۱۰۱.

۵. آموزش دروس سال دوم راهنمایی، سال ۷۹.

۶. طب الرضا، ص ۱۱۴.

۷. هنر آشپزی نمونه، ص ۲۳.

بدن از عبادت باز می‌ماند.^۱

پرخوری در اسلام، کراهت دارد اما پرخوری که به انسان ضرر و زیان وارد می‌کند، حرام می‌باشد.^۲

❁ چرا گوشت قدید (خشک شده) کراهت دارد؟

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: گوشت قدید، گوشت بسیار بدی است، زیرا معده انسان را سست می‌کند و هر مرض و دردی را به هیجان می‌آورد و کوچکترین نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد.

چون خشکیدن آن به طول می‌انجامد، میکروب‌های هوا را به خود جذب می‌نماید و خوردن آن اگر مسموم کننده نباشد، قطعاً موجب امراضی خواهد شد.^۳

❁ چرا روایت گوید: خوردن در حال جنابت بی آنکه وضو بگیرد و یا دست را بشوید و یا مضمضه و استنشاق کند کراهت دارد؟

زیرا روایت گوید: بیم آن است که چنین شخصی پیس شود.^۴

حضرت علی (ع) از رسول خدا (ص) روایت کنند که خوردن در حال جنابت مورت فقر است.^۵

❁ چرا در طب اسلامی دستور است که زیاد گوشت نخوریم؟

زیرا باعث پوک شدن استخوان و ضعف غدد بدن و به هم خوردن نظم لوله‌های هاضمه و در نتیجه سوء هاضمه و حصبه و وبا و سل و سرطان و امراض کبد و تورم امعاء و مرض قند و آپاندیس و یبوست و امراض دیگر می‌شود.^۶

شاید به همین جهت باشد که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «شکم‌های خود را گورستان حیوانات قرار ندهید».

❁ چرا نباید زیاد آب خورد؟

زیرا موجب نسیان و فراموشی می‌گردد.^۷

۱. کشکول محمد منتظری، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲. شرح لمعه، باب اطعمه و اشربه.

۳. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۱۹۲.

۴. حلیه المتقین، ص ۳۳.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳.

۶. طب الرضا، ص ۱۲۰.

۷. نسخه شفا، ص ۲۹۰.

❁ چرا غذای داغ و گرم خوردن مکروه است؟

زیرا امام رضا علیه السلام می فرماید: طعام گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا آتش را طعام ما نگردانیده است. و چون طعام نزد ایشان گذاشتند فرمود: بگذارید تا سرد شود.^۱

❁ چرا با دست چپ غذا خوردن کراهت دارد؟

زیرا باعث فراموشی می گردد.^۲
از طرفی با دست چپ غذا خوردن باعث بی حرمتی به نعمت خداوند می شود چون تطهیر بدن با دست چپ انجام می گیرد لذا بهتر است غذا خوردن با دست راست انجام گیرد.

❁ چرا فوت کردن به غذا کراهت دارد؟

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: چنین کاری، سبب رفتن برکت است.^۳

❁ چرا بهتر است که از دیک غذا نخورند؟

زیرا سبب فراموشی می شود.^۴

❁ چرا خوردن در حال سیری مکروه است؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: چنین کاری، سبب پیری می شود.^۵

❁ چرا در حال دراز کشیدن غذا خوردن کراهت دارد؟

زیرا باعث فقر می گردد.^۶

❁ چرا اسلام گوید از طرف ظرفی که شکسته است آب نخورند؟

زیرا گفته شده است که محل شکستگی، مرکز شیاطین (میکروبها) می باشد.

❁ چرا روایت گوید گوشت اسب و استر و الاغ مکروه است؟

ابن عباس می گوید: چون آیه قرآن می فرماید: «...والخیل و البغال لتركبوها و زينة»... اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد. و غرض از

۱. حلیه المتقین، ص ۳۴.

۲. نسخه شفا، ص ۲۸۲.

۳. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۱۳.

۴. نسخه شفا، ص ۲۸۲.

۵. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵.

۶. نسخه شفا، ص ۲۷۳.

آفرینش این دسته حیوانات، این است که برای سواری از آن‌ها استفاده کنید.^۱
 علت این که خداوند، گوشت آن‌ها را مکروه کرده است به آن جهت است که مردم به پشت
 آن‌ها احتیاج دارند (که سوار شوند و بارکشی کنند) و از طرفی هم ترس از کم شدن آنها در کار
 است.^۲

❁ چرا بهتر است چند نوع غذا را با هم نخورند؟

زیرا بسیاری از غذاها با هم ناسازگار است و بعضی چون با هم ترکیب و آمیخته شوند
 خاصیت همدیگر را خنثی می‌کنند. در این صورت غذائیت آن از بین می‌رود و احتمال آن است
 که شخص، دچار کمبود املاح و ویتامین‌های لازم شده، مستعد انواع بیماری‌ها گردد. و از ترکیب
 بعضی از غذاها در معده، سمی تولید می‌شود که بدن را عرصه تاخت و تاز میکروب‌ها و امراض
 می‌کند و بعضی از آن‌ها هضم نمی‌شود و در معده تولید عفونت و کرم می‌کند و بعضی جذب
 بدن نمی‌شود و در خون رسوب می‌کند و امراضی مانند انواع سوداها و اگزماها را تولید می‌کند.^۳
 علت دیگر تاسی نمودن به حضرت علی (ع) که هر وعده یک نان و خورشت میل می‌نمودند.
 حضرت علی (ع) در شب ۱۹ ماه مبارک رمضان به دختر خود ام کلثوم که مهمان ایشان بودند،
 فرمودند: آیا تا به حال دیدی که پدرت سر یک سفره دو نان خورشت داشته باشد.

❁ چرا پاک کردن استخوان مکروه است؟

امام زین العابدین (ع) می‌فرمایند: استخوان را پاک نکنید که جنیان را در آن بهره‌ای است و
 اگر پاک کنید، ایشان از خانه شما، چیزی را که از آن بهتر نیست، می‌برند.^۴

❁ چرا خوردن و آشامیدن برای جنب، قبل از مضمضه و استنشاق مکروه است؟

از این جهت که ترس از ابتلا به مرض پسی است و روایتی گوید: خوردن و آشامیدن در
 این حال، مورت فقر است.^۵

❁ چرا خوردن ریزه‌های غذا که بوسیله خلال از لای دندان‌ها بیرون می‌آید، کراهت دارد؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: زیرا چنین کاری عامل پیدایش زخمهای درونی می‌باشند.^۶

۱. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳، ۱۳۸.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۴.

۳. طب الرضا، ص ۲۳۳.

۴. حلیه المتقین، ص ۳۵.

۵. شرح لمعه، ج ۱، ص ۹۳.

۶. فروع کافی.

❖ چرا استبراء به بول برای مردی که منی از او خارج شده مستحب است ولی برای زن مستحب نیست؟

زیرا مخرج بول و منی مرد، یکی است لذا استبراء به بول اثر دارد ولی مخرج بول و منی زن، یکی نیست لذا استبراء به بول اثری ندارد.^۱

❖ چرا ایستاده شانه کردن کراهت دارد؟

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: چنین کاری، مورت فقر است.^۲

❖ چرا با شانه دیگری شانه کردن کراهت دارد؟

زیرا موجب فراموشی و نسیان می گردد.^۳

❖ چرا با شانه شکسته شانه کردن کراهت دارد؟

در اخبار آمده که موجب تهیدستی انسان می گردد.^۴

❖ چرا در اسلام کندن موی سفید (سر و صورت) مذموم است؟

چون از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: خداوند در روز قیامت با سه کس سخن نمی گوید و نظر رحمت به سوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را نمی پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیا است یکی از آن سه کس، کسی است که موی سفید خود را می کند.^۵

❖ چرا از میان دو زن راه رفتن مکروه است؟

زیرا سبب فراموشی و نسیان می شود.^۶

❖ چرا فرق گذاشتن بین اولاد در بخشش، مکروه است؟

زیرا این امر موجب دل شکستگی فرزندی می شود که چیزی به او داده نشده است و چه بسا نفس این کار، ایشان را در معرض دشمنی با یکدیگر قرار دهد.

در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شخصی که چنین کرده بود فرمودند: از خداوند بترس و بین فرزندان به عدالت رفتار نما.

بعضی از فقها تفضیل و ترجیح بعضی از اولاد را بر دیگر اولاد، حرام می دانند.^۱

۱. شرح لمعه، ج ۱، ص ۹۵.

۲. المواعظ العددیه، ص ۲۶۷.

۳. نسخه شفا، ص ۲۸۹.

۴. نسخه شفا، ص ۲۷۴.

۵. حلیه المتقین، ص ۱۰۲.

۶. مفاتیح الجنان، ص ۸۸۵.

❁ چرا کارهایی از قبیل قصلی، کفن فروشی، غذا فروشی و صرافی در اسلام مکروه است؟
 امام صادق علیه السلام می فرمایند: زیرا از قصاب، رحمت (رحم) سلب می شود و مرض وبا (مرگ)، کفن فروش را شاد می کند و فروشنده غذا از احتکار و صراف از ربا در امان نمی باشد.^۲

❁ چرا شب زیر درخت خوابیدن کراهت دارد؟
 زیرا درختان در شب دی اکسید کربن پس می دهند که برای انسان مضر می باشد

❁ چرا زیر درخت میوه دارد ادرار کردن کراهت دارد؟
 زیرا شاید یکی از ضررهای این عمل این باشد که مواد اسیدی ادرار پس از اینکه به ریشه درخت برسد آن را خشک و نابود کند، در صورتی که از بین بردن درخت میوه کار عاقلانه ای نیست و از طرفی هم ادرار خاک و هوای زیر درخت را متعفن و کثیف می نماید، در صورتی که زیر درخت میوه چون محل توقف انسان است باید تمیز و نظیف باشد.^۳

❁ چرا خواب صبح کراهت دارد؟
 زیرا سبب حماقت و ضعف عقل و نادانی می شود
 و روایت گوید: زیرا در آن ساعت ارزاق بندگان تقسیم می شود.^۴

❁ چرا شَم (بویدن) ریاحین (نرجس) برای روزه دار مکروه است؟
 امام صادق علیه السلام می فرمایند: بویدن ریحان باعث می شود که روزه با لذت، مخلوط گردد.
 گویند: نرجس جلوی گرسنگی را می گیرد.^۵

❁ چرا روزه «روز عاشورا» مکروه می باشد؟
 زیرا بنی امیه به شکرانه آن که امام حسین علیه السلام و اصحاب و یارانش و حتی طفل شیر خوارش را در روز عاشورا شهید کردند، این روز را روزه گرفتند، لذا به جهت مخالفت با بنی امیه، روزه گرفتن در چنین روزی مکروه می باشد.

❁ چرا گرفتن قرض (در جای غیر ضروری) نهی شده است؟
 پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

۱. شرح لمعه، ج ۱، ص ۳۹۵.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۳۰.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۸.

۵. علل الشرائع، ص ۳۸۳.

زیرا در روز، باعث ذلت و خواری انسان و در شب، سبب غم و اندوه می‌شود.^۱

❁ چرا سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه و در محاق شهر و در حالی که قمر در عقرب است مکروه می‌باشد؟

زیرا سفر در چنین اوقاتی (میمنت نداشته)، احتمال می‌دهد که به انسان رنجی برسد. اگر صدقه داده شود، دفع آن می‌شود.^۲

❁ چرا تنها توشه خوردن و تنها در بیابان وسیع سفر کردن و تنها در خانه خوابیدن کراهت دارد؟

زیرا پیامبر خدا ﷺ این چند دسته را لعنت نموده است.^۳

علت این که تنها خوردن و تنها خوابیدن و تنها سفر کردن مذمت شده است، از این جهت است که در هنگام خوردن، ممکن است لقمه‌ای در حلق انسان گیر کند و لازم به کمک دیگران باشد و در خوابیدن احتمال ترس و وحشت است و در تنها سفر کردن شاید احتیاج به دیگری پیدا شود.

شاید مقصود از این تنهایی آن باشد که با وجود زن و فرزند تنها خوردن و تنها خوابیدن و تنها سفر کردن کار شایسته‌ای نمی‌باشد

روایت است که در تنها خوابیدن بیم آن است که انسان دیوانه شود.^۴

❁ چرا در شب، جاروب کردن کراهت دارد؟

روایت است که موجب تهیدستی است.^۵

❁ چرا خوردن گوشت قُبْرَه (چکاوک) کراهت دارد؟

زیرا امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: قبره زیاد تسبیح می‌گوید و تسبیح آن این است «لعن الله مبغضی آل محمد».^۶

❁ چرا نگه داشتن فاخته در خانه کراهت دارد؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زیرا فاخته شوم است و بر اهل خانه نفرین می‌کند و

۱. علل الشرایع.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۲۲.

۳. المواعظ العددیه، ص ۸۰.

۴. حلیه المتقین، ص ۱۴.

۵. نسخه شفاء، ص ۲۷۲.

۶. شرح لمعه، ۱۰ جلدی، ج ۴، ص ۱۱۵.

می گوید «فَقَدْ تَكُمُ فَقَدْ تَكُمُ»^۱ یعنی: نابود شوید! نابود شوید!

❁ چرا باقی گذاشتن تار عنکبوت در خانه کراهت دارد؟

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: چنین کاری مورت فقر و تهیدستی است.^۲

❁ چرا به شخص مصلوب (دار کشیده شده) نظر کردن کراهت دارد؟

زیرا موجب فراموشی می گردد.^۳

❁ چرا کراهت دارد که زیاد به اهل بلا و جزای‌ها نظر کنند؟

زیرا رسول خدا (ص) می فرمایند: چنین کاری، آنان را محزون می نماید.^۴

❁ چرا کراهت دارد که بیماران را به غذا خوردن و نوشیدنی وادار نمایند؟

زیرا رسول خدا (ص) می فرمایند: خداوند به آنان غذا و نوشیدنی می دهد.^۵

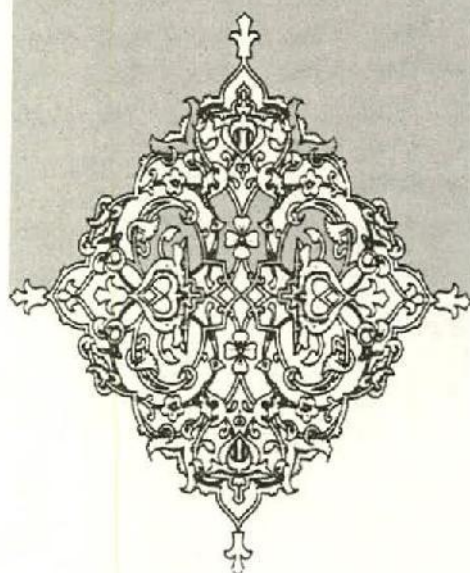
۱. شرح لمعه، ۱۰ جلدی، ج ۴، ص ۱۱۵.

۲. المواعظ العذیه، ص ۲۶۷.

۳. نسخه شفا، ص ۲۸۹.

۴. موسوعه الاحادیث الطّیبه، ص ۱۴۰؛ مشکاه الانوار، ص ۶۷.

۵. موسوعه الاحادیث الطّیبه، ص ۱۱۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ۵۰۲؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۴.



اخلاقی

❁ چرا خوش اخلاقی در اسلام سفارش شده است؟

زیرا فوایدی دارد: ۱. فواید دنیوی مانند این که انسان در دنیا، دوستان زیادی پیدا می‌کند و روزی او زیاد می‌شود و باعث از بین رفتن کینه می‌گردد ۲. فواید آخروی مانند این که بیشتر افراد به واسطه اخلاق نیک به بهشت می‌روند و حساب و کتاب را بر آنها آسان می‌کنند و در بهشت به درجه عالی می‌رسند.^۱

❁ چرا باید به خدا پناه ببریم؟

زیرا هر لحظه امکان انحراف و لغزش برای انسان، وجود دارد و وقتی خداوند به پیامبرش چنین دستور می‌دهد که از شرّ وسواس خناس به خدا پناه ببرد، دلیل بر این است که امکان گرفتار شدن در دام خناسان و وسوسه‌گران برای همه وجود دارد.^۲ البته منظور از پناه بردن به خدا این نیست که انسان تنها با زبان پناه به خدا ببرد، بلکه باید با فکر و عقیده و عمل نیز خود را در پناه خدا قرار دهد، از راههای شیطانی، برنامه های شیطانی، افکار و تبلیغات شیطانی، مجالس و محافل شیطانی، خود را کنار کشد.^۳

۱. ره توشه، ویژه مقطع راهنمایی، ص ۱۰۳-۱۰۴، سال ۱۳۷۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۴.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۱.

❁ چرا دعاها با «رَبَّنَا» شروع می‌شود؟

درست است که «اللَّهُ» جامع‌ترین نام‌های خدا است ولی از آنجا که تقاضا از محضر پرلطف او تناسب با مسأله ربوبیت دارد، ربوبیتی که از ناحیه خداوند از نخستین لحظات وجود انسان آغاز می‌شود و تا آخر عمر ادامه دارد و انسان را غرق الطاف الهی می‌کند لذا خواندن خداوند به نام رب (پروردگار) در آغاز دعاها از هر نام دیگر مناسب‌تر و شایسته‌تر می‌باشد

حضرت آدم علیه السلام می‌گوید: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» و نوح علیه السلام می‌گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ» و ابراهیم علیه السلام می‌گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» و موسی علیه السلام می‌گوید: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» و سلیمان علیه السلام می‌گوید: «رَبِّ هَبْ لِي مَلَكًا» و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ».

❁ چرا باید بر خدا توکل کرد؟

توکل بر خدا و توجه به او سبب می‌شود انسان در برابر مشکلات پایداری و مقاومت در پیش گیرد و از خطرهای نهراسد و هرگز صبر و آرامش خود را از دست ندهد و شکست‌های ظاهری او را مأیوس و ناامید نگرداند. بلکه همواره و در همه حال، با امید به یاری خدا، با قدرت و شهادت به پیش تازد و خوف از غیر را در دل راه ندهد. زیرا می‌داند که مقدرات امور در دست اوست و جایی برای ترس از دیگران وجود ندارد.

❁ چرا نباید بر مال و جمال خویش غره (مغرور) شد؟

چون به قول شاعر:

بر مال و جمال خویشتن غره مشو کان را به شبی برند و آن را به تبی

توضیح آنکه: هیچ چیزی در دنیا دوام و ثبات ندارد لذا نباید به آن دلبستگی پیدا کرد.

❁ چرا نباید گناهان کوچک را، کوچک شمرد؟

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: خداوند در وحی خود به عزیر پیامبر فرمود: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى صَغَرِ

الذنب و لكن انظروا الى من اجترأتم»^۱ به کوچکی گناه ننگرید و لكن بنگرید که بر چه کسی جرأت می کنید و مخالفت می نمایید.

❁ چرا در پیشگاه خداوند، هیچ چیزی به اندازه غرور و کبر و خودبینی، مطرود و نکوهیده نیست؟

زیرا این عمل در حکم مقابله با خداوند است و با عبادت خدا منافات دارد.

❁ چرا روایت می فرماید: «الْأَسْعِدُ سَعِيدٌ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» و حال این که سعادت و شقاوت به واسطه اعمال انسان است؟

چنین سؤالی را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام کردند، ایشان در جواب فرمودند: بچه‌ای که در شکم مادر است، در علم خدا ثبت است، که این بچه از سعادت است یا از اشقیاء، خدا می داند وقتی که این بچه بزرگ شد رو به هواست یا رو به خدا.^۲

باید گفت این مطلب کاملاً درست و علمی می باشد، چون بطن ام (شکم مادر) مکان تعیین سرنوشت آینده فرزند است چون اگر بطن ام (شکم مادر) و نطفه‌ای که در آن قرار می گیرد و غذایی که وارد آن می شود و فرزند از آن تغذیه می کند، همه طیب و حلال و خوب باشد، فرزندی که در آنجا رشد و نمو می کند، سعید می شود و اگر پاک و حلال و صحیح نبود، شقی می گردد.^۳ باید گفت این قول هرگز سر از جبر در نمی آورد زیرا سعادت و شقاوت علل و اسباب دیگری هم دارد.

❁ چرا خداوند انسان را از آب گندیده (منی) خلق کرده است؟

تابه او بفهماند که او که از این آب بدبو و نجس خلق شده است، نباید تکبر بورزد، فخر فروشی کند، به خود بنازد، اصل خود را فراموش نکند و بداند که خداوند قادر است بر اینکه او را از قعر ذلت و پستی به اوج عزت و سربلندی برساند.

❁ چرا خداوند نعمتش را به خوب و بد عطا می کند؟

زیرا به سود هر دو گروه می باشد. صالحان بر اثر این نعمت‌ها بر رغبت و شوقشان به سوی عمل صالح افزوده می شود و فاجران و فاسدان نیز به رأفت و مهر خداوند گارشان پی می برند.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۸.

۲. حقایق از قرآن، ص ۲۲۲.

۳. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۴. توحید مفضل، ص ۱۵۶.

❁ چرا گاهی برکات زمین برداشته می‌شود؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند:

هنگامی که مردم زکات اموال خود را ندهند، زمین هم برکات خود را از زراعت و میوه و معادن منع می‌نماید.^۱

❁ چرا گاهی مردم به گرانی و سختی زندگی مبتلا می‌گردند؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: هر گاه مردم، در کیل (پیمانه) و وزن خیانت نمایند، خداوند آنها را به چنین چیزی مبتلا می‌سازد.^۲

❁ چرا روز چهارشنبه نحس شمرده شده است؟

زیرا به قول امیرالمؤمنین علی علیه السلام، روز چهارشنبه روزی است که دوزخ (جهنم) در آن آفریده شده است.^۳

❁ چرا با این که از خود تعریف کردن زشت است، ولی حضرت یوسف در مدح خود گفت:

«أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» یعنی: من برای شما خیر خواه و امینم؟

امام صادق علیه السلام در جواب می‌فرمایند: آن جایی که انسان ناچار شود، چنین کاری جایز می‌باشد.^۴
توضیح آنکه هر جا تعریف از خود برای بیان حقیقت و واقعیت باشد علاوه بر آنکه اشکالی ندارد لازم هم می‌باشد.

❁ چرا انسان نباید فخر کند و به خود ببالد؟

زیرا به قول حضرت علی علیه السلام انسان در ابتدا، نطفه گندیده و در پایان مرداری بیش نیست و میان آن دو، حامل کثافت (بول و غایط) می‌باشد.^۵

❁ چرا جمعی از گنه کاران غرق در نعمتند؟

قرآن می‌گوید: این‌ها افراد غیر قابل اصلاحی هستند که طبق سنت آفرینش و اصل آزادی اراده و اختیار، به حال خود واگذار شده‌اند تا به آخرین مرحله سقوط برسند و مستحق حد اکثر مجازات‌ها بشوند. از بعضی آیات قرآن استفاده می‌شود که خداوند گاهی به این گونه افراد نعمت فراوانی می‌دهد که غرق لذت پیروزی و سرور شوند، ناگهان همه چیز را از آنان می‌گیرد تا

۱. جامع السعاده، ج ۲، ص ۱۲۷؛ سفینه البحار.

۲. سفینه البحار.

۳. تحف العقول، ص ۱۳۱.

۴. تحف العقول، ص ۴۳۶.

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار.

حداکثر شکنجه را در زندگی همین دنیا ببینند. زیرا جدا شدن از چنین زندگی مرفه‌ی برای آن‌ها بسیار ناراحت کننده است.^۱

❖ چرا عاشقی در امور ملاتی (مانند عاشق جنس مخالف یا وسیله‌ای شدن) کار بدی است؟

عشق به معنای محبت بسیار زیاد است، وقتی انسان محبت زیادی به یک چیزی یا شخصی پیدا کرد، دیگر عیوب آن را در نظر نمی‌آورد و فقط جنبه‌های مثبتش را می‌بیند و چون مدتی گذشت و آن گرمی خود را از دست داد، به آن عیوب پی می‌برد و کم کم نسبت به آن چیز یا آن شخص، بی رغبت می‌شود. چنانکه گویند: جوانی عاشق دختری شد، بعد از آنکه با او ازدواج کرد، لکه سیاهی را در صورت معشوقه خود دید، سؤال کرد که این کی پدید آمده؟ معشوقه در جواب گفت: از اول بوده و لیکن عشق تو به من، تو را از دیدن آن کور کرده بود. پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يَصُمُّ»^۲ یعنی: دوستی بیش از حد و نابجا نه تنها چشم را از دیدن عیب محبوب، کور می‌کند، بلکه گوش را نیز از شنیدن نقص وی، کر می‌سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «هر که عاشق چیزی شود، دیده اش را کور سازد و دلش را رنجور. پس به دیده بیمار بنگرد و به گوش بیمار بشنود».^۳ شوپنهاور، فیلسوف مشهور آلمانی گوید: بدفرجام ترین ازدواج‌ها آن است که از روی عشق انجام گیرد.^۴

❖ چرا روایت گوید: خانه‌ای که در آن سگ باشد ملائکه در آن داخل نمی‌شوند؟

گویند: سگ از خوی (آب دهان) ابلیس پیدا شده است زیرا که ابلیس بر حضرت آدم علیه السلام خیو انداخت در حالی که او گل بود پس ملائکه آن را خراشیدند و موضع آن ناف گردید و سگ از آن گل که ابلیس بر روی آن خیو انداخته بود به وجود آمد به همین سبب ملائکه و سگ (شیاطین) در یک مکان با هم جمع نمی‌شوند.^۵ شاید هم به این جهت باشد که ملائکه در نهایت قداست و پاکی‌اند، ولی سگ حیوانی نجس العین می‌باشد و از باب «الضُّدَّانِ لَا يَجْتَمِعَانِ» این دو در یک مکان با هم جمع نمی‌شوند.

❖ چرا مقام عالم از عابد بالاتر است؟

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۸۴.

۲. بحار، ج ۷۷، ص ۱۶۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

۴. آیین زندگی، ص ۱۹۱، احمد حسین شریفی.

۵. کشکول منظری، ج ۲، ص ۵۰۶.

زیرا عالم، خدا را از روی بصیرت و آگاهی عبادت می‌کند، برخلاف عابد. و علت دیگر این که عالم به فکر هدایت دیگران است ولی عابد در فکر نجات خویش می‌باشد.

❁ چرا به نظر فارابی مقام مدنی از مقام پزشک بالاتر است؟

وی در جواب گوید: هنگامی که مزاجهای بدن از تعادل خارج شد، کسی که آن را به تعادل باز می‌گرداند و آن را حفظ می‌کند، پزشک است.

و هم چنین زمانی که اخلاق افراد جامعه از تعادل خارج شود، کسی که تعادل را به جامعه باز می‌گرداند و آن را حفظ می‌کند، مدنی است.

بنابراین پزشک و مدنی در وظیفه با هم مشترکند و تفاوت آن‌ها در موضوع حرفه آنهاست، یعنی موضوع مدنی، نفس انسان‌ها و موضوع پزشک، بدن آن‌ها است و چون نفس از بدن شریفتر است، مدنی (روحانی) نیز از پزشک شریفتر می‌باشد.^۱

باید گفت این برتری اولاً مربوط به علم آن دو و ثانیاً به خود آنها می‌باشد. اما در نزد خدا کسی برتر است که تقوایش بیشتر باشد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰیكُمْ».^۲

❁ چرا انسان‌ها، عبادت می‌کنند؟

همانطور که از روایات استفاده می‌شود: گروهی از روی طمع به بهشت و گروهی از روی ترس از جهنم و گروهی برای تقرب جستن و شرافت یافتن و گروهی هم به خاطر این که خداوند، خالق و انسان، بنده است او را عبادت کنند.

عبادت از روی طمع و ترس، نازلترین درجه عبادت است، زیرا در حقیقت این ثواب، معبود است و عبادت برای تقرب و شرافت یافتن، مقصود در آن، ذات خداوند نیست.^۳

❁ چرا عبادت در جوانی بهتر است؟

زیرا تأثر قلبی و تصور باطنی در ایام جوانی بهتر حاصل شود، زیرا که قلب جوان لطیف و ساده است و صفایش بیشتر است و واردات آن کمتر و تراحمات و تراکمات در آن کمتر است؛ پس شدیدالانفعال و کثیرالقبول است.^۴

❁ چرا عبادت سری افضل از عبادت آشکار است؟

زیرا بعیدتر از ریا و به اخلاص نزدیک تر است. و دیگر آنکه در باب صدقه حفظ آبروی فقرا

۱. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ص ۴۲.

۲. حجرات، آیه ۱۳.

۳. ستاد تفسیر قرآن کریم (سوره حمد و بقره)، ص ۲۵؛ تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۵۰.

۴. چهل حدیث، ص ۴۹۹، امام خمینی.

در کتمان آن است.^۱

❁ چرا صدقه بر ارحام و اقربا افضل است؟

زیرا علاوه بر ثواب صدقه، بر آن عنوان صله رحم، که از افضل عبادات است، منطبق می شود.^۲

❁ چرا خداوند در قرآن، منافقان را به عنوان کران و کوران و گنگان یاد نموده است و حال این که ایشان دارای گوش و چشم و زبان هستند؟

زیرا منافقان از این نعمت‌های الهی خوب استفاده نمی‌کنند، لذا مانند این است که اصلاً گوش و چشم و زبان ندارند، بنابر این چون منافقان گوش شنوا و زبان حق گو و چشم حق بین ندارند، در حقیقت مانند کسانی هستند که گوش و چشم و زبان ندارند.

❁ چرا شیطان با آدم و همسرش دشمن شد و تصمیم گرفت که همیشه آدم و فرزندان آدم را فریب بدهد؟

سبب دشمنی شیطان با آدم و حوا، همان رانده شدن او از درگاه قرب الهی و رجیم شدن و ملعون گشتن او تا روز قیامت است. شیطان گوید: «رَبُّ لَازِئِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَآ غَوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ».^۳ یعنی: پروردگارا هر آینه برای آنها در زمین زینت دهم و هر آینه جمیع آنها را گمراه سازم.

❁ چرا انسان عجله می‌کند؟

علت آن یکی از دو چیز است، نداشتن صبر و داشتن غرور.^۴

❁ چرا شیطان آدم را سجده نکرد؟

زیرا قیاس کرد و گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» یعنی: من بهتر از او هستم؛ چون مرا از آتش و آدم را از گل خلق نموده‌ای لذا تکبر ورزید و آدم را سجده نکرد.

❁ چرا روایت است که هم در موقع شادی و هم در موقع غم سری به قبرستان بزنیم؟

زیرا در موقع شادی که به قبرستان سر می‌زنیم، از خدا غافل نمی‌شویم و به یاد این می‌افتیم که این شادی‌ها دوام ندارد و مانند مردگان در قبرستان که روزی مثل ما شاد بودند، ما

۱. چهل حدیث، ص ۴۹۳، امام خمینی.

۲. چهل حدیث، ص ۴۹۳، امام خمینی.

۳. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۸.

۴. ره توشه، ص ۱۳۲، سال ۱۳۷۴.

هم دیر یا زود به آنها می‌پیوندیم. در زیارت اموات آمده: «و نحن انا انشاء الله بكم لاحقون» یعنی: و ما نیز هر وقت خدا بخواهد به شما ملحق می‌شویم. و در موقع غم که به قبرستان سر می‌زنیم، پی می‌بریم که روزی همه این غم‌ها به پایان می‌رسد، لذا دست به ناشکری نمی‌زنیم و تحمل آن غم و ناراحتی برایمان آسان می‌شود.

❁ چرا حضرت زهرا (علیها السلام) در روایتی فرمودند: «الجار ثم الدار» (اول همسایه سپس خانه)؟
زیرا حضرت می‌خواهند صفت ایثار را در ما مسلمانان زنده کنند و صفت بد خود خواهی را از ما دور نمایند. و شاید روایت اشاره به این داشته باشد که انسان در انتخاب خانه ابتدا باید همسایگان را انتخاب نماید بعد خانه را انتخاب نماید.

❁ چرا نباید مهمان را به کار گرفت؟
زیرا این سنت پیامبر و آل و اهل بیت او (علیهم السلام) است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «نَحْنُ قَوْمٌ لَا نَسْتَعْدِمُ أَضْيَافَنَا» یعنی: ما گروهی هستیم که مهمان‌های خود را به خدمت وادار نمی‌کنیم.^۱

❁ چرا حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: با دوست خود، زیاد از حد دوستی مکن؟
حضرت می‌فرمایند: چون شاید روزی، دشمن تو گردد.^۲ (لذا اسرار تو را فاش می‌کند و بیشتر به تو ضربه می‌زند).

❁ چرا حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: با دشمن خود، زیاد از حد دشمنی مکن؟
حضرت می‌فرماید: چون شاید روزی، دوست تو گردد.^۳ (لذا شرمنده او می‌شوی و نزد او خجل می‌گردد).

❁ چرا امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: با کسی که قطع رحم کرده است، مصاحبت نشود؟

حضرت می‌فرمایند: خدا در سه موضع در قرآن مجید او را لعنت کرده است.^۴

❁ چرا امام زین العابدین (علیه السلام) می‌فرمایند: با انسان احمق، مصاحبت نشود؟
چون حضرت می‌فرماید: اگر بخواهد به انسان نفع برساند، ضرر می‌رساند.^۵

۱. سنارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۳۳.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار.

۴. حلیه المتقین، ص ۲۴۵.

۵. حلیه المتقین، ص ۲۴۵.

❁ چرا امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند: با انسان دروغگو، مصاحبت نشود؟
خود حضرت می‌فرمایند: زیرا دروغگو به منزله سراب است که دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.^۱

❁ چرا امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند: با انسان فاسق، مصاحبت نشود؟
خود حضرت می‌فرمایند: چون فاسق، انسان را به لقمه‌ای یا کمتر از آن می‌فروشد.^۲

❁ چرا امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند: با انسان بخیل، مصاحبت نشود؟
خود حضرت می‌فرماید: زیرا بخیل در سخت‌ترین مواقع نیاز، انسان را وا می‌نهد.^۳

❁ چرا حضرت لقمان حکیم فرموده است: نباید بسیار با آشنایان، نزدیک شد و از طرفی هم نباید از آنها دوری کرد؟
خود حضرت فرموده است: دوستی و آشنایی بسیار، باعث جدایی می‌شود و دوری از آنها، باعث تنهایی انسان می‌گردد.

❁ چرا قرآن می‌فرماید «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» یعنی به پدر و مادر خود نیکی نمایید و نافرموده «وَبِالْأَوْلَادِ إِحْسَانًا» یعنی به فرزندان خود نیکی کنید؟
زیرا والدین، نیازی به سفارش ندارند و به طور طبیعی به فرزندان خود احسان می‌کنند.^۴

❁ چرا قرآن گوید کسی که در دنیا کور و اعمی باشد در عالم آخرت هم کور و اعمی است «مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ» و حال این که شاید آدم خوبی باشد؟
باید گفت که مقصود قرآن از این کوری، کوری ظاهری نیست چون روایت گوید: انسان معیوب و بیمار که اهل بهشت است هنگامی که خواست به بهشت برود، وارد آب سلسبیلی می‌شود که درب بهشت است لذا تمام عیوب و امراض او زایل می‌شود، بنابر این مراد از کور، کسی است که چشم حق بین ندارد.

❁ چرا غیبت کردن از زنا بدتر است؟
رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از اینکه فرمودند: «الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا». یعنی: عیب دیگران را در غیاب آنان گفتن، از زنا بدتر است، دو علت را برای این فرمایش ذکر نمودند که عبارت است از: ۱. در

۱. تحف العقول، ص ۳۱۹.

۲. تحف العقول، ص ۳۱۹.

۳. تحف العقول، ص ۳۱۹.

۴. تفسیر سوره اسراء، ص ۵۰، قرائتی.

زنا هر دو طرف، راضی هستند بر خلاف غیبت که طرف غیبت شده، ناراضی است ۲. در زنا موقع توبه، عفو و گذشت خداوند، کافی است، ولی در غیبت علاوه بر عفو و گذشت خداوند، طرف غیبت شده هم باید راضی گردد.

❁ چرا انسان غیبت می‌کند؟

غالباً یا به خاطر غضب و کینه و حسد است و یا برای مسخره کردن و خنداندن دیگران و یا اراده افتخار و مباهات کردن و یا به خاطر این که خود را بری و منزّه از آن عیب می‌داند و یا برای همراهی با همنشینان و یا از روی ترحم می‌باشد.^۱

❁ چرا «حق الناس» سخت‌تر از «حق الله» است؟

اولاً: آیات و روایاتی بر این مطلب دلالت دارند.
ثانیاً: چون در «حق الله» همین که انسان توبه نماید، خدا قبول می‌کند ولی در «حق الناس» توبه قبول نمی‌گردد، تا صاحب آن حق راضی گردد.
ثالثاً: طرف «حق الله» خدای مهربان است که سریع الرضا بوده و از کوهی می‌گذرد ولی طرف «حق الناس»، انسان‌هایی هستند که گاهی از پر کاهی هم نمی‌گذرند.
رابعاً: توبه کردن در «حق الله»، در هر زمانی و هر مکانی امکان‌پذیر است، اما در «حق الناس» گاهی یا دسترسی به صاحب حق، امکان ندارد و یا این که او از حق خود در نمی‌گذرد.

❁ چرا شحیح (لثیم) از بخیل بدتر است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون بخیل از مال خود، بخل می‌ورزد اما شحیح، هم از مال خود دریغ می‌ورزد و هم از مال مردم.^۲

❁ چرا حسادت ورزیدن در اسلام مذموم است؟

زیرا شخص حسود نمی‌تواند ببیند که خداوند به کسی که استحقاق نعمتی را دارد، به او نعمتی بدهد و زوال نعمت دیگران را آرزو می‌کند و گاهی افراد حسود در پی انتقام برمی‌آیند، مانند قابیل که هابیل را کشت و برادران یوسف، که یوسف را در چاه انداختند.

❁ چرا قابیل نسبت به برادرش هابیل حسادت ورزید؟

چون قربانی او قبول نشد و قربانی برادرش هابیل قبول شد، لذا ناراحت گردید و تصمیم به

۱. جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۸-۳۱۰.

۲. تحف العقول، ص ۴۳۳.

قتل برادر گرفت.^۱

قرآن در این باره می‌فرماید: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ».^۲

خداوند به حضرت آدم(ع) وحی کرد که اسم اعظم و میراث نبوت و آنچه را که به تو آموخته ام و هر چه مردم بدان احتیاج دارند، همه را به هابیل بسیار. آدم(ع) نیز این فرمان خدا را انجام داد. وقتی قابیل از ماجرا با خبر شد، سخت غضبناک گشت. به نزد پدر آمد و گفت: پدر جان! مگر من از هابیل بزرگتر نبودم و در منصب جانشینی شایسته‌تر از او نیستم؟ آدم(ع) فرمود: فرزندم! این کار دست من نیست، خداوند امر نموده، و او هر کس را بخواهد به این منصب می‌رساند. اگر سخنانم را باور نداری و قصد داری یقین پیدا کنی، هر یک از شما قربانی به پیشگاه خدا تقدیم کنید، قربانی هر کدام پذیرفته شد، او لایق‌تر از دیگری است. رمز پذیرش قربانی آن بود که آتشی از آسمان می‌آمد و آن قربانی را می‌سوزاند در این هنگام قربانی هابیل(گوسفند چاق و فربه) قبول و قربانی قابیل؟(گندم نامرغوب) پذیرفته نشد لذا شیطان نزد قابیل آمد که بعدها فرزندان هابیل به فرزندان تو فخر خواهند فروخت به اینکه ما فرزند کسی هستیم که قربانی او پذیرفته شد، چنانکه هابیل را بکشی، پدرت به ناچار منصب جانشینی را به تو واگذار می‌کند. وی بلافاصله اقدام به قتل برادرش هابیل نمود.^۳

❖ چرا قابیل برای انتقام از برادرش(هابیل)، تصمیم به قتل او گرفت؟

طبق بعضی از روایات منشأ انتخاب این راه، وسوسه شیطان بود، شیطان به او چنین القا کرد که «اگر پس از این جریان، هابیل زنده بماند دارای فرزندان خواهد شد و فرزندان هابیل بر فرزندان تو افتخار خواهند کرد که قربانی پدر ما پذیرفته شد، اما قربانی پدر شما پذیرفته نشد».^۴

❖ چرا پیامبر ﷺ در یک جا فقر را مدح و در جای دیگر مذمت نمودند؟

ایشان در حدیثی فرمودند: «الْفَقْرُ فَخْرٌ»^۵ یعنی: فقر، افتخار من است و در جای دیگر فرمودند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»^۶ یعنی: فقر، نزدیک کفر است و در جای دیگر فرمودند:

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۴۶.

۲. مائده، آیه ۲۷.

۳. داستانهای بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۳؛ داستانهای شگفت انگیزی از شیطان، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۴. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۲۷، ح ۶، ص ۲۴۰؛ اسرار حسن عاقبت و سوء عاقبت، ج ۱، ص ۱۴۱، استاد بزرگوار ما، آیت الله ابوترابی(حفظه الله تعالی).

۵. المواعظ الععدیه، ص ۱۱۰.

۶. المواعظ الععدیه، ص ۱۱۰؛ خصال، ج ۱، ص ۱۴.

«الْفَقْرُ سَوَاءُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ»^۱ یعنی: فقر، روسپاهی در دو دنیا می‌باشد. شیخ نجم الدین چنین جواب گوید: منظور پیامبر ﷺ از جمله اول، فقر و احتیاج به خدای است و بس. و منظور حضرت از جمله دوم، فقر به خدا و غیر خدا است. و منظور از جمله سوم، فقر به غیر بدون خدا می‌باشد.^۲

❁ چرا انسان موفق به خواندن نماز شب نمی‌شود؟

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: گناهان باعث به بند کشیده شدن انسان و محروم ماندن از نماز شب می‌گردد.^۳

❁ چرا شب زنده داران صورتی زیباتر از صورت دیگران دارند؟

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: چون آنان با خدای خویش خلوت کرده‌اند، خداوند از نور خود بر چهره آنان تابانده است.^۴

❁ چرا انسان بی عبادت از سنگ و جماد پست‌تر است؟

زیرا قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ مِنْهَا لَمَّا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» یعنی: بعضی از سنگ‌ها از خشیت الهی (بیم و هراس) به زمین سقوط می‌کنند. اما بعضی از انسان‌ها در برابر سرچشمه و خالق هستی، گردن خم نمی‌کنند (و نماز نمی‌خوانند).^۵

❁ چرا در اسلام بعضی از روزها یا شب‌ها نحس شمرده شده و حال این که طبیعت زمان از نظر مقدار طبیعی است و اجزا و ابعادش مانند هم و یک چیزند؟

درست است که از نظر خود زمان فرقی میان روزها و شب‌ها نیست، اما عوامل و عللی که در به وجود آمدن حوادث مؤثرند و در به ثمر رساندن اعمال تأثیر دارند وجود دارد که باعث نحوست بعضی از روزها و یا شب‌ها شده است و این چیز از حیطة علم و اطلاع ما بیرون است و تجربه هم به قدر کافی نمی‌تواند راهگشا باشد بنابراین از نظر اسلام نامی از نحوست ایام آمده است مانند: «أَنَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ» و «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فِي أَيَّامِ نَحْسَاتٍ» و مانند «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ» و «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» و برگشت معنای نَحْس و مُبَارَك بودن شب و یا روزی به این است که حادثه بد و یا خوبی در آن زمان اتفاق افتاده

۱. المواعظ العددیه، ص ۱۱۰.

۲. المواعظ العددیه، ص ۱۱۰.

۳. نکته‌های نورانی، ص ۴۴، حسین دیلمی.

۴. نکته‌های نورانی، ص ۲۷.

۵. نکته‌های نورانی، ص ۱۰۷.

است، مانند روزی که عذاب بر قوم عاد نازل شد و شبی که قرآن در آن نازل گردید.^۱

❁ چرا قرآن بعضی از انسان‌ها را از چهارپایان بدتر و گمراه‌تر می‌داند؟

چند علت دارد:

۱. اگر چهارپایان، چیزی نمی‌فهمند و گوش شنوا و چشم بینایی ندارند، دلیلش عدم استعداد آنها است و حال این که انسان‌ها استعداد خدادادی دارند، ولی از آن استفاده نمی‌کنند.
۲. چهارپایان تقریباً حساب و کتابی ندارند و مشمول مجازات‌های الهی نیستند، در حالی که انسان چنین نیست.
۳. چهارپایان به انسان خدمات زیادی می‌کنند، اما انسان‌های طاغی و یاغی خدمتی که نمی‌کنند هیچ، هزاران بلا و مصیبت نیز می‌آفرینند.
۴. چهارپایان خطری برای کسی ندارند و اگر هم داشته باشند محدود است. اما انسان بی‌ایمان، چنان آتش جنگی روشن می‌کند که میلیون‌ها نفر در آن خاکستر می‌شوند.
۵. چهارپایان اگر قانون و برنامه‌ای ندارند، ولی از مسیری که آفرینش در شکل «غرایز» برای آنان تعیین کرده است، پیروی می‌کنند اما انسان گاهی سرکشی می‌نماید.
۶. چهارپایان هرگز برای کارهای خود توجیه‌گری ندارند، اما انسان گاهی تمام جنایات خود را طوری توجیه می‌کند که گویی وظیفه الهی خود را انجام داده است.^۲

❁ چرا بعضی از انسان‌ها گمراه و بدبخت می‌شوند؟

عواملی دارد از جمله:

۱. غرور. ۲. لجاجت. ۳. سرکشی. ۴. فاصله گرفتن از حق. ۵. نداشتن گوش شنوا و عقل بیدار.^۳

❁ چرا خداوند بلا را بر مردم گنه‌کار نازل نمی‌کند؟

زیرا افراد خوبی در میان آن‌ها هستند که اگر نبودند هر آینه بلا نازل می‌شد. امام رضا علیه السلام به زکریا بن آدم که قصد داشت از میان اهل بیت خود خارج شود، فرمود: این کار را انجام مده، زیرا همانطور که خدا بلا را به وسیله حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از اهل بغداد دفع می‌کرد، همانطور هم به واسطه تو بلا از ایشان بر طرف می‌شود.^۴

❁ چرا روایت گوید: «جهاد نفس، جهاد اکبر است» و حال این که جنگ با دشمنان

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۴۶-۳۴۷.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۳۲.

سختی‌های زیادی دارد؟

زیرا جهاد نفس در تمام عمر است و حال این که جهاد با دشمنان گاهی پیش می‌آید. و دیگر این که بنابر روایتی نفس انسان دشمن‌ترین دشمنان انسان است «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» لذا جنگ با آن، بزرگترین جهادها به حساب می‌آید و دیگر این که اگر از طرف نفس، ضربه‌ای بخوریم آن ضربه به دین ما خورده است ولی ضربه‌ای که دشمن به ما می‌زند، به جسم ما می‌خورد، لذا جهاد با نفسی که ضربه به دین می‌زند، بالاتر از جهاد با دشمنی است که ضربه به جسم ما وارد می‌سازد و دیگر این که بسیاری از افراد هستند که در مقابل دشمن قوی پیروز می‌شوند ولی در مقابل نفس، شکست می‌خورند.

❁ چرا نیت مؤمن از عملش بهتر است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زیرا عمل گاهی ریایی است در حالی که نیت خالص برای پروردگار عالمیان است، بنابراین خدا بر نیت، پاداشی می‌دهد که بر عمل نمی‌دهد.^۱ زیرا نیت روح و حقیقت عمل است و غرض اصلی از عمل، آن است که دل میل به خدا پیدا کند و این متوقف بر نیت است.^۲

❁ چرا عجله در کار خوب، خوب و عجله در کار بد، بد است؟

زیرا اگر در کار خوب، عجله نکنیم ممکن است که مانعی پیش آید و نتوانیم آن کار خیر را انجام بدهیم.

قرآن می‌فرماید: «سارعوا إلى مغفرة من ربكم» و «فاستبقوا الخيرات». روایت است که در پنج کار عجله پسندیده است: طعام آوردن از برای مهمان، برداشتن میت، شوهر دادن دختر باکره، ادا نمودن قرض و توبه نمودن از گناهان.^۳ و اگر در کار بد عجله نکنیم، شاید اتفاقی بیافتد و موفق به انجام آن کار نشویم.

❁ چرا روایت گویند: گناه نکردن بهتر از توبه کردن است و حال این که وقتی توبه کردیم مثل آن است که گناه نکرده‌ایم؟

زیرا وقتی انسان گناه کرد، شاید موفق به توبه کردن نشود و اگر هم توبه کند، ممکن است شیطان او را دوباره به فکر آن گناه بیاندازد و از طرفی با گناه کردن، خدا را به غضب درآورده است و گویند: هر چند انسان توبه کند، باز لکه‌ای در قلب او نسبت به گناه باقی می‌ماند، مانند

۱. علل الشرائع، ص ۵۲۴.

۲. جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۸.

۳. عنوان الکلام، ص ۱۱۱-۱۱۲، ملا محمد باقر فشارکی.

این که وقتی لباس کثیفی شسته می شود، گاهی لگه‌اش در آن باقی می ماند.

❁ چرا با اینکه پیامبر خدا ﷺ در خطبه‌ای می فرمایند: «دعای شما در ماه رمضان مستجاب است» با این حال بعضی از دعاها، مستجاب نمی شود؟

زیرا مستجاب شدن دعا شرائطی دارد که تا آن شرائط نباشد دعا مستجاب نمی گردد. از رسول خدا ﷺ سؤال کردند برای چیست که می خوانیم خدا را پس مستجاب نمی کند دعای ما را در حالی که فرموده است «ادعونی استجب لکم» یعنی بخوانید مرا تا مستجاب کنم دعای شما را، فرمود بدرستی که دل‌های شما مرده است بواسطه ده چیز:

اول: همانا شما می شناسید خدا را پس ادا نمی کنید طاعت او را دوم: شما قرآن را قرائت نمودید ولی به آن عمل نکردید سوم: محبت رسول خدا ﷺ را ادعا نمودید ولی با فرزندش دشمنی نمودید. چهارم: دشمنی شیطان را ادعا نمودید و حال آنکه با او موافقت نمودید. پنجم: محبت بهشت را ادعا نمودید ولی برای آن عمل نکردید. ششم: ترس از آتش را ادعا نمودید ولی بدن خود را در آن افکندید. هفتم: به عیوب مردم مشغول می شوید و حال آنکه از عیب‌های خود غافلید. هشتم: دشمنی با دنیا را ادعا می کنید و حال آنکه آن را جمع می نمایید.

نهم: به مرگ اقرار می کنید ولی برای آن مهیا نمی شوید. دهم: مرده‌های خود را دفن می کنید ولی عبرت نمی گیرید.

باید دانست که هرگز خداوند خلف وعده نمی کند و خودش فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۱

علت اینکه دعای ما مستجاب نمی شود عبارت است: ۱. وعده خدا مشروط به مشیت است یعنی اگر بخواهم اجابت می کنم و آیه‌ای در سوره انعام بر این مطلب دلالت دارد.

۲. مقصود از اجابت که خداوند و حجج او فرموده‌اند لازمه اش آنست که توجه و استماع دعا است یعنی فوراً شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد. ۳. اجابت، مشروط به مصلحت و خیر بودن برای دعا کننده است زیرا خدای حکیم بدخواه بندگان از آنچه خیر و صلاح آنها است دست بر ندارد. ۴. لازم نیست اجابت دعا فوری باشد و ممکن است دعا مستجاب شده باشد ولی ظهور آثار آن روی پاره‌ای از مصالح به مدت زیادی تأخیر افتد. چنانچه موسی و هارون دعا کردند که پروردگارا اموال ایشان را تباه ساز... خدا خطاب فرمود: «قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمَا»^۲ یعنی همانا مستجاب شد دعای شما ولی حدیث گوید: میان این خطاب و میان غرق فرعون و نابودی

۱. رعد، آیه ۳۱.

۲. یونس، آیه ۸۹.

او و پیروانش (که برای آن دعا کرده بودند) چهل سال طول کشید...^۱
 گاه، مستجاب نشدن دعا و بر آورده نگریدن آرزو، بزرگترین لطف و منت الهی بر انسان است. قرآن می‌فرماید: «تَمَنُّوا مَكَانَهُ... مِنْ اللَّهِ عَلَيْنَا» یعنی دعا کردند که مانند قارون ثروتمند گردند ... ولی خدا بر آنها منت گذاشت و دعایشان را مستجاب نکرد.
 گاهی عوض دعایی که شده در آخرت داده می‌شود و گاهی هم همانطور که در روایات آمده بعضی از گناهان سبب عدم اجابت دعا می‌گردند. «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدعا»^۲ یعنی خدایا بیا مرز گناهی را که دعا را حبس می‌نماید.^۳

❁ چرا گاهی حتی دعای خوبان هم مستجاب نمی‌شود؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:
 هر گاه مردم، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمایند خداوند بدان را بر خوبان مسلط گرداند و هر چند خوبان آنها دعا کنند، مستجاب نگردد^۴

❁ چرا دعای باران حضرت موسی ﷺ به اجابت نرسید؟

زیرا بنابر روایتی در میان قوم موسی ﷺ که همراه موسی ﷺ بودند یک نمّام و سخن چین وجود داشت، لذا تا توبه نکرد دعا به هدف اجابت نرسید.

❁ چرا نباید دعا کرد که خداوند از ما امتحان نگیرد؟

امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: نباید کسی بگوید خدایا از فتنه و امتحان بتو پناه می‌برم، زیرا کسی نیست که گرفتار فتنه و امتحان نباشد، ولی کسیکه پناه می‌برد باید از فتنه های گمراه کننده پناه ببرد، چون خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فَتْنَةٌ»^۵ یعنی بدانید دارائیها و فرزندان شما فتنه(وسیله امتحان) هستند و معنای این فرمایش اینست که خداوند آنانرا به دارائیها و فرزندان آزمایش می‌نماید.^۶

❁ چرا انسان‌های خوب به خاطر گناه زودتر در دنیا به کیفر عمل می‌رسند؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدِهِ الْخَيْرَ عَجَّلَ لَهُ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا» وقتی

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۸ (مترجم و شارح حاج سید هاشم رسولی).

۲. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای کمال.

۳. شبیه این سوال و جواب در بخش توحید گذشت.

۴. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۴۹.

۵. انفال، آیه ۲۸.

۶. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۲۷.

خداوند برای بنده خویش نیکی خواهد کیفر او را در دنیا می‌دهد.^۱
 خداوند چون بنده‌ای را دوست دارد، چنین کاری را در حق او انجام می‌دهد تا دست از آن گناه بردارد و به خود بیاید و توبه نماید اما وقتی کسی را دوست نداشت او را به حال خود رها می‌کند تا هر چه گناه می‌خواهد انجام دهد و کاملاً مستحق جهنم گردد.
 زیرا خدا، خیر مؤمن را می‌خواهد لذا تا گناه کرد او را گرفتار می‌کند تا او را به یاد توبه و استغفار بیاندازد، ولی به انسان بد نعمت می‌دهد تا این که استغفار را فراموش نماید.^۲

❁ چرا گویند یار بد بدتر از مار بد است؟

زیرا مار بد، فقط جان انسان را هدف می‌گیرد اما یار بد، هم جان و هم دین را هدف قرار می‌دهد.
 تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد
 مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند

❁ چرا بعضی از مسلمانان در ماه رمضان گناه می‌کنند، در حالی که پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند که شیطان در ماه رمضان، غل و زنجیر شده است؟

زیرا بر فرض که شیطان غل و زنجیر باشد بعضی‌ها آن غل و زنجیر را باز می‌کنند و یا این که هوای نفس آنها که غیر از شیطان است آن‌ها را به گناه وادار می‌کند و یا این که چون در طول سال عادت به گناه و اطاعت از شیطان داشته‌اند در ماه رمضان هم گرچه شیطان نباشد آنها طبق عادت به طرف گناه می‌روند.

❁ چرا مؤمن باید بین خوف و رجا باشد؟

زیرا خداوند هم جهنم و عذاب دارد و هم بهشت و عفو (گذشت)، بنابراین از طرفی باید امید به عفو و بخشش خدا داشت و امید رفتن به بهشت و از طرفی باید ترس از عذاب الهی و رفتن به جهنم داشت.

حضرت لقمان می‌فرماید: از خدا چنان بیمناک باش که اگر با طاعت جن و انس بر او وارد شوی، باز (برای گناهانی که احیاناً کرده‌ای) احتمال عذاب دهی، و به رحمتش چنان امید وار باش که اگر با گناه جن و انس وارد شوی، چشم امید داشته باشی.^۳
 امام صادق (ع) می‌فرمایند: هیچ مؤمنی نیست، جز اینکه در قلبش دو نور است: نور ترس، و

۱. نهج الفصاحه، ص ۲۷.

۲. علل الشرایع، ص ۵۶۱.

۳. تحف العقول، ص ۴۳۷.

نور امید، و اگر هر یک را وزن کنند، از دیگری فزون تر نباشد.^۱

❁ چرا قلب انسان قسی (سخت) می شود؟

علل و اسبابی دارد از جمله:

۱. پر خوری ۲. ثروت ۳. نگاه به بخیل کردن ۴. ترک یاد خدا ۵. گناه زیاد ۶. زیاد سخن گفتن در امور مادی.^۲

❁ چرا روایت است که در امور دنیایی به زیر دستان خود باید نگاه کرد؟

امام صادق (ع) می فرمایند: زیرا انسان را قانع می کند و موجب فرلوانی نعمت از جانب خدا می شود.^۳

❁ چرا خداوند بلا را بر مردم نازل می کند؟

بلا برای بعضی از انسانها، سبب علو درجه (مانند معصومین) و برای گروهی برای امتحان و برای گروهی دیگر، سبب آموزش گناهان است.

❁ چرا روایت گویند: «إِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ» یعنی هنگامی که عالم، فاسد شد، عالم

فاسد می شود؟

زیرا عالم، پیشوای مردم است و به منزله راننده ای است که وقتی به انحراف رفت، دیگران به تبع او منحرف می شوند و مردم گویند: این ها که علم دارند چنین می کنند، پس ما به طریق اولی می توانیم چنین کنیم.

❁ چرا گویند انسان جایز الخطا است؟

جایز در اینجا به معنای امکان و خطا به معنای اشتباه است، یعنی انسان، موجودی است که امکان اشتباه کردن در او هست، نه اینکه اجازه دارد که خطا بکند، زیرا انسان مانند فرشته ها نیست که امکان خطا و اشتباه در او نباشد، بلکه از این جهت که قوه شهوت و غضب در او است و از طرفی معصوم هم نیست، امکان خطا در او می باشد.

رسول خدا (ص) در حدیثی می فرمایند: ۹ چیز مجازات و کیفر اخروی ندارد: ۱. خطا ۲. نسیان ۳. حسادت تا زمانی که بروز داده نشود ۴. کاری که از روی اجبار انجام گیرد ۵. کاری که از روی اکراه انجام گیرد...^۴

۱. تحف العقول، ص ۴۳۷.

۲. ستاد تفسیر قرآن کریم، ص ۳۵۶.

۳. علل الشرایع، ص ۵۶۰.

۴. این حدیث به حدیث رفع معروف است.

❁ چرا برخی از افراد بی دین کارهای عجیب و خارق العاده ای انجام می دهند؟

زیرا آنها ریاضت می کشند و نفس و اراده خود را قوی می کنند و چون نفس، قوی گردد، کارهای عجیبی را می تواند انجام دهد و چون خداوند به این افراد در آخرت چیزی نمی دهد، لذا در دنیا چنین مقامی را در عوض تلاش آنها به ایشان عطا می کند. بعضی از این افراد اجنه و شیاطین را به کار می اندازند، تا کارهای عجیبی را انجام دهند.

❁ چرا گویند خداوند هفتاد گناه را از جاهل می آمرزد قبل از آنکه یک گناه را از عالم

بیامرزد؟

زیرا عالم از روی علم و آگاهی با خدا مخالفت می کند، ولی جاهل از روی جهل و نادانی مرتکب گناه می شود.

❁ چرا سادات و شیعیان در مقابل عمل خوب دو ثواب و در مقابل عمل بد دو عقاب دارند؟

امام سجاد (ع) می فرمایند: «لُمُحْسِنَا ضَعْفَيْنِ مِنَ الْاَجْرِ وَ لِمُسِيئِنَا ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ»^۱ یعنی: برای نیکوکار از ما، دو اجر و برای گنهکار از ما، دو عقاب می باشد. چون اگر سید نیکوکار و اهل تقوا شد دو اجر و دو پاداش دارد یکی بخاطر خود عملش و یکی بخاطر شرافت نسبش و اگر گنهکار شد دو عقوبت دارد یکی عذاب مانند دیگران و دیگر بخاطر اینکه آبروی جدش را برده است.^۲

❁ چرا ثواب بعضی از عابدین، بسیار کم است؟

امام صادق (ع) می فرمایند: ثواب را به قدر عقل می دهند؛ همانا مردی از بنی اسرائیل در یکی از جزیره ها که بسیار خوش آب و هوا بود، خدا را عبادت می کرد، چون ملائکه به ثواب این بنده نگاه کردند کم و ناچیز بود، خدا به یکی از ملائکه فرمود: با او رفاقت کن تا برای تو ثابت شود. عابد به آن ملکی که به صورت انسان در آمده بود گفت این مکان ما یک عیب دارد و آن این که اگر خدای ما الاغی می داشت، ما آنرا در این مکان می چرانیدیم، زیرا که این گیاهان و حشیش ها ضایع می شوند و... لذا خداوند فرمود ما ثواب این عابد را بقدر عقلش می دهیم.^۳

❁ چرا «ابن سیرین» به علم تعبیر خواب دست پیدا کرد با این که شخصی بی سواد بود؟

به جهت مبارزه با نفس و ترک کردن عمل شنیع زنا، همانطور که خداوند به حضرت یوسف

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۶؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۴.

۲. عدل، ص ۲۰۷، شهید دستغیب.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۲-۱۳؛ ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۳۸.

که حاضر نشد با زلیخا عمل منافی عفت انجام دهد، علم تعبیر خواب عطا نمود^۱، به ابن سیرین هم که مانند حضرت یوسف، پاکدامنی را رعایت کرد، چنین علمی را عطا کرد.

❁ چرا گاهی دشمنان بر مسلمانان مسلط می‌شوند؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: هر گاه مردم نقض عهد نمایند و پیمان شکنی کنند خداوند بر آنها مسلط می‌سازد، کسانی را که بر آنها رحم نکنند.^۲

❁ چرا گاهی بیگانگان و اجانب و اشرار، ثروت‌های مسلمانان را غارت می‌کنند؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: هر گاه مردم قطع رحم نمایند و رابطه محبت و خویشاوندی از میان آن‌ها بریده شود، اموال آنها در دست اشرار می‌افتد.^۳

❁ چرا شیطان با این که شش هزار سال عبادت کرده بود، خداوند او را از آسمان اخراج و از درگاه خود راند و او را لعنت کرد؟

شیطان شش هزار سال در آسمان عبادت کرد اما به یک کبر و حسد عبادت‌های شش هزار ساله اش از بین رفت.^۴

اولاً: بعضی از گناهان، موجب محو و حبط (از بین رفتن) اعمال گذشته می‌شود مانند شرک و کبر.

ثانیاً: بنابر احتمالی عبادت شش هزار ساله او از روی عبودیت نبود، بلکه برای کسب شهرت میان ملائکه بوده است.

❁ چرا در جنگ اُحُد، مسلمانان شکست خوردند، در حالی که گویند اسلام همیشه پیروز است؟

به خاطر تفرقه و سستی و اطاعت نکردن از فرماندهی بود.^۵

عوامل آن عبارتند از: ۱. کناره گرفتن عبدالله بن ابی سلول از جنگ با یک سوم سپاه اسلام ۲. عدم رعایت انضباط نظامی و هرج و مرج در کارها ۳. شایعه قتل پیامبر خدا ﷺ ۴. استقامت نکردن مسلمانان.^۶

۱. آیین زندگی، ص ۱۷۹-۱۸۰.

۲. سفینه البحار.

۳. سفینه البحار.

۴. قلب قرآن، ص ۱۶۷، سید عبدالحسین دستغیب.

۵. تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۲۱.

۶. معماهای زندگانی چهارده معصوم، ص ۳۸.

اینکه گویند؛ اسلام همیشه پیروز است «الاسلامُ یَعْلُو و لا یُعْلٰی عَلَیْهِ» مراد، منطق اسلام است که بر همه منطق‌ها پیروز است. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِی ارْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهَدٰی و دِیْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰی الدِّیْنِ كُلِّهِ»^۱.

❁ چرا گناه و ثواب افراد با شخصیت، مضاعف (چندین برابر) است؟

چون این گونه افراد تنها متعلق به خویشتن نیستند، بلکه وجود آنها دارای دو بعد است، بعدی تعلق به خودشان دارد، و بعدی تعلق به جامعه، و برنامه زندگی آنها می‌تواند جمعی را هدایت یا عده‌ای را گمراه کند، بنابر این اعمال آنها دو اثر دارد، یک اثر فردی و دیگر اثر اجتماعی، و از این لحاظ هر یک دارای پاداش و کیفری است. لذا از این جنبه است که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ»^۲. یعنی: هفتاد گناه جاهل بخشوده می‌شود پیش از آنکه یک گناه از عالم بخشوده شود. از طرفی دیگر روایت می‌فرماید: «ان الثواب علی قدر العقل»^۳. یعنی: پاداش (و کیفر) به اندازه عقل و آگاهی انسان است.

❁ چرا فرعون با این که کافر و معاند خدا بود، خداوند به او ۴۰۰ سال عمر داد؟

شاید فرعون مصداق آیه «أَنَّمَا نُمَلِّیْ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۴ یعنی: ما به افراد ظالم مهلت می‌دهیم تا به گناهشان افزوده گردد، قرار گرفته باشد.

❁ چرا فرعون، پسران را می‌کشت ولی زنان را زنده نگه می‌داشت؟

زیرا کاهنان به او خبر داده بودند که قرار است، پسری متولد شود که تخت و تاج تو را نابود می‌کند، بنابراین پسران را می‌کشت و زنان را برای خدمتکاری و کنیزی نگاه می‌داشت «یَذْبَحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ یَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ»^۵.

❁ چرا توبه فرعون قبول نشد؟

چند قول است: ۱. جمله‌ای که گفت: «آمَنْتُ بِالَّذِیْ آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَءِیْلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ»^۶ حيله‌ای بیش نبود، گفت تا از مرگ نجات پیدا کند. ۲. علت پذیرفته نشدن توبه‌اش این بود که عذاب را به رأی العین دید و آن وقت توبه کرد و این توبه دیگر فایده ندارد، زیرا به

۱. توبه، آیه ۳۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۴. آل عمران، آیه ۱۷۸.

۵. بقره، آیه ۴۹.

۶. یونس، آیه ۹۰.

نصّ قرآن پیش از این که شخص مرگ را حس کند توبه‌اش پذیرفته می‌شود ولی بعد از آن دیگر فایده‌ای ندارد.^۱

باید دانست که فرعون هنگامی که در آستانه مرگ و غرق شدن قرار گرفت، ایمان آورد و توبه کرد. قرآن گوید: «حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ...»^۲ و در جای دیگر قرآن می‌فرماید: کسی که در آستانه مرگ، از گناه توبه کند، توبه‌اش پذیرفته نخواهد شد.

✽ چرا خداوند بدن فرعون را از آب بیرون انداخت؟

قرآن می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً».^۳ یعنی امروز بدنت را از آب بیرون می‌اندازیم تا برای باقی ماندگان عبرتی باشد.

بدانند عاقبت فرعون کدائی اینست که می‌بینند آنها دیگر به مهلت دادن خدا مغرور نشوند به جاه و مال و منصب و قبیله و فامیل از خدا غافل نشوند بترسند از اینکه با آنها هم خدا به عزتش معامله فرماید.^۴

✽ چرا توبه ساحران دربار فرعون قبول شد؟

مولوی گوید: چون ساحران نسبت به حضرت موسی علیه السلام ادب کرده و عرض کردند: «یا موسیٰ اِنَّا اَنْ تُلْقٰی وَاَمَّا اَنْ نَّكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰی»^۵ ای موسی! شما اول شروع می‌کنی یا ما شروع کنیم. صاحب تفسیر صافی نیز گوید: آنها برای مراعات ادب چنین گفتند و حضرت موسی نیز برای مقابله ادب به ادب فرمود: «بَلْ اَلْقُوا»^۶ یعنی: بلکه شما اول شروع نمایید.

✽ چرا خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: سامری را به قتل نرساند؟

چون حضرت موسی علیه السلام تصمیم به قتل سامری گرفت، از طرف خدای رئوف و مهربان وحی شد که او را معاف بدار، زیرا وی انسان با سخاوتی است.^۷

✽ چرا در آستانه مرگ، توبه انسان پذیرفته نمی‌شود؟

زیرا در حال احتضار و در آستانه مرگ، پرده‌ها از برابر چشم انسان، کنار می‌رود و چشم انداز دیگری در برابر دیدگان او پیدا می‌شود و قسمتی از حقایق مربوط به جهان دیگر و نتیجه

۱. حقایقی از قرآن، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۲. یونس، آیه ۹۰.

۳. یونس، آیه ۹۲.

۴. حقایقی از قرآن، ص ۱۷۸.

۵. اعراف، آیه ۱۱۵.

۶. طه، آیه ۶۶.

۷. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۱۱.

اعمالی را که در دنیا انجام داده است با چشم خود می‌بیند و مسائل جنبه حسّی پیدا می‌کند.^۱

❖ چرا بلعم باعورا با آن مقام علمی و عملیش که مستجاب الدعوه بود و اسم اعظم را می‌دانست، با حال کفر از دنیا رفت و قرآن از او به سگ مَثَل می‌زند؟

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرماید: چون یک آن خدا او را به خودش واگذار فرمود، زیرا او کفران نعمت نمود.^۲

❖ چرا انسان مسلمان باید متواضع باشد؟

چون: ۱- انسان از خاک خلق شده است «والله خلقکم من تراب»^۳ ۲- انسان از آب پست خلق شده است «ثم جعل نسله من ماء مهین»^۴ ۳- انسان ضعیف است «خلق الانسان ضعيفا»^۵ ۴- انسان محتاج و نیازمند است «انتم الفقراء الی الله»^۶ ۵- علم و دانش او محدود است «و ما اوتیم من العلم الا قليلا»^۷ ۶- قدرت انسان در معرض زوال است «هلک عنی سلطانیة»^۸ ۷- ثروت انسان کارساز نیست «ما اغنی عنی مالیه»^۹ ۸- عدم توانایی انسان به جلب منفعت و دفع ضرر «قل لا املک لنفسی ضرّاً و لا نفعاً الا ما شاء الله».^{۱۰}

❖ چرا بالاترین پاداش‌ها برای شهیدان است؟

زیرا شهیدان بالاترین درجه ایثار را به واسطه شهادت کسب نموده‌اند. روایت گوید: بالاتر از هر خوبی یک خوبی دیگری است ولی برتر از شهادت در راه خدا، چیزی نیست.

❖ چرا خداوند نعمتی را که به انسان داده است، گاهی از انسان می‌گیرد؟

قرآن می‌فرماید: «ذلک بان الله لم یک مغیراً نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم».^{۱۱}

۱. ره توشه، ص ۹۶، سال ۱۳۷۴.

۲. حقایق از قرآن، ص ۲۳۵.

۳. فاطر، آیه ۱۱.

۴. سجده، آیه ۸.

۵. نساء، آیه ۲۸.

۶. فاطر، آیه ۱۵.

۷. اسراء، آیه ۸۵.

۸. حاقه، آیه ۲۹.

۹. حاقه، آیه ۲۸.

۱۰. یونس، آیه ۴۹.

۱۱. انفال، آیه ۵۳.

❁ چرا یک روایت گوید: «لَا حَيَاءَ فِي الدِّينِ» یعنی: در دین حیایی نیست، ولی روایت دیگر گوید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» یعنی: کسی که حیا ندارد دین ندارد؟

هر دو روایت درست است، چون مقصود از حیا در روایت اولی آن است که در یادگیری احکام دین، نباید حیا کرد و مقصود از حیا در روایت دومی آن است که کسی که نسبت به گناه کردن، حیا نداشته باشد، دین ندارد.

❁ چرا بعضی از روایات، انسان را وادار می‌کند که با مردم رفت و آمد نماید، ولی گروهی دیگر مسلمانان را از آمد و شد و نشست و برخاست با مردم نهی کرده است؟ چند جواب دارد از جمله:

منظور از روایات دسته اول، رفت و آمد با افراد مؤمن و دیندار است و منظور از روایات دسته دوم، برخورد با مردم پست و ناکس است.^۱

❁ چرا قائل به تبعیض شدن، قبیح و زشت است ولی تفاوت گذاشتن قبیح نمی‌باشد؟ زیرا تبعیض، ترجیح بدون دلیل است، ولی تفاوت گذاشتن، ترجیح با دلیل است، بنابراین تبعیض مذموم ولی تفاوت گذاشتن پسندیده است.

❁ چرا منافق از کافر بدتر است؟

زیرا کافر، دشمن علنی اسلام ولی منافق، دشمن مخفی است و مبارزه با دشمن مخفی سخت‌تر از دشمن آشکار است. و از طرفی کارهایی که از دست منافق بر می‌آید، زیاده‌تر از کارهایی است که کافر می‌تواند انجام دهد چون منافق حتی به درون خانه مسلمانان هم رخنه می‌کند.

❁ چرا علم بهتر از مال است؟

چون به قول حضرت علی علیه السلام: علم، ما را حفظ می‌کند ولی ما مال را باید حفظ بکنیم و علم بر اثر انفاق زیاد می‌شود ولی مال بر اثر انفاق کم می‌شود و بزرگی انسان به خاطر داشتن ثروت با از بین رفتن آن از بین می‌رود (ولی بزرگی به علم از بین رفتنی نیست) و چون ثروت از بین رفت احترام به خاطر آن هم از بین می‌رود. علم فرمانروا ولی مال فرمانبر و مغلوب است (مال در معرض انتقال و زوال است ولی علم باقی و برقرار).

گردآورندگان سرمایه‌ها تباه شدند، در حالی که علما تا روزگار باقی است زنده و پایدار می‌باشند.^۲

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۴۰.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۱۵۵-۱۱۵۶.

❁ چرا گاهی مردم دچار قحطی و خشکسالی می‌شوند؟

در روایت آمده است زکات بپردازید و هرگاه چنین نکنید به قحطی و خشکسالی دچار می‌شوید.^۱

❁ چرا ماه صَفَر نحس می‌باشد؟

قولی گوید: چون جنگ، در سه ماه قبل از ماه صفر، حرام بوده است، مردم خود را آماده می‌کردند که تا ماههای حرام (ذی القعدة و ذی الحجه و محرم) تمام شد، جنگ را آغاز نمایند، لذا با شروع ماه صفر، جنگ و جدالها دوباره شروع می‌شد و خون‌های زیادی ریخته می‌شد، لذا به ماه نحس معروف گردید.

نقل شده: در هر سال هر مقدار بلا که مقدر شده که بر مردم از طرف خداوند نازل گردد، نود قسمت آن در ماه صفر به مردم می‌رسد و ده جزء دیگرش در باقی دوره سال بر آنها نازل خواهد گردید. پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجِ الصَّفَرِ بِشَرِّهِ بِالْجَنَّةِ» یعنی: کسی که مرا بشارت به خارج شدن ماه صفر بدهد، من هم به او مژده بهشت را خواهم داد.^۲

❁ چرا گاهی باران از آسمان نازل نمی‌شود؟

امام صادق می‌فرمایند: هرگاه زمامداران و حاکمان در دادرسی ستم کنند، باران از آسمان قطع می‌شود.^۳

طبق روایتی؛ شیوع گناه، کفران نعمت، منع حقوق، کم فروشی، ظلم و حيله، ترک امر به معروف و نهی از منکر، ندادن زکات و... گاهی سبب قطع باران می‌شود.^۴

❁ چرا خداوند زلزله را نازل می‌کند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: زمین لرزه برای آن است که مردم غافل نشوند و به هوش باشند (که ضعیف و ناتوانند) و در هراس افتند و (با احساس ضعف خود و قدرت آفرینشگر) از گناه و فساد به دور مانند.^۵

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هرگاه زنا شیوع پیدا کرد، زلزله ظاهر می‌گردد.^۶

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۳.

۲. صدو ده حکایت، ص ۲۰۴.

۳. یرتویی از اسرار نماز، ص ۲۴۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۴.

۴. یرتویی از اسرار نماز، ص ۲۴۷.

۵. توحید مفضل، ص ۱۳۱.

۶. المواعظ الععدیه، ص ۱۳۳.

❁ چرا غالب افرادی که وضع مالی خوبی دارند، کمتر به یاد خدا و قیامت بوده و افرادی که فقیر و نادار بوده، بیشتر به یاد خدا و قیامت می‌باشند؟

به جهت اینکه طبیعت انسان چنین است که هر وقت در نعمت، راحتی و آسایش بود، از خدا و قیامت غفلت می‌نماید. و قرآن گوید: «أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَى». یعنی: چون خود را بی‌نیاز دیدند از خدا غافل می‌مانند و هر گاه گرفتار شده و کمبودی به او دست داد، برای رفع گرفتاری و بیماری و کمبود و خطر، متوجه پروردگار خود شده است.

قرآن هم می‌فرماید: «إِذَا رَكُوبًا فِي الْفُلِّكَ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...» یعنی: انسانهایی که شرک می‌ورزند، چون سوار بر کشتی شده و احساس خطر کردند، از روی اخلاص خدا را یاد می‌کنند و چون ما نجاتشان دادیم، باز به خدا شرک می‌ورزند.

❁ چرا بهتر است در موقعی که نسبت به یک مسئله‌ای شک داریم که صحیح است یا غلط بگوییم «وَاللَّهُ الْعَالِمُ» (خدا دانا است) نه این که بگوییم «وَاللَّهُ أَعْلَمُ» (خدا داناتر است)؟
زیرا در صورت اول، فقط خدا را عالم و دانا می‌دانیم، برخلاف صورت دوم که مقایسه‌ای بین بنده و خدا انجام می‌گیرد و این جایز نمی‌باشد، زیرا در این صورت بنده می‌گوید: من هم عالم هستم، ولی خدا عالم‌تر و داناتر می‌باشد.

❁ چرا خداوند، پیران و سالخوردگان و زمین‌گیران را که در ظاهر مفید نمی‌باشند، نگاه می‌دارد؟

چند جهت دارد:

۱. زیرا سختی و عذابی که در دوران پیری می‌بینند، کفاره گناهانشان به حساب می‌آید.
۲. در آن حال که خود را نزدیک مردن می‌بینند، توبه می‌کنند و خود را برای عالم آخرت آماده می‌نمایند.
۳. درس و عبرتی برای دیگران است که آنها هم به چنین روزی مبتلا می‌شوند.
۴. بر اثر سختی‌ها و گرفتاری‌ها و دردها، کم‌کم دل از این دنیا می‌کنند.
۵. خویشان و فرزندان آنها بر اثر سختی‌هایی که در باره آنها متحمل می‌شوند، دل از ایشان می‌کنند و داغ آنها را راحت‌تر تحمل می‌نمایند.

❁ چرا ملل فاقد ایمان، زندگی مرفه‌ی دارند، در حالی که جمعی از افراد با ایمان به سختی روزگار می‌گذرانند؟

چند علت دارد:

۱. تصوّر ما چنین است که آنها خوش و راحت هستند و حال این که در واقع دردهای جانکاهی که روح و جسم ایشان را درهم می‌کوبد، برای آنها بسیار زیاد است.

۲. افرادی که با ایمان هستند، علت عقب ماندگی آن‌ها، شاید به خاطر این باشد که حقیقت ایمان و پرهیزکاری در تمام اعمال و شئون زندگی آنها نفوذ نکرده است.^۱
۳. شاید هم به خاطر این باشد که افراد بی ایمان، بیشتر علاقه به زندگی دنیایی دارند، لذا تمام سعی خود را برای رسیدن به لذات دنیا مبذول می‌دارند، ولی مؤمنان چون دلبستگی به دنیا ندارند، کمتر به سراغ دنیا و مادیات آن می‌روند.
۴. این یک امتحان الهی است تا اشخاص با ایمان و بی ایمان امتحان شوند.

✽ چرا بعضی از دانشمندان و علمای بزرگ با آن مقام علمی خود گناه می‌کنند و دچار انحراف می‌شوند؟

- انحراف افراد حتی بزرگان چند علت دارد:
۱. هوای نفس که گاهی بر همه چیز حتی بر علم و دانش غلبه می‌کند.
۲. شیطان قسم خورده است که همه افراد را فریب دهد و به قدری امیدوار است که گوید: امیدوارم که حتی پیامبران را هم گول بزنم.
۳. دیگر اینکه علم آن‌ها حقیقی نیست، زیرا علمی حقیقت دارد که همراه عمل و تقوا باشد، چون بعضی‌ها علم را برای رسیدن به حقیقت نمی‌آموزند، بلکه برای کسب درآمد و شهرت و تسلط بر دیگران علم می‌آموزند.

✽ چرا تهلیل (لا اله الا الله) افضل از تسبیح (سبحان الله) و افضل از تحمید (الحمد لله) می‌باشد؟

- چون در تهلیل، هم اثبات صفت ثبوتی خداوند و هم نفی صفت سلبی او است، ولی در تسبیح فقط نفی صفت سلبی و در تحمید فقط اثبات صفت ثبوتی خداوند می‌باشد.
- (از طرفی تنها ذکرى که می‌توان به گونه‌ای گفت که لب‌ها تکان نخورد و ریا در آن راه نیابد، همین ذکر «لا اله الا الله» است).

✽ چرا پسر نوح با این که پسر یکی از پیغمبران اولوالعزم بود، بد شد و کافر گردید؟

زیرا در دامن مادری بزرگ شده بود که زنی ناشایسته بود. قرآن این زن را جهنمی می‌داند «قِيلَ ادْخُلِ النَّارَ مَعَ الدَّاحِلِينَ»^۲ و از طرف دیگر در محیطی بد و با رفقای ناشایست، ارتباط داشت.

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸-۲۶۹.

۲. تحریم، آیه ۱۰.

❁ چرا نباید در حساب، ریز بینی و دقت کرد؟

زیرا باعث جدایی می‌گردد.^۱

❁ چرا باید از انتقاد بی‌جا پرهیز کرد؟

زیرا موجب دشمنی می‌شود.^۲

❁ چرا باید از مواضع تهمت پرهیز نمود؟

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد. و امیر المؤمنین علی می‌فرمایند: هر که خود را در محل تهمت در آورد، ملامت نکند کسی را که گمان بد به او می‌برد. و حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می‌فرمایند: بپرهیزد از مواضع شک و تهمت و باید انسان با مادر خود در میان راه نایستد، زیرا که همه کس نمی‌دانند که مادر اوست.^۳

❁ چرا انسان برترین مخلوق خدا است؟

زیرا تنها موجودی که از نیروهای مختلف، مادی و معنوی، جسمانی و روحانی تشکیل شده و در لایه لای تضادها می‌تواند، پرورش پیدا کند و استعداد تکامل و پیشروی نامحدود دارد، انسان می‌باشد (برخلاف دیگر مخلوقات مانند حیوانات و فرشتگان).^۴

❁ چرا خداوند در یک جا انسان را مدح و در جای دیگر او را مذمت می‌نماید؟

همه مذمت‌های خداوند در قرآن از انسان، ناظر به طبع سرکش و آثار زیانبار مشهود او می‌باشد مانند «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»^۵ و «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»^۶. چنین انسانی اگر بتواند بر دیگران چیره گردد، ادعای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»^۷ سر می‌دهد. و آنجا که خداوند مدح انسان می‌کند مانند «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۸ به خاطر فطرت توحیدی او می‌باشد «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۹ چون انسان فطرتاً پاک و خداشناس می‌باشد.

۱. تحف العقول، ص ۳۶۴.

۲. تحف العقول، ص ۳۶۴.

۳. حلیه المتقین، ص ۲۴۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

۵. علق، آیه ۶.

۶. والمصر، آیه ۲.

۷. معارج، آیه ۱۹.

۸. نازعات، آیه ۲۴.

۹. بقره، آیه ۱۳۸.

۱۰. روم، آیه ۳۰.

❁ چرا بنا بر روایتی پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» یعنی اختلاف امت من رحمت است، و حال این که اختلاف در واقع مذموم است؟

باید گفت که اختلاف در اینجا به معنی رفت و آمد است، یعنی همین رفت و آمدها و بر خوردهای امت من باعث برکت و رحمت می‌شود، چون بر اثر رفت و آمدها به علم و دانش آنها افزوده می‌شود.

❁ چرا روایت گوید: «مؤمن برادر مؤمن است»؟

امام باقر (ع) به جابر جعفی می‌فرمایند: ای جابر چون مؤمنان از یک روح آفریده شده‌اند و روح آنها به هم پیوسته است، لذا وقتی مؤمنی شاد شود به دیگر مؤمنان هم شادی می‌رسد و چون غمگین و محزون گردد، دیگر مؤمنان نیز غمگین و محزون گردند، زیرا تمام روح های مومنین به هم پیوستگی دارد.^۱

❁ چرا روایت گوید: «الْمُؤْمِنُ مِرَاتُ الْمُؤْمِنِ» یعنی: مؤمن آینه مؤمن است؟

زیرا ۱. همانطور که آینه، عیب انسان را بدون کم و زیاد نشان می‌دهد، مؤمن هم باید چنین باشد ۲. همانگونه که آینه، فقط عیب را در جلوی ما نشان می‌دهد و در غیاب ما دیگر چیزی را نشان نمی‌دهد، مؤمن هم باید عیب دیگری را فقط در برابر خودش بگوید، نه این که در غیاب او از وی عیب گوئی کند. ۳. همانطور اگر آینه دارای گرد و غبار و کثیف باشد نمی‌تواند عیب ما را به ما نشان دهد، اگر شخصی خودش عیبی داشته باشد، نباید عیب دیگران بپردازد. ۴. همانطور که آینه هم عیب و هم خوبی را نشان می‌دهد مومن هم باید چنین باشد ۵. همانطور که آینه عیب همه را از دوست و دشمن و غنی و فقیر نشان می‌دهد مومن هم باید نسبت به نشان دادن عیب دیگران یکسان عمل نماید.

❁ چرا قرآن گوید: «لَا مِثْرَ بَنَدِگَانِ خَدَا تَنَهَا، عَلَمَا از خَدَا مِی‌تَرَسَنَد» (انما یخشى الله من عباده العلماء)؟

اولاً: مقصود علمای واقعی هستند که به یک نحوی رابطه‌ای با دین دارند، نه هر عالمی. ثانیاً: چون علما با ادله عقلی و نقلی خدا را می‌شناسند، لذا به عظمت خداوند بیشتر پی برده و در نتیجه خدا ترس می‌شوند.

❁ چرا ثواب و گناه در شب و روز جمعه دو برابر است؟

زیرا شب و روز جمعه، احترام خاص و حرمت زیادی دارد، لذا ثوابش دو برابر و به جهت

۱. آیا می‌دانید؟، ص ۵۴.

هتک حرمت آنها، گناهش هم دو برابر می‌باشد.

❖ چرا روایت است که «خواب عالم عبادت است» در حالی که در حال خواب، کاری انجام نمی‌دهد؟

زیرا خواب عالم، مقدمه‌ای است برای خدمت به دین، زیرا عالم با خوابیدن، رفع خستگی می‌کند تا بعد از خواب، بهتر بتواند در خدمت دین باشد.
به طور کلی هر چه که رنگ الهی گرفت ارزش و قداست پیدا می‌کند مانند چوبی که تا چوب است در ظاهر حرمت و قداستی ندارد اما زمانی که منبر امام حسین (علیه السلام) یا درب حرم امام رضا (علیه السلام) شد حرمت و قداست خاصی پیدا می‌نماید، چون رنگ الهی پیدا نموده است، و قرآن در این باره می‌فرماید: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً»^۱.

❖ چرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما انسان را گرامی داشتیم» (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)^۲؟
زیرا خداوند بالاترین مقام‌ها که خلیفه الهی است را به او عطا نموده است و عقل را که بهترین نعمتهاست، به وی ارزانی داده و برای هدایت او ۱۲۴ هزار پیامبر و جانشینان آن‌ها را فرستاده و عالم را مسخر او نموده است و بهترین از انواع گوناگون مأكولات (خوردنی‌ها) و مشروبات (آشامیدنی‌ها) را در اختیار او قرار داده و در آخرت نیز بهترین نعمت‌ها را که بهشت است به او عطا می‌کند.

❖ چرا به فرمایش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی انسان پیر می‌شود، هوا و هوس او زیادتیر می‌گردد؟

زیرا سودا در زمان پیری در انسان غلبه می‌کند و غلبه سودا دو بیماری را به دنبال دارد؛ یکی جسمی و آن چین و چروکی که در صورت ایجاد می‌شود و دیگری بیماری روانی و آن زیاد شدن هوا و هوس در انسان می‌باشد.

❖ چرا انسان اگر خوب باشد، از ملائکه هم درجه‌اش بالاتر می‌رود؟
زیرا ملائکه مانعی برای خوب شدن ندارند، یعنی شهوت و غضب در آن‌ها وجود ندارد، برخلاف انسان. بنابر این اگر انسان با این موانعی که در پیش رو دارد، خوب شد، مقامش از ملائکه هم بالاتر می‌رود، زیرا سختی بیشتری را متحمل می‌گردد. و در روایت آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا» یعنی: بهترین کارها سبک‌ترین آنها است.

۱. بقره، آیه ۱۳۸.

۲. اسراء، آیه ۷۰.

❖ چرا خداوند بعضی از انسان‌های بد را از نعمت عمر طولانی برخوردار کرده است؟
چند علت دارد:

۱. شاید کار خوبی کرده باشند که سبب عمر طولانی آنها شده است. (چنین نیست که انسانهای بد تمام کارهایشان بد و انسان‌های خوب تمام کارهایشان خوب باشد.
۲. شاید عمر آنها نزد خدا بیش از این بوده است، اما چون بد بوده‌اند، عمرشان کاهش یافته است.
۳. همین طول عمر آنها، در واقع به ضرر آنها می‌باشد، زیرا هر چه بیشتر در دنیا بمانند، گناه بیشتری را مرتکب می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «أَنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا» یعنی: این است و جز این نیست که به آنها مهلت می‌دهیم، تا بر گناهانشان افزوده گردد.
۴. شاید این یک لطف خداوندی باشد تا به خود آیند و دست از عناد و لجاجت بردارند.

❖ چرا به قول امام سجاده (ع) اطرافیان یزید از اطرافیان فرعون، بدتر بودند؟
زیرا فرعون وقتی با اطرافیان خود در باره موسی (ع) مشورت کرد، گفتند: او را به قتل مرسا، بلکه او را از شهر بیرون کن ولی یزید، وقتی با اطرافیانش در باره اهل بیت امام حسین (ع) که اسیر دست او بودند مشورت کرد، همه بالاتفاق گفتند: آنها را به قتل برسان.

❖ چرا انسان‌های بد در دنیا خوش‌تر از انسان‌های خوب هستند؟
زیرا اولاً: دنیا در نزد خدا ارزشی ندارد، تا اگر به کسی داد، بگوییم خدا او را دوست می‌دارد و ثانیاً: دادن این دنیا به کفار و بدان، شاید به خاطر اعمال نیکی باشد که انجام داده‌اند، لذا چون خداوند در آخرت چیزی به آنها نمی‌دهد، در همین دنیا با آنها تسویه حساب می‌کند. دیگر اینکه انسان‌های بد دنیاپرستند لذا بیشتر برای خوشی و رفاه خود در دنیا سعی و تلاش می‌کنند و چون اعتقادی به عالم آخرت ندارند تمام خوشی‌های خود را در دنیا جمع می‌کنند.

❖ چرا پیامبر خدا (ص) می‌فرمایند: دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است در حالی که گاهی خلاف این مشاهده می‌شود؛ یعنی مؤمن در دنیا در خوشی و راحتی، ولی کافر در عذاب و گرفتاری است؟

چنین سؤالی را یک یهودی از امام حسن مجتبی (ع) نمود، حضرت در جواب فرمودند:
اگر آنچه را خداوند در بهشت برای ما، مهیا کرده است و آنچه را برای تو در جهنم آماده ساخته، می‌دیدی هر آینه می‌دانستی که این دنیا زندان ما، و بهشت تو می‌باشد.^۱

۱. المواعظ العددیه، ص ۵۶، علی مشکینی.

❁ چرا مؤمن را تشبیه به زنبور عسل نموده‌اند؟

چون کار مؤمن از چند جهت، مانند کار زنبور عسل است:

۱. زنبور عسل از کثافتها و پلیدی‌ها دوری می‌کند و آدم با ایمان هم از گناه و نافرمانی و سرپیچی از احکام خدا پرهیز دارد.

۲. همه پرندگان، چون شب در رسد به لانه‌های خود روند، جز زنبور عسل که در شب برای گرفتن شیر گلها بیش از روز پرواز می‌کند و همینگونه مردم، چون شب فرا رسد همگی در بستر استراحت می‌نمایند، لیکن مرد با ایمان، برپاخاسته و در حضور خدای خویش به عبادت می‌پردازد و درد دل خود را با خدا در میان می‌نهد.

۳. زنبور عسل، سر خود و از روی هوا و هوس کار نمی‌کند، بلکه به فرمان خالق خویش انجام وظیفه می‌کند، همینگونه مرد مؤمن هم به میل خود و به هوای نفس عمل نمی‌کند، بلکه فرمان حق را اطاعت می‌کند.

۴. زنبور عسل از انواع پرندگان بیم دارد لیکن خود، آزاری به کسی نمی‌رساند. و مرد مؤمن هم، آزار مردم را تحمل می‌کند ولی به کسی آزاری نمی‌رساند.

۵. زنبور عسل خاتمه اعمال خود را در رفتن به کندو و بستن درب انجام می‌دهد، همین گونه مرد مؤمن، لذت شیرینی عبادت را نمی‌یابد، جز وقتی که در تنهایی و خلوت، غیر از خداوند کسی او را نمی‌بیند.^۱

❁ چرا روایت گویند: «مؤمن در دنیا دو غصه ولی کافر یک غصه دارد»؟

زیرا مؤمن هم غصه دنیای خود را می‌خورد و هم غصه آخرتش را، ولی کافر چون اعتقاد به آخرت ندارد، فقط غصه دنیایش را می‌خورد. دیگر اینکه مؤمن هم غصه اهل و عیال خود و هم غصه دیگر مسلمانان را می‌خورد در حالی که کافر اگر غصه ای بخورد فقط غصه خانواده اش را می‌خورد.

❁ چرا انسان غمگین می‌شود؟

از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که: یازده چیز مورث غم و غصه است: ۱. راه رفتن میان گله گوسفندان ۲. در حال ایستاده شلوار پوشیدن ۳. کوتاه کردن ریش با دندان ۴. عبور کردن از روی پوسته تخم مرغ ۵. با بیضه بازی کردن ۶. تطهیر با دست راست ۷. نشستن در آستانه درب ۸. با دست چپ غذا خوردن ۹. صورت را با دامن خشک کردن ۱۰. از میان قبرستان عبور کردن ۱۱. میان قبرها خنده سردادن.^۲

۱. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجائب در گذرگاه آفرینش، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۲. راه جوان ماندن، ص ۵۷-۶۳؛ بحار، ج ۷۳، ص ۳۳۲.

❁ چرا مرگ ناگهانی در بین مردم زیاد می‌شود؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: هر گاه زنا در بین مردم زیاد شود، مرگ ناگهانی هم در بین آنها زیاد می‌شود.^۱

❁ چرا عمرها کوتاه می‌شود؟

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: وقتی خداوند بر امتی غضب کند و عذاب را بر آنان نفرستد نرخها گران می‌شود و عمرها کوتاه می‌گردد و تجار از تجارت خود سودی نمی‌برند و درختان میوه نمی‌دهند و نهرها پر آب نمی‌شوند و باران از مردم قطع می‌شود و اشرار بر آنها مسلط می‌شوند.^۲
عللی دارد از جمله: ۱. سوگند دروغ و دروغ گویی ۲. عمل منافی عفت ۳. ستمگری ۴. قطع رحم ۵. عاق والدین شدن ۶. پر خوری.^۳

❁ چرا عمر بعضی‌ها طولانی می‌شود؟

عللی دارد از جمله: ۱. احسان و نیکی به دیگران ۲. نیکی به برادران ۳. خدمت به خانواده ۴. احسان به پدر و مادر ۵. صله رحم ۶. دعای پدر ۷. کمک به نیازمندان ۸. خوش خلقی.^۴

❁ چرا خداوند گاهی گنه کاران را ننگه می‌دارد؟

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: چون مؤمنانی در میان آنها هستند که کارهای نیکی انجام می‌دهند.^۵

❁ چرا ابتدا باید کار فرهنگی و ارشاد صورت گیرد، بعد برخورد با مجرمان؟

زیرا قرآن می‌فرماید: «فجاءوهم بالبینات فانقمنا من الذین اجرموا».^۶ یعنی: آنان دلایل روشن برای مردم آوردند، پس، از کسانی که مرتکب جرم شدند، انتقام گرفتیم.

❁ چرا بنی اسرائیل سقوط کردند؟

زیرا ۱. حضور نداشتن حضرت موسی ۲. حضور اشخاص منحرف ولی هنرمند در بین مردم مانند سامری ۳. وجود طلا و زیور آلاتی که جاذبه داشتند ۴. وجود مردم ساده و زود باور و نداشتن ایمان عمیق ۵. تقلید در امر عقیدتی.^۷

❁ چرا بنی امیه (امویان) سقوط کردند؟

۱. سفینه البحار.
۲. پرتویی از اسرار نماز، ص ۲۴۶.
۳. راه جوان ماندن، ص ۱۲۰-۱۲۲.
۴. راه جوان ماندن، ص ۱۲۷-۱۳۶.
۵. علل الشرایع، ص ۲۴۶.
۶. روم، آیه ۴۷.
۷. ستاد تفسیر قرآن کریم، ص ۲۷۶.

سه علت داشت:

۱. قیام امام حسین علیه السلام علیه بنی امیه.
۲. مخالفت مسلمانان و قیام پی در پی آنها؛ زیرا بنی امیه خلافت را غاصبانه و با زور و حيله به دست آورده بودند و همه اعمالشان نیز برخلاف اسلام بود.
۳. نژاد پرستی بنی امیه؛ زیرا آنها قومی نژاد پرست بودند و غیر عرب را تحقیر می کردند.

❁ چرا بنی عباس (عباسیان) سقوط کردند؟

علت اصلی آن ظلم و بی داد آنها خصوصاً به اهل بیت عصمت و طهارت بود که سرانجام با تصرف بغداد به دست مغولان، حکومت آنها منقرض گشت.

زنان

❁ چرا اسلام میان حقوق زنان و مردان فرق گذاشته است؟

زیرا تفاوت‌های طبیعی و نفسی میان زنان و مردان وجود دارد از جمله:

۱. تفاوت‌های جسمانی: مرد از نظر جسم ضخیم‌تر و طویل‌تر از زن و خشن‌اللمس و الصوت است و دیرتر رشد می‌کند ولی زن غالباً معتدل‌الجسم و از نظر جسم و صورت زیباتر از مرد است و رشد سریعتری نسبت به مرد دارد و دقات (ضربان) قلب زن سریعتر از مرد است.
۲. تفاوت‌های نفسی: مرد میل بیشتری به ورزش و شکار و اعمال حرکتی و مبارزه و جنگ دارد و بیشتر از زن قادر بر کتمان اسرار می‌باشد.

۳. تفاوت‌ها از ناحیه مشاعر زن نسبت به مرد و مرد نسبت به زن:

مرد می‌خواهد که زن تابع او باشد و بر وی تسلط پیدا کند، ولی زن می‌خواهد که بر قلب مرد نفوذ کرده و اسیتلا پیدا کند و شجاعت و حمایت مرد را از برای خود خواستار است. حاصل این که بین زن و مرد در کرامت انسانی مساوات می‌باشد و لازمه آن این است که در حقوق انسانی مساوی باشند، ولی به واسطه تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، در جمیع حقوق و تکالیف با هم مساوی و برابر نمی‌باشد.^۱

باید گفت شریعت مقدس اسلام در کرامت و حرمت اشخاص از نظر دین داری فرقی بین زن و مرد نگذاشته است می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا

۱. عشرون سوالاً و شبهه حول المرأة، ص ۴۱-۴۳.

وَقَبَائِلَ لَتَعَارَفُوا إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْيَكُمْ^۱. یعنی: ای مردم ما شما را از مرد و زن خلق نمودیم و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما با تقواترین شما می‌باشد.

اما خداوند از نظر خلقت، طبق مصلحت، تفاوت‌هایی را میان زنان و مردان قرار داده است که آن ربطی به تبعیض ندارد.

آیه الله جوادی آملی می‌فرماید: در مسائل علمی، اعتقادی، اخلاقی و آنچه به کمال انسانی بر می‌گردد بین زن و مرد هیچ فرقی نیست، ولی در مسائل اجرایی و تقسیم کار بین زن و مرد تفاوت هست، منتها این تفاوت نقشی در تکامل انسان ندارد.^۲

❁ چرا قرآن، زنان را به عنوان لباس مردان و مردان را به عنوان لباس زنان قرار داده است؟

عللی دارد از جمله:

۱- لباس باید در طرح و رنگ و جنس، مناسب انسان باشد، همسر نیز باید کفو انسان و متناسب با فکر و فرهنگ و شخصیت انسان باشد.

۲- دوری از لباس، مایه رسوایی است، دوری از ازدواج و همسر نیز سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

۳- انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه، حفظ نماید.

۴- در هوای سرد، لباس ضخیم و در هوای گرم، لباس نازک استفاده می‌شود، هر یک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل، تنظیم کند. بعضی از علل آن عبارتند از:

۱- لباس برای انسان ویژگی دارد و نیاز مبرم انسان را به لباس همانند ازدواج معرفی می‌فرماید آن هم ازدواج که نصف (یک‌دست لباس) برای زن و هر دو نیازمند لباس و نیازمند یکدیگر هستند.

۲- لباس آلوده، پوشنده را آلوده کند.

۳- وجود لباس برای مرد، تن دیگری را نمی‌رساند یا زن را دو نفره نشان نمی‌دهد، یعنی زن و شوهر باید حکم دو روح در یک تن را داشته باشند.

۴- مرد باید عیب پوش زن و زن باید عیب پوش مرد باشد، چنانکه لباس عیب پوش است.

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۹.

۲. ره توشه جوانان، ص ۲۰۴، سال ۱۳۸۱.

- ۵- اینکه مرد لباس زن و زن لباس مرد است، یعنی کدام مردی لباس خدمتکار پوشد و کدام زنی لباس نوکر؟ پس مرد حق ندارد به چشم کلفتی به زن و زن هم حق ندارد به چشم نوکری به مرد نگاه کند.
- ۶- محرم اسرار و نزدیک ترین چیز باید برای مرد، زنش و برای زن، مردش باشد و لباس است که محرم داخل خود می‌باشد.
- ۷- در انتخاب لباس دقت می‌شود، پس در انتخاب همسر هم باید دقت شود.
- ۸- همان طور که لباس در همه حال مانند خوشی و ناراحتی با انسان است، زن و مرد هم در همه حال، باید با هم باشند.
- ۹- زیبایی لباس را هم مرد دوست دارد و هم زن.
- ۱۰- لباس هم سر را می‌پوشاند و هم بدن را و کسی بر آن نمی‌نشیند و پا بر آن نمی‌گذارد پس زن و شوهر نباید یکدیگر را تحقیر نمایند.
- ۱۱- همانطور که انواع لباسها دارای زیندگی هستند، زنان و مردان هم چنین هستند.
- ۱۲- همان گونه که در قصه حضرت یوسف، لباس او نقش‌های مختلفی داشت (خون آلود کردن آن و پاره شدن آن توسط زلیخا و بینا کردن چشم یعقوب) زن و مرد هم نسبت به یکدیگر مانند لباس، نقش‌های مختلفی دارند.^۱

❁ چرا در میان ۱۲۴ هزار پیغمبر و ۱۲ امام، یک نفر زن وجود ندارد؟

برای این است که نبوت و رسالت (و امامت) کارهای اجرایی دارد و خصوصیات بدنی و جسمی مردها به گونه‌ای است که کارهای اجرایی را بهتر انجام می‌دهند. همان گونه که آیت الله جوادی می‌فرمایند: کمال انسان در آن است که «وَلِيُّ اللَّهِ» بشود و این مقام، اختصاص به مرد یا زن ندارد.^۲

❁ چرا قرآن در بحث ارث، دختر را محور قرار داده است؟

محور بودن دختر در بیان سهم، شاید برای جبران بی توجهی به دختر باشد، لذا به جای آن که قرآن بگوید: سهم دختر نصف پسر است، گفته است: سهم پسر دو برابر سهم دختر می‌باشد.^۳

❁ چرا ارث زن، نصف مرد است؟

زیرا زنان هم مهر و هم نفقه را می‌گیرند، در حالی که مردان هم باید مهر زنان را بدهند و

۱. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. ره توشه، ص ۲۴۰، سال ۱۳۸۰.

۳. تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۸۹.

هم نفقه آنها را.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: زیرا بر مردان، نفقه و عاقله و جهاد و غیر آنها واجب است، لذا خداوند سهم آنان را از ارث، دو سهم و سهم زنان را از ارث، یک سهم قرار داده است.^۱

ارث زن در همه جا نصف مرد نیست. گاهی ارث زن و مرد مساوی است. مثل پدر و مادر و همچنین خواهر و برادر مادری انسان و گاهی ارث دختر دو برابر پسر می شود و آن در صورتی است که مردی بمیرد، که در این صورت سهم دختر او از پدر آن مرد (پدر بزرگش) دو برابر پسرانی است که مادرشان مرده و از پدر بزرگ ارث می برند.

از طرف دیگر ذات اقدس اله اگر در جایی ارث مرد را بیش تر از زن قرار داد، در بخش های دیگر، مرد را مسئول امور مالی قرار داد و حقوقی را از طرف زن بر مرد، واجب گردانید.^۲

علت آنکه ارث مرد دو برابر ارث زن است، چون وظایفی بر عهده مردان گذارده شده که با توجه به آن، نیمی از درآمد مردان عملاً خرج زنان می شود، در حالی که بر عهده زنان چیزی گذارده نشده است، مرد باید هزینه زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او از مسکن و پوشاک و خوراک و سایر لوازم بپردازد، و هزینه زندگی فرزندان خردسال نیز بر عهده اوست، در حالی که بر عهده زنان چیزی نیست.

بنابر این یک زن می تواند تمام سهم ارث خود را پس انداز کند، در حالی که مرد ناچار است آن را برای خود و همسر و فرزندان خرج نماید و نتیجه آن عملاً چنین می شود که نیمی از درآمد مرد برای زن خرج می شود و نیمی برای خودش، در حالی که سهم زن همچنان به حال خود باقی می ماند.^۳

امام صادق علیه السلام می فرمایند: زیرا برای زن صدق قرار داده شده (لذا از این راه جبران می شود). و امام رضا علیه السلام می فرماید: زیرا هنگامی که زن ازدواج کرد، مهریه و صدق می گیرد ولی مرد باید مهریه و صدق بدهد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: زیرا بر مردان عاقله و نفقه و جهاد و... است، لذا آنها دو سهم و زنان که نه بر آنها عاقله است نه نفقه و نه جهاد، یک سهم برایشان قرار داده شده است.^۴

آیت الله مکارم (حفظه الله) می فرمایند: با اینکه ظاهراً ارث مرد دو برابر زن است اما با دقت بیشتر روشن می شود که از یک نظر ارث زنان دو برابر مردان می باشد! و این بخاطر حمایتی

۱. عشرون سوالاً و شبهه حول المراه، ۵۳-۵۴.

۲. ره توشه، ص ۲۳۹، سال ۱۳۸۰ به نقل از آیه الله جوادی آملی.

۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۹۰.

۴. علل الشرایع، ص ۵۷۰.

است که اسلام از حقوق زن کرده است. توضیح اینکه اسلام وظائفی بر عهده مردان گذارده که با توجه به آن نیمی از درآمد مردان عملاً خرج زنان می شود، در حالی که بر عهده زنان چیزی گذارده نشده است.^۱

❁ چرا مهریه زنان بر مردان واجب است؟

امکانات و سرمایه ای را که زن با ازدواج از دست می دهد بیش از امکاناتی است که مرد از دست می دهد، و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان جبران خسارت برای زن و وسیله ای برای تأمین زندگی آینده او، و علاوه مسئله مهر معمولاً به شکل ترمیزی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدائی و طلاق محسوب می شود.^۲

مهر جنبه «جبران خسارت» و «پشتوانه برای احترام به حقوق زن» دارد، نه قیمت و بها و شاید تعبیر به «حله» به معنی «عطیه» در سوره نساء اشاره به این قسمت باشد.^۳ زیرا از جهتی زن فروشنده نفس خود و مرد خریدار آن است، و فروش بدون اخذ ثمن (یعنی پول) و خرید بدون اعطای ثمن، معنا ندارد. در صورتی که زنان از معامله و تجارت محظورند، علت های دیگری نیز وجود دارد.^۴

❁ چرا دیه زن، نصف دیه مرد است؟

باید توجه داشت که قیمت انسان به جسم و خون او نیست و به همین جهت میان دیه مرجع تقلید و یک کارگر تفاوتی نیست، بلکه دیه در قبال جسم (نه روح) می باشد. بنابراین اولاً- قیمت انسان به روح و عقل اوست. و ثانیاً- اختلاف دیه مرد با زن در اسلام به خاطر علل و اسبابی است از جمله این که: جسم مرد قوی تر از جسم زن است و نفقه اهل و عیال خود را می دهد و متحمل اقتصاد خانواده است.^۵

معمولاً مرد نان آور خانه و قتل او سبب ضربه اقتصادی به خانواده است و قانون بر اساس نوع است، نه موارد نادر که ممکن است زنی نان آور باشد.^۶

دیه، ارزش حساب نمی شود تا اینکه گفته شود چون دیه زن نصف مرد است، بنابراین ارزش زن نصف مرد است.

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۷۳.

۲. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۷۸.

۳. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۷۹؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶۳.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۵. عشرون سوالاً و شبهه حول المرأة، ص ۵۶.

۶. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۵.

❁ چرا زنی که قاتل مرد است قصاص می شود اما مردی که قاتل زن است قصاص نمی شود؟

باید گفت همانطور که در فقه اسلامی آمده اولیای زن مقتول می توانند مرد جنایتکار را به قصاص برسانند به شرط آنکه نصف مبلغ دیه را بپردازند. بنابر این منظور از عدم قصاص مرد در برابر قتل زن، قصاص بدون قید و شرط است ولی با پرداخت نصف دیه، کشتن او جایز است. علت اینکه باید نصف دیه را به بازماندگان مرد مقتول و فرزندان بی گناه او بدهند بخاطر رعایت حقوق همه افراد (زن و فرزندان مرد مقتول) و جلوگیری از خلأ اقتصادی و ضربه نابخشودنی است که به یک خانواده می خورد.^۱

❁ چرا اسلام حجاب را بر زنان واجب کرده است؟

زیرا حجاب، بهترین حافظ و حصار است که زن را از خطر بیگانه حفظ می کند و زن بی حجاب همچون میوه درختی است که شاخه آن از دیوار باغ به بیرون آویزان است و هر رهگذری به سوی آن دست دراز می کند یا مانند گلی است که هر کسی به چیدن آن تمایل دارد.^۲

وجود حجاب باعث می شود، از نظر خانوادگی روابط افراد خانواده تحکیم بیشتری پیدا نموده و صمیمیت کامل بین زوجین برقرار شود و اگر زن در صدف حجاب پیچیده نشود، دامان پاک عفت او از نامحرمان و بلهوسان مصون نبوده و به خطر گناه می افتد، بنابر این حجاب برای زن محدودیت نیست، بلکه مصونیت از زهرها و ضربه های شیطانی است و از نظر اجتماعی نیز موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع و افزایش بهداشت روانی اجتماع گردد و در نهایت حجاب، سبب فزونی ارزش زن در برابر مرد می شود.^۳

حجاب سبب مصون ماندن خود و خانواده و حفظ شخصیت زن و جلوگیری از فحشا و امراض روانی و ... می شود تا میوه ای پوست بر تن دارد، مدتهای زیادی دوام خواهد آورد، ولی وقتی پوست آن گرفته شد، بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت، حجاب هم مانند پوست میوه ای است که حافظ تازگی و سلامت زنان است.^۴

حجاب برای زنان مانند صدفی است که گوهر وجودش را از گزند خطرها و آسیبها در برابر نامحرمان و بیگانگان مصونیت بخشیده و بیمه اش می نماید و به جامعه خصوصاً جوانان آرامش می بخشد و مانع هرگونه گسترش فساد و گرایش به فحشا می شود.

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۷۵.

۲. نکته های نورانی، ص ۵۲.

۳. احکام بانوان، ص ۲۵-۲۶، احمد دانایی.

۴. ره توشه راهیان نور، سال ۱۳۷۶ ویژه نوجوانان.

پوشیده بودن زنان در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است، بلکه سبب حفظ ارزش زن و جلوگیری از ابتذال و تباهی او نیز می‌باشد.

باید دانست که بیماری‌های تناسلی، دختر ربایی، خودکشی، مد پرستی، تزلزل و تلاشی نظام خانواده و انحرافات جنسی، محصول بی حجابی می‌باشد.

استاد مطهری در زمینه وجوب حجاب زنان می‌فرماید: اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خود نمایی و خود آرایی مخصوص زنان است. بنابراین انحراف و تبرج و برهنگی، از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.^۱

❁ چرا حضرت علی علیه السلام در روایتی (نهج البلاغه) می‌فرمایند: زنان ناقص الایمان و ناقص العقول هستند؟

باید گفت که این سخنان حضرت نسبت به زنان، در پی قضایا و حوادث تاریخی خاصی درآمده است، وقتی حضرت از جنگ جمل فارغ شدند، زنان را مذمت نمودند و این ذم در روایت، تحقیر زن نیست، بلکه در حقیقت ذم و تحقیر مردانی (طلحه و زبیر) است که تحت تأثیر زن (عایشه) قرار گرفتند و عقل خویش را به دست زنان دادند.

و شاید سرزنش زنان در روایت به خاطر آن باشد که چون زن از بزرگترین مظاهر دنیا بوده و افرادی دل به آنها بسته‌اند، لذا مورد مذمت قرار گرفته‌اند.

و شاید روایاتی که زنان را مذمت می‌کند، قصدشان متنبه کردن زنان و بیدار کردن آنها باشد تا شأن و منزلت خویش را بشناسند. به طور خلاصه مذمت زنان در روایات به خاطر این نیست که زنان را تحقیر و شخصیت آنان را بکاهند، بلکه آن مذمت به خاطر اسباب و عللی است که بیان گردید.^۲

در واقع این حدیث نمی‌خواهد بگوید که زنان در ایمان نقصان و کمبودی دارند، چون محروم ماندن آنها از عبادت (در ایام حیض و نفاس) قابل جبران است و دیگر این که این محروم ماندن آنها یک حکمت الهی دارد.

از طرفی آنها چون قبل از مردان، بالغ و مکلف می‌شوند (اتمام ۹ سال قمری) در حقیقت یک نوع شرفی برای آنها حساب می‌شود تا در محضر الهی حضور یابند بنابر این نقصان عبادت زنان و ایمان آنها به معنای مذمت و عیب‌گیری از آنها نمی‌باشد و فرمایش حضرت علی علیه السلام ناظر

۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۷.

۲. عشرون سؤالاً و شبهه حول المرأة، ص ۲۱-۲۵.

به این نیست که طبیعت زنان قابل مذمت است بلکه به خاطر وقایع تاریخی و حسب شرائط و علل و اسباب خاصی می‌باشد.^۱

✽ چرا حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ» یعنی: زنان ناقص‌العقل هستند؟

از چند جهت می‌توان پاسخ داد:

۱. از این جهت که شهادت دو زن در مقابل شهادت یک مرد می‌باشد.^۲
۲. علم امروز ثابت کرده است که سلولهای مغز زنان ۱۴ میلیارد و سلولهای مغز مردان ۲۱ میلیارد می‌باشد.
۳. وزن متوسط مغز زنان ۱۰۰۰ گرم است و وزن متوسط مغز مردان ۱۱۶۰ گرم می‌باشد.^۳
۴. سلولهای مغزی در مردان ۴٪ بیشتر از زنان است. مغز مردان یکصد گرم سنگین‌تر از مغز زنان می‌باشد.^۴
۵. قرآن می‌فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و چون تدبیر امور اجتماعی مثل حکومت، قضاوت و جنگ، نیاز به عقل نیرومندتر دارد و کسانی که از این امتیاز محرومند و دارای عواطف تند و تیز می‌باشند، از تصدی آن محروم گشته‌اند. لذا طایفه مردان به داشتن عقل نیرومندتر و ضعف عواطف، ممتاز از زنانند و زنان به داشتن عقل کمتر و عواطف بیشتر، ممتاز از مردانند.^۵
- و سنت پیامبر اسلام در طول زندگیش بر این جاری بوده که هرگز زمام امور هیچ قومی را به دست زن نسپرد و به هیچ زنی منصب قضا نداد، و زنان را برای جنگیدن دعوت نکرد.^۶
- علت این امر که سنت خداوند بر این جاری شده است که زن را پیغمبر و امام قرار ندهد، و پیامبر صلی الله علیه و آله هم زن را زعیم و قاضی قرار نداد و به جنگ نفرستاد و اختیار زنان را دست مردان قرار داد، یک سری دارد و اگر زنان از نظر عقل و قدرت مساوی مردان بودند، هرگز خداوند اختیار زنان را به دست مردان نمی‌داد و خداوند چنین کاری کرده است تا نظام خانواده و جامعه استوار بماند.
- اولاً: باید گفت که خداوند چه زن و چه مرد را به بهترین وجه ممکن خلق نموده و نقصانی

۱. عَشْرُونَ سَوَالًا وَ شَبْهَةً حَوْلَ الْمَرْأَةِ، ص ۲۳-۳۳.

۲. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، کَلِمَاتُ قِصَارٍ.

۳. فَرْهَنْگِ اِطْلَاعَاتِ عُمُومِی، ص ۱۲۷.

۴. سَایِتِ اِیْرَانِ جَدِید.

۵. الْمِیْزَان، ج ۴، ص ۵۴۸.

۶. الْمِیْزَان، ج ۴، ص ۵۴۸-۵۴۹.

در آنها وجود ندارد. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۱.
ثانیاً: اختلاف مرد و زن در این است که:

چون زنان عاطفه و احساس بیشتر و تعقل و تفکر کمتری دارند، به این جهت عاطفه و احساس آنها تعقل و تفکر آنها را کم می‌کند. از این رو روایت گوید: زنان ناقص العقل هستند. و شاید مراد حضرت علی علیه السلام از نقصان عقل زنان، نقصان ذاکره آنها باشد؛ زیرا حضرت عَلی می‌آورند که شهادت دو زن مانند شهادت یک مرد است، قرآن نیز به این موضوع اشاره دارد: «أَنْ تَضِلَّ أَحَدًا هُمَا فَتَذَكَّرَ أَحَدُهُمَا الْآخَرَى»^۲.

اگر گفته شود که ظاهر این کلام حضرت، (ناقص العقل بودن زنان) مخالف آیات قرآن و عقائد و فلسفه اسلامی است (که گویند هیچ موجودی ناقص، خلق نشده است)، در جواب گوییم که راه جمع، آن است که در واژه «نواقص» تصرف کنیم و معنای آن را «تفاوت» و «اختلاف» بدانیم که در لغت و واژه‌های قرآن نیز به جای یکدیگر استعمال شده‌اند، آنگاه تضاد ظاهری این خطبه با قرآن و مبانی اعتقادی برطرف می‌شود.

امام می‌خواهند بفهمانند، که زن و مرد هر کدام روحیات و صفات مخصوص به خود را دارند و جایگاه هر کدام باید محفوظ شود، پس عایشه را که یک زن است، سوار بر شتر، فرماینده خود قرار ندهید که شورش بصره را به پا کند و آن همه خون مسلمانان را بر زمین ریزد.^۳

❖ چرا به زنان، ناقص العقل می‌گویند، در حالی که گاهی زنان در علم و دانش از مردان پیشی می‌گیرند؟

باید گفت که نباید عقل و علم را با هم خلط کرد؛ زیرا علم یک سری معلومات و صور معقولات است که هر کسی چه مرد و چه زن، می‌تواند کسب کند. گاهی مردان پیشی می‌گیرند و گاهی زنان، ولی عقل، یک نعمت خدا دادی است که خداوند هر کسی را به اندازه ظرفیتش به او عطا می‌نماید.

❖ چرا عرب‌های جاهلیت، زنان را از ارث محروم می‌کردند؟

چند علت داشت:

۱. علت اصلی محرومیت زنان از ارث، جلوگیری از انتقال ثروت خانواده‌ای به خانواده دیگر بوده است، روی این حساب اگر دختر ارث ببرد و سپس ارث او به فرزندان منتقل شود، چون فرزند را از آن مرد می‌دانستند، سبب می‌شد که ثروت یک خانواده به یک خانواده بیگانه منتقل گردد.

۱. تین، آیه ۴.

۲. عَشْرُونَ سَوَالاً وَ شَبِيْهَهُ حَوْلَ الْمَرْأَةِ، ص ۲۹-۳۰.

۳. ترجمه نهج البلاغه، ص ۱۲۹، محمد دشتی.

۲. به خاطر عدم توانایی بر انجام عملیات دفاعی و سربازی او را از ارث محروم می‌کردند.^۱

❁ چرا اسلام حق طلاق را به مردان داده است؟

زیرا رابطه زن و شوهری بر اساس رابطه طبیعی بین زن و شوهر است و طبیعت، کلید محبت طرفین را به دست مرد داده است. به این معنی که محبت زن نسبت به مرد، نتیجه محبت مرد به او می‌باشد. پس هنگامی که مرد زن را دوست داشت، زن هم او را دوست دارد و هنگامی که مرد او را دشمن داشت، زن نیز او را دشمن می‌دارد، بنابراین طلاق به طور طبیعی به دست مرد می‌باشد، ولی اسلام موانعی را برای طلاق قرار داده تا به راحتی نتوان طلاق داد.^۲

❁ چرا اسلام حدّ اکثر سه بار طلاق و دو بار رجوع را جایز می‌داند؟

تا حرمت زن و خانواده حفظ شود.^۳

❁ چرا زن پس از نه (۹) طلاق، حرام ابدی می‌شود؟

علّت آن است که مرد دچار عقوبت شود و طلاق را (که یکی از دستورات الهی بشمار می‌رود) بازیچه قرار ندهد و زن را ضعیف و ناچیز نشمارد و به دیده حقیقت و بصیرت به امور خویش بنگرد و از طرفی هم بدانند که پس از نه طلاق هرگز با یکدیگر جمع نخواهند شد.^۴

❁ چرا پیامبر اسلام ﷺ زن آبستن را روزه دار عابد معرفی می‌کند؟

زیرا گرسنگی غذایی وی ناشی از روزه داری، و مشقت او ناشی از شب زنده داری او می‌باشد.^۵

❁ چرا حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: زن مسلمان باید متکبر باشد؟

مقصود حضرت آن است که زن باید نسبت به نامحرمان و بیگانگان، باید سنگین و متین باشد و با آنها گرم و گیرا نگیرد.^۶

❁ چرا حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: که زن مسلمان باید ترسو باشد؟

مقصود حضرت آن است که زن باید نسبت به شوهر خود ترس داشته باشد و با او مخالفت نکند.^۷

۱. نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۲. عشرون سوال و شبهه حول المرأة، ص ۶۴.

۳. تفسیر مجمع البیان

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

۵. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۱۴۷.

۶. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۹۱.

۷. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۹۱.

❁ چرا حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: زن مسلمان باید بخیل باشد؟

مقصود حضرت آن است که زن باید نسبت به مال شوهر خود بخل بورزد و آن را بیهوده، هدر ندهد.^۱

❁ چرا طلاق در بعضی از خانواده‌ها اتفاق می‌افتد؟

مهم‌ترین دلیل طلاق این است که پیش از ازدواج، یک طرف زناشویی از طرف دیگر چشم داشته‌های بیش از حدی دارد. این چشم‌داشتها عبارتند از: منزلت اجتماعی، رابطه جنسی، اشتها، سلامت جسمانی، امنیت شغلی و نقشی که یک فرد از همسرش انتظار دارد.^۲ همچنین ناکامی‌ها و مداخله دیگران و عدم وفا به وعده‌های قبل از ازدواج و مخفی کاری‌ها و بگویم‌گوها و مشاجره‌های میان زن و شوهر (خصوصاً در ایام قاعدگی، باعث طلاق می‌شود و آمار نشان داده که منشأ بسیاری از طلاق‌ها زمان قاعدگی زنان بوده است). همچنین نداشتن گذشت و اختلاط زنان و مردان و عدم رعایت حجاب باعث طلاق می‌شود.

❁ چرا زنان بعد از طلاق گرفتن، حدود سه ماه باید عده نگه دارند؟

حضرت ابوالحسن الثانی علیه السلام می‌فرمایند: چنین کاری برای استبرای رحم از فرزند است.^۳ برای این است که آب و نطفه مردان به یکدیگر مخلوط نشود، و نسب‌ها فاسد نگردد، البته این حکمت لازم نیست که در تمامی موارد موجود باشد، چون قوانین و احکام همیشه دائر مدار مصالح و حکمت‌های غالبی است، نه حکمت‌های عمومی (در نتیجه اگر زن عقیم هم مطلقه شد، باید عده را نگه بدارد).^۴

❁ چرا خداوند چهار ماه و ده روز را عده و فوات برای زنان قرار داده است؟

حضرت ابوالحسن الثانی علیه السلام می‌فرمایند: چون خداوند می‌داند که غایت صبر زنان از مردان در ترک جماع (آمیزش)، همین مدت است.^۵

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۱۱۹۱.

۲. درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۳۴.

۳. علل الشرائع، ص ۵۰۸.

۴. المیزان، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۵. علل الشرائع، ص ۵۰۸.

❁ چرا زن از آب و ملک و بنا ارث نمی‌برد؟

فلسفه‌اش آن است که اصل این گونه اشیا را نمی‌توان نقل و انتقال داد، و استبعادی ندارد که عصمت بین زن و مرد قطع شود (یعنی از یکدیگر جدا شوند) و جایز است که انسان این زن را طلاق دهد، ولی پدر و پسر نمی‌توانند از یکدیگر جدا شوند و امکان ندارد که آنان را از یکدیگر برید. پس زنی که می‌توان او را عوض و بدل کرد و قابل تغییر و تبدیل است، باید میراث او نیز از چیزهایی باشد که بتوان آنها را به چیز دیگری تبدیل نمود و چیزی که ثابت و مقیم باشد، باید آن را به حال خود نهاد، مثل آن کسی که ثابت و راسخ است.^۱

❁ چرا خداوند بر صورت مردان مو می‌رویاند ولی بر صورت زنان نمی‌رویاند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زیرا روییدن مو بر صورت مردان، علامت آنها و موجب عزت و جلالت و وقار ایشان است که به وسیله آن از حد اطفال و شباهت زنان بیرون می‌روند. و علت این که بر صورت زنان مو نمی‌رویاند، به این جهت است که حسن و نضارت و طراوتشان باقی بماند و موجب میل مردان به سوی آنان گردد و به این جهت، نسل انسان منقرض نگردد و نوع ایشان محفوظ بماند.^۲

❁ چرا مستحب است که وسایل زندگی را مردان بگیرند نه زنان؟

زیرا سنت چنین است و بزرگان دین مانند حضرت علی علیه السلام در وقت ازدواج با حضرت زهرا علیها السلام، خودشان وسایل زندگی را خریداری کردند.

❁ چرا نظر کردن به دختر یا زنی که قصد ازدواج با او را دارند، مستحب است؟

از این جهت که مرد در حکم مشتری است که می‌خواهد جنسی را به بالاترین قیمت خریداری نماید، و با دیدن او غرر و ضرر مرتفع می‌شود.

❁ چرا مستحب است که در شب، عروس به خانه داماد، برده شود؟

زیرا بین شب که مایه آرامش و سکینه است و زن که او هم مایه آرامش و سکینه است، مناسبت بسیار است و قرآن در باره شب گوید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ»^۳ یعنی: او خداوندی است که شب را برای آسایش قرار داد. و در باره زن گوید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۴ یعنی: و

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۲۶.

۲. توحید مفضل، ص ۵۷-۵۸.

۳. یونس، آیه ۶۷.

۴. روم، آیه ۲۱.

یکی از آیات خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که به او آرامش یابید و با هم انس گیرید.

❖ چرا روایت است که در حجله عروس و داماد دو رکعت نماز بخوانند؟

زیرا این دو رکعت نماز به داماد و عروس، آرامش خاصی می‌دهد و اگر فرزندی به وجود آید، دور از عصبانیت‌ها می‌باشد و این نماز در حجله، وسیله ساز نوعی تفاهم کلی است. از طرف دیگر این نماز در واقع شکرانه نعمتی است که عروس و داماد به آن رسیده‌اند و زندگی جدیدی را در کنار هم آغاز نموده‌اند تا از نسل آن‌ها انسان‌هایی تا روز قیامت به وجود آیند.

❖ چرا پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند زن را برای دینداریش بگیرید نه برای مال و جمالش؟

زیرا اگر زنی را برای دینش بگیرند، خدا هم به او ثروت می‌دهد و هم به زن زیبایی عطا می‌کند.

ولی اگر زنی را به خاطر مالش بگیرند، خدا او را گرفتار همان ثروت می‌کند و اگر زنی را به خاطر جمالش بگیرند، چیزی از او می‌بیند که ناراحت می‌شود.^۱

❖ چرا اسلام دستور داده است با دختر (دوشیزه) ازدواج شود؟

زیرا دوشیزگان دهانی گوارتر و رحمی جمع‌تر دارند و زودتر یاد می‌گیرند و محبتشان پایدارتر است.^۲

❖ چرا حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: با زن احمق، ازدواج نکنند؟

زیرا ادامه زندگی با او بلاست و فرزندش هم بی نتیجه خواهد بود.^۳

❖ چرا نباید انسان از ترس فقر از ازدواج کردن خودداری کند؟

زیرا نسبت به خدا بدگمان شده است؛ زیرا خدا می‌فرماید: ازدواج کنید! خدا به شما کمک می‌کند و ثروتمندتان می‌سازد.^۴

❖ چرا امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: اگر خواستاری آمد که دین و اخلاقش درست بود، او را

رد نکنند؟

چون ایشان می‌فرمایند: اگر رد کرده شود، فساد بزرگ پدید می‌آید.^۵

۱. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۱۵۹.

۳. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۲۰۳.

۴. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۲۰۳.

۵. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۳، ص ۲۰۳.

❁ چرا روایت است که قبل از آمیزش ملاعبه صورت گیرد؟

چون این کار موجب می‌شود که خواهش غریزی زن تحریک شود و ماء النسل (منی) او از قسمت‌های مختلف بدنش جمع آوری شود که در این صورت، غلبه شهوت در صورتش پدید می‌آید و همان را که تو از او می‌خواهی او نیز از تو می‌طلبد.^۱

چون زن دیرتر آمادگی پیدا می‌کند و اگر این کار (ملاعبه) صورت نگیرد و بدون مقدمه عمل آمیزش صورت گیرد، ارضاء نمی‌شود و لذت آمیزش ناتمام می‌ماند و حلاوت ازدواج از بین می‌رود و طفلی هم که از تخم غیر آماده در رحم غیر مستعد تربیت شود، طفلی کامل نخواهد بود.^۲

❁ چرا روایت گویند: اول چیزی که زن زاییده، می‌خورد رطب باشد؟

زیرا خداوند به حضرت مریم فرمود: که بعد از زاییدن حضرت عیسی علیه السلام رطب بخورد و روایت گویند: اگر رطب بخورد، فرزند او بردبار و زیرک می‌گردد.^۳

❁ چرا امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مادران از یک پستان به فرزند خود شیر ندهند، بلکه از دو پستان شیر بدهند؟

زیرا یکی به عوض طعام و دیگری به عوض آب است.^۴

❁ چرا آمیزش در شب اول ماه رمضان، مستحب است؟

از این جهت که قرآن می‌فرماید: «أَحْلَلْ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَّامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ».^۵ یعنی: در شب رمضان (شب اول)، آمیزش با زنانان حلال شد.

۱. طب الرضا، ص ۷۸.

۲. طب الرضا، ص ۲۹۶.

۳. حلیه المتقین، ص ۸۳.

۴. حلیه المتقین، ص ۱۹۱.

۵. شرح لمعه، ج ۲، ص ۵۴.

❁ چرا اسلام سفارش کرده است که بعد از آمیزش، قدری شربت غسل خورده شود؟
چون امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: این شربت، کسری بدن را از ناحیه جماع جبران می‌کند.^۱
❁ چرا زنان روزه‌ای را که در ایام حیض قضا کرده‌اند باید قضای آن را بجا آورند ولی نماز را نباید قضا کنند؟

زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: روزه فقط یک ماه در سال است، ولی نماز در هر روز و شب می‌باشد (مقصود آن است که برای قضای روزه، آن چنان به زحمت نمی‌افتند، ولی برای قضای نمازهای فوت شده، بسیار به زحمت می‌افتند).^۲

❁ چرا دختر در روایات به عنوان ریحانه و گل مطرح شده است؟
زیرا ۱. چنانکه گل مظهر نشاط و طراوت است، دختر نیز مظهر عاطفه و احساسات با طراوت است.
۲. همان طور که گل لطیف و ظریف و آسیب‌پذیر است، دختران نیز به لحاظ لطافت روحی و جسمی، باید از کارهای خشن و سخت به دور باشند، ۳. گل برای محفوظ ماندن از آسیب‌ها نیاز به حفظ و مراقبت دارد، دختران نیز لازم است، برای محفوظ ماندن از آسیب‌ها و خطرهای، با عفاف و حجاب باشند.^۳

❁ چرا مستحب است که دختران هم ختنه کرده شوند؟
از لحاظ پزشکی ثابت شده است که ختنه کردن آنها سبب می‌شود که بیشتر از لذت جنسی، بهره‌مند گردند.^۴
زیرا تشکیلات ساختمانی دستگاه زنانگی آنها فرق می‌کند. زنان هم آلت تأنیث (زنانگی) دارند و هم آلت تذکیر (مردانگی)، که امروز ختنه کردن آلت تذکیری آنان طرفدارانی پیدا کرده است.^۵
روایت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زنی که زنان را ختنه می‌کرد، فرمودند: بسیار پتّه مَبَر و اندکی بگیر که رو را نورانی‌تر و رنگ را صاف‌تر و او را نزد شوهر عزیزتر می‌گرداند.^۶

❁ چرا زنان حیض می‌شوند؟
مرحوم صدوق رحمته الله در علل الشرایع می‌فرماید: تا زمان حضرت نوح علیه السلام، زنها سالی یک مرتبه خون حیض می‌دیدند تا این که هفتصد نفر از آنها متحد گردیدند که دیگر زیر چادر نمانند و فردا روز

۱. طب الرضا، ص ۳۰۰.
۲. علل الشرایع، ص ۲۹۴.
۳. ره توشه ویژه بوستان ولایت، ص ۳۵۸، سال ۱۳۷۸.
۴. ازدواج مکتب انسان‌سازی، ج ۲، ص ۸۵.
۵. ازدواج مکتب انسان‌سازی، ج ۲، ص ۸۵.
۶. حلیه المتقین، ص ۸۹.

زینت کرده از خانه بیرون آیند، تا این که قانون حجاب را لغو نمایند. صبح که شد، تمام آنها بدون حجاب از خانه بیرون آمدند، و با مردان، معاشرت و در کسب و تجارت، شرکت نمودند و هر چند نوح علیه السلام، آنها را موعظه نمود، فایده نکرد، و روز بروز بر جمعیت آنها افزوده می شد، تا اینکه خداوند بر آنها غضب کرد و آن ها را ماهی یک مرتبه مبتلا بخون حیض گردانید، و چون آن زمان مرسوم بود که با زن حائض کسی سخن نمی گفت و هم غذا نمی شد، بلکه او را در مدت حیض در خانه انفرادی حبس می کردند و فقط آب و غذا باو می دادند تا اینکه از خون حیض پاک شود، لذا در ایام حیض بر آنها بسیار سخت می گذشت بعد پشیمان شدند و توبه کردند و محجوبه (با حجاب) گشتند، و لکن خداوند این بلیّه را از آنها بر طرف نکرد و در اثر توالد و تناسل، فرزندان آنها زیاد شد، به نحوی که اولاد آنها بر سایرین غلبه کردند و امروز اغلب زن ها ماهی یک مرتبه حائض می شوند.^۱

باید دانست که حیض در زنان، نشان از یک نظم و هماهنگی در رحم برای پذیرفتن نطفه و رشد جنین و ساختن یک انسان است و وجود آن نشانه سلامت ساختار فیزیکی بدن است

❁ چرا زنان حامله، حیض نمی شوند؟

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: چون خداوند، خون حیض را در زمان حمل، حبس می کند و آن را در شکم مادر، رزق برای جنین قرار می دهد.^۲

❁ چرا اسلام در بعضی از شرایط، زدن زن را اجازه داده است؟

قرآن در این باره می فرماید: «فَعُظُّوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ»^۳ یعنی: پندشان دهید و بعد در بستر، از آنها دوری کنید و (اگر موثر واقع نشد) تنبیه شان کنید.

باید گفت این نوع زدن، زدن تعدی نیست، بلکه تأدیبی می باشد تا از شوهر پیروی کند.

توضیح این که اگر زنی نسبت به شوهر نشوز (عدم تمکین) داشت و پند و اندرز و هجران سودی نبخشید، زدن (آن مقدار که اسلام اجازه داده) جایز می باشد.

بنابر قولی، زدن برای یادگیری امر خیر هم جایز می باشد.^۴

باید توجه داشت که در صورت نشوز که زدن همسر تجویز شده، باید آن ها را به گونه ای زد که بدنشان زخم و استخوانشان شکسته نشود.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: منظور از این زدن، زدن با مسواک است.^۵

۱. صد و ده حکایت، ص ۱۰۴-۱۰۵، شیخ علی گلپایگانی.

۲. علل الشرائع، ص ۲۹۱.

۳. نساء، آیه ۳۴.

۴. عشرون سوالاً و شبهه حول المرأة، ص ۶۷-۶۸.

۵. زن و شوهر، ص ۲۲۸، محمد علی صفری.

در جای خود گفته شده که بعضی از زنان مبتلا به حس آزار خواهی می‌شوند و در این موقع چاره‌ای جز این عمل نیست.

❖ چرا اسلام قیومیت را برای مردان قرار داده است «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؟

قرآن از چند جهت قیومیت زنان را به دست مردان قرار داده:

۱. به خاطر آن فضیلتی است که در مردان قرار داده است «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ».^۱
۲. به خاطر آن نفقه دادن مردان به همسران خود است «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».^۲

❖ چرا در روایت مشورت با زنان، نکوهش شده است؟

مقصود آن است که عواطف و احساسات شخصی زن در تصمیم‌گیری و کارهای مهم، داخل نشود و چون عواطف و احساسات زنان بر عقلشان غلبه دارد و غالباً تحت تأثیر ظواهر و امور دنیوی قرار می‌گیرند، لذا مشورت با آنان، نیکو نیست. باید گفت روایتی هم است که گوید: با زنانی که به کمال عقل تجربه شده‌اند می‌شود، مشورت نمود.^۳

❖ چرا زنها بیش از مردها به جهنم می‌روند؟

زنی از رسول خدا ﷺ چنین سؤالی را کرد، حضرت در جواب فرمودند: اول آنکه؛ شما زنها خیلی از خدا ناراضی و شاکی هستید. دوم اینکه؛ نسبت به شوهرهایتان ادای حق نمی‌کنید، آنطوری که سزاوار است؛ لذا مستحق عذاب هستید.^۴

❖ چرا اسلام مقام قضاوت را برای زنان قرار نداده است؟

زیرا قضاوت، کار اجرایی سختی است که اجرای حدود بر آن توقف دارد و از آنجایی که زن عاطفی و احساساتی و زود تحت تأثیر قرار می‌گیرد، انجام چنین کاری بر او دشوار است. قرآن می‌فرماید: «أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ».^۵ یعنی: آیا کسی که در پیرایه و زیور پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قدرت تبیین ندارد، این آیه می‌رساند که زن در فتوا دادن و حلّ منازعات و دفاع از حق، عاجز است.^۶

۱. نساء، آیه ۳۴.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. نساء، آیه ۳۴؛ عَشْرُونَ سَوَالاً و شبهه حول المرأة، ص ۷۱.

۴. عَشْرُونَ سَوَالاً و شبهه حول المرأة.

۵. معارفی از قرآن، تفسیر سوره حدید، ص ۲۳۹-۲۴۰، شهید دستغیب.

۶. زخرف، آیه ۱۸.

۷. عَشْرُونَ سَوَالاً و شبهه حول المرأة، ص ۷۷.

غالباً زنان به هنگام بحث، به خاطر شرم و عطفوت زیاد، در اثبات مقصود درمی‌مانند.^۱ و مصداق کسانی هستند که در میان زینت و زیورات، پرورش می‌یابند.

❁ چرا تصدّی مقام مرجعیت برای زنان جایز نیست؟

چند علت دارد:

۱. اجماع فقها بر این است که تصدّی مقام مرجعیت برای زنان، جایز نمی‌باشد.
۲. اطلاعات آیات و روایات در مورد مرجعیت، منصرف به مرد است.
۳. مرجعیت مانند قضاوت و رهبری، کار اجرایی است که در آن رجولیت (مرد بودن) شرط است.^۲

❁ چرا خداوند جهاد را از زنان برداشته است؟

چند علت دارد:

۱. خداوند جهاد آنها را خوب شوهر داری قرار داده است «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعِلِ».^۳
۲. قدرت زنان چندان نیست که بتوانند حمل سلاح کنند و با دشمنان جنگ نمایند.
۳. اگر اسیر شوند، دشمن به آنها خیانت ناموسی می‌کند و این سخت‌ترین چیز برای مسلمانان به شمار می‌آید.

❁ چرا اسلام در ازدواج برای زنان مهر و صداق قرار داده است؟

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: به عهده مردان است که خرجی همسران خود را بدهند، چون (در واقع) زن، فروشنده خویش و مرد، مشتری است و بَیْع (فروش)، بدون ثمن (پول)، معنی ندارد. همان گونه که شرا (خرید)، بدون پرداخت پول، معنی ندارد. در صورتی که زنان از معامله و تجارت ممنوع و محظورند. علاوه بر این، علل دیگری هم وجود دارد.^۴

❁ چرا همت زنان در مورد مردان است ولی همت مردان در زمین است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

چون زن از مرد خلق شده است، لذا همت او در مردان است، پس زنان خود را نگه دارید، ولی مرد از زمین خلق شده است، لذا همت او در زمین است.^۵
توضیح اینکه، زنان به فکر آنند تا مردان را جذب خود کنند، ولی مردان به فکر آن هستند، که مال و ملک و زمینی را تصاحب کنند.

۱. قرآن کریم، با ترجمه و شرح واژگان از استاد ابوالفضل بهرام پور، ص ۴۹۰.

۲. عشرون سؤالاً و شبهه حول المرأة، ص ۷۴.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۰۰، ح ۸۰۷۷.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۵. علل الشرائع، ص ۴۹۸.

❁ چرا زن حتی اگر در جای خلوتی هم نماز بخواند، واجب است که حجاب را رعایت کند؟

چند دلیل وجود دارد: ۱. یک امر تعبّدی است (هر چند دلیل آن را ندانیم ولی چون بنده خدا هستیم آن را می‌پذیریم) ۲. بهترین حالت زن در نزد خداوند، در حال حجاب است ۳. بهترین تمرین برای حجاب بشمار می‌آید تا در مقابل نامحرمان نیز چنین حالتی را رعایت نمایند. ۴. باعث تمرکز حواس بیشتری می‌شود چون در صورت عدم رعایت حجاب هر لحظه احتمال ورود نامحرم و یا در دید نامحرم قرار گرفتن وجود دارد.

❁ چرا حدیث گویند: «نفرین مرد در حق همسرش، مستجاب نمی‌شود»؟
امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَرْبَعَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ... وَ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ فَدَعَا عَلَيْهَا فَيَقَالُ لَهُ أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا إِلَيْكَ...»^۱ چهار دسته دعایشان مستجاب نمی‌شود یکی از آنان کسانی هستند که بر همسر خود نفرین کنند زیرا خداوند به او می‌گوید آیا امرش را (طلاق) بدست خودت قرار ندادم.

❁ چرا گویند: پشت سر شیر درتده راه برو ولی پشت سر زن نامحرم راه مرو؟
زیرا پشت سر شیر راه رفتن آن چنان خطری ندارد و اگر هم داشته باشد خطر جسمی است ولی راه رفتن پشت سر زن نامحرم خطر انحراف، حتمی است و خطر دینی مهم‌تر از خطر جسمی است.

❁ چرا در اسلام دستور رسیده است که قبل از ازدواج، به صورت و چهره دختر نظر نمایند؟ (و در مورد او تحقیق نمایند)؟

زیرا با دیدن او زیان و ضرر از بین می‌رود و چون مرد در حکم مشتری است که می‌خواهد جنسی را با بالاترین قیمت خریداری نماید.^۲ لذا لازم است که نگاه کند و تحقیق نماید تا مغبون نشود و دیگر این که انسان می‌خواهد یک عمر با آن زن زندگی کند و از او فرزندان صالحی را به عمل آورد و با کمک او به سعادت دنیا و آخرت برسد و بهترین شریک زندگی برای خود انتخاب کند بنابر این لازم و ضروری است که نظر کند و تحقیق نماید تا در آینده پشیمان و نادم نگردد و طلاق دادن هم کار آسانی نیست.

۱. المواعظ العددیه، ص ۱۳۶.

۲. شرح لمعه، ج ۲، کتاب نکاح.

❁ چرا روایت است که شهوت زنان چندین برابر (۹ برابر) شهوت مردان است؟
 زیرا تشکیلات ساختمانی دستگاه زنانگی آنها فرق می‌کند. زنان هم آلت تأنیث (زنانگی) دارند و هم آلت تذکیر (مردانگی)، که امروز ختنه کردن آلت تذکیری آنان طرفدارانی پیدا کرده است.^۱
 شاید قرآن که در بحث زنا، زن زناکار را بر مرد زناکار مقدم داشته است به همین جهت باشد که شهوت زنان بیش از مردان می‌باشد. و یا اینکه چون زنان غالباً مقدمات (خودنمایی و آرایش و عدم رعایت حجاب) زنا را فراهم می‌آورند.

❁ چرا روایت است که دختر رحمت و پسر نعمت می‌باشد؟
 زیرا خداوند به خاطر دختر ثواب می‌دهد، ولی به خاطر پسر روز قیامت سؤال می‌کند.^۲ و به تجربه ثابت شده است افرادی که صاحب دختر شده‌اند، گاهی هنوز آن دختر به دنیا نیامده است که رزق و روزی و رحمت خداوند بیشتر شامل حال آن‌ها شده است. (وَ اَنَا مِنْهُمْ).

❁ چرا بعضی از مراجع تقلید، آمیزش بعد از حیض را، قبل از غسل جایز می‌دانند، ولی بعضی دیگر جایز نمی‌دانند؟

آنهایی که جایز می‌دانند، گویند: آیه قرآن در سوره بقره «يَطْهَرْنَ»^۳ است و معنایش آن است که؛ وقتی زنان از خون حیض پاک شدند، آمیزش جایز می‌باشد و آنهایی که جایز نمی‌دانند، گویند: همین آیه در سوره بقره «يَطْهَرْنَ» می‌باشد و معنایش آن است که؛ وقتی زنان از خون حیض پاک شدند و غسل را بجا آوردند، آمیزش جایز می‌باشد ولی قبل از غسل، آمیزش جایز نمی‌باشد.^۴

❁ چرا اسلام تعدد زوجات (چند زن گرفتن) را اجازه داده است؟
 اولاً؛ باید گفت که اسلام چنین چیزی را واجب نکرده است تا بگوییم حتماً باید مردان، چند زن بگیرند، بلکه طبق شرایطی جایز می‌شود که چند زن بگیرند.
 ثانیاً؛ خداوند حکیم به عللی این امر را جایز دانسته است که عبارتند از:
 ۱. چون یک امر فطری می‌باشد و حتی حیوانات هم گاهی به یک ماده، اکتفا نکرده بلکه چند تا ماده را زیر نظر می‌گیرند و هیچ وقت حیوان ماده‌ای، چند نر را یک زمان به خود جلب نکرده است.

۱. ازدواج مکتب انسان سازی، ج ۲، ص ۸۵.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۶.

۳. «فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا يَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ». بقره، آیه ۲۲۲.

۴. شرح لمعه، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. گاهی زندگی مردم، چنین چیزی را اقتضا می‌کند؛ زیرا گاهی برای زیاد شدن اولاد ذکور، برای مقابله با دشمنان و بیگانگان و یا برای زیاد شدن افراد قبیله و طایفه و یا کمک کار زندگی، چند زن می‌گیرند.

۳. زیرا غالباً تعداد زنان بیشتر از مردان است، چون گشت و کشتار و ترور و شبیخون در مردان، رایج می‌باشد.

۴. زیرا عمر دستگاه تناسلی مرد، بیشتر از دستگاه تناسلی زن است و زن در سن پنجاه سالگی، دیگر حامله نمی‌شود، ولی مرد چه بسا تا صد سالگی هم، قدرت بر جماع داشته باشد.

۵. اگر به یک زن اکتفا شود، در ایام حیض و نفاس و حاملگی و وضع حمل و حتی دوران شیر دهی و یا مرض‌های متفاوت، سر مرد بی‌کلاه می‌ماند و چه بسا در گناه و معصیت داخل شود.

۶. تعدّد زوجات، آتش حرص مردان را کم می‌کند، زیرا اگر چه زن دیگری هم نخواستند باشند، اما اگر از تعدّد زوجات، منع شوند بیشتر به طرف آن می‌روند. گویند: «الأنسان حریصٌ علی ما مُنع» و همین باز بودن راه، بهانه او را از ارتکاب زنا و هتک ناموس محترم مردم از دستش می‌گیرد.^۱

آیت الله مکارم (حفظه الله) می‌فرماید: جواز تعدّد زوجات در بعضی از موارد یک ضرورت اجتماعی است و علت این امر عبارت است از: الف) عمر زندگی جنسی مردان، از زنان طولانی تر است. ب) زنان به هنگام عادت ماهانه و قسمتی از دوران حمل، عملاً ممنوعیت جنسی دارند در حالی که در مردان این ممنوعیت ها وجود ندارد. ج) زنانی هستند که به علل گوناگونی همسران خود را از دست می‌دهند و معمولاً نمی‌توانند به عنوان همسر اول، مورد توجه مردان قرار گیرند و اگر مسئله تعدّد زوجات در کار نباشد آنها باید برای همیشه بدون همسر باقی بمانند. د) گاه می‌شود که بر اثر عقیم بودن زن، و علاقه شدید مرد به داشتن فرزند، تمایل به تعدّد زوجات را منطقی می‌کند. ه) گاهی بر اثر تمایلات شدید جنسی و عدم توانایی همسر اول برای انجام خواسته غریزی، مرد، خود را ناچار به ازدواج دوم می‌بیند. مورخ مشهور فرانسوی گوستاویلون قانون تعدّد زوجات اسلام را که به صورت محدود و مشروط است یکی از مزایای این آئین می‌شمارد.^۲

۱. المیزان، ج ۴، ص ۲۹۰-۲۹۹.

۲. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۸۳-۴۸۵.

❁ چرا برای مردان، چند زن گرفتن جایز ولی برای زنان، چند شوهر کردن، حرام می‌باشد؟

زیرا در صورت اول، فرزند منسوب به مرد خواهد بود، ولی اگر زن، در یک زمان، چند شوهر داشته باشد، معلوم نمی‌شود که فرزند از کدام شوهر خواهد بود و این عمل باعث فساد حسب و نسب‌ها و توارث و شناسایی می‌گردد.^۱

آیت الله مکارم (حفظه الله) در این باره می‌فرمایند: اولاً میل جنسی در مردان به مراتب بیش از زنان است و از جمله ناراحتیهائی که در کتب علمی مربوط به مسائل جنسی در باره غالب زنان ذکر می‌کنند مسئله «سرد مزاجی» است در حالی که در مردان، موضوع بر عکس است.

ثانیاً تعدد همسر در مورد مردان هیچ گونه مشکل اجتماعی و حقوقی ایجاد نمی‌کند در حالی که در باره زنان اگر فرضاً دو همسر انتخاب کنند، مشکلات فراوانی به وجود خواهد آمد که ساده ترین آنها مسئله مجهول بودن نسب فرزند است که معلوم نیست مربوط به کدام یک از دو همسر می‌باشد و مسلماً چنین فرزندى مورد حمایت هیچ یک از مردان قرار نخواهد گرفت و حتی بعضی از دانشمندان معتقدند: فرزندى که پدر او مجهول باشد کمتر مورد علاقه مادر قرار خواهد گرفت، و با این ترتیب چنین فرزندانى از نظر عاطفى در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند، و از نظر حقوقی نیز وضعشان کاملاً مبهم است.^۲

در صورتی که مرد چندین همسر داشته باشد یک سرپرست و اختیاردار بیشتر نیست، ولی در صورتی که یک زن چندین شوهر داشته باشد، اختیار داران متعدد می‌شوند و همین امر سبب جنگ و نزاع و حتی کشت و کشتار می‌گردد.

❁ چرا بهتر است با فامیل‌های خیلی نزدیک، ازدواج نشود؟

زیرا در بعضی روایات، ازدواج با فامیل نزدیک نهی شده است از جمله:

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «اغتربوا و لاتتضوا».^۳ یعنی: با غیر فامیل (غریبه)، ازدواج کنید و فرزندان نحیف و لاغر اندام نیاورید.^۴

و در جای دیگر رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «لا تنكحوا القرابة القریبة فان الولد یخلق ضاوياً».^۵ یعنی: با بستگان نزدیک ازدواج نکنید که فرزند ضعیف و لاغر به وجود می‌آید.^۱

۱. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۲۱۷.

۲. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۴۸۶.

۳. محجه البیضاء، ج ۳، ص ۹۴؛ بزرگسالان و جوان، محمد تقی فلسی.

۴. احکام دختران، ص ۲۳۱، محمد وحیدی.

۵. محجه البیضاء، ج ۳، ص ۹۴.

❖ چرا حضرت علی علیه السلام، غیرت مردان را علامت ایمان و غیرت زنان را علامت کفر می‌داند
«غِيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غِيْرَةُ الرَّجُلِ اِيْمَانٌ»؟

عَلَّتْ آنکه غیرت زن، کفر است، زیرا مستلزم حرام دانستن دو زن یا بیشتر است برای یک مرد، که خدا آن را حلال نموده است.^۲

و عَلَّتْ آنکه غیرت مرد، ایمان است، چون موجب حرام دانستن اشتراک دو مرد است، در یک زن که خداوند آن را حرام کرده است.

❖ چرا قرآن از میان جادو گران و ساحران، خصوص زنان را نام می‌برد و می‌فرماید: «وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ».^۳ یعنی: از شرّ زنان جادو گر ساحر، که در عقده‌ها و گره‌ها، علیه مسحور می‌دمند و به این وسیله مسحور را جادو می‌کنند؟

مرحوم علامه طباطبایی در «المیزان» می‌فرماید: برای این است که سحر و جادوگری، در بین زنان بیشتر از مردان است.^۴

❖ چرا خداوند در قرآن فقط خطاب به زنان پیامبر می‌کند و می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»^۵ یعنی به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید؟

بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر به عنوان تاکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوییم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومی این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدّی تری از این کار پرهیز کند.^۶

۱. احکام دختران، ص ۲۲۱، محمد وحیدی.

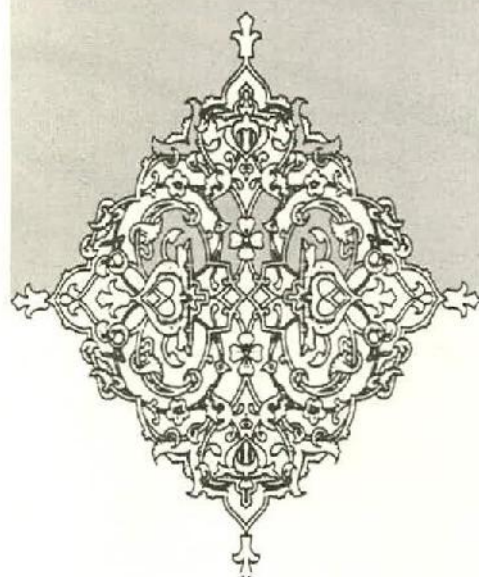
۲. نهج البلاغه، ص ۱۱۴۴.


۳. فلق، آیه ۴.

۴. المیزان، جزء ۳۰.

۵. احزاب، آیه ۳۲.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

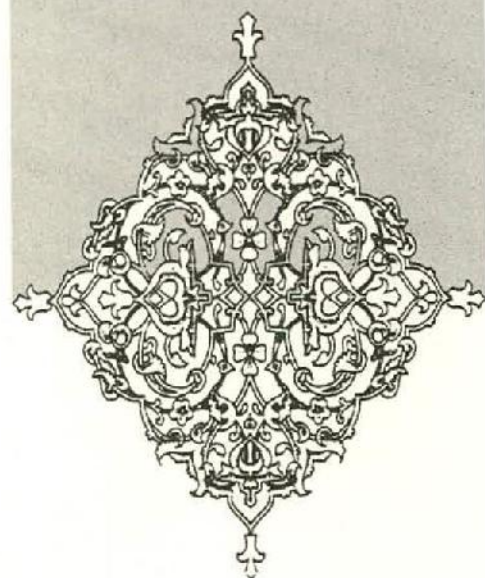




فصل سوّم:

عمومی





❁ چرا گوییم هفت آسمان و هفت زمین وجود دارد؟

چون قرآن به چنین مطلبی اشاره می‌کند: «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنْ اَلْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ». یعنی: خدا آن کسی است که هفت آسمان و مثل آن هفت زمین را خلق نمود. منظور از هفت زمین یا: الف) هفت عدد از کرات آسمانی است که ساختمانش از انواع ساختمان زمینی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

ب) تنها زمین خود ماست که دارای هفت طبقه است که (چون طبقات پیاز) روی هم قرار دارند. ج) اقلیم‌ها و قسمت‌های هفت گانه روی زمین است که دانشمندان جغرافی قدیم زمین را به هفت قسمت (قاره) تقسیم کرده‌اند.^۱

در کلام معصومین علیهم‌السلام آمده: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ»^۲ یعنی: پروردگار آسمانهای هفت گانه. و «رَبِّ الْاَرْضِينَ السَّبْعِ»^۳ یعنی: پروردگار زمین‌های هفت گانه.

❁ چرا زمین گرد است؟

زمین به همان دلیلی گرد است که قطره باران یا حباب گرد است، هر سیال در شرایط خاصی به کروی شدن تمایل پیدا می‌کند و این در صورتی است که از بالا به پایین سقوط کند و یا حالت شناور داشته باشد زمین در ابتدای شکل‌گیری، مذاب بود. به همین دلیل شناور بودن آن در فضا باعث شد که شکل کروی به خود بگیرد و زمانی که مواد مذاب سرد و سخت شدند، زمین شکل خود را حفظ کرد.^۴

❁ چرا خداوند حرکت وضعی را برای زمین قرار داده است؟

زیرا این امر سبب می‌شود که همه ساکنان زمین، نور و گرمای مورد نیاز زندگی خود را از خورشید به دست آورند.

❁ چرا خداوند برای زمین حرکت انتقالی قرار داده است؟

تا از راه حرکت انتقالی فصول چهارگانه و کوتاه و بلند شدن شب و روز و اختلاف نباتات و

۱. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۲۶؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۵۵۱.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۶۰۴.

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۶۰۴.

۴. مجله هزار و یک پرسش زمین، ص ۴، بریویت آردلی، نیل آردلی، ترجمه رضوان دزفولی.

حیوانات در روی زمین به وجود آید.

✽ چرا شب و روز بوجود می آید؟

بخاطر اجتماع دو عامل از عوامل طبیعی است ۱. حرکت وضعی زمین بر دور مرکز خود
۲. میل سطح دایره استوائی و یا معدل از سطح مدار ارضی در حرکت انتقالی شش ماه بسوی
شمال و شش ماه بسوی جنوب.^۱

✽ چرا کسوف (خورشید گرفتگی) و خسوف (ماه گرفتگی) از آیات الهی می باشد؟

زیرا آنها از پدیده های عجیب و زیبایی هستند که تنها خداوند به ایجاد آنها قادر است و از
هیچ قدرت دیگری بر نمی آید.^۲

✽ چرا دانشمندان عقیده دارند که خورشید نمی سوزد؟

زیرا گویند: ۱. اگر خورشید به صورت آتش می سوخت، می بایستی میلیونها سال پیش تمام
شده باشد ۲. هیچ آتشی نمی تواند چنین دمایی تولید کند.^۳

روزگاری تصوّر می کردند به این علت که خورشید گرما و نور می دهد، می سوزد، ولی اگر
چنین بود، باید میلیونها سال قبل، تمام شده باشد. بنابر این دانشمندان به این نتیجه رسیده اند
که خورشید، گوی عظیمی از گازهای فروزان و بسیار داغ است و انرژی خورشید از اتمها
می باشد و بیشتر انرژی خورشید بر اثر تبدیل ئیدروژن به هلیوم تولید می شود بنابر این، در جریان
تبدیل ئیدروژن به هلیوم مقداری از ماده به انرژی تبدیل می گردد.^۴

به نظر دانشمندان منبع خورشید، اتمها هستند. به نظر می رسد که بیشتر انرژی خورشید به
وسیله فوزیون اتمی در هنگامی که ئیدروژن به هلیوم تبدیل می شود، به دست می آید.^۵

گویند: عمر خورشید چندین میلیارد سال است و دائماً در حال نور دادن و حرارت می باشد.

✽ چرا کره ماه هر شبی به شکل خاصی در می آید (هلال و بدر ...)?

۱. المیزان، ج ۱، ص ۶۰۰.

۲. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۷۱۰، سال ۱۳۸۰.

۳. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۲۷۵، سال ۱۳۸۰.

۴. علوم تجربی، سال سوم راهنمایی، ص ۴۰، سال ۱۳۸۰.

۵. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۲۷۵، سال ۱۳۸۰.

زیرا کره ماه نسبت به خورشید، در اوضاع گوناگونی قرار می‌گیرد و تابع چگونگی نور گرفتن از خورشید می‌باشد.^۱

❁ چرا ماه را از شب اول آن (نه از روز اول) حساب می‌کنند؟

زیرا مسلمانان صدر اسلام، غالباً صحرا نشین بودند و تنها وسیله آنان برای دانستن اول ماه این بود که ماه را ببینند و چون ماه در اول شب دیده می‌شود، لذا ماه را از شب اول حساب می‌کنند نه از روز اول.^۲

❁ چرا در شب اول و دوم ماه، ماه دیده می‌شود ولی در دو یا سه شب آخر ماه، ماه دیده نمی‌شود؟

چون ماه در محاق تحت الشعاع است و حذب ماه به طرف مشرق است و تقریباً نیمه تاریک ماه به سمت ما می‌باشد لذا با چشم اصلاً دیده نمی‌شود. (تا شب اول ماه بعد که دوباره به صورت هلال باریکی رؤیت می‌شود).^۳

❁ چرا لکه‌هایی در سطح کره ماه مشاهده می‌شود؟

زیرا کره ماه، دارای فرو رفتگی‌هایی است و آن فرو رفتگی‌ها به خوبی نور خورشید را جذب نمی‌کنند، لذا به صورت تیره و تار مشاهده می‌شود.

❁ چرا کره ماه بیشتر از خورشید در جزر و مد دریاها و اقیانوس‌ها تأثیر دارد؟

زیرا خورشید بیشتر از ماه با زمین فاصله دارد.^۴ به عبارت دیگر چون کره ماه به زمین نزدیک تر است.

❁ چرا با این که کره زمین با سرعت زیاد در حال حرکت است ما این حرکت را احساس نمی‌کنیم؟

زیرا کره زمین با جوی بالای آن با هم در حال حرکت هستند. لذا ما حرکت آن را حس

۱. الجغرافيا الجمهورية اللبنانية، السنة الاولى من المرحلة المتوسطة، ص ۱۵.

۲. ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۳. التفتيد، ج ۵، ص ۱۵۲.

۴. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۴۶۰، سال ۱۳۸۰.

نمی‌کنیم مانند این که وقتی سوار ماشین هستیم حرکت هوا را داخل آن، احساس نمی‌کنیم.

❁ چرا خداوند بالای کره زمین، جوّ قرار داده است؟

اگر جو زمین نبود، در هر شبانه روز که میلیونها سنگ آسمانی از کرات جدا می‌شد و به سوی زمین فرود می‌آمد که هر یک با سرعت ۱۰۰/۰۰۰ کیلومتر در ساعت به طرف زمین فرود می‌آیند، برای کره زمین بسیار خطرناک بود و زمین شبانه روز مورد هجوم شهاب سنگها بود و آرامش و اطمینان از جامعه بشری و حتی از حیوانات و نباتات رخت بر می‌پست و همه در اضطراب زندگی می‌کردند.

یکی دیگر از فوائد جوّ زمین این است که حرارت و سرما را تعدیل می‌کند و نمی‌گذارد حرارت خورشید مستقیم به زمین برسد و آلا آب دریاها همه به جوش می‌آمد و همه موجودات می‌سوختند و در شب، درجه سرما به حدود ۱۵۰ درجه زیر صفر می‌رسید و همه موجودات یخ زده و فسرده می‌شدند.^۱

❁ چرا انسان گرایش به مادیات دارد؟

از آنجایی که آفرینش انسان از خاک و مادیات است، لذا گرایش غریزی او نیز به مادیات است.^۲

❁ چرا خداوند برای انسان لباس قرار داده است؟

امام صادق (ع) می‌فرماید: چند مصلحت دارد:

۱. در بیرون آوردن لباس در بعضی اوقات، راحتی و در پوشیدن آن در بعضی از حالات، لذت می‌باشد.
۲. پوشیدن لباسهای مختلف، موجب زینت و جمال انسان می‌گردد.
۳. برای تهیه لباس، انواع کسب ها و معیشت‌ها حاصل می‌شود.
۴. مشغول شدن به امر لباس، او را از ارتکاب ملامهی و مناهی و فسق و فجور، مانع می‌گردد.^۳

❁ چرا خداوند در بدن انسان رگ قرار داده است؟

امام صادق (ع) می‌فرماید: سیصد و شصت رگ اصلی در بدن است غیر از رگهای فرعی که

۱. شگفتی‌ها و عجایب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۷۲-۷۳.

۲. تفسیر نور، ج ۶، ص ۳۳۰.

۳. توحید مفضل، ص ۱۴۳.

خیلی زیاد می باشد هر رگی جدولی برای جریان خون است که اگر یکی از کار بیفتد شخص فلج می شود اگر آن رگ مربوط به مغز باشد که شخص سگته می کند.^۱

✽ چرا خداوند سگ را حیوانی باوفا قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: زیرا خداوند، سگ را نگاهبان آدمی قرار داده است، لذا باید به صاحبش مهر بورزد و از او دفاع و حمایت و نگهداری نماید. در شب تاریک بر دیوارها و بامها بالا رود تا خانه و صاحب خود را از شر دزدان (و مزاحمان) نگهداری کند. مهر و دوستی سگ، گاهی به درجه ای می رسد که برای حفاظت از جان و مال صاحبش، جانش را در خطر می افکند.^۲

✽ چرا خداوند برای حیوانات دم قرار داده است؟

به قول امام صادق علیه السلام چند منفعت دارد:

۱. ستر و پوشش برای عورت آنها می باشد تا آن که گشوده و باز نباشد، چنانچه آدمیان آن را با جامه می پوشانند.
۲. زیرا در میان دبر (پشت) و شکم آنها چرک، جمع می شود و مگس و پشه بر گرد آن جمع می آیند و آنها را اذیت و آزار می دهند، لذا دم آنها به عنوان بادزنی است، که آنها را از آن موضع می راند.
۳. چون دستها و پاهای آنها به برداشتن بدن مشغول هست، لذا به سبب حرکت دادن دم به جانب چپ و راست، استراحت می نمایند.
۴. اگر در گل فرو روند و راه و چاره دیگری برای بیرون آوردن آنها نباشد، از راه گرفتن دم آنها، بیرون کشیده می شوند.^۳

✽ چرا خداوند بوزینه را شبیه انسانها قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: حکمت در خلقت آن این است که آدمی بداند که او از خلقت و طینت بهایم خلق شده است. و خدای حکیم او را از سایر حیوانات به عقل و نطق ممتاز گردانید.

۱. رازگویی و قرآن، ص ۱۰۶، سید عبدالحسین دستغیب.

۲. توحید مفضل، ص ۹۴.

۳. توحید مفضل، ص ۱۳۶-۱۳۷.

و اگر گویایی و نفس ناطقه او نبود او هم مانند سایر چهار پایان و بهایم می بود، پس خدا را بر این نعمت عظمی و موهبت کبری شکر نماید و عقل را در راه صحیح مصروف دارد.^۱

❁ چرا خداوند در پشت شتر، کوهان قرار داده است؟

در کوهان، غذای ذخیره شده وجود دارد و چون ممکن است شتر چند هفته در بیابان برای بردن بار بماند، لذا اگر غذایی پیدا نکرد، از غذای اندوخته شده استفاده می کند.

❁ چرا خداوند برای هر چشم شتر دو پلک قرار داده است؟

زیرا شتر غالباً در صحراها و بیابانها، حرکت می کند و موقعی که هوا گرد و غبار می شود، یک پلک آن را جلوی چشم خود می کشد تا از ورود گرد و غبار جلوگیری کند و به راه خود ادامه دهد.

❁ چرا خداوند شتر را طوری خلق نموده که می تواند مدت ها تشنگی را تحمل نماید؟

زیرا شتر غالباً در بیابانها سیر می کند و ممکن است چند هفته به آب دسترسی پیدا نکند.

❁ چرا خداوند به پرندگان منقار داده است؟

منقار، برای جذب غذا و شکار نمودن و همینطور برای ساختن لانه و آشیانه است.

❁ چرا خداوند به ماهی شش نداده است؟

امام صادق علیه السلام می فرمایند: برای آنکه در میان آب، نمی تواند نفس بکشد. اما آب را از راه دهان، داخل و از راه گوش، خارج می کند و از این راه، راحت می یابد، مانند حیوانات دیگر که در نفس کشیدن به واسطه نسیم، راحت می یابد.^۲

خداوند بجای شش به ماهی آبشش داده تا هوای داخل آب را به وسیله آن جدا کند و تنفس نماید.

❁ چرا وقتی دریاچه ها در زمستان منجمد می شوند، ماهی ها نمی میرند؟

زیرا وقتی که آب سطح دریاچه، تبدیل به یخ می شود، خود این طبقه منجمد، مانع می گردد

۱. توحید مفضل، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۲. توحید مفضل، ص ۱۶۵.

که سرما، بیشتر در آب نفوذ کند. در نتیجه بقیه آب در اعماق دریاچه، گرم باقی می‌ماند و ماهیان به راحتی قادر می‌گردند که در آن به زندگی عادی خود ادامه بدهند.^۱

❁ چرا خداوند نسل ماهی را زیاد گردانیده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در دل ماهی، تخم‌های بسیار است که از زیادی، نمی‌توان آنها را شمارش کرد و علت آن این است که ماهی‌ها، غذای اکثر حیوانات هستند و حتی بعضی از درندگان که در نیستانها می‌باشند، ماهی می‌خورند و چون انسانها و درندگان و مرغان همه ماهی می‌خورند و حتی ماهی‌ها خود، ماهی می‌خورند، لذا خداوند این فراوانی را در ماهی‌ها قرار داده است.^۲

❁ چرا ماهی با اینکه ذبح نشده، خوردن آن حلال است بخلاف دیگر حیوانات مانند گاو و گوسفند...؟

امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند: چون ماهی، خون زیادی ندارد که ذبحش لازم شود تا بدان وسیله از او بیرون رود و خون کمی که در اوست، مانند باقیمانده خونی که در بدن ذبیحه می‌ماند، بی ضرر و حلالست.^۳

❁ چرا خداوند حیواناتی را مانند گاو و گوسفند بچه‌زا اما پرندگان را تخم‌گذار قرار داده است؟

چون حیوانات بچه‌زا باید به چرا بروند و کار کنند لذا اگر تخم‌گذار بودند از کار و چرا بازمی‌ماندند و پرندگان چون چینه‌دان دارند می‌توانند برای مدتی از لانه بیرون نیایند و روی تخم بنشینند.

❁ چرا اکثر بوهای خوش در هند می‌روید؟

دو روایت است:

۱. زیرا حضرت حوّا بر کوه مروه فرود آمد، گیسوهای خود را گشود، پس آن بوی خوش که

۱. دانستنیها و اطلاعات گوناگون، ص ۵۵۷.

۲. توحید مفضل، ص ۱۶۵.

۳. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۵۷ بنقل از بحار، ج ۴، ص ۲۵۰.

از بهشت همراه آن بود، فرو ریخت و باد به مشرق و مغرب و اکثرش را بر زمین هند ریخت، به این سبب اکثر بوهای خوش از هند می‌روید.

۲. روایت است که باد جنوب به آن برگی که حضرت آدم عورتش را با آن پوشانده بود، وزید و بوی خوش آن برگ را به هند رسانید و درختان و گیاهان هند را خوشبو گردانید و به این سبب گیاهان خوشبو در هند فراوان می‌باشد.^۱

❁ چرا از میان حیوانات از ناف آهو، مشک به وجود می‌آید؟

زیرا اول جانوری که از برگ بهشتی (برگی که حضرت آدم خودش را با آن پوشانده بود) خورد، آهو بود به این جهت بوی بهشتی در گوشت و خونس جاری شد تا این که در جلوی نافش، جمع شد و از آن، مشک به هم رسید.^۲

❁ چرا خداوند پرندگان را تخمگذار (نه بچه زا)، خلق کرده است؟

مصلحت خداوند چنین اقتضا می‌کند که پرندگان تخم بگذارند و بچه نزنند تا در وقت پرواز، سنگین نباشند. اگر فرضاً در شکم آنها بماند تا قوی شود، سنگینی آن، آنها را از برخاستن و پرواز نگاه می‌دارد.^۳

❁ چرا خداوند برای پرندگان منقار قرار داده است؟

منقار پرندگان برای جذب غذا و شکار نمودن است و همینطور برای ساختن لانه و آشیانه استفاده می‌شود.^۴

❁ چرا خداوند برای پرندگان و مرغان، چینه دان قرار داده است؟

زیرا راه غذا از چینه دان تا به سنگ دان، باریک است و غذا تنها بسیار آرام و اندک اندک وارد آن می‌شود و اگر پرنده تا رسیدن دانه اول، دانه دوم را بر نچیند کار او به درازا می‌کشد و غذای کافی به او نمی‌رسد. پس چینه دان آنها مانند تورهای در پیش آنها آویخته شده، تا هر چه را که

۱. حلیه المتقین، ص ۱۰۷.

۲. حلیه المتقین، ص ۱۰۸.

۳. توحید مفضل، ص ۱۰۶.

۴. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجایب در گذرگاه آفرینش، ص ۱۷۸.

می‌یابند، به سرعت بگیرند و وارد چینه دان کنند، ولی آرام آرام از چینه دان روانه سنگ دان گردانند. در چینه‌دان ویژگی دیگری نیز هست و آن این که برخی از پرندگان از درون خود غذا به دهان جوجه می‌ریزند. در این صورت برگرداندن غذا از چینه دان نزدیک‌تر و راحت‌تر است.^۱

❁ چرا حیوانات و وحوش از یکدیگر تنافر داشته و از هم فرار می‌کنند؟

این حیوانات ابتدا با هم زندگی می‌کردند و مختلط بودند، اما زمانی که قابیل هابیل را کشت، بر اثر ترس و وحشت از یکدیگر فرار می‌کنند.^۲

❁ چرا پای طاووس قبیح المنظر (زشت) است؟

زیرا بنابر قولی شیطان برای فریب دادن آدم و حوا به صورت مار در آمد و به پای طاووس پیچید و به بهشت داخل شد، لذا پای طاووس زشت گردیده است.^۳

❁ چرا انسان با مار دشمن است؟

زیرا شیطان پس از رانده شدن از درگاه حق تعالی برای فریب دادن آدم و حوا به صورت مار در آمد (و به پای طاووس پیچید) و به بهشت داخل شد و آن دو را به خوردن سیب (یا گندم) واداشت، به این سبب آدم و حوا از بهشت رانده شدند.^۴

❁ چرا برای پیدا کردن جنازه از زیر آوار و کشف مواد مخدر از سگ استفاده می‌کنند؟

زیرا در بین پستانداران سگ از قدرت بویایی فوق العاده‌ای برخوردار است. قدرت بویایی یک سگ حدود یک میلیون بار از انسان بیشتر است.^۵

❁ چرا خداوند برای میوه هسته و دانه قرار داده است؟

امام صادق (ع) می‌فرماید: دو حکمت دارد:

۱. هسته‌ها، قائم مقام درخت هستند یعنی، چون آنها را بکارند، درختی مانند آن بروید. ۲.

۱. توحید مفضل، ص ۱۰۸.

۲. علل الشرایع، ص ۴.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۴.

۴. فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۴.

۵. زیست شناسی جانوری-نظری، سال سوم ۱۳۷۹.

به اعتبار صلابتی که دارند، میوه‌ها را به آن لطافت و نرمی نگاه می‌دارد و اگر آنها نمی‌بودند، میوه لطیف از هم می‌پاشید و فاسد می‌شد.^۱

❁ چرا خداوند برای درختان ریشه قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

زیرا درختان مانند حیوانات نیستند که دهان داشته باشند تا آب و غذا بخورند و قادر به حرکت هم نیستند تا مانند حیوانات دنبال آب و غذا بروند لذا خداوند برای درختان ریشه قرار داده است تا از زمین غذای خود را بیرون آورند و به شاخه‌ها و برگ‌ها و میوه‌ها برساند، پس زمین مانند مادر، تربیت کننده است و ریشه‌ها مانند دهان می‌گیرند و شیر می‌مکند.^۲

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: تا از زمین غذای خود را بیرون آورند و به شاخه‌ها و برگ‌ها و میوه‌ها برسانند و خاصیت دیگر ریشه آن است، که درختان را از افتادن و میل کردن، نگاه می‌دارد.^۳

❁ چرا خداوند طلوع و غروب را برای خورشید قرار داده است؟

زیرا اگر طلوع خورشید نبود کار جهان یکسره در هم می‌شد و مردم قادر به زندگی و رسیدن به امور خود نبودند. دنیا تاریکستانی به زیان آنان بود و بدون نور زندگی گوارا نبود و از آن لذت نمی‌بردند. و اگر غروب خورشید نبود مردم آرامش و قرار نداشتند در حالی که بیش از هر چیز به آرامش و استراحت جسم و جان نیازمندند. و اگر خورشید غروب نمی‌کرد، حرص آدمیزاد باعث می‌گشت که همواره کار کند و بدن او از کار بیفتد. هم چنین زمین از تابش همیشگی آفتاب تفتیده می‌شد و تمام جانداران اعم از گیاه و حیوان از حرارت زیاد نابود می‌شدند. پس خداوند حکیم خورشید را مانند چراغی قرار داده که اهل خانه برای کاری بر می‌افروزند و برای آرامش خاموش می‌گردانند.^۴

۱. توحید مفضل، ص ۲۱۸.

۲. توحید مفضل، ص ۲۱۸.

۳. توحید مفضل، ص ۲۱۶.

۴. توحید مفضل، ص ۱۱۹.

✽ چرا رنگ آسمان، آبی است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون این رنگ، مناسب‌ترین و بهترین رنگ برای تقویت نور دیدگان است. حتی پزشکان به کسی که دیدگانش آسیب دیده است، سفارش می‌کنند که همواره در رنگ سبز مایل به تیره (آبی) بنگرد. برخی از پزشکان ماهر به کسی که در بینایی او ضعف به هم رسیده، سفارش می‌کنند که در ظرف سبزی که آکنده از آب باشد بنگرد. پس خداوند، چنین رنگی را برای آسمان قرار داده، تا دیدگان را برآید و از دیدن همیشگی آن، وضعی در چشم، پدید نیاید.^۱

زیرا مولکولهای هوا، نور بنفش را که دارای طول موج کوتاه است، آسانتر از نور قرمز با طول موج بلند، پراکنده و پخش می‌کند و به عبارت دیگر، مولکولهای فوقانی جو، برای پخش رنگ آبی، قدرت بیشتری دارند، لذا این رنگ آبی در همه جهات، پراکنده می‌شود.

✽ چرا رنگ آسمان، در موقع غروب خورشید سرخ و نارنجی است؟

ظهور رنگ سرخ و یا نارنجی در هنگام غروب به علت آن است که پرتو خورشید هنگام غروب، قسمت عمده‌ای از نور آبی را از دست داده و رنگ سرخ باقی می‌ماند.^۲

✽ چرا خداوند هوا را خلق کرده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: صدا، اثری است که از اصطکاک اجسام در هوا حادث می‌گردد. هوا آن را به قوه سامعه می‌رساند (پس اگر هوا نبود صدای انسان‌ها به یکدیگر نمی‌رسید و امر زندگی مختل می‌گردید) (از طرفی اگر هوا نبود امر تنفس هر انسان و حیوانی مختل می‌گردید و بعد از چند دقیقه‌ای می‌مرد).^۳

✽ چرا خداوند سرما و گرما را خلق کرده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: علاوه بر این که سبب به وجود آمدن چهار فصل می‌شود بدن‌ها را دباغی می‌کنند و به اصلاح درمی‌آورند و اگر سرما و گرما بر بدن انسانها و حیوانها وارد نمی‌شدند هر

۱. توحید مفضل، ص ۱۱۸.

۲. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجایب در گذرگاه آفرینش، ص ۴۹.

۳. توحید مفضل، ص ۱۹۲.

آینه بدن‌ها فاسد و ضایع می‌گردیدند.^۱ و اگر گرما نبود میوه‌های سخت و تلخ، نرم و رسیده نمی‌شد و اگر سرما نبود کشتزار این گونه جوانه نمی‌زد و حبوبات و غلات، روزی آدمی را بر نمی‌آورد.^۲

✽ چرا خداوند شب را قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: اگر شب نبود مردم را قرار و سکون میسر نبود، با احتیاج زیادی که به خواب و استراحت دارند. و اگر شب نمی‌شد حرص، مردم را بر آن می‌داشت تا آنکه پیوسته کار کنند و بدنهای خود را بکاهند و اگر شب در نمی‌آمد، زمین از حرارت آفتاب به مرتبه‌ای تفتیده می‌شد که حیوانات و نباتات ضایع می‌شدند.^۳

✽ چرا خداوند باد را قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: باد منافع زیادی دارد و اگر باد نمی‌وزید موجب بروز مرض‌های زیادی می‌شد و نفس‌ها را می‌گرفت و میوه‌ها فاسد می‌شدند و بقول و سبزیها متعفن می‌گشت و بدن‌ها به وبا و طاعون مبتلا می‌گشت و آفت، در غلات پدید می‌آمد.^۴

علاوه بر آن، باد باعث جابجایی هوا و خنک شدن آن می‌شود. باد بدن‌ها را خنک می‌کند و ابرها را از جایی به جای دیگر می‌برد تا متراکم شود، باران ببارد و سودش شامل همه گردد آنگاه که بارید باد ابرها را می‌پراکند، درخت‌ها را آبستن می‌کند، کشتی‌ها را در حرکت می‌اندازد، غذاها را لطیف و خوردنی می‌گرداند، آب را سرد و آتش را افروخته می‌سازد، چیزهای تر را می‌خشکاند و خلاصه هر چیزی را بر روی زمین زنده می‌کند. اگر باد نبود رویندگان پژمرده می‌شدند، جانوران می‌مردند و همه چیز تفتیده و فاسد می‌گشت.^۵

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: باد نظیر روح است که هر گاه از بدن خارج شود بدن تغییر می‌کند و بد بو می‌شود.^۶

۱. توحید مفضل، ص ۱۸۹.

۲. توحید مفضل، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳. توحید مفضل، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۴. توحید مفضل، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۵. توحید مفضل، ص ۱۰۳.

۶. ستارگان درخشان، ج ۸، ص ۱۳۶.

❁ چرا خداوند باران را نازل می‌کند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: نزول باران منافعی دارد از جمله: باران، بدن‌ها را نرم می‌کند، هوا را صاف و پاکیزه می‌گرداند و وبا را از میان می‌برد، آفات درختان و گیاهان را که «یرقان» می‌نامند، نابود می‌کند چون باران از بلندی بر زمین می‌ریزد نقاط بلند و برافراشته را سیراب می‌نماید. اگر از پائین می‌جوشید به برخی از زمین‌های بلند نمی‌رسید در نتیجه کشتزارهای زمین کاهش می‌یافت. با نزول باران زمین زنده می‌شود. دشت‌ها گسترده و دامنه کوه‌ها، به صورت کشتزار در می‌آید و غله فراوان به بار می‌نشیند. هم چنین به وسیله آن دشواری انتقال آب از جایی به جای دیگر از دوش مردم برداشته می‌شود و باران دانه دانه می‌ریزد، تا در زمین فرو رود و آن را سیراب سازد.^۱

❁ چرا خداوند دریاها را به وجود آورده است؟

بدان که مقرّ و مأوا و محلّ زندگی اصناف ماهیان و حیوانات دریاست و معدن مروارید و مرجان و یاقوت و عنبر است و بسیاری از ادویه و جواهر را از دریا بیرون می‌آورند و در سواحل دریا عود بخور و انواع گیاهان خوشبو و عقاقیر و ادویه به دست می‌آید و نیز دریا محملی برای تجارت که از بلاد دور دست می‌آورند، می‌باشد.^۲

❁ چرا خداوند دو سوم کره زمین را آب قرار داده است؟

چون اصل حیات هر موجود زنده آب است. قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». یعنی: حیات هر چیز زنده (بر روی زمین از انسان‌ها، حیوانات و نباتات)، به آب می‌باشد. اگر این وفور آب نبود، کار بر مردم تنگ می‌شد؛ زیرا مردم در آشامیدن و پختن غذا و نظافت و عمارت سازی و آب دادن زراعات و درختها و اصناف غلات به آب احتیاج دارند و چهار پایان و وحشیان و مرغان و درندگان و ماهیان، همه به آب محتاجند.

❁ چرا قوس و قزح بوجود می‌آید؟

قوس قزح که از نظر لغوی قوس شیطان معنی می‌دهد، موقعی پیدا می‌شود که اشعه خورشید از داخل میلیون‌ها قطره باران عبور می‌کند. موقعی که اشعه خورشید وارد هر یک از

۱. توحید مفضل، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. توحید مفضل، ص ۱۹۸.

قطرات باران می‌شود، نور می‌شکند و منعکس می‌گردد. در جریان این عمل، قطرات باران اشعه خورشید را شکسته و رنگ‌های آن را آشکار می‌کند.^۱ قوس قزح، کمائی از قطعات تمرکز یافته نور رنگین است. ترکیب رنگ‌ها از بالا به پایین به این شکل است: قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش.^۲

❁ چرا خداوند مهبّ شمال را بلندتر از مهبّ جنوب قرار داده است؟

زیرا اگر خداوند چنین نکرده بود آب بر روی زمین می‌ایستاد و مردم را از اعمالشان مانع می‌شد و راهها را مسدود می‌گردانید.^۳

❁ چرا زمین لرزه اتفاق می‌افتد؟

علّت زمین زلزله، نقصان تدریجی درجه حرارت مواد مرکزی و احداث چین خوردگی و فشار یا انفجارهای آتشفشانی است.^۴

بر اثر آزاد شدن انرژی‌های درون زمین، زمین لرزه ایجاد می‌شود آزاد شدن انرژی معمولاً در امتداد نقاط یا خطوط ضعیف موجود در پوسته زمین انجام می‌گیرد. و بیشترین زلزله‌ها در مناطقی اتفاق می‌افتد که در کناره‌های صفحات پوسته زمین قرار گرفته‌اند.^۵

علّت طبیعی زلزله، به خاطر شدت بخارهایی است که در باطن زمین وجود دارد که گاهی پوسته زمین را شکافته و باعث لرزش زمین می‌شود چنانکه مرحوم سبزواری در منظومه می‌گوید: «زَلْزَلَةُ الْأَرْضِ لِحَبْسِ الْآبِخَرَةِ» یعنی: زلزله زمین بخاطر محبوس ماندن بخارها می‌باشد.

❁ چرا در بعضی از مناطق، زلزله بیشتری اتفاق می‌افتد؟

زیرا این نوع مناطق و سرزمین‌ها استحکام چندانی ندارند و به طور کلی سرزمین‌هایی که

۱. دانستنیها و اطلاعات گوناگون، ص ۵۶۴.

۲. دانستنیها و اطلاعات گوناگون، ص ۵۵۳.

۳. توحید مفضل، ۱۹۷.

۴. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۳۱۷.

۵. نشر آزمون، ص ۴۵۲، سال سوم راهنمایی، سال ۱۳۸۰.

در مسیر چین خوردگی‌های جوان زمین قرار دارند، زمین لرزه فراوان‌تری دارند.^۱

❁ چرا در ایران، زیاد زلزله می‌شود؟

زیرا ایران کشوری زلزله خیز است و روی یکی از دو کمربند بزرگ لرزه خیز جهان، موسوم به آلیا قرار دارد.^۲

❁ چرا خداوند ستارگان را ثابت و سیارات را متغیر قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اگر چنین نبود دیگر ستارگان بر حوادث آینده دلالت نمی‌کردند و یکی از اسباب علوم انبیا و اوصیا برطرف می‌شد.^۳

❁ چرا خداوند کوه‌ها را خلق کرده است؟

کوه‌ها از سنگ و خاک پدید آمده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: برف، بالای کوه‌ها می‌نشیند، تا مردم که به آن محتاجند، از آن بهره برند. از آنچه که ذوب می‌شود، چشمه ساران پر آب می‌جوشد. چشمه‌ها، رودها و جویبارها پدید می‌آیند، در نتیجه در کوه‌ها انواع رویندگان و گیاهان دارویی که در دشت نمی‌روید، می‌روید. نیز غارها و دره‌هایی در آن‌ها است که حیوانات وحشی و درندگان موزی را پناه داده است.

مردم از کوه، در برابر دشمنانشان، دژها و قلعه‌های سخت و محکم می‌سازند. از سنگ‌های آن برای به کارگیری در ساختمان‌ها و ساختن سنگ آسیاب، استفاده می‌کنند. هم چنین در کوه‌ها انواع معادن و جواهر نهفته است.^۴

کوه‌ها پناهگاه مطمئن و سپری در مقابل طوفانها می‌باشد که اگر نبودند کره زمین تبدیل به بیابانی غیر قابل زندگی می‌گردید.^۵

۱. جغرافی سال سوم راهنمایی، ص ۵۷، سال ۱۳۷۲.

۲. روزنامه امید جوان، شماره ۳۵۷.

۳. توحید مفضل، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۴. توحید مفضل، ص ۱۳۹.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۳۰.

همان گونه که قرآن می‌فرماید: «وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا»^۱ یعنی: ما کوه‌ها را میخ‌ها قرار دادیم، کوه‌ها میخ‌های زمین می‌باشند و زمین را از خطر زلزله حفظ می‌کنند. گویند: مناطقی که کوه بیشتری در آنجا وجود دارد زلزله کمتری در آنجا اتفاق می‌افتد. منشأ پیدایش کوهها دو چیز است که عبارتند از:

۱. تحولاتی که در قشر زمین روی داده مانند زلزله‌های شدید.
۲. باران‌ها و سیلابها که سنگهای نرم را برده و سنگهای سخت را به جا می‌گذارد و در نتیجه بسیاری از تلهای مرتفع زمین پیدا شده است.^۲

سبب پیدایش کوهها عبارتند از: ۱. چین خوردگی زمین ۲. آتشفشان‌ها ۳. نتیجه آبرفت‌های ناشی از باران ۴. به واسطه مجموعه‌ای از رسوبات دریا و باقی مانده حیوانات آن (مانند کوهها و جزایر مرجان).^۳

❁ چرا در ایتالیا گاهی باران قرمز می‌بارد؟

این باران بر اثر گرد و غبار قرمز رنگی است که از صحرای بزرگ افریقا برخاسته همراه گرد و باد به آسمان رفته در طبقات بالا محبوس شده و با قطره‌های باران به زمین باز می‌گردد و به آن باران سرخ یا باران گل نیز می‌گویند.^۴

❁ چرا مرکبات جنوب ایران، خوب و تأثیر نیکویی در قلب دارند؟

علت آن فراوانی پتاسیم در خاک آنجا است.^۵

❁ چرا گربه را اگر به مکان بسیار دوری ببرند باز بر می‌گردد؟

زیرا حسن بویایی این حیوان، بسیار قوی است بطوری که اگر گربه‌ای را کیلومترها از خانه و یا محل زندگی آن دور سازند، پس از مدت کوتاهی دوباره به همان مکان بر می‌گردد.^۶

۱. نبأ، آیه ۷.

۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۳۰.

۴. جغرافیا، ص ۳۷، سال دوم راهنمایی، ص ۳۷.

۵. طبیب خانواده، ص ۵.

۶. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجائب در گذرگاه آفرینش، ص ۱۶۷.

✽ چرا خداوند پروانه‌ها را خلق نموده است؟

پروانه‌ها علاوه بر نقش داشتن در شادابی و طراوت طبیعت، برای بارور نمودن گلها در گرده افشانی آنها کمک می‌کنند و با نشستن روی گل‌های نر گرده گل‌های نر را گرفته و به گل‌های ماده انتقال می‌دهند، تا گل‌های ماده بدین وسیله بارور شوند.
تا کنون ۱۰۰/۰۰۰ نوع پروانه یافت شده است.^۱

✽ چرا پروانه‌ها بدون برگشتن قادر هستند پشت سر و اطراف خود را به راحتی ببینند؟

زیرا خداوند در سر پروانه دو چشم قرار داده که هر یک از آنها از چندین هزار چشم دیگر تشکیل شده‌اند.^۲

✽ چرا گاهی اوقات در جاده یا بیابان سراب (آبنما) مشاهده می‌شود؟

زیرا هوای نزدیک به سطح جاده به واسطه گرما، رقیق‌تر از هوای بالا می‌شود و نوری که از بالا بر آن می‌تابد انعکاس پیدا می‌کند و چنان به نظر می‌آید که بر سطح جاده آب است و اشیاء، در آن منعکس شده‌اند.^۳

✽ چرا ریل‌های قطار از هم فاصله دارند؟

زیرا در تابستان انبساط پیدا می‌کنند لذا اگر از هم فاصله نداشته باشند، ماریج می‌شوند.

✽ چرا هر چه فرمان اتومبیل بزرگتر باشد چرخاندن آن آسانتر است؟

زیرا فرمان و محور آن تشکیل یک ماشین و چرخ و محور می‌دهد و هر چه چرخ نسبت به قطر محور بزرگتر باشد نیروی محرک کمتری لازم است، در نتیجه، فرمان دادن، آسانتر می‌باشد.^۴

✽ چرا وقتی دست خود را کنار یخ قرار می‌دهیم احساس سرما می‌کنیم؟

زیرا یخ، برای ذوب شدن، گرمای دست ما را جذب می‌کند به همین دلیل احساس سرما

۱. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجایب در گذرگاه آفرینش، ص ۲۲۲.

۲. در جستجوی خدا، شگفتیها و عجایب در گذرگاه آفرینش، ص ۲۲۲.

۳. فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۲۰۸.

۴. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۲۵۲، سال ۱۳۸۰.

می‌کنیم.^۱

❖ چرا وقتی دو قالب یخ را بر روی هم قرار می‌دهیم به هم می‌چسبند؟

زیرا آب‌های میان آن دو، منجمد شده و به هم می‌چسبند.

❖ چرا انسان وقتی از تاریکی وارد روشنایی می‌شود مردمک چشم او تنگ می‌شود؟

زیرا مردمک می‌خواهد چشم را در برابر نور زیادتر از اندازه حفظ نماید.

❖ چرا روغن و آب مخلوط نمی‌شوند؟

علتش بخاطر آن است که مولکول (و یا ذرات) روغن سنگین تر از ذرات آب است لذا روغن همیشه روی آب می‌ایستد البته بعضی روغن‌ها وجود دارد که در الکل حل می‌گردند و این نوع روغن‌ها در ساختن عطر مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

❖ چرا در تابستان هوا گرمتر است؟

زیرا اشعه خورشید، به زمین نزدیک‌تر است و از این جهت نور و حرارت بیشتری به زمین می‌تابد.^۳

❖ چرا روزهای گرم تابستان، اتاق‌های زیرزمین خنک‌ترین جای خانه هستند؟

زیرا هوای سرد، سنگین است و در قسمت پایین قرار می‌گیرد و از طرفی به زیر زمین خورشید نمی‌تابد و یا اگر هم خورشید بتابد، مدت آن خیلی کم است.^۴

❖ چرا هوا آلوده می‌گردد؟

علل آلودگی هوا دود و ذرات سمی حاصل از آگروز اتومبیلها، دود کش کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها و وسایل تولید حرارت مانند بخاری، شوفاژ، آبگرمکن و سوزاندن زباله‌ها است.^۵

❖ چرا در مناطق قطبی، خانه برفی پناهگاه خوبی است؟

۱. آموزش دروس سال دوم راهنمایی، ص ۵۵، سال ۱۳۸۰.

۲. دانستنیها و اطلاعات گوناگون، ص ۵۵۷.

۳. فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۶۲۲.

۴. آموزش دروس سال دوم راهنمایی، ص ۶۱.

۵. زیست شناسی سوم نظری، ص ۱۷۳، سال ۱۳۷۹.

زیرا سطح برف شفاف است و این امر موجب می‌شود که مقدار زیادی از انرژی تابشی منعکس شود و از طرفی برف رسانه ضعیفی است و این امر نیز موجب می‌شود که گرمای داخلی خانه برفی، کمتر به هدر رود.

❁ چرا آب دریاها و اقیانوس‌ها شور است؟

زیرا وقتی رودها از خشکی‌ها به سوی دریاها و اقیانوس‌ها حرکت می‌کنند در مسیر خود نمک‌های موجود در سنگ‌ها و خاک‌های بسترشان را در خود حل می‌کنند، و گاه در بعضی اقیانوس‌ها، کوه‌های آتشفشان فوران می‌کنند و به این ترتیب موادی از درون زمین وارد اقیانوس‌ها و دریاها می‌شود به همین دلیل در آب اقیانوس‌ها، نمک‌ها و گازهای محلولی وجود دارد که مهم‌ترین آنها نمک طعام و گاز اکسیژن است.^۱

❁ چرا آب دریاهایی که در مناطق گرم وجود دارند شورتر از آب دریاهایی هستند که در مناطق سرد وجود دارند؟

زیرا آب آن دریاها بیشتر از دریاهای مناطق سردسیر تبخیر می‌شود.^۲

❁ چرا در شهرها وجود درخت بسیار مفید است؟

وجود درخت در شهرها علاوه بر افزایش زیبایی شهر، از آلودگی هوا می‌کاهد زیرا درخت نوعی فیلتر است که در آن هوای کثیف جذب می‌شود به علاوه از سر و صداها شهر می‌کاهد و باعث افزایش حرارت در زمستان و کاهش آن در تابستان می‌گردد و با ایجاد نسیم، هوا را تلطیف و پاکیزه می‌سازد. از آن مهم‌تر آنکه درخت باعث می‌شود مردم در شهرها بمانند و به دهات فرار نکنند. درخت می‌تواند فایده‌ی طبی هم داشته باشد مثلاً کاشتن درخت اوکالاپیتوس در مناطق مالاریا خیز باعث کاهش مالاریا می‌گردد. بنابر این شعار هر شهردار باید این باشد: درخت مناسب در محل مناسب.^۳

❁ چرا ریشه گیاهانی که در سرزمین‌های خشک قرار دارند، بزرگتر از دیگر ریشه‌ها است؟

۱. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۴۵۹، سال ۱۳۸۰.

۲. جغرافیای سال سوم راهنمایی، ص ۴۳، سال ۱۳۷۳.

۳. دانستنیها و اطلاعات گوناگون، ص ۵۵۶.

زیرا ریشه گیاهان در جستجوی آب هستند، لذا به عمق زیاد در خاک فرو می‌روند.^۱

❁ چرا آب و هوای مناطق جهان مختلف است؟

عواملی دارد که عبارتند از: ۱. عرض جغرافیایی ۲. فاصله از دریا ۳. باد ۴. ارتفاع ۵. جریان دریایی.^۲

❁ چرا هوای قطب (و هرجا که به آن نزدیک باشد) از هوای استوا (و هرجا که به آن نزدیک باشد) سردتر است؟

چون تابش شعاع‌های خورشید به استوا عمودی است و هر دسته از نور خورشید سطح کوچکتری را روشن می‌کند بنابر این انرژی کمتری به هر نقطه از قطب می‌رسد.^۳

❁ چرا جزر و مد برای دریاها و اقیانوس‌ها پدید می‌آید؟

نیوتن در قرن هجدهم میلادی ثابت کرد که کوههای آسمانی خصوصاً کره ماه در کشش آب اقیانوس‌ها نقش مهمی دارد و چون ماه، بیشتر به زمین نزدیکتر است، بیشتر مؤثر است.^۴ جزر و مد با اختلاف روزهای قمری مختلف می‌شود یعنی در اوایل و اواخر ماه جزر و مد کمتر است و در اواسط ماه مد بیشتر و جزر کمتر می‌باشد. به این جهت جاذبه خورشید و ماه هردو را در جزر و مد آب مؤثر می‌دانند این جزر و مد که انبساط ذرات ترکیبی آب می‌باشد، اختصاصی به آب دریا ندارد، بلکه در تمام مایعات دیده می‌شود و در بعضی از آنها خیلی محسوس است مانند خون.^۵

❁ چرا با وجود اقیانوس‌ها و دریاها بشر با کمبود آب مواجه است؟

به علت شور بودن آب اقیانوس‌ها و دریاها از آن برای کشاورزی و آشامیدن نمی‌توان استفاده کرد. بخشی از آب‌های شیرین دنیا نیز به صورت یخ‌های قطبی، آب‌های زیر زمینی که دسترسی به آنها سخت است و نیز به صورت بخار آب در جو زمین قرار دارد. و همه آبی هم که از طریق دریاچه‌های آب شیرین و رودخانه‌ها و چشمه‌ها تأمین می‌شود قابل استفاده نیستند. و از طرفی

۱. جغرافی سال سوم راهنمایی، ص ۴۸، سال ۱۳۷۳.

۲. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۴۶۳، سال ۱۳۸۰.

۳. جغرافیای سال سوم راهنمایی، ص ۱۰۶.

۴. جغرافی سال سوم راهنمایی، ص ۴۵، سال ۱۳۷۳.

۵. طب الرضا، ص ۲۱۴.

صنعت در حال پیشرفت نیز نیاز زیادی به آب دارد. و تولید غذا برای جمعیت رو به رشد نیز نیازمند آب است و این دو فعالیت، باعث آلودگی آبهای سالم شده و بخشی را نیز غیر قابل استفاده می‌سازد.^۱

❁ چرا بیکاری در جامعه پدید می‌آید؟

عوامل بیکاری عبارتند از: ۱. رشد جمعیت ۲. نظام آموزشی ۳. ماشینی شدن و خود کاری (اتوماسیون) ۴. عدم تعادل در نظام اقتصادی ۵. رکود اقتصادی ۶. نبود زیربنای اقتصادی.^۲

❁ چرا جوامع و افراد با هم فرق می‌کنند؟

فراابی گوید: اختلاف قسمت‌های کرات هم سمت هر سر زمین، سبب اختلاف بخارات متصاعده، و اختلاف بخارات متصاعده، سبب اختلاف آب و هوا و اختلاف آب و هوا، اختلاف گیاهان و حیوانات را در بر داشته، در نتیجه، اختلاف انواع خوراکی‌ها را به دنبال دارد و بر اثر اختلاف خوراکی‌ها، اختلاف در موارد کشت و زرع و در نتیجه اختلاف خلق و خوی طبیعی انسان‌ها پدید می‌آید.^۳

❁ چرا انسانها با کمبود غذا مواجه هستند؟

زیرا: ۱. همه زمین‌ها قابل کشت نیستند و باران در همه جا یکسان نمی‌بارد ۲. زمین‌های قابل کشت به طور مساوی بین کشورها تقسیم نشده است ۳. بین جمعیت و تولید غذا در کشورهای مختلف تعادل برقرار نیست ۴. جمعیت روز به روز افزایش می‌یابد، در حالی که منابع محدود است.^۴

❁ چرا مسئله تنظیم خانواده (جلوگیری از افزایش بی رویه نسل) از مسائل مهم و حیاتی

اجتماعی بشر شده است؟

بخاطر مسئله افزایش بی رویه جمعیت از یک سو و مشکلات اقتصادی پرورشی یک خانواده تحت شرائط صحیح تربیتی و اجتماعی تمدن امروز از سوی دیگر.^۵

❁ چرا جمعیت روی کره زمین، افزایش می‌یابد؟

۱. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۴۶۹، سال ۱۳۸۰.

۲. مطالعات اجتماعی، سال اول دبیرستان، ص ۹۶-۹۹، ۱۳۸۱.

۳. تاریخ تفکر اجتماعی، ص ۳۸.

۴. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۴۶۹، سال ۱۳۸۰.

۵. زیست شناسی سوم نظری، ص ۱۷۶، سال ۱۳۷۹.

علل آن عبارتند از: رشد اقتصادی کشورها، بهتر شدن وضع بهداشت، زیاد شدن غذا و پیشرفتهای پزشکی و جلوگیری از بیماری‌های واگیردار.^۱

❖ چرا سطح دانش عمومی کشورهای پر جمعیت پایین است؟

زیرا کشورهای پر جمعیت به امکانات آموزشی بیشتری نیاز دارند به دلیل هزینه زیادی که آموزش و پرورش دارد، کشورهای پر جمعیت از امکانات آموزشی لازم و کافی بر خوردار نیستند و در نتیجه سطح دانش عمومی مردم این کشورها پایین است.^۲

❖ چرا در زمان قدیم فرزند زیاد، مفید و مناسب بوده ولی در حال حاضر فرزند زیاد داشتن مناسب نمی‌باشد؟

باید گفت درست است که از نظر اسلام سفارش شده است که گوینده «لااله الا الله» را زیاد کنند و پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «تناكحوا تناسلوا» یعنی: ازدواج نمایید و نسل را زیاد کنید! ولی باید دانست که شرائط زمان و مکان و افراد فرق می‌کند در زمان قدیم پسر و دختر برای پدر و مادر یک سرمایه بود در کار کشاورزی و دامداری و... از آنها استفاده فراوان می‌پردند ولی در حال حاضر پسر و دختر تا در خانه پدر و مادر هستند، یک مصرف کننده می‌باشند. و دیگر این که خیلی از افراد اگر فرزند زیاد داشته باشند از عهده خرجی و خصوصاً تربیت آنها برنمی‌آیند و حتی نمی‌توانند شغل مناسبی در این دوره و زمانه برای آنها فراهم کنند؛ بنابراین این در این صورت دختر و پسرای بیکار و بی‌تربیت وارد جامعه می‌شوند که بسیار برای جامعه مضر بوده و سبب بروز بسیاری از مشکلات و فسادها و جنایات می‌شوند.

❖ چرا تک فرزندی، پسندیده نیست؟

زیرا دارای معایبی است از جمله:

۱. تأثیر محبت بیش از حد که در تک فرزندی معمولاً وجود دارد.
۲. رشد غرور و تکبر بیش از حد که باعث عدم امکان جبران کاستی‌های ناشی از شکست مخصوصاً شکست تحصیلی می‌شود.
۳. وابستگی بیش از حد به والدین مانع از رشد اجتماعی مطلوب آنها می‌شود.

۱. زیست شناسی سوم نظری، ص ۱۷۵-۱۷۶، سال ۱۳۷۹.

۲. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۴۷۰، سال ۱۳۸۰.

۴. بعضی مواقع طغیان گر و بسیار خشن بطوری که رفتارهای نابهنجار ممکن است از آنها بروز پیدا کند.
 ۵. بعضی مواقع بسیار تابع و وابسته هستند و پذیرش اجتماعی آنها بدون مقاومت صورت می گیرد.
 ۶. بعضی از آنها ناز پروریده و لوس بار می آیند لذا روحی ضعیف و ناتوان و روانی زود رنج دارند و خودپسند و از خود راضی هستند.
 ۷. در صورت غیبت و فقدان آنها فشار روحی زیادی به والدین آنها وارد می گردد.
- باید دانست که این معایب مذکور، کلیت ندارد.

❖ چرا اشخاص مرقه بیشتر به خود کشی دست می زنند؟

زیرا این گونه افراد، تحملشان در مقابل سختی ها و مصائب اندک است لذا هنگامی که به مشکل یا مصیبتی برخورد می کنند تاب و تحملشان را از دست می دهند و از زندگی نا امید شده به خود کشی دست می زنند. اما افراد رنج کشیده و فقیر چون با سختی و مشکلات، بزرگ شده اند سختی ها آنها را ورزیده می نماید بنابر این به راحتی قادرند در مقابل سختی ها و مشکلات صبر را پیشه خود سازند.

❖ چرا بعضی از افراد موفقیت زیادی دارند؟

اسرار موفقیت عبارتند از:

۱. عوامل بیرونی مانند وراثت و محیط ۲. عوامل درونی مانند خودشناسی، ایمان به هدف، اعتماد به نفس، اراده استوار، کار و کوشش، استقامت، پشتکار، نظم، برنامه ریزی و استفاده از فرصت.^۱

❖ چرا اخفش با بز مباحثه می کرد؟

همانطور که در «فرهنگ عمید» آمده، از این جهت که اخفش زشت چهره بود و در ایام تحصیل کسی با او مباحثه نمی کرد ناچار بز را تربیت کرده بود و درس خود را برای بز تکرار می کرد و بز سرش را می جنبانید، اکنون بز اخفش به طریق کنایه به کسی می گویند که مطلبی را ندانسته و درنیافته، تصدیق کند.^۲

۱. ره توشه ویژه بوستان ولایت (جوانان)، ص ۱۳۴، سال ۱۳۷۸.

۲. فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۱۱۸.

✽ چرا سازمان بین الملل تشکیل شد؟

وقتی دولت‌ها دیدند که در جنگ جهانی اول و دوم، میلیون‌ها نفر از افراد بشر بیچاره و بد بخت شدند و به همین اندازه کشته و معلول گشتند، به فکر چاره افتادند، آخرین نظر آنها این شد که نمایندگان ممالک جهان با کمال مسالمت و صفا دور یکدیگر بنشینند و هر زمان جنگ و نزاعی بین ممالک جهان در گرفت، میانجیگری کنند.^۱

✽ چرا دنیای غرب بیش از مسلمانان در مادیات و علم پیشرفت کرده‌اند؟

از میان اسباب و علل شکوفایی علم و دانش در دنیای غرب دو عامل نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارند که عبارتند از: ۱. عامل سیاسی ۲. عامل فرهنگی. مقصود از عامل سیاسی، وجود دستگاه سیاسی با کفایت و مستقل است و منظور از عامل فرهنگی، این است که افراد جامعه دور اندیش و آینده نگر بوده از تعهد و وجدان کاری عالی برخوردار باشند.^۲

علل دیگری وجود دارد از جمله:

۱. زیرا آن‌ها علاقه زیادی به زندگی دنیا دارند لذا تا می‌توانند به دنبال اختراعی می‌روند که آسایش و راحتی و خوشی آنها را فراهم نماید.
۲. زیرا پشتکار زیادی دارند و افرادی سخت کوش و منظم هستند.
۳. زیرا آن‌ها دارای سرمایه و امکانات بیشتری هستند از این جهت توانسته‌اند با ایجاد دانشگاه‌ها و فراهم کردن فضای مناسب، پیشرفت کنند.
۴. خداوند خواسته است تا آنها در خدمت مسلمانان باشند یعنی، با سعی و تلاش خود وسایلی را برای رفاه مسلمانان و بندگان خدا فراهم آورند.
۵. بسیاری از پیشرفت‌های ایشان ریشه در استعمار و استثمار ملل دیگر به ویژه مسلمانان دارد.

✽ چرا عرب‌ها روی خود «کنیه» می‌گذارند؟

«لَا يَعْصِي النَّفْسُ تَأْتَفُ أَنْ تُخَاطَبَ بِاسْمِهَا»^۳ یعنی: بعضی از افراد نمی‌خواهند که با نام، مورد خطاب قرار گیرند، لذا برای این که نامشان صراحتاً برده نشود، کنیه روی خود قرار می‌دهند.

۱. خورشید مکه، ص ۷، ۲۵.

۲. ره توشه ویژه بوستان ولایت (جوانان)، ص ۲۶۵، سال ۱۳۷۸.

۳. السیوطی، ص ۲۸.

بعضی از عرب‌ها تفأل زده و چون در آینده دارای فلان پسر و یا دختری می‌گردند، به همان مناسبت کنیه‌روی خود می‌گذارند.

❁ چرا تکلم عرب از مسیر فطری خود منحرف گشت؟

زمانی که اسلام به فتوحاتی نایل گشت، و تازیان به ممالک دیگر راه یافتند و با ملت‌های بیگانه معاشرت و آمد و شد برقرار ساختند، عوامل انحراف، در زبان اصیل تازی رسوخ کرد و قهراً مبادله و داد و ستدی در لغت و لهجه‌ها انجام گرفت، و در نتیجه، تحت تأثیر این عوامل، تکلم عرب از مسیر فطری خود تا حدودی منحرف گشت.^۱

❁ چرا رسم عرب‌ها این است که شال بر سر می‌پیچند؟

زیرا عرب‌ها خصوصاً عرب‌های شبه جزیره عربستان در مناطقی زندگی می‌کنند و رفت و آمد دارند که هوا خیلی گرم است و بادهایی همراه گرد و خاک و شن و ماسه می‌وزد به همین جهت آنها شال می‌پیچند تا در موقع احتیاج صورت خود را از عرق خشک نموده و از ورود گرد و خاک و شن و ماسه به چشم خود جلوگیری کنند و چنین عملی از سنت‌های مرسوم آنجا شده است.

❁ چرا مردم عجم نام ماه‌های خود را آبان ماه و آذر ماه و... نهاده‌اند؟

چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: اصحاب رس (قومی بودند که به پرستش صنوبری را که یافث بن نوح آنرا غرس کرده بود روی آورده بودند).^۲ قریه‌هایی داشتند که نام آنها از این قرار بود: ۱. آبان، ۲. آذر، ۳. دی، ۴. بهمن، ۵. اسفند، ۶. فروردین، ۷. اردی بهشت، ۸. خرداد، ۹. مرداد، ۱۰. تیر، ۱۱. مهر، ۱۲. شهریور. بزرگترین شهرهای آنان اسفند بود که پادشاه ایشان در آن شهر وارد می‌شد. در هر ماهی از دوره سال عیدی در آن دوازده قریه قرار داده بودند که اهل آن قریه اجتماع می‌نمودند. و علت این که مردم عجم نام ماه‌های خود را به این نام‌ها نهاده‌اند این است که از نام آن قریه‌ها اشتقاق یافته و گرفته شده است؛ زیرا موقعی که عید هر ماهی از آن دوازده ماه فرا می‌رسید، می‌گفتند عید فلان ماه و فلان ماه فرا رسیده است و...^۳

❁ چرا از جهاتی عجم بر عرب امتیازاتی دارد؟

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۶۵.

۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۴۶۵.

۳. قضاوت‌های امیر المومنین (ع)، ص ۳۰۴.

چندین دلیل بر این مدّعا ذکر می‌کنند:

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ».^۱ یعنی: و اگر آنرا بر یکی از غیر عرب‌ها نازل می‌کردیم، و آنرا برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر قرآن بر عجم نازل می‌شد، عرب به آن ایمان نمی‌آورد ولی بر عرب نازل شد و عجم بدان ایمان آورد.^۲

در تفسیر صافی آمده علت آنکه آنان ایمان نمی‌آوردند «لفرط عنادهم و استتکافهم من اتباع العجم».^۳ یعنی بخاطر عناد زیادشان و استتکافشان از پیروی عجم است.

القمی عن الصادق علیه السلام «لو نزلنا القرآن على العجم ما آمنت به العرب و قد نزل على العرب فأمنت به العجم فهذه من فضيلة العجم».^۴ یعنی قمی از امام صادق (ع) روایت کند که فرمودند: اگر قرآن بر عجم نازل می‌شد عرب به آن ایمان نمی‌آورد و حال آنکه بر عرب نازل شد و عجم به آن ایمان آورد پس این از فضیلت عجم می‌باشد.

علامه طباطبائی ذیل این روایت می‌فرماید: این خود فضیلتی است برای عجم.^۵ پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: اگر دین از دسترس بشر اوج گرفته و نزد ستاره ثریا باشد، مردانی از عجم به آن دست پیدا کنند.^۶

امام رضا (ع) می‌فرماید: خدای تبارک و تعالی از زمانی که پیغمبرش را قبض روح فرموده همیشه، این دین را به عجم زادگان می‌بخشد و منت می‌گذارد و از خویشان پیغمبرش باز می‌دارد.^۷

مترجم و شارح اصول کافی (حاج سید جواد مصطفوی) در ج ۲، ص ۲۱۷ گوید: علامه مجلسی می‌فرماید: این روایت فوق دلالت دارد که عجم از لحاظ ایمان بر عرب شرافت دارد و من اخبار راجع به این موضوع را در کتاب کبیر خود (بحار) نقل کرده‌ام.

۱. شعرا، آیه ۱۹۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۵۷؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۷، حاج سید جواد مصطفوی.

۳. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۵۱، فیض کاشانی.

۴. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۵۱، فیض کاشانی؛ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۵۳؛ ترجمه قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۳۷۵.

۵. المیزان جلد ۱۵ ص ۴۷۱.

۶. شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۶.

سپس وی گوید: ممکن است پذیرش این روایات برای بعضی از افراد عرب گران و سنگین آید و برای تضعیف یا توجیه آنها دست و پائی کنند، اما به نظر ما مطالعه سیر اسلام در نژاد عرب و عجم در طول چهارده قرن تاریخ و مقایسه دانشمندان و فداکارانی که از این دو نژاد به حمایت اسلام برخاسته‌اند و نیز ملاحظه شدت تعصب نژادی آنها و تواضع و تسلیم و صفای اینها، بزرگترین دلیل بر صدق این روایات و صدور آنها از منابع وحی می‌باشد.^۱

❁ چرا در یکی از شهرهای لبنان زمانی که لوله کشی شد یک مرتبه آمار طلاق، بالا گرفت؟

گویند: چون قبل از لوله کشی آب، زنان برای شستن ظروف و لباس به چشمه‌ها و مراکز آب دهی می‌رفتند و در ضمن درد دلها و سخنانی با یکدیگر می‌داشتند اما زمانی که لوله کشی شد مانع از مصاحبت و عقده‌گشایی‌های زنان گردید به همین جهت جبران آنرا با مرد خانه کرده و چون نیازمندی‌های گفتاری آنان با شوهران رفع نمی‌شد، کار به محاوره، مشاجره، مجادله و طلاق می‌کشیده است.^۲

❁ چرا طلاق در بعضی از خانواده‌ها اتفاق می‌افتد؟

مهم‌ترین دلیل طلاق این است که پیش از ازدواج، یک طرف زناشویی از طرف دیگر چشم‌داشت‌های بیش از حدی دارد. این چشم‌داشت‌ها عبارتند از: منزلت اجتماعی، رابطه جنسی، اشتها، سلامت جسمانی، امنیت شغلی و نقشی که یک فرد از همسرش انتظار دارد. هم چنین ناکامی‌ها و مداخله دیگران و عدم وفا به وعده‌های قبل از ازدواج و مخفی کاری‌ها و بگو مگوها و مشاجره‌های میان زن و شوهر (خصوصاً در ایام قاعدگی^۳)، باعث طلاق می‌شود. هم چنین نبود عفو و گذشت و اختلاط زنان و مردان و عدم رعایت حجاب، باعث بروز امر ناپسند طلاق می‌شود.

رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «بِغَضِّ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي الطَّلَاقُ».^۴

امام صادق(ع) می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ».^۵ یعنی: در نزد خداوند چیزی منفورتر از طلاق نمی‌باشد.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۲. ازدواج مکتب انسان‌سازی، ج ۳، ص ۵۷-۵۸.

۳. آمار نشان داده که منشأ بعضی از طلاق‌ها زمان قاعدگی زنان، بوده است.

۴. ستارگان درخشان، ج ۴، ص ۱۲۰.

۵. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۷.

صادق آل محمد (ص) می فرمایند: «ما من شیء مما أحله الله أبغض إليه من الطلاق»^۱، یعنی: از آنچه خداوند حلال نموده چیزی منفورتر از طلاق نمی باشد.

طلاق در شرائط خاصی همانند ازدواج یک امر حیاتی و ضروری به شمار می رود، و لذا آنرا اسلام جایز شمرده است، ولی چون از هم پاشیدن خانواده ها نیز ضربه های جبران ناپذیری به فرد و اجتماع وارد می سازد از عوامل گوناگونی برای جلوگیری از طلاق تا آنجا که ممکن است استفاده شده است.^۲

❁ چرا گاهی مال انسان در صحرا و یا دریا از بین می رود؟

امام صادق (ع) می فرمایند: «ما ضاع مالٌ فی برٍّ ولا یحزُّ الا بتَضییعِ الزَّکوةِ و...»^۳، یعنی: مالی در صحرا و دریا از بین نمی رود مگر به ضایع کردن زکات.

❁ چرا بعضی از پرندگان به دام می افتند؟

امام صادق (ع) می فرمایند: «...و لا یصادُ مِنَ الطَّیْرِ الا ما ضیعَ تَسبیحَه»^۴.

یعنی و پرنده ای بدام نمی افتد مگر آن پرنده ای که ذکر و تسبیح آن ترک شود.

❁ چرا چینی ها دیر یا اصلاً مویشان سفید نمی شود؟

علت سفید شدن موی انسان کمبود ویتامین «ب - B» می باشد و چینی ها چون برنج را با پوست می خورند از این جهت که دارای ویتامین «ب» فراوان است، دیر پیر می شوند و موی آنها سفید نمی شود و به ریزش مو هم مبتلا نمی گردند.^۵

برای سفید شدن مو، عوامل دیگری مانند وراثت، ترس، هم و غم، مشاغل زیاد و پا به سن بالا گذاشتن نیز وجود دارد.

❁ چرا پاکت نامه را به رنگ سفید قرار داده اند؟

برای رعایت بهداشت است.

۱. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص ۵۰۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۷.

۳. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۰.

۴. ستارگان درخشان، ج ۱۰، ص ۱۹۰.

۵. طبیب خانواده، ص ۴۴۴.

شهید پاکنژاد گوید: زیرا بسیاری از باکتری‌ها از رنگ سفید گریزانند.^۱

❁ چرا در لوله تفنگ، خان قرار داده‌اند؟

وجود «خان» باعث می‌شود که گلوله پس از انفجار باروت، در طول لوله به چرخش در آید. وقتی گلوله‌ای در حالت چرخش به سوی هدف پرتاب شود، فاصله بیشتری را می‌تواند، طی کند.^۲

❁ چرا لباس سربازان به رنگ خاک است؟

زیرا در موقع استتار و هم‌رنگ کردن خود با محیط اطراف باعث جلب توجه دشمن نشود و هم چنین در هنگام حرکت یا هرگونه فعالیت در زمین‌های خاکی و کوهستان‌های خشک، بدن آنها با زمین عملیات، هم‌رنگ باشد و دشمن به سادگی موفق به تشخیص حضور و عملیات آنها نباشد؛ چرا که امکان دید و تشخیص دشمن کم می‌شود.^۳

❁ چرا دولت‌ها و حکومت‌ها سقوط می‌کنند؟

به قول حضرت علی (ع): علل سقوط سیاسی - اجتماعی دولت‌ها عبارتند از:
 ۱. اصول اساسی را ضایع نمودن. ۲. به جاه زود گذر دنیا مغرور شدن. ۳. فرومایگان را مقدم داشتن. ۴. فرزندان را مؤخر قرار دادن.
 و اما علل سقوط اقتصادی - اجتماعی دولت‌ها عبارتند از: ۱. سوء تدبیر و ضعف مدیریت. ۲. تبذیر ناروا و هزینه‌های زیانبار اقتصادی. ۳. از تجارب سودمند عبرت نگرفتن. ۴. به جای جبران عملی گذشته، مکرراً عذر خواهی زبانی نمودن.^۴

❁ چرا گاهی ملت‌ها، شکست می‌خورند؟

از نظر قرآن عللی دارد: الف) طغیان «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي»^۵ ب) گناه «فَأَهْلَكَ نَاهُمْ يَذُوبُهُمْ»^۶ ج) ترس و بی تفاوتی «إِنَّا هِيَئَا قَاعِدُونَ»^۷ د) التقاط «أَقْتَرُمُونِ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ

۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۸، ص ۱۵۰.

۲. نشر آزمون سال سوم راهنمایی، ص ۶۳۲، سال ۱۳۸۰.

۳. نشر آزمون، سال سوم راهنمایی، ص ۶۵۱، سال ۱۳۸۰.

۴. ولایت فقیه، (ولایت فقاها و عدالت)، ص ۳۱۶-۳۱۷، آیه الله جوادی آملی.

۵. طه، آیه ۸۱.

۶. انعام، آیه ۶.

۷. مائده، آیه ۲۴.

تَكْفُرُونَ بَعْضُ^۱ (ه) بخل و دنیا پرستی «انْفَقُوا... وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۲ (خ) تفرقه و اختلاف «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا»^۳ (س) سستی «حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عصيْتُمْ»^۴ امام سجاد علیه السلام عوامل بدبختی و سقوط ملت ها را بی نشاطی، کم کاری، بخل و دنیا پرستی، بی حالی، غم و غصه خوری، قساوت قلب، غفلت، ترس و فقر و سرانجام در شهوت پرستی می دانند.^۵

✽ چرا بنی اسرائیل، پیروز شدند؟

چند علل دارد: الف) رهبر توانا و لایق «زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»^۶ ب) پیروان مؤمن «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ»^۷ ج) توکل «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»^۸ د) صبر و استقامت «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا»^۹ ه) انگیزه الهی داشتن «وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^{۱۰} ۱۱.

✽ چرا بنی اسرائیل سقوط کردند؟

چند علل دارد: الف) علما و دانشمندان یهود قانون آسمانی را تغییر دادند «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ...»^{۱۲} ب) تجار و بازرگانان سراغ ربا رفتند «وَ أَخَذَهُمُ الرِّبَا»^{۱۳} ج) گروهی جذب گوساله طلایی شده و به دنبال او رفتند و گوساله پرست شدند «أَنْتُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ»^{۱۴} د) عموم مردم رفاه طلب شده و از جنگ و دفاع پرهیز داشتند «اذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^{۱۵} ۱۶.

۱. بقره، آیه ۸۵.

۲. بقره، آیه ۱۹۵.

۳. انفال، آیه ۴۶.

۴. حج، آیه ۶۷.

۵. همراه با نماز، ص ۱۰۴.

۶. بقره، آیه ۲۴۷.

۷. بقره، آیه ۴۶.

۸. بقره، آیه ۲۴۹.

۹. بقره، آیه ۲۵۰.

۱۰. بقره، آیه ۲۵۰.

۱۱. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ۵۸۷-۵۸۸.

۱۲. نساء، آیه ۴۶.

۱۳. نساء، آیه ۱۶۱.

۱۴. بقره، آیه ۵۴.

۱۵. مائده، آیه ۲۴.

۱۶. هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۵۸۹؛ همراه با نماز، ص ۱۴۰.

❁ چرا مهر ذلت بر بنی اسرائیل نهاده شد؟

به دو جهت گرفتار خواری و ذلت شدند: ۱. کفر و سرپیچی از دستورات خدا، و انحراف از توحید به سوی شرک. ۲. مردان حق و فرستادگان خدا را می‌کشتند.^۱

❁ چرا روایت است که انگور سیاه، غم و اندوه را زایل می‌کند؟

چون انگور سیاه پتاسیم دارد که مفرح است و تپش قلب را معالجه می‌کند و دارای فسفات است که غذای مغز و اعصاب است و کسی که اعصاب قوی داشته باشد بر غم و غصه مسلط می‌شود و کمبود کلسیم تولید غم و اندوه در انسان می‌کند.^۲

❁ چرا امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: با کمک علم به وسیله آب که خاموش کننده آتش است، می‌توان آتش افروخت؟

از قرن هجدهم به بعد محقق شد که به وسیله آب با کمک علم می‌توان آتش افروخت آن هم آتشی که گرم‌تر از آتش چوب و ذغال باشد زیرا حرارت (هیدروژن) که یکی از دو جزء آب است با (اکسیژن) به (۶۶۴۴) درجه می‌رسد و عمل سوزاندن (هیدروژن) به وسیله (اکسیژن) را (اکسید شدن) می‌نامند و در صنعت برای جوش دادن فلزات یا برای شکافتن قطعات فلز خیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳

❁ چرا در صدر اسلام علم هیئت و جغرافیا در میان مسلمانان به سرعت رشد کرد؟

زیرا که محاسبه سمت قبله در نقاط مختلف روی زمین بدون آشنایی با این علوم امکان نداشت و توجه خاص مسلمانان به تعیین سمت کعبه سبب شد که این دو علم سریع پیشرفت کند.^۴

❁ چرا آب، از قانون کلی در اشیاء استثناء شده است؟

قانون کلی آن است که اشیاء سنگین به سمت پایین کشیده می‌شوند و اشیاء سبک به سوی بالا حرکت می‌کنند و اشیاء در اثر حرارت، دارای حجم بیشتری خواهند شد ولی آب در اثر سرما حجمش زیادتر می‌شود (و بطرف بالا حرکت می‌کند) و به صورت جامد در می‌آید چون اگر آب با سرد شدن به حالت جامد بروز کند و سنگین شود و به صورت یخهای سنگین وزن به

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. شگفتی‌ها و عجایب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۲۵۶.

۳. توحید مفضل، (مقدمه از حاج محمد تقی شوشتری)، ص ۲۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۹۵.

اعماق آبهای دریا و اقیانوسها فرو رود، تمام گیاهان و حیوانات دریایی نابود خواهند شد.^۱

❁ چرا خداوند، آب دهان را شیرین (گورا) و اشک چشم را شور و آب گوش را تلخ و آب بینی را خنک قرار داده است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: اینکه خداوند آب دهان را گورا (نه شور و نه تلخ) قرار داده بخاطر اینکه انسان از خوردن و آشامیدن لذت ببرد و شوری آب چشم برای محفوظ نگه داشتن پیه چشم است و اگر آب چشم شور نبود پیه چشم آب می‌شد و از بین می‌رفت و دیگر فایده آن اینکه چشم را ضد عفونی می‌کند و اما تلخی رطوبت داخل گوش برای جلوگیری ورود حشرات و حیوانات ریزی است که از رطوبت تلخ فرار می‌کنند لذا موجودات ریز نمی‌توانند از راه گوش به مغز سر انسان راه پیدا کنند. و از اینکه آب بینی خنک است بخاطر سالم ماندن مغز سر انسان است تا سیلان پیدا نکند و الا اگر آب بینی گرم می‌بود باعث سیلان مغز و جاری شدن به داخل بینی می‌شده است.^۲

و آلا اگر اینها جابجا می‌شد مثلا آب دهان شور بود اصلا انسان از غذا خوردن لذت نمی‌برد و مرتب فشار خونس بالا می‌رفت و اگر مایع داخل گوش بجای اینکه تلخ باشد شیرین می‌بود انسان شاهد هجوم حشرات در دروازه گوشها بود و چه مصیباتی را فراهم می‌آوردند.

❁ چرا انسان‌ها از نظر شکل و قیافه با هم اختلاف دارند اما حیوانات خیلی شبیه به هم هستند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: علت این اختلاف این است که افراد بشر بخاطر زندگی اجتماعی، محتاج به شناختن یکدیگر هستند، ولی سایر حیوانات این نیازمندی را ندارند. و لذا هم قیافه بودن برای آنها مشکلی ایجاد نمی‌کند. بر خلاف انسان که گاهی هم قیافه بودن دو فرزند دوقلو که خیلی به هم شبیه هستند، مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند.^۳

❁ چرا خداوند زبان‌ها و رنگ‌های انسان‌ها را مختلف قرار داده است؟

فخر رازی در ذیل آیه «اختلاف الستکم و الوانکم» گوید: شناسایی یکدیگر برای زندگی اجتماعی ضروری است، و این شناسایی یا باید به وسیله چشم حاصل شود و یا به وسیله گوش،

۱. شگفتی‌ها و عجائب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۲۴۱.

۲. شگفتی‌ها و عجائب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۳. بحار، ج ۳، ص ۸۷-۸۸؛ بهترین راه شناخت خدا، ص ۱۶۴، محمد ری شهری.

اختلاف شکل‌ها برای تشخیص چشم، و اختلاف صداها و زبان‌ها برای تشخیص گوش است.^۱
طنطاوی در تفسیر «الجواهر» گوید: واقعیت غیر قابل تردید این است که هیچ مرد و زنی در شرق و غرب از نظر رنگ و تن صدا به دقت عقلی شبیه به یکدیگر نیستند.^۲

✽ چرا در قرآن و روایات سفارش شده که از راه اثر (جهان ماده)، پی به موثر (خدا) ببریم؟

زیرا انسان عاقل با دقت در خلقت موجودات و جانوران پی به وجود خدا و خالق آنها می‌برد به عنوان مثال یکی از دانشمندان گوید: تاکنون نزدیک به ۷۰۰۰۰۰ قسم حشره و در حدود ۲۵۰۰ نوع مار و ۲۸۹ نوع کبوتر و ۶۵ نوع چرخ ریسک و ۱۰۰ نوع کانگورو و ۲۰۰۰۰ هزار نوع عنکبوت و ۱۰۰۰۰۰ نوع پروانه و ۲۰۰۰ نوع موربانه و ۲۰۹ نوع کبک احصا شده است.^۳
از شگفتی‌های خون انسان این است که در هر میلیمتر مکعب از خون هر انسان در حدود ۴/۵ تا ۵ میلیون گلبول قرمز وجود دارد حال اگر گلبولهای قرمز یک انسان را همانند تسبیح به دنبال هم قرار بدهیم به اندازه چهار برابر محیط کره زمین می‌شود یعنی به ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر خواهد رسید.^۴

✽ چرا حشرات به طور ریز باقی می‌مانند؟

کرسی مورپسن گوید: حشرات مانند انسان دارای ریه نیستند و از مجرای لوله‌هایی که در بدن آنها تعبیه شده تنفس می‌کنند، و وقتی حشره ای رشد می‌کند و بزرگ می‌شود لوله‌های او به همان تناسب بزرگ نمی‌شود و بالنتیجه هیچ حشره ای نمی‌تواند از چند سانتی متر بزرگتر شود و بالهای خیلی بزرگ در آورد.^۵
قرآن در این باره می‌فرماید: «انا کل شیء خلقناه بقدر».^۶

✽ چرا انسان درد دندان می‌شود اما حیوانات دندان دار درد دندان نمی‌شوند؟

علت آنکه انسان درد دندان می‌شود آن است که چون در وسط دندان حفره ای پر از بافت

۱. تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۱۱۱-۱۱۲، بهترین راه شناخت خدا، ص ۱۵۸.

۲. تفسیر الجواهر، ج ۱۵، ص ۴۹۹.

۳. بهترین راه شناخت خدا، ص ۱۶۷-۱۷۰؛ به نقل از جهان حشرات، ص ۱۶۰۳ و دانستیهای جهان علم، ص ۱۹۰ و اسراری از زندگی حیوانات، ص ۱۴۲-۱۵۰-۱۹۶ و مجله شکار طبیعت، ص ۴۳-۴۴.

۴. شگفتی‌ها و عجایب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۵. بهترین راه شناخت خدا، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ راز آفرینش، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۶. قمر، آیه ۴۹.

پیوندی است که در این بافت یک سرخرگ کوچک و یک سیاهرگ کوچک و یک شبکه مویرگ و یک عصب قرار دارد که روی هم به مغز دندان معروفند لذا هرگونه ایجاد اختلال و فاسد شدن دندان توسط عصب به مغز مخابره می‌شود و انسان درد را احساس می‌کند تا در تعمیر دندان و ریشه کن کردن فساد در دندان اقدام نماید.^۱

و علت آنکه حیوانات درد دندان نمی‌شوند آن است که دندان حیوانات مستقیماً به فکها متصل است و دارای عصب نیست.^۲

اگر حیوانات هم مثل انسانها مبتلا به درد دندان می‌شدند، چه اتفاق بدی می‌افتاد و سر و صدای آنها بخاطر دندان درد گوش فلک را می‌آزرد.

❁ چرا نباید به کودکان کتک زد؟

چون در روحیه آنها اثر بدی می‌گذارد و آنها را دچار ضعف اعصاب می‌کند و سبب بی‌اشتهایی آنها می‌شود و خوابشان را کوتاه و پریشان می‌کند و حتی باعث اسهال در آنها می‌شود چون حرکات روده بزرگ و کوچک آنها زیاد می‌شود و همچنین تنبیه آنها باعث اختلالات در هضم بچه‌ها می‌شود.

و اطباء گویند: تنبیه بدنی بچه‌ها باعث می‌شود که در رشته زندگی آنها که سالم و پاک بوده کثیف و آلوده گردد که تا پایان عمر نتوان آنها را پاک نمود.^۳

ضررهای تنبیه بدنی کودکان عبارتند از: ۱. کودک به وسیله کتک خوردن عادت می‌کند که در برابر زور بدون چون و چرا تسلیم گردد. و به این منطق خو بگیرد که زور و قلدری پیروز است. ۲. کودک کتک خورده نسبت به پدر و مادر کینه و عقده پیدا می‌کند. ۳. کودک را ترسو و بزدل بار می‌آورد. ۴. تنبیهات بدنی غالباً بچه را اصلاح نمی‌کند.^۴

❁ چرا نباید در تشویق و تحسین کودکان از حد تجاوز کرد؟

زیرا ممکن است بچه را به غرور و خود بینی مبتلا سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: چه بسا افرادی که به واسطه تعریف و تمجید که در باره شان می‌شود، مغرور می‌شوند.^۵

۱. شگفتی‌ها و عجائب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۲. شگفتی‌ها و عجائب در آفرینش آسمان‌ها و زمین، ص ۱۲۳.

۳. دکتر برای همه، ص ۶۷.

۴. آیین زندگی، ص ۳۶۴-۳۶۵.

۵. بحار، ج ۷۳، ص ۲۹۵.

❁ چرا بازی برای بچه‌ها لازم و مفید است؟

بازی برای یک کودک یک ورزش طبیعی است، عضلات او را تقویت می‌کند، هوش و قوای عقلایی او را بکار می‌اندازد و نیرو می‌بخشد، عواطف و احساسات اجتماعی کودک را بیدار ساخته او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت‌ها سوق می‌دهد.

ویلیام استرن می‌نویسد: بازی یک گزینه برای رشد و نمو استعدادها بوده و یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی می‌باشد.

آلکسی ماکسیموویچ گورکی می‌نویسد: بازی راه کودکان به سوی جهان ادراک است، بازی به کودک کمک می‌کند که آداب معاشرت را فرا گیرد.^۱

❁ چرا نباید در سرزنش کودکان، کودکان دیگر را با آنها قیاس نموده و به رخ آنها کشید؟

زیرا بدین وسیله اصلاح نمی‌شوند بلکه حسودی گری در آنها پرورش می‌یابد.

❁ چرا نباید بچه‌ها را لوس و نازپروریده ببار آورد؟

زیرا عواقب و نتایج بسیار خطرناکی را در بر دارد که عبارتند از:

۱- چنین بچه‌هایی دایره خواسته‌هایشان مرتب توسعه پیدا می‌کند و روز بروز استبداد و سلطه‌طلبی آنها زیادتر می‌شود تا به صورت یک حاکم و دیکتاتور در می‌آیند.

افراد لوس و نازپروریده در تأسیس زندگی زناشویی نیز غالباً چندان موفقیتی ندارند. پسر لوس وقتی زن گرفت از همسرش توقع دارد که بیشتر از مادرش به وی اظهار محبت کند و در برابر او کاملاً مطیع باشد که گاهی زن حاضر نمی‌شود که چنین باشد و یک دختر لوس نیز وقتی به خانه بخت می‌رود از شوهرش توقع دارد که بیش از پدر و مادر به وی اظهار علاقه کند و خواسته‌هایش را بدون چون و چرا تأمین کند که گاهی طرف مقابل خلاف این را انجام می‌دهد. بدین جهت، اختلافات داخلی و کشمکش شروع می‌شود.

۲- نازپرورده‌ها غالباً روحی ضعیف و ناتوان و روانی زود رنج دارند و به نفس خویشتن اعتماد ندارند.

۳- افراد لوس و نازپرورده غالباً خود پسند و از خود راضی خواهند بود.

۴- چنین کودکانی تدریجاً بر پدر و مادر کاملاً تسلط می‌یابند.

۱. آیین زندگی، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۵- افراط در محبت گاهی به جایی می‌رسد که راضی نگه داشتن بچه را بر مصالح واقعی و تعلیم و تربیت او ترجیح می‌دهند.^۱

✽ چرا جمال معنوی مهم تر از جمال ظاهری است؟

اولا: جمال ظاهری غیر اختیاری است بخلاف جمال معنوی که اکتسابی است. ثانيا: جمال معنوی در نزد خدا فضیلت است بخلاف جمال ظاهری ثالثا: جمال معنوی پایدارتر از جمال ظاهری است. رابعا: جمال معنوی موجب نجات از مهالک دنیوی و اخروی می‌شود بخلاف جمال ظاهری که گاهی موجب گرفتاری می‌شود (مانند حضرت یوسف علیه السلام).

✽ چرا بیش از حد نباید مطالعه کرد؟

مطالعه بیش از حد ضررهایی دارد از جمله: ۱. بر روی حافظه تاثیر منفی دارد ۲. باعث خستگی و دلزدگی از مطالعه و درس می‌شود ۳. سلامت روانی را از دانش آموز سلب می‌کند و از او رفتارهای عصبی سر می‌زند.

دختران معمولا بیش از پسران درس می‌خوانند، این نوع مطالعه منجر به بروز حالات و رفتار عصبی می‌شود. این امر می‌تواند انگیزه های گوناگونی داشته باشد از جمله: رقابت و حفظ کلمه به کلمه.^۲

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

۱. آیین زندگی، ص ۱۳۱-۱۳۳.

۲. افق حوزه، شماره ۱۳، شماره پیاپی ۵۳.